

عبدالغفار

بابا غفبان

در گلستان دعا

وظیفه مؤمنان

در شناخت و دعا برای امام زمان (ع)

چاپ پنجم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در گلستان دعا با باغبان

وظیفه مؤمنان در شناخت و دعا برای امام زمان

(عجل الله تعالى فرجه الشريف)

در گستان دعا با باغبان (وظیفه مؤمنان در شناخت و دعا برای امام زمان (ع)) تدوین
هیئت عاشقان بقیه الله علیه السلام،

یا راهنمایان ما و همکاری احمد حسین زاده - قم: بنیاد پژوهش‌های علمی فرهنگی
نورالاصفیه، ۱۳۸۲. (چاپ چهارم، ۱۳۸۲).

۷۵۶ ص. جیبی ۱۸۰۰۰ ریال

شابک: ۹۶۴-۵۹۲۷-۲۶-۹

۱. دعاها، ۲. زیارتنامه‌ها، الف. هیئت عاشقان بقیه الله (ع)

۲۹۷/۷۷۲

ب عنوان: ۴ / ۸ / ۲۶۷ BP



در گستان دعا با باغبان

وظیفه مؤمنان در شناخت و دعا برای امام زمان (ع)

تدوین و تنظیم: هیئت عاشقان بقیه الله علیه السلام

ناشر: بنیاد پژوهش‌های علمی فرهنگی نورالاصفیه

۷۵۶ صفحه، جیبی ■ تیراژ: ۳۰۰۰ جلد ■ چاپ: برهان

مراکز پخش: تهران، صندوق پستی ۱۶۵۷ - ۱۴۱۵۵

قم، خیابان صفائیه، پاساژ المهدی، شماره ۱۲۹، تلفن: ۷۷۳۲۳۶۶

قم، خیابان صفائیه، کوی ۳۲، کوی میرابوطالبی، پلاک ۵۱، تلفن: ۷۷۳۱۶۲۸

چاپ: دوم با ویرایش جدید (چهارم)، پاییز ۱۳۸۲

«همه حقوق چاپ و نشر این اثر محفوظ است»

قیمت: ۱۸/۰۰۰ ریال

شابک: ۹۶۴-۵۹۲۷-۲۶-۹

سخن ناشر

گلستان دین خدا گل‌هایی رنگارنگ در خود گرفته که هر یک گوشه‌ای از آن را شکوفا نموده است، هر آنکس که با معارف ناب الهی و حقایق دقیق مطرح در آیین سبز اهل بیت علیهم‌السلام آشنایی یابد، محال است بتواند از زیبایی‌های این گلستان خداوندی چشم بسته و خار و خس‌های دیگران را دلبند خویش سازد.

اما عاشقان و شیدایان بارگاه معرفت و عشق هرگز نبایستی به شیدایی خویش بسنده نموده و از توجه به دیگر زوایای آن گلزار ناب غفلت ورزند، ایمان فراموش نمی‌کنند که این زیبایی‌ها که دیده می‌شود با تلاش‌ها و حراست‌های نخستگی ناپذیر باغبان داسوز الهی شکوفا گشته است و در برابر دیدگان ما قرار گرفته است و کیست آن باغبان و کجاست؟

این پرسش اساسی است که قرن‌های متمادی بزرگان دانش و فهم را واله و شیدای آن رخ زیبا و دل سوخته و خورشید هدایت نموده و بی‌باکانه علیهم‌السلام موینده را به نکاپو انداخته است.

ممکن است برخی کوتاه نظرانه بیان‌دیشند که تنها می‌توان بهره‌بردار از این گلزار و زیبایی‌ها بود و به دنبال آفریننده و ریشه‌ها و مبدأ آن نگشت! و آیا چنان جستجویی اصلاً بهره و فایده‌ای برای ما در بر دارد؟

اما هرگز عاقلان و اندیشوران چنان نمی‌نگرند و همواره اینان در جستجوی سرآغاز روشنایی و نور سر از پای نمی‌شناسند و از بهره‌های فراوان معرفت و کمال و شناخت امام زمان علیه‌السلام متنعم‌اند و در این کتاب که به کوشش جمعی از عاشقان حضرت بقیه علیها‌السلام در این هیئت مذهبی در مشهد مقدس گردآوری و تدوین گردیده است، بخش‌های مختلفی تقدیم گردیده که می‌تواند برای جویندگان زلال حقیقت و سروش معرفت سرآغازی نیکو و چشمه‌ای از هدایت ربانی گردیده و ما را به سوی آن غریب فاطمه علیها‌السلام و مظلوم تاریخ بشریت رهنمون گردیده و آشنایی بیشتری با آن حضرت بخشد.

در پایان با قدردانی فراوان از زحمات و ارشادات مسؤولان محترم هیئت عاشقان بقیه‌الله که در تدوین و تنظیم این کتاب زحمات بسیاری را متحمل گردیده و به حق راهنمای خوبی برای جوانان محترم آن هیئت و دیگر همکاران ما در این بنیاد علمی فرهنگی بوده‌اند، امیدواریم این کوشش ناچیز در دیگاه الهی مقبول افتد و خوانندگان عزیز نیز ما را از دعای خیر فراموش ننمایند.

اللهم تقبل منا هذا القلیل بک مکرمک العظیم و مولانا موسی بن جعفر علیهم‌السلام. آمین یارب العالمین

بنیاد پژوهش‌های علمی فرهنگی

نور الاصفیاء

مقدمه:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ وَالصَّلٰوةُ وَالسَّلَامُ عَلٰی سَیِّدِنَا وَ مَوْلَانَا مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ الطَّاهِرِیْنَ
المعصومین المنتجبین وَ اللّٰغَرُ الدائم عَلٰی اَعْدَائِهِمْ اَجْمَعِیْنَ، بَقِیةُ اللّٰهِ خَیْرٌ لَّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ
مؤمنین، قُلْ كُلٌّ یَعْمَلُ عَلٰی شَاكِلَتِهِ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَ العَزَّ وَ
اَهْلَكَ اَعْدَائِهِمْ مِنَ الْجِنِّ وَ الْاِنْسِ مِنَ الْاَوَّلِیْنَ وَ الْاٰخِرِیْنَ، اَللّٰهُمَّ كُنْ لِوَلِیِّكَ الْحُجَّةِ نَبِیِّ اَنْحَسَنِ
صَلَوَاتِكَ عَلَیْهِ وَ عَلٰی اَبَائِهِ فِی هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِی كُلِّ سَاعَةٍ وَّلِیًّا وَ حَافِظًا وَ قَائِدًا وَ نَاصِرًا وَ ذَلِیلاً وَ
عَیْنًا حَتّٰی تُسَكِّنَهُ اَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ لَیْهَا طَوِیلاً.

بحول و قوّة الهی در روز مبعث ختمی مرتبت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله در مسجد مقدس جمکران
با استعانت از حضرت حق، آغاز نوشتن پیرامون مسئله مهدویت بوقوع پیوست و پس از چندین
سال تلاش خستگی ناپذیر و جمع آوری مطالب و موضوعات حول محور مهدی فاطمه علیها السلام
سرانجام در هفتم صفر المظفر مصادف با ولادت امام هفتم موسی بن جعفر علیه السلام در همان محل
مقدس به پایان رسید، که امید قبولی آن را از درگاه ایزد منان تمنا داریم، باشد که از سر لطف
نگاهی نیز مولای غریبان حجة ابن الحسن العسکری روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء
به این ران ملخ نماید و محبت این چند ورقه ناچیز را در دل محبان و شیفتگان خود جای داد،
تابا میل و رغبت فراوان در صدد مطالعه آن برآیند و از این رهگذر کسب معرفت بیشتر پیرامون
غریب فاطمه علیها السلام و موضوعات مربوطه بآن حضرت نمایند.

در این کتاب اولاً هدف اطلاع رسانی برای عموم مردم پیرامون مسائلی چون امامت، امام عصر،
علائم ظهور، تصریح علماء بر مهدویت، فلسفه غیبت، وظائف شیعه در عصر غیبت، فوائد دعا
کردن برای ولی الله الاعظم علیه السلام و دهها موضع دیگر بوده که الحمد لله این مهم تا حدودی بوقوع
پیوسته.

ثانیاً: هم و غم عزیزان محقق بر این بوده که برای فضلاء و طلاب و اهل منبر و جوانان دانش پژوه
منبع و مأخذی بوجود آورند تا اکثر مطالب مهدویت و مشتقات و لوازم آنرا براحتی در آن پیدا
کرده و تشنگی خود را برطرف سازند.

ثالثاً: این مجموعه که مشتمل بر چند فصل می‌باشد هر فصل آن عهده‌دار امری گردیده که مهمترین آنها، فصل اول و سوم می‌باشد که هدف اصلی دو فصل ضرورت معرفت حضرت مهدی علیه السلام و فواید دعا برای آن حضرت بوده تا توجه و دعا برای آن وجود مقدس سرلوحه کارهای مشتاقان آن بیابان گرد غریب قرار گیرد و آن بزرگوار را از حاشیه زندگی خارج و وارد متن زندگی نمایند، آنگاه با تمام وجود برای آن ذخیره الهی کار کنند و خود و دیگران را از چشمه زلال مهدویت سیراب و راه هدایت را پیمایند انشاء الله تعالی.

رابعاً: در این مجموعه عزیزان دانشجو و طلاب و حقیقت جو مطالبی را بصورت دسته بندی و موجز پیش رو دارند که می‌توان ادعاء نمود به نوبه خود منحصر به فرد و قابل توجه می‌باشد و با استفاده از آنها، امکان تحقیق برای این دسته از شیفتگان امام عصر علیه السلام بستر یابی گردیده و این مجموعه گویا کلید و مشعلی می‌باشد برای ادامه کارهای تخصصی تحقیقی و تعمقی.

خامساً: نظر باینکه آدمی از حیات و ممات خود بی اطلاع و فرصت هم همچون ابر آسمان سریع از دست می‌رود و معلوم نیست که توفیق همیشه یار باشد، لذا از اطالة کلام معمولی بشری در مقدمه دست برداشته و ضمیر تشنه خود و محبان و شیفتگان آن بزرگوار را سیراب می‌نمائیم به چند فرمایشی که از آن بزرگواران پیرامون امامت و مهدویت و یاران با وفای ایشان بیان گردیده، تا با استفاده از این چشمه زلال نورانی کسب نموده و جان و دل را در راه مهدی فاطمه علیها السلام هدیه نمائیم و با علاقه وافر و ارادت فراوان مطالعه خود را در فصول مندرجه در این کتاب «گلستان دعا با باغبان» آغاز نمائیم انشاء الله تعالی و من الله التوفیق.

۱- أَبُو مُحَمَّدٍ الْقَاسِمُ بْنُ الْعَلَاءِ رَحِمَهُ اللَّهُ رَفَعَهُ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ كُنَّا مَعَ الرُّضَاءِ عليهم السلام يَمْزُو فَاَجْتَمَعْنَا فِي الْجَامِعِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فِي بَدْءِ مَقْدِمِنَا فَأَذَارُوا أَمْرَ الْإِمَامَةِ وَ ذَكَرُوا كَثْرَةَ اخْتِلَافِ النَّاسِ فِيهَا فَدَخَلْتُ عَلَى سَيِّدِي عليه السلام فَأَعْلَمْتُهُ خَوْضَ النَّاسِ فِيهِ، فَتَبَسَّمَ عليه السلام ثُمَّ قَالَ: يَا عَبْدَ الْعَزِيزِ جَهْلَ الْقَوْمِ وَ خُدْعُوا عَنْ آرَائِهِمْ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَمْ يَقْبِضْ نَبِيَّهُ عليه السلام حَتَّى أَكْمَلَ لَهُ الدِّينَ وَ أَنْزَلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنَ فِيهِ تَبَيَّنَ كُلُّ شَيْءٍ، بَيَّنَّ فِيهِ الْحَلَالَ وَ الْحَرَامَ وَ الْحُدُودَ وَ الْأَحْكَامَ وَ جَمِيعَ مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ النَّاسُ كَمَلًا، فَقَالَ عَزَّ وَ جَلَّ: مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ وَ أَنْزَلَ فِي حَبَّةِ الْوَدَاعِ وَ هِيَ آخِرُ عَمْرٍ عليه السلام: الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا وَ أَمْرَ الْإِمَامَةِ مِنْ تَمَامِ الدِّينِ وَ لَمْ يَمُضِ عليه السلام حَتَّى بَيَّنَّ لِأُمَّتِهِ مَقَالِمَ دِينِهِمْ وَ أَوْضَحَ لَهُمْ سَبِيلَهُمْ وَ تَرَكَهُمْ عَلَى قَصْدِ سَبِيلِ الْحَقِّ وَ أَقَامَ لَهُمْ عَلِيًّا عليه السلام عَلِمًا وَ إِمَامًا وَ مَا تَرَكَ لَهُمْ شَيْئًا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْأُمَّةُ إِلَّا بَيَّنَّهُ فَمَنْ زَعَمَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَمْ يَكْمُلْ دِينَهُ فَقَدْ رَدَّ كِتَابَ اللَّهِ وَ مَنْ رَدَّ كِتَابَ اللَّهِ فَهُوَ كَافِرٌ بِهِ، هَلْ يَعْرِفُونَ قَدْرَ الْإِمَامَةِ وَ مَحَلَّهَا مِنَ الْأُمَّةِ فَيَجُوزُ فِيهَا اخْتِيَارُهُمْ؟

إِنَّ الْإِمَامَةَ أَجَلٌ قَدْرًا وَأَعْظَمُ شَأْنًا وَأَعْلَى مَكَانًا وَأَمْتَعُ جَانِبًا وَأَبْعَدُ غَوْرًا مِنْ أَنْ يَبْلُغَهَا النَّاسُ بِمَقُولِهِمْ أَوْ يَسْأَلُوهَا بِأَرَائِهِمْ أَوْ يُقِيمُوا إِمَامًا بِإِخْتِيَارِهِمْ، إِنَّ الْإِمَامَةَ حَصَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهَا إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْدَ النَّبِيِّ وَالْخَلَّةِ مَرْتَبَةَ نَبِيَّةٍ وَنَسِيبَةَ شَرْفَةٍ بِهَا وَأَسَادَ بِهَا ذِكْرَهُ، فَقَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا، فَقَالَ الْخَلِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ سُورًا بِهَا وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَلا تَبْنُلْ عَهْدِي الظَّالِمِينَ،

فَأَبْطَلَتْ هَذِهِ الْآيَةَ إِمَامَةَ كُلِّ ظَالِمٍ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَصَارَتْ فِي الصَّفْوَةِ ثُمَّ أَكْرَمَهُ اللَّهُ تَعَالَى بِأَنْ جَعَلَهَا فِي ذُرِّيَّتِهِ أَهْلَ الصَّفْوَةِ وَالطُّهَارَةِ فَقَالَ وَوَعَدْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً وَكَمَلْنَا جَعْلَنَا صَالِحِينَ. وَجَعَلْنَاهُمْ أَيْمَةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ، فَلَمَّ نَزَلَ فِي ذُرِّيَّتِهِ يَرِثُهَا بَعْضٌ عَنْ بَعْضٍ قَرْنَا فَقَرْنَا، حَتَّى وَرَّثَهَا اللَّهُ تَعَالَى: النَّبِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ جَلَّ وَتَعَالَى إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ فَكَانَتْ لَهُ خَاصَّةٌ فَقَلَّدَهَا عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

بِأَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى عَلَى رَسْمِ مَا فَرَضَ اللَّهُ فَصَارَتْ فِي ذُرِّيَّتِهِ الْأَصْفِيَاءِ الَّذِينَ آتَاهُمُ اللَّهُ الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ بِقَوْلِهِ تَعَالَى: وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ لَقَدْ لَبِثْتُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَى يَوْمِ الْبَعْثِ، فَمَهِيَ فِي وَوَلِدِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَاصَّةٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِذْ لَا نَبِيَّ بَعْدَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَمِنْ أَيْنَ يَخْتَارُ هَؤُلَاءِ الْجَهْلُ؟

إِنَّ الْإِمَامَةَ هِيَ مَثَرَةُ الْأَنْبِيَاءِ وَإِزْثُ الْأَوْصِيَاءِ إِنَّ الْإِمَامَةَ خِلَافَةُ اللَّهِ وَخِلَافَةُ الرَّسُولِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَمَقَامُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَمِيرَاتُ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ،

إِنَّ الْإِمَامَةَ زِمَامُ الدِّينِ وَنِظَامُ الْمُسْلِمِينَ وَصَلَاحُ الدُّنْيَا وَعِزُّ الْمُؤْمِنِينَ، إِنَّ الْإِمَامَةَ أَسُّ الْإِسْلَامِ النَّامِي وَفَرْعُهُ السَّابِي، بِالْإِمَامِ تَمَامُ الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصِّيَامِ وَالْحَجِّ وَالْجِهَادِ وَتَوْفِيرُ الْغَنِيِّ وَالصَّدَقَاتِ وَإِنْمَاءُ الْحُدُودِ وَالْأَحْكَامِ وَمَنْعُ الشُّغُورِ وَالْأَطْرَافِ.

الْإِمَامُ يُجَلُّ حَلَالُ اللَّهِ وَيُحْرَمُ حَرَامُ اللَّهِ وَيُقِيمُ حُدُودَ اللَّهِ وَيَذُبُّ عَنِ دِينِ اللَّهِ وَيَدْعُو إِلَى سَبِيلِ رَبِّهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَالْحُجَّةِ الْبَالِغَةِ، الْإِمَامُ كَالشَّمْسِ الصَّالِحَةِ الْمَجَلَّةِ بِنُورِهَا لِلْعَالَمِ وَهِيَ فِي الْأَفْقِ بِحَيْثُ لَا تَنَالُهَا الْأَيْدِي وَالْأَبْصَارُ، الْإِمَامُ الْبَدْرُ الْمُنِيرُ وَالسَّرَاجُ الرَّاهِرُ وَالنُّورُ السَّاطِعُ وَالنَّجْمُ الْهَادِي فِي غِيَابِ الدُّجَى وَأَجْوَادِ الْبُلْدَانِ وَالْقِفَارِ وَلُجَجِ الْبِحَارِ، الْإِمَامُ الْمَاءُ الْعَذْبُ عَلَى الظَّمَا وَالذَّلَالُ عَلَى الْهَدَى وَالْمُنْجِي مِنَ الرَّدَى، الْإِمَامُ النَّارُ عَلَى الْبِقَاعِ الْحَارِّ لِمَنْ اضْطَلَّ بِهِ وَالذَّلِيلُ فِي الْمَهَالِكِ مَنْ قَارَقَهُ فَهَالِكٌ، الْإِمَامُ السَّحَابُ الْمَاطِرُ وَالْعَيْثُ الْهَاطِلُ وَالشَّمْسُ الْمُضِيئَةُ وَالسَّمَاءُ الظُّلْمِيَّةُ وَالْأَرْضُ الْبَسِيطَةُ وَالْعَيْنُ الْغَرِيبَةُ وَالْغَدِيرُ وَالرَّوَضَةُ. الْإِمَامُ الْأَنْبِيُّ الرَّفِيقُ وَالْوَالِدُ الشَّفِيقُ وَالنَّاسِحُ الشَّقِيقُ وَالنَّامُ الْبَرُّ بِالْوَالِدِ الصَّغِيرِ وَمَفْرَعُ الْعِبَادِ فِي الدَّاهِيَةِ النَّادِ.

الإمام أمين الله في خلقه و حُجَّتْ عَلَى عِبَادِهِ وَ خَلِيفَتُهُ فِي بِلَادِهِ وَ الدَّاعِي إِلَى اللَّهِ وَ الذَّابِّ
عَنْ حُرْمِ اللَّهِ الْإِمَامَ الْمُطَهَّرَ مِنَ الذُّنُوبِ وَ الْمُبْرَأَ عَنِ الْمُنْتَوِبِ الْمَخْصُوصِ بِالْعِلْمِ الْمَوْسُومِ بِالْجِلْمِ
نِظَامِ الدِّينِ وَ عِزِّ الْمُسْلِمِينَ وَ عَيْظِ الْمُنَافِقِينَ وَ بَوَارِ الْكَافِرِينَ.

الإمام واحد دهره لا يُدَانِيهِ أَحَدٌ وَ لَا يُعَادِلُهُ عَالِمٌ وَ لَا يُوجَدُ مِنْهُ بَدَلٌ وَ لَا لَهُ مِثْلٌ وَ لَا تَطْيِيرٌ
مَخْصُوصٌ بِالْفَضْلِ كُلِّهِ مِنْ غَيْرِ طَلَبٍ مِنْهُ لَهُ وَ لَا اكْتِسَابٍ بِلِ اخْتِصَاصٍ مِنَ الْمُفْضِلِ الْوَهَّابِ،
فَمَنْ ذَا الَّذِي يَبْلُغُ مَعْرِفَةَ الْإِمَامِ أَوْ يُمْكِنُهُ اخْتِيَارُهُ؟

هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ ضَلَّتِ الْعُقُولُ وَ تَاهَتِ الْحُلُومُ وَ حَارَتِ الْأَلْبَابُ وَ خَسَّتِ الْعُيُونُ وَ
تَصَاغَرَتِ الْعُظْمَاءُ وَ تَحَيَّرَتِ الْحُكَمَاءُ وَ تَقَاصَرَتِ الْحُلَمَاءُ وَ حَصِرَتِ الْخُطَبَاءُ وَ جَهَلَتِ الْأَلْبَاءُ
وَ كَلَّتِ الشُّعْرَاءُ وَ عَجَزَتِ الْأَدْبَاءُ وَ عَيَّيَتِ الْبُلَغَاءُ عَنْ وَصْفِ شَأْنٍ مِنْ شَأْنِهِ أَوْ نَصِيحَةٍ مِنْ فَصَائِلِهِ
وَ أَقْرَتْ بِالْعَجْزِ وَ التَّقْصِيرِ وَ كَيْفَ يُوَصَّفُ بِكُلِّهِ أَوْ يُنْعَتُ بِكُنْهِهِ أَوْ يُفْهَمُ شَيْءٌ مِنْ أَمْرِهِ أَوْ يُوجَدُ
مَنْ يَقُومُ مَقَامَهُ وَ يُغْنِي عَنْهُ؟ لَا كَيْفَ وَ أَنَّى وَ هُوَ بِحَيْثُ النُّجْمِ مِنْ يَدِ الْمُتَنَاوِلِينَ وَ وَصَفِ
الْوَاصِفِينَ فَأَيْنَ الْإِخْتِيَارُ مِنْ هَذَا وَ أَيْنَ الْعُقُولُ عَنْ هَذَا وَ أَيْنَ يُوجَدُ مِثْلُ هَذَا؟

أَتَظُنُّونَ أَنَّ ذَلِكَ يُوجَدُ فِي غَيْرِ آلِ الرَّسُولِ مُحَمَّدٍ؟ كَذَبْتُمْ وَ اللَّهُ أَنْفُسَهُمْ وَ مَنَّتَهُمُ الْبَاطِلِ
فَارْتَقُوا مَرْتَقاً صَعِباً دَخِضاً تَرَلُّ عَنْهُ إِلَى الْحَضِيضِ أَقْدَامُهُمْ، رَامُوا إِقَامَةَ الْإِمَامِ بِعُقُولٍ حَسَائِرٍ
بَائِرَةٍ نَاقِصَةٍ وَ آرَاءٍ مُضِلَّةٍ، فَلَمْ يَزِدُوا مِنْهُ إِلَّا بُغْداً. قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَلَى يُؤْفَكُونَ وَ لَقَدْ رَامُوا صَعِباً وَ
قَالُوا إِنْكَاراً وَ ضَلُّوا ضَلَالاً بَعِيداً وَ وَقَعُوا فِي الْحَيْرَةِ إِذْ تَرَكُوا الْإِمَامَ عَنْ بَصِيرَةٍ وَ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ
أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَ كَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ.

رَغِبُوا عَنِ اخْتِيَارِ اللَّهِ وَ اخْتِيَارِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ إِلَى اخْتِيَارِهِمْ وَ الْقُرْآنَ يَتَادِيهِمْ وَ
رَبِّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَ يَخْتَارُ، مَا كَانَ لَهُمُ الْخَيْرَةُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ تَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ وَ قَالَ عَزَّ وَ
جَلَّ: وَ مَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَ لَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخَيْرَةُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ الْآيَةُ وَ
قَالَ: مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ، إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لَمَا تَخَيَّرُونَ، أَمْ لَكُمْ أَيْمَانٌ
عَلَيْنَا بِاللَّغَةِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، إِنَّ لَكُمْ لَمَا تَحْكُمُونَ سَلِّمُوا إِلَيْهِمْ بِذَلِكَ زَعِيمٌ أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ فَلْيَأْتُوا
بِشُرَكَائِهِمْ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ.

وَ قَالَ عَزَّ وَجَلَّ: أَلَمْ يَتَدَبَّرُوا الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا أَمْ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا
يَفْقَهُونَ أَمْ قَالُوا سَمِعْنَا وَ هُمْ لَا يَسْمَعُونَ إِنَّ شَرَّ الدُّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ وَ لَوْ
عَلِمَ اللَّهُ فِيهِمْ خَيْراً لَأَسْمَعَهُمْ وَ لَوْ أَسْمَعَهُمْ لَتَوَلَّوْا وَ هُمْ مُعْرِضُونَ أَمْ قَالُوا سَمِعْنَا وَ عَصَيْنَا بَلْ هُوَ
فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ، نَكَيْفَ لَهُمْ بِاخْتِيَارِ الْإِمَامِ وَ الْإِمَامِ عَالِمٌ لَا
يَجْهَلُ وَ رَاعٍ لَا يَنْكُلُ؟ مَعْدِنُ الْقُدْسِ وَ الطَّهَارَةِ وَ النُّسْكِ وَ الرُّقَادَةِ وَ الْعِلْمِ وَ الْعِبَادَةِ مَخْصُوصٌ
بِدَعْوَةِ الرَّسُولِ ﷺ وَ نَسْلِ الْمُطَهَّرَةِ الْبَتُولِ لَا مَعْمَرَ فِيهِ فِي نَسَبٍ وَ لَا يُدَانِيهِ ذُو حَسَبٍ فِي الْبَيْتِ

مِنْ قُرَيْشٍ وَالدُّزْوَةِ مِنْ هَاشِمٍ وَالعِثْرَةَ مِنَ الرَّسُولِ ﷺ وَالرِّضَا مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ شَرَفَ الْأَشْرَافِ
وَالفَرْعَ مِنْ عَبْدِ مَنَافٍ نَامِي الْعِلْمِ كَامِلِ الْجِلْمِ مُصْطَلِحِ بِالإِمَامَةِ عَالِمِ بِالسِّيَاسَةِ مَفْرُوضِ الطَّاعَةِ
قَائِمِ بِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ نَاصِحِ لِعِبَادِ اللَّهِ حَافِظِ لِدِينِ اللَّهِ.

إِنَّ الْأَنْبِيَاءَ وَالأَئِمَّةَ ﷺ يُوفِّقُهُمُ اللَّهُ وَ يُؤَيِّبُهُمْ مِنْ مَخْزُونٍ عَلَيْهِ وَ حِكْمِهِ مَا لَا يُؤَيِّبُهُ غَيْرُهُمْ
فَيَكُونُ عِلْمُهُمْ فَوْقَ عِلْمِ أَهْلِ الزَّمَانِ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى أَمَّنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُسَبَّحَ أَمَّنْ لَا
يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِي فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ وَ قَوْلِهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: وَ مَنْ يُؤْتِ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ
خَيْرًا كَثِيرًا وَ قَوْلِهِ فِي طَالُوتَ إِنَّ اللَّهَ ابْطَغَاكُمْ عَلَيْكُمْ وَ زَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَ الْجِسْمِ وَ اللَّهُ يُؤْتِي
مُلْكَهُ مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ وَ قَالَ لِنَبِيِّهِ ﷺ أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ عَلَّمَكَ مَا لَمْ
تَكُنْ تَعْلَمُ وَ كَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا وَ قَالَ فِي الأَئِمَّةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّهِ وَ عِثْرَتِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ ﷺ
أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ آتَيْنَاهُمْ
مُلْكًا عَظِيمًا فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ بِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ صَدَّ عَنْهُ وَ كَفَىٰ بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا.

وَ إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا اخْتَارَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِأُمُورِ عِبَادِهِ شَرَحَ صَدْرَهُ لِذَلِكَ وَ أَوْدَعَ قَلْبَهُ بِسَائِعِ
الْحِكْمَةِ وَ أَلْهَمَهُ الْعِلْمَ إِلهَامًا فَلَمْ يَغِي بَعْدَهُ بِجَوَابٍ وَ لَا يُحَيِّرُ فِيهِ عَنِ الصَّوَابِ
فَهُوَ مَعْصُومٌ مُؤَيَّدٌ مُوَفَّقٌ مُسَدَّدٌ قَدْ آمَنَ مِنَ الْخَطَايَا وَ الزَّلَالِ وَ العِثَارِ يَخُصُّهُ اللَّهُ بِذَلِكَ
لِيَكُونَ حُجَّتَهُ عَلَى عِبَادِهِ وَ شَاهِدَهُ عَلَى خَلْقِهِ وَ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ
العَظِيمِ.

فَهَلْ يَقْدِرُونَ عَلَى مِثْلِ هَذَا فَيَخْتَارُونَهُ أَوْ يَكُونُ مُخْتَارَهُمْ بِهَذِهِ الصِّفَةِ فَيُقَدِّمُونَهُ تَعَدُّوا وَ بَيَّنَّ
اللَّهُ الْحَقَّ وَ تَبَدُّوا كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ وَ فِي كِتَابِ اللَّهِ الْهُدَى وَ الشِّقَاءَ
فَتَبَدُّوا وَ اتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ فَذَمَّهُمُ اللَّهُ وَ مَقْتَهُمْ وَ أَنْعَسَهُمْ فَقَالَ جَلَّ وَ تَعَالَى: وَ مَنْ أَضَلَّ مِمَّنِ اتَّبَعَ
هُوَ بِغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ وَ قَالَ فَتَنَسَأَ لَهُمْ وَ أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ وَ قَالَ كَبَّرَ
مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ وَ عِنْدَ الَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى كُلِّ قَلْبٍ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ
مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا. (۱)

عبدالعزیز بن مسلم گوید: ما در ایام حضرت رضا در مرو بودیم، در آغاز ورود، روز جمعه در
مسجد جامع انجمن کردیم، حضار مسجد موضوع امامت را مورد بحث قرار دادند و اختلاف
بسیار مردم را در آن زمینه بازگو می‌کردند، من خدمت آقایم رفتم و گفتگوی مردم را در بحث
امامت به عرضش رساندم، حضرت ﷺ لبخندی زد و فرمود: ای عبدالعزیز این مردم نفهمیدند و

از آراء صحیح خود فریب خورده و غافل گشتند. همانا خدای عزوجل پیغمبر خویش را قبض روح فرمود تا دین را برایش کامل کرد و قرآن را بر او نازل فرمود که بیان هرچیز در اوست، حلال و حرام و حدود و احکام و تمام احتیاجات مردم را در قرآن بیان کرده و فرمود (سوره ۳۸) چیزی در این کتاب فروگذار نکردیم و در حجة الوداع که سال آخر عمر پیغمبر ﷺ بود این آیه را نازل فرمود (سوره مائده آیه ۳) امروز دین شما را کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام نمودم و دین اسلام را برای شما پسندیدم و موضوع امامت از کمال دین است (تا پیغمبر ﷺ) جانشین خود را معرفی نکند تبلیغش را کامل نساخته است و پیغمبر ﷺ از دنیا نرفت تا آنکه نشانه‌های دین را برای امتش بیان کرد و راه ایشان را روشن ساخت و آنها را بر شاه راه حق واداشت و علی علیه السلام را به عنوان پیشوا و امام منصوب کرد و همه احتیاجات امت را بیان کرد. پس هرکه گمان کند خدای عزوجل دینش را کامل نکرده قرآن را رد کرده و هرکه قرآن را رد کند به آن کافر است.

مگر مردم مقام و منزلت امامت را در میان امت می‌دانند، تا روا باشد که باختیار و انتخاب ایشان واگذار شود، همانا امامت قدرش والاتر و شأنش بزرگتر و منزلتش عالی‌تر و مکانش منیع‌تر و عمقش گودتر از آن است که مردم با عقل خود به آن برسند یا با آرائشان آن را دریابند و یا با انتخاب خود امامی را منصوب کنند؟

همانا امامت مقامی است که خدای عزوجل بعد از رتبه نبوت و خلقت در مرتبه سوم به ابراهیم خلیل علیه السلام اختصاص داده و بآن فضیلت مشرفش ساخته و نامش را بلند و استوار نموده و فرموده (سوره بقره، آیه ۱۲۴) «همانا من ترا امام مردم گردانیدم» ابراهیم خلیل علیه و علی نبینا و آله السلام از نهایت خوشحالی بآن مقام عرض کرد «از فرزندان من هم؟» خدای تبارک و تعالی فرمود «پیمان و فرمان من به ستمکاران نمی‌رسد».

پس این آیه امامت را برای ستمکاران تا روز قیامت باطل ساخته و در میان برگزیدگان گذاشت، سپس خدای تعالی ابراهیم را شرافت داد و امامت را در فرزندان برگزیده و پاکش قرار داد و فرمود (سوره انبیاء، آیه ۷۳) «و اسحاق و یعقوب را اضافه باو بخشیدیم و همه را شایسته نمودیم و ایشان را امام و پیشوا قرار دادیم تا به فرمان ما رهبری کنند و انجام کارهای نیک و گزاردن نماز و دادن زکوة را بایشان وحی نمودیم، آنها پرستندگان ما بودند».

پس امامت همیشه در فرزندان او بود در دوران متوالی و از یکدیگر ارث می‌بردند تا خدای تعالی آنرا به پیغمبر صلی الله علیه و آله بارت داد و خود او جل و تعالی فرمود (سوره آل عمران، آیه ۹۸) «همانا سزاوارترین مردم با ابراهیم پیروان او و این پیغمبر و اهل ایمانند و خدا ولی مؤمنان است».

پس امامت مخصوص آن حضرت گشت و او به فرمان خدای تعالی و طبق آنچه خدا واجب

ساخته بود، آنرا بگردن علی نهاد و سپس در میان فرزندان برگزیده او که خدا بآنها علم و ایمان داده جاری گشت و خدا فرموده (سوره روم، آیه ۵۶) «آنها که علم و ایمان گرفتند، گویند در کتاب خدا تا روز رستاخیز بسر برده‌اند» پس امامت تنها در میان فرزندان علی است تا روز قیامت، زیرا پس از محمد ﷺ پیغمبری نیست، این نادانان از کجا و بچه دلیل برای خود امام انتخاب می‌کنند؟ همانا امامت مقام پیغمبران و میراث اوصیاء است، همانا امامت خلافت خدا و خلافت رسول خدا ﷺ و مقام امیرالمؤمنین علی و میراث حسن و حسین است. همانا امامت زمام دین و مایه نظام مسلمین و صلاح دنیا و عزت مؤمنین است، همانا امامت ریشه استوار اسلام و شاخه بلند آن است، کامل شدن نماز و زکوة و روزه و حج و جهاد است و بسیار شدن غنیمت و صدقات و اجراء حدود و احکام و نگهداری مرزها و اطراف بوسیله امام است، امام است که حلال خدا را حلال و حرام او را حرام کند و حدود خدا را بپا دارد و از دین خدا دفاع کند و با حکمت و اندرز و حجت رسا مردم را بطریق پروردگارش دعوت نماید.

امام مانند خورشید طالع است که نورش عالم را فراگیرد و خودش در افق است بنحویکه دستها و دیدگان بآن نرسد، امام ماه تابان، چراغ فروزان، نور درخشان و ستاره ایست راهنما در شدت تاریکی‌ها و رهگذر شهرها و کویرها و گرداب دریاها (یعنی زمان جهل و فتنه و سرگردانی مردم)، امام آب گوارای زمان تشنگی و رهبر بسوی هدایت و نجات بخش از هلاکت است، امام آتش روشن روی تپه (رهنمای گمگشتگان) است، وسیله گرمی سرمازدگان و رهنمای هلاکت گاههاست هرکه از او جدا شود هلاک گردد.

امام ابری است بارنده، بارانی است شتابنده، خورشیدی است فروزنده، سقفی است سایه دهنده، زمینی است گسترده، چشمه ایست جوشنده و برکه و گلستان است، امام همدم و رفیق، پدر مهربان، برادر برابر، مادر دلسوز بکودک، پناه بندگان خدا در گرفتاری سخت است، امام امین خداست در میان خلقش و حجت او بر بتدگانش و خلیفه او در بلادش و دعوت کننده بسوی او و دفاع کننده از حقوق او است، امام از گناهان پاک و از عیبه برکنار است، بدانش مخصوص و بخویشتن داری نشانه دار است، موجب نظام دین و عزت مسلمین و خشم منافقین و هلاک کافرین، امام یگانه زمان خود است، کسی بهم طرازی او نرسد، دانشمندی با او برابر نباشد، جایگزین ندارد، مانند و نظیر ندارد، بتمام فضیلت مخصوص است، بی آنکه خود او در طلبش رفته و بدست آورده باشد، بلکه امتیاز است که خدا بفضل و بخشش باو عنایت فرموده.

کیست که توان شناخت امام را داشته باشد یا انتخاب امام برای او ممکن باشد؟ هیئات، در اینجا خرده‌ها گمگشته، خویشتن داریها بیراهه رفته و عقلا سرگردان و دیده‌ها بی نور و بزرگان کوچک شده و حکیمان متحیر و خردمندان کوتاه فکر و خطیبان درمانده و خردمندان نادان و شعرا

وامانده و ادبا ناتران و سخندانان درمانده‌اند که بتوانند یکی از شؤن و فضائل امام را توصیف کنند، همگی بعجز و ناتوانی معترفند.

چگونه ممکن است تمام اوصاف و حقیقت امام را بیان کرد یا مطلبی از امر امام را فهمید و جایگزینی که کار او را انجام دهد برایش پیدا کرد؟ ممکن نیست، چگونه و از کجا؟! در صورتیکه او از دست یازیدن وصف‌کنندگان اوج گرفته و مقام ستاره در آسمان را دارد، او کجا و انتخاب بشر؟! او کجا و خرد بشر؟! او کجا و ماندی برای او؟! گمان برند که امام در غیر خاندان رسول‌خدا محمد ﷺ یافت شود؟! بخدا که ضمیرشان بخورد آنها دروغ گفته و بیهوده آرزو بردند، بگردنه بلند و لغزنده‌ای که به پائین می‌لغزند رفتند و خواستند که به خرد گمگشته و ناقص خود و با آراء گمراه کننده خویش نصب امام کنند و جز دوری از حق بهره نبردند [خدا آنها را بکشد؛ بکجا منحرف می‌شوند؟!] آهنگ مشکلی کردند و دروغی پرداختند و بگمراهی در وی افتادند و در سرگردانی فرورفتند که با چشم بینا امام را ترک گفتند (سوره عنکبوت، آیه ۲۸) «شیطان کردارشانرا در نظرشان بیاراست و از راه منحرفشان کرد با آنکه اهل بصیرت بودند».

از انتخاب خدا و انتخاب رسول خدا ﷺ و اهل بیتش روی گردان شده و به انتخاب خود گزاشیدند، در صورتیکه قرآن صدا برآورد که (سوره قصص، آیه ۶۶) «پروردگارت هرچه خواهد بیافریند و انتخاب کند اختیار بدست آنها نیست خدا از آنچه با او شریک می‌کنند منزّه و والاست» و باز خدای عزوجل فرماید (سوره احزاب، آیه ۳۶) «هیچ مرد و زن مؤمنی حق ندارد که چون خدا و پیغمبرش چیزی را فرمان دادند، اختیار کار خویش داشته باشد» و فرموده است (سوره قلم، آیه ۳۶) «شما را چه شده، چگونه قضاوت می‌کنید؟! مگر کتابی دارید که آنرا می‌خوانید، تا هرچه خواهید انتخاب کنید در آن کتاب بیابید، یا برای شما تا روز قیامت بر عهده ما پیمانهای رسا هست که هرچه قضاوت کنید حق شماست، از آنها پیرس کدامشان متعهد این مطلب است و یا مگر شریکانی دارید، اگر راست گویند شریکان خویش بیاورند و باز خدای عزوجل فرموده است (سوره محمد، آیه ۲۱۴) «چرا در قرآن اندیشه نمی‌کنند یا مگر بر دلها قفل دارند» و فرموده مگر خدا بر دلهایشان مهر نهاده که نمی‌فهمند و یا (سوره انفال، آیه ۲۰) گفتند شنیدیم ولی نمی‌شنیدند و همان بدترین جانوران بنظر خدا مردم کر و لالند که تعقل نمی‌کنند و اگر خدا در آنها خیری سراغ داشت به آنها شنوایی می‌داد و اگر شنوایی هم می‌داشتند پشت می‌کردند و روی گردان بودند و یا گفتند شنیدیم و نافرمانی کردیم (منصب امامت اکتسابی نیست) بلکه فضلی است از خدا که به هرکس خواهد می‌دهد.

پس چگونه ایشان را رسد که امام انتخاب کنند؟ در صورتیکه امام عالمی است که نادانی ندارد سرپرستی است که عقب نشینی ندارد، کانون قدس و پاکی و طاعت و زهد و علم و عبادت است.

دعوت پیغمبر به او اختصاص دارد، از نژاد پاک فاطمه بتول است، درد و درمانش جای طعن و سرزنش نیست و هیچ شریف نژادی باو نرسد، از خاندان قریش و کنگره هاشم و عترت پیغمبر و پسند خدای عزوجل است برای اشراف شرف است و زاده عبد منافست، علمش در ترق حلمش کاملست، در امامت قوی در سیاست عالم است اطلاعاتش واجب است به امر خدای عزوجل قائم است خیرخواه بندگان خدا و نگهبان دین خدا است.

خدا پیغمبران و امامان را توفیق بخشیده و از خزانه علم و حکم خود آنچه بدیگران نداده، به آنها داده از این جهت علم آنها برتر از علم مردم زمانشان باشد که خدای تعالی فرموده (سوره یونس، آیه ۳۵) «آیا کسی که سوی حق هدایت می‌کند شایسته‌تر است که پیرویش کنند یا کسیکه هدایت نمی‌کند جز اینکه هدایت شود، شما را چه شده؟ چگونه قضاوت می‌کنید؟! و گفته دیگر خدای تعالی (سوره بقره، آیه ۳۵۹) «هر که را حکمت دادند خیر بسیاری دادند» و باز گفته خدای تعالی درباره جناب طالوت (سوره بقره، آیه ۲۴۷) «خدا او را بر شما برگزید و به علم و تن بزرگیش افزود خدا منک خویش را بهر کس که بخواهد می‌دهد و خدا وسعت بخش و دانا است» و به پیغمبر خویش ﷺ فرمود (سوره نساء، آیه ۱۱۳) «خدا بر تو کتاب و حکمت نازل کرد و آنچه را نمیدانستی بتو تعلیم داد، کرم خدا نسبت بتو بزرگ بود» و نسبت بامامان از اهل بیت و عترت و ذریه پیغمبر ﷺ فرمود (سوره نساء، آیه ۵۴) و یا بمردم نسبت به آنچه خدا از کرم خویش بایشان داده حسد می‌برند؟ حقا که ما خاندان ابراهیم را کتاب و حکمت دادیم، و بآنها ملک عظیمی دادیم کسانی به آن گرویدند و کسانی از آن روی گردانیدند و جهنم آنها را بس افروخته آتشی است».

همانا چون خدای عزوجل بنده‌ای را برای اصلاح امور بندگانش انتخاب فرماید سینه‌اش را برای آن کار باز کند و چشمه‌های حکمت در دلش گذارد و علمی باو الهام کند که از آن پس از پاسخی درنماند و از درستی منحرف نشود، پس او معصوم است و تقویت شده و با توفیق و استوار گشته، از هرگونه خطا و لغزش و افتادنی درامان است، خدا او را باین صفات امتیاز بخشیده تا حجت رسای او باشد بر بندگانش و گواه بر مخلوقش و این بخشش و کرم خداست بهر که خواهد عطا کند و خدا داری کرم بزرگیست» آیا مردم چنین قدرتی دارند که بتوانند چنین کسی را انتخاب کنند و یا ممکن است انتخاب شده آنها اینگونه باشد تا او را پیشوا سازند؟

به خانه خدا سوگند که این مردم از حق تجاوز کردند و کتاب خدا را پشت سر انداختند مثل اینکه نادانند، در صورتیکه هدایت و شفا در کتاب خداست، اینها کتاب خدا را پرتاب کردند و از هوس خود پیروی نمودند، خدای جل و تعالی هم ایشان را نکوهش نمود و دشمن داشت و تباهی داد و فرمود: (سوره قصص، آیه ۵۰) «ستمگرنتر از آنکه هوس خویش را بدون هدایت خدای پیروی

کند کیست؟ خدا گروه ستمکاران را هدایت نمی‌کند» و فرمود: (سوره محمد، آیه ۷) «تباهی باد بر آنها و اعمالشان نابود شود» و فرمود: (سوره غافر، آیه ۳۵) «بزرگست در دشمنی نزد خدا و نزد مؤمنان. خدا اینگونه بر هر دل گردنکش جباری مهر می‌نهد» درود و سلام فراوان خدا بر محمد پیغمبر و خاندان او.

سَأَلَ رَجُلٌ فَارِسِيٌّ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام فَقَالَ: طَاعَتُكَ مُفْتَرَضَةٌ؟ فَقَالَ: نَعَمْ قَالَ: مِثْلُ طَاعَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام فَقَالَ: نَعَمْ.

مردی فارسی از امام کاظم عليه السلام پرسید اطاعت شما واجب است؟ فرمود آری، گفت: مثل اطاعت علی بن ابیطالب عليه السلام فرمود: آری. (۱)

عن ابی بصیر عن ابی عبد الله عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْإِيْمَةِ هَلْ يَجْزُونَ فِي الْأَمْرِ وَالطَّاعَةِ مَجْرَى وَاحِدٍ؟ قَالَ: نَعَمْ.

ابوبصیر گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: همه امامان در فرمان و وجوب اطاعت یکسانند؟ فرمود: آری. (۲)

عن محمد بن الفضیل قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ أَفْضَلِ مَا يَتَّقَرَّبُ بِهِ الْعِبَادُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ: أَفْضَلُ مَا يَتَّقَرَّبُ بِهِ الْعِبَادُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ طَاعَةُ اللَّهِ وَ طَاعَةُ رَسُولِهِ وَ طَاعَةُ أَوْلَى الْأَمْرِ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: حُبُّنَا إِيْمَانٌ وَ بُغْضُنَا كُفْرٌ

ابن فضیل گوید: از امام باقر عليه السلام پرسیدم بهترین وسیله تقرب بندگان بخدای عزوجل چیست؟ فرمود بهترین وسیله تقرب بندگان بسوی خدای عزوجل اطاعت خدا و اطاعت رسول و اطاعت والیان امر است، امام باقر عليه السلام فرمود: دوستی ما ایمان و دشمنی ما کفر است. (۳)

عن ابی خالد الکابلی قَالَ سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا» فَقَالَ: يَا أَبَا خَالِدٍ النَّورُ وَاللَّهُ الْأَيْمَةُ مِنَ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ هُمْ وَاللَّهُ نُورُ اللَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ وَ هُمْ وَاللَّهُ نُورُ اللَّهِ فِي السَّمَوَاتِ وَ فِي الْأَرْضِ وَ اللَّهُ يَا أَبَا خَالِدٍ لِنُورِ الْإِمَامِ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ أَنْوَرُ مِنْ الشَّمْسِ الْمُضِيئَةِ بِالنَّهَارِ وَ هُمْ وَاللَّهُ يُنَوِّرُونَ قُلُوبَ الْمُؤْمِنِينَ وَ يَحْجُبُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ نُورَهُمْ عَمَّنْ يَشَاءُ فَتُظْلَمُ قُلُوبُهُمْ وَ اللَّهُ يَا أَبَا خَالِدٍ لَا يُحِبُّنَا عَبْدٌ وَ يَتَوَلَّانَا حَتَّى يُطَهَّرَ اللَّهُ قَلْبَهُ وَ لَا يُطَهِّرُ اللَّهُ قَلْبَ عَبْدٍ حَتَّى يُسَلِّمَ لَنَا وَ يَكُونَ لَنَا فَإِذَا كَانَ سَلْمًا لَنَا سَلَّمَ اللَّهُ مِنْ شَدِيدِ الْحِسَابِ وَ أَمَنَهُ مِنْ فَرَعِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ الْأَكْبَرِ.

ابو خالد کابلی گوید از امام باقر عليه السلام پرسیدم تفسیر قول خدای عزوجل را (سوره تغابن، آیه ۸)

«بخدا و رسولش و نوری که فرستاده‌ایم ایمان آورید» فرمود: ای ابا خالد بخدا سوگند که مقصود از نور ائمه از آل محمد علیهم‌السلام باشند تا روز قیامت، بخدا که ایشانند همان نور خدا که فرو فرستاده، بخدا که ایشانند نور خدا در آسمانها و زمین، بخدا ای اباخالد، نور امام در دل مؤمنین از نور خورشید تابان در روز، روشنتر است، بخدا که ائمه دلهای مؤمنین را منور سازند و خدا از هر کس خواهد نور ایشانرا پنهان دارد، پس دل آنها تاریک گردد، بخدا ای اباخالد بنده‌ای ما را دوست ندارد و از ما پیروی نکند تا اینکه خدا قلبش را پاکیزه کرده باشد و خدا قلب بنده‌ای را پاکیزه نکند تا اینکه با ما خالص شده باشد و آشتی کرده باشد (یکرنگ شده باشد و سازگار) و چون با ما سازش کرد خدا از حساب سخت نگاهش دارد و از هراس بزرگ روز قیامت ایمنش سازد. (۱)

عن خُثَيْمَةَ قَالَ: لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَا خُثَيْمَةَ نَحْنُ شَجَرَةُ النَّبُوَّةِ وَبَيْتُ الرَّحْمَةِ وَمَفَاتِيحُ الْحِكْمَةِ وَمَعْدِنُ الْعِلْمِ وَمَوْضِعُ الرِّسَالَةِ وَمُخْتَلِفُ الْمَلَائِكَةِ وَمَوْضِعُ سِرِّ اللَّهِ وَنَحْنُ وَدِبْعَةُ اللَّهِ فِي عِبَادِهِ وَنَحْنُ حَرَمُ اللَّهِ الْأَكْبَرُ وَنَحْنُ ذِمَّةُ اللَّهِ وَنَحْنُ عَهْدُ اللَّهِ، فَمَنْ وَفَى بِعَهْدِنَا فَقَدْ وَفَى بِعَهْدِ اللَّهِ وَ مَنْ خَفَرَهَا فَقَدْ خَفَرَ ذِمَّةَ اللَّهِ وَ عَهْدَهُ. (۲)

خیشمه گوید: امام صادق علیه السلام بمن فرمود: ای خیشمه، ما درخت نبوت و خانه رحمت و کلید حکمت و کانون دانش و محل رسالت و آمد و شد فرشتگان و محل راز خدائیم، ما هستیم امانت خدا در میان بندگان و ما هستیم حرم بزرگ خدا، ما هستیم امان خدا، ما هستیم پیمان خدا، هر که به پیمان ما وفا کند به پیمان خدا وفا کرده و هر که با ما پیمان شکنی کند، پیمان و عهد خدا را شکسته است.

قال الصادق عليه السلام: مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً.

امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است. (۳)

قال الامام موسى بن جعفر عليه السلام: إِنَّ الْحُجَّةَ لَا تَقُومُ لِلَّهِ عَلَى خَلْقِهِ إِلَّا بِإِمَامٍ حَتَّى يُعْرَفَ.

امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: حجت خدا بر خلقش بر پا نگردد جز به وجود امام، تا شناخته شود. (۴)

قال الصادق عليه السلام: الْحُجَّةُ قَبْلَ الْخَلْقِ وَ مَعَ الْخَلْقِ وَ بَعْدَ الْخَلْقِ.

امام صادق علیه السلام فرمود: حجت خدا پیش از خلق بوده و با خلق می‌باشد و بعد از خلق هم خواهد بود. (۵)

۱- کافی ج ۱ ص ۲۷۶.

۲- کافی ج ۱ ص ۲۵۱.

۳- کافی ج ۱ ص ۳۷۱.

۴- کافی ج ۱ ص ۲۵۱.

قال الباقر عليه السلام: لَوْ أَنَّ الْإِمَامَ رَفِعَ مِنَ الْأَرْضِ سَاعَةً، لَمَاجَتْ بِأَهْلِهَا كَمَا يَمُوجُ الْبَحْرُ بِأَهْلِهِ.
 امام باقر عليه السلام فرمودند: چنانچه امام از زمین بر گرفته شود زمین با اهلس مضطرب گردد و چنانچه امواج دریا اهلس را فرو می برد. (۱)

قال الصادق عليه السلام: إِنَّ أَخْرَجَ مَنْ يَمُوتُ الْإِمَامَ، لِئَلَّا يَحْتَجَّ أَحَدٌ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنَّهُ تَرَكَهُ بِغَيْرِ حُجَّةٍ اللَّهُ عَلَيْهِ.

امام صادق عليه السلام فرمودند: آخرین کسی که بمیرد امام است تا کسی بر خدای عزوجل احتجاج نکند که او را بدون حجت وا گذاشته است. (۲)

قال الباقر عليه السلام: لَا يَكُونُ الْعَبْدُ مُؤْمِنًا حَتَّى يَعْرِفَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالْأَيُّمَةَ كُلَّهُمْ وَإِمَامَ زَمَانِهِ وَيُرِدُّ إِلَيْهِ وَيَسَلِّمَ لَهُ.

امام باقر عليه السلام فرمودند: بنده خدا مؤمن نباشد تا اینکه خدا و رسولش صلی الله علیه و آله و همه ائمه عليهم السلام و امام زمانش را بشناسد و در امورش به امام زمانش رجوع کند و تسلیمش باشد. (۳)

قال الباقر عليه السلام: الْحَسَنَةُ مَعْرِفَةُ الْوَلَايَةِ وَحُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَالسَّيِّئَةُ انْتِكَارُ الْوَلَايَةِ وَبُغْضُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ.

امام باقر عليه السلام فرمودند: کار نیک شناختن ولایت و دوستی ما اهل بیت است و کار بد انکار ولایت و دشمنی ما اهل بیت است. (۴)

قال الصادق عليه السلام: جَعَلَهُمُ اللَّهُ أَرْكَانَ الْأَرْضِ أَنْ تَمِيدَ بِهِمْ.

امام صادق عليه السلام فرمودند: خدا ایشان (ائمه عليهم السلام) را ارکان زمین قرار داد تا اهلس را نجانباند. (۵)

قال الباقر عليه السلام: لَيْسَ عِنْدَ أَحَدٍ مِنَ النَّاسِ حَقٌّ وَلَا صَوَابٌ وَ... إِلَّا مَا خَرَجَ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ.

امام باقر عليه السلام فرمودند: هیچ مطلب حق و درستی نزد کسی نیست، مگر اینکه از نزد ما اهل بیت صادر شده باشد. (۶)

قال الصادق عليه السلام: إِنَّ الْإِمَامَ إِذَا شَاءَ أَنْ يَغْلَمَ عَلَّمَ.

امام صادق عليه السلام فرمودند: امام هرگاه بخواهد بداند می داند (به او تعلیم داده میشود بوسیله خداوند). (۷)

قال الباقر عليه السلام: لَا وَاللَّهِ لَا يَكُونُ عَالِمٌ جَاهِلًا أَبَدًا عَالِمًا بِشَيْءٍ جَاهِلًا بِشَيْءٍ.

۲- کافی ج ۱ ص ۲۵۴.

۴- کافی ج ۱ ص ۲۸۲.

۶- کافی ج ۱ ص ۲۵۱.

۱- کافی ج ۳ ص ۲۵۳.

۳- کافی ج ۱ ص ۲۵۵.

۵- کافی ج ۱ ص ۲۵۱.

۷- کافی ج ۱ ص ۳۸۲.

امام باقر علیه السلام فرمودند: بخدا قسم عالم (یعنی امام علیه السلام) هرگز جاهل نباشد امکان ندارد بچیزی علم داشته باشد و بچیزی جاهل باشد. (۱)

قال الصادق علیه السلام: الْأُيْمَةُ بِمَنْزِلَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَّا أَنَّهُمْ لَيْسُوا بِأَنْبِيَاءِ.

امام صادق علیه السلام فرمودند: ائمه مقام و منزلت رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را دارند ولی آنها پیغمبر نیستند. (۲)

قال الباقر علیه السلام: إِنَّ اللَّهَ خَلَقَنَا مِنْ أَعْلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي تَالِبٍ وَ خَلَقَ قُلُوبَ شِيعَتِنَا مِمَّا خَلَقْنَا.

امام باقر علیه السلام فرمودند: بدرستی که خداوند ما را از اعلی علی بن ابی طالب و دل‌های شیعیان ما را از آنچه ما را آفریده آفرید. (۳)

قال الصادق علیه السلام: إِنَّ حَدِيثَنَا صَغْبٌ مُسْتَضَعَبٌ لَا يَخْتَمِلُهُ إِلَّا صُدُورٌ مُنِيرَةٌ أَوْ قُلُوبٌ سَلِيمَةٌ أَوْ أَخْلَاقٌ حَسَنَةٌ.

امام صادق علیه السلام فرمودند: بتحقیق حدیث ما دشوار است تحمل آنرا ندارد جز سینه‌های نورانی یا دل‌های سالم یا اخلاق نیکو. (۴)

قال الصادق علیه السلام: وَلَا يَتَنَا وَلَا يَتَنَا وَاللَّهِ الَّتِي لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا إِلَّا بِهَا.

امام صادق علیه السلام فرمودند: ولایت ما همان ولایت خداست که هیچ پیامبری را جز به آن مبعوث نساخت. (۵)

قال الباقر علیه السلام: إِنَّ اللَّهَ أَخَذَ مِيثَاقَ شِيعَتِنَا بِوَلَايَةِ لَنَا وَ هُمْ ذُرِّيَّةُ يَوْمَ أَخَذَ الْمِيثَاقَ عَلَى الذُّرِّ.

امام باقر علیه السلام فرمودند: بتحقیق خداوند از شیعیان آنگاه که در عالم ذر بودند بولایت ما پیمان گرفت روزیکه از همه در عالم ذر پیمان گرفت. (۶)

قال رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: هُوَ مِنْ وَادِيٍّ وَ وُلْدُهُ يَزُدُّ جَزْدُ بَنِي شَهْرِيَارَ.

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: او (مهدی) از نسل من و از تبار یزدجرد بن شهریار است (حضرت شهریار مادر امام سجاد علیه السلام دختر یزدگرد سوم بوده‌اند). (۷)

قال الصادق علیه السلام: هُوَ فِي الذُّرِّ مِنَ قَرْنَيْشٍ وَ الشَّرَفِ مِنَ هَاشِمٍ وَ الْبَقِيَّةِ مِنْ إِبْرَاهِيمَ.

امام صادق علیه السلام فرمودند: او (مهدی) والاترین از قریش و گرامی‌ترین از بنی هاشم و تنها بازمانده ابراهیم خلیل الرحمن علیه السلام است. (۸)

قال الصادق علیه السلام: هُوَ الْمَقْرُوحُ الْكَرْبِ عَنْ شِيعَتِهِ بَعْدَ ضَنْكٍ شَدِيدٍ وَ بَلَاءٍ طَوِيلٍ وَ جَوْرِ.

۱- کافی ج ۱ ص ۳۹۱.

۲- کافی ج ۱ ص ۳۹۴.

۳- کافی ج ۱ ص ۲۵۵.

۴- کافی ج ۱ ص ۲۳۴.

۵- کافی ج ۲ ص ۳۲۱.

۶- کافی ج ۱ ص ۳۱۹.

۷- روزگار رهایی ص ۹۷.

۸- روزگار رهایی ص ۹۵.

امام صادق علیه السلام فرمودند: او (مهدی) بر طرف کتنده رتجها و اندوهها از شیعیان است بعد از اندوهی سخت و بلائی طولانی و ستمی جانکاه. (۱)

قال المهدي عليه السلام: لَوْ أَنَّ أَشْيَانَنَا وَفَقَهُمُ اللَّهُ لَطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعٍ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمَنُ بِلِقَائِنَا.

امام عصر علیه السلام در توفیق شریف فرمودند: اگر شیعیان ما که خداوند بر توفیق طاعت خویش آنها را موفق گرداند در راه و قا به پیمانی که بر دوش دارند همدل می شدند، میمنت دیدار ما از ایشان به تأخیر نمی افتاد. (۲)

قال الصادق عليه السلام: صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ يَتَرَدَّدُ بَيْنَهُمْ وَيَمْشِي فِي أَسْوَاقِهِمْ وَيَطَأُ فُرُشَهُمْ وَلَا يَعْرِفُونَهُ. امام صادق علیه السلام فرمودند: صاحب امر در میان آنها راه می رود و در بازارشان رفت و آمد می کند و روی فرشهایشان گام برمی دارد ولی او را نمی شناسند. (۳)

قال المهدي عليه السلام: وَ أَمَّا وَجْهُ الْإِنْتِفَاعِ بِهِ فِي غَيْبَتِي فَكَالْإِنْتِفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذْ غَيْبَتْهَا عَنِ الْأَبْصَارِ الشَّحَابُ.

امام زمان علیه السلام فرمودند: اما چگونگی بهره مندی از من در زمان غیبتم مانند بهره مندی مردم از خورشید پشت ابر می باشد. (۴)

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: كَانَتْ فِي أُمَّتِي مَا كَانَ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ حَذْوِ النَّعْلِ بِالنَّعْلِ وَالْقُدَّةِ بِالْقُدَّةِ وَإِنَّ الثَّانِي عَشَرَ مِنْ وُلْدِي يَغِيبُ حَتَّى لَا يُرَى.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: آنچه در میان بنی اسرائیل واقع شد در میان امت من نیز مو به مو واقع می شود دوازدهمین فرزند من از دیده ها غایب می گردد. (۵)

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ أَنْكَرَهُ فِي غَيْبَتِهِ فَقَدْ أَنْكَرَنِي. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هرکس او (مهدی) را در زمان غیبتش انکار کند مرا انکار نموده است. (۶)

قال الصادق عليه السلام: طَوْبٌ لِشِيعَةِ قَائِمِنَا الْمُنتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ فِي غَيْبَتِهِ وَالْمُطِيعِينَ لَهُ فِي ظُهُورِهِ أَوْلِيكَ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لِأَخْوَفِ عَلَيْهِمْ وَ لِأَهْمِ يَحْزَنُونَ.

امام صادق علیه السلام فرمودند: خوشا بحال شیعه قائم ما که منتظر ظهورش هستند و در زمان ظهور مطیع محض او می باشند آنها اولیاء خدا هستند که نه خوفی دارند و نه حزنی. (۷)

۲- بحار ج ۵۳ ص ۱۷۷.

۱- روزگار رهایی ص ۳۸۱.

۴- مکیال ج ۱ ص ۵۱.

۳- بحار ج ۵۲ ص ۱۵۴.

۶- کمال الدین ص ۴۱۱.

۵- بحار ج ۵۲ ص ۱۲۷.

۷- مکیال ج ۲ ص ۱۴۶.

قال المهدي عليه السلام: إن أبي صلوات الله عليه عهد إلي أن لا أوطن من أرض الله إلا إحقاقها وأفضاها
إشزاراً لأمری.

امام زمان علیه السلام فرمودند: پدرم که درود خدا بر او باد با من عهد بسته که در روی زمین خدا دورترین
و مخفی ترین آنرا برای اقامت خود برگزینم تا امر من پوشیده ماند. (۱)

قال امیر المؤمنین علیه السلام: فهو مغترب إذا اغترب الإسلام و ضرب بعصیب ذنیه و الصق الأرض
بجزایه.

امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: او (مهدی) غریب است موقعی که اسلام غریب شود مانند شتر
رنجور دم خود را به زمین زند و سینه اش را به زمین چسباند. (۲)

قال امیر المؤمنین علیه السلام: صاحب هذا الأمر الشریط الطریط القریط الوحید.

امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: صاحب این امر (مهدی) تنها، کنار گذاشته شده، یگانه و غریب
است. (۳)

قال الکاظم علیه السلام: هو الطریط الوحید الغریب الغائب عن أهله المتوثر بآبیه.

امام کاظم علیه السلام فرمودند: او (مهدی) رانده شده، تنها، غریب، پنهان از اهلش می باشد که خونخواه
پدرش می باشد. (۴)

قال الصادق علیه السلام: من سرة أن یكون من أصحاب القائم فلیتظر و یعمل بالووع و محاسن
الأخلاق و هو منتظر.

امام صادق علیه السلام فرمودند: هرکس دوست دارد از اصحاب قائم باشد؛ پس باید انتظار بکشد و با
پرهیزگاری و اخلاق نیک رفتار نماید، در حالیکه منتظر باشد. (۵)

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: طوبی لمن أدرك قائم أهل بیته و هو مقتد به قبل قیامه.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: خوشا بحال آن کسیکه حضرت قائم علیه السلام را درک کند در حالیکه در زمان
غیبت او را پیروی کرده باشد. (۶)

قال الصادق علیه السلام: سیدی غیبتک نعت زنادی و ضیعت علی میهادی و ابتزت منی فوادى سیدی
غیبتک و صلت مضابی بفجائع الآبد.

امام صادق علیه السلام خطاب به امام زمان علیه السلام فرمودند: سرور من غیبت تو خواب را از دیدگانم ربوده و
خاطرم را پریشان ساخته و آرامش دلم را از من سلب نموده است، سرور من غیبت تو مصیبتی
جانکاه بر سراسر هستی ام فرور ریخته که هرگز تسلی نمی یابم. (۷)

۲- نهج البلاغه ص ۲۶۲.

۱- بحار ج ۵۲ ص ۳۴.

۴- مکیال ج ۱ ص ۱۳۹.

۳- مکیال ج ۱ ص ۱۲۹.

۶- کمال الدین ص ۲۸۷.

۵- مکیال ج ۱ ص ۱۵۱.

۷- روزگار رهائی ص ۲۲۵.

قال السجادة عليه السلام: إِنَّ أَهْلَ زَمَانٍ غَيْبِيهِ وَ الْقَائِلِينَ بِإِمَامِيهِ وَ الْمُتَنْظِرِينَ لِظُهُورِهِ أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ.

امام سجاده عليه السلام فرمودند: اهل زمان غیبت که قائل به امامت او و منتظر اویند از مردمان هر زمانی بهتر می باشند. (۱)

قال الصادق عليه السلام: لَا يَثْبُتُ عَلَى إِمَامِيهِ إِلَّا مَنْ قُوِيَ يَقِينُهُ وَ صَحَّتْ مَعْرِفَتُهُ.

امام صادق عليه السلام فرمودند: بر امامت او (مهدی) استوار نمی ماند به جز کسیکه یقینش بسیار قوی و معرفتش نسبت به او صحیح باشد. (۲)

قال الباقر عليه السلام: فَإِذَا تَحَرَّكَ مُتَحَرِّكُنَا فَاسْعَوْا إِلَيْهِ وَ كُونُوا حَبْوًا.

امام باقر عليه السلام فرمودند: هنگامی که قیام کننده ما قیام کرد به سوی او بشتابید اگرچه روی زمین کشیده شوید (سینه خیز بروید). (۳)

قال امير المؤمنين عليه السلام: أَلَا يَا بِي وَ أُمِّي مِنْ عِدَّةِ أَسْمَاءُ هُمْ فِي السَّمَاءِ مَعْرُوفَةٌ وَ فِي الْأَرْضِ مَجْهُولَةٌ.

امیرالمؤمنین عليه السلام فرمودند: پدر و مادرم فدای گروهی باد که اسامی آنها (یاوران حضرت قائم عليه السلام) در آسمان معروف است و در زمین ناشناخته اند. (۴)

قال امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّهُمْ لَمُتَّقِدُونَ عَنْ فِرَاشِهِمْ لَيْلًا قَيْضِيحُونَ بِمَكَّةَ وَ بَغَضُهُمْ يَسِيرٌ فِي السَّحَابِ نَهَارًا.

امیرالمؤمنین عليه السلام فرمودند: آنها (یاوران حضرت) شبانه از رختخوابهایشان ناپدید می شوند و صبح در مکه حاضر می شوند و برخی از آنها در روز روشن بر فراز ابرها راه می روند. (۵)

قال امير المؤمنين عليه السلام: قَوْمٌ لَمْ يَمُتُوا عَلَى اللَّهِ بِالصَّبْرِ وَ لَمْ يَسْتَغْفِرُوا بِذَلِّ أَنْفُسِهِمْ فِي الْحَقِّ.

امیرالمؤمنین عليه السلام فرمودند: آنها (یاوران حضرت) قومی هستند که با صبر و شکیبایی خود بر خدا منت نمی گذارند و جانبازی خود را در راه حق بزرگ نمی شمارند. (۶)

قال امير المؤمنين عليه السلام: أَصْحَابُ الْقَائِمِ شَبَابٌ لَا كَهَوْلَ فِيهِمْ إِلَّا مِثْلَ الْكَهْلِ فِي الْعَيْنِ وَ الْعِلَجِ الزَّادِ وَ أَقْلُ الزَّادِ الْعِلَجُ.

امیرالمؤمنین عليه السلام فرمودند: اصحاب حضرت قائم عليه السلام همه جوان هستند در میان آنها پیرمرد یافت نمی شود به جز مانند سرمه در چشم و نمک در طعام که کمتر از هر چیز نمک در طعام است. (۷)

۲- روزگار رهائی ص ۳۷۸.

۴- روزگار رهائی ص ۴۱۴.

۶- روزگار رهائی ص ۴۱۴.

۱- روزگار رهائی ص ۳۷۱.

۳- روزگار رهائی ص ۴۲۰.

۵- روزگار رهائی ص ۴۱۲.

۷- روزگار رهائی ص ۴۱۵.

قال الصادق عليه السلام: أَمَا إِنِّي لَوْ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ لَأَسْتَبَقِيَتْ نَفْسِي لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ.

امام صادق عليه السلام فرمودند: بخدا سوگند من اگر آن روز را درک می‌کردم جانم را برای حضرت صاحب الامر عليه السلام فدا می‌کردم. (۱)

در پایان سخن دو نکته را یادآور می‌شویم:

نخست آنکه: ای محبتان امام زمان عليه السلام! سلسله احادیثی را که مشاهده نمودید، بحول و قوه الهی احادیث طوری انتخاب شده بود که هر حدیثی، مطلب و حدیث قبلی را کامل و در عین حال مطلب جدیدی را نیز ارائه کرده و خواننده را تشویق به تلاوت سایر احادیث می‌نمود، لذ هرکسی که با تأمل این احادیث را مورد نظر قرار دهد، یقیناً معرفت فراوانی کسب خواهد نمود و ضمیر تشنه خود را از این رهگذر سیراب خواهد ساخت.

نکته دوم: آنکه در بخش فواید دعا برای امام زمان عليه السلام برخی از فواید و ثوابهایی که آمده است تحت عنوان ثواب تکریم عالم، صله رحم، احترام مؤمن، وفای به عهد، خوشحال نمودن مؤمن، یاری مظلومان و نیکی بوالدین و... می‌باشد که ممکن است ابتداءً در نظر عزیزان خواننده این پرسش پیش بیاید که این موضوعات چه ارتباطی با دعا برای امام زمان عليه السلام دارد و چرا در این فصل آمده است؟

در پاسخ به این پرسش توجه عزیزان را به این جهت جلب می‌کنیم که آیا امام زمان عليه السلام جزء مؤمنان، ستمدیدگان، دانشمندان و... محسوب نمی‌گردد؟! روشن است که آن حضرت نه تنها مصداق این عناوین بلکه بر اساس ادله فراوان عقلی و نقلی شاه فرد مصادیق اینچنین عناوین می‌باشد که او برترین دانشمندان و سرچشمه دانش، سرآغاز ایمان، برترین پدر امت و ستمدیده‌ترین ستمدیدگان تاریخ بشر می‌باشد و از این روست که ثواب و پاداش دعا برای حجت خدا برترین و بیشترین ثواب دعا تحت عناوین را دارا می‌باشد.

والسلام علی من أحب المهدی عليه السلام و عرفه و عرفه
 هیأت عاشقان بقیة الله الأعظم
 (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

فصل اول:

امام زمان علیه السلام را بهتر بشناسیم:



- مکان ظهور: مکه
- پایگاه و مرکز حکومت: کوفه
- محل زندگی: مسجد سهله
- محل اقامه نماز جمعه: مسجد کوفه که هزار درب خواهد داشت و در ایام معمولی حدود ۵۰ امام جماعت دارد
- مشخصات ظاهری ایشان: مراجعه شود به بحثهای آینده
- دوران غیبت صغری: ارتباط حضرت با یاران توسط چهار نفر از نواب انجام می شود در طی ۶۹ سال: عثمان بن سعید ۲۰ سال، محمد بن عثمان ۲۵ سال، حسین بن روح ۲۱ سال، علی بن محمد سمری ۳ سال
- دوران غیبت کبری: وظیفه مردم در اتفاقاتی که برای آنها پیش می آید مراجعه به فقهاء می باشد.
- یاران آن بزرگوار: مراجعه شود به بحثهای آینده
- صفات یاران خاص الخاص: مراجعه شود به بحثهای آینده
- نحوه اتصال یاران به امام علیه السلام در شب ۲۳ ماه مبارک: ۳۰۱ نفر پس از شنیدن ندای آسمانی با طی الارض و ۱۲ نفر صبح با ابری می روند و طبق حدیث امام صادق علیه السلام فرمودند این ۱۲ نفر برترند (۱)

۱-۱- مهدی منتظر علیه السلام ۲- معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام ج ۱ ص ۱۱۳ و ۱۶۵ و ۱۶۳ و

اسامی مبارک حضرت

ایزدشناس	اوقیدمو	اصل	احمد
ابوعبداللہ	ابوالقاسم	ایستاده	ایزد نشان
ابوالحسن	ابو محمد	ابو ابراہیم	ابو جعفر
احسان	ابوصالح	ابوبکر	ابوتراب
امر اللہ	امیر الامرہ	ایدی	اذن سامعہ
بوار الکافرین	بئر معطلہ	بقیۃ اللہ	امین الامر
برہان اللہ	بنده یزدان	بہرام	بلد الامین
باطن	باب اللہ	بقیۃ الانبیاء	باسط
تأیید	پرویز بابا پهلویہ	بقیۃ الانحیاء	بدر التمام
تقوی	تمام	تالی کتاب اللہ	تالی
ثابت	ترجمان کتاب اللہ	تلاد النعم	تقی
جابر	جمعه	جامع الکلام	ثائر
حجۃ	حق	جوار الكنس	جعفر
حامد	حجۃ بن الحسن	حجاب	جنب
حاصر	حجاج	حاشر	حجۃ اللہ
حجۃ المعبرود	خاتم الاوصیاء	حافظ الاسرار	حمد
خجستہ	خازن	حلیم	حاضر
خلف	خائف	خدا شناس	حق الجدید
خلف السلف	خیر	خلیفۃ الانقیاء	خاتم الأئمۃ
خیرۃ اللہ	داعی	خلیفۃ اللہ	خسرو
داعی اللہ	دیان دین اللہ	خیر	خنس
دلیل ارادۃ اللہ	ذوالبرّ	دابۃ الارض	خلیل
ذوالحلم	ذوالفقار	دیان	خوران
ذوالسيف	راہنما	ذات انتقام اللہ	دلیل

ربّ الارض	رجاء الراحة	رجل	الرحمة الواسعة
رشيد	زكى	ربانى آيات الله	رضى
سروش ايزد	سنا	زنداقريس	السلطان المأمول
سبيل	سابق	سدره المنتهى	ساعة
سر الله	سديد	سيد	ساعد
سراج	سيد الامة	السبب المتصل	ستر الله
سيد الخلق	شماطيل	سفينة النجاة	سيف الله
شريد	شكور	السيف الشاهر	شريك القرآن
شاهد	صاحب	شافع	الشمس الطالعة
صاحب الغيبة	صاحب الدار	شمس الظلام	صاحب الزمان
صاحب الناحية	صاحب الكرة البيضاء	صاحب الرجعة	صالح
صاحب الدولة الزهرا	صبح مسفر	صاحب العصر	صاحب الامر
صدق	صاحب الدين	صمصام الاكبر	صراط
صاحب الشرف	صدر الخلائق	صابر	صاحب الصمصام
ضحى	طالب التراث	صاحب يوم الفتح	ضياء
ظاهر	عالم	طريد	ظفر
عدل	عين	ظهر	عزة
عصر	عبد الله	عاقبة الدار	عابد
عزّ الموحدين	عصمة العباد	عائذ	عماد
عقيد النحر	علم الهدى	عصمة الدين	العلم المنسوب
عين الحيوّة	غايب	العلم النور	العلم المصبوب
غيب	غاية الطالبين	غلام	غريم
غاية القصوى	غاية النور	غوث	غليل
الغرة الحميدة	فاتح	غوث الفقراء	غريب
فاتق	فجر	فاضل	غياث

فردوس الاکبر	فرج المؤمنین	فريد	فیروز
الفرج الاعظم	فیدموا	فرخنده	فتح
فارس الحجاز	فاضل	فقیه	فاتح
قابض	قائم آل محمد	قائم	قوام
قاتل الکفرة	قوة	قسط	قیمة
قاطع	قیم الزمان	قائم الزمان	قطب
قرآن	قاصم	قطرة الانام	قاطع البرهان
کاشف الغطاء	کلمة المعبود	القمر الزاهر	قصر مشید
کوکما	کیقباد دوّم	کلمة الحق	کمال
کلمة الله	کریم	کتاب مسطور	کاز
لواء اعظم	لسان الله	لسان الصدق	لندیطارا
منصور	مسیح الزمان	ماشع - ماشع	میثاق الله
مهدی	منتقم	محمد	میزان الحق
مخبر بما یعلن	منتظر	ماء معین	مؤمل
منان	مفضل	موعود	مجازی بالاعمال
محسن	مبدی الآیات	مبلی السرائر	مظهر الفضایح
مأمور	مدبر	موتور	منعم
مفرج الاعظم	مأمون	مأمول	مقدرة
المصباح الشدید	مقتصر	مهیمد الاخر	مضطر
مجرد	مجتهد	مجاهد	مبطل
محقق	محفوظ	مجھول	مجلی الظلمة
مدار الدهر	مخزون	محبی	محیط
مذلّ الاعداء	مذکر	مدرك	مدخر
مرتقب	مرتجی	مرابط	معز الاولیاء
مستنصر	مستتر	مرضی	مرشد

مشهور	مشتهر	مستودع الحكمة	مستور
مطاع	مصدر الامور	مصباح الذّجى	مشيد
معدن العلوم	معبر	معاذ	مظهر
مفزع	مفرج الكرب	معين	معدّ
منبّه	ملاذ	مقيم	مفدّم
موجود	منير الحق	منقذ الامة	منتصر
مؤتمر	مهذب	مهدي الامم	موفق
ناصر حق الله	مؤيد	مولف الشمل الصلاح	مؤمن
ناصر	ناصح	ناشر	نازح
ناقور	ثبّة الصابرين	نضرة الايام	ناصر
نور آل محمّد	نفس	نهار	ناطق
ناحية مقدسة	نجم	نور الاتقياء	نور الاصفياء
نقى	نور ابصار الورى	النعمة الباطنة	نظام الدين
نور الله	نور الباهر	نور الانوار	نور الارض
واقيد	ولى المؤمنين	نور	نور الهدى
ولى الله	وجه الله	وجه	وتر
وارث الانبياء	وصى الحسن	وهو هل	وارث
ولى	وعد الله	وصى الاوصياء	وحيد
وعدا غير مكذوب	وهّاج	ولى الامر	وقاية الله
يمين	يد الباسطة	هادى	هادم
			يعسوب الدين

(١)

١-١ - النجم الثاقب. ٢- مفاتيح الجنان. ٣- بحار الانوار. ٤- نور الاكبر. ٥- العبرى الحسان. ٦- كشف الحق. ٧- جاويدان. ٨- نام نامه مهدي، تأليف محمد كاظم بهينا.

اسامی آباء و اجداد امام زمان علیه السلام

الحسن العسکری بن علی الهادی بن محمد الجواد بن علی الرضا بن موسی
 کاظم بن جعفر الصادق بن محمد الباقر بن علی زین العابدین بن الحسین الشہید
 «بن علی امیر المؤمنین» بن فاطمة الزهراء سیدة نساء العالمین بنت محمد رسول
 اللہ صلی اللہ علیہ وسلم بن عبدالمطلب بن ہاشم بن عبدمناف بن قصی بن کلاب بن مرّة
 بن کعب بن لوی بن غالب بن فہر بن مالک بن نضر بن کنانہ بن خزیمہ بن مدرکہ بن
 الیاس بن مضر بن نزار بن معد بن عدنان.

قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم: إذا بلغ نسبی الی عدنان فأمسکوا.

پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: هرگاه نسب من به عدنان رسید پس ادامه آنرا ذکر
 نکنید. «از ذکر آن خودداری ورزید».

یک تذکر:

علامه مجلسی فرموده‌اند که اجماع علمای امامیه بر این است که پدر و مادر
 حضرت رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم و جمیع اجداد و جدّات آن حضرت تا آدم علیه السلام همه
 مسلمان بوده‌اند و نور آن حضرت در صلب و رحم مشرکی قرار نگرفته است. (۱)

قامت آن بزرگوار: قدش کشیده و بلند
 صورت و محاسن آن بزرگوار: خیره‌شرو و درخشنده و محاسنش
 سیاه‌رنگ و پر پشت و نسبتاً کوتاه
 خد و خال آن بزرگوار: دو گونه‌ایشان روان بدون برآمدگی و بر
 گونه راستش خالی درخشان مانند ستاره
 پیشانی آن بزرگوار: گشاده پیشانی و بلند و صاف و روشن
 ابروان آن بزرگوار: کمانی و کشیده و نزدیک بهم اما نپیوسته
 چشمان آن بزرگوار: چشمان سیاه و درشت و نافذ
 مژگان آن بزرگوار: درخشنده و برآمده
 بینی آن بزرگوار: کشیده و بالا آمده و مختصر برآمدگی در وسط
 دندان آن بزرگوار: دندانهایش بخصوص دندانهای جلو گشاده
 و بهم پیوسته
 رنگ چهره آن بزرگوار: رنگ صورتش سفید ممزوج به لطافت سرخی
 رنگ بدن آن بزرگوار: گندم‌گون و سبزه، مائل به سفیدی نه سیاهی
 مو و رنگ موی آن بزرگوار: موی سر سیاه و بلند تا نرمی گوش
 از دو طرف آویزان و از وسط دارای فرق می‌باشد
 سر مبارک آن بزرگوار: سر مبارکش گرد و مدور و علامت
 ریختگی مو در بعضی از مواضع سر پیدا است
 سر شانه آن بزرگوار: استخوان سرشانه نرم و بزرگ
 پهنای دو شانه آن بزرگوار: ما بین دو شانه ایشان پهن
 پشت آن بزرگوار: پشت شانه چپ خالی است خلاف رنگ بدن
 و طرف شانه دیگر خالی شبیه بخال پیغمبر صلی الله علیه و آله
 بازوی آن بزرگوار: بر بازوی راست دو آیه نوشته شده است:
 (جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل كان زهوقاً) - (و تمت
 كملة ربك صدقاً وعدلاً لا مبدل لكلماته
 وهو السميع العليم)

مشخصات ظاهری آن بزرگوار

کف دست آن بزرگوار: پهن و بزرگ است
 سینه آن بزرگوار: پهن و بزرگ و فراخ است.
 ناف تا سینه آن بزرگوار: از ناف تا گودال گلو مانند خطی از موکشیده شده
 شکم آن بزرگوار: برآمده و بزرگ است
 ران آن بزرگوار: دو ران پهن و پر گوشت و بر ران راست خالی
 است خلاف رنگ بدن
 زانوی آن بزرگوار: دو زانو رو بجلو آمده از بزرگی
 شباهت آن بزرگوار: شبیه ترین فرد، به رسول خدا ﷺ است
 قدرت آن بزرگوار: قوی چنانکه اگر اراده کند بزرگترین درخت را
 از جامی کند (۱)

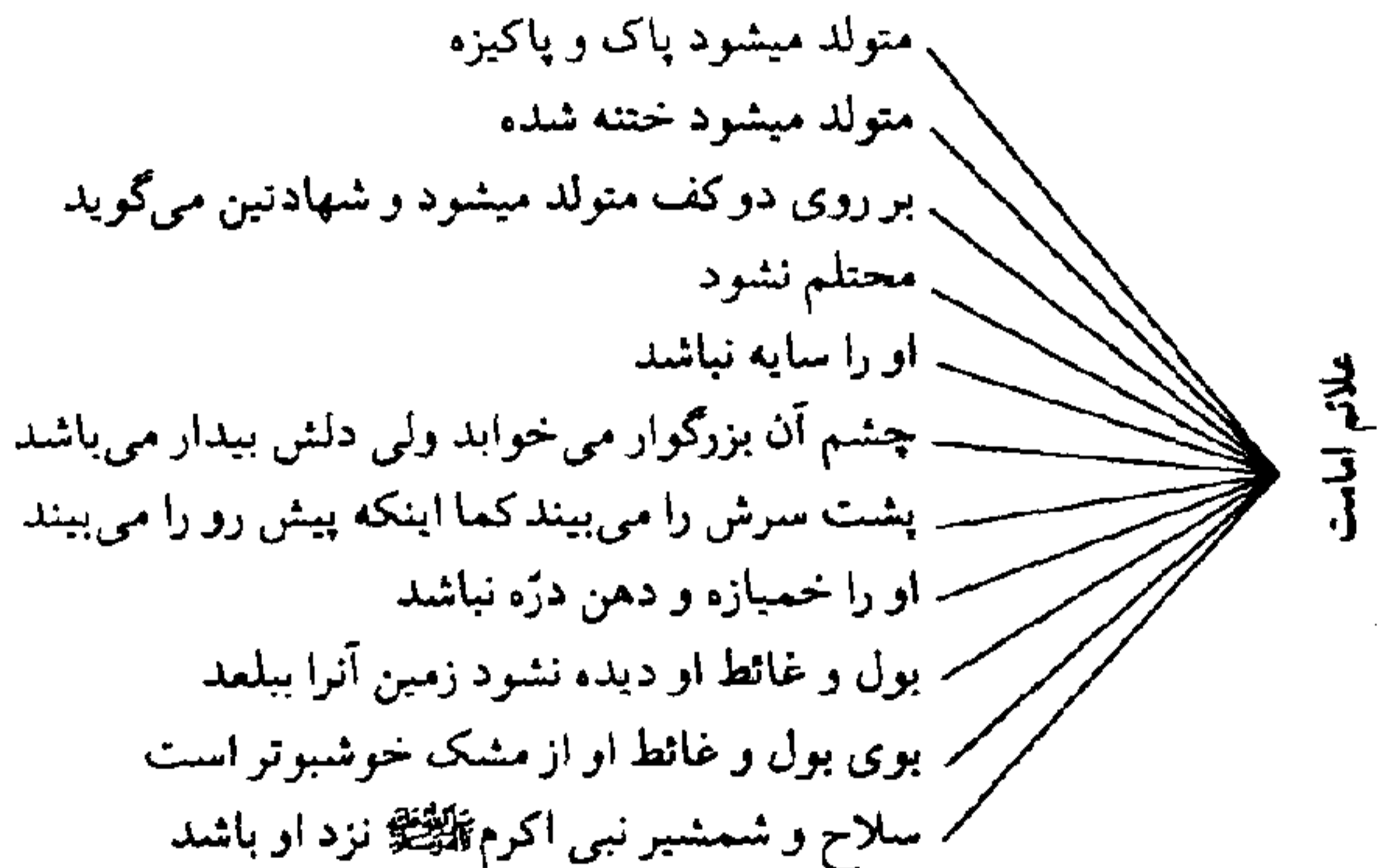
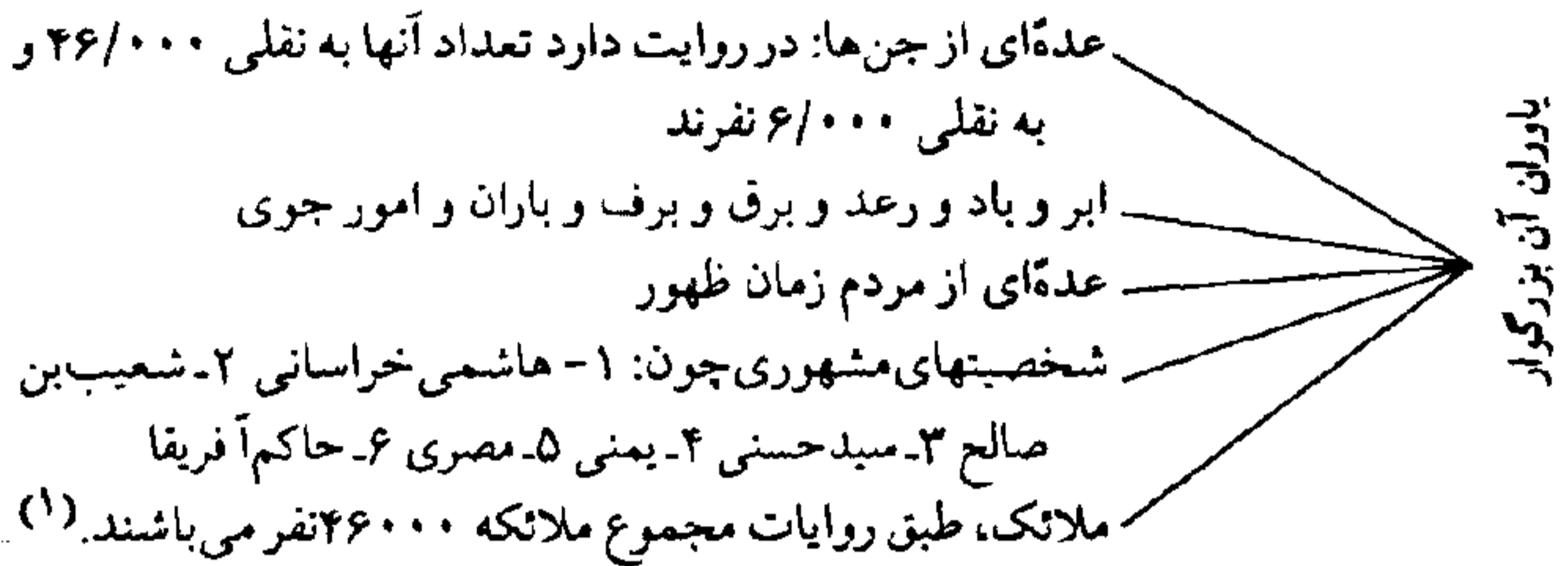
تقسیم یاوران آن بزرگوار

خاص الخاص که ۳۱۳ نفرند
 خاص که ۱۰/۰۰۰ نفرند
 عام که عموم مسلمانند

هر یک قوه چهل مرد را دارند
 دلهايشان مانند پاره آهن محکم می گردد یا پاره فولاد
 از شیر دلیرتر می شوند
 از نیزه کاری تر خواهند بود
 شمشیر آنها از آسمان می آید که اسامی خود و پدرشان بر روی
 آنها نوشته شده است
 عاشق و مطیع امام علیه السلام هستند مانند اطاعت یک کنیز از مولایش
 بر روی زمین که راه میروند زمین افتخار می کند و می گوید مَرَّ
 بِی صَاحِبِ الْقَائِمِ
 اگر بر کوهها بگذرند، کوهها در هم فرو ریزند
 دست از شمشیرهای خود باز نمی گیرند تا آن که خدای تعالی
 راضی شود
 پارسایان شب
 شیران روز
 اینان تنها از خدای متعال می ترسند
 فریاد لا اله الا الله آنان بلند است
 همواره آرزوی شهادت را دارند
 اگر با مشت نوی سر دشمن بزنند مغز سر او را له می کنند
 بادهای مختلف آنها را از مسیر حق جدا نمیکند
 اکثر این ۳۱۳ نفر جوان هستند
 اکثر این ۳۱۳ نفر عجمی هستند
 شعار یاران حضرت مهدی علیه السلام یالثارات الحسین (بیاید بخون
 خواهی حسین) است (۱)

۱- ۱- مهدی منتظر. ۲- معجم الاحادیث الامام المهدی ج ۱ ص ۳۹۳. ۳- بحارج ۵۲
 ص ۳۲۴ و ۳۰۷. ۴- ینابیع المودة شیخ سلیمان بلخی حنفی ص ۵۰۹.

- یوشع بن نون وصی حضرت موسی علیه السلام
 حضرت عیسی علیه السلام
 حضرت خضر علیه السلام
 حضرت الیاس علیه السلام
 مالک اشتر نخعی
 سلمان فارسی
 مؤمن آل فرعون
 ابو دجانة انصاری
 مقداد
 ۲۷ نفر از قوم موسی علیه السلام
 اصحاب کهف
 هفتاد هزار صدیق از پشت کوفه
 هر کس چهل صبح دعای عهد بخواند
 ملائکه مقربین چون جبرئیل و میکائیل و اسرافیل
 ملائکه کروبین
 ملائکه منزلین: امام صادق علیه السلام فرمودند آنها ۳/۰۰۰ نفرند
 ملائکه که موقع تولد آن بزرگوار زیارت ایشان آمدند
 ملائکه که در جنگ بدر بودند: امام صادق علیه السلام فرمودند آنها
 ۵۳۱۳ نفرند
 ملائکه که در کشتی نوح علیه السلام بودند
 ملائکه که در آتش با ابراهیم علیه السلام بودند
 ملائکه که در رود نیل با موسی علیه السلام بودند
 ملائکه که هنگام بالابردن عیسی علیه السلام با آسمان با او بودند
 ملائکه که روز عاشورا به یاری امام حسین علیه السلام آمدند:
 می فرمایند آنها ۴/۰۰۰ نفر و رئیس آنها منصور نام دارد



۱- مهدی منتظر. ۲- معجم احادیث الامام المهدی ج ۱ ص ۳۹۲ و ج ۳ ص ۴۹۳. ۳- عقدا لدرر ص ۱۲۷. ۴- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۰۴ و ۲۱۰ و ۳۳۲ و ۳۴۸. ۵- ارشاد مفید مترجم ص ۵۲۳. ۶- غیبت نعمانی ص ۲۳۶.

مصحف فاطمه علیها السلام نزد اوست
 زره پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله اندازه او می باشد
 نزد او صحیفه‌ای است که در آن اسامی شیعیان تا روز قیامت
 نوشته شده
 جفر اکبر و جفر اصغر نزد اوست بطوری که همه علوم در این دو
 کتاب می باشد
 جامعه نزد اوست و آن صحیفه‌ای است که طول آن هفتاد ذراع و
 آنچه بنی آدم نیاز دارند آنجا هست
 مستجاب الدعوة است
 دارای معجزه باشد
 مهربانتر است بمردم از خود ایشان
 از همه مردم عاملتر باشد بآنچه امر می کند
 از همه مردم ترک کننده تر باشد بآنچه نهی می کند
 از همه مردم تواضعش برای خدا بیشتر باشد
 از همه مردم عالمتر باشد به همه امور
 از همه مردم عالمتر باشد به کتاب خدا
 از همه مردم حاکمتر باشد در حکم کردن
 از همه مردم در همه صفات پسندیده کاملتر باشد مثل
 شجاعت، سخاوت، عبادت، حکمت، صداقت و...^(۱)

علامت امامت

۱- بحار الانوار ج ۱۳ و ص ۲۰۰-۲- من لا یحضره الفقیه. ۳- معانی الاخبار. ۴- خصال شیخ صدوق. ۵- عیون اخبار الرضا علیه السلام. ۶- احتجاج طبرسی. ۷- اثبات الهداة ج ۷. ۸- مهدی منتظر، ص ۴۳.

- تابوت آدم (علی نبینا و آله و علیه السلام)
- آله نجاری نوح (علی نبینا و آله و علیه السلام)
- مجموعه ابراهیم (علی نبینا و آله و علیه السلام)
- عصای موسی (علی نبینا و آله و علیه السلام)
- حجر موسی (علی نبینا و آله و علیه السلام)
- توراة موسی (علی نبینا و آله و علیه السلام)
- الواح موسی (علی نبینا و آله و علیه السلام)
- تابوت موسی (علی نبینا و آله و علیه السلام)
- انجیل عیسی (علی نبینا و آله و علیه السلام)
- رحل عیسی (علی نبینا و آله و علیه السلام)
- صاع یوسف (علی نبینا و آله و علیه السلام)
- پیراهن یوسف (علی نبینا و آله و علیه السلام)
- تاج سلیمان (علی نبینا و آله و علیه السلام)
- انگشتر سلیمان (علی نبینا و آله و علیه السلام)
- مکیال شعیب (علی نبینا و آله و علیه السلام)
- آینه شعیب (علی نبینا و آله و علیه السلام)
- زره داود (علی نبینا و آله و علیه السلام)
- ترکه هود و صالح (علی نبینا و آله و علیه السلام)
- آنچه از آل موسی و هارون مانده
- میراث جمیع پیغمبران علیهم السلام
- میراث جمیع مرسلین علیهم السلام
- جمیع کتب آسمانی (۱)

آثار و موراثت انبیاء علیهم السلام نزد امام زمان علیه السلام

بیرق و پرچمی که جبرئیل علیه السلام در روز بدر آورد
 پیراهنی که در روز اُحد پوشیده بود و علامت خون هنوز در آن می باشد
 عمامهٔ سحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
 زره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اندازه بودن این زره برای او چنانچه
 برای جدش بوده بر خلاف سائر ائمه علیهم السلام
 انگشتر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
 عصای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
 اسب یربوع (و به نقل نجم الثاقب مربع)
 اسب نجیب عربی براق (و به نقل نجم الثاقب شتر براق)
 ناقة غضباء
 استر دلدل
 الاغ یعفور
 شمشیر مخصوص به نام ذو الفقار
 مصحف امیر المؤمنین علیه السلام یعنی قرآنی که ایشان جمع آوری نمودند
 عهد نامهٔ مخصوص از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم
 بُرد نبی گرامی صلی الله علیه و آله و سلم
 اسلحه نبی گرامی صلی الله علیه و آله و سلم
 زین مخصوص نبی گرامی صلی الله علیه و آله و سلم (۱)

نشانه‌ها و آثار که آن بزرگوار از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امیر المؤمنین علیه السلام دارد

- هدایت و راهنمایی فرد
- رساندن پیام امیدواری به دوستانش
- باری کردن یکی از در طرف دعوی خصوصاً در رابطه با مذهب
- حلّ برخی مشکلات علمی فقهاء مثل جریان مقدس اردبیلی
- خبر دادن از رویدادهای مهم سیاسی
- خبر دادن از رویدادهای مهم اجتماعی
- نصیحت و خیر خواهی برای دیگران
- کمک به دیگران
- شفا دادن بیماری های مزمن
- راهنمایی گمشدگان در بیابان و صحرا و سفر حج
- یاد دادن و آموزش دعاها و اذکار
- انشاء نمودن بعضی ادعیه چون صلوات مخصوصه ضراب اصفهانی که در صفحه ۳۶۵ همین کتاب آمده است.
- حافظ کل قرآن نمودن برخی افراد بمعجزه مانند حاج محمد کاظم ساروقی
- تاکید نمودن حضرت بر خواندن نماز نافله و زیارت عاشورا و جامعه مانند جریان حاج علی بغدادی
- تاکید نمودن حضرت بر دعا نمودن جهت امر فرج
- تاکید نمودن حضرت بر سعی و کوشش در حوائج مردم
- تاکید نمودن حضرت بر پذیرش مذهب حق مانند جریان تشرف یاقوت سنّی
- تاکید نمودن حضرت بر پرهیز و دوری از حرام
- تاکید نمودن حضرت بر پرهیز و دوری از مکروهات، مانند جریان تشرف آیه الله زیارتی در مهدی شهر سمنان
- تاکید نمودن حضرت بر انجام نماز در اول وقت مانند جریان تشرف جوان در آلمان

اهدائی که بر دیدارهای حضرت مهدی علیه السلام مترتب است

اهدافی که بر دیدارهای حضرت مهدی عج مترتب است

تاکید نمودن حضرت بر پرهیز از حبّ الدنیا حتی فکر آنرا هم
 نکردن جریان مرد صابونی
 ارسال سلام آن بزرگوار برای دعاگویان و دلجوئی از آنان
 پشتیبانی نمودن حضرت از حرکات انقلابی بر علیه استکبار
 دلگرمی دادن حضرت بافراد برای ادامه کارهای خوب مانند
 جریان ابو الحسن اصفهانی
 بدرک واصل نمودن برخی دشمنان مانند ضربت خوردن
 شخص که ثواب ضربت خوردن در صفین را داشته (۱)

اموری که مخصوص امام زمان عج می باشند

امتیاز نور ظلّ و شبح آن جناب در عالم اظله بین انوار
 ائمه ع که برتر از همه باشد
 شرافت نسبت ایشان که از طرف پدر و مادر به ابراهیم خلیل
 الرحمان ع می رسند
 به عرش الهی بردن ایشان روز ولادت و خطابات فوق العاده
 الهی بایشان
 روشن شدن چراغی در بیت الحمد از لحظه ولادت تا زمان
 قیام ایشان
 جمع میان اسم و کنیه رسول خدا ص برای ایشان فقط
 ختم وصایت برای ایشان
 غیبت از روز ولادت و سپرده شدن بروح القدس و تربیت در
 عالم نور و فضای قدس
 عدم معاشرت و مصاحبت با کفار و منافقین و فسّاق
 نبودن بیعت احدی از جبارین برگردنش

۱- النجم الثاقب ص ۳۴۱ و ۳۴۶ و ۳۶۳ و ۳۶۷ و ۳۳۴ و ۳۰۶، یتابع المودة ص ۵۴۸،
 منتهی الآمال ج ۲ ص ۳۱۰، بحار الانوار ج ۵۲ ص ۷۵.

داشتن علامت ختم وصایت در پشت مانند علامت ختم نبوت جدش
 متذکر شدن ذکر و القاب ایشان در کتب سماویة و اخبار معراج
 و تصریح نمودن در آنها باسم آن بزرگوار
 ظهور آیات غریبه و علامات سماویة و ارضیة برای ظهور آن حضرت
 ندای آسمانی باسم آنجناب مقارن ظهور
 افتادن افلاک از سرعت سیر و بطوء حرکت آنها چنانچه هر
 سال مانند ده سال فعلی خواهد بود
 ظهور مصحف امیر المؤمنین علیه السلام برای ایشان
 سایه انداختن ابری سفید پیوسته بر سر مبارک ایشان و ندا
 کردن باینکه او مهدی خلیفة الله است
 بودن ۴۶/۰۰۰ ملائکه و ۴۶/۰۰۰ جن در لشکر ایشان
 اثر نگذاشتن زمان بر ایشان لذا ظاهراً در بین ۳۰ الی ۴۰ سال
 می باشند با اینکه پیش از هزار سال عمر دارند
 ناامنی و خوف و وحشت از میان انسانها و حیوانات بر طرف میشود
 بودن جمعی از مردگان در رکاب آن بزرگوار
 نمایان شدن گنجها و ذخائر زمین برای آن بزرگوار
 فراوانی نعمتهای الهی از قبیل باران و میوهها و درختان و سائر
 نعم ارضیة
 کامل شدن عقول مردم به برکت وجود آن بزرگوار
 فزونی نور چشم بطوریکه در شرق و غرب عالم مردم یکدیگر
 را مشاهده می کنند
 طول عمر اصحاب حضرت چنانچه امام صادق علیه السلام فرمود
 برخی آنقدر عمر طولانی دارند که دارای هزار پسر خواهند شد
 بر طرف شدن سستی و بلایا از ابدان انصار آن بزرگوار
 هر یک از اصحاب ایشان قوه چهل مرد را خواهند داشت
 مردم از نور امام علیه السلام بهره مند می گردند و بی نیاز میشوند از نور
 خورشید و ماه
 پرچم مخصوص رسول خدا صلی الله علیه و آله که حضرت در روز بدر و
 امیر المؤمنین علیه السلام در جنگ جمل گشودند نزد ایشان است

اموری که مخصوص امام زمان علیه السلام می باشند

پوشیدن زره رسول خدا ﷺ و کاملاً اندازه بودن آن نه کم
 آید نه زیاد
 ابری مخصوص به نام صعب که دارای رعد و برق شدید
 می باشد در خدمت حضرت است
 برچیده شدن تقیه و خوف از کفار و مشرکین و منافقین
 عالم گیر شدن حکومت ایشان
 بر پا شدن عدل و قسط در جهان
 حکم نمودن به علم خود و تقاضای بیئه و شاهد نکردن در محکمه
 جاری نمودن احکام مخصوص مثلاً ارث می دهد به کسانی که
 در عالم ذر برادر بوده اند (۲) مانع زکوة را می کشد (۳) پیر
 زانی را می کشد
 آشکار شدن جمیع ۲۷ حرف علم که تا بحال فقط دو حرف
 آورده شده
 برای یاران مخصوص شمشیر از آسمان فرود می آید که نام او و
 پدرش بر آن نوشته شده
 مطیع بودن حیوانات و پرندگان از یاوران آن بزرگوار
 سنگ مخصوص حضرت موسی (علی نبینا و آله و علیه السلام) نزد ایشان
 است که نهرها برای رفع گرمسنگی و تشنگی از آن جاری است
 مخصوص نمودن خدای متعال امام زمان علیه السلام را برای اجرای
 احکام الهی
 نماز خواندن حضرت عیسی (علی نبینا و آله و علیه السلام) پشت سر
 آن بزرگوار
 جایز نبودن هفت تکبیر بر جنازه احدی بعد از امیر
 المؤمنین علیه السلام مگر بر جنازه امام زمان علیه السلام
 بدرک واصل شدن دجال توسط آن بزرگوار
 قطع شدن حکومت های جور و ظلم و ستم
 حرمت تصریح نمودن باسم مخصوص آن بزرگوار م-ح-م-د (۱)

اموری که مخصوص امام زمان علیه السلام می باشند

مهدی علیه السلام بشارت داده شده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است
 عیسی (علی نبینا و آله و علیه السلام) از آسمان به یاری او نازل
 می شود و در نماز به او افتدء می کند و وزیر اوست
 بهشت عاشق دیدار اوست
 طاووس بهشتیان است
 یکی از سروران هفتگانه اهل بهشت است
 از بسیاری از انبیاء علیهم السلام بالاتر است
 خداوند متعال آنچه را که بانبیاء علیهم السلام داده به او می دهد و
 اضافه تر نیز می دهد
 عهد نامه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با اوست
 شمشیر ذو الفقار و پرچم مخصوص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با اوست
 مهدی علیه السلام بالاترین امام، از نسل امام حسین علیه السلام است
 ولی خداست، خداوند متعال به وسیله او زمین را آباد و اسرار
 زمین را ظاهر می کند
 مهدی علیه السلام هنگام نماز عشاء ظهور می کند در حالی که پرچم و
 پیراهن و شمشیر رسول خدا صلی الله علیه و آله را با خود دارد و دارای
 نشانه های نور و بیان است
 نخستین کسی که با او بیعت می کند جبرئیل و میکائیل است
 در بالای سر او، ابر سایه می افکند و ندایی
 برمی خیزد که مهدی خلیفه خداست، از او پیروی کنید
 ملائکه الهی در جلوی او هستند

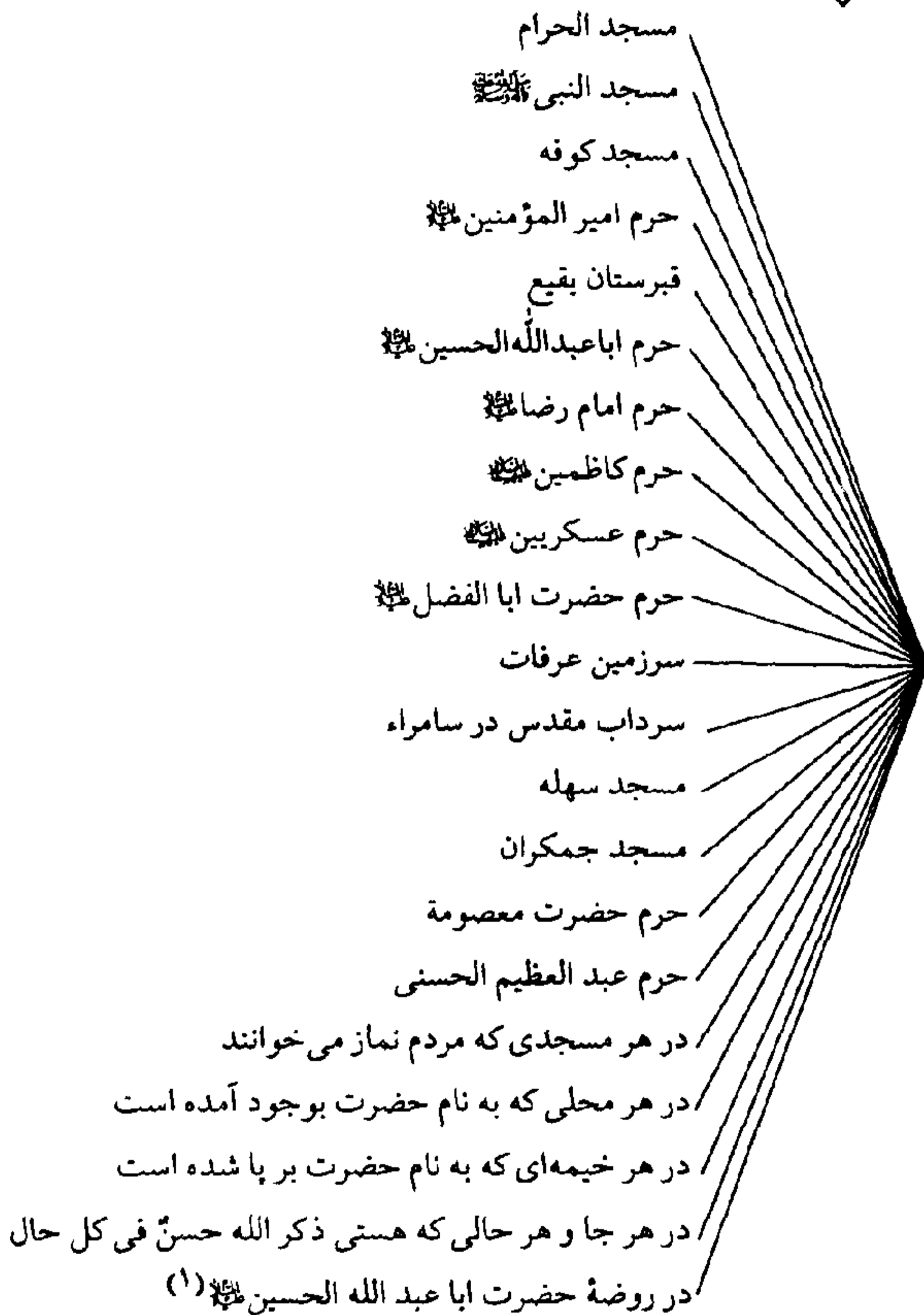
شخصات معنوی حضرت مهدی علیه السلام

خداوند متعال او را با ملائکه و اجنه یاری می‌کند که جبرئیل در جلوی لشکر ملائکه می‌باشد
 بر روی پرچم او نوشته شده «البيعة لله تعالى» بیعت مخصوص خداست
 روی پرچم‌های سفید و زرد او، اسم اعظم الهی، نقش بسته است
 اهل آسمان و زمین و پرندگان هوا، بر او درود می‌فرستند
 مهدی علیه السلام امری از امر الهی و سرّی از اسرار الهی است
 مهدی علیه السلام خاتم اوصیاست و این عنوان خاتمیت فقط
 بایشان و جد بزرگوارشان صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ داده شده است
 اخلاق او اخلاق نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است
 برای خودش سنگی را روی سنگی نمی‌نهد
 باگذشت و سخاوتمند، و بخشنده‌ترین مردم است
 چیزی را که داده، پس نمی‌گیرد (۱)

مشخصات معنوی حضرت مهدی علیه السلام

رخ زیبا، ید بیضا، دم عیسی داری آنچه خوبان همه دارند، تو تنها داری

۱- معجم احادیث الامام المهدی ج ۲ ص ۲۱۷-۲۱۸-۵۱۸-۵۱۹. ۲- نسخه خطی ابن حمّاد ص ۳۰۷- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۰۷.



- زمانهاییکه عاشقان به یاد آن غریب فاطمه علیها السلام خواهند بود
- بعد از هر نماز
 - بعد از هر نماز ظهر
 - بعد از هر نماز عصر
 - بعد از هر نماز صبح
 - بعد از هر دو رکعت نماز شب
 - در دعای دست نماز
 - در حال سجده
 - در سجده شکر
 - در هر صبح و شب
 - در ساعت آخر روز
 - روز پنجشنبه
 - در جمیع ساعات و احوال روز جمعه
 - در نوروز
 - در روز عرفه
 - در روز عید فطر
 - در روز عید قربان
 - در روز دحو الارض
 - در روز عاشوراء
 - در روز نیمه شعبان
 - در شب نیمه شعبان
 - در جمیع ایام ماه مبارک رمضان
 - قبل از دعا برای خود و اهل و عیال
 - شب ششم ماه مبارک رمضان (۱)

- روز هشتم ماه مبارک رمضان
- شب دوازدهم ماه مبارک رمضان
- روز سیزدهم ماه مبارک رمضان
- روز هجدهم ماه مبارک رمضان
- شب نوزدهم ماه مبارک رمضان
- روز بیست و یکم ماه مبارک رمضان
- بعد ذکر مصیبت امام حسین علیه السلام
- بعد زیارت امام زمان علیه السلام
- هرگاه از خوف خدای متعال گریان شدیم
- هرگاه یک نعمت جدید بر ما نازل شد
- هرگاه یک بلائی از ما بر طرف شد
- هرگاه غم و غصه‌ای عارض شود
- در هنگام شدائد و بلاها
- بعد از نماز جعفر طیار علیه السلام
- روز غدیر خم
- در مطلق اوقات شریفه
- در چهل روز پشت سرهم
- در ماه محرم
- در مجالس مخالفین مذهب
- در هر روزی که در آن ظلمی بر ائمه علیهم السلام وارد شده است
- در شب و روز میلاد و مبعث و ایام متبرکه

زمانهاییکه عاشقان به یاد آن غریب فاطمه علیها السلام خواهند بود

نداهای آسمانی

- سه نداء در ماه رجب
ندای جبرئیل در شب ۲۳ ماه مبارک رمضان و ندای ابلیس در
اول صبح
ندای جبرئیل در روز ۲۳ ماه مبارک رمضان و ندای ابلیس در آخر
همان روز
دو ندای دیگر در ماه رمضان در وقت فجر و غروب خورشید
ندای امام زمان علیه السلام در ذیحجه
ندای جبرئیل در ذیحجه که یک پایش را بر بیت الحرام و یک پا
را بر بیت المقدس می گذارد
ندای جبرئیل در ذیحجه بین رکن و مقام در حال بیعت با
امام علیه السلام و می گوید اَلْبَيْعَةُ لِلَّهِ
ندای منادی از آسمان در عاشورا پس از قتل نفس ذکیه باینکه
مردم امیر شما مهدی است
ندای منادی از آسمان برای امام زمان علیه السلام که وقت انتقام رسید
و بلند شو قیام کن
ندای دیگر که متمم ندای قبلی است بر تأیید حضرت که مردم
صاحب شما فلانی است چرا اینقدر قتال می کنید
ندای غیر آسمانی از ناحیه دمشق (۱)

محتوای نداهای ثلاثه

- اول: اَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ
دوم: اَزِفَتِ الْأُزْفَةُ
سوم: اَلَا إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ فُلَانًا بَنَ فُلَانٍ حَتَّى يُنْسِبَهُ إِلَى عَلِيٍّ

اطلاعاتی پیرامون ندای جبرئیل و ابلیس

- ندای جبرئیل از آسمان ولی ندای ابلیس از زمین خواهد بود
- ندای جبرئیل فزع آورنده و دارای هیبت است ولی ندای ابلیس از زمین و دارای فزع و هیبت نمی باشد
- ندای جبرئیل با اسم امام زمان علیه السلام و در اطاعت نمودن ایشان خواهد بود.
- ندای جبرئیل **إِنَّ عَلِيًّا وَ شِيعَتَهُ هُمُ الْفَائِزُونَ** و ندای ابلیس **أَلَا إِنَّ عُمَانَ وَ شِيعَتَهُ هُمُ الْفَائِزُونَ**
- ندای جبرئیل **أَلَا إِنَّ الْحَقَّ فِي عَلِيٍّ وَ شِيعَتِهِ** و ندای ابلیس **أَلَا إِنَّ الْحَقَّ فِي عُمَانَ وَ شِيعَتِهِ**.
- ندای جبرئیل را هر قومی به زبان خودش می شنود و هكذا ندای ابلیس
- ندای جبرئیل تصدیق می کند آنکه پیش از وقوعش به او ایمان داشته. (۱)

علام آسمانی و زمینی

- کسوف و خسوف خورشید و ماه در ماه رمضان بطوریکه غیر متعارف است
- توقف خورشید است از وقت زوال تا عصر و ظاهر شدن صورت و سینه مردی در برابر چشمه خورشید.
- ظهور کفی در آسمان.
- قتل نفس زکیه در ذیحجه و خروج امام زمان علیه السلام بعد از ۱۵ روز از این واقعه.
- قتل سید حسنی که اهل مکه او را شهید می کنند و سر او را به شام می فرستند.
- دونا مه در کوفه و بصره خوانده می شود مبنی بر براءت جستن از علی علیه السلام.

- او در زمان آدم یا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به دنیا آمده است.
 نام او صائد است.
 نام مادر او کاهنه است. پدر و مادر او هر دو یهودی هستند.
 پدر او صید کاهنه یا صائد یا صیاد.
 لقب او دجال است.
 محل خروج او خراسان یا سجستان یا اصفهان است
 او فتنه بزرگ است که از فتنه های ضالّه مضلّه است.
 موقع خروجش سال ظهور امام زمان علیه السلام است.
 کشنده او عیسی علیه السلام یا امام زمان علیه السلام است.
 چشم راست او ممسوح «به هم چسبیده که هیچ حدقه ندارد».
 چشم دیگر او در پیشانی اوست.
 در چشم او گوشتی است گویا مخلوط است به خون.
 در پیشانی او نوشته شده است کافر یا نوشته شده آیس من
 رحمة الله
 با اینکه امّی (بی سواد است) هر کتابی را می خواند.
 دریاها را می نوردد.
 خورشید با او سیر می کند.
 در جلوی او کوهی است از دود.
 در پشت سر او کوه سفیدی است که مردم گمان می کنند که
 طعام است.
 دجال در سال قحطی سختی خروج خواهد کرد.
 در زیر پای او الاغی است سبزه یا تیره رنگ.

هرگام الاغ او یک میل راه می باشد.
 زمین در زیر پای او پیچیده می شود.
 صورتش آبله‌ای است.
 قد او بیست گز است.
 او ازرق چشم است.
 ادعای نبوت و در آخر ادعای خدائی می کند.
 از هر آبی می تواند عبور کند.
 از هر آبی که عبور کند آن چشمه تا قیامت خشک شود.
 بصدای بلند که همه اهل مشرق و مغرب بشنوند ندا می کند
 انار تکم الاعلی بسوی من آئید اولیای من.
 کوهی از طعام همیشه با اوست.
 نهری از آب همیشه با اوست.
 آسمان بدستور او باران می دهد.
 زمین بدستور او گیاه می رویاند.
 اختیار گنجهای زمین با اوست.
 مرده را زنده می کند.
 روی کره زمین هر کجا که بخواهد می رود مگر مکه و مدینه.
 از هر موی الاغ دجال نغمه‌ای بگوش می ژسد و آن باعث
 جذب افراد منافق و کفار می شود.
 پیروان او اکثراً اولاد زنا می باشند که تاج بر سر دارند.
 از اول آفرینش تا قیامت، هیچ مسأله‌ای مهمتر از مسأله دجال نیست.
 خروج دجال نشانه ظهور است به نقل شیعه و نشانه برپایی
 قیامت است به نقل اهل سنت.
 دجال خروج نمی کند مگر این که روم (غرب) فتح شود.
 همه پیامبران بعد از نوح قوم خود را از فتنه دجال بر حذر داشته‌اند.

اطلاعات پیرامون دجال

حکومت دجال چهل روز بطول می انجامد روز اول او همانند یکسال است.

همراه دجال ۷۰۰۰۰ نفر سفیه و ۶۰۰۰۰۰ نفر اعراب و ۷۰۰۰۰ نفر از امت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می باشد.

زنازادگان و شراب خواران و آوازه خورانان و شیطانها و یهودیها از پیروان او هستند.

پس از مرگ دجال، زمین پر از عدل می شود و امنیت بین انسانها و حیوانات برقرار می شود.

خداوند متعال هر امتی را از وی ترسانیده است.

ملکی او را در زیر زمین درون چاهی در قریه یهودی اصفهان یا سجستان به غل و زنجیر کرده تا وقت خروج او فرارسد. (۱)

علامت حتمیه

قیام یمانی

خروج سفیانی.

ندای آسمانی در شب ۲۳ ماه مبارک رمضان

قتل نفس ذکیه بین رکن و مقام

خسف بالبيداء: فر رفتن لشکر سفیانی ما بین مکه و مدینه در سرزمین بیداء (۲)

۱- ۱- مهدی منتظر. ۲- معجم احادیث الامام المهدی ج ۲ ص ۱۱ و ۱۲. ۳- همان آدرس ج ۳ ص ۱۳۲. ۴- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۹۲. ۵- عقد الدرر ص ۲۷۵ و ۲۱۵ و ۲۵۸. ۶- کمال الدین ج ۲ ص ۳۳۵. ۷- مکیال المکارم ج ۱ ص ۲۳۷.

۲- ۱- مهدی منتظر. ۲- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۰۵ و ۱۹۰. ۳- معجم احادیث الامام المهدی ج ۱ ص ۳۵۵.

- نام او عثمان است
- نام پدر او عنبسه است یا عینیه
- لقب او سفیانی است
- خروج او در ماه رجب می باشد
- محل خروج او در وادی یابس از اراضی شام است
- خبیث ترین مردم است
- مرکز عبادت خدای متعال را نکرده است
- مرکز مکه و مدینه را ندیده است
- خبثت او به حدی است که مادر بیچّه خود را زنده به گور می کند
- از ترس افشاء امرش
- در هنگام خروجش صلیب طلا در گردن خواهد داشت
- مردی است سفید مائل به سرخی
- چهار شانه و مهیب صورت
- بزرگ جمجمه
- آبله صورت
- یک چشم او تنگ و ریز یا نابیناست بطوری که گمان می شود
- یک چشم باشد
- دوران خروجش ۱۵ ماه بطول خواهد انجامید
- تصرف و اشغال می کند شام و حمص و فلسطین و اردن و
- قنسرین و بصره و کوفه و امان و حلب را
- لشکر ۱۳۰۰۰۰ نفری بسوی عراق می فرستد و آنجا را تصرف می کنند
- لشکر ۱۲۰۰۰ نفری بسوی مدینه و مکه می فرستد و مدینه را
- تصرف می کند سپس در بیداء به زمین فرو می روند
- هرکسی با او نافرمانی داشته باشد می کشد و با اژه آنها را سر
- می برد و در دیگ ها می پزد





- شدت اختلاف در شیعه و تبری از یکدیگر
 شدت فتنه و فساد و اختلاف و ظلم
 بنای قصر عتیق و بنای عمارتها در اطراف مسجد کوفه
 بنای جسر کوفه
 بنای خندق برای کوفه
 بنای رصد برای کوفه ممکن است همین سیم خاردارها باشد
 کشف هیکل (مجسمه)
 تعطیل شدن مساجد چهل روز
 به اهتزاز درآمدن سه بیرق در اطراف مسجد اکبر (مسجد کوفه)
 پایتخت شدن دوباره بغداد
 امور مملکت در بغداد شورائی خواهد شد
 جسر بغداد و کشته شدن افراد بسیاری بروی
 ظهور آتشی در ثویئه کوفه تا کناسه بنی اسد
 جفا و تعدیهای بنی هاشم
 ظهور یأس و ناامیدی
 سالهای فریبنده
 سالهای پر اختلاف و سرعت زوال حکومتها^(۱)

ملخ سرخ در دو موقع حمله می کنند یکی در موقع ظهور ملخ و یکی در غیر وقت آن

فاسد شدن خرما بر روی درخت

جنگ و خونریزی که پایان ندارد

شروع به جنگ از صفر تا صفر

نمایان شدن صورت و دستی در ماه

خسوف ماه در شب چهاردهم رجب

ظاهر شدن مردی در شب چهاردهم رجب در زیر ماه

سرخ شدن تمام آسمان

وزیدن باد سرخ در بغداد

سنگ باران

مسخ (به شکل خوک و میمون درآمدن)

کبود شدن چشمها

ظاهر شدن آتش در آسمان (۱)

علائمی که یکسال یا دوسال قبل از ظهور برتوق می پیروند



فتنه‌های سال ظهور

- خروج اصهب «یعنی مردی سرخ چهره و سفید رنگ» در شام
- خروج ابقع «یعنی مردی سفید مایل به پیسی» در شام
- خروج سفیانی «که علامتش در علائم حتمیه آمده است» در شام
- خروج یمانی «که علامتش در علائم حتمیه آمده است» در یمن
- خروج خراسانی «که علامتش در علائم حتمیه آمده است» در خراسان
- خروج مغربی «یعنی پرچمهایی که توسط قیس باهتزاز درآید
حمل می‌کند» در مصر و شام
- خروج عوف سلمی «از بنی سلیم است» در بصره و نواحی آن
- خروج شخصی از اولاد شیخ که در نجف کشته می‌شود و
شهادت خواهد بود
- خروج حسینی که مردی از فرزندان امام حسین علیه السلام خواهد بود
- خروج مردی ضعیف از موالی، بمدافعه سفیانی
- خروج ربیعی که اهل فتنه است لکن سفیانی بر او غالب می‌شود
- خروج جرهمی که اهل فتنه است لکن سفیانی بر او غالب می‌شود
- خروج سپاهی از کوفه به شام که همگی مشرک و منافق هستند
و کمک به سفیانی می‌رسانند
- خروج شیصبانی یا سیصبانی از کوفه که همگی از دشمنان امام
زمان علیه السلام می‌باشند
- خروج مروانی
- خروج قحطانی در یمن
- خروج گیلانی (۱)

۱- ۱- مهدی منتظر ۲- معجم احادیث الامام المهدی ج ۱ ص ۳۲۶، ۳۸۱، ۳۸۳، ۳۸۴

۴۱۱، ۴۴۷، ۴۸۳، ۴۸۴

- خروج دجال
 خروج شخصی از سجستان یعنی سیستان
 خروج سید حسنی جوانمرد خوشرویی که ازیاران امام
 زمان علیه السلام می باشد
 خروج مردی از اولاد جعفر از بلاد جبل «یعنی همدان و
 کرمانشاه و نهاوند و قم» که برحق می باشند
 خروج شعیب بن صالح از سمرقند که برحق می باشد
 خروج شخصی از مشرق که مطالبه حق را می نماید و لکن به او
 نمی دهند تا با قهر و غلبه حق را می گیرد
 خروج افرادی از بنی العباس و به حکومت رسیدن و در نهایت
 قلع و قمع آنان بدست خراسانی و سفیانی
 خروج ترک و ورود آنان به بصره
 جنگ گرگان و طبرستان
 پرچمی از آذربایجان، امام کاظم علیه السلام فرمودند نه با او باشید و نه
 بر علیه او
 ورود غرب (روم) به شام یا فلسطین
 اختلاف غرب و روس
 جنگ داخلی در حجاز
 ویران شدن بغداد و ری (تهران)
 به تسخیر درآمدن چین و هند و روس
 حرکت پرچمهای سیاه از شرق
 درگیری ترک و روم و قتال سخت بین آنان و چیره شدن سفیانی بر آنها

جبرئیل و میکائیل و اسرافیل به یاری ایشان آیند
 ماه و خورشید در فرمان او باشند
 با دو ابرهای شدید در تسخیر او باشند
 ابر بروی سایه افکند
 بنام او از آسمان ندا شود
 به رعب نصرت شود
 شمشیرهای اصحاب از آسمان نازل شود
 ملائکه آن بزرگوار را یاری کنند
 جن ها آن بزرگوار را یاری کنند
 نزول عیسی بن مریم علیه السلام و پشت سر ایشان نماز بخوانند
 اصحاب کهف و رجعت عده ای از گذشتگان به دنیا
 طی الارض
 همه جای دنیا را ببینند
 هر مشکلی برای او آسان می شود
 مردم بخاطر نور ایشان از نور خورشید بی نیاز می شوند
 دوست و دشمن را می شناسد
 کور مادرزاد و مریض را شفا بخشد (۱)

علائم تشریفی خاصه آن حضرت در هنگام قیام

- شيخ كليني در كافي، روضه
 شيخ صدوق در كمال الدين، من لا يحضره الفقيه، خصال، امالي،
 عيون اخبار الرضا، علل الشرايع، المعاني
 شيخ مفيد در الارشاد في معرفة حجج الله على العباد، الامالي،
 الفصول العشرة في الغيبة، مسار الشيعة
 شيخ طوسي در الغيبة، مصباح المتعجب، التبيان في تفسير
 القرآن، الرجال، الفهرست، اختيار الكشي
 شيخ طبرسي در مجمع البيان، اعلام الوري
 سيد بن طاووس در الملاحم والفتن، اليقين في
 امره امير المؤمنين، الطرائف، كشف المحجة لثمره المهجة،
 جمال الاسبوع، مهج الدعوات
 حاجي نوري در مستدرک الوسائل، اللجنة الماوي،
 كشف الاستار عن وجه الغائب عن الابصار، النجم الثاقب،
 نفس الرحمن في فضائل سلمان
 علامه مجلسي در بحار الانوار، مرآت العقول، الاربعين
 مرحوم كفعمي در اللجنة الواقية، مصباح الكفعمي
 سيد هاشم بحراني در غاية المرام، المحجة فيما نزل
 في القائم الحجة، تبصرة الولي فمن راي القائم المهدي عليه السلام
 سيد رضی در نهج البلاغة
 مرحوم برقي در المحاسن
 سليم بن قيس در سليم بن قيس
 ابن شهر آشوب در المناقب و متشابه القرآن و مختلفه
 نجاشي در رجال نجاشي
 مرحوم شبّر در حق اليقين
 فيض كاشاني در تفسير صافي

تصريح علماء شيعة پيرامون امام زمان علیه السلام

- شيخ حر عاملی در امل الآمال
- شهيد اول در المحتضر
- شهيد ثانی در منية المرید
- ابن قولويه در كامل الزيارات
- جمال الدين ابی العباس احمد بن شمس الدين محمد بن فهد الاسدی
- الحلی در التحصين فی صفات العارفين
- شريف ضياء الدين القاضي نور الله الحسينی در مجالس المؤمنین
- ابی علی محمد بن اسماعیل در منتهی المقال
- محمد صادق بن سید محمد رضا خاتون آبادی در
- اربعین الخاتون آبادی موسوم به كشف الحق
- حاج شيخ علی یزدی حائری در الزام الناصب
- سید مصطفی الكاظمی در بشارة الاسلام
- شيخ عبدالله مامقانی در تنقيح المقال، مرآة الكمال
- سید محمد باقر خوانساری در روضات الجنات
- سید صدر الدين الصدر در المهدي
- شيخ محمود العراقي الهيثمي در دار السلام المشتمل علی ذکر
- من فاز بسلام الامام علیه السلام
- سید محمد سعید المرسوی صاحب عبقات در الامام الثاني عشر
- سید محسن الامین الشامي در اعيان الشيعة، المجالس السنّية،
- البرهان علی وجود صاحب الزمان علیه السلام
- عبدالله بن جعفر الحمیری در قرب الاسناد
- علی بن ابراهیم القمی در تفسير علی بن ابراهیم
- فرات بن ابراهیم فرات الكوفي در تفسير فرات علی بن ابراهیم
- محمد بن ابراهیم النعمانی در الغيبة
- سید محمد تقی موسوی در مکیال المکارم
- میرزا محسن آقا تبریزی در تبیین المحجة الی تعیین الحجة

شيخ حسين بن عبد الوهاب در عيون المعجزات
 حسين بن محمد بن الحسن بن نصر الحلواني در نزهة الناظر و تنبيه الخاطر
 ابي القاسم علي بن محمد بن علي الخزاز الرازي در كفاية الاثر
 في النصوص علي الأئمة الاثني عشر
 ابي الفتح محمد بن عثمان الكراچكي در التفضيل، در البرهان
 علي صمة طول عمر الامام صاحب الزمان عليه السلام
 ابي جعفر محمد بن جرير بن رستم الطبري در دلائل الامامة
 محمد بن الحسن بن ابي الحسن محمد الديلمي در ارشاد القلوب
 عماد الدين ابي جعفر محمد بن ابي القاسم علي بن محمد بن علي بن
 رستم الطبري الأمل الكجی در بشارة المصطفى لشعبة المرتضى
 ابي الحسن محمد بن احمد بن علي بن الحسن بن شاذان القمي در
 المناقب المائة
 قطب الدين ابي الحسين سعيد بن هبة الله الراوندي در الخرايج
 ابي الفضل شاذان بن جبرئيل القمي در الفضائل
 ابي منصور احمد بن علي بن ابي طالب الطبرسي در الاحتجاج
 ابي الحسن يحيى بن الحسن بن الحسين بن علي بن محمد البطريق
 الحلّي در العمدة
 عماد الدين الطبري الحسن بن علي بن محمد بن علي بن الحسن در
 الكامل في السقيفة
 ابي نصر رضي الدين حسن بن الفضل بن الحسن در مكارم الاخلاق
 حسن بن يوسف معروف به علامه در كشف اليقين في فضائل
 امير المؤمنين عليه السلام
 ابي الفتح علي بن عيس الاربلي در كشف الغممة
 سيد نعمة الله الجزائري در الانوار النعمانية
 سيد عليخان صدرالدين شيرازي در الكلم الطيب،
 شرح الصحيفة الكاملة

- ابن حجر هیثمی در الصواعق المحرقة
 سید جمال الدین عطاء الدین در روضة الاحباب
 شیخ علی خواص در کشف الاستار
 نورالدین عبدالرحمن جامی حنفی شاعر عارف در شرح کافیہ
 شیخ حسن عراقی در لواقح الانوار فی طبقات الاخیار
 حسین بن معین الدین میبیدی در شرح ایوان امیر
 حافظ محمد بن بخاری معروف به خواجه پارسا در فصل الخطاب
 حافظ ابوالفتح محمد بن ابی الفوارس در اربعینہ
 شیخ احمد جامی بنقل مجالس المؤمنین
 شیخ عبدالرحمن صاحب مرات الاسرار
 شیخ عارف صلاح الدین صفدی در شرح الدایره
 مولوی علی اکبر بن اسد اللہ المودی ہندی در المکاشفات
 شیخ عبدالوہاب شعرانی بنقل ینابیع المودۃ
 شیخ عامر بن عامر بصری در قصیدۃ تائبہ نوات الانوار
 شیخ ابوالمعالی صدر الدین قونوی صاحب تفسیر
 میرخواند در تاریخ روضة الصفا
 ابن وردنی در نور الابصار
 ابن خلکان در وفيات الاعیان
 عماد الدین حنفی بنقل کشف الاستار
 شیخ الاسلام ابراہیم بن سعد الدین
 مولی علی قاری در مرقاۃ
 مولی حسین کاشفی در جواهر التفسیر
 سید مؤمن شبلنجی در نور الابصار و بزرگان دیگری کہ بہ
 ہمین مقدار بسندہ می کنیم

- مالکی در فصول المهمة
 حموینی در فرائد السمطين
 ابن مغزلی در مناقب
 بخاری در صحيح بخاری كتاب الاحكام
 مسلم در صحيح مسلم كتاب الامارة باب الناس تبع لقريش
 ابو داود در سنن ج ۲ ص ۴۲۱
 ترمذی در الفتن ج ۴ ص ۵۰۱
 احمد بن حنبل در مسند ج ۵ ص ۸۶ و ۱۰۸
 ابو عوانه در مسند ج ۴ ص ۳۹۶ و ۳۹۸ و ۳۹۹
 عسقلانی در فتح الباری ج ۱۳ ص ۱۷۹
 بخاری در تاريخ الكبير ج ۲ ص ۱۵۸
 خطیب در تاريخ بغداد ج ۱۴ ص ۳۵۳
 قسطنانی در ارشاد الساری ج ۱۰ ص ۳۲۸
 حسکانی در شواهد التنزیل ج ۱ ص ۴۵۵
 العینی در شرح البخاری ج ۲۴ ص ۲۸۱
 ابن کثیر در البداية و النهایة ج ۶ ص ۲۴۸
 حاکم در معرفة الصحابة
 سیوطی در تاريخ الخلفاء ص ۶۱
 المناوی در كنوز الحقائق ص ۲۰۸
 طبرانی در معجم الكبير ص ۹۴ و ۹۷
 شیخ سلیمان حنفی در ینابیع المؤدّة باب ۷۶ ص ۵۳۴
 محمد بن طلحة شافعی در مطالب السؤل
 میر سید علی همدانی شافعی در مؤدّة القریبی
 خوارزمی در مناقب
 سبط ابن جوزی در تذكرة

تصريح علمای اهل سنت بر اینکه جانشینان پیامبر اکرم ﷺ دوازده نفرند

سنن ابن ماجه ج ۲ ص ۱۳۶۷ ح ۴۰۸۴ مهدی خلیفة الله است
 سنن ابن ماجه ج ۲ ص ۱۳۶۷ ح ۲۰۸۵ مهدی از اهل بیت است
 سنن ابن ماجه ج ۲ ص ۱۳۶۸ ح ۴۰۸۶ مهدی اولاد فاطمه است
 سنن ابن ماجه ج ۲ باب خروج المهدي: از بزرگان بهشت من و
 علی و جعفر و حسن و حسین و مهدی هستیم
 مسند احمد ج ۳ ص ۳۳۸ و ۳۸ و ۵: در آخر الزمان خلیفه ای
 خواهد آمد که مال را بین همه تقسیم می کند
 مسند احمد ج ۳ ص ۳۷: قیام مهدی در موقعیتی است که بین
 امت اسلام اختلافات شدیدی است می آید و عدالت
 جهانی را می گستراند
 ابن خلکان در وفيات الاعیان ج ۱ ص ۵۷۱ می گوید محمد بن
 الحسن المهدي ولادتش روز جمعه نیمه شعبان ۲۵۵ بوده
 ابن جوزی در تذكرة الخواص ص ۲۰۴ می گوید مهدی فرزند
 علی علیه السلام و کنیه او ابو عبدالله و ابوالقاسم و آخرین امام است
 علامه خمراوی در مشارق الانوار ص ۱۵۳ می گوید مهدی
 فرزند امام عسکری و میلادش نیمه شعبان ۲۵۵ او باقی
 است تا با عیسی ملاقات کند
 ابن حجر در صواعق المحرقة می گوید مهدی فرزند امام حسن
 و هنگام وفات پدر ۵ سال داشت در عین حال خداوند به
 او حکمت را داده بود
 شیخ سلیمان بلخی در بنابیع المودة ص ۴۵۲ می گوید ولادت
 مهدی علیه السلام در شب پانزدهم شعبان ۲۵۵ در سامراء بوده است

نظریات علمای اهل سنت پیرامون امام زمان علیه السلام

قاضی بهلول بهجت افندی در المحاکمه فی تاریخ آل محمد ولادت مهدی علیه السلام در نیمه شعبان ۲۵۵ و نام مادرش نرجس بوده است المستدرک علی الصحیحین ج ۴ ص ۵۵۷، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند مهدی حق است و آمدنی و از فرزندان فاطمه است علی بن حسین مسعودی در جزء چهاردهم مروج الذهب ص ۱۹۹ می گوید ابو محمد حسن بن علی در سال ۲۶۰ در خلافت معتمد وفات یافت که پدر مهدی منتظر است گنجی در کفایة الطالب می گوید از امام حسن عسکری فرزندی باقی مانده که او امام منتظر است حسین بن همدانی در الهدایة می گوید ابو محمد در گذشت در حالیکه فرزندی ۵ ساله داشت که در نیمه شعبان ۲۵۵ متولد شده و او امام منتظر و غائب است شیخ محمود می نویسد ابو محمد یک فرزند داشت از نرجس که در نیمه شعبان ۲۵۵ در سامراء متولد شد شیخ نورالدین می نویسد خداوند خجة ابن الحسن را امام دوازدهم قرار داد که غائب است و می گوید یملاً الارض قسطاً و عدلاً سیوطی در احیاء المیت می نویسد مهدی از ذریه حسین بن علی علیه السلام است که در آخر الزمان ظهور می کند شیخ عارف عبدالوهاب می گوید مهدی در نیمه شعبان ۲۵۵ ولادت داشته و او مانند عیسی بن مریم در پس پرده غیبت است محی الدین عربی در فتوحات مکیه باب ۳۶۶ صفحات ۳۲۷ و ۳۲۹ می گوید مهدی دنیا را پراز عدل و داد کند و او فرزند امام عسکری است

هفت طبقه مردم از دیدگاه امیرالمؤمنین علیه السلام

- طبقه اول اهل کید و فساوتند تا ۷۰ سال
- طبقه دوم اهل تبادل و تعاطفند تا ۲۳۰ سال
- طبقه سوم اهل تزویر و تقطیعند تا ۵۵۰ سال
- طبقه چهارم اهل تکاسب و تحاسدند تا ۷۰۰ سال
- طبقه پنجم اهل تسامح و بهتانند تا ۸۰۰ سال
- طبقه ششم اهل هرج و مرج و خیانتند تا ۹۴۰ سال
- طبقه هفتم اهل مکر و جنگ هستند تا زمان ظهور امام زمان علیه السلام

مدعیان مهدویت

- ابو اسحاق ابو عبیده ثقفی
- سریازان کیخسرو
- پیروان محمد حنفیه
- نقابدان خراسان
- ابوالعباس سفاح
- محمد بن نومرت
- السید محمد الجونیوری الهندی
- موسی الکردی
- الشیخ المغربی

مدعیان نیابت خاصه

- ابودلف المجنون
- ابوبکر البغدادی
- سید محمد هندی
- شیخ محمد مشهدی
- سید علی مشهدی
- شیخ محمد الناسی
- میرزا محمد الهروی
- علی بن محمد السجستانی
- حسین بن علی
- احمد بن الحسین الرازی
- محمد بن سعد الشاعه
- ابن ابی المزاقو محمد
- احمد بن هلال الکرخی (۱)

- کیسانیه که محمد بن حنفیه را مهدی موعود می دانستند
- جارودیه که محمد بن عبدالله بن حسن را مهدی موعود می دانستند
- باقریه که امام باقر علیه السلام را مهدی موعود می دانستند
- ناووسیه که امام صادق علیه السلام را مهدی موعود می دانستند
- واقفیه که امام کاظم علیه السلام را مهدی موعود می دانستند
- اسماعیلیه که اسماعیل فرزند امام صادق علیه السلام را مهدی موعود می دانستند
- محمّدیه که امام جواد علیه السلام را مهدی موعود می دانستند
- حوازیه که معتقدند امام زمان علیه السلام فرزندی دارد که او مهدی موعود است
- یزیدیه که معتقدند یزید بن معاویه بن ابی سفیان مهدی موعود است
- قراسطه که معتقدند محمد بن اسماعیل مهدی موعود است
- ابی مسلمیه که معتقدند ابو مسلم خراسانی مهدی موعود است
- فرقه‌ای از امامیه که معتقدند امام حسن عسکری علیه السلام مهدی موعود است
- فرقه‌ای از هاشمیه که معتقدند عبدالله بن حرب کندی مهدی موعود است
- فرقه‌ای که معتقدند عمر بن عبدالعزیز مهدی موعود است (۱)

۹۱ حدیث دلالت دارد بر اینکه امامان دوازده نفرند که اول آنها
علی علیه السلام و آخر آنها مهدی علیه السلام است

۱۳۶ حدیث دلالت دارد بر اینکه ایشان امام دوازدهم و پایان
بخش امامان است

۴۷ حدیث دلالت دارد بر اینکه دین اسلام بوسیله ایشان
جهانی می شود

۱۲۹ حدیث دلالت دارد بر اینکه ایشان جهان را از عدالت پر می کند

۷ حدیث دلالت دارد بر اینکه ایشان قیام به شمشیر می کنند

۶ حدیث دلالت دارد بر اینکه ایشان صاحب پرچم مخصوص
رسول خدا صلی الله علیه و آله می باشند

۳۱۸ حدیث دلالت دارد بر اینکه ایشان دارای طول عمر هستند

۹۱ حدیث دلالت دارد بر اینکه ایشان دارای غیبت طولانی هستند

۱۰ حدیث دلالت دارد بر اینکه ایشان دارای دو غیبت
صغری و کبری می باشند

۹۱ حدیث دلالت دارد بر اینکه ایشان در غیبت کبری ظهور می کند

۱۵ حدیث دلالت دارد بر اینکه ایشان مردم را به قرآن و سنت
هدایت می کند

۲۹ حدیث دلالت دارد بر اینکه حضرت عیسی علیه السلام نازل
می شود و پشت سر امام زمان علیه السلام نماز می خوانند

۶۵۷ حدیث دلالت دارد بر ظهور حضرت مهدی علیه السلام

۴۸ حدیث دلالت دارد بر شباهت امام زمان علیه السلام به رسول
خدا صلی الله علیه و آله از جهت خَلْق و خُلُق و اسم و کنیه و لقب و...

۳۸۹ حدیث دلالت دارد بر اینکه امام زمان علیه السلام از ذریه رسول
خدا صلی الله علیه و آله هستند

شمارش احادیث پیرامون امام زمان علیه السلام

- ۲۱۴ حدیث دلالت دارد بر اینکه امام زمان علیه السلام از اولاد امیرالمؤمنین علیه السلام هستند
- ۱۹۲ حدیث دلالت دارد بر اینکه امام زمان علیه السلام از اولاد فاطمه زهراء علیها السلام هستند
- ۱۰۷ حدیث دلالت دارد بر اینکه امام زمان علیه السلام از اولاد امام حسن علیه السلام هستند
- ۱۸۵ حدیث دلالت دارد بر اینکه امام زمان علیه السلام از اولاد امام حسین علیه السلام هستند
- ۱۸۵ حدیث دلالت دارد بر اینکه امام زمان علیه السلام از اولاد امام سجاد علیه السلام هستند
- ۱۰۳ حدیث دلالت دارد بر اینکه امام زمان علیه السلام از اولاد امام باقر علیه السلام هستند
- ۱۰۳ حدیث دلالت دارد بر اینکه امام زمان علیه السلام از اولاد امام صادق علیه السلام هستند
- ۱۰۱ حدیث دلالت دارد بر اینکه امام زمان علیه السلام از اولاد امام کاظم علیه السلام هستند
- ۹۰ حدیث دلالت دارد بر اینکه امام زمان علیه السلام از اولاد امام هادی علیه السلام هستند
- ۱۴۶ حدیث دلالت دارد بر اینکه امام زمان علیه السلام از اولاد امام عسکری علیه السلام هستند
- ۹ حدیث دلالت دارد بر اینکه امام زمان علیه السلام فرزند بهترین کنیزان است
- ۲ حدیث دلالت دارد بر اینکه هرگاه سه اسم محمد و علی و حسن پشت سر هم واقع شوند چهارمی آنها قائم علیه السلام خواهد بود

۱۶۰ حدیث دلالت دارد بر اینکه امام زمان علیه السلام نهمین اولاد
امام حسین علیه السلام می باشند

۱۴۸ حدیث دلالت دارد بر اینکه امام زمان علیه السلام نهمین اولاد
صلیبی امام حسین علیه السلام می باشند

۹۹ حدیث دلالت دارد بر اینکه امام زمان علیه السلام ششمین اولاد
امام صادق علیه السلام می باشند

۹۸ حدیث دلالت دارد بر اینکه امام زمان علیه السلام پنجمین اولاد
امام کاظم علیه السلام می باشند

۹۵ حدیث دلالت دارد بر اینکه امام زمان علیه السلام چهارمین اولاد
امام رضا علیه السلام می باشند

۹۰ حدیث دلالت دارد بر اینکه امام زمان علیه السلام سومین اولاد امام
جواد علیه السلام می باشند

۱۴۷ حدیث دلالت دارد بر اینکه نام پدر بزرگوارشان امام
حسن علیه السلام می باشد

تعداد ۸ حدیث در اینکه امام زمان علیه السلام دجال و سفیانی
را می کشد

تعداد ۷ حدیث در اینکه هرکس تعیین وقت ظهور کند
دروغگو است

تعداد ۲۳ حدیث در اینکه انتظار فرج ثواب دارد

تعداد ۸ حدیث در اینکه امام زمان علیه السلام موقع ظهور به سن یک
شخص جوان می باشد

تعداد ۱۰ حدیث در اینکه بیعت هیچکس برگردن امام
زمان علیه السلام نمی باشد

تعداد ۱۴ حدیث دلالت دارد بر مخفی بودن ولادت حضرت

- تعداد ۱۹ حدیث دلالت دارد بر اینکه حضرت دشمنان خدای
 متعال را می‌کشد و زمین را از شرک پاک می‌کند
- تعداد ۴ حدیث دلالت دارد بر اینکه حضرت از دشمنان خدا
 انتقام می‌گیرد
- تعداد ۲۳ حدیث دلالت دارد بر اینکه در آن حضرت سنتهای
 انبیاء علیهم‌السلام موجود می‌باشد
- تعداد ۱ حدیث دلالت دارد بر اینکه مردم گردن می‌نهند
 سلطنت حضرت را
- تعداد ۴ حدیث دلالت دارد بر زهد آن بزرگوار
- تعداد ۵ حدیث دلالت دارد بر علم آن بزرگوار
- تعداد ۱۳ حدیث دلالت دارد بر سخاوت آن بزرگوار
- تعداد ۲۴ حدیث دلالت دارد بر اینکه آن حضرت ظهور
 نمی‌کند مگر پس از امتحان شدید
- تعداد ۲۱۴ حدیث دلالت دارد بر ولادت و تاریخ ولادت و
 بعضی حالات مادرش
- تعداد ۹ حدیث دلالت دارد بر معجزات آن بزرگوار در زمان
 حیوة پدرشان
- تعداد ۱۹ حدیث پیرامون کسانی که حضرت را در زمان پدر
 بزرگوارشان مشاهده نموده‌اند
- تعداد ۲۵ حدیث پیرامون کسانی که موفق بزیارت حضرت در
 غیبت صغری شده‌اند
- تعداد ۲۷ حدیث پیرامون بعضی معجزات آن حضرت در
 غیبت صغری
- تعداد ۲۲ حدیث در حالات سفراء و نواب آن حضرت در
 غیبت صغری

تعداد ۱۲ حدیث پیرامون معجزات آن حضرت در غیبت کبری

تعداد ۱۳ حدیث پیرامون کسانی که آن حضرت را در غیبت کبری زیارت کرده‌اند

تعداد ۱۲ حدیث پیرامون بعضی از کیفیات ظهور آن حضرت

تعداد ۳۷ حدیث پیرامون معاصی و فتنه‌های قبل از خروج آن حضرت

تعداد ۷ حدیث در اینکه تمام ملل تسلیم امام زمان علیه السلام خواهند شد

تعداد ۱۲ حدیث در اینکه امنیت عالم گیر شده که گرگ و میش با هم و کودکان با مار و عقرب بازی می‌کنند

تعداد ۹۴ حدیث در اینکه آخرین امام اسلام حضرت مهدی علیه السلام است

تعداد ۹۴ حدیث در اینکه ائمه اثنی عشر ۱۲ نفرند و آخرین آنها حضرت مهدی علیه السلام می‌باشد

تعداد ۱۲۰ حدیث در اینکه ائمه اثنی عشر ۱۲ نفرند و نهمین آنها از اولاد حسین بن علی علیه السلام حضرت مهدی علیه السلام است

تعداد ۴۷ حدیث در اینکه خدای متعال امام زمان علیه السلام را یاری می‌کند و بر همه پیروز می‌گرداند و دین حق ظاهر می‌شود

تعداد ۵۰ حدیث در اینکه اسامی ائمه دوازده نفرند و اسامی آنها پشت سر هم مرتب و منظم آمده از طرف شیعه و سنی

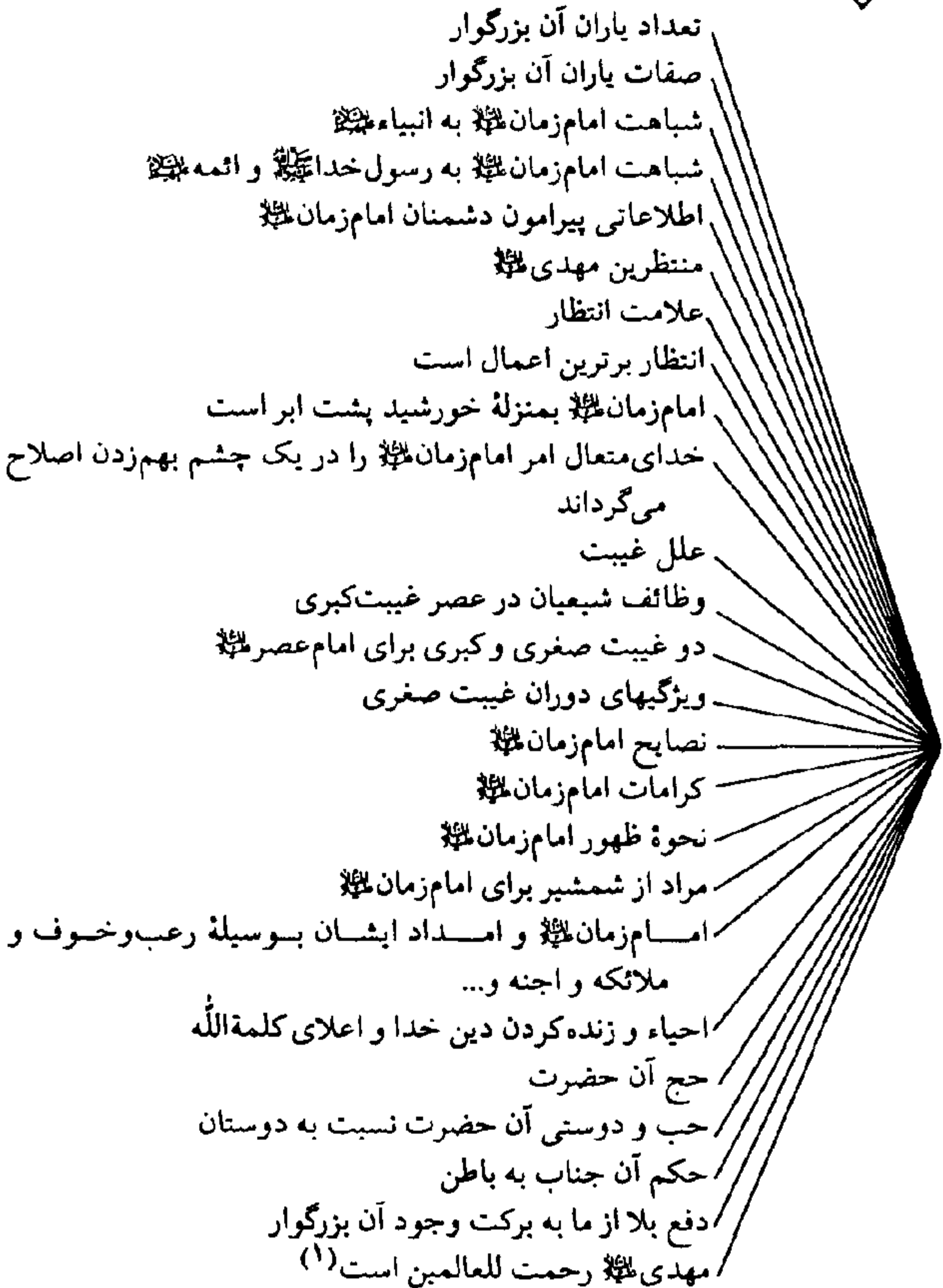
تعداد ۲۷۱ حدیث در اینکه ائمه شیعه امامیه دوازده نفرند

تعداد ۴۰ حدیث دلالت دارد که ائمه علیهم السلام باندازه نقباء بنی اسرائیل و به تعداد اسباط و حواریون می‌باشند

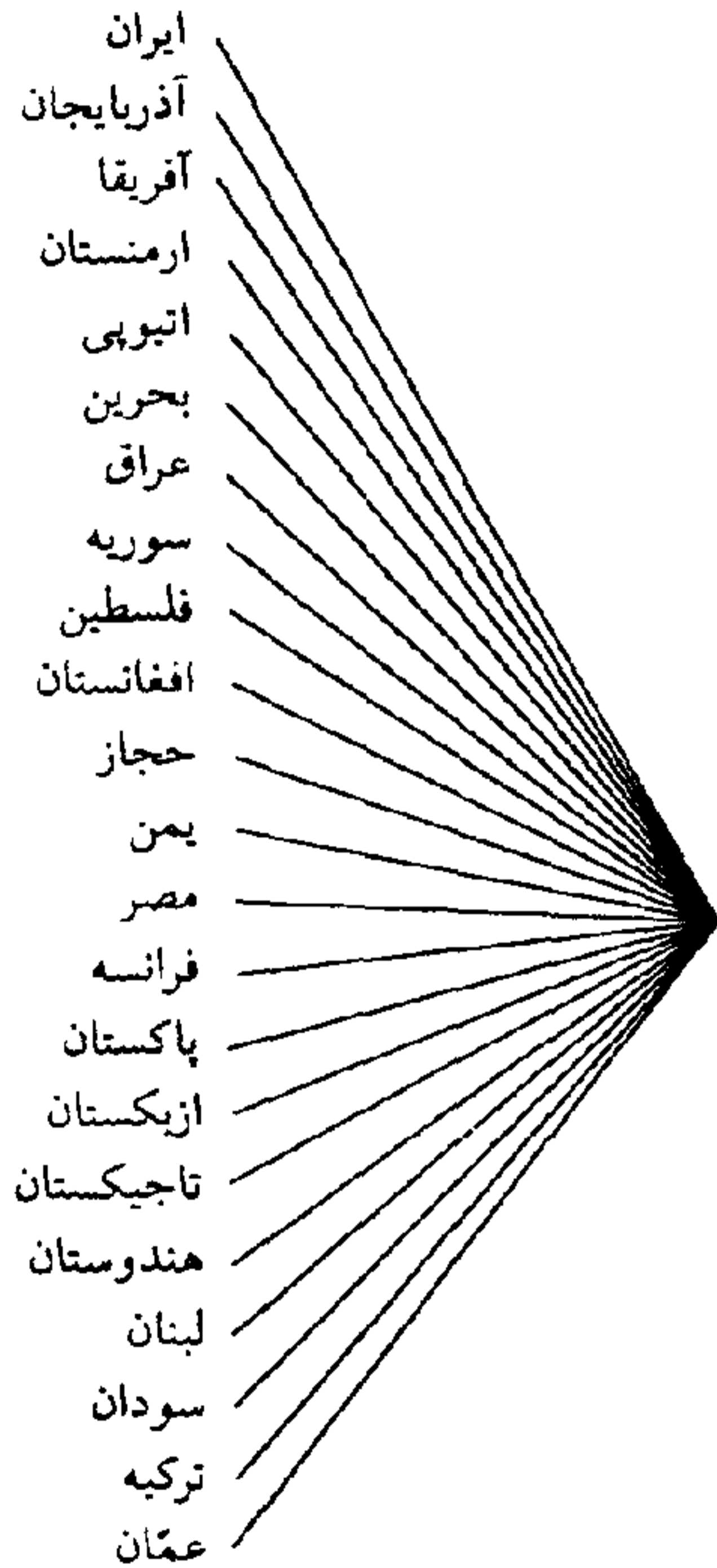
- تعداد ۳۰ حدیث دلالت دارد که امام زمان علیه السلام به سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله سیر می کند
- تعداد ۱۳۳ حدیث دلالت دارد که ائمه علیهم السلام دوازده نفرند و اوّل آنها علی علیه السلام می باشد
- تعداد ۱۳۹ حدیث دلالت دارد که ائمه علیهم السلام دوازده نفرند و نه نفر از آنها از اولاد امام حسین علیه السلام می باشد
- تعداد ۱۰۷ حدیث دلالت دارد که ائمه علیهم السلام دوازده نفرند و نه نفر از آنها از اولاد امام حسین علیه السلام و نهمین آنها قائم علیه السلام می باشد.
- تعداد ۲۱ حدیث دلالت دارد بر شمائل امام مهدی علیه السلام
- تعداد ۷ حدیث دلالت دارد بر علت غیبت امام مهدی علیه السلام
- تعداد ۷ حدیث دلالت دارد بر نحوه بهره برداری مردم از حضرت در زمان غیبت
- تعداد ۱۲ حدیث دلالت دارد که امام زمان علیه السلام شرق و غرب عالم را می گیرد
- تعداد ۵ حدیث دلالت دارد که تمام چیزهایی که پیامبران از فتح و ظفر بدست آورده اند در نزد امام زمان علیه السلام می باشد
- تعداد ۳۸ حدیث دلالت دارد بر خروج سفیانی
- تعداد ۱۲ حدیث دلالت دارد بر خروج دجال
- تعداد ۵ حدیث پیرامون آبادی زمین در حکومت آن حضرت
- تعداد ۷ حدیث پیرامون کامل شدن عقول
- تعداد ۱۴ حدیث پیرامون فضائل و مقام یاران آن حضرت
- تعداد ۵ حدیث پیرامون قدرت و قوه یاران آن حضرت
- تعداد ۱۸ حدیث پیرامون مدت خلافت و حکومت آن حضرت
- تعداد ۴ حدیث پیرامون خوراک و پوشاک آن حضرت

- تعداد ۷ حدیث پیرامون دعوت مردم و اجابت یاران از این دعوت
 تعداد ۹ حدیث پیرامون حرمت انکار قائم علیه السلام
 تعداد ۵۴ حدیث پیرامون وظائف شیعه نسبت به آن بزرگوار
 تعداد ۱۰ حدیث پیرامون کسی که توفیق درک امام علیه السلام را داشته باشد
 تعداد ۲۳ حدیث پیرامون کسی که در عصر غیبت ایمان
 بحضرت داشته باشد
 تعداد ۶ حدیث پیرامون چگونگی سلام و درود فرستادن بر آن حضرت
 تعداد ۱۳ حدیث پیرامون دعا و بعضی دعاهائی که از
 آن بزرگوار رسیده
 تعداد ۲۹ حدیث پیرامون علائم ظهور می باشد
 تعداد ۲۷ حدیث پیرامون نداء آسمانی باسم ایشان و اسم پدر
 بزرگوارشان
 تعداد ۲۳ حدیث پیرامون گرانی کالا و فراوانی مرض و قحطی و
 جنگ و...
 تعداد ۷ حدیث پیرامون سال و ماه و روز خروج حضرت
 تعداد ۱۷ حدیث پیرامون محل خروج و محل منبر آن بزرگوار
 تعداد ۱۱ حدیث پیرامون چگونگی بیعت برای آن بزرگوار
 تعداد ۱۰ حدیث پیرامون آشکار نمودن زمین معادن و
 گنجهای خود را برای آن حضرت
 تعداد ۱۲ حدیث پیرامون ظهور برکات آسمانی و زمینی
 تعداد ۲۵ حدیث پیرامون یاران خاص الخاص (یعنی ۳۱۳ نفر)
 تعداد ۲ حدیث پیرامون جمع شدن اهل شرق و غرب
 بخدمت آن حضرت

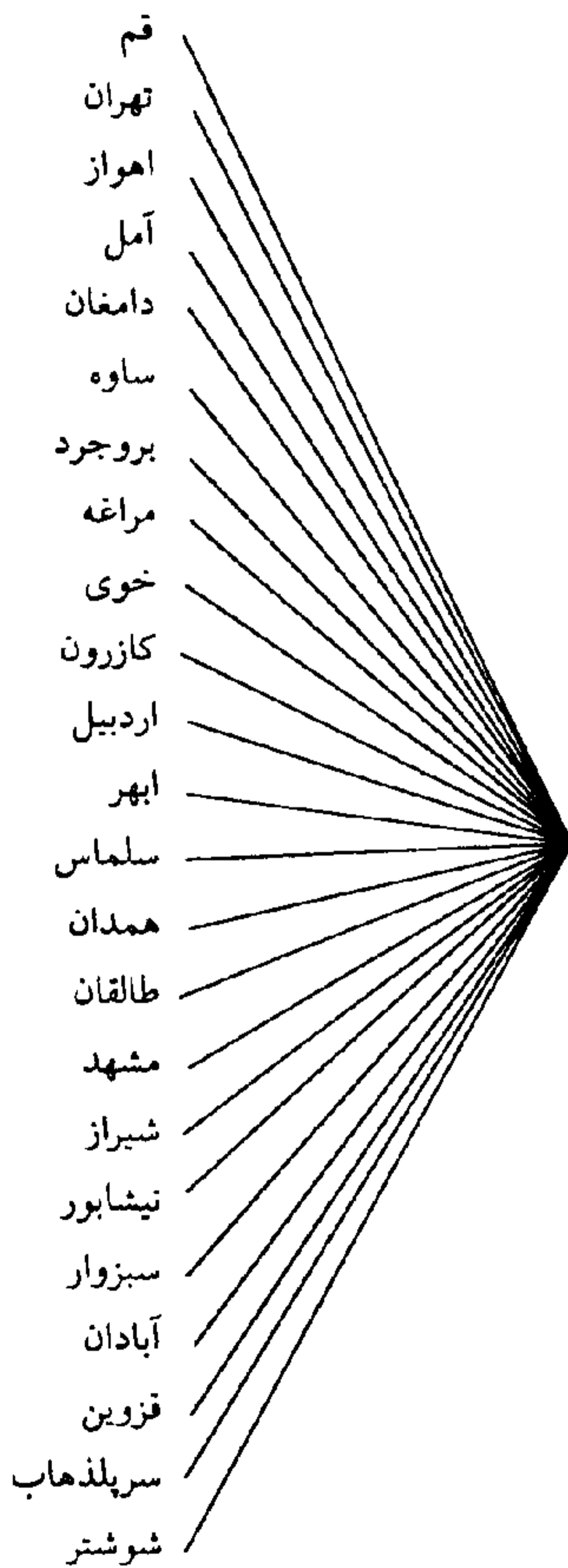
ظهور مهدی علیه السلام در آخرالزمان
 مهدی علیه السلام از عترت من و فرزندان فاطمه علیها السلام است
 مهدی علیه السلام یکی از سروران اهل بهشت است
 با مهدی علیه السلام بیعت کنید
 اهل شرق مهدی علیه السلام را یاری می کنند
 مدت سلطنت او
 عیسی بن مریم علیه السلام با مهدی علیه السلام نماز می گذارد
 شمائل مهدی علیه السلام
 مهدی علیه السلام از اولاد امام حسین علیه السلام است
 جود و بخشش امام زمان علیه السلام
 مهدی علیه السلام همان عیسی بن مریم علیه السلام نمی باشد
 پیغمبر صلی الله علیه و آله اول، امام زمان علیه السلام وسط، عیسی بن مریم علیه السلام آخر
 قرار دارند
 اسم و کنیه و لقب آن بزرگوار
 سجایای اخلاقی آن بزرگوار
 قریه ای که امام زمان علیه السلام از آنجا ظهور می کند
 ابری که بر سر مبارک حضرت مهدی علیه السلام سایه می افکند
 فرشته ای که در خدمت امام زمان علیه السلام می باشد
 فتح قسطنطنیه بدست امام زمان علیه السلام
 ظهور مهدی علیه السلام بعد از پادشاهان ستمگر است
 مهدی علیه السلام پیشوای صالح است
 فراوانی نعمت در زمان امام زمان علیه السلام
 کامل شدن عقول در زمان امام زمان علیه السلام
 امنیت کامل در زمان امام زمان علیه السلام
 کامل شدن علم در زمان امام زمان علیه السلام
 حضرت مهدی علیه السلام خلیفه الله است
 شرق و غرب عالم را تصرف می کند
 عمر ظاهری حضرت هنگام ظهور



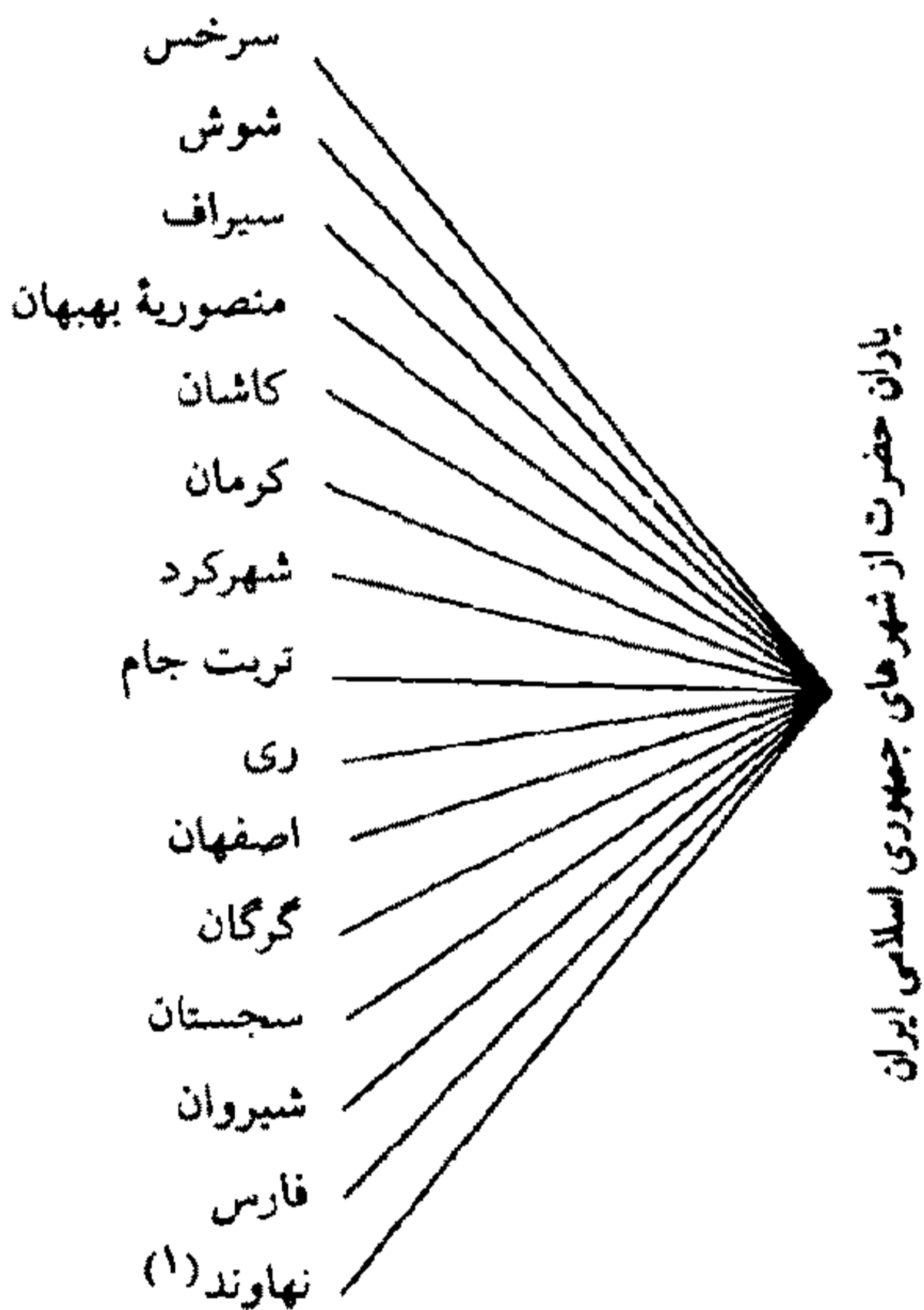
۱- مکیال المکارم ج ۱ ص ۱۰۳ - تا ۴۰۳. ۲- کمال الدین. ۳- اثبات الهداة. ۴- غایة المرام و اکثر کتب حدیثی.



یاران حضرت از چه کشورهایی می باشند



یاران حضرت از شهرهای جمهوری اسلامی ایران



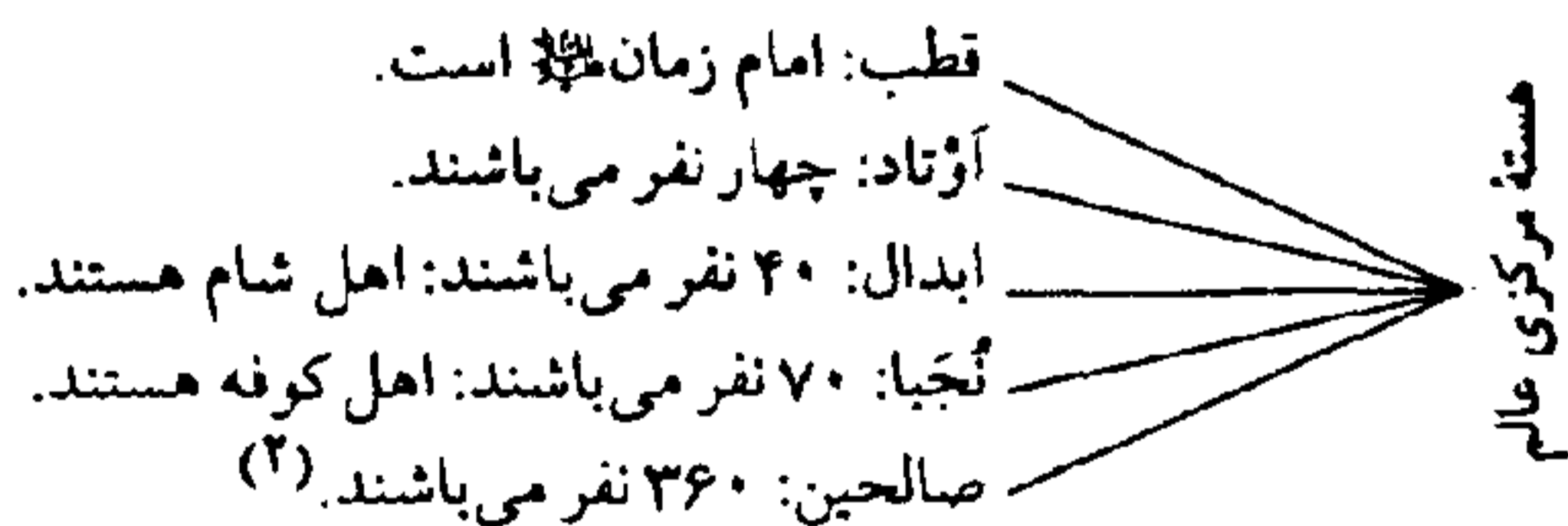
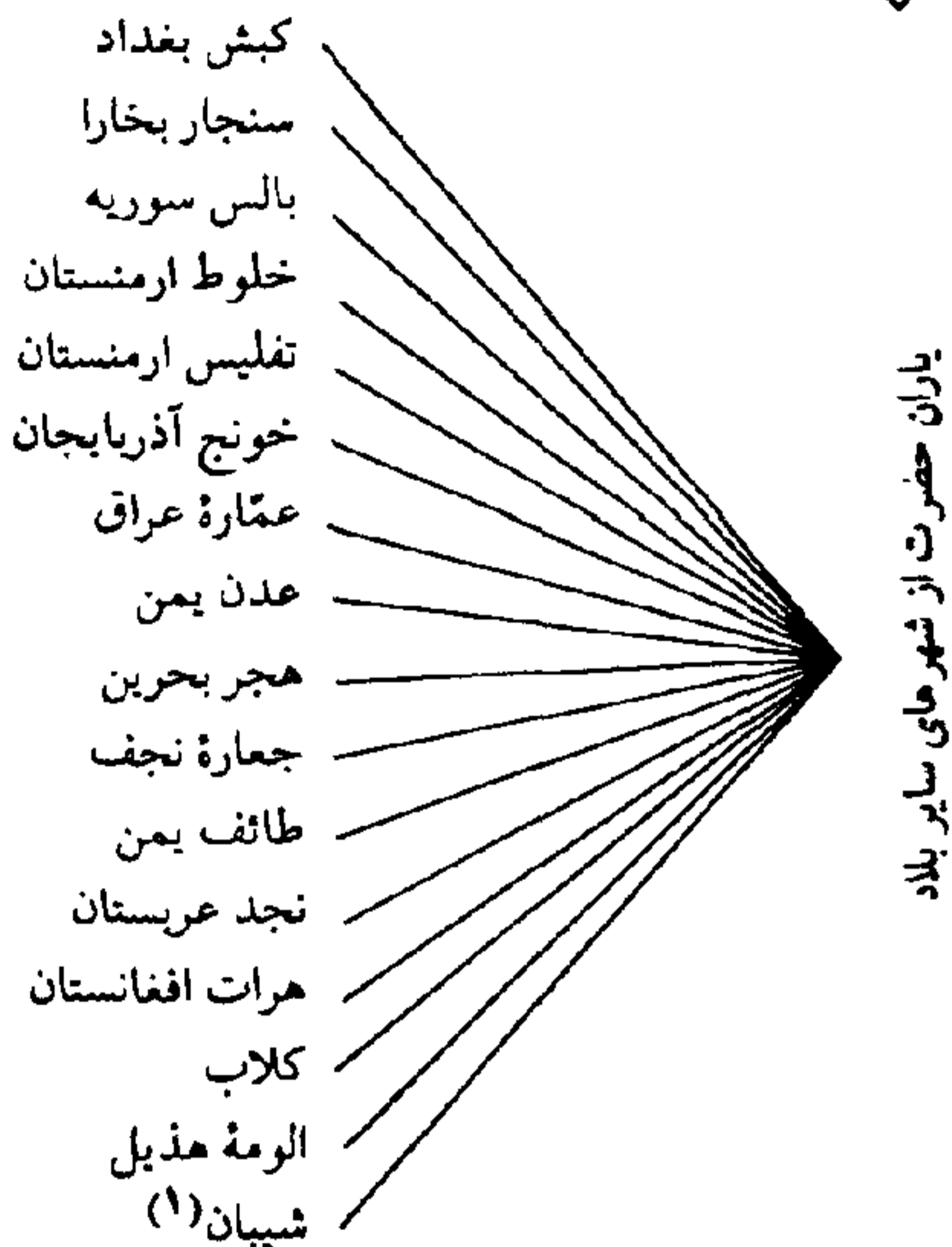
۱-۱- الزام الناصب ج ۲ ص ۱۱۶، ۲- بحار الأنوار ج ۵۲ ص ۲۲۳، ۳- منتخب الاثر ص ۱۸۲، ۴- اثبات الهداة ج ۳ ص ۶۱۵، ۵- ملاحم ابن طاووس ص ۱۴۵.

کربلا
جدّه عربستان
کوره لبنان
مدینه
مکه
بغداد
فادسیه عراق
حمص سوریه
بلخ افغانستان
اسکندریه مصر
یمامه حجاز
نجف
سیلان هندوستان
خلاط ارمنستان
صنعا یمن
مرقیه سوریه
خرشان بحرین
نصیبین ترکیه
رهاط مکه
طائف حجاز
دمشق
عکافلسطین
نوبه سودان
عرفه مکه
سامراء
رملة فلسطین
فسطاط مصر

باران حضرت از شهرهای سایر بلاد

حلب سوریه
 بیت المقدس
 ضیف نجد
 بلقا اردن
 سند پاکستان
 انطاکیه سوریه
 هجر یمن
 هونیق مصر
 شیزر مصر
 مهجم یمن
 عسقلان فلسطین
 سنجار عراق
 سمرقند ازبکستان
 بصره
 انبار عراق
 واسطه عراق
 قطیف عربستان
 کوفه
 حلّه عراق
 طبریة فلسطین
 موصل عراق
 انطاکیه ترکیه
 کرخ بغداد
 حبش
 لنجویة آفریقا

یاران حضرت از شهرهای سایر بلاد



۱-۱- الزام الناصب ج ۲ ص ۱۱۶. ۲- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۲۳.

۲- سفینه البحار ج ۲ ص ۴۳۸.

از بغداد: عثمان بن سعید و محمد بن عثمان و حاجز و هلالی و عطار

از کوفه: عاصمی

از اهواز: محمد بن ابراهیم بن مهزیار و حصینی

از قم: احمد بن اسحاق و حسن بن نصر و محمد بن محمد و

علی بن محمد بن اسحاق و پدرش محمد بن اسحاق

از همدان: محمد بن صالح و محمد بن کشمرد و جعفر بن حمدان

و محمد بن هارون بن عمران

از ری: بسامی و اسدی و قاسم بن موسی و ابو محمد بن هارون و

صاحب سنگریزه

از آذربایجان: قاسم بن علا

از دینور: حسن بن هارون و برادرزاده اش احمد و ابوالحسن

از اصفهان: ابن بادشاله

از صمیره: زیدان

از قزوین: مرداس و علی بن احمد

از قابس: ۲ نفر

از ذور: ابن خال

از فارس: مجروح

از نیشابور: محمد بن شعیب بن صالح و محمد بن شاذان

از کاشان: ابو محمد بن و جناء

از مرو: ابو ثابت و مردی که هزار دینار داشت و شخصی که

اموال و نامه سفیدی آورده بود

از مصر: ابورجاء و مردی که با خود اموالی به مکه آورده بود

- شباهت به آدم علیه السلام خداوند تبارک و تعالی آدم را حجت در تمام زمین قرار داد و او را وارث آن ساخت
- شباهت به شیث علیه السلام اجازه نیافت علمش را ظاهر کند
- شباهت به نوح علیه السلام طول عمر ایشان و پاک کردن زمین از کافران
- شباهت به ادریس علیه السلام هنگام ظهور ایشان پادشاه ستمگر و مردم همگی تسلیم او شدند
- شباهت به هود علیه السلام خداوند دشمنان ایشان را بوسیله باد عظیم هلاک نمود
- شباهت به صالح علیه السلام پس از مدتی غیبت که بسوی قومش برگشت نسبت به او اختلاف نمودند
- شباهت به ابراهیم علیه السلام نحوه ولادت مخفی و نحوه رشد غیر طبیعی بود یعنی رشد یک هفته در یکروز
- شباهت به اسماعیل علیه السلام تسلیم امر الهی بود نسبت بذبحش و کارش چوپانی بود
- شباهت به اسحاق علیه السلام پس از آنکه مادرش ساره مایوس از بچه دار شدن بود خداوند متعال او را به ساره داد
- شباهت به یوسف علیه السلام زندان و حیرت و پنهانی است و زیبایی و صلاح امرش در یک شب
- شباهت به خضر علیه السلام طول عمر و مأمور به علم باطن و شرکت هر سال در مراسم حج
- شباهت به الیاس علیه السلام نزول مائده از آسمان برایش و بفریاد درماندگان و گمشدگان رسیدن
- شباهت به ذوالقرنین علیه السلام مابین مشرق و مغرب را گرفت و او پیغمبر نبود ولی وحی به او می شد و برابر سوار شد

شبهات به شعيب عليه السلام بقوم خود گفت بقية الله خير لكم ان كنتم
مؤمنين و داراي غيبت طولاني بود

شبهات به موسي عليه السلام قوم او انتظار آمدنش را داشتند و
خفاء ولادت و سنگ مخصوص که دوازده چشمه داشت

شبهات به هارون عليه السلام از راه دور سخن موسي را مي شنيد و موسي
سخن او را و خداوند هارون را بسوي آسمان بالا برد سپس بار
ديگر به زمين بازگرداند

شبهات به يوشع عليه السلام منافقان امت پس از وفات موسي با او
جنگ کردند و خورشيد براي ايش بازگشت

شبهات به حزقيل عليه السلام خداوند براي ايش مردگاني را زنده کرد

شبهات به داود عليه السلام خداوند براي ايش آهن را نرم کرد و او جالوت را
کشت و حضرت دجال را و علم و شمشيرش او را صدا مي کنند

شبهات به سليمان عليه السلام در کودكي داود او را جانشين خود
قرار داد و ملک و سلطنت جهاني سليمان و او حشمة الله است

شبهات به آصف عليه السلام علمي از کتاب را داشت با غيبت آصف
ابتلا و گرفتاري بني اسرائيل سخت و شديد شد

شبهات به دانيال عليه السلام غيبت از قوم و جلوي شير انداختند تا او
را طعمه خود سازد

شبهات به عزير عليه السلام وقتي بسوي قومش بازگشت تورات را
آنطور که بر موسي نازل شده بود خواند هكذا امام عليه السلام قرآن را...

شبهات به جرجيس عليه السلام مردگاني را به دعائش زنده کرد

شبهات به ايوب عليه السلام هفت سال بر بلا صبر کرد و چشمه از زمين
براي ايش جوشيد

شبهات به زكريا عليه السلام فرشتگان او را ندا کردند در حالیکه بنماز
ايستاده بود و براي امام حسين عليه السلام سه روز گريه کرد

- شبهات به یحیی علیه السلام پیش از ولادت بشارت باو داده شد و در شکم مادر سخن گفت
- شبهات به عیسی علیه السلام فرزند بهترین زنان زمانش، در کودکی در گهواره سخن گفت، حکمت در کودکی باو داده شد
- شبهات به شمعون علیه السلام کتاب و علم و حکمت و جانشینی را از حضرت عیسی علیه السلام ارث برده بود
- شبهات به سام علیه السلام فرزند و جانشین نوح علیه السلام بود هکذا امام زمان فرزند و جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله
- شبهات به هابیل علیه السلام نزدیکترین اقوام او را کشتند و عموی امام زمان علیه السلام جعفر کذاب قصد کشتن ایشان را نمود
- شبهات به یونس علیه السلام پس از پیری وقتی دوران غیبتش تمام شد بسوی قومش برگشت و جوان بود
- شبهات به یعقوب علیه السلام گریه فراوان ایشان بر یوسف و منتظر فرج ماندن
- شبهات به لوط علیه السلام فرشتگان به یاری او شتافتند و از بلاد فاسقین بیرون رفت
- شبهات به رسول خدا صلی الله علیه و آله اسم و کنیه و لقب و خَلْق و خُلُق و قیام با شمشیر
- شبهات به امیرالمؤمنین علیه السلام علم و زهد و شجاعت
- شبهات به امام حسن علیه السلام بارزترین صفاتش حلم و بردباری است
- شبهات به امام سجاد علیه السلام بارزترین صفاتش عبادت است
- شبهات به امام باقر علیه السلام بارزترین صفاتش شباهتش به رسول خدا صلی الله علیه و آله بود
- شبهات به امام صادق علیه السلام بارزترین صفاتش کشف علوم و بیان احکام بود
- شبهات به امام کاظم علیه السلام بارزترین صفاتش تقیه و شدت ترس از دشمنان بود
- شبهات به امام رضا علیه السلام بارزترین صفاتش ریاست و مقام ظاهری بود

شبهات امام زمان علیه السلام به گلهای عالم

شباهت به امام جواد علیه السلام بارزترین صفات امامت و خلافت در
صفر سن بود

شباهت به امام هادی علیه السلام بارزترین صفات هیبت شدید بود

شباهت به امام عسکری علیه السلام بارزترین صفات هیبت شدید بود

مانند صفت امام هادی علیه السلام

شباهت به امام حسین علیه السلام

شدت اهتمام در قرآن کریم و سنت پیغمبران

اهتمام پیغمبران برگریستن برای حضرت امام

حسین علیه السلام هکذا گریه برای امر فرج

اهتمام پیغمبران در برپانمودن مجالس سوگواری و مرثیه

پیش از شهادت هکذا اهتمام بردعای فرج

شدت اهتمام امام حسین علیه السلام و امام عصر علیه السلام بر امر

بمغروف و نهی از منکر

نبودن بیعت طاغوت زمان بر آندو بزرگوار

هر دو بزرگوار را هنگام ولادت ملائکه به سوی

آسمان بردند

آرزوی بودن با امام حسین علیه السلام در عاشورا و بودن با

امام عصر علیه السلام در جنگ با کفار

هر دو بزرگوار ترسان از مدینه بسوی مکه فرار نمودند

مصیبت آندو بزرگوار سخت ترین مصیبت هاست

امام حسین علیه السلام از مردم مکه کمک خواست ولی

یارش نکردند هکذا امام عصر علیه السلام

لَقَدْ جُمِعَتْ فِيهِ الْمَخَاسِنُ كُلُّهَا

رخ یوسف کف موسی دم عیسی داری آنچه خوبان ع دارند تو تنها داری (۱)

۱-۱- مکیال المکارم ج ۱ ص ۱۹۷ و ۲۴۹ و ۲۸۶-۲- غیبت نعمانی ص ۱۳، ۳۱۳-۳-

روضه کافی ص ۱۴.

- هر دو بزرگوار در ایام خردسالی و کودکی به مقام شامخ ولایت مطلقه نائل شدند
- اولین لحظات تولد لب به سخن باز کردند
- از مادری بدنیا آمدند که بهترین زنان روزگار خود بودند
- از دیده‌ها غایب هستند
- مورد اختلافات فاحش و چشم‌گیری در بین مردم واقع شدند
- در یک روز ظهور خواهند کرد
- کلمه الله هستند
- مقام عصمت دارند
- دارای علم لدنی هستند
- منجی هستند برای عالمین
- دارای عمر طولانی هستند
- زنده هستند
- دارای پیروان کثیری می‌باشند
- مورد احترام بزرگان می‌باشند
- نام مبارکشان در قرآن کریم آمده است
- مرده را زنده می‌کنند
- کور را بینا می‌کنند
- مریض را شفا می‌دهند
- موقع ظهور در سن جوانی هستند بین ۳۰ الی ۴۰ سال
- از فرزندان ابراهیم خلیل الرحمان علیه السلام هستند
- قیام بر علیه ظلم و جور و فساد می‌کنند
- با دشمنان خدای عزوجل مبارزه می‌کنند
- جهان را پر از عدل و داد می‌کنند
- از نظر صورت و سیرت و وقار و هیبت یکی هستند

آیا امکان دارد امام زمان علیه السلام بیش از هزار سال عمرش باشد
برای پاسخ به این سؤال معمرین دنیا را نام می‌بریم:

آدم ابوالبشر ۹۳۰ سال

حوا ۹۳۱ سال

شیث ۹۱۲ سال

انوش ۹۵۰ سال

قینان ۹۱۰ سال

مهلائیل ۹۶۰ سال

یار ۹۶۲ سال

اخنوخ ۹۶۵ سال

لمک ۷۶۷ سال

نوح ۲۷۵۰ سال و ۱۷۵۰ هم نوشته‌اند و ۲۵۰۰ سال نوشته

مکیال ج ۱ ص ۲۵۰

سام ۶۰۰ سال

ارفخشاء ۴۹۸ سال

شالغ ۴۹۳ سال

عابر ۸۷۰ سال

فالغ ۲۹۹ سال

ارغو ۲۶۰ سال

یاحور ۱۴۶ سال

تارخ ۱۸۰ سال

ابراهیم ۱۷۵ سال

اسماعیل ۱۳۷ سال

هود ۷۶۰ سال سال

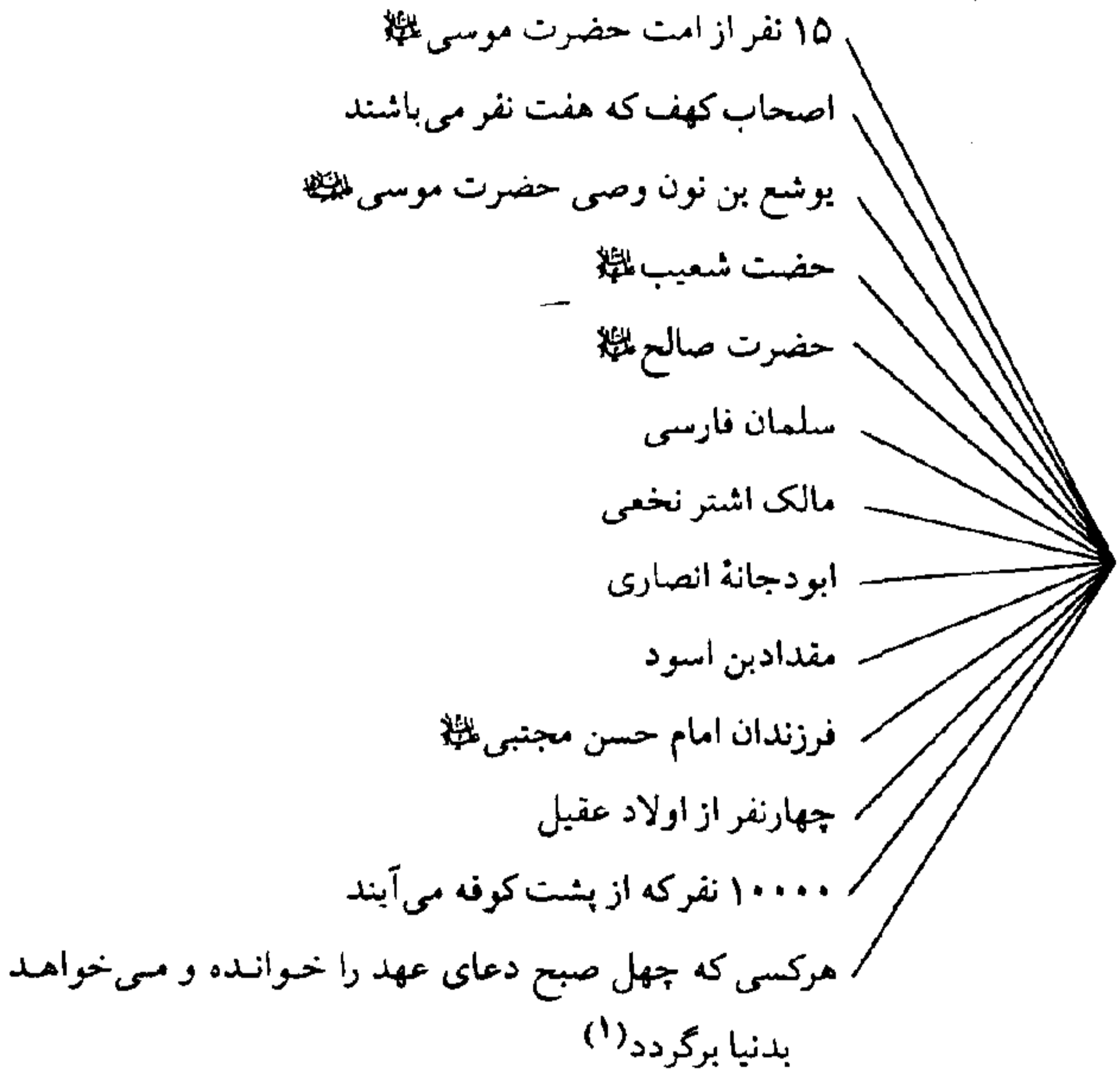
ایوب ۱۸۴ سال

معمرین دنیا

- سلیمان ۷۱۲ سال
- عوج بن عناق ۳۶۰۰ سال و مادرش ۳۰۰۰ سال
- ذوالقرنین ۳۰۰۰ سال
- اسحاق ۱۸۰ سال
- متوشلخ ۹۶۰ سال
- عاد ۱۳۰۰ سال
- لقمان ۴۰۰۰ سال
- عدی بن حاتم ۱۲۰ سال
- کیومرث ۱۰۰۰ سال
- قیس بن ساعدة الایادی ۶۰۰ سال
- جعفر بن قوط ۳۰۰ سال
- عبید بن ابرص ۳۰۰ سال
- شریح بن هانی ۱۲۰ سال
- شق کاهی ۳۰۰ سال
- مسجاح بن سباع روزگار دراز
- ابوالطحان القینی ۱۵۰ سال
- دوید بن زید بن نهد ۴۵۰ سال
- سربابک هندی ۹۲۵ سال
- عباد بن شداد البربوعی ۱۵۰ سال
- معدی کرب الحمیری ۲۵۰ سال
- عوف بن کنانة الکلبی ۳۰۰ سال
- شریة بن عبد الله الجعفی ۳۰۰ سال
- محضن بن عتبان ۲۵۰ سال
- اصحاب کھف ۳۰۹ سال
- عاد کبری ۳۵۰۰ سال
- سلمان فارسی ۳۵۰ سال

معجزات دینا

- ضحاک ۱۲۰۰ سال
- اوس بن ربیعة بن كعب بن امیة اسلمی ۲۱۴ سال
- وهب بن عبد الله بن ربیع بن ضبیح ۲۰۰ سال
- ابوزبید بدر بن حرملة طائی ۱۵۰ سال
- نصر بن دهمان بن سلیم بن اشجع ۱۹۰ سال
- نواب بن صدق عبدی ۲۰۰ سال
- ختعم بن عوف بن جذیمه روزگار دراز
- ثعلبة بن كعب بن زید بن عبد الاشهل الاوسی ۲۰۰ سال
- كعب بن رداة بن كعب بن ذهل بن قیس نخعی ۳۰۰ سال
- ارطاة بن دشهبة المزنی ۱۲۰ سال
- سیف بن وهب بن جذیمه طائی ۲۰۰ سال
- هبل بن عبد الله بن كنانه ۷۰۰ سال
- مزقیاء عمر بن عامر لقب (آب آسمان) ۸۰۰ سال
- زهیر بن جناب بن هبل بن عبد الله ۳۰۰ سال
- عمیر بن هاجر بن عمیر بن عبد الغری ۱۷۰ سال
- ذوالاصبع العدوانی حرثان بن الحارث ۳۰۰ سال
- فرعون ۴۱۱ سال
- رستم ۶۰۰ سال
- کیکاوس ۱۵۰ سال
- عزیز مصر ۱۵۰ سال و پدرش ریان بن دومغ ۱۷۰۰ سال و
- پدر بزرگش دومغ ۳۵۰۰ سال
- دجال که روایت دارد زمان رسول خدا ﷺ به دنیا آمده
- ابلیس و.... (۱)



بدست آوردن شناخت صفات و آداب آن بزرگوار و علائم
حتمیه ظهور

رعایت ادب نسبت به یاد امام علیه السلام مثل قیام کردن و مؤدب
بودن و...

محبت امام عصر علیه السلام بطور خاص

محبوب نمودن او در میان مردم

انتظار فرج و ظهور امام علیه السلام

اظهار اشتیاق به دیدار آن حضرت

ذکر مناقب و فضائل آن بزرگوار

اندوهگین بودن مؤمن از فراق ایشان

حضور در مجالس فضایل و مناقب آن بزرگوار

تشکیل مجالس ذکر فضایل و مناقب آن بزرگوار

شعر سرودن در فضایل و مناقب آن بزرگوار

شعر خواندن در فضایل و مناقب آن بزرگوار

قیام نمودن هنگام شنیدن نام مبارک ایشان

گریه کردن در فراق آن بزرگوار

گریانیدن در فراق آن بزرگوار

تباکی نمودن در فراق آن بزرگوار «خود را به گریه کنندگان شبیه نمودن»

درخواست معرفت امام عصر علیه السلام از خداوند تبارک و تعالی

تداوم بر دعای به آن حضرت علیه السلام

مداومت کردن بر خواندن دعای غریق برای آن بزرگوار تا سبب

نجات ما شود

دعا در زمان غیبت آن بزرگوار مثل دعای غیبت اللهم عرفنی نفسک و...

شناختن علامتهای ظهور آن حضرت علیه السلام

تسلیم بودن و عجله نکردن در امر فرج آن بزرگوار

صدقه دادن به نیابت از آن بزرگوار

صدقه دادن به قصد سلامتی آن بزرگوار

حج رفتن به نیابت آن حضرت علیه السلام

حج فرستادن از طرف آن حضرت علیه السلام

طواف بیت الله الحرام به نیابت آن حضرت علیه السلام

فرستادن نایب برای طواف از طرف آن حضرت علیه السلام

زیارت مشاهد رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام به نیابت از

آن بزرگوار

استحباب اعزام نایب برای زیارت مشاهد مشرفه از سوی آن بزرگوار

سعی در خدمت کردن به آن بزرگوار

اهتمام ورزیدن به یاری آن بزرگوار

تصمیم قلبی بر یاری آن بزرگوار

تجدید بیعت در فرائض، روزها و هر جمعه با آن حضرت علیه السلام

صله بوسیله مال با آن حضرت علیه السلام

صله شیعیان و دوستان صالح ائمه علیهم السلام به وسیله مال

خوشحال کردن مؤمنین

طلب خیر برای آن بزرگوار

زیارت و سلام کردن در هر مکان به آن بزرگوار

دیدار مؤمنین صالح و شیعیان مخلص به آن بزرگوار و سلام

نمودن بر آنان

وظائف شیعه در عصر غیبت نسبت به امام زمان علیه السلام

- درود فرستادن بر آن بزرگوار
 هدیه ثواب نماز به آن بزرگوار
 هدیه نماز مخصوص به هر یک ائمه علیهم السلام بخصوص امام علیه السلام و
 قید و شرطی این نماز ندارد
 اهداء قرائت قرآن به آن بزرگوار
 توسل و طلب شفاعت از خداوند بوسیله آن بزرگوار
 هدیه نماز به آن بزرگوار به طور مخصوص و در وقت معین
 مراجعه شود به مفاتیح و مکیال المکارم
 عرضه کردن خواست‌ها و حوائج به آن بزرگوار
 رعایت نمودن حقوق آن بزرگوار
 دعوت نمودن مردم بسوی آن بزرگوار
 خضوع دل هنگام یاد آن بزرگوار
 آشکار نمودن عالم علمش را برای آن حضرت «یعنی بیدار
 نمودن مردم»
 تقیه نمودن از اشرار و مخفی داشتن راز از اغیار
 صبر کردن بر اذیت و تکذیب نااهلان و سایر غم‌ها و محنتها
 درخواست صبر از خدای متعال
 سفارش همراهان و محبان آن بزرگوار به صبر در زمان غیبت ایشان
 شرکت نمودن در مجالس که نام آن بزرگوار را مسخره می‌کنند
 تظاهر کردن با ستمگران و اهل باطل
 ناشناس ماندن و فرار نمودن از مشهور شدن
 تهذیب نفس
 متحد شدن برای نصرت و یاری آن بزرگوار

- موفق شدن بر توبه واقعی و بازگرداندن حقوق به صاحبان آنها
- پیوسته به یاد آن بزرگوار بودن
- آداب مخصوص نسبت به آن بزرگوار را رعایت نمودن
- دعا نمودن برای جلوگیری از فراموشی یاد آن بزرگوار
- خاشع بودن بدن در هنگام یاد آن بزرگوار
- مقدم داشتن خواسته آن حضرت علیه السلام برخواسته خود
- احترام کردن نزدیکان منسوبین به آن بزرگوار
- بزرگداشت اماکنی که به قدم آن بزرگوار زینت یافته‌اند
- وقت ظهور را تعیین نکردن
- تکذیب نمودن کسانی که برای ظهور تعیین وقت می‌کنند
- تکذیب نمودن کسانی که ادعای نیابت خاصه را در زمان غیبت کبری دارند
- درخواست دیدار آن بزرگوار در حال عافیت و ایمان
- اقتداء کردن به اخلاق و اعمال آن حضرت علیه السلام
- حفظ نمودن زبان از غیر یاد خدای متعال و ائمه علیهم السلام
- نماز امام زمان علیه السلام را بجا آوردن که در اعمال مسجد جمکران نیز آمده است
- گریستن در مصائب ابا عبد الله الحسین علیه السلام
- زیارت قبر مطهر ابا عبد الله الحسین علیه السلام
- بسیار لعن کردن بنی امیه در آشکار و پنهان
- اهتمام در ادای حقوق برادران دینی
- مهیا نمودن سلاح و اسب در انتظار ظهور آن بزرگوار ^(۱)

وظائف شیعه در عصر غیبت نسبت به امام زمان علیه السلام

- مداومت در دعا
- تزکیه نفس از پلیدیها
- پرهیزکاری و کسب و تقوی
- دعا به هر زبانی که باشد
- درخواست فرج چه نثر و چه نظم باشد
- تکرار در دعا
- به زبان آوردن دعاها
- در حال ایستاده دعا کردن اگر نشد نشسته اگر نشد خوابیده
- در نحوه دعا کردن پیروی نمائیم از معصومین علیهم السلام
- رعایت در ترتیب قرائت دعا
- تغییر ندادن ادعیه مأثوره
- تکلم در حد عرف در دعا جایز است
- قطع نمودن دعا جایز است
- درخواست تعجیل فرج با صدای بلند
- حضور در مجلس دعائی که برای فرج دعا می کنند و دعا کردن در اجتماع باشد
- هدیه ثواب دعا برای اهل قبور
- قرائت نمودن دعا به نیابت از زندگان
- افزایش ثواب در دعاهایی که به نیابت قرائت می شود چون باعث خشنودی او شده
- دعا برای دوستان و یاران آن حضرت علیه السلام
- دعا برای نابودی دشمنان آن حضرت علیه السلام

شرایط و دستورات در حالات دعا کنند.

- صراحت بیان در دعا برای فرج
- درخواست تعجیل در فرج
- درخواست فرج همه مؤمنین و مؤمنات
- آمین گوی دعا کنندگان در امر فرج
- درخواست استجابت دعای دعا کننده امر فرج
- دعا برای فراهم شدن اسباب ظهور
- دعا برای رفع موانع ظهور
- طلب عفو از گناهانی که موانع فرج هستند چه برای خود چه برای دیگران
- دعا برای محفوظ ماندن از گناهانی که مانع فرج هستند چه برای خود چه برای دیگران
- دعا برای نابودی دشمنان آن حضرت که این مهم فقط با فرج حضرت خواهد بود
- دعا برای کوتاهی دست ستمگران از آن حضرت که این مهم فقط با فرج حضرت خواهد بود
- دعا برای گسترش یافتن عدالت آن حضرت که این مهم فقط با فرج حضرت خواهد بود
- دعا برای رفاه و خوشی کامل با ظهور امام عصر علیه السلام
- مقبول شدن اعمال و عبادات و اجر و پاداش آن را تعجیل در فرج بخواهد از خدای متعال
- دعا برای کسب توفیق دعای فرج برای همه مؤمنین
- دعا برای برپائی دین حق جهانی که این مهم فقط با فرج آن بزرگوار محقق می شود
- دعا برای دورگرداندن هم و غم از چهره نازنین امام علیه السلام
- دعا برای تعجیل فرج در امر خونخواهی امام حسین علیه السلام
- دعا برای انتقام گرفتن آن حضرت از ستمکنندگان بر خاندان سید المرسلین علیهم السلام
- درخواست رحمت ویژه نماید برای آن حضرت از سوی پروردگار که این مهم با درود فرستادن محقق می شود

یک چشم زدن غافل از آن ماه نباشید شاید که نگاهی کند، آگاه نباشید

- فرج ما در فرج امام زمان علیه السلام است
- دعا موجب زیاد شدن نعمتهاست
- دعا موجب اظهار نمودن محبت باطنی است
- دعا کردن نشانه انتظار است
- دعا کردن سبب زنده نمودن امرائمه اطهار علیهم السلام است
- مایه ناراحتی و جزع و فزع نمودن شیطان لعین است
- سبب نجات یافتن از فتنه های آخر الزمان است
- اداء قسمتی از حقوق آن بزرگوار است
- تعظیم خداوند و دین خداوند است
- امام زمان علیه السلام برای دعا کننده دعا می کند
- امام زمان علیه السلام برای دعا کننده شفاعت می کند
- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای دعا کننده شفاعت می کند
- دعا نمودن برای امام زمان علیه السلام امتثال امر الهی است و طلب فیض و عنایت او است
- مایه استجاب دعا می شود
- دعا نمودن اداء اجر رسالت است
- دعا نمودن سبب می شود بلاء دفع گردد
- دعا نمودن سبب می شود روزی فراوان گردد
- دعا نمودن باعث آمرزش گناهان می شود
- دعا نمودن باعث تشرف به دیدار آن حضرت در بیداری یا خواب می شود
- دعا نمودن باعث رجعت به دنیا در زمان ظهور آن حضرت می شود
- از جمله برادران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خواهد بود
- سبب تعجیل در فرج امام زمان علیه السلام خواهد بود
- سبب پیروی از رسول خدا و امامان علیهم السلام خواهد بود
- سبب وفای به عهد و پیمان خداوند است
- آثار نیکی به والدین برای دعا کننده حاصل می گردد
- ثواب اداء امانت برایش نوشته می شود

فوائد دعا برای امام زمان علیه السلام

موجب زیادی تابش نور امام علیه السلام در دلش می شود
 موجب طولانی شدن عمرش می شود ان شاء الله تعالی
 دعا نمودن برابری می کند با تعاون و همکاری در کارهای نیک
 به یاری خداوند متعال فائز می شود و بر دشمنان خدا غالب می گردد
 هدایت به نور قرآن مجید پیدا می کند
 نزد اصحاب اعراف جزء معروفین خواهد بود
 ثواب طالب علم را دارد
 از عقوبتهای اخروی در امان می ماند
 در هنگام قبض روح با او مدارا می شود
 در حقیقت اجابت نموده است فرمان الهی و رسول خدا صلی الله علیه و آله را
 با امیرالمؤمنین علیه السلام و در درجه ایشان خواهد بود
 محبوبترین افراد نزد خداوند متعال خواهد بود
 عزیزترین و گرامی ترین افراد نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله خواهد بود
 ان شاء الله تعالی اهل بهشت خواهد شد
 دعای نبی مکرم صلی الله علیه و آله شامل حالش خواهد شد
 گناهانش بخشیده و سیئاتش بدل به حسنات خواهد شد
 در عبادت الهی مورد تائید قرار می گیرد
 عقوبت از اهل زمین برطرف می شود
 ثواب کمک به مظلوم را خواهد داشت
 ثواب احترام بزرگان را خواهد داشت
 ثواب و پاداش خونخواهی اباعبدالله الحسین علیه السلام را خواهد داشت
 تحمل و درک و فهم احادیث اهل البیت علیهم السلام را پیدا خواهد کرد
 دعا کننده در قیامت نور افشانی می کند برای دیگران
 دعا کننده در قیامت ۷۰۰۰۰ نفر را شفاعت می کند
 امیرالمؤمنین علیه السلام روز قیامت برای او دعا می کند
 بی حساب داخل بهشت می شود
 از عطش روز قیامت در امان می ماند
 در بهشت جاودان و همیشگی خواهد بود
 مایه خراش روی ابلیس و مجروح شدن دل او می شود

در روز قیامت هدیه‌ای مخصوص برای او می‌آورند
 خداوند عزوجل از خدمتگذاران بهشت نصیبش می‌کند
 همیشه در سایه رحمت الهی می‌باشد مادامیکه مشغول دعا باشد
 ثواب و پاداش نصیحت و خیرخواهی مؤمن را دارد
 مجلس دعا محل حضور فرشتگان خواهد بود
 خدای متعال مباحثات می‌کند به شخص دعاکننده
 ملائکه الهی استغفار می‌کنند برای شخص دعاکننده
 بهترین خلق خدا هستند پس از ائمه طاهرین علیهم السلام
 دعا کردن اطاعت از اولی الامر است که در قرآن کریم واجب شده
 دعا کردن سبب سرور الهی می‌شود
 دعا کردن سبب سرور رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌شود
 دعا کردن محبوب‌ترین اعمال بسوی خدای تعالی است
 دعا کردن سبب حکمرانی و فرمانروائی او در بهشت خواهد بود
 حساب او آسان برگزار می‌شود
 دعا برای او مونس و همدم مهربانی خواهد بود در روز قیامت
 برترین اعمال است
 موجب برطرف شدن غم و غصه می‌شود
 دعا در غیبت افضل است از دعا در زمان ظهور برای آن بزرگوار
 فرشتگان الهی برای او دعا می‌کنند
 دعای امام سجاده علیه السلام شامل حال او می‌شود که مشتمل بر
 کلمات و نکات و فوائد عجیبی است
 دعا کردن تمسک جستن به ثقلین (کتاب و عترت) است
 دعا کردن چنگ زدن به ریسمان الهی است
 دعا نمودن سبب می‌شود که ایمانش کامل گردد
 ثواب جمیع عبادت بندگان الهی را بدست خواهد آورد
 دعا کردن تعظیم شعائر الهی است
 دعاکننده همانند کسی بوده که در رکاب رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده و
 شهید شده

دعاکننده همانند کسی بوده که در رکاب امام زمان علیه السلام بوده و شهید شده

دعا کردن ثواب احسان و نیکی نمودن به امام زمان علیه السلام را دارد

دعا کردن ثواب گرامی داشتن عالم را دارد

دعاکننده در زمرة و گروه ائمه طاهرین علیهم السلام محشور می شود

دعا کردن ثواب اکرام شخص کریم را دارد

درجات دعاکننده در بهشت رو به فزونی است

از بدی حساب در روز قیامت در امان خواهد بود

به بالاترین درجات شهداء در روز قیامت خواهد رسید

به شفاعت فاطمه زهرا علیها السلام خواهد رسید

دعا کردن ثواب حج را دارد

دعا کردن ثواب عمره را دارد

دعا کردن ثواب دو ماه اعتکاف در مسجد الحرام را دارد

دعا کردن ثواب دو ماه روزه گرفتن را دارد

دعا کردن ثواب آزاد نمودن بنده را دارد

دعا کردن ثواب هزار سال خدمت الهی را دارد

دعا کردن ثواب نه هزار سال عبادت الهی را دارد که تمام

روزهایش روزه و شبهایش تهجد باشد

دعا کردن ثواب کسی را دارد که هزار اسب آماده را برای جهاد

در راه خداوند متعال تقدیم کرده

دعا بهتر است از کسیکه ده بار طواف خانه خدا را بجا آورده

شفاعت دعاکننده در حق دیگران پذیرفته می شود

صد هزار حاجت دعاکننده در روز قیامت مورد قبول الهی واقع می شود

هفتاد و پنج هزار ملائکه از او حمایت می کنند و بر سرش سایه

می افکنند تا از گرمای عجیب قیامت در امان باشد^(۱)

۱- مکیال المکارم ج ۱ ص ۳۰۷-۳۰۳ از شماره ۱۱ الی ۹۰ و ج ۱ ص ۵۱۴-۵۱۱ از شماره

همسایه به همسایه جفا کند
 همسایه به همسایه اکرام کند از ترس زبانش
 وفا کم شود
 عهد و پیمانها را بشکنند
 آشنایان در وقت حاجت با یکدیگر غریبه شوند و از یکدیگر
 پنهان شوند
 کمتر چیزی که پیدا شود برادر مطمئن دینی است
 مدح و ثناگوئی فراوان گردد
 بوسیله مال از مردم طلب مدح کنند
 افراد حيله گر و مکار فراوان گردند
 حلم را ضعف و ظلم را فخر دانند
 شخص با انصاف را ضعیف و کم خرد به حساب آورند
 کبر و تکبر فراوان گردد
 حرص در همه مردم به وفور یافت شود
 حسد در همه مردم به وفور یافت شود
 افراد لئیم فراوان باشند
 افراد کریم اندک باشند
 امانت را ضایع کنند
 خائن را امین و امین را به خیانت نسبت دهند
 امانت و درستی کم شود و خیانت بسیار گردد
 مردم به غیب ایمان نیاورند
 دل مردم را قساوت گیرد (۱)

وضع آخر الزمان و بعضی از صفات اهل آن

- ۱- ۱- مهدی منتظر ۲- روزگار رهائی ۳- معجم احادیث الامام المهدی ۴-
 منتظر تاریخ ۵- تحف العقول ۶- الملاحم والفتن ۷- امالی صدوق ۸- الزام
 الناصب ج ۲، ۹- سفینه البحار ۱۰- کنز العمال ج ۱۴، ۱۱- بحارج
 ۱۰ و ۲۲ و ۲۳ و ۵۰ و ۵۲ و ۷۰ و ۷۶، ۱۲- علل الشرایع ۱۳- امالی مفید ۱۴- جامع
 الاخبار ۱۵- روضة الكافی ۱۶- بشارة الاسلام.

قطع رحم فراوان شود
 صلة رحم را با منت انجام دهند
 جفا و استخفاف به والدین ظاهر شود و به رفیقان نیکی نمایند
 ناسزاگوئی علناً بر والدین روا دارند
 ناسزاگوئی بر والدین را شعار خود نمایند
 بدگوئی پشت سر والدین را افتخار می دانند
 مرد پدر خود را سب نماید و نسبت به برادرش حسد ورزد
 پسر افتراء زند بر والدین
 فرزند نفرین کند بر والدین
 فرزند به مرگ والدین شادمان گردد
 فرزند نسبت به والدین رو ترش کند و خصمناک شود
 فرزندان به شدت والدین را تحقیر کنند
 حال والدین نزد فرزند از هر کسی بدتر باشد و خوشحال
 می شوند اگر کسی به آنها افتراء زند
 به والدین کمک نکنند مگر از روی ترحم
 عاق والدین زیاد شود
 بزرگان اقوام را توهین کنند
 کوچکان بزرگان را تحقیر نمایند
 مرد بوالدین جفا کند بخاطر زن و بچه اش
 کوشش در هلاکت برادر خود داشته باشند
 بزرگان به کوچکان رحم نکنند
 حیاء کوچکان از بین برود
 بچه ها بر منابر بالا روند
 پدران از فرزندان خود عمل زشت ببینند و از آنها جلوگیری
 نکنند بلکه راضی هم باشند

رفتار با والدین و اقوام

دروغ را حلال شمارند
 دروغ را زرنگی به حساب آورند
 دروغ حدیث ایشان گردد
 دروغ گویند آنگاه اظهار نمایند که شوخی کردم
 دروغ زیاد گردد
 قسمهای دروغ بسیار باشد
 برای دروغ گفتن یکدیگر را دوست بدانند
 برای راستگویی از یکدیگر قهر کنند
 فاسق دروغ بگوید و کسی حرفش را رد نکند
 دروغگو را تصدیق و خائن را امین کنند
 دروغگو را تصدیق و راستگو را تکذیب نمایند
 گفته‌های دروغ را نفیس شمارند و بروی مسابقه گذارند
 شهادتهای دروغ معمول گردد
 غیبت را ملاحظت شمردند و غیبت کنند را ملیح
 همدیگر را مژده دهند به غیبت جدیدی که آورده‌اند یا به
 مجلس غیبت
 بهتان و معصیت و طغیان علنی گردد و به آن افتخار نمایند
 هرگاه مؤمنی وارد مجلس شود که نتوانند غیبت کنند ابروهای خود
 را درهم کشند و اظهارکنند که این مجلس به آنها خوش نگذشت

کلامشان فحش و عملشان وحشت‌انگیز و موجب تنفر است
 فعلشان خبیث و مورد قبول نمی‌باشد
 لجاجت بین آنها ظاهر شود
 افرادی کینه توز و اهل مجادله خواهند بود
 اگر با ایشان همراهی کنید به شما شک خواهند نمود
 اگر سخنی بگویی ترا تکذیب می‌کنند
 اگر از آنها دور شوی غیبتت را خواهند نمود
 اگر به آنها ملتجی شوی موجب رسوائی خود را فراهم نموده‌ای
 اگر از آنها عذر خواهی کنی ترا خوار و ذلیل سازند
 اگر از آنها کمک مادی بخواهی بخل ورزند و خود گدائی است
 اگر کمکت کنند بخاطر تمسخر و تحقیر کردن باشد
 خود را به بدزبانی مشهور کنند تا از او بترسند
 سخن چینی را بزرگ قلمداد نمایند
 چاپلوسی فراوان گردد
 اگر نمانی ببینند از او استقبال کنند
 حرف کسی را امضاء نمی‌کنند مگر اینکه تمام باشد
 سعی در نمانی ظاهر شود
 بالا می‌برند مقام و قدر نمانی و سخن چین را

بد زبانی و کینه ورزی و اخلاق ناپسند

علم برداشته شود و جهل آشکار گردد
 علم زیر پا و دنیا بالای سر قرار گیرد
 علم را فراگیرند برای غیر خدای متعال
 علم دین را بیاموزند برای غیر خدای متعال
 علم دین را بیاموزند برای ضربه زدن به دین
 علم دین را بیاموزند برای رسیدن به اهداف شوم خود
 علم دین را بیاموزند برای گمراه کردن مستضعفان عالم
 علم دین را بیاموزند برای تظاهر و ریا نمودن
 علم دین را بیاموزند برای تفاخر و مباهات نمودن
 علم دین را بیاموزند برای ثروت اندوزی نمودن
 علم دین را بیاموزند برای ریاست نمودن

وضع علم

جور و فساد بسیار شود
 هرج و مرج فراوان گردد
 ظلم و ستم فراوان گردد
 ظلم و ستم همه کشورها و بلاد را فراگیرد
 عفو و گذشت از بین رود
 بندگان و کنیزان را ستم نمایند
 ظالم عزیز و مورد احترام و ضعیف ذلیل و نابود شود
 مانند گرگهای ضرررسان خونریز باشند
 هرکسی گرگ باشد قوی شود و گرنه گرگان او را بخورند
 مرد برای نماز می رود ولی موقع برگشت لباسهایش بر تنش نیست
 مردم را قساوت می گیرد
 راهها و جادهها ناامن شود
 مردهها هم در قبرا ز خیر زندهها ناامید می شوند

جور و فساد

- علماء را نشناسند مگر به لباس فاخر و نیک
- علماء میل بسوی تصوف و فلسفه پیدا کنند
- علماء راغب به سوی دنیا گردند
- علماء ستمگر شوند
- علماء فاسق شوند
- علماء خائن شوند
- علماء رشوه گیرند
- علماء طمع کار و کم ورع باشند
- علماء فتوی دهند از روی هوای نفس
- علماء اشرار خلق باشند
- علماء اهل فتنه و نیرنگ گردند
- علماء با ستمگران رابطه خوبی خواهند داشت
- علماء آنها بدترین علماء هر زمان باشند
- علماء بصورت بوزینگان و خوکها درمی آیند بدلیل تغییر که در حق ایجاد می کنند
- علماء عامل بسیار اندک باشند
- علماء را بکشند چنانچه دزدان را می کشند
- علماء عامل و صلحاء بین مردم جایگاهی نخواهند داشت
- مرگ و میر علماء وارسته و صلحاء فراوان گردد
- مردم از علماء فرار کنند چنانچه گوسفند از گرگ فرار می کند
- فقهای هدایت کم و فقهای ضلالت فراوان گردند
- اهل منبر دروغ را سرمایه کسب خود قرار می دهند
- اهل منبر عمل کننده به گفته های خود نمی باشند

مردان سفیه و نادان را عمال و اعوان دولت سازند
 اولاد علوج اکابر باشند (یعنی کافر و پست و لأبالی و بی
 اطلاع از دین)
 رؤیبه در امور عامه مردم تکلم کنند (یعنی کسانی که حق تکلم ندارند)
 امراء زیاد باشند
 امراء کافر و اولیائشان فاجر باشند
 امراء خائن، کدخدایان فاسق و یارانشان ظالم باشند
 امراء فاجر، کدخدایان خائن، وزراء فاسق و ظالم باشند
 امراء فاسق، کدخدایان و وزراء دروغگو، امینان خائن و اعوان
 ستمگر شوند
 امراء پستترین و رذلتترین افراد خواهند بود
 امراء اشرار امت باشند پس کار را بر مردم بسیار سخت گیرند
 امراء مردان بیدادگر، وزراء فاسق، دانشمندان ستمگر باشند
 زمام امور بدست کودکان بیفتد
 فرمانداران کفار را مقرب درگاه خود سازند و اهل خیر را از خود
 دور سازند حکومت خرید و فروش شود
 نزدیکترین افراد به زمامداران کسانی خواهند بود که به اهل
 البیت علیهم السلام ناسزا گویند
 سلطان مواد غذایی را احتکار کنند
 سلطان چون گرگ و رعیت چون گوسفند باشند
 حکومت با مشورت زنان انجام می گیرد
 سیمای زمامداران سیمای پادشاهان ستمگر خواهد بود
 زمامداران، خائنین و ظالمین را بر سر کار می آورند
 حکومت بدست خواجهگان بیفتد

وضع امراء و عمال و وزراء

قومی بر مردم حکومت کنند که طبقه متوسط آن جامعه بمنزله مردگان باشند

قومی بر مردم حکومت کنند که اگر مردم سخنی گویند آنها را می کشند و اگر حرفی نزنند مال آنها را مباح دانند

برخود مقدم دارند کسی را که افضل آنها نیست

حکومت را به کسی می دهند که مستحق آن نمی باشد

سلطان مؤمن را ذلیل کند برای کافر

قاضیان بر خلاف امر خدای متعال قضاوت کند

قاضیان قضاوت کنند بر چیزی که نمی دانند

قاضیان اهل رشوه گرفتن باشند

شهود به دروغ شهادت دهند

شهود شهادت باطل دهند

شهادتهای دروغ مورد قبول محکمه واقع گردد

شهادتهای راست و حقیقت مقبول محکمه واقع نمی گردد

و مردود اعلام می گردد

اکثر شهادتها با یکدیگر متعارض خواهند بود

حدود الهی براحتی تعطیل می شوند

در اجرای حدود از نظر کم و کیف به هواها و میلها رفتار شود

در اجرای حدود خدای متعال در نظر گرفته نمی شود بلکه

روی مسائل شخصی اجرای حدود نمایند

شهادتها از روی میل و هوی باشد

بدون شهادت خواستن شهادت دهند

بملاحظه نسبت و رفاقت شهادت دهند، بدون اینکه بدانند

حق با چه کسی می باشد

وضع عباد و قراء

عبادت خدای متعال ترک شود
 عبادت خدای متعال برای مردم سخت و سنگین باشد
 عبادت خدای متعال فقط در ماه مبارک رمضان بوقوع می پیوندد
 عبادت خدای متعال را از روی ریا و تظاهر بجا می آورند
 عبادت خدای متعال را بخاطر برتری جستن انجام می دهند
 عابدان جاهل و قاریان فاسق باشند
 عابدان فراوان و عاملان اندک باشند
 عابدان و قاریان یکدیگر را ملامت کنند
 عابدان و قاریان واقعی بسیار اندک باشند
 عابدان و قاریان میل بسوی حکام و امراء پیدا کنند
 قاریان بسیار و لیکن عمل کم گردد
 صبح با ایمان و شب کافر باشند و بالعکس
 می میرند در حالیکه بی ایمان هستند

دوگانگی ظاهر و باطن و دورویی

باطنها خبیث و ظاهرها نیکو شود
 هیکل، هیکل آدمیزاد امّاد لها دلهای شیاطین
 روها و چهرهها نیکو و دلها بدخو باشد
 دلهای ایشان از مردار گندیده تر و از صبر زرد تلختر باشند
 در وقت سخن گفتن کلامشان از عسل شیرین تر ولی دلهایشان
 از حنظل تلختر باشد
 سخن و عملشان با هم منافات داشته باشد
 گرگهای به لباس میش باشند
 در ظاهر یک چیز می گویند و پشت سر چیز دیگر
 در مجالس و محافل مؤمنین طوری سخن می گویند و در
 مجالس فاسقین جور دیگر

- مساجد مخروطی گردند یعنی مورد توجه قرار نمی گیرند
- مساجد به قبرستان و قبرستان به مساجد تبدیل می شود
- مساجد را مانند معابد یهود و کلیساها زینت کنند
- مساجد به مهمانخانه ها تبدیل گردد
- مساجد به محل اطعام تبدیل گردد
- مساجد از نظر ظاهر معمور و آباد ولی از نظر هدایت خراب است
- مساجد معمور به اذان و لیکن دلها خالی از ایمان است
- مساجد از نفوس و نقوش آباد ولی دلهایشان مرده است
- مساجد را به طلا و نقره و... تزئین نمایند
- مساجد محل غیبت کردن برخی افراد باشد
- مساجد محل داد و ستد برای برخی افراد باشد
- مساجد محل نواختن آلات لهو و لعب قرار گیرد
- مساجد پر باشند از افرادی که اصلاً خوفی از ذات الهی ندارند
- مناره های مساجد بلند ساخته شوند
- در مساجد افراد صداهایشان را بلند نمایند
- اماکن آنقدر مرتفع ساخته شوند که فضا بر مساجد تنگ شود
- بخاطر اختلافات مساجد کم رونق شوند
- بخاطر اختلافات نماز از مساجد برداشته شود
- در مساجد مردم حلقه حلقه بنشینند و سخن از دنیا و حب دنیا
بمیان آورند
- قاریان و آباد کنندگان مساجد ناامیدترین افراد می باشند
- قاریان و آباد کنندگان مساجد گمراه ترین خلق خدایند

وضع مساجد و افراد در آن

وضع قرآن و قاریان آن

از قرآن جز نقش آن باقی نماند
 قرآن مهجور و متروک گردد
 نماند از قرآن مگر رسم آن
 مردم قرآن را نمی شناسند مگر خط و حروف آنرا
 شنیدن قرآن بر مردم سنگین باشد
 قرآن را شناسند مگر بصدای نیک
 قرائت قرآن بصورت غنائی شود
 قرآن را مزامیر خود سازند (یعنی مانند تصنیف آلت غنای خود
 قرار دهند)
 قرآن را برای غیر خدای متعال بیاموزند
 قرآن را برای غیر خدای متعال آموزش دهند
 قرآن را زینت و زیور دهند (یعنی جلد و کاغذش را)
 قرآن را سبک شمارند
 قرآن کهنه گردد
 قرآن بهترین کالا برای خرید و فروش قرار می گیرد
 قرآن را هر گروهی به نفع خود معنی می کند و قرائت جدید
 احداث می کند
 قرآن از حلقوم قاریان تجاوز نمی کند
 قاریان واقعی قرآن کریم و عاملین به آن مورد تمسخر واقع می شوند
 برخی از قاریان فاسقین باشند
 حافظان قرآن فراوان و لیکن عاملین به آن اندک باشند
 قرآن و اهل قرآن در میان مردم باشند اما مردم با ایشان همراه نیستند
 در مجالس قرآنی دعوت بسوی هواها و میلها و گروهها
 می باشد نه بسوی حقائق قرآنی

امر به معروف و نهی از منکر

- امر به معروف ترک شود
- منکرات را ظاهر کنند
- مردم امر به منکر کنند
- از معروف نهی کنند
- منکر معروف و معروف منکر شود
- امر به معروف و نهی از منکر را منکر شمارند
- خوبان نهی از منکر نمی کنند فاجران جامعه را
- پیران نهی از منکر نمی کنند جوانان را
- امر بمعروف و نهی از منکر را جزء دین محسوب نمی کنند
- امر کننده بمعروف دلیل باشد
- چیزی بین مردم منکرتر از معروف و معروفتر از منکر نباشد
- مؤمن قدرت بر انکار و نهی ندارد مگر به دل خود
- امر به معروف و نهی از منکر را نصیحت کنند بر ترک آندو
- کارهای خوب زشت و کارهای زشت خوب جلوه دهد
- در ارتکاب معاصی و بدیها نهی کسی را نمی پذیرند
- از کارهای ناشایست خود را نگه نمی دارند
- اگر امر بمعروف و نهی از منکر کنی و نصیحت و خیرخواهی
- نمائی فحش می دهند

فاسق پسندیده و ستایش شود و او از این تعریف خوشحال
 شده و می‌خندد
 فاسق زمام امور را بدست گیرد
 فاسق صاحب قدرت شود
 صدای فسّاق برتر و والاتر از صدای مؤمنین گردد
 فسّاق مردم را دعوت می‌کنند و مردم گروه گروه بسوی آنها می‌شتابند
 فاسق و فاجر را شخص با ظرفیت به حساب می‌آورند
 شرّ ظاهر شود هیچکس منعی نمی‌کند بلکه عذری هم برای
 آن می‌تراشند
 از فاجر بپرهیزند از ترس شرّ او
 از اشرار بپرهیزند از ترس زبان او
 اشرار را مقدم بر اخیار نمایند
 دنیا به کام کافر و منافق و اشرار و فسّاق باشد
 نفاق آن قدر قوی باشد که بین مؤمن و منافق تمییز ندهند
 شعراء زیاد شوند و قبرهای ایشان مسجد زنده‌ها قرار گیرد
 هر جاهلی مرد مطلع و هر حيله گری درویش قلمداد شود
 ستمکار و ظالم مظلوم و مظلوم ظالم نمایان گردند
 افراد لثیم فراوان و افراد کریم اندک باشند
 خوشبختترین مردم افراد پست و نادان خواهد بود

وضع فسّاق و فجّار و منافقین و جهّال

- محارم الهی هتک شود
- از هیچ گناهی پروا نداشته باشند
- پیروی شهوات نمایند
- عملهای زشت را آشکارا انجام دهند
- گناهان بزرگ را سهل شمارند
- از هیچ منکری دست نمی‌کشند و به آن افتخار می‌کنند
- با حیوانات عمل زشت انجام دهند
- اگر یک روز بگذرد و گناه عظیمی را انجام ندهند غمیگین شده و آنروز را روز پستی از عمر خود حساب کنند
- در مکه و مدینه مرتکب معاصی شوند و کسی آنها را منع نکند
- قبح گناه و زشتی آن از بین برود
- جرائم جدید چهره خود را نمایان سازند
- مردها را از قبر بیرون کنند و کفنش را بدزدند
- پیرمرد عمل زشت انجام دهد و بچه‌ها بی بندوبار گردند
- در کارهای زشت یکدیگر را یاری نمایند
- بی حیائی فراوان باشد و عفت از جامعه برود
- قتل و غارت فراوان گردد
- آدم کشی را سهل و آسان قلمداد نمایند
- حرام را غنیمت شمرند
- ایمان به نجوم آورند و تکذیب کنند قدر را
- به هواها و میلهای مردم رفتار کنند

جری شدن بر معاصی

گناه و فحشاء علنی گردد
 مردان به مردان اکتفاء نمایند
 زنان به زنان اکتفاء نمایند
 معیشت مرد و زن از راه عورتشان می باشد
 هرگاه کسی نخواهد با مردان عمل زشت انجام دهد او را
 سرزنش می کنند
 زن خود را برای زن آرایش کند چنانکه عروس خود را برای
 داماد و مرد برای مرد
 زن خود را برای زن فربه کند و مرد برای مرد
 زنا شایع شود
 زنا را سهل و آسان شمارند
 زنا را باعث افتخار و مدح خود را در آن ببینند
 با محارم جمع شوند
 پسر خود را چون زنان در اختیار مشتری قرار دهند
 مرد همسر خود را در اختیار مشتری قرار دهد و پول آن را برای
 خود بردارد
 مرد با خود عمل زشت انجام می دهد
 مردم مانند حیوانات بروی هم می جهند و کسی هم شرم و حیا نمی کند
 مردم با حیوانات کار زشت انجام می دهند
 با غلامان چنان عملی انجام دهند که با کنیزان می کنند

وضع زنا و عمل های زشت

- زنان فاسد شوند
- زنان مانند مردان برای خود مجالس اتخاذ نمایند
- زنان خود را برای اهل کفر بذل نمایند
- زنان بر زین سوار شوند
- زنان بدون اجازه همسرانشان از خانه بیرون روند
- زنان زینت و آرایش کرده از منازل خود بیرون روند
- زنان پوشیده ولی برهنه باشند
- زنان مورد مشورت قرار می گیرند
- زنان فرمانروائی و حکومت نمایند
- زنان با خشونت با همسرانشان رفتار نمایند
- زنان برخلاف خواسته همسرانشان عمل کنند
- زنان از درآمد شخصی خود به شوهرانشان می دهند تا راضی به عمل زشت آنها شوند
- زنان بی حیا گردند
- زنان برای کمی درآمد همسرانشان از آنها جدا می شوند
- زنان برای یکدیگر غیرت بخرج می دهند
- زنان لباس مردان را بپوشند
- زنان برای نامحرم تواضع و خوش رفتار و برای همسرانشان متکبر و بدخو شوند
- زنان برای طمع دنیا در کار بازرگانی وارد شوند
- زنان موهایشان را مانند کوهان شتر درست می کنند
- زنان و مردان در کوچه ها مخلوط شده و بهم برخورد می کنند
- زنان تعدادشان بیشتر از مردان شود هر پنجاه زن یک مرد
- زنان تمام همتشان دنیا و زیور آلات باشد
- زنان در تشییع جنازه و مراسمات مشابه شرکت نمایند
- زنان از دین خارج شوند
- زنان پیروی هوای نفس و شهوات نمایند
- زنان داخل در فتنه ها شوند

وضع بعضی زنان در آخرالزمان

مردان فاسد شوند
 مردان به مردان اکتفاء نمایند
 مردان خود را شبیه زنان نمایند
 مردان لباس زنان را بپوشند
 مردان مانند زنان خود را آرایش نمایند
 مردان از طلا و ابریشم استفاده کنند
 مردان امرار معاش خود را از در اختیار گذاشتن خود برای
 مردان دیگر قرار دهند
 مردان اطاعت نمایند از زنانشان
 مردان از زنان خود قبیح می بینند و او را نهی نمی کنند
 مردان از کسب فجور زنانشان می خورند و بر آنان خورده نمی گیرند
 مردان به آنچه زشتی از فرزندان خود می بینند راضی هستند
 مردان زن و کنیز خود را کرایه می دهد و بطعام و شراب کم و
 پست راضی می شوند
 مردان از ارتکاب هرگونه فسق و فجوری روگردان نیستند
 مردان نسبت به عبادت تنبلی و سستی نمایند
 مردان از کارهای ناشایست خود را نگه ندارند
 مردان زیباترین زنان را تصرف کنند
 مردان سرزنش شوند که چرا جلوی همسرش را می گیرد تا گناه نکند
 مردان جامه کافران را بپوشند چون کراوات و...
 مردان خود را شبیه به کفار نمایند از نظر وضع ظاهری
 قبله مردان همسرانشان باشند
 کودکان بی حیا، پیران فاجر، زنها سبک سر و شوخ و شنگ باشند
 طلاق فراوان شود

وضع بعضی مردان در آخرالزمان

- نماز را بمیرانند
- به نماز استخفاف کنند
- به اوقات نماز استخفاف شود و در غیر اوقات اداء شود
- نماز را برای ریا بجا آورند
- نماز عشاء را نخوانده می خوابند
- نماز آنها قبول نمی شود چون نیت ظلم کردن به دیگران را دارند
- نماز از مساجد بخاطر مخالفتها برداشته شود
- مردم ترک جماعت و نماز جماعت کنند
- شخص مست برای مردم امام جماعت شود
- صفهای جماعت زیاد ولی دلهای آنها با یکدیگر کینه داشته باشد
- اذان و نماز با اجرت پیا شود
- زکوة را قطع کنند
- زکوة را به مستحق ندهند
- زکوة را زیان و ضرر و حرام را سود قلمداد نمایند
- مرد صاحب مال زیاد شود و لیکن زکوة را پرداخت ننمایند
- فیشی را که حق امام علیه السلام می باشد غنیمت خود شمارند یا جزء بیت المال حساب نمایند
- جهاد را برای غیر خدای متعال بجا آورند
- حج را برای غیر خدای متعال بجا آورند
- حج را تعطیل نمایند
- ثروتمندان حج کنند برای تفریح، متوسطین حج کنند برای تجارت، فقراء حج کنند برای ریا و گوشزد مردم
- حقوق الهی تضییع شود

ریاکار باشند
 آرزوهای طولانی داشته باشند
 عملهای آنها کوتاه و کم فروغ باشد
 عالم بی عمل هستند
 در هیچ کاری خدای متعال را در نظر نگیرند
 خوف خدای متعال در دل آنها نباشد
 خشوع در بین آنان مرده باشد
 مردم قساوت قلب پیدا کنند
 چشمهای آنها اشک نداشته باشد
 یاد خدای متعال بر آنها سنگین باشد
 برای مرده جزع و فزع ننمایند
 از تشیع جنازه درس عبرت نگیرند
 آیات در آسمان ظاهر شود و کسی فزع ننماید
 اموال خود را برای امور شیطانی خرج کنند ولی برای کارهای
 الهی از کم هم دریغ ورزند
 یکدیگر را لعن و ناسزا گویند
 اسراف نمایند و کسی جلوگیری ننماید
 مال را در غیر طاعت خدای متعال صرف کنند و کسی آنها را منع نکند
 مال را در غیر طاعت خدای متعال صرف کنند و دیگران نیز
 آنها را تشویق به این امر کنند
 مردم از یکدیگر بیشتر می ترسند تا از خدای متعال
 اطاعت و عبادت در خلوت و جلوت یکی نباشد

مردم دسته دسته از اسلام خارج می شوند
 از دین نماند مگر اسم او
 اسلام غریب شد چنانکه در اول غریب بود
 دین از مردم خالی شود چنانکه ظرف از آب خالی شود
 هنگامیکه آنرا واژگون کنند
 دین مورد استخفاف قرار گیرد
 مردم خود را مسلمان بدانند و لکن دورترین مردم از اسلام باشند
 صبرکننده بر دین مانند کسی است که اخگر آتش در دست
 گرفته باشد
 آثار بزرگ و ظاهر دین کهنه گردد
 دین را بدنیافروشند و بدنیای بر یکدیگر مباحثات کنند
 دین پست شود و دنیا بلند گردد
 دین را ترک گفته و بدنیای بچسبند
 دین وارونه شود
 دین کم ارزش و کم فروغ شود
 دین در نزد آنان مانند بقیّه خوراکی است که در دهان
 می گردانند و بیرون می ریزند
 دین و آئین آنها درهم و دینارشان باشد
 بیشتر مردم از دین برگردند و مرتد شوند
 رشته اسلام را از گردن خود دور کنند
 خشوع و خضوع از دین برداشته شود
 پیوند مردم با دین گسسته می گردد
 اگر دنیای آنها سالم باشد پروا ندارند که چیزی از دین تلف
 گردد یا خیر
 دینشان درهمشان و همتشان شکمشان و قبله ایشان زنانشان
 باشد برای نان خم شوند و برای درهم سجده کنند حیران و
 سرگردان باشند نه نصاری هستند و نه مسلمان

- مؤمن غمگین و حقیر و ذلیل باشد
- مؤمن ذلیل و منافق عزیز باشد
- مؤمن تحقیر و فاسق توقیر شود
- مؤمن ذلیل تر از کنیز باشد
- مؤمن مستضعف و فاسق با شرافت گردد
- مؤمن ضعیف محسوب می‌گردد
- مؤمن سخنی را که می‌گوید مورد تمسخر واقع می‌شود
- مؤمن سخنی را که می‌گوید مورد قبول واقع نمی‌شود
- صاحب مال از مؤمن عزیزتر می‌باشد
- هرگونه خواری از مردم به مؤمن می‌رسد
- مؤمن همیشه گرفتار غم و غصه و بلا باشد
- شخص صالح را رد کنند و شخص چاپلوس را قبول کنند
- با شخص صالح و مؤمن دشمنی نمایند
- هرگاه مؤمن سخنی بگوید بخاطر وضع ظاهری با او می‌گویند ساکت باش
- به مؤمنین می‌گویند شما قرین شیطان و رأس ضلالت هستید
- به مؤمنین تهمت می‌زنند
- فاجران احترام شوند
- دلقک‌ها مقرب درگاه گردند
- منصفان زیون و خوار گردند

وضع غنا و موسیقی و رقص

- غنا و آوازه را دوست دارند
- زنهای آوازه خوان و رقص آشکار شوند
- زنهای آوازه خوان برای خود آلات آوازه اتخاذ نمایند
- رقص و طرب و غنا را حلال شمارند
- آلات ساز و آواز ظاهر شود
- آلات غنا و موسیقی در مکه و مدینه ظاهر شود
- آلات غنا و موسیقی خرید و فروش شود و کسی جرأت مخالفت نداشته باشد
- تار و طنبور زنی را مستحسن شمارند
- آموزش نوازندگی آشکارا باشد
- برای غنا و موسیقی مالهای فراوان خرج کنند
- از مطربین دعوت بعمل آورند (برای مراسمی چون عروسی و...)
- در مساجد آلات لهو و لعب بنوازند

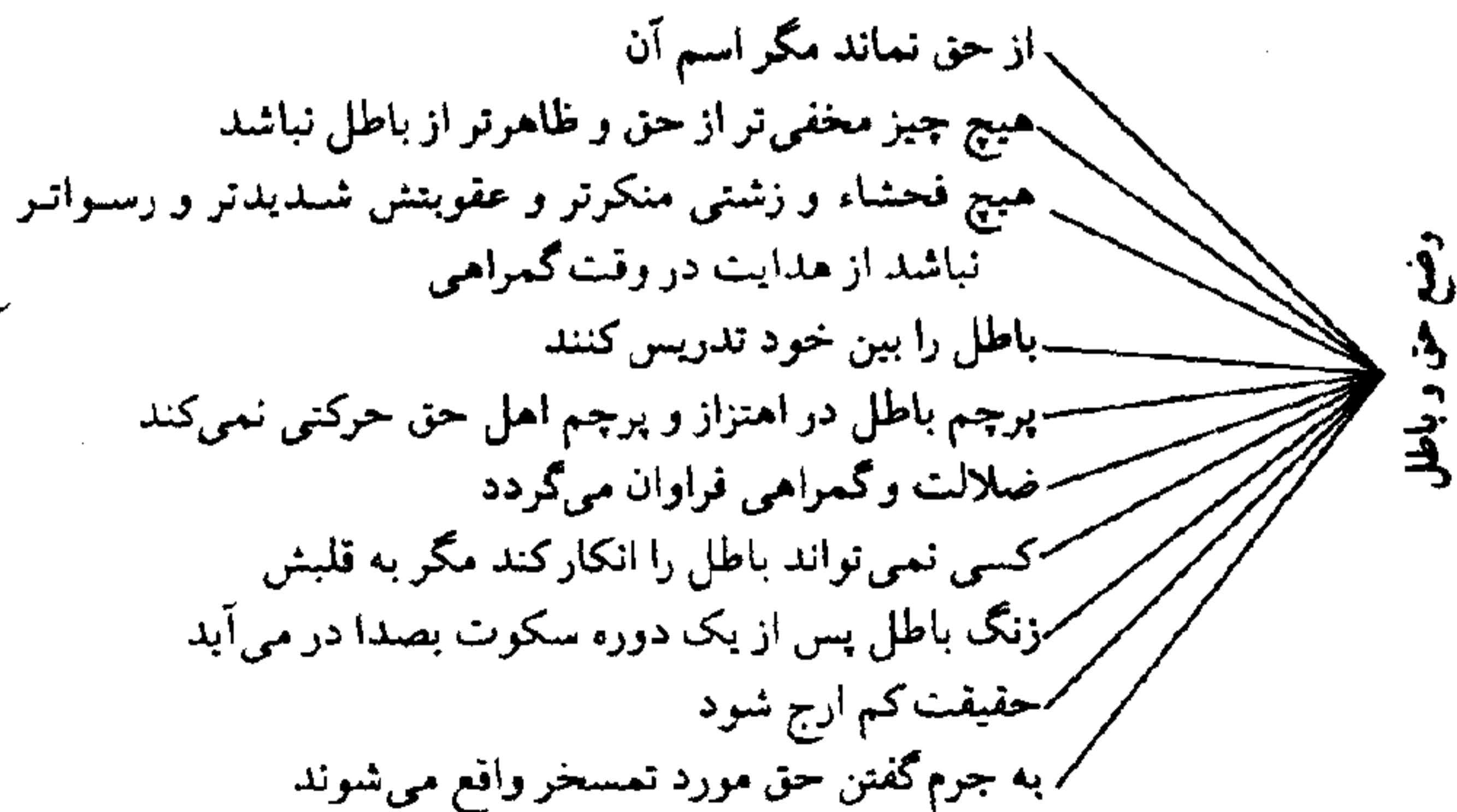
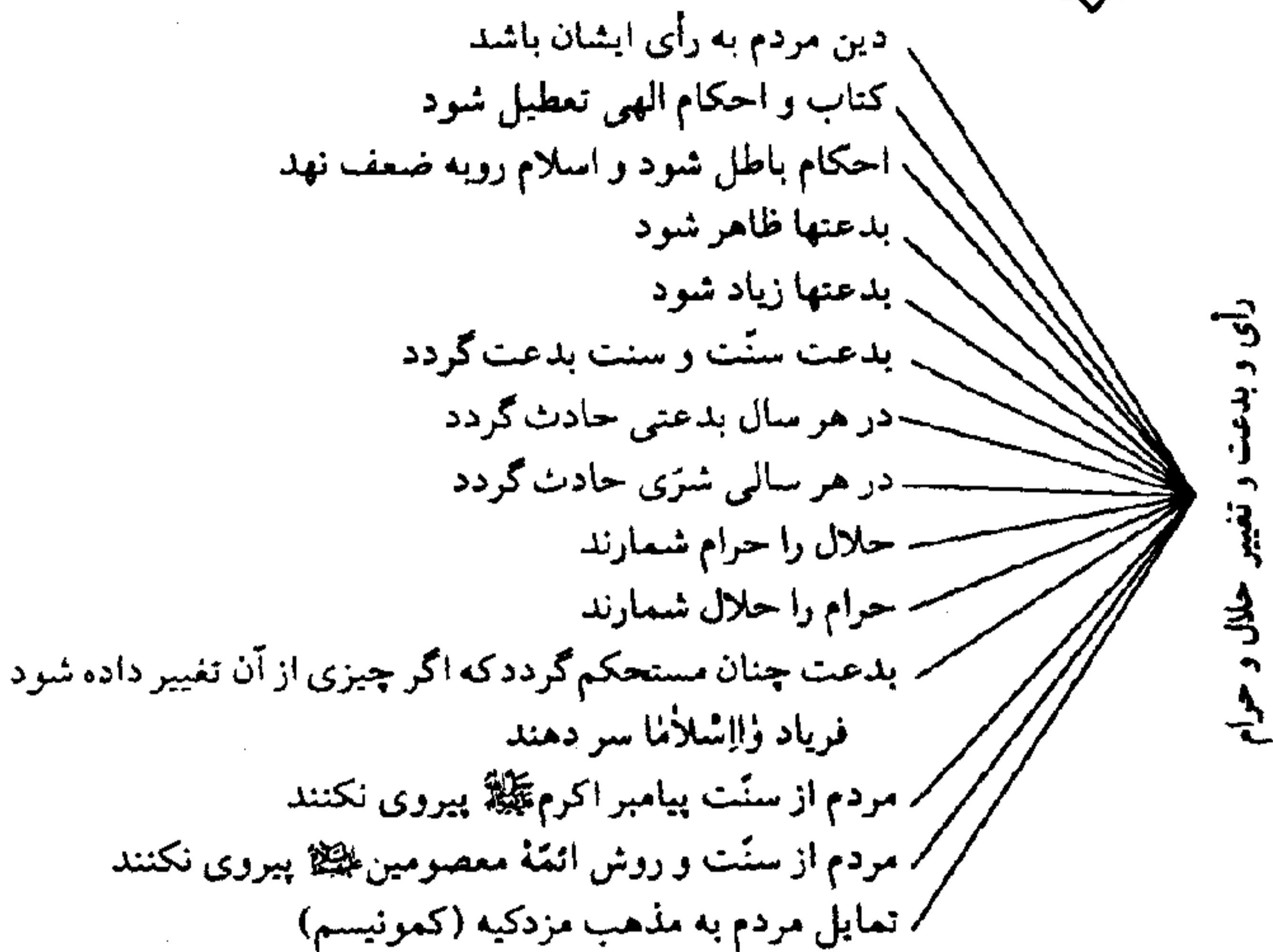
شراب و قمار و لهو و لعب

- شراب را حلال شمارند
- شراب و مسکرات و چیزهایی که نشئه آور است مصرف می کنند
- شراب را ظاهر نمایند
- شراب را علنی خرید و فروش نمایند
- شراب را در مجالس عمومی وارد کنند (مانند عروسیها) و کسی از آن منع نکند
- شراب را بعنوان دارو و شفاء اطباء تجویز نمایند
- شراب را بعنوان نبيذ بفروشند
- قمار بازی آشکارا انجام گیرد
- آلات لهو لعب و قمار علنی خرید و فروش شود
- تار و ساز آشکار شود
- پولهای خود را صرف در امور باطله و لهو و لعب نمایند
- مال ذوالقربی را بزور تقسیم کنند سپس با آن قمار کنند

همت مردم شکم و شهوتشان باشند
 طعامهای طیب و رنگارنگ بخورند
 خوراکشان تیهو و مرغان چاق باشد
 آشامیدنهای متعدد را بنوشند
 سفره‌های رنگین پهن کنند
 خدای ایشان شکمشان و زنان ایشان قبیله ایشان و دینشان
 درهم و دینار و شرفشان متاع و قماش باشد
 انواع بوهای خوش را مصرف می‌کنند
 بناهای محکم بسازند
 بناهای مرتفع بنا کنند
 طمع فراوان در همه چیز داشته باشند
 کاخهای چون کاخهای بهشت بنا کنند
 افرادی پرخور باشند و از کم سیر نشوند
 هرچه بخورند سیر نشوند تا بمیرند
 قناعت نداشته باشند
 رنگین‌ترین لباسها را بپوشند
 به لباس فاخر بر یکدیگر مباحثات کنند
 لباس پشمینه در تابستان و زمستان بپوشند
 کلاههای اهل غرب را بر سر نهند
 خدامشان اولاد فرس و روم باشد
 غلات به شدت کم می‌شود
 پوست پلنگ خرید و فروش نمایند
 پوشاکشان خز و حریر باشد

- از مال حرام اجتناب نکنند
- حرام را غنیمت شمرند
- مال ایتم را حلال شمارند
- کسی که مال یتیم را بخورد شخص صالح می پندارند و از او به نیکی یاد کنند
- طالب حلال را مذمت و سرزنش و طالب حرام را مدح و تعظیم نمایند
- کمتر چیزی که می توان پیدا نمود مال حلال است
- ریا را حلال قلمداد نمایند
- مال شبهه ناک را حلال قلمداد نمایند
- برشوه و ریا رفتار کنند
- ریا ظاهر شود و هیچکس ملامت بر آن ننماید
- ریا را سهل شمارند
- تجارتشان دور محور ریا می چرخد
- مردم بر ریا خواری رکون کنند
- در معامله بر یکدیگر ظلم کنند
- مردم از راه کم فروشی معیشت خود را می گذرانند
- در هنگام وزن و کیل کردن از وزن و کیل بدزدند
- عیب جنس را در وقت خرید و فروش بازگو نکنند
- با شریکان به خیانت رفتار کنند
- تجّار به دروغ تجارت خود را می چرخانند
- تجّار زیاد و لکن سود آنان اندک باشد
- هرچه بیشتر کار و زحمت می کشند کمتر چیزی نصیب آنان می شود
- اکثر مردم ریا خوار می شوند آنهایی هم که مراقب می باشند از گرد و غبار ریا بآنان می رسد
- زنان در تجارت با شوهران خود مشارکت می ورزند از جهت حرصی که بدنیا دارند
- مردم بر درآمد حرام بر یکدیگر سبقت می گیرند و کسی هم آنها را منع نمی کند

مال و صاحب مال را بزرگ شمارند
 مردم از اغنیاء و مجالس ایشان تبعیت نمایند
 اغنیاء حق و حقوق فقراء را به سرقت برند
 فقیر مبعوض و غنی محبوب گردد
 فقیر مهجور و غنی مورد توجه و گرمی قرار گیرد
 فقیر ذلیل و غنی صاحب رفعت باشند
 برخی از فقراء آخرت خود را به دنیا بفروشند
 برخی از فقراء برای بدست آوردن مبلغی پول دروغگوئی را
 پیشه کار خود سازند
 برخی از فقراء برای بدست آوردن مبلغی پول تملق و
 چاپلوسی اغنیاء را می نمایند
 برخی از فقراء برای رسیدن به اهداف خود از هیچ کار زشتی
 روی گردان نخواهند بود
 اغنیاء بخل ورزند به آنچه در دست دارند نسبت به فقراء
 اگر کمکی بنفراء کنند جهت خندیدن و تفریح این کار صورت می گیرد
 فقراء صبر بر این بلاء و مصیبت و نداری نخواهند داشت
 فقراء روی به مال غیر حلال می آورند و طلب می کنند مال حرام را
 بخل به حدی رسد که مابین دو نماز در روز جمعه سائل
 سؤال می کند و چیزی به او نمی دهند



- عربها دچار اختلاف شوند
 حوادث کمرشکن رخ می‌دهد
 شکافنده‌های بشکافند و پیش روند (تیز پروازان)
 خراب شدن عمان بوسیله دریا
 خراب شدن مصر بوسیله زلزله
 خراب شدن بغداد بوسیله باد
 خراب شدن بصره بوسیله آتش
 خراب شدن روم بوسیله صاعقه
 خراب شدن یمن بوسیله درد قلنج
 خراب شدن بغداد بوسیله آب دجله
 خراب شدن بصره بوسیله آب و خسف
 خراب شدن مدینه بوسیله آبله
 خراب شدن دمشق بوسیله شدت کشتار
 خراب شدن واسط عراق بوسیله طغیان آب
 خراب شدن حلب بوسیله صاعقه (توپخانه)
 خراب شدن اصفهان بوسیله امیرعلی ناس
 مردن یک سوم مردم بواسطه جنگ
 مردن یک سوم مردم بواسطه تبعات جنگ
 مردن نه دهم مردم بواسطه جنگ
 مردن نود و نه صدم مردم بواسطه جنگ
 مردن نهصد و نود و نه هزارم مردم بواسطه جنگ
 غلبه هند بر سند و پاکستان
 غلبه قبطیان بر مصر
 کشتاری که در آن زنده‌ها و مرده‌ها را با هم دفن کنند (ظاهراً
 جریان کشف حجاب رضاخان باشد)
 بحکومت رسیدن پسری به نام احمد که پاهای زرد دارد
 (ظاهراً جریان احمدشاه قاجار باشد)
 پناهنده شدن حاکم اسلام به کفار (ظاهراً جریان شاه ایران باشد)
 قتل شخص پاکی در نجف اشرف (ظاهراً شهادت سید باقر صدر باشد)

- خداوند متعال آنها را کوردل و سرشکسته می‌سازد
 روشهای بیگانگان را بیاورند و امت اسلامی را به آن آلوده سازند
 مردان محترم و مؤمن خشمناک شوند
 از خیر بی میلی و بی رغبتی می‌کنند
 صدقه و هدیه و قرض و احسان از بین برود
 قدمهای خیر برداشته نشود مگر بوساطت و توصیه اشخاص
 به محتاج که چیزی بدهند بجهت خندیدن باشد
 خیر و برکت برداشته شود
 جنگلها خشک و خالی از درختان شوند
 شکارچیان شکار خود را بوحشت اندازند
 اول ماه رمضان را به قصد آخر شعبان روزه نگیرند و عید فطر را
 اشتباهاً روزه بگیرند بخاطر مخفی شدن ماه
 خرما ندادن درختان خرما
 برافراشته شدن سه پرچم شبیه پرچمهای امام زمان علیه السلام که آنها
 بناحق باشند
 خراب شدن دیوار قصر دارالاماره در کوفه
 پیدا شدن ۱۲ نفر سید ابوطالبی که ادعای امامت و نیابت کنند
 کشته شدن ۷ نفر از علماء پشت کوفه
 زنده شدن مرده‌ها و شناختن یکدیگر در کوچه و بازار
 خسوف ماه در پنجم ماه و کسوف در ۱۵ ماه
 خسوف ماه در اول ماه رمضان و کسوف در ۱۵ ماه
 خسوف ماه در آخر ماه رمضان و کسوف در ۱۵ ماه
 خسوف ماه در شب ۱۴ رجب و ظاهر شدن مردی در زیر آسمان
 کسوف در نیمه ماه رمضان و خسوف در آخر ماه
 تراکم ستاره‌ها
 علامتی در آسمان که بدنبال آن مردم باختلاف شدید بیفتند

- طلوع ستاره سرخ
 باریدن باران فراوان
 فتنه‌ها ظاهر شود
 اتحاد و همبستگی دارند در غیر ذکر خدای متعال
 مردم با کسی هستند که غلبه با اوست
 در کارها تقلید از یکدیگر نمایند و همگی تقلید از اهل شر کنند
 درس باطل به یکدیگر بیاموزند
 مذاهب و تبه کاران فراوان شوند
 در حرمین کارهایی انجام دهند که رضای خدای متعال در آن نباشد
 جنون زیاد شود
 از اسبها و قاطرها برای بارکشیدن استفاده نکنند بخاطر سرعت
 کمی که دارند
 مردم موصل از گرسنگی و گرانی بمیرند
 اضطرابها و مهاجرتها فراوان شود
 بیرون رفتن اهل مصر از مصر بخاطر خشکسالی رود نیل
 خشک شدن دریاچه طبریه
 باریدن باران در غیر موسم
 باریدن تگرگ بمقدار تخم مرغ در روم
 علام آسمانی را می بینند ولی متنبه نمی شوند
 انقراض دولت اسلامی (ظاهراً جریان عثمانی باشد)
 کشته شدن حاکم مصر بدست مصریان (ظاهراً جریان عنبر
 سادات باشد)
 سقوط سلطنت مرد طبرسی (ظاهراً جریان رضا خان باشد)
 نزول اهل روم به رمله
 وقوع جنگ جهانی سوم
 وقوع جنگ اتمی
 وقوع جنگ شیمیائی

فلسفه غیبت

برای اینکه از خطر قتل نجات یابد
 برای اینکه بیعت هیچ حاکم جوری را به گردن نداشته باشد
 برای اینکه شیعه مورد امتحان الهی قرارگیرد تا افراد ثابت قدم
 از غیر آن مشخص گردد
 عدم لیافت شیعیان
 عدم آمادگی شیعیان
 عدم آمادگی جهانیان
 ایجاد اختلافات بین شیعیان
 دلائل فراوان دیگری نیز دارد که به ائمه علیهم السلام اجازه افشای آن
 داده نشده است
 آن سفرکرده که صد قافله دل همراه اوست
 هر کجا هست خدایا به سلامت دارش

آیات و روایات در ستایش ایرانیان

طرفداران سلمان فارسی
 اهل مشرق زمین
 اهل خراسان
 اهل قم
 اهل طالقان
 یاران درفشهای سیاه
 فارسیان
 سرخ رویان
 فرزندان سرخ رویان
 عجم که تعبیر کرده‌اند به ایرانیان^(۱)

۱: ۱- تفسیر نورالثقلین پیرامون آیه ۸۰ سوره هود، ۲- سوره محمد ۹ آیه ۳۸ و جمعه،
 ۲ و ۳- حدیث صاحب کشف پیرامون آیه و تفسیر علی بن ابراهیم و صاحب مجمع البیان،
 ۴- ذکر اصبهان ص ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱، ۵- مسند احمد ج ۵ ص ۱۱، ۶- بحار ج ۶۰ ص

دعاگوی محبوب باشد: و عَجَل فرجه و سَهْل مخرجه و اوسع منهجه...

نزدیکان را فدای یار ساختن: بایی انت و امی

فدای بودن یک منتظر: و نفسی لك الوقاء و الحمی

شناخت کافی منتظر از منتظر، یا بن السادة المقربین و جملات پس از آن

در جستجوی یار: لیت شعری این استقرت بك النوی و

جملات بعد از آن

چرا یار را نمی بینیم: عزیز علیّ أن اری الخلق و لا تری....

شریک غم های او بودن: عزیز علیّ أن تحیط بك دونی

البلوی....

او را هرگز فراموش نکردن: بنفسی انت من مغیب لم یخل منا

سرگشته مولی شدن: الی متی احار فیک یا مولای و الی متی....

ادب سخن گفتن با یار: ائی خطاب اصف فیک و ائی نجوی....

همنشینی با غیر یار نداشتن: عزیز علیّ ان اجاب دونک و

اناغی....

منتظر نصرت و یاری یار باشد: اللهم اجعلنی من انصاره و اعوانه

از حامیان واقعی باشد: والذابین عنه

آماده بر آوردن حوائج او باشد: والمسارعین الیه فی قضاء حوائجه

از اطاعت کنندگان دستورش باشد: والمتمثلین لاوامره

از طرفداران او باشد: والمحامین عنه

آروزی شهادت در خدمت او را داشته باشند: والمستشهدین

بین بدیه

آرزوی برگشت دنیا و در خدمت بودن: ان كان بيني و بينه

الموت الذي... فاخرجني من قبرى

آرزوی دیدار یار را داشته باشند: اللهم ارنى الطلعة الرشيدة و

الغرة الحميدة

آرزوی طول عمر یار را داشته باشد: و مدّ فى عمره و زین

الارض بطول بقائه

دعا برای محافظت محبوب از شرحسودان: اللهم اكفه بغى الحاسدين

دعا برای محافظت محبوب از مکاران: و اعذه من شر الكائدين

دعا برای محافظت محبوب از ستمکاران: و از جرعه ارادة

الظالمين و خلصه من ايدى الجبارين

دعا برای حضرت و اهل و عیال ایشان: اللهم اعطه فى نفسه و

ذريته و....

خود را مقصر بدانیم نه محبوب را: ظهر الفساد فى البر و البحر

بما كسبت ايدى الناس (۱)

هشیاری و هوشمندی

مانع شناسی

تخصص و تعهد

توجه بجهانی بودن انقلاب و ظهور حضرت علیه السلام

ایمان به هدف

آگاهی به مسئولیتهای که هدف نبرد آنها را یقین می کند

۱: ۱- دعای ندبه، ۲- دعای عهد، ۳- زیارت و صلوات ابوالحسن ضراب اصفهانی،

۴- حضرت مهدی علیه السلام فروغ تابان ولایت تألیف محمد مهدی اشتهااردی.

اطاعت از رهبری و ایمان به فرماندهی او
آگاهی فرماندهان قسمتهای مختلف سپاه از امر مهمی که بر
عهده آنان گذاشته شده است

امام زمان پسند بودن جمیع اعمال و رفتار و گفتار

ساده زیستی

پاسداری از دین

پاسداری از ارزشها

زهد دارند

عدالت دارند

توکل شدید بخدای متعال

تعاون و همکاری

برخوردها و روشهای منطقی با یکدیگر

توجه به طبقه مستضعف

اتحاد و انسجام با یکدیگر

برنامه ریزی دقیق

نظم قوی در امور

اخلاق نیکو و پسندیده

تواضع و فروتنی نسبت به یکدیگر و مردم

استقامت و پایداری

هدفداری

اخلاص

حالات منتظران

فصل دوم:

احادیثی در بیان فضیلت دعا:

باب «أَنَّ الدُّعَاءَ سِلَاحُ الْمُؤْمِنِ»

«در این که دعا سلاح مؤمن است»

«عَنْ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام. الدُّعَاءُ تُرْسُ الْمُؤْمِنِ وَ مَتَى تُكْتَبَرُ قَرْعَ الْبَابِ يُفْتَحَ لَكَ». (۱)

ابن قداح از امام صادق عليه السلام و ایشان فرمودند امیرالمؤمنین عليه السلام فرمود: دعا سپر مؤمن است و هر زمانی که بسیار در را کوبیدی بر روی تو باز می شود.

دعا ترس و سپر باشد برایت	که بهتر از گهر باشد برایت
اگر بسیار کوبیدی دری را	مرادت پشت در باشد برایت
در کوبیده روزی بازگردد	دمی که با دعا آغاز گردد
دعا کوبیدن درب الهی ست	اگر دل با دعا، دمساز گردد
یقیناً استجابت بعد آن هست	مها او به یک پرواز گردد
دعا بهر دعاگو چون سپر هست	اگر که عاشقی طناز گردد
خوشا آن دل که در سوز و گدازش	به یاد و ذکر یارش ساز گردد
هر آن کس در دعا کوشیده جانم	میان درگهش همراز گردد

«عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْبَجَلِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنَّ الدُّعَاءَ أَنْفَقَ مِنَ السُّنَنِ». (۲)

امام صادق عليه السلام فرمود: دعا از نیزه آهنین نافذتر است.

«قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى سِلَاحٍ يُنَجِّبُكُمْ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَ يُدِرُّ أَرْزَاقَكُمْ؟ قَالُوا بَلَى قَالَ: تَدْعُونَ رَبَّكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ فَإِنَّ سِلَاحَ الْمُؤْمِنِ الدُّعَاءُ» (۱)

پیغمبر اکرم ﷺ فرمود: آیا شما را به سلاحی راهنمایی نکنم که از دشمنانتان نجات بخشد و روزی شما را فراوان و سرشار کند؟ گفتند: بلیه فرمود: به درگاه پروردگارتان در شب و روز دعا کنید زیرا سلاح مؤمن دعا است.

دعا باشد سلاح فرد دین دار	عمود دین بود در این فنا دار
دعا نور سماوات و زمین است	بود فضل دعا بسیار، سرشار
دعا باشد سلاح اهل ایمان	نه من گویم نبی فرموده‌ای جان
کلامش را نما چون حلقه در گوش	دعا بنما اگر هستی تو با هوش

«بَابُ أَنَّ الدُّعَاءَ يَرُدُّ الْبَلَاءَ وَالْقَضَاءَ»

«در این که دعا بلا و قضا را رد می‌کند»

عَنْ أَبِي هَمَّامٍ إِسْمَاعِيلَ بْنِ هَمَّامٍ عَنِ الرَّضَاءِ رضاء قَالَ قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ع:
إِنَّ الدُّعَاءَ وَالْبَلَاءَ لَيَتَرَاقِفَانِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِنَّ الدُّعَاءَ لَيَرُدُّ الْبَلَاءَ وَ قَدْ أُبْرِمَ
إِبْرَامًا (۲).

از امام رضا ع که علی بن الحسین فرمود: به راستی که دعا و بلا تا روز قیامت با یکدیگر رقیب باشند و محققاً دعا بلای حتمی و قطعی را بر می‌گرداند.

قضایی که فقط می‌خواهد امضا	دعا رد می‌کند آن را به هر جا
دعا رد می‌کند یک باره جانم	بلایی را که باید می‌شد اجرا

عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنِ أَبِي الْحَسَنِ ع قَالَ: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ
عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يَقُولُ: الدُّعَاءُ يَدْفَعُ الْبَلَاءَ النَّازِلَ وَ مَا لَمْ يَنْزِلْ (۳)

از ابی الحسن ع که علی ابن الحسین ع می‌فرمود: دعا بلایی را که نازل شده و نازل نشده دفع می‌کند.

۲- اصول کافی، ج ۴، ص ۲۳۱.

۱- همان مدرک.

۳- همان، ص ۲۳۳.

دعاها می‌کند دفع بلایت
چه نازل گشته یا نازل نگشته
دعا اسباب دفع هر بلاه هست
دعا کن تا بلایت دفع گردد
بلاهایی که می‌بوده برایت
تماماً دفع گردد با دعایت
بدان که مانع آن هم خدا هست
چه نازل یا که غیرش آنچه را هست
عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: الدُّعَاءُ يَرُدُّ الْقَضَاءَ بَعْدَ مَا أَتَيْتَهُمْ إِنْزَامًا فَأَكْثَرُ مِنَ الدُّعَاءِ فَإِنَّهُ يَفْتَحُ كُلَّ رَحْمَةٍ وَنَجَّاحُ كُلِّ حَاجَةٍ وَلا يُنَالُ مَا عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِلَّا بِالدُّعَاءِ وَإِنَّهُ لَيَسَّ بَابٌ يُكْثَرُ قَرْعُهُ إِلَّا يُؤَشِّكُ أَنْ يُفْتَحَ لِصَاحِبِهِ. (۱)

از عبدالله بن سنان گوید شنیدم امام صادق عليه السلام می فرمود: دعا قضایی که سخت قطعی شده را برمی گرداند، بسیار دعا کن که کلید هر رحمت و کامیابی است برای هر حاجت و به آنچه نزد خدای عزوجل است نتوان رسید جزء با دعا و راستش این است که هیچ دری را فراوان نکوبند جز این که زمینه فراهم شود تا به روی کوبنده اش بازگردد.

بلایت ناگهانی دفع گردد	زمینی، آسمانی، دفع گردد
فقط راهش دعا باشد دگر هیچ	اگر خواهی که آنی، دفع گردد
قضا هم گر مقدر گشته باشد	دعا کاری کند تا که نباشد
اگر کردی دعا، بینی اثر را	دل شیطان ز فعلت می خراشد

«بَابُ أَنَّ الدُّعَاءَ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ»

«در این که دعا درمان هر دردی است.»

عَنْ عَلَاءِ بْنِ كَامِلٍ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: «عَلَيْكَ بِالدُّعَاءِ فَإِنَّهُ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ». (۲)

از علاء بن کامل گوید: امام صادق عليه السلام به من فرمود: بر تو باد به دعا کردن زیرا دعا درمان هر دردی است.

دعا باشد دواى هر غم و درد	مباشی از دعا یک لحظه دلسرد
نخواهد بود هرگز پست و نامرد	هر آنکس با دعا اتسی گرفته
بگیرد از تمام مردمان، دست	دعا درمان درد هر مریض است
طبیعی نیست جز او، باش پایست	مگر جوشن کبیرش رانخواندی

«باب أَنَّ مَنْ دَعَا اسْتُجِيبَ لَهُ»

«هر که دعا کند برای او اجابت شود»

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: الدُّعَاءُ كَهْفُ الْإِجَابَةِ كَمَا أَنَّ السَّحَابَ كَهْفُ الْمَطَرِ. (۱)

عبدالله ابن قدح از امام صادق عليه السلام روایت می کند که ایشان فرمودند: دعا پایگاه اجابت است چنانچه ابر پایگاه باران است.

دلیلش این که آن ضامن، خدا هست	اجابت در پناه هر دعا هست
دل دور از دعا، کی با صفا هست	دعا چون ابرو بارانش، اجابت
دعا بهر اجابت، گنج پنهان	دعا ابرو اجابت هست باران
اجابت را پناهش در دعا، دان	اگر باران پناهش، ابر باشد

عَنْ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَا أَبْرَزَ عَبْدٌ يَدَهُ إِلَى اللَّهِ الْعَزِيزِ الْجَبَّارِ إِلَّا اسْتَحْيَا اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ أَنْ يَرُدَّهَا صِفْرًا حَتَّى يَجْعَلَ فِيهَا مِنْ فَضْلِ رَحْمَتِهِ مَا يَشَاءُ فَإِذَا دَعَا أَحَدُكُمْ فَلَا يَرُدُّ يَدَهُ حَتَّى يَمْسَحَ عَلَى وَجْهِهِ وَرَأْسِهِ. (۲)

حضرت صادق عليه السلام فرمودند: هیچ بنده ای دست به درگاه خدای عزیز جبار بر نیاورد جز این که خدای عزوجل شرم دارد از این که آن را تهی برگرداند تا از فضل رحمت خود در آن بنهد و هرگاه یکی از شماها دعا کرد دستش را برنگرداند تا آن را بروی و سر خود بکشد.

اگر دستی رود سوی الهی	به هنگام دهانش، گاهگاهی
خدا شرمی کند، از دست خالی	بگیرد دست را خواهی نخواهی
خدا هرگز نمی‌خواهد که باشد	دهاگو لحظه‌ای بین دو راهی
خدا باشد پناه آن کسی که	ندارد غیر او دیگر پناهی

«باب الهام الدعاء»

«باب الهام دعا»

عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: هَلْ تَعْرِفُونَ طُولَ الْبَلَاءِ مِنْ قِصْرِهِ؟ قُلْنَا لَا قَالَ: إِذَا أُلِّهَمَ أَحَدُكُمْ الدُّعَاءَ عِنْدَ الْبَلَاءِ فَاعْلَمُوا أَنَّ الْبَلَاءَ قَصِيرٌ. (۱)

از هشام بن سالم گوید امام صادق علیه السلام فرمود: آیا می‌دانید بلا طولانی است یا کوتاه است؟ گفتیم: نه فرمود: چون به هر کدام از شما که مبتلا شدید الهام شد که دعا کنید، بدانید که مدت بلا کوتاه است.

دعا گو بر تو گردد روزی الهام	بلایت می‌شود کم، نیک فرجام
بدان قدر خدایت را که خواهد	رها گرداندت از این همه دام

عَنْ أَبِي وَوَلَادٍ قَالَ: قَالَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام: مَا مِنْ بَلَاءٍ يَنْزِلُ عَلَيَّ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ قِيلَهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الدُّعَاءَ إِلَّا كَانَ كَشَفَ ذَلِكَ الْبَلَاءِ وَشَيْكاً وَ مَا مِنْ بَلَاءٍ يَنْزِلُ عَلَيَّ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ قِيلَ مِنْكَ عَنِ الدُّعَاءِ إِلَّا كَانَ ذَلِكَ الْبَلَاءَ طَوِيلاً فَإِذَا نَزَلَ الْبَلَاءُ فَعَلَيْكُمْ بِالْدُّعَاءِ وَ التَّضَرُّعِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (۲)

ابی ولاد گوید امام کاظم علیه السلام فرمود هیچ بلایی بر بنده مؤمن نازل نشود که خدای عزوجل به او الهام بخشد تا دعا کند، جز این که بر طرف شدن آن بلا نزدیک است و هیچ بلایی بر بنده مؤمن نازل نشود که از دعا کردن خودداری کند، جز این که بلا طولانی باشد. پس هرگاه بلا نازل شد بر شما باد که دعا کنید و زاری کنید به درگاه خدای عزوجل.

رهایت می‌کند از کبر و پستی
 دعا کن تا که از دنیا نرفتی
 دعا دل را کند از یاد ربّ مست
 به هنگام بلا، جانم مکش دست

دعا الهام گردد وقت سختی
 بلا کوتاه و پاداشت کثیر است
 دعا الهام کشف هر بلا هست
 علیکم بالدعاء و التضرع

«باب التَّقَدُّمُ فِي الدُّعَاءِ»

«باب پیشدستی کردن به دعا»

عَنْ عَنبَسَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ تَخَوَّفَ مِنْ بَلَاءٍ يُصِيبُهُ فَتَقَدَّمَ فِيهِ بِالدُّعَاءِ لَمْ يُرِهِ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ ذَلِكَ الْبَلَاءَ أَبَدًا. (۱)

از عنبسه از امام صادق عليه السلام فرمود: هر که از بلائی ترسد که به او رسد و به وسیله دعا از گرفتاری بر آن پیشدستی کند خدای عزوجل هرگز آن بلا را به او ننماید.

مقدم کن به هر کارت دعا را

اگر داری تو خوف هر بلا را

همیشه از تو هم امروز و فردا

خدا هم دور گرداند بلارا

عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُسْتَجَابَ لَهُ فِي الشَّدَةِ فَلْيُكْثِرِ الدُّعَاءَ فِي الرَّخَاءِ (۲).

امام صادق عليه السلام فرمودند: هر که را خوش آید که در حال سختی دعایش به اجابت رسد باید در حال راحتی بسیار دعا کند.

دعا بنما فراوان وقت راحت

اگر خواهی اجابت را ز شدت

دعا کن تا نرفته وقت و فرصت

برای استجابت در شدت

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: كَانَ جَدِّي يَقُولُ: تَقَدَّمُوا فِي الدُّعَاءِ فَإِنَّ الْعَبْدَ إِذَا كَانَ دَعَاءً فَتَنَزَلَ بِهِ الْبَلَاءُ فَدَعَا قَبْلَ: صَوْتٌ مَعْرُوفٌ وَإِذَا لَمْ يَكُنْ دَعَاءً فَتَنَزَلَ بِهِ بَلَاءٌ فَدَعَا قَبْلَ: أَيْنَ كُنْتَ قَبْلَ الْيَوْمِ (۳).

۲- همان مدرک.

۱- اصول کافی، ج ۴، ص ۲۳۷.

۳- همان مدرک.

از محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام فرمودند که جدم می فرمود: به دعا پیشدستی کنید (یعنی تا گرفتار نشدید دعا کنید) زیرا هرگاه بنده ای بسیار دعا کند و بلائی به او رسد و دعا کند، گفته می شود آواز معروفی است و هرگاه فراوان دعا نکند و بلائی به او رسد و برای رفع آن دعا کند گفته شود تا امروز کجا بودی.

تقدم در دعا، یعنی پسر جان	دعا بنما چه در ظاهر، چه پنهان
چه در سختی، چه در صحت دعا کن	که باشد هر بلائی بر تو آسان
تقدم دور گرداند بلارا	دعا گو گیرد از اینکار، سامان
ملائک می شناسند این صدارا	حجابی نیست از بهرش به قرآن
دعا کن قبل و بعد از هر بلائی	که درد و غصه ات گیرند درمان
تقدم در دعا گر کس نگرداند	اجابت در دعایش نیست اینسان
نباشد صوت او پیش ملائک	به هنگام بلا، معروف چونان

«باب الیقین فی الدعاء»

«یقین داشتن و اعتماد به دعا»

عَنْ سُلَيْمِ الْقُرَّاءِ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِذَا دَعَوْتَ فَظُنَّ أَنَّ حَاجَتَكَ
بِالْبَابِ (۱).

از امام صادق علیه السلام فرمودند: هرگاه دعا کردی بپندار که حاجتت بر در خانه آمده است.

گمان کن در دعا حاجت قریب است	و پشت در بود، بهرت نصیب است
اگر کردی دعا، بنما تو باور	حواجی پشت در، نزد حبیب است
بیا اندر دعا کردن، مکش دست	یقین دان حاجتت در پشت در هست
اگر باشد یقینت در اجابت	دعا، هرگز نخواهد خورد، بن بست

«باب الاقبال علی الدُّعَاءِ»

«باب روی کردن در دعاء»

البته مضامین این باب با باب قبلی در یک راستا می باشد، نهایت چون مرحوم کلینی در دو باب جداگانه ذکر نموده اند، پس به احترام ایشان ما نیز چنین خواهیم کرد.

عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ عَمْرِو وَ قَالَ: سَمِعْتُ اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: اِنَّ اللّٰهَ عَزَّوَجَلَّ لَا يَسْتَجِيبُ دُعَاءَ بَظْهَرِ قَلْبٍ سِوَا مَا فَاذَا دَعَوْتَ فَاَقْبِلْ بِقَلْبِكَ ثُمَّ اسْتَيْقِنْ بِالْاِجَابَةِ. (۱)

از سلیمان بن عمرو گوید شنیدم از امام صادق علیه السلام فرمودند راستی خدا اجابت نکند دعایی را از روی دل غافل، پس هرگاه دعا کردی از دل بخواه و دعا کن و یقین داشته باش که اجابت می شود.

دعا از قلب قاسی بی اثر هست	چو مرغی بی سرو بی بال و پر هست
دعایی کز دل سنگی بخیزد	ندارد استجابت در بدر هست

● یا ما صاحب الزمان ●

مبادا در دعا باشی تو غافل	شرایط های آن را کن تو کامل
ببود شرط اجابتها توجه	یقین هم شرط دیگر هست در دل

عَنْ سَيْفِ بْنِ عُمَيْرَةَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: اِنَّ اللّٰهَ عَزَّوَجَلَّ لَا يَسْتَجِيبُ دُعَاءَ بَظْهَرِ قَلْبٍ قَاسٍ. (۲)

امام صادق علیه السلام فرمودند: «به درستی که خداوند عزوجل اجابت نکند دعا را از روی دل سخت و با قسوت».

دعا با قلب غافل هیچ و پوچ است	دعای فرد کاهل، هیچ و پوچ است
شود گر دل بوقت هر دعایی	به سوی غیر مایل هیچ و پوچ است

عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: لَمَّا اسْتَسْقَى رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَ سَقَى النَّاسَ حَتَّى قَالُوا: إِنَّهُ الْغَرَقُ وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله بِيَدِهِ وَ رَدَّهَا: اَللَّهُمَّ حَوَالَيْنَا وَ لِأَعْلَيْنَا قَالَ: فَتَفَرَّقَ السَّحَابُ فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ اسْتَسْقَيْتَ لَنَا فَلَمْ تُسَقِ ثُمَّ اسْتَسْقَيْتَ لَنَا فَسَقِينَا؟ قَالَ: إِنِّي دَعَوْتُ وَ لَيْسَ لِي فِي ذَلِكَ نِيَّةٌ ثُمَّ دَعَوْتُ وَلِي فِي ذَلِكَ نِيَّةٌ. (۱)

از امام صادق عليه السلام فرمودند: چون رسول خدا صلى الله عليه وآله دعا کرد برای طلب باران و آن قدر برای مردم بارید که گفتند غرق شویم و رسول خدا صلى الله عليه وآله با دست اشاره کرد و آن را بازگردانید. فرمود: در گرد ما باشد و بر سر ما نباشد. فرمود: پس ابرها متفرق شدند عرض کردند یا رسول الله صلى الله عليه وآله یک بار برای ما طلب باران کردی و باران بر ما نبارید و سپس طلب باران کردی و باران برای ما بارید! فرمود: راستی من دعا کردم و دلی به آن نداشتم و سپس که دعا کردم از روی نیت دل بود.

دعا باید شود همراه اقبال	یقین در استجابت هم، به دنبال
اگر خواهی اجابت در دعایت	شروطش را رعایت کن به هر حال
نباشد غفلتی اندر دعایت	توجه کن تو در دل بر خدایت
توجه با اجابت هست با هم	بود این سر زاسرارش، برایت

باب الإلحاح في الدعاء والتلبيث

«باب اصرار در دعا و انتظار اجابت»

عَنِ الْوَلِيدِ بْنِ عُقْبَةَ الْهَجْرِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ: وَاللَّهِ لَا يَمْلِكُ عَبْدٌ مُؤْمِنٌ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي حَاجَتِهِ إِلَّا قَضَاهَا لَهُ. (۲)

از ولید بن عقبه هجری گوید شنیدم امام باقر عليه السلام می فرمود: به خدا هیچ بنده‌ای در دعا اصرار نکند به درگاه خدای عزوجل برای حاجتش جز این که آن را برایش برآورد.

اگر در حاجتت تعجیل کردی
خدا گوید حوایج دست من هست
نمی دانی قضایت دست من هست
نخواهد خورد تعجیلت بدردی
کنم آن را قضا، گر مثل مردی
اگر دانی، به دنبال چه گردی

● یا ماص الزمان ●

ابا جعفر به تو فرموده و الله
خدا هم حاجتش را می گشاید
اگر مؤمن کند الحاح هر گاه
چه داند یا نداند خواه ناخواه

عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ كَرِهَ الْحَاحَ النَّاسِ
بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الْمَسْأَلَةِ وَأَحَبُّ ذَلِكَ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يُحِبُّ أَنْ يُسْأَلَ وَ
يُطْلَبَ مَا عِنْدَهُ (۱).

امام صادق علیه السلام فرمودند: «خدای عزوجل اکراه دارد که بنده‌ها بر یکدیگر در انجام حاجت اصرار ورزند و اصرار را نسبت به خودش دوست دارد. خدای عزوجل دوست می‌دارد که از او درخواست شود و از آنچه نزد اوست خواهش شود».

خدا در حاجتی اکراه دارد
و لیکن دوست می‌دارد خدا تا
که مردی پیش مردی، رو بی‌آرد
که آنچه هست در نزدش مهیا
شود آن خواهش و درخواست مردم
دعا گو را نخواهم داد او، کم

عَنْ أَبِي الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا طَلَبَ
مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ حَاجَةً فَأَلَحَّ فِي الدُّعَاءِ اسْتَجِيبَ لَهُ أَوْ لَمْ يُسْتَجَبْ لَهُ وَ تَلَا هَذِهِ
الآيَةَ: (۲) «وَ أَدْعُوا رَبِّي عَسَىٰ أَلَا أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا». (۳)

امام صادق علیه السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: خدا رحمت کند بنده‌ای را که حاجتی از خدای عزوجل بخواهد و درباره آن اصرار ورزد چه اجابت شود و چه اجابت نشود و این آیه را خواند: و دعاکنم به درگاه پروردگارم به امید این که در دعا

۱ - همان مدرک.

۲ - همان مدرک.

۳ - همان مدرک.

به درگاه پروردگام بدبخت نباشم.

خدا رحمت کند آن بنده‌ای را

چه گردد آن اجابت یا نگیرد

که کرده پافشاری در دعاها

دعا گو، کی شود مغموم، فردا

● یا صاحب الزمان ●

اگر کردی دعا، کن مکث در آن

مبادا در دعا باشد شتابت

که باشد استجابت هر چه آسان

که باشد مصلحت در دست جانان

«باب تَشْمِيَةِ الْحَاجَةِ فِي الدُّعَاءِ»

«باب نام بردن حاجت در دعا»

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْقُرَاءِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَعْلَمُ مَا يُرِيدُ الْعَبْدُ إِذَا دَعَاهُ وَ لَكِنَّهُ يُحِبُّ أَنْ تُبَيَّنَّ إِلَيْهِ الْحَوَائِجُ فَإِذَا دَعَوْتَ فَسَمِّ حَاجَتَكَ. وَفِي حَدِيثٍ آخَرَ قَالَ: قَالَ وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَعْلَمُ حَاجَتَكَ وَ مَا تُرِيدُ وَ لَكِنْ يُحِبُّ أَنْ تُبَيَّنَّ إِلَيْهِ الْحَوَائِجُ. (۱)

از ابی عبدالله قراء از امام صادق عليه السلام فرمودند: به درستی که خداوند تبارک و تعالی می‌داند که بنده هرگاه به درگاهش دعا کند چه می‌خواهد ولی او دوست دارد که حوائج به درگاه او شرح داده شود پس چون به درگاه او دعا کردی حاجت را نام ببر و در حدیثی دیگر فرمودند: به درستی که خدای عزوجل حاجت تو را می‌داند و آنچه را می‌خواهی هم می‌داند ولی دوست دارد که هر حاجتی برای او شرح داده شود.

اگر چه عالم السراست و اخفی

شروع حاجت خود را گداهما

که دارد دوست آن مولا و سرور

بگو نام حوائج را سراسر

خدا خواهد بگویی حاجتت را

خدا خواهد که بنمایند پیشش

دعا کن، لیک، نام حاجتت بر

خدا دلنگ الحاحات نگیرد

«باب اخفاء الدعاء»

«باب نهان داشتن دعا»

عَنْ أَبِي هَمَّامٍ إِسْمَاعِيلَ بْنِ هَمَّامٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَاءِ عليه السلام قَالَ: دَعْوَةُ الْعَبْدِ سِرًّا دَعْوَةٌ وَاحِدَةٌ تَغْدِلُ سَبْعِينَ دَعْوَةً عَلَانِيَةً. وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى: دَعْوَةٌ تُخْفِيهَا أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ سَبْعِينَ دَعْوَةً تُظْهِرُهَا ^(۱).
 امام رضا عليه السلام فرمود: «یک دعای بنده در نهان برابر با هفتاد دعای عیبانی و آشکار است.»

و در روایت دیگر است که یک دعا را نهان داری بهتر است نزد خدا از هفتاد دعایی که آن را آشکار سازی.

دعای بنده، پنهانی، سراسر	اگر خواهی بگویم ای برادر
به هر مقدار آن، هفتاد برابر	بود با هر دعای آشکارش
دعای آشکار و بین منظر	معادل هست با هفتاد بار
برو خلوت نما، کان هست برتر	به هنگام دعا در پیش دلبر
دعای آشکارت هست بهتر	دعای سرتو، هفتاد بار از

«باب الاوقات و الحالات التي ترجى فيها الاجابة»

«در اوقاتی که امید اجابت دعا در آن است»

عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَطْلُبُوا الدُّعَاءَ فِي أَرْبَعِ سَاعَاتٍ: عِنْدَ هُبُوبِ الرِّيحِ وَ زَوَالِ الْأَفْيَاءِ وَ نُزُولِ الْقَطْرِ وَ أَوَّلِ قَطْرَةٍ مِنْ دَمِ الْقَتِيلِ الْمُؤْمِنِ فَإِنَّ أَبْوَابَ السَّمَاءِ تُفْتَحُ عِنْدَ هَذِهِ الْأَشْيَاءِ ^(۲)

زید شحام گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: دعا را در چهار هنگام بجویید:

۱- نزد وزیدن بادهای؛

۲- نزد زوال سایه‌ها (هنگام ظهر)؛

۳- نزد باریدن باران؛

۴- هنگام ریختن اول قطره خون مؤمن در راه خدا (در جبهه جهاد) زیرا در

این اوقات است که درهای آسمان گشوده می شود.

دعا در چار ساعت شد سفارش	کند بنده در این ساعات خواهش
یکی هنگام باد و دیگری هم	به هنگام زوال سایه کم کم
دگر هنگام باران وقت دیگر	که ریزد اولین خون دلاور
برای این که ابواب سماء هست	در این ساعات باز باز، در بست

عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ فَضْلِ الْبُقْبَاقِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: يُسْتَجَابُ الدُّعَاءُ فِي أَرْبَعَةِ مَوَاطِنَ فِي الْوُتْرِ وَ بَعْدَ الْفَجْرِ وَ بَعْدَ الظُّهْرِ وَ بَعْدَ الْمَغْرِبِ. (۱)

امام صادق عليه السلام فرموده: دعا در چهار جا به اجابت رسد در نماز وتر و پس از نماز

سپیده دم و بعد از ظهر و پس از مغرب.

اجابت می شود در چار جای	دعاهای تو در پیش خدایت
به وتر و بعد فجر و ظهر و مغرب	صدایش زن تو با سوز صدایت
دعایت مستجاب ای عبد راغب	به وتر و بعد فجر و ظهر و مغرب
به هنگام دعایت کن توجه	دلت را دور بسنما از اجانب

عَنِ الْمُضَلِّ بْنِ أَبِي قُرَّةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: خَيْرُ وَقْتٍ دَعَوْتُمْ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِيهِ الْأَسْحَارُ وَ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ فِي قَوْلِ يَعْقُوبَ عليه السلام: «سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي» (۲)، وَ قَالَ أَخْرَهُمْ إِلَى السَّحْرِ. (۳)

الا ای آن که خواهی حاجتت را	سحرها بهترین وقت، جانا
سحر باشد کلید استجاب	مشو غافل مکن امروز و فردا
اگر یعقوب فرموده است سَوْفَ	نباشد جز سحر، ای عبد دانا
سحرها بهترین ایام عمرند	اجابت می شوند آندم دعاها

۲- سورة يوسف، آیه ۹۸.

۱- اصول کافی، ج ۴، ص ۲۴۳.

۳- اصول کافی، ج ۴، ص ۲۴۴.

از فضل از امام صادق علیه السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند که: بهترین وقتی که به درگاه خداوند عزوجل دعا کنید وقت سحرها است و این آیه را تلاوت نمودند که نقل قول یعقوب علیه السلام است؛ به زودی برای شما از پروردگارم آمرزش خواهم و فرمود تا به وقت سحر آنها را به تأخیر انداخت.

بود آن بهترین اوقات اسحار

برای هر دعا در پیش دلدار

اگر که سوف را فرمود یعقوب

مؤخر کرد در آن وقت پربار

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِذَا رَقَّ أَحَدُكُمْ فَلْيَدْعُ فَإِنَّ الْقَلْبَ لَا يَرِقُّ حَتَّى يَخْلُصَ. (۱)

از ابی بصیر از امام صادق علیه السلام فرمودند چون برای یکی از شما رقت قلب آمد باید دعا کند زیرا دل تا پاک نشود رقت نکند.

دلت هر لحظه رقت کرد جانم

دعا بنما مشو دلسرد جانم

بدان رقت نشان پاکی اوست

خوشا با سوز و آه و درد، جانم

اگر رقت ندارد دل بدان که

شدی در بندگی نامرد جانم

برای رقت دل هم دعا کن

رتیق القلب باشد مرد جانم

عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ إِذَا أَقْشَعَرَ جِلْدُكَ وَدَمَعَتْ عَيْنَاكَ فَذُوْنِكَ ذُوْنِكَ فَقَدْ قَصَدَ قَصْدُكَ. (۲)

از علی بن حدید از امام صادق علیه السلام فرمودند: (چون پوستت دانه لرز به خود گرفت و چشمت گریان شد خود را باش خود را باش که محققاً به تو توجهی شده است).

اگر اندام تو روزی بلرزید

و اشک از دیده ات بر گونه غلطید

بشو ملزم تو آن را و دعا کن

دعایت می شود آن لحظه تایید

بسین فرمود صادق دونک را

که در تو، ره نیابد شک و تردید

دعا کن تا بسینی خیر آن را

دلت گردد ز نورش همچو خورشید

عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ كُلَّ عَبْدٍ دَعَا بِالدُّعَاءِ فِي السَّحْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ فَإِنَّهَا سَاعَةٌ تُفْتَحُ فِيهَا أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَتُقَسَّمُ فِيهَا الْأَرْزَاقُ وَتُقْضَى فِيهَا الْحَوَائِجُ الْعِظَامُ (۱).

از ابی الصباح کنانی از امام باقر علیه السلام فرمود به درستی که خدای عزوجل دوست دارد از میان بنده‌های مؤمن خود هر بنده‌ای را که بسیار دعا کند. پس بر شماست به دعا کردن از سحر تا برآمدن آفتاب زیرا این هنگامی است که درهای آسمان در آن باز شود و روزیها را بخش کنند و حاجت‌های بزرگ را برآورند.

خدایت دوست دارد عبد دعاء	اگر از مؤمنین باشد چه بهتر
سحر مفتوح، ابواب سماء هست	شود تقسیم روزی‌ها، سراسر
قضا کردند حاجات عظیمه	چه می‌خواهی زمولایت تو دیگر
امام بساقرت گفتا علیکم	نکاتش را توجه کن چو گوهر

عَنْ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: إِغْتَنِمُوا الدُّعَاءَ عِنْدَ أَرْبَعٍ عِنْدَ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ وَ عِنْدَ الْأَذَانِ وَ عِنْدَ نُزُولِ الْعَيْثِ وَ عِنْدَ التِّقَاءِ الصَّفِّينِ لِلشَّهَادَةِ (۲).

از سکونی از امام صادق علیه السلام فرمودند: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند دعا را در چهار جا غنیمت شمارید: نزد قرائت قرآن و نزد اذان گفتن و نزد آمدن باران و نزد برخورد دو صف (حق و باطل) برای شهادت.

«باب البكاء»

«باب گریه»

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَلَهُ كَيْلٌ وَ وَزْنٌ إِلَّا الدُّمُوعُ فَإِنَّ الْقَطْرَةَ تُطْفِئُ بِحَاراً مِنْ نَارٍ فَإِذَا اغْرَوْرَقَتِ الْعَيْنُ بِمَائِهَا لَمْ يَزْهَقْ وَجْهًا قَتْرٌ وَلَا ذِلَّةٌ فَإِذَا فَاضَتْ حَرَمَةُ اللَّهِ عَلَى النَّارِ وَ لَوْ أَنَّ بَاكِيًا بَكَى فِي أُمَّةٍ لَرَجِمُوا (۳).

۲- اصول کافی، ج ۴، ص ۲۴۳.

۱- اصول کافی، ج ۴، ص ۲۴۵.

۳- اصول کافی، ج ۴، ص ۲۵۰.

از محمد بن مروان از امام صادق علیه السلام فرمود: چیزی نیست مگر این که پیمانۀ و وزنی دارد جز گریه که یک قطره اش دریاهایی از آتش را خاموش کند و چون دیده اشکین شود چهره تیرگی و خواری نبیند و چون اشک روان گردد خدا آن را بر دوزخ حرام گرداند و به درستی اگر در یک امتی یک گریان باشد همه مورد ترحم واقع شوند.

بدان هر چیز دنیا وزن دارد	مگر وقتی که قطره اشک بارد
کند یک قطره اش خاموش والله	چو کوهی را از آتش، اندرین راه
اگر که، چشم پر از اشک داری	نبیند چهره ات، اندوه و خواری
زمانی هم که می ریزد، خداوند	نگرداند تو را در نار، دریند
به این معنی که می گرداند آن را	حرام از آتش جانسوز فردا
خدا برینده بد هم کریم است	عطا و بخشش خیلی عظیم است
که گر گریه کند در جمع، یک فرد	اگر هم دیگران باشند، نامرد
ترحم می کند، بر جمع، الله	برای گریه آن فرد آگاه

عَنْ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: مَا مِنْ قَطْرَةٍ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ قَطْرَةٍ دُمُوعٍ فِي سَوَادِ اللَّيْلِ مَخَافَةً مِنَ اللَّهِ لَا يُزَادُ بِهَا غَيْرُهُ (۱).

از ابی حمزه از امام باقر علیه السلام فرمودند: هیچ قطره ای نزد خدا محبوب تر نیست از یک قطره اشک که در سیاهی شب از ترس خدا باشد و نظر به دیگری در آن نباشد.

به محشر، چشم گریانست آنگاه	مگر چشمی که بهر خوف الله
کند گریه در این دنیای فانی	بود این راه هر انسان آگاه
نباشد قطره ای بهتر الی الله	ز قطره قطره اشک تو، در این راه
که از ترس خدا ریزی دل شب	برای او تو برخیزی، دل شب

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: كُلُّ عَيْنٍ بَاكِيَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا ثَلَاثَةً عَيْنٌ غُضَّتْ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ وَعَيْنٌ سَهَرَتْ فِي طَاعَةِ اللَّهِ وَعَيْنٌ بَكَتْ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ (۲).

از محمد بن مروان از امام صادق علیه السلام فرمودند: هر چشمی در قیامت گریان است جز سه چشم، چشمی که از آنچه خدا حرام کرده بسته باشد و چشمی که در راه اطاعت خدا بیداری کشیده و چشمی که در دل شب از ترس خدا گریسته.

بود هر چشم گریان روز محشر
مگر سه چشم ای جان برادر
یکی چشمی که شد بسته ز حرمت
دگر آن چشم باز بهر طاعت
دگر آن چشم گریان در دل شب
خدا را بوده ترسان در دل شب

عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَكُونُ أَدْعُو فَأُشْتَهَى الْبُكَاءَ وَ لَا يُجِيبُنِي وَ رُبَّمَا ذَكَرْتُ بَعْضَ مَنْ مَاتَ مِنْ أَهْلِ فَارِقُ وَ أَنْكِي فَهَلْ يَجُوزُ ذَلِكَ؟ فَقَالَ نَعَمْ فَتَدَكِّرُهُمْ فَإِذَا رَقَّتْ فَبَاكَ وَ ادْعُ رَبَّكَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى. (۱)

از اسحاق بن عمار گوید به امام صادق علیه السلام گفتم: من دعا می کنم و می خواهم گریه کنم و گریه ام نمی آید و بسا به یاد برخی از اموات فامیلم بیفتم و رقت کنم و بگیرم آیا این کار رواست برایم؟ در پاسخ فرمودند آری آنان را به یاد آور و هرگاه تو را رقت دست داد گریه کن و به درگاه پروردگارت تبارک و تعالی دعا کن.

عَنْ عُنْبَسَةَ الْعَابِدِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنْ لَمْ تَكُنْ بِكَ بُكَاءَ فَبَاكَ. (۲)

از عنبسه العابد گوید امام صادق علیه السلام فرمود: اگر گریه نداری خود را به گریه کردن بزن و مانند گریه کن بنما.

عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام لِأَبِي بَصِيرٍ: وَإِنْ خِفْتَ أَمْرًا يَكُونُ أَوْ حَاجَةً تُرِيدُهَا فَاَبْدَأْ بِاللَّهِ وَ مَجْدُهُ وَ أَثْنِ عَلَيْهِ كَمَا هُوَ أَهْلُهُ وَ صَلِّ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ وَ سَلَّمَ وَ سَلِّ حَاجَتَكَ وَ تَبَاكَ وَ لَوْ مِثْلَ رَأْسِ الذُّبَابِ إِنْ أَبِي عليه السلام كَانَ يَقُولُ: إِنْ أَقْرَبَ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنَ الرَّبِّ عَزَّ وَ جَلَّ وَ هُوَ سَاجِدٌ بِكَ. (۳)

از علی بن ابی حمزه گوید امام صادق علیه السلام به ابی بصیر فرمود: اگر از وقوع چیزی بیم داری و یا حاجتی می خواهی به نام خدا آغاز سخن کن و او را تمجید کن و

۲- همان مدرک.

۱- همان مدرک، ص ۲۵۲.

۳- اصول کافی ج ۴ ص ۲۵۲.

ستایش نما چنانچه شایسته آن است و بر محمد صلی الله علیه و آله صلوات فرست و حاجت خود را بخواه و خود را به گریه بدار گرچه به اندازه سرمگسی باشد، زیرا پدرم علیه السلام همیشه می فرمود: نزدیک ترین حال بنده به خداوند عزوجل وقتی است که او در سجده باشد و گریان باشد.

تباکی کن اگر اشکی نداری	بزن خود را به حال گریه زاری
اگر چه قدر یک رأس الذباب است	خوشا بر حال تو جانم مکش دست
چه ساجد باشی و باکی تو اقرب	شوی از کل حالات من الرب
که این از حضرت صادق رسیده	بسرای خیلی از مردم نویده

«باب الثناء قبل الدعاء»

«باب ستایش و ثنا پیش از دعاء»

عَنْ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَةَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: إِذَا كُنْتُمْ إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ يَسْأَلَ مِنْ رَبِّهِ شَيْئاً مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ حَتَّى يَتَدَأَّ بِالثَّنَاءِ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالْمَدْحِ لَهُ وَالصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله ثُمَّ يَسْأَلُ اللَّهَ حَوَائِجَهُ. (۱)

از حارث بن مغیره گوید شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود: مبادا چون یکی از شماها خواهد از پروردگار خود حاجتی برای دنیا و آخرت بخواهد؛ بدان مبادرت کند تا آغاز سخن کند به ستایش و مدح خدا و طلب رحمت بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سپس حوائجش را بخواهد.

اگر خواهی کنی جانم دعایی	نما اول خدایت را ثنایی
پس مدحش نما و بر محمد <small>صلی الله علیه و آله</small>	صلاتی گو، دعا کن بعد ممتد
بود این امر مولای تو جانم	نگو، زود است و من اکنون جوانم

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنَّ فِي كِتَابِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: إِنَّ الْمِدْحَةَ قَبْلَ الْمَسْأَلَةِ فَإِذَا دَعَوْتَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَمَجِّدْهُ. قُلْتُ: كَيْفَ أَمَجِّدُهُ؟ قَالَ:

تَقُولُ: «يَا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ يَا فَعَالاً لِمَا يُرِيدُ يَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ يَا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى يَا مَنْ هُوَ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ» (۱)

از محمد بن مسلم گوید امام صادق علیه السلام می فرمود: راستی در کتاب امیرالمؤمنین علیه السلام است که مدح پیش از درخواست است و هرگاه به درگاه خدای عزوجل دعا کنی او را تمجید کن. گفتم: چه گونه اش تمجید کنم؟ فرمود: می گویی ای کسی که به من از رگ گردن نزدیکتری ای که هر چیز را خواهی به خوبی انجام دهنده ای. ای کسی که میان مرد و دلش حائل می شود ای کسی که او در نظر انداز برتری است ای آن که چیزی به مانندش نیست.

عَنْ أَبِي كَهْمَسٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: دَخَلَ رَجُلٌ الْمَسْجِدَ فَابْتَدَأَ قَبْلَ الثَّنَاءِ عَلَى اللَّهِ وَالصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله عَاجِلَ الْعَبْدِ رَبُّهُ ثُمَّ دَخَلَ آخِرَ فَضْلِي وَأَثْنِي عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَصَلَّى عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله سَلْ تُعْطَهُ ثُمَّ قَالَ: إِنَّ فِي كِتَابِ عَلِيِّ عليه السلام أَنْ الثَّنَاءُ عَلَى اللَّهِ وَالصَّلَاةُ عَلَى رَسُولِهِ قَبْلَ الْمَسْأَلَةِ وَإِنْ أَحَدَكُمْ لِيَأْتِيَ الرَّجُلَ يَطْلُبُ الْحَاجَةَ فَيَجِبُ أَنْ يَقُولَ لَهُ خَيْراً قَبْلَ أَنْ يَسْأَلَ حَاجَتَهُ. (۲)

از ابی کهمس گوید شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود: مردی به مسجد آمد و هنوز ستایش خدا نکرده و صلوات بر پیامبر نفرستاده آغاز خواهش از خدا نمود پس رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: این بنده شتابان به درگاه پروردگارش رفت. پس دیگری آمد و ستایش خدای عزوجل نمود و صلوات بر رسول خدا صلى الله عليه وآله فرستاد و رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: درخواست کن تا به تو عطا شود سپس فرمود: در کتاب علی علیه السلام است که ستایش بر خدا و صلوات بر رسولش پیش از درخواست است و مقدمه آن است و راستی یکی از شماها که نزد مردی آید و حاجتی خواهد دوست دارد که پیش از درخواست حاجتش برای او سخن خوشی گوید.

عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ: آيَتَانِ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَطْلُبُهُمَا فَلَا أَجِدُهُمَا قَالَ: وَمَا هُمَا؟ قُلْتُ: قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» ^(۱)، فَتَدْعُونِي وَ لَا تُرَى إِجَابَتَهُ قَالَ: أَتَرَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَخْلَفَ وَعَدَهُ؟ قُلْتُ: لَا قَالَ: فِيمَ ذَلِكَ؟ قُلْتُ: لَا أَذْرِي قَالَ: لَكِنِّي أَخْبِرُكَ مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِيمَا أَمَرَهُ ثُمَّ دَعَا مِنْ جِهَةِ الدُّعَاءِ أَجَابَهُ قُلْتُ وَمَا جِهَةُ الدُّعَاءِ؟ قَالَ: تَبَدُّأُ فَتَحْمَدُ اللَّهَ وَ تَذْكُرُ نِعْمَتَهُ عِنْدَكَ ثُمَّ تَشْكُرُهُ ثُمَّ تُصَلِّيَ عَلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله ثُمَّ تَذْكُرُ ذُنُوبَكَ فَتَقْرُبُهَا ثُمَّ تَسْتَعِيذُ مِنْهَا فَهَذَا جِهَةُ الدُّعَاءِ ثُمَّ قَالَ: وَمَا آيَةُ الْآخِرَى؟ قُلْتُ: قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ» ^(۲)، وَإِنِّي أَنْفِقُ وَ لَا أَرَى خَلْفًا قَالَ: أَتَرَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَخْلَفَ وَعَدَهُ؟ قُلْتُ: لَا قَالَ: فِيمَ ذَلِكَ؟ قُلْتُ: لَا أَذْرِي قَالَ: لَوْ أَنَّ أَحَدَكُمْ اكْتَسَبَ الْمَالَ مِنْ حِلِّهِ وَ أَنْفَقَهُ فِي حِلِّهِ لَمْ يُنْفِقْ دِرْهَمًا إِلَّا أَخْلَفَ عَلَيْهِ. ^(۳)

از عثمان بن عیسی از کسی که برای او بازگفته که گوید به امام صادق علیه السلام گفتم: دو آیه در قران خدای عزوجل است که آنها را نمی جویم و نمی یابیم فرمود: آن دو کدامند؟ گفتم: قول خدای عزوجل «مرا بخوانید تا شمارا اجابت کنم» ما او را می خوانیم و اجابتی دریافت نمی کنیم فرمود: به نظر تو خداوند وعده خلافی می کند؟ گفتم نه فرمود: پس این از چه راه است؟ گفتم نمی دانم. فرمود: ولی من به تو خبر می دهم هر که خدای عزوجل را اطاعت کند در آنچه به او فرمان داده است و سپس او را از جهت دعا بخواند خداوند اجابت کند گفتم جهت دعا چیست؟ فرمود: راه دعا این است که خدا را سپاس گذاری و حمد کنی و نعمتی که به تو داده است را یاد آور شوی و سپس او را شکر گذاری و سپس صلوات فرستی بر محمد و آتش و سپس گناهان خود را یاد کنی و بدانها اعتراف نمایی و سپس از آنها به خدا پناه ببری این راه دعا است. سپس فرمود: آیه دیگر چیست؟ گفتم قول خدای

۲-سوره مبارکه زمر، آیه ۳۹.

۱-سوره مبارکه مؤمن، آیه ۶۰.

۳-همان مدرک، ص ۲۵۵.

عَزَّوَجَلَّ (و هر آنچه را از هر چه باشد خرج کنید عوض را می دهد و او بهترین روزی دهنده ها است) من خرج می کنم و عوضش را نمی بینم. فرمود: بنظر تو خدای عزَّوَجَلَّ خلف وعده می کند؟ گفتم: نه فرمود: پس این از چیست؟ گفتم نمی دانم فرمود: اگر چنانچه هر یک از شماها مالی را از راه حلالش به دست آورد و آن را در راه حلالش خرج کند هیچ دره می خرج نکند جز آن که به او عوض داده شود.

اگر حاجات داری ای پسر جان	نما تسبیح حق حق سبحان
سپس تحمید و تسبیحش تو بنما	سپس تهلیل گو، بعدش ثنا را
صلواتی را سپس بفرست دیگر	تو بر پیغمبر و آلش، در آخر
سپس حاجات خود را کن تو درخواست	که جای استجابتها همینجاست

عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَصْبَاطٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُسْتَجَابَ لَهُ دَعْوَتُهُ فَلْيُطِيبْ مَكْسَبَهُ. (۱)

از امام صادق عليه السلام فرمود هر که شاد شود که دعایش به اجابت رسد باید کسب خود را پاک و حلال کند.

«باب الاجتماع في الدعاء»

«باب اجتماع برای دعا کردن»

عَنْ أَبِي خَالِدٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَا مِنْ رَهْطٍ أَرْبَعِينَ رَجُلًا اجْتَمَعُوا قَدَعُوا اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ فِي أَمْرٍ إِلَّا اسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونُوا أَرْبَعِينَ فَأَرْبَعَةٌ يَدْعُونَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ عَشْرَ مَرَّاتٍ إِلَّا اسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونُوا أَرْبَعَةَ فَوَاحِدٌ يَدْعُوا اللَّهَ زَبْعِينَ مَرَّةً فَيَسْتَجِيبُ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ لَهُ (۲).

از ابی خالد گوید امام صادق عليه السلام فرمود هیچ چهل تن مردی برای دعا کردن گرد هم فراهم نشوند و به درگاه خدای عزَّوَجَلَّ برای امری دعا نکنند جز این که آنها را اجابت کند و اگر چهل تن نباشد چهار تن باشند که خدا را ده بار بخوانند و دعا کنند

و خدا برای آنها اجابت کند و اگر چهار تن هم فراهم نشوند یکی باشد که چهل بار به درگاه خدا دعا کنند و خدای عزیز و جبار برایش اجابت کند.

دعاهایشان شود مقبول، نیکو	اگر باشد چهل مرد دعا گو
دعایشان هم اگر، ده بار گردد	اگر تعداد آنها چار گردد
خدا را آن کریم وحی و مختار	و یا اگر یک نفر خواند چهل بار
چو اوّل می کند مقبول یکجا	اجابت می کند، والله آن را

عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقَبَةَ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: كَانَ أَبِي عليه السلام إِذَا حَزَنَهُ أَمْرٌ جَمَعَ النِّسَاءَ وَ الصُّبْيَانَ ثُمَّ دَعَا وَ أَمَّنُوا (۱).

از امام صادق عليه السلام فرمودند: شیوه پدرم این بود که چون از امری غمناک و غصه دار می شد زنان و کودکان را جمع می کردند و آنگاه دعا می نمودند و آنها آمین می گفتند.

زیابش، آن ولی ناطق تو	کند نقلت امام صادق تو
زنان و بچه ها را جمع می کرد	که هر موقع حزین می گشت و پردرد
همه آمین می گفتند یکجا	سپس مولا دعا می کرد و آنها

عَنْ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: الدَّاعِي وَ الْمُؤْمِنُ فِي الْأَجْرِ شَرِيكَانِ (۲).

از سکونی از امام صادق عليه السلام فرمودند: دعاکننده و آمین گو در مزد و ثواب برابرند.

مؤمن را شریک خوب و نیکو	بدان در اجر، می باشد دعا گو
و باید زد به پیش علم، زانو	بود اینها علوم آسمانی

«بَابُ الْعُمُومِ فِي الدُّعَاءِ»

«باب دعا برای همه»

عَنْ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله إِذَا دَعَا أَحَدُكُمْ فَلْيَعْمَمْ فَإِنَّهُ أَوْجِبُ لِلدُّعَاءِ (۳).

۲- اصول کافی، ج ۴، ص ۲۵۸.

۱- اصول کافی، ج ۴، ص ۲۵۸.

۳- اصول کافی، ج ۴، ص ۲۵۸.

از امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: هر گاه یکی از شماها دعا کند برای همه دعا کند زیرا که مستجاب تر است.

عمومیت بده اندر دعایت
بود این کار، اقرب، باستجابت
که این را دوست می دارد خدایت
بدان قدر خدای با وفایت

«باب مَنْ أُبْطِئَتْ عَلَيْهِ الْإِجَابَةُ»

«باب کسی که اجابت دعایش به تأخیر افتاده»

عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عليه السلام: جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنِّي قَدْ سَأَلْتُ اللَّهَ حَاجَةً مُنْذُ كَذَا وَكَذَا سَنَةً وَقَدْ دَخَلَ قَلْبِي مِنْ ابْطَائِهَا شَيْءٌ فَقَالَ: يَا حَمْدُ إِيَّاكَ وَالشَّيْطَانَ أَنْ يَكُونَ لَكَ عَلَيْكَ سَبِيلٌ حَتَّى يُقْنِطَكَ إِنَّ أَبَا جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ كَانَ يَقُولُ: إِنَّ الْمُؤْمِنَ يَسْأَلُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ حَاجَةً فَيُؤَخِّرُ عَنْهُ تَعْجِيلَ إِجَابَتِهِ حُبًّا لِصَوْتِهِ وَاسْتِمَاعَ نَحِيْبِهِ ثُمَّ قَالَ: وَاللَّهِ مَا أَخَّرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ مَا يَطْلُبُونَ مِنْ هَذِهِ الدُّنْيَا خَيْرًا لَهُمْ مِمَّا عَجَّلَ لَهُمْ فِيهَا وَآيُ شَيْءٍ الدُّنْيَا، إِنَّ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام كَانَ يَقُولُ: يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَكُونَ دُعَاؤُهُ فِي الرَّخَاءِ نَحْوًا مِنْ دُعَائِهِ فِي الشَّدَةِ لَيْسَ ذَا أُعْطِيَ قَتْرًا فَلَا تَمَلُّ الدُّعَاءَ فَإِنَّهُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِمَكَانٍ وَعَلَيْكَ بِالصَّبْرِ وَطَلَبِ لِحَلَالٍ وَصِلَةِ الرَّحِمِ وَإِيَّاكَ وَمُكَاشَفَةِ النَّاسِ فَإِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ نَصِلُ مَنْ قَطَعَنَا وَخَسِنُ إِلَى مَنْ أَسَاءَ إِلَيْنَا فَتَرَى وَاللَّهِ فِي ذَلِكَ الْعَاقِبَةَ الْحَسَنَةَ إِنَّ صَاحِبَ النُّعْمَةِ فِي الدُّنْيَا إِذَا سَأَلَ فَأُعْطِيَ طَلَبَ غَيْرِ الَّذِي سَأَلَ وَصَغُرَتِ النُّعْمَةُ فِي عَيْنِهِ فَلَا يَشْبَعُ مِنْهَا وَإِذَا كَثُرَتِ النُّعْمُ كَانَ الْمُسْلِمُ مِنْ ذَلِكَ عَلَى خَطَرٍ لِلْحَقُوقِ الَّتِي تَحِبُّ عَلَيْهِ وَإِيخَافٍ مِنَ الْفِتْنَةِ فِيهَا، أَخْبَرَنِي عَنْكَ لَوْ أَنِّي قُلْتُ لَكَ قَوْلًا أَكُنْتَ تَتَّقِي بِهِ مِنِّي؟ فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ إِذَا لَمْ أَتِ بِقَوْلِكَ فَبِمَنْ أَتَى وَأَنْتَ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ؟ قَالَ: فَكُنْ مِنَ اللَّهِ أَوْثَقَ فَإِنَّكَ عَلَى مَوْعِدٍ مِنَ اللَّهِ أَلَيْسَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي مِنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ»^(۱)، وَقَالَ «لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ

اللَّهِ (۱) وَ قَالَ «وَاللَّهُ يَعِدُكُمْ مَغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضلاً» (۲) فَكُنْ بِاللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَوْثَقَ مِنْكَ بِغَيْرِهِ وَ لَا تَجْعَلُوا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا خَيْراً فَإِنَّهُ مَغْفُورٌ لَكُمْ.

از احمد بن محمد بن ابی نصر گوید به ابی الحسن علیه السلام گفتم: فدایت شوم من از چند سالی است که حاجتی از خدا خواسته‌ام و از تاخیر اجابتش در دلم نگرانی افتاده است. فرمود: ای احمد مبادا شیطان را بر خود راه دهی تا تو را به ناامیدی کشاند، راستی امام باقر علیه السلام بارها می فرمود: مؤمن از خدا حاجتی خواهد و شتاب در اجابتش نشود برای محبوبیت آواز و شیون او (به درگاه خدا) پس فرمود: به خدا سوگند خداوند عزوجل هر چه از این دنیا را که مؤمنان بخواهند بتاخیر اندازد برای آنها بهتر است از آنچه زود به آنها عطا کند و این دنیا چه چیز است؟ به راستی امام باقر علیه السلام بارها می فرمود: برای مؤمن شایسته است که دعایش در حال فراوانی نعمت و آسایش به همان نحو باشد که در حال تنگی و سختی است و چون به او عطا شود سست نگردد، تو از دعا خسته مشو که دعا مقامی دارد نزد خدا (بس بزرگ) بر تو باد که شکیبیا باشی و روزی حلال بجویی و صله رحم کنی و مبادا با مردم بکروبی و اظهار دشمنی کنی، زیرا ما خاندانی هستیم که صله دهیم به هر که از ما ببرد و ترک ما را کند و نیکی کنیم به هر که به ما بدی کند و به خدا در این کار سرانجام خوشی بینیم، راستی نعمت خواره در این دنیا هرگاه هر چه درخواست کند به او بدهند به همان قناعت نکند و دنبال جز آنچه خواسته برود و آن را هم بخواهد و نعمت خدا در چشم او خوار و کوچک نماید و از هیچ چیز سیر نشود و چون نعمت فراوان شود مسلمان از آن راه به خطر افتد برای حقوقی که باید پردازد و برای آنچه که بیم فتنه در آن می رود، به من بگو اگر من به تو چیزی گفتم به آن اعتماد داری؟ من گفتم: قربانت اگر به گفتار شما اعتماد و اطمینان نکنم به قول چه کسی اعتماد کنم با این که شما حجت خدا هستید بر خلق او؟ فرمود: پس تو باید به گفته خدا و وعده‌های او

اعتماد بیشتری داشته باشی، تو را خداوند وعده اجابت داده است، آیا خدا نیست که می فرماید «هرگاه بپرسد تو را بندگانم از من، پس به راستی که من نزدیکم، پاسخ دهم دعوت خواننده را هرگاه مرا بخواند» و فرمود «و نومید مباشید از رحمت خدا» و فرمود «و خداست که به شما وعده آمرزش و فضل می دهد».

تو به خدا بیشتر وثوق داشته باش از دیگران و در دل خود جز خوبی راه ندهید زیرا او شما را می آمرزد.

خدا، آنگاه گوید دو ملک را	کند گاهی دعایی، عبد تنها
نگهدارید، تا او هست اینجا	دعایش را اجابت کرده ام لیک
بود آن باعث خوشحالی ما	که من این صوت او را دوست دارم
بگوید عَجَلُوا لَهُ حَاجَتَهُ تَا	کند عبدی دگر، چون او دعایی
مبادا باشی از این طیف، جانا	فَإِنِّي أَبْغِضُ صَوْتَهُ خَدَائِشِ

عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: كَانَ بَيْنَ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ «قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُمَا»^(۱) وَ بَيْنَ أَخْذِ فِرْعَوْنَ أَرْبَعِينَ عَامًا^(۲).

از هشام بن سالم از امام صادق عليه السلام فرمود: میان گفته خداوند عزوجل «هر آینه دعای شما به اجابت رسید» (خطاب به موسی و هارون علی نبینا و اله و علیهم السلام در برابر تقاضای نابودی فرعون) و میان غرق شدن فرعون چهل سال طول کشید.

کلام حجت روی زمین را	بده گوش این کلام دلنشین را
به عشرين سنة، کن دقت این را	مؤخر می شود گاهی اجابت
بود این هم یکی از بین امثال	دعا را گاه تاخیر است دنبال
و بین اخذ فرعون، تا چهل سال	که بین گفته حق «قَدْ أُجِيبَتْ»

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَدْعُو فَيُؤَخَّرُ إِجَابَتَهُ إِلَى يَوْمِ الْجُمُعَةِ^(۳).

۲- اصول کافی، ج ۴، ص ۲۶۱.

۱- سوره مبارکه یونس، آیه ۸۹.

۳- اصول کافی، ج ۴، ص ۲۶۱.

از ابی بصیر گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم می فرمود راستی مؤمن دعا می کند و اجابت او تا روز جمعه بناخیر می افتد.

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنَّ الْعَبْدَ الْوَالِيَّ لِلَّهِ يَدْعُو اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِي الْأَمْرِ يَنْتَوِبُهُ فَيَقُولُ لِلْمَلِكِ الْمُوَكَّلِ بِهِ: اقْضِ لِعَبْدِي حَاجَتَهُ وَ لَا تُعَجِّلْهَا فَإِنِّي أَشْتَهِي أَنْ أَسْمَعَ نِدَاءَهُ وَ صَوْتَهُ وَإِنَّ الْعَبْدَ الْعَدُوَّ لِلَّهِ لَيَدْعُو اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِي الْأَمْرِ يَنْتَوِبُهُ فَيُقَالُ لِلْمَلِكِ الْمُوَكَّلِ بِهِ: اقْضِ لِعَبْدِي حَاجَتَهُ وَ عَجِّلْهَا فَإِنِّي أَكْرَهُ أَنْ أَسْمَعَ نِدَاءَهُ وَ صَوْتَهُ قَالَ: فَيَقُولُ النَّاسُ: مَا أُعْطِيَ هَذَا إِلَّا لِكِرَامَتِهِ وَ لَا مَنَعَ هَذَا إِلَّا لِهَوَانِهِ ^(۱).

امام صادق علیه السلام فرمودند: راستی بنده ای که دوست خدا است به درگاه خدای عزوجل برای امری که به او رخ داده و گرفتار شده دعا می کند و خدا به آن فرشته ای که برای او گمارده شده می فرماید حاجت بنده مرا برآور و در آن شتاب مکن، زیرا من دوست دارم که فریاد و آوازش را بشنوم و به درستی که بنده ای دشمن خداست و به درگاه خدای عزوجل دعا می کند درباره پیشامدی که به آن گرفتار شده است، پس به فرشته ای که بر او گمارده شده می فرماید برآور حاجتش را و شتاب کن، زیرا من خوش ندارم فریاد و آوازش را بشنوم. آنگاه حضرت فرمودند: پس مردم می گویند به این دومی عطا نشده است مگر برای ارجمندی و از آن اولی که دوست خداست دریغ نشده مگر برای خواری.

عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَدْعُو اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِي حَاجَتِهِ فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَخْرُوا إِجَابَتَهُ شَوْقًا إِلَى صَوْتِهِ وَ دُعَائِهِ فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَبْدِي دَعَوْتَنِي فَأَخْرَزْتُ إِجَابَتَكَ وَ ثَوَابَكَ كَذَا وَ كَذَا وَ دَعَوْتَنِي فِي كَذَا وَ كَذَا فَأَخْرَزْتُ إِجَابَتَكَ وَ ثَوَابَكَ كَذَا وَ كَذَا قَالَ فَيَتَمَنَّى الْمُؤْمِنُ أَنَّهُ لَمْ يُسْتَجَبْ لَهُ دَعْوَةٌ فِي الدُّنْيَا مِمَّا يَرَى مِنْ حُسْنِ الثَّوَابِ ^(۲).

از اسحاق بن عمار از امام صادق علیه السلام فرمود به درستی مؤمن برای حاجت خود به درگاه خدای عزوجل دعا می کند و خداوند عزوجل می فرماید اجابتش را به تاخیر اندازید برای اشتیاق به آواز او و دعا او و چون روز قیامت شود خداوند

عزوجل فرماید: ای بنده من دعا کردی و اجابت تو را به تاخیر انداختم، اکنون ثواب تو چنین و چنان است و تو مرا درباره چنین و چنان (ناقابل دعا کردی) و من اجابت تو را به تاخیر انداختم و ثواب چنین و چنان است گوید مؤمن، آرزو می کند ای کاش هیچ دعایی برای او در دنیا به اجابت نرسیده بود (و ثوابش برای آخرت او ذخیره شده بود) برای آنچه که از من پاداش الهی می بیند.

کند مؤمن دعا وقتی به درگاه	بگوید بهر عبد خویش، الله
اجابت را به تاخیر افکنیدش	که خوشحالم نموده، صوتش این گاه
زمانی هم که می گردد قیامت	و آید عبد او، اندر سلامت
به او گوید که از شوق کلامت	سوخر کردم او را در نهایت
و اینها پاداش و جزایت	که گرداندم مهیا من برایت
در این هنگام از حسن ثوابش	کند مؤمن، تنها با رضایت
و گوید کاشکی هرگز دعایم	که می خواندم در آن، هر دم خدایم
نمی شد مستجاب آن دم به دنیا	که اینجا هست عالتر جزایم

«باب الصلاة علی النبی محمد و اهل بیته علیهم السلام»

«باب صلوات برای پیغمبر و خاندانش علیهم السلام»

عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: لَا يَزَالُ الدُّعَاءُ مَحْجُوبًا حَتَّى يُصَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ (۱).

از هشام بن سالم از امام صادق عليه السلام فرمودند پیوسته دعا محجوب است تا صلوات فرستاده شود بر محمد و آل محمد.

بود در هر دعا یک پرده حائل

که رفعش با صلواتی از ته دل

که بر پیغمبر و آل پیغمبر

فرستاده شده، گردیده حاصل

عَنْ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ دَعَا وَلَمْ يَذْكُرِ النَّبِيَّ عليه السلام رَفَرَفَ الدُّعَاءُ عَلَى رَأْسِهِ فَإِذَا ذَكَرَ النَّبِيَّ عليه السلام رُفِعَ الدُّعَاءُ (۲).

از سکونی از امام صادق علیه السلام هر که دعایی کند و نام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را نبرد، دعایش گرد سرش بچرخد و هرگاه نام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را برد دعایش بالا رود (برای اجابت).

دعا با نام پیغمبر ز هر سو

رود بالا و باشد خوب و نیکو

دعای نام پیغمبر چو مرضی

بچرخد بر سر فرد دعاگو

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «مَا مَعْنَى أَجْعَلُ صَلَوَاتِي كُلَّهَا لَكَ» فَقَالَ: يُقَدِّمُهُ بَيْنَ يَدَيَّ كُلَّ حَاجَةٍ فَلَا يَسْأَلُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ شَيْئًا حَتَّى يَتَدَأَ بِالنَّبِيِّ صلی الله علیه و آله قِيصَلْنِي عَلَيْهِ ثُمَّ يَسْأَلُ اللَّهَ حَوَائِجَهُ. (۱)

از ابی بصیر گوید از امام صادق علیه السلام پرسیدم معنی این که همه صلواتم را برای شما مقرر می‌دارم چیست؟ در پاسخ فرمود: یعنی او را پیش از هر حاجتی قرار می‌دهد و از خدای عزوجل درخواستی نمی‌کند تا اول به پیامبر صلی الله علیه و آله صلوات فرستد و سپس حوائج خود را خواهد.

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَنْ كَانَتْ لَهُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ حَاجَةٌ فَلْيَبْدَأْ بِالصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ثُمَّ يَسْأَلُ حَاجَتَهُ ثُمَّ يَخْتِمُ بِالصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ يَقْبَلَ الطَّرْفَيْنِ وَيَدْعَ الْوَسْطَ إِذَا كَانَتِ الصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ لِأَتْحَبُّ عَنْهُ. (۲)

امام صادق علیه السلام فرمودند هر که را حاجتی به خدا عزوجل باشد باید با صلوات بر محمد و آلش آن را آغاز کند و سپس حاجت خود را بخواند و باز هم در پایان صلوات بر محمد و آلش بفرستد، زیرا خداوند عزوجل از آن کریم‌تر است که دو طرف را بپذیرد و میانه را وانهد زیرا صلوات بر محمد و آلش از او محبوب‌تر نباشد.

عَنْ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ تَعِينٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِنِّي دَخَلْتُ الْبَيْتَ وَ لَمْ يَخْضُرْنِي شَيْءٌ مِنَ الدُّعَاءِ إِلَّا الصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فَقَالَ: أَمَا إِنَّهُ لَمْ يَخْرُجْ

حَدِّ بِأَفْضَلِ مِمَّا خَرَجْتَ بِهِ (۱).

از عبدالسلام بن نعیم گوید به امام صادق علیه السلام گفتم: من وارد خانه کعبه شدم و چیزی از دعا در ذهن نداشتم جز صلوات بر محمد و آل محمد (یعنی عمل من چگونه است) حضرت فرمودند: بدان کسی از خانه بیرون نشده است به بهتر از آنچه تو بیرون شدی (یعنی از حیث اجر و پاداش).

اگر خواهی تو حاجت از خداوند	که گردی از اجابت شاد و خرسند
صلاتی بر پیمبر گو و آتش	سپس حاجت بخواه از یار دلبنند
سپس حاجات خود را ختم بنما	تو با دیگر صلاتی بر همانها
بدان جانم «فَإِنَّ اللَّهَ... أَكْرَمُ»	که گرداند اجابت هر طرف را
و لکن واگذارد، آن وسط را	که باشد حاجت تو، اندر آنجا
برای این که نبود در صلوات	حجاب و پرده و مانع مهیا

«بَاب مَا يَجِبُ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي كُلِّ مَجْلِسٍ»

«آنچه واجب است از ذکر خدا عزوجل در هر مجلس»

عَنِ الْقُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَا مِنْ مَجْلِسٍ يَجْتَمِعُ فِيهِ أَتْرَازٌ وَ جَارٌّ فَيَقُومُونَ عَلَيَّ غَيْرِ ذِكْرِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ إِلَّا كَانَ حَسْرَةً عَلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (۲).

از فضیل بن یسار گوید امام صادق علیه السلام فرمودند: هیچ مجلسی فراهم نشود از بکان و بدکاران که بی یاد خدای عزوجل از آن برخیزند، جز این که در روز قیامت برها مایه افسوس و دریغ باشد.

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ مَا اجْتَمَعَ فِي مَجْلِسٍ قَوْمٌ لَمْ يَذْكُرُوا اللَّهَ رُؤُوسًا وَ لَمْ يَذْكُرُونَا إِلَّا كَانَ ذَلِكَ الْمَجْلِسُ حَسْرَةً عَلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ قَالَ: قَالَ وَ جَعْفَرٍ عليه السلام: إِنَّ ذِكْرَنَا مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ ذِكْرَ عَدُوِّنَا مِنْ ذِكْرِ الشَّيْطَانِ (۳).

از ابوبصیر از امام صادق علیه السلام فرمودند: مجلسی از مردم فراهم نگردد که در آن ذکر

- همان مدرک، ص ۲۶۸.

۲- اصول کافی، ج ۴، ص ۲۶۹.

- همان مدرک، ص ۲۶۹.

خدای عزوجل و ذکر ما نباشد جز این که این انجمن در قیامت مایه افسوس آنان گردد. سپس فرمود: امام باقر علیه السلام فرمودند ذکر ما در شمار ذکر خداست و ذکر دشمن ما در شمار ذکر شیطان.

که می‌باشند آنجا نیز فجار	نباشد مجلسی جمعی از ابرار
مگر این که بود حسرت پدیدار	و برخیزند بی ذکر خداوند
که می‌گردند ظاهر کل اسرار	به روز محشر و در پیش الله
بفرموده ست صادق یاد بسیار	و در جایی دگر لم یذکرونا
نه ذکر آن خدای حق مختار	سپس فرموده باقر ذکر ما هست
بود از ذکر ابلیس خطا کار	و ذکر دشمنان ما همانا

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام: مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكْتَالَ بِالْمِكْيَالِ الْأَوْفَى فَلْيَقُلْ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَقُومَ مِنْ مَجْلِسِهِ «سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (۱)

امام باقر علیه السلام فرمودند: هر کس که می‌خواهد به کیل (ظرف) تمام اجر برد، باید وقتی از مجلس خود برخیزد بگوید «منزه باد پروردگارت، پروردگار عزت از آنچه وصف می‌کنند (ملحدان و جاهدان) درود بر رسولان و سپاس از آن پروردگار جهانیان است».

عَنْ أَبِي حَمْرَةَ الثَّمَالِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: مَكْتُوبٌ فِي التَّوْرَاتِ الَّتِي لَمْ تُغَيَّرْ أَنَّ مُوسَى علیه السلام سَأَلَ رَبَّهُ فَقَالَ: يَا رَبِّ أَقْرَبُ أَنْتَ مِنِّي فَأَنَا جِئْتُكَ أَمْ بَعِيدٌ فَأَنَا دَيْتُكَ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَيْهِ يَا مُوسَى أَنَا جَلِيسٌ مَنْ ذَكَرَنِي فَقَالَ مُوسَى لَمَنْ فِي سِتْرِكَ يَوْمَ لَا سِتْرَ إِلَّا سِتْرُكَ؟ فَقَالَ: الَّذِينَ يَذْكُرُونَنِي فَأَذْكُرُهُمْ وَ يَتَحَابُّونَ فِيَّ فَأَجِبُهُمْ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ إِذَا أَرَدْتُ أَنْ أُصِيبَ أَهْلَ الْأَرْضِ بِسُوءٍ ذَكَرْتُهُمْ فَدَفَعْتُ عَنْهُمْ بِهِمْ (۲).

از ابی حمزه ثمالی از امام باقر علیه السلام فرمود: در توراتی که تحریف نشده است نوشته است که موسی (علی نبینا و آله و علیه السلام) از پروردگارش درخواستی

کرد عرض کرد پروردگارا تو نزدیکی به من تا با تو راز گویم یا دوری که به تو فریاد کنم. خدای عزوجل به او وحی کرد: ای موسی من همنشین هر آن کسی هستم که مرا یاد کند. پس موسی عرض کرد: کیست در پناه تو روزی که جز پناهت پناهی نیست؟ فرمود: آن کسانی که مرا یاد می کنند و من آنها را یاد می کنم و در راه من با هم دوستی می کنند و من هم آنها را دوست می دارم، آنانند که چون خواهم به مردم روی زمین بلا و بدی رسانم برای خاطر آنان از همه آنان دفاع می کنم.

عَنْ ابْنِ رِثَابٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: لَا بَأْسَ بِذِكْرِ اللَّهِ وَ أَنْتَ تَبُولُ فَإِنَّ ذِكْرَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ حَسَنٌ عَلَى كُلِّ حَالٍ فَلَا تَسْأَمُ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ. (۱)

ولا باس بذكر الله هر دم
و حال آنکه کنی بول آن زمان هم
بود ذکر خدا نیکو به هر حال
مشو خسته تو از ذکرش مخور غم

از حلبی از امام صادق عليه السلام فرمودند: ذکر خدا حتی در هنگام بول کردن عیب ندارد، زیرا ذکر خدا در هر حالی خوبست، از ذکر خدا خسته مشو.

عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى مُوسَى عليه السلام: يَا مُوسَى لَا تَفْرَحْ بِكَثْرَةِ الْمَالِ وَلَا تَدْعُ ذِكْرِي عَلَى كُلِّ حَالٍ، فَإِنَّ كَثْرَةَ الْمَالِ تُنْسِي الذُّنُوبَ وَإِنَّ تَرْكَ ذِكْرِي يُقْسِي الْقُلُوبَ. (۲)

از سکونی از امام صادق عليه السلام فرمود: خدای عزوجل به موسی عليه السلام وحی کرد: ای موسی به فزونی مال شاد مشو و یادم را فراموش مکن در هر حال، زیرا فزونی مال گناهان را فراموش سازد و وانهادن ذکر من دلها را سخت و تیره کند.

خدایت وحی کرده سوی موسی
مشو موسی تو شاد از کثرت مال
بود این درس عبرت بهر ماها
رها منما تو ذکرم را به هر حال
کثیر المالیت تنسی الذنوب است
و ترک ذکر من یقسی القلوب است

عَنْ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: مَكْتُوبٌ فِي التَّوْرَةِ الَّتِي لَمْ تُغَيَّرْ: أَنَّ مُوسَى

سَأَلَ رَبَّهُ فَقَالَ: إِلَهِي إِنَّهُ يَأْتِي عَلَيَّ مَجَالِسُ أُعِزُّكَ وَ أُجَلِّكَ أَنْ أذُكُرَكَ فِيهَا فَقَالَ: يَا مُوسَى إِنَّ ذِكْرِي حَسَنٌ عَلَيَّ كُلِّ حَالٍ (۱).

از ابی حمزه از امام باقر علیه السلام فرمودند: در توراتی که تغییر داده نشده است نوشته است که موسی علیه السلام از پروردگارش پرسید و چنین گفت: معبودا راستش این است که مجلسی برایم پیش آمد می کند که من ترا عزیز و والاتر می دانم از آن که نامت را برم، خداوند در پاسخ فرمودند: بردن نام من در هر حالی خوبست.

وَ يَأْتِنَاهُ قَالَ: فِيمَا نَاجَى اللَّهَ بِهِ مُوسَى عليه السلام قَالَ: يَا مُوسَى لَا تُنْسِنِي عَلَيَّ كُلِّ حَالٍ فَإِنَّ نِسْيَانِي يُمِيتُ الْقَلْبَ (۲).

امام صادق علیه السلام فرمودند: خدای عزوجل فرماید در ضمن آنچه که موسی علیه السلام با او مناجات کرده بود: ای موسی مرا در هیچ حالی فراموش مکن، زیرا که فراموش کردن من دل را می میراند.

عَنِ ابْنِ مَجْبُوبٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مَنْ ذَكَرَنِي فِي مَلَأٍ مِنَ النَّاسِ ذَكَرْتُهُ فِي مَلَأٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ (۳).

از امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند عزوجل فرماید هر که مرا در میان جمعی از مردم یادآوری کند، من او را در میان جمعی از اشراف فرشته ها یادآوری می کنم.

خدا فرمود یا موسی خبردار	به روز و شب بگو ذکرم تو بسیار
و خاشع باش در یاد و نوایم	و صابر باش هنگام بلایم
و در هنگام ذکرم باش آرام	عبادت کن مرا هم صبح و هم شام
و باش آسوده در ذکرم تو موسی	و لا تشوک شنو از من تو شیئا
ذخیره کن مرا بهرت تو موسی	و بسیارم تو گنجت را به هر جا
که آن الباقیات الصالحات است	خورد هر راه جز راهم به بن بست

۲- اصول کافی، ج ۴، ص ۲۷۲.

۱- اصول کافی، ج ۴، ص ۲۷۲.

۳- اصول کافی، ج ۴، ص ۲۷۲.

«باب ذکر اللہ عزوجل كثيراً»

«باب ذکر خداوند عزوجل فراوان و بسیار»

عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَلَهُ حَدٌّ يَنْتَهِي إِلَيْهِ إِلَّا الذُّكْرَ فَلَيْسَ لَهُ حَدٌّ يَنْتَهِي إِلَيْهِ فَرَضَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ الْفَرَايِضَ فَمَنْ آدَاهُنَّ فَهُوَ حَدُّهُنَّ وَ شَهْرَ رَمَضَانَ فَمَنْ صَامَهُ فَهُوَ حَدُّهُ وَالْحَجَّ فَمَنْ حَجَّ فَهُوَ حَدُّهُ إِلَّا الذُّكْرَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَمْ يَرْضَ مِنْهُ بِالْقَلِيلِ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ حَدًّا يَنْتَهِي إِلَيْهِ، ثُمَّ تَلَاهُ هَذِهِ الْآيَةَ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا وَ سَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا»^(۱)، فَقَالَ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ حَدًّا يَنْتَهِي إِلَيْهِ قَالَ: وَكَانَ أَبِي عليه السلام كَثِيرَ الذُّكْرِ لَقَدْ كُنْتُ أَمْسِي مَعَهُ وَإِنَّهُ لَيَذْكُرُ اللَّهَ وَ أَكُلَّ مَعَهُ الطَّعَامَ وَإِنَّهُ لَيَذْكُرُ اللَّهَ وَ لَقَدْ كَانَ يُحَدِّثُ الْقَوْمَ وَ مَا يَشْغَلُهُ ذَلِكَ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ كُنْتُ أَرَى لِسَانَهُ لَارِقًا بِحَنَكِهِ يَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ كَانَ يَجْمَعُنَا فَيَأْمُرُنَا بِالذُّكْرِ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ وَ يَأْمُرُ بِالْقِرَاءَةِ مَنْ كَانَ يَقْرَأُ مِنَّا وَ مَنْ كَانَ لَا يَقْرَأُ مِنَّا أَمْرَهُ بِالذُّكْرِ وَ الْبَيْتُ الَّذِي يَقْرَأُ فِيهِ الْقُرْآنُ وَ يَذْكُرُ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ فِيهِ تَكْثُرُ بَرَكَتُهُ وَ تَحْضُرُهُ الْمَلَائِكَةُ وَ تَهْجُرُهُ الشَّيَاطِينُ وَ يُضِيءُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا يُضِيءُ الْكَوْكَبُ الدُّرِّيُّ لِأَهْلِ الْأَرْضِ وَ الْبَيْتُ الَّذِي لَا يَقْرَأُ فِيهِ الْقُرْآنُ وَ لَا يَذْكُرُ اللَّهَ فِيهِ تَقَلُّ بَرَكَتُهُ وَ تَهْجُرُهُ الْمَلَائِكَةُ وَ تَحْضُرُهُ الشَّيَاطِينُ وَ قَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِخَيْرِ أَعْمَالِكُمْ لَكُمْ وَ أَرْفَعِيهَا فِي دَرَجَاتِكُمْ وَ أَرْكَأَهَا عِنْدَ مَلِيكِكُمْ وَ خَيْرٌ لَكُمْ مِنَ الدِّينَارِ وَ الدَّرْهَمِ وَ خَيْرٌ لَكُمْ مِنْ أَنْ تَلْقُوا عَدُوَّكُمْ فَتَقْتُلُوهُمْ وَ يَقْتُلُوكُمْ؟ فَقَالُوا بَلَى قَالَ: ذِكْرُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ كَثِيرًا ثُمَّ قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله فَقَالَ مَنْ خَيْرٌ أَهْلِ الْمَسْجِدِ؟ فَقَالَ أَكْثَرُهُمْ لِلَّهِ ذِكْرًا وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: مَنْ أُعْطِيَ لِسَانًا ذَاكِرًا فَقَدْ أُعْطِيَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ قَالَ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى «وَلَا تَمُنُّنَّ تَسْتَكْبِرُ»^(۲) قَالَ: لَا تَسْتَكْبِرُ مَا عَمِلْتَ مِنْ خَيْرٍ لِلَّهِ^(۳)

۲-سوره مبارکه مدثر، آیه ۶.

۱-سوره مبارکه احزاب، آیه ۴۲.

۳-اصول کافی، ج ۴، ص ۲۷۳.

از ابی قحاح از امام صادق علیه السلام فرمود: چیزی نیست مگر آن که برای آن حدی است که به آن پایان پذیرد جز ذکر خدا که پایانی ندارد. خدای عزوجل فریضه هایی واجب کرده است و هر که آنها را انجام دهد همان حد و پایان آنهاست و ماه رمضان است و هر که آن را روزه دارد همان حد و پایان آن است و حج را واجب کرده است و هر که حج کرد به پایان آن رسیده جز همان ذکر خدا، به راستی که خدای عزوجل باندک از آن راضی نشده و برای آن پایانی مقرر نکرده است سپس این آیه را خواند: «ای مؤمنین خدا را بسیار یاد کنید و تسبیح گوئیدش در بامداد و پسین» پس فرمود: خدا برای آن حدی مقرر نکرده که در آن به پایان رسد فرمود: پدرم علیه السلام بسیار ذکر خدای کرد من به همراه او می رفتم و او ذکر خدا می گفت با او غذا می خوردم و او ذکر خدا می گفت و هر آینه که با مردم در گفتگو بود آنی از ذکر خدا باز نمی ایستاد و من می دیدم زبانش به کامش چسبیده بود و می فرمود لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ و شیوه اش این بود که ماها را جمع می کرد و دستور می داد به ذکر خدا تا آفتاب می زد و هر کدام ما که قرائت (قرآن) می دانستیم دستور به قرائت می داد و هر کدام که قرائت نمی دانستیم او را دستور به ذکر می داد، در هر خانه قرآن خوانده شود و ذکر خدای عزوجل گردد برکتش فزون شود و فرشته ها در آن در آیند و شیاطین از آن دوری گزینند و برای اهل آسمان بدرخشند چنانچه ستاره های فروزان برای اهل زمین می درخشند و هر خانه ای که در آن قرآن خوانده نشود و ذکر خدا نگویند برکتش کم شود و فرشته ها از آن دوری گزینند و شیاطین در آن حاضر شوند و محققاً رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: آیا به شما خبر ندهم از بهترین کارهای شما که درجه بلندتری است برای شما و در نزد خداوند شما را بهتر پاک دامن می کند و از پول و طلا و نقره برای شما بهتر است و خوبتر از آن است که به دشمن خود برخوردید و با آنها نبرد کنید و از آنها بکشید و کشته شوید؟ عرض کردند: چرا یا رسول الله. فرمود: آن بسیار ذکر خدا کردن است، پس فرمود مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد بهترین اهل مسجد کیست؟ فرمود آن که بیشتر ذکر خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به

هر که زبان گویای به ذکر خدا داده شده است خیر دنیا و آخرت به او داده شده است و در تفسیر قول خدای تعالی «و منت مگذار که کار بیشتری کرده» فرمود: هر آنچه کار خوب برای خدا کردی آن را بیش بشمار.

عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: شِيعَتُنَا الَّذِينَ إِذَا خَلَوْا ذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا (۱).

از ابی بصیر از امام صادق علیه السلام فرمودند: شیعیان ما آنهایی هستند که هر گاه تنها شوند بسیار ذکر خدا کنند.

بدان جانم امام صادقت گفت	و در فرموده اش دری نکوسفت
کثیر الذکر می باشند تنها	تمام شیعیان ما به هر جا
به این معنی که چون تنها بگردند	کثیر الذکر و اهل حال و دردند

عَنْ دَاوُدَ بْنِ سَرْحَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: مَنْ أَكْثَرَ ذِكْرَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَحَبَّهُ اللَّهُ وَ مَنْ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا كُتِبَتْ لَهُ بَرَاءَةٌ تَانِ بَرَاءَةٌ مِنَ النَّارِ وَ بَرَاءَةٌ مِنَ النِّفَاقِ (۲).

خداوند آن کسی را دوست دارد	که بر ذکرش همیشه دل سپارد
که این باشد نشان ذکر بسیار	نباشد جز خدا آن را خریدار
هر آن کس ذکر حق بسیار گوید	خدایش دوست دارد آنچه گوید
برائت از نفاق و آتش آرد	هر آن کس ذکر او بسیار دارد

از داود بن سرحان از امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرموده است هر که نراوان ذکر خدای عزوجل کند خدایش دوست دارد و هر که ذکر خدا را بسیار نماید برای او دو برائت نوشته شود: برائت از دوزخ و برائت از نفاق.

عَنْ زُرَّارَةَ بْنِ أَعْيَنَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عليها السلام مِنَ الذُّكْرِ لِكَثِيرِ الَّذِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ «اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا». (۳)

از زراره از امام صادق علیه السلام فرمود: تسبیح فاطمه الزهرا علیها السلام از جمله ذکر بسیار

است که خدای عزوجل فرموده است «یاد کنید خدا را یاد کردن بسیار».

امام صادق فرمود حرفی
 بود تسبیح زهرا ذکر بسیار
 که در آن هست معناهای ژرفی
 همان ذکر کثیری را که دادار
 بفرموده به قرآن اذکرواالله
 سپس ذکراً کثیراً بر تو آگاه

عَنْ دَاوُدَ الْحَمَّارِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ أَكْثَرَ ذِكْرَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَظَلَّهُ اللَّهُ فِي جَنَّتِهِ (۱).

از داود الحمار عن ابی عبداللہ علیه السلام فرمود: هر که بسیار ذکر خدای عزوجل گوید، خدای متعال در بهشت خودش او را در تحت سایه رحمت الهی اش قرار می دهد.

هر آن کس ذکر حق بسیار گوید
 خدا او را نماید غرق رحمت
 رود در سایه رحمت، چه جوید
 که با جان، رحمت حق را ببوید

«بَابُ أَنَّ الصَّاعِقَةَ لِاتِّصَابِ ذَاكِرٍ»

«در این که صاعقه ذاکر را نگیرد»

عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: يَمُوتُ الْمُؤْمِنُ بِكُلِّ مِثْقَلِ الْأَصَاعِقَةِ لِاتِّخَاذِهِ وَهُوَ يَذْكُرُ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ. (۲)

امام صادق علیه السلام فرمودند: «مؤمن به هر مرگی بمیرد جز برق زدگی و صاعقه که او را نگیرد در حالی که مشغول ذکر خدای عزوجل است».

بدان مؤمن به هر مرگی بمیرد
 و لکن صاعقه او را نگیرد
 برای این که در ذکر خدا هست
 نبرده صاعقه بر ذاکرش دست

عَنْ بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ الْعِجْلِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنَّ الصَّوَاعِقَ لِاتِّصَابِ ذَاكِرٍ قَالَ: قُلْتُ وَ مَا الذَّاكِرُ؟ قَالَ مَنْ قَرَأَ مِائَةَ آيَةٍ. (۳)

از برید بن معاویه عجلوی گوید؛ امام صادق علیه السلام فرمودند: برق های آسمانی به

۱- همان مدرک. ۲- اصول کافی، ج ۴، ص ۲۷۶.

۳- اصول کافی، ج ۴، ص ۲۷۶.

کسی که در ذکر خدا است نمی رسد گوید: گفتم ذاکر یعنی چه؟ حضرت فرمودند: «کسی که صد آیه بخواند».

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ مِثَّةِ الْمُؤْمِنِ قَالَ يَمُوتُ بِالْمُؤْمِنِ بِكُلِّ مِثَّةٍ: يَمُوتُ غَرْقًا وَ يَمُوتُ بِالْهَدْمِ وَ يُبْتَلَى بِالسَّبْعِ وَ يَمُوتُ بِالصَّاعِقَةِ وَ لَا تُصِيبُ ذَاكِرَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. (۱)

از ابوبصیر گوید سؤال کردم از امام صادق عليه السلام از مردن مؤمن؟ فرمود مؤمن به هر گونه مرگی بمیرد، به وسیله غرق شدن، زیر آوار رفتن و دچار درنده شدن و مرگ به وسیله برق زدگی و صاعقه، ولی این صاعقه به کسی که در ذکر خدای عزوجل است نمی رسد.

صواعق ذکر گویان را نگیرند	یقیناً این چنین، آنها نمیرند
اگر پرسی زذاکر گویمت آن	کسی که خوانده صد آیه زقرآن
بود این حرف مولایت پسر جان	نباشد حرف من ای نور چشمان

«باب الإشتغال بِذِكْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»

«مشغول شدن به ذکر خدای عزوجل»

عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: مَنْ شَغَلَ بِذِكْرِي عَنْ مَسْأَلَتِي أَعْطَيْتُهُ أَفْضَلَ مَا أَعْطَيْتُ مَنْ سَأَلَنِي. (۲)

از هشام بن سالم از امام صادق عليه السلام فرمود: به راستی خداوند عزوجل می فرماید: هر که به ذکر من سرگرم شود و از درخواست از من بازماند، به او عطایی بدهم بهتر از آنچه که به کسی دهم که از من درخواستی کرده.

امام صداقت فرمود الله	به تو فرموده، ای انسان آگاه
هر آنکس گشت سرگرم از سؤالم	به ذکر و یادم از شوق جمالم
دهم بهتر از آن چیز و کمالتش	که او می خواست از من در سؤالش
الا ای عبد، این درّی است کمیاب	لطافت را در این فرموده دریاب

عَنْ هَارُونَ ابْنِ خَارِجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ الْعَبْدَ لَيَكُونُ لَهُ الْحَاجَةُ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَيَبْدَأُ بِالثَّنَاءِ عَلَى اللَّهِ وَالصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ حَتَّى يَنْسِيَ حَاجَتَهُ فَيَقْضِيهَا اللَّهُ لَهُ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَسْأَلَهُ إِثَابَهَا. (۱)

از هارون از امام صادق عليه السلام فرمود: به درستی که بنده‌ای حاجتی به خدای عزوجل دارد و به ستایش بر خدا آغاز سخن می‌کند و با صلوات بر محمد و آل محمد تا این که حاجت خودش را فراموش می‌کند و خدا حاجتش را بر آورد بی آن که از او درخواستی کرده باشد.

و آنهم از خدای ذوالجلالی	برای عبد می‌باشد سزالی
صلوة بر رسول و آل اطهر	شروعش با ثنای، حق و دیگر
همان حاجت که می‌خواهد زجانان	بود طوری که از یادش رود آن
به غیر این که عبدش، لب گشاید	خدا هم حاجتش را حل نماید

«باب ذَكَرُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِي السِّرِّ»

«باب ذکر خدای عزوجل در نهان»

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: مَنْ ذَكَرَنِي سِرًّا ذَكَرْتُهُ عَلَانِيَةً. (۲)

از امام صادق عليه السلام فرمود: خدای متعال می‌فرماید: هر که مرا در پنهان یاد کند او را آشکارا یاد کنم.

بین جانم چه فرموده خدایت

هر آنکس یاد من باشد نهانی

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: «مَنْ ذَكَرَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ فِي السِّرِّ فَقَدْ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا إِنَّ الْمُنَافِقِينَ كَانُوا يَذْكُرُونَ اللَّهَ عَلَانِيَةً وَلَا يَذْكُرُونَهُ فِي السِّرِّ فَقَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ «يُرَاؤُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا» (۳)

امیرالمؤمنین عليه السلام فرمودند: هر که خدای عزوجل را در نهان یاد کند هر آینه خدا

۱- همان مدرک، ص ۲۷۷.

۲- اصول کافی، ج ۴، ص ۲۷۷.

۳- سوره نساء: ۴۲.

را بسیار یاد کرده است، زیرا منافقان در عیان و پیش مسلمانان خدا را یاد می‌کنند و او را در نهان یاد نکنند و برای همین است که خدای عزوجل فرموده است: «خودنمایی کنند در برابر مردم و یاد نکنند خدا را جز اندکی».

هر آنکس ذکر حق را در خفا گفت
 فراوان بیش از این ذکر خدا گفت
 ولی ذکر منافق هست بسیار
 نه در سر و خفی، بلکه در انظار
 لذا نامید او را حق، ریاکار
 که بی ذکرند دور از چشم احضار
 اگر ذکر کمی باشد برایشان
 بود در چشم مردم قوم و خویشان

عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام قَالَ: لَا يَكْتُبُ الْمَلَكُ إِلَّا مَا سَمِعَ وَقَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ
 «وَأَذْكُرُ رَبِّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً» (۱) فَلَا يَعْلَمُ ثَوَابَ ذَلِكَ الذَّكْرِ فِي نَفْسِ
 الرَّجُلِ غَيْرُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ لِعَظَمَتِهِ (۲).

از زرارة از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام فرمودند: فرشته ننویسد جز آنچه را بشنود و خدای عزوجل فرموده است. (اعراف ۲۰۴) «یاد کن در پیش خودت پروردگارت را با زاری و از روی ترس» و ثواب این گونه ذکر را که در پیش خود شخص باشد و نهانی باشد جز خدای عزوجل نداند برای آن که بسیار بزرگ است.

«باب ذکر الله عزوجل فی الغافلین»

«باب ذکر خدا عزوجل در میان غافلان از حق»

عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: «الذَّاكِرُ لِلَّهِ
 عَزَّوَجَلَّ فِي الْغَافِلِينَ كَالْمُقَاتِلِ فِي الْمُحَارِبِينَ» (۳).

امام صادق عليه السلام فرمودند آن که در زمره غافلان در یاد خدای عزوجل است چون کسی است که در زمره جنگجویان در راه خدا نبرد کند.

عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: ذَاكِرُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي

الْغَافِلِينَ كَالْمُقَاتِلِ عَنِ الْفَارِيزِ وَالْمُقَاتِلِ عَنِ الْفَارِيزِ لَهُ الْجَنَّةُ (۱)

از سکونی از امام صادق علیه السلام فرمودند رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند یاد آور خدای عزوجل در میان غافلین چون کسی است که نبرد کند در راه خدا به سود گریخته‌ها و آن که نبرد کند بسود گریخته‌ها بهشت از آن اوست.

امام صادق فرمود ای دوست	که جاگیرد به قلبت، هم رگ و پوست
چو باشد در میان غافلین، گم	کسی که ذاکر حق است یکسر
بود چون جنگجوی بی قراری	میان جنگجویان فراری
بود جنت مکان این چنین فرد	که بود، بین ترسویان چو یک مرد

«بَابُ الْإِسْتِغْفَارِ»

«بَابُ اسْتِغْفَارِ وَآمُرُشِ جَوْبِي»

عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: خَيْرُ الدُّعَاءِ الْإِسْتِغْفَارُ. (۲)

از سکونی از امام صادق علیه السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بهترین دعا آمرزش جوئی است.

امام صادق از جدش محمد <small>صلی الله علیه و آله</small>	روایت راکنند نقلش، مکن رد
که استغفار می‌باشد به دنیا	دعای برتر و عالی به هر جا

عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: إِذَا أَكْثَرَ الْعَبْدُ مِنَ الْإِسْتِغْفَارِ رُفِعَتْ صَحِيفَتُهُ وَهِيَ يَتَلَأَأُ. (۳)

از عبید بن زرارة گوید امام صادق علیه السلام فرمودند: هرگاه بنده بسیار آمرزش جوید نامه عملش بالا رود در حالی که می‌درخشد.

هر آن عبیدی که استغفار خود را	کند بسیار بین خلق دنیا
رود چون نامه اعمال آن عبد	به بالا می‌درخشد در همه جا

۱- همان مدرک.

۲- اصول کافی، ج ۴، ص ۲۸۱.

۳- اصول کافی، ج ۴، ص ۲۸۱.

عَنْ يَاسِرٍ عَنِ الرَّضَاءِ ع قَالَ: مَثَلُ الْإِسْتِغْفَارِ مَثَلُ وَرَقٍ عَلَى شَجَرَةٍ تُحْرَكُ فَيَتَنَاثَرُ
وَالْمُسْتَغْفِرُ مِنْ ذَنْبٍ وَ يَفْعَلُهُ كَالْمُسْتَهْزِيءِ بِرَبِّهِ ^(۱).

از یاسر از امام رضا ع: مثل استغفار چون برگ است بر درختی که بجنبید و
پیاپی فرو ریزد و آن که از گناهش آمرزش جوید و بازگناه کند چون مسخره کننده
پروردگار خود باشد.

که آن را حلقه در گوشت نمایی
گشایم بهر تو ای عبد، راهی
گنه، چون ریزش برگ درختان
معاصی را که هر دم از تو خیزد
که برگش ریزد و برگی بر او نیست
اگر که، می‌کند تکرار آن را
چو یک مُسْتَهْزِئِی پروردگارش

رضا ع فرمود با لحن خدایی
مَثَلُ گَر، بهر استغفار خواهی
مَثَلُ شد جنبش برگ درختان
به این معنی که استغفار ریزد
به مانند تکان یک درختی است
بسدان مُسْتَغْفِرُ از ذنب، دنیا
بود شخصی که او گردیده کارش

«باب الدَّعَاءِ لِلْإِخْوَانِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ»

«باب دعا برای برادران در پشت سر آنان»

عَنِ الْقُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: أَوْشَكَ دَعْوَةٌ وَ أَسْرَعُ إِجَابَةٍ دُعَاءُ
الْمَرْءِ لِإِخِيهِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ ^(۲)

از امام باقر ع فرمودند: دعایی که بیشتر در معرض اجابت است و زودتر
مستجاب می‌شود دعا کردن برای برادر دینی است در غیاب او.

امید استجابت را تو در آن
دعا بهر برادر هست پنهان
نه هر فاسد، نه هر آلوده دامان

دعایی را که می‌خواهی فراوان
و این که باشد اسرع در اجابت
برادرهای دینی هست منظور

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: دُعَاءُ الْمَرْءِ لِإِخِيهِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ يُدْرُ

الرِّزْقُ وَ يَذْفَعُ الْمَكْرُوهَ (۱).

از امام صادق علیه السلام فرمودند: دعا مرد در غیاب برادرش روزی را فراوان می‌کند و جلوی بدی را می‌گیرد.

دعا بهر برادرهای دینی
و در حالی که آنها را نبینی
کند روزی فراوان و کند دفع
بلاهای آسمانی و زمینی

عَنْ حُسَيْنِ بْنِ عَلْوَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: مَا مِنْ مُؤْمِنٍ دَعَا لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ إِلَّا رَدَّ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَيْهِ مِثْلَ الَّذِي دَعَا لَهُمْ بِهِ مِنْ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ مَضَى مِنْ أَوَّلِ الدَّهْرِ أَوْ هَوَاتِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِنَّ الْعَبْدَ لَيُؤْمَرُ بِهِ إِلَى النَّارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيَسْحَبُ فَيَقُولُ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ: يَا رَبُّ هَذَا الَّذِي كَانَ يَدْعُو لَنَا فَشَفَعْنَا فِيهِ فَيَسْفَعُهُمُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِيهِ فَيَنْجُو (۲).

از امام صادق علیه السلام که رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: هیچ مومنی نیست که برای مردان مؤمن و زنان مؤمنه دعا کند جز این که خدای عزوجل به او برگرداند مانند آنچه را برای آنان دعا کرده است از طرف هر مرد مؤمن و هر زن مؤمنه‌ای که از آغاز روزگار در گذشته یا تا روز قیامت به جهان آید، به راستی بنده‌ای باشد که روز قیامت دستور دهند که او را به دوزخ برند و او را به سوی دوزخ کشند. مؤمنین و مؤمنات می‌گویند پروردگارا این است که برای ما دعا می‌کرد و شفاعت ما را درباره او بپذیر و خدای عزوجل شفاعت آنان را درباره او بپذیرد و نجات یابد.

دعا للمؤمنين و المؤمنات را
نکرده مؤمنی هر لحظه هر جا
مگر این که خدایش بازگرداند
به مثل آنچه می‌کرده دعاها
به هر تعداد مرد و هم زن خوب
که بودند اول دهر، تا به فردا
به این معنی که می‌گردد اجابت
دعای او به تعداد همانها
همانا بنده‌ای، چون امر گردد
به سوی آتش دوزخ به عقبی

که باشد اولش یا رب هذا
خدایا او دعا می‌کرد بر ما
برای این کسیکه هست اینجا
از ایشان بهر آن کس حق یکتا
از آن آتش که گردیده مهیا

يَقُولُ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ
به این معنی که می‌گویند با هم
لذا بنما قبول از ما شفاعت
شفاعت را پذیرا می‌شود هم
پس آن کس می‌شود حتمی نجاتش

عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: رَأَيْتُ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ جُنْدَبٍ فِي الْمَوْقِفِ فَلَمْ أَرِ مَوْقِفًا كَانَ أَحْسَنَ
مِنْ مَوْقِفِهِ مَا زَالَ مَاذَا يَدَّيْهِ إِلَى السَّمَاءِ وَ دُمُوعُهُ تَسِيلُ عَلَى خَدَّيْهِ حَتَّى تَبْلُغَ الْأَرْضَ
فَلَمَّا صَدَرَ النَّاسُ قُلْتُ لَهُ: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ مَا رَأَيْتُ مَوْقِفًا قَطُّ أَحْسَنَ مِنْ مَوْقِفِكَ قَالَ: وَ
اللَّهِ مَا دَعَوْتُ إِلَّا لِإِخْوَانِي وَ ذَلِكَ أَنَّ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام أَخْبَرَنِي أَنَّ مَنْ دَعَا لِأَخِيهِ
بِظَهْرِ الْغَيْبِ ثُوْدِي مِنَ الْعَرْشِ وَ لَكَ مِائَةُ أَلْفِ ضِعْفٍ فَكِرِهْتُ أَنْ أَدَعَ مِائَةَ أَلْفِ
مَضْمُونَةٍ لِوَاحِدَةٍ لِأَذْرِي تُسْتَجَابُ أَمْ لَا^(۱).

علی از پدرش گوید: عبدالله بن جندب را در موقف (عرفات) دیدم و وقوفی
بہتر از وقوف او ندیدم پیوسته دو دستش به سوی آسمان دراز بود و اشکش بر دو
گونه‌اش روان بود تا به زمین می‌رسید و چون مردم برگشتند به او گفتم: ای ابا محمد
من وقوفی بہتر از وقوف تو ندیدم گفتم: به خدا من جز برای برادران دینی خود
دعایی نکردم و این برای آن است که ابوالحسن عليه السلام به من خبر داد که هر که در پشت
سر برای برادر خود دعا کند از عرش به او ندا رسد که برای تو باد صد هزار برابر آن و
من بد داشتم که صد هزار دعای تعهد شده را برای یک دعا از دست بدهم که
نمی‌دانم آن یک دعا اجابت می‌شود یا نه؟

بریزد اشک، مثل در و کوب
گذر منما از آن جانم، توساده
برایت صد هزار آن، برابر
به این تعداد می‌باشد برایت
مگو باشد به پیری، چون جوانم

حدیثی را که عبدالله جندب
شود از آن برادر، استفاده
دعایت پشت سر، بهر برادر
به این معنی که با هر یک دعایت
بده گوش این دقایق را تو جانم

عَنْ ثَوْبِرٍ قَالَ: سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عليهما السلام يَقُولُ: إِنَّ الْمَلَائِكَةَ إِذَا سَمِعُوا الْمُؤْمِنَ يَدْعُو لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ أَوْ يَذْكُرُهُ بِخَيْرٍ قَالُوا: نِعْمَ الْأَخُ أَنْتَ لِأَخِيكَ تَدْعُوا لَهُ بِالْخَيْرِ وَهُوَ غَائِبٌ عَنْكَ وَ تَذْكُرُهُ بِخَيْرٍ قَدْ آعْطَاكَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مِثْلِي مَا سَأَلْتَ لَهُ وَ أَتْنِي عَلَيْكَ مِثْلِي مَا أَتَيْتَ عَلَيْهِ وَ لَكَ الْفَضْلُ عَلَيْهِ وَ إِذَا سَمِعُوهُ يَذْكُرُ أَخَاهُ بِسُوءٍ وَ يَدْعُو عَلَيْهِ قَالُوا لَهُ: بِشَسِ الْأَخُ أَنْتَ لِأَخِيكَ كَفَّ أَيُّهَا الْمُسْتَرُّ عَلَى ذُنُوبِهِ وَ عَوْرَتِهِ وَازْبِعْ عَلَى نَفْسِكَ وَ أَحْمَدِ اللَّهَ الَّذِي سَتَرَ عَلَيْكَ وَ اعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ اعْلَمَ بِعَبْدِهِ مِنْكَ (۱).

از ثوبیر گوید شنیدم علی بن الحسین علیهما السلام می فرمود: به درستی وقتی فرشته‌ها بشنوند که مؤمن در پشت سر برای برادر مومنش دعا می کند و یا او را به خوبی یاد می کند، گویند چه خوب برادری هستی تو برای برادرت در حق او دعای خیر می کنی با این که از تو غایب است و او را به خوبی یاد می کنی، هر آینه خدای عزوجل به تو می دهد دو برابر آنچه را درخواست کردی برای او و از تو به خوبی گوید دو چندان آنچه از او خوبی گفتمی و تو بر او فضیلت داری و هر گاه فرشته‌ها بشنوند از زبان او که به برادرش بد گوید و بر او نفرین کند به او گویند چه بد برادری باشی تو برای برادرت، دست بردار از این سخنان ای کسی که پرده روی گناهان و عیوبش کشیده و بدان که خدای عزوجل به حال بنده خود از تو داناتر است.

«باب من تُسْتَجَابُ دَعْوَتُهُ»

«باب کسی که دعایش اجابت می شود»

۱- عَنْ عَيْسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْقَمِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: ثَلَاثَةٌ دَعْوَتُهُمْ مُسْتَجَابَةٌ الْحَاجُّ فَإِنْظَرُوا كَيْفَ تَخْلُقُونَهُ وَ الْغَازِي فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِنْظَرُوا كَيْفَ تَخْلُقُونَهُ وَ الْمَرِيضُ فَلَا تُعْظَرُ وَلَا تُضَجَّرُ (۲).

از عیسی بن عبدالله قمی گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم می فرمود: دعای سه

کس اجابت شود، کسی که به حج رود مراقب باشید تا چگونه به جای او در بازماندگانش رفتار می‌کنید. جنگجوی در راه خدا پس مراقب باشید تا چگونه به جای او با بازماندگانش رفتار می‌کنید. بیمار و باید او را به خشم نیاورید و دلتنگ نکنید.

مه کس گردد دعاهاشان در این راه مریض و حاجی و غازی الی الله

اجابت گر که تفصیلش بخواهی حدیثش را در این باب، کن نگاهی

۲- عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: كَانَ أَبِي عليه السلام يَقُولُ: خَمْسُ دَعَوَاتٍ لَا يُخَجِّبَنَّ عَنِ الرَّبِّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: دَعْوَةُ الْإِمَامِ الْمَقْسِطِ وَ دَعْوَةُ الْمَظْلُومِ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: لَأَنْتَقِمَنَّ لَكَ وَلَوْ بَعْدَ حِينٍ وَ دَعْوَةُ الْوَالِدِ الصَّالِحِ لِوَالِدَيْهِ وَ دَعْوَةُ الْوَالِدِ الصَّالِحِ لِوَالِدَيْهِ وَ دَعْوَةُ الْمُؤْمِنِ لِأَخِيهِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ فَيَقُولُ وَ لَكَ مِثْلُهُ ^(۱).

از عبدالله بن سنان از امام صادق عليه السلام فرمود پدرم می‌فرمود: پنج دعا است که از درگاه پروردگار تبارک و تعالی محجوب نشوند. دعای امام عادل، دعای ستم کشیده. خدای عزوجل می‌فرماید: هر آینه انتقام تو را از ستمکار بگیرم گرچه پس از زمانی باشد، دعای، فرزند صالح برای پدر و مادر، دعای پدر خوب برای فرزندش، دعای مؤمن برای برادر خود در پشت سر او که خدا می‌گوید برای تو باد مانند آن.

دعای پنج کس در درگاه یار نگرده در حجاب ای عبد بیدار

دعای هر امام عادل و هم دعای فرد مظلومی که دادار

بگوید انتقامت را بگیرم و لو بعد از زمانی، از ستمکار

دعای سؤمین بر والدین است که کرده، بچه خوب و نکوکار

دعای والد صالح چهارم شود پس دعای پدر

برادر به پدر خود در پشت سر او که خدا می‌گوید

خدا پس «وَلَكَ مِثْلُهُ» بگوید خوشا چیزی که حق باشد خریدار

۳- عَنْ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: إِيَّاكُمْ وَ دَعْوَةَ الْمَظْلُومِ فَإِنَّهَا تُرْفَعُ فَوْقَ السَّحَابِ حَتَّى يَنْظُرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهَا فَيَقُولُ: ازْفَعُوهَا

حَتَّى اسْتَجِيبَ لَهُ وَ اِيَّاكُمْ وَ دَعْوَةَ الْوَالِدِ فَإِنَّهَا أَحَدٌ مِنَ السَّيْفِ (۱).

از سکونی از امام صادق علیه السلام فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: بهره‌زید از نفرین ستم شده زیرا تا فراز ابر برآید و خدای عزوجل در آن بنگرد و فرماید آن را برآورد تا برای او اجابت کنم و بهره‌زید از نفرین پدر که از شمشیر برنده تر است.

بترسید از دعای فرد مظلوم	که چون آن می‌رود از ابر، بالا
به این معنی که محجوب، آن نباشد	خدا هم بنگرد بالا، چو آن را
بفرماید که بالایش بریدش	اجابت از من است آنجا مهیا
سپس فرمود پیغمبر پس از این	که از نفرین والد، اتقوها
که آن برنده‌تر از سیف باشد	بترس از اینچنین تحذیر جانا

۴- عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: مَنْ قَدَّمَ أَرْبَعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ثُمَّ دَعَا اسْتَجِيبَ لَهُ (۲).

از هشام بن سالم از امام صادق علیه السلام فرمودند: هر که نخست به چهل مؤمن دعا کند و سپس به خود دعا کند دعایش اجابت شود.

هر آنکس در دعا کرده مقدم	چهل مؤمن، به هر جا و به هر دم
سپس کرده دعا، گشته اجابت	دعا کن اینچنین دیگر مخور غم

۵- عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ طَلْحَةَ النَّهْدِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: أَرْبَعَةٌ لَا تَرُدُّ لَهُمْ دَعْوَةٌ حَتَّى تَفْتَحَ لَهُمْ أَبْوَابَ السَّمَاءِ وَ تَصِيرَ إِلَى الْعَرْشِ: الْوَالِدُ لِوَلَدِهِ وَ الْمَظْلُومُ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ وَ الْمُعْتَمِرُ حَتَّى يَرْجِعَ وَ الصَّائِمُ حَتَّى يُفْطِرَ (۳).

عبدالله بن طلحه نهدی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که ایشان فرمودند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: چهار دسته هستند که دعایشان رد نمی‌شود تا آن که درهای آسمان باز شود و بعرش برسند، دعای پدر برای فرزند خود، نفرین مظلوم به کسی که باو ستم کرده است، عمره‌کننده تا بوطن برگردد و روزه دار تا وقتی که افطار کند.

۱- همان مدرک.

۲- همان مدرک.

۳- اصول کافی، ج ۴، ص ۲۸۸.

نگردد رد دعای چار کس تا	که ابواب السماء بر روی آنها
شود مفتوح و تصیری الی العرش	دعاهاشان رود تا عرش بالا
دعای هر پدر از بهر فرزند	بُودِ اوّل و دوّم در دعاها
دعای فرد مظلومست برآن	کسی که ظلم می کرده است او را
دعای سوم از عمره کننده است	که تا وقتی وطن برگردد آنجا
دعای فرد صائم تا به افطار	بود چارم، چنین فرموده مولی

«باب مَنْ لَا تَسْتَجَابُ دَعْوَتُهُ»

«باب کسیکه دعایش مستجاب نیست»

عَنِ الْوَلِيدِ ابْنِ صَبِيحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: صَحِبْتُهُ بَيْنَ مَكَّةَ وَالْمَدِينَةِ فَجَاءَ سَائِلٌ فَأَمَرَ أَنْ يُعْطَى ثُمَّ جَاءَ آخَرَ فَأَمَرَ أَنْ يُعْطَى ثُمَّ جَاءَ آخَرَ فَأَمَرَ أَنْ يُعْطَى ثُمَّ جَاءَ الرَّابِعُ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: يُشْبِعُكَ اللَّهُ ثُمَّ التَفَّتْ إِلَيْنَا فَقَالَ: أَمَا إِنَّ عِنْدَنَا مَا نُعْطِيهِ وَ لَكِنْ أَخْشَى أَنْ تَكُونَ كَأَحَدِ الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ لَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ دَعْوَةٌ: رَجُلٌ أَعْطَاهُ اللَّهُ مَالًا فَأَنْفَقَهُ فِي غَيْرِ حَقِّهِ ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُ وَ رَجُلٌ يَدْعُو عَلَيَّ امْرَأَتِهِ أَنْ يُرْبِحَهُ مِنْهَا وَ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَمْرَهَا إِلَيْهِ وَ رَجُلٌ يَدْعُو عَلَيَّ جَارِهِ وَ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ السَّبِيلَ إِلَى أَنْ يَتَحَوَّلَ عَنْ جَوَارِهِ وَ يَبِيعَ دَارَهُ. (۱)

از ولید بن صبیح از امام صادق عليه السلام گوید: با آن حضرت در میان راه مکه و مدینه همراه بودم یک سائلی آمد و فرمان داد به او چیزی داده شود و سپس دیگری آمد و فرمان داد به او چیزی داده شود و سپس دیگری آمد و فرمان داد به او چیزی داده شود، سپس چهارمی آمد و آن حضرت فرمود: خدا سیرت کند و سپس به ما رو کرد و فرمود: آگاه باشید نزد ما هست آنچه به او بدهیم ولی می ترسم یکی از آن سه کسی باشم که خداوند دعای آنها را اجابت نکند، مردی که خدا به او مالی داده و آن را در غیر مورد شایسته به آن خرج کند و سپس گوید بارخدا یا به من روزی بده و

دعایش اجابت نشود. مردی که بر زن خود نفرین کند تا خدا او را از وی راحت کند با این که خدای عزوجل کار طلاقش را به دست او گذاشته و مردی که بر همسایه خود نفرین کند با این که خداوند عزوجل برای آسایش او راهی نهاده است و آن این است که خانه خود را بفروشد و از همسایگی او به جای دیگر رود.

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: أَرْبَعَةٌ لَا تُسْتَجَابُ لَهُمْ دَعْوَةٌ: رَجُلٌ جَالِسٌ فِي بَيْتِهِ يَقُولُ: اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فَيُقَالَ لَهُ: أَلَمْ آمُرَكَ بِالطَّلَبِ؟ وَ رَجُلٌ كَانَتْ لَهُ امْرَأَةٌ فَدَعَا عَلَيْهَا فَيُقَالَ لَهُ: أَلَمْ أَجْعَلْ أَمْرَهَا إِلَيْكَ؟ وَ رَجُلٌ كَانَ لَهُ مَالٌ فَأَفْسَدَهُ فَيَقُولُ: اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فَيُقَالَ لَهُ: أَلَمْ آمُرَكَ بِالْإِقْتِصَادِ أَلَمْ آمُرَكَ بِالْإِصْلَاحِ؟ ثُمَّ قَالَ: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا»^(۱) وَ رَجُلٌ كَانَ لَهُ مَالٌ فَأَدَّاهُ بِغَيْرِ بَيِّنَةٍ فَيُقَالَ لَهُ: أَلَمْ آمُرَكَ بِالشَّهَادَةِ^(۲).

از امام صادق عليه السلام فرمودند: چهار دسته هستند که دعوتشان اجابت نشود مردی که در خانه نشسته و می گوید بار خدایا مرا روزی بده، به او گفته شود: آیا به تو دستور ندادم که روزی را بجویی، مردی که زنی دارد و بر او نفرین می کند به او گفته می شود آیا کار طلاقش را به دست تو وا نگذاختم، مردی که مالی داشته و آن را از میان برده است و می گوید بار خدایا به من روزی بده به او گفته شود آیا به تو دستور ندادم میانه روی کنی و رعایت اقتصاد نمایی آیا به تو دستور ندادم اصلاح مال کنی و نگذاری از میان برود؟ سپس فرمود: «و آن کسانی که هرگاه انفاق کنند اسراف نرزنند و به خود تنگ نگیرند و در این میان به حد اعتدال باشند» مردی که مالی داشته و بی گواه و شاهد وام داده است به او گفته شود آیا به تو دستور ندادم که گواه بگیری؟

خوشا آن که به این انوار دل شست
بگویم هر کدامش را که او کیست
به خانه، چون اسیر دست بسته
خدا هم اینچنین می گوید او را

روایت از امام صادق تست
اجابت در دعای چار کس نیست
بود اول، همان مرد نشسته
و می گوید که روزی ده خدایا

که باشی در پی روزی ما عبد
 کسند نفرین زن خود بی مهابا
 الم نسجعل طلاقش را برایت
 دعا منما، عمل کن جای این کار
 شده فاسد به دست خود زوالش
 فنایش کرده، جیبش گشته خالی
 خدا هم، اینچنین گوید که آیا
 که حالا غصه داری در نهادت
 سپس از «وَالَّذِينَ» تا «قِوَامًا»^(۱)
 برای اقتصاد، اصلاح، اینجا
 به شخصی داده بی شاهد و تنها
 برای هر گواه و شاهد آنجا

مگر فرمان ندادم من تو را عبد
 بود دوم همان مردی به دنیا
 به او هم اینچنین گوید خدایت
 به این معنی که می باشی تو مختار
 و سوم هست آن مردی که مالش
 به این معنی که بهرش بوده مالی
 و می گوید که روزی ده، خدایا
 نکردم امر، من، بر اقتصادت
 «الم اَمْرَكَ بِالاصلاح» عبدا
 بود این آیه استشهاد مولا
 و چارم آن کسی که مال خود را
 خدا گوید «الم امرک» او را

«باب الدعاء على العدو»

«باب نفرین بر دشمن»

عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: شَكَوْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام جَاراً لِي وَ مَا لَقِيَ مِنِّي قَالَ:
 فَقَالَ لِي: ادْعُ عَلَيْهِ قَالَ: فَفَعَلْتُ فَلَمْ أَرِ شَيْئاً فَعُدْتُ إِلَيْهِ فَشَكَوْتُ إِلَيْهِ فَقَالَ لِي: ادْعُ
 عَلَيْهِ قَالَ: فَعَلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ قَدْ فَعَلْتُ فَلَمْ أَرِ شَيْئاً فَقَالَ: كَيْفَ دَعَوْتُ عَلَيْهِ؟ فَقُلْتُ:
 إِذَا لَقَيْتُهُ دَعَوْتُ عَلَيْهِ قَالَ: فَقَالَ ادْعُ عَلَيْهِ إِذَا أَدْبَرَ وَإِذَا اسْتَدْبَرَ فَفَعَلْتُ: فَلَمْ أَلْبَثْ حَتَّى
 أَرَاخَ اللَّهَ مِنِّي. ^(۲)

از اسحاق بن عمار گوید: به امام صادق عليه السلام از همسایه خود و آزاری که از او کشم
 شکایت کردم، گوید به من فرمود بر او نفرین کن من کردم و نتیجه ای ندیدم و باز به
 آن حضرت مراجعه کردم و شکایت نمودم، گوید ایشان فرمودند بر او نفرین کن

۱- مراد این آیه است: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانَتْ بَيْنَ ذَلِكَ قِوَامًا» / فرقان

گفتم قربانت کردم من نفرین کردم و چیزی ندیدم فرمود چگونه بر او نفرین کردی؟
 گفتم هرگاه به او برخوردم نفرینش کردم فرمودند: هرگاه به تو پشت کند و از تو رو
 گرداند نفرینش کن، من این کار را کردم و درنگی نکرد و خداوند مرا از او آسوده کرد.
 عَنْ يُونُسَ بْنِ عَمَارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنَّ لِي جَاراً مِنْ قُرَيْشٍ مِنْ آلِ
 مُخْرِزٍ قَدْ نَوَّهَ بِاسْمِي وَ شَهْرِنِي كُلَّمَا مَرَزْتُ بِهِ قَالَ: هَذَا الرَّافِضِيُّ يَحْمِلُ الْأَمْوَالَ إِلَى
 جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ: فَقَالَ لِي: فَادْعُ اللَّهَ عَلَيْهِ إِذَا كُنْتَ فِي صَلَاةِ اللَّيْلِ وَ أَنْتَ سَاجِدٌ
 فِي السَّجْدَةِ الْأَخِيرَةِ مِنَ الرَّكَعَتَيْنِ الْأُولَيَيْنِ فَاحْمَدِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَ مَجِّدْهُ وَ قُلْ: اللَّهُمَّ
 إِنَّ فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ قَدْ شَهَرَنِي وَ نَوَّهَ بِي وَ غَاطَنِي وَ عَرَضَنِي لِلْمَكَارِهِ اللَّهُمَّ اضْرِبْهُ
 بِسَهْمٍ عَاجِلٍ تَشْغَلْهُ بِهِ عَنِّي اللَّهُمَّ وَ قَرِّبْ أَجَلَهُ وَ اقْطَعْ آثَرَهُ وَ عَجِّلْ ذَلِكَ يَارَبَّ
 السَّاعَةِ السَّاعَةَ قَالَ: فَلَمَّا قَدِمْنَا الْكُوفَةَ قَدِمْنَا لَيْلًا فَسَأَلْتُ أَهْلَنَا عَنْهُ قُلْتُ: مَا فَعَلَ
 فُلَانٌ؟ فَقَالُوا: هُوَ مَرِيضٌ فَمَا انْقَضَى آخِرُ كَلَامِي حَتَّى سَمِعْتُ الصِّيَاحَ مِنْ مَنْزِلِهِ وَ
 قَالُوا قَدْ مَاتَ (۱).

از یونس بن عمار گوید به امام صادق عليه السلام گفتم که من یک همسایه قریشی نژاد
 دارم از آل محرز که نام مرا فاش کرده و مرا شهرت داده و هرگاه به او گذرم گوید این
 رافضی است و اموالی به جعفر بن محمد می پردازد. گوید به من فرمود در حال نماز
 شب به او نفرین کن وقتی در سجده دوم از دو رکعت اول باشی خدا را حمد کن و
 تمجید نما و بگو بارخدا یا فلان پسر فلان مرا شهره مردم ساخته و سر مرا فاش کرده
 و مرا به خشم آورده و در معرض خطرها آورده بارخدا یا او را با تیر شتابانی بزن و از
 من او را باز دار خدا یا مرگ او را برسان و اثرش را محو کن و در این باره شتاب کن
 پروردگارا هم اکنون هم اکنون. گوید چون به کوفه بازگشتم شبانه وارد شدیم و از
 خاندان خود از حال آن مرد پرسیدم، گفتم فلانی چه کرده است؟ در پاسخ گفتند:
 بیمار است و هنوز سختم را به پایان نرسانده بودم که فریاد و شیون از خانه اش
 برخاست و گفتند که مرده است.

عَنِ الْمِسْمَعِيِّ قَالَ: لَمَّا قَتَلَ دَاوُدُ بْنُ عَلِيٍّ الْمُعَلِّيَّ بْنَ حُنَيْسٍ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

لَا دَعُونَ اللَّهَ عَلَى مَنْ قَتَلَ مَوْلَايَ وَ أَخَذَ مَالِي فَقَالَ لَهُ دَاوُدُ بْنُ عَلِيٍّ: إِنَّكَ لَتَهْدُدُنِي بِدُعَائِكَ قَالَ حَمَادٌ قَالَ الْمِسْمَعِيُّ فَحَدَّثَنِي مُعْتَبٌ أَنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام لَمْ يَزَلْ لَيْلَتَهُ رَاكِعاً وَ سَاجِداً فَلَمَّا كَانَ فِي السَّحْرِ سَمِعْتُهُ يَقُولُ وَ هُوَ سَاجِدٌ «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِقُوَّتِكَ الْقَوِيَّةِ وَ بِجَلَالِكَ الشَّدِيدِ الَّذِي كُلُّ خَلْقِكَ لَهُ ذَلِيلٌ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ أَنْ تَأْخُذَهُ السَّاعَةَ السَّاعَةَ» فَمَا رَفَعَ رَأْسَهُ حَتَّى سَمِعْنَا الصَّيْحَةَ فِي دَارِ دَاوُدَ بْنِ عَلِيٍّ فَرَفَعَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام رَأْسَهُ وَ قَالَ: إِنِّي دَعَوْتُ اللَّهَ بِدَعْوَةٍ بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ مَلَكاً فَضْرَبَ رَأْسَهُ بِمِرْزَبِيَّةٍ مِنْ حَدِيدٍ انشَقَّتْ مِنْهَا مِثَابَةٌ فَمَاتَ. (۱)

از حماد از مسمعی گوید: چون داود بن علی معلی بن خنیس را کشت امام صادق عليه السلام فرمود: هر آینه به درگاه خدا نفرین کنم بر کسی که وابسته مرا کشته و مال مرا ربوده، داود بن علی به او گفت: تو مرا به نفرین تهدید کنی؟ حماد گوید: مسمعی گفت که معتب (خادم امام صادق عليه السلام) برای من بازگفت که امام صادق عليه السلام در آن شب پیوسته در رکوع و سجود بود و چون هنگام سحر شد شنیدمش که در سجده می فرمود: «بارخدا یا من از تو خواستارم به نیروی نیرومندت و به جلالت شدیدت که همه آفریده های تو در برابر آن خوارند که رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و بگیری او را هم اکنون هم اکنون» و سر خود را از سجده برنداشته بود که فریاد و شیون را از خانه داود بن علی شنیدم و امام صادق عليه السلام سر برداشت و فرمود: به درستی که من خدا را به دعایی خواندم و خداوند عز و جل فرشته ای را فرستاد که عصای آهنین بر سر او زد چنانچه مثانه او ترکید و مرد.

فصل سوم:

فی المکارم التي تحصل بالدعاء للقائم عليه السلام

فواید دعاء برای امام زمان علیه السلام

«المكرمة الاولى: اَكثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ»

«فایده اول: بسیار دعا کنید برای تعجیل فرج که همان فرج شما است.»

(۱) قال مولانا صاحب الزمان علیه السلام: اَكثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ.

امام زمان علیه السلام فرمودند: بسیار دعا کنید برای تعجیل فرج که همان فرج شما است. (۱)

و آن بسیار باشد، ای گدایم
نداری احتیاجی بر دعایم

تو فرمودی دعا بنما برایم
یقین دارم که باشد بهره از من

● یا صاحب الزمان ●

که روح و جان من گردد فدایت
که گرداند تو را مستم، فدایت

زیاد از حد دعا گویم برایت
تو فرمودی که خیلی کن دعایم

● یا صاحب الزمان ●

دعا از بهر ما هر جا نماید
دعا بر مهدی زهرا نماید

دعا گویان دعا بر ما نماید
برای امر تعجیل و ظهورش

● یا صاحب الزمان ●

اگر مشتاق دوران وفورید
اگر طالب به دوران ظهورید

اگر خواهان دوران سرورید
دعا بهر فرج بر ما نماید

● یا صاحب الزمان ●

همه خواهان دیدار و لقائند
انمه عاشق روی شمایند

همه مشتاق دوران شمایند
دعاگویان کجا مهمل بیستید

«المكرمة الثانية: يوجب ازدياد النعم»

«فایده دوم: زیاد شدن نعمت است»

برای وضوح مطلب اشاره می شود که در پنج بخش باید سخن گفت:

(۱) این که وجود آن حضرت نعمت است.

(۲) شکر نعمت واجب است.

(۳) شکر نعمت مایه فزونی آن است.

(۴) معنی شکر.

(۵) دعا کردن از اقسام شکر است.

اما اول؛ وجود آن حضرت نعمت است:

(۱) قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَةَ اللَّهِ كُفْرًا» (۱)

آیا ندیدی آنان را که نعمت الهی را به کفر بدل ساختند.

(۲) عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ ...» قَالَ: نَحْنُ
النَّعْمَةُ الَّتِي أَنْعَمَ اللَّهُ بِهَا عَلَيَّ عِبَادِهِ وَبِنَا يَفُوزُ مَنْ فَازَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (۲)

امیرالمؤمنین علیه السلام در ذیل آیه فوق فرمودند: ما آن نعمت هستیم که خداوند بر
بندگانیش عنایت کرده، و به سبب ما رستگار شدند آنان که رستگار می شوند روز
قیامت.

(۳) قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: «ثُمَّ لَتَسْتَلْنَ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» (۳).

پس حتماً حتماً از نعیم و نعمت سؤال می شوید.

(۴) عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام فِي قَوْلِهِ تَعَالَى «ثُمَّ لَتَسْتَلْنَ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» قَالَ: نَحْنُ
النَّعِيمُ (۴).

۲- اصول کافی، ج ۱، ص ۲۱۷.

۱- سوره ابراهیم، ۲۸.

۴- غایة المرام، ص ۲۵۹.

۳- سوره تکوین، ۸.

امیرالمؤمنین علیه السلام در ذیل آیه فوق فرمودند: ما آن نعمت‌ها هستیم.
 (۵) قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَةً ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً»^(۱)؛
 و خداوند نعمت‌های ظاهر و باطن خویش را بر شما عنایت کرد.

(۶) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادِ الْأَزْدِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ سَيِّدِي مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ علیه السلام عَنْ قَوْلِ
 لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَةً ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً» قَالَ علیه السلام: «النَّعْمَةُ الظَّاهِرَةُ الْأِمَامُ
 لظَاهِرٌ وَ الْبَاطِنَةُ الْأِمَامُ الْغَائِبُ، قَالَ فَقُلْتُ لَهُ: فَيَكُونُ فِي الْأَيْمَةِ مَنْ يَغِيبُ؟ قَالَ: نَعَمْ
 يَغِيبُ عَنْ أَبْصَارِ النَّاسِ شَخْصُهُ وَ لَا يَغِيبُ عَنْ قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ ذِكْرُهُ، وَ هُوَ الثَّانِي
 فَسَرَّ مِنَّا يُسَهِّلُ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ كُلَّ عَسِيرٍ، وَ يُذَلِّلُ لَهُ كُلَّ صَعْبٍ، وَ يُظَهِّرُ لَهُ كُنُوزَ الْأَرْضِ
 : يَقْرِبُ عَلَيْهِ كُلَّ بَعِيدٍ وَ يَبْتَرُّ بِهِ كُلَّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَ يُهْلِكُ عَلَى يَدِهِ كُلَّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ
 إِلَيْكَ ابْنُ سَيِّدَةِ الْأِمَاءِ، الَّذِي يُخْفِي عَلَى النَّاسِ وِلَادَتَهُ وَ لَا يَجِلُّ لَهُمْ تَسْمِيَتُهُ حَتَّى
 ظَهَرَهُ اللَّهُ فَيَمْلَأُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا»^(۲)

از محمد بن زیاد ازدی روایت کرده‌اند که گفت از مولایم موسی بن جعفر علیه السلام
 درباره آیه «وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَةً ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً» سؤال کردم، فرمود: نعمت ظاهری
 امام ظاهر و نعمت باطنی امام غایب است، راوی گوید: پرسیدم آیا از امامان کسی
 است که غایب شود؟ فرمود: بله شخص او از دیدگان مردم غایب است. ولی
 ادش از دل‌های مؤمنین پوشیده نمی‌ماند و او دوازدهمین از ما است، خداوند
 تعال برای او هر سخت را آسان و هر سرکشی را رام گرداند، و گنجینه‌های زمین را
 ایش آشکار می‌سازد و هر دوری را برایش نزدیک می‌نماید، و هر سرکش گمراه
 کننده را هلاک و به دست او هر شیطان سرکش را نابود سازد، او فرزند بهترین کنیزان
 است که ولادتش بر مردم مخفی می‌ماند و بردن نامش بر آنها حلال نیست، تا این که
 خداوند او را آشکار گرداند، پس زمین را از قسط و عدل پر کند هم‌چنان که پر شده از
 ظلم و جور.

تا دوّم؛ شکر نعمت واجب است:

-سوره لقمان، ۲۰.

-کفایة الاثر، ص ۲۶۶، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۶۸، مکیال المکارم، ج ۱.

برای وضوح مطلب اشاره می شود به چند آیه شریفه که دلالت بر این مطلب دارند:

(۱) قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: «فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ»^(۱):

پس مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم و برای من شکر گذارید و کفران نکنید.

(۲) قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: «وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ»^(۲):

و بیاد آرید که پروردگارتان اعلام کرد اگر شکر گذارید شما را می افزایم و اگر کفران ورزید هر آینه عذابم شدید است.

(۳) قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: «وَ اشْكُرُوا لِلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ»^(۳):

و شکر خدای را به جای آرید اگر او را عبادت می کنید.

(۴) «وَ اشْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ»^(۴):

و شکر نعمت خدای را به جای آرید اگر حقیقتاً او را می پرستید.

(۵) «وَ اشْكُرُوا لَهُ إِيَّاهُ تُرْجَعُونَ»^(۵):

و او (خداوند) را شکر گذارید که به سوی او باز می گردید.

ندارم تسوشه‌ای در کوله بارم

اباصالح، حبیب غصه دارم

دعایت می‌کنم هر دم، نگارم

تو هستی باعث افزون نعمت

چه نعمت بهتر از عشق تو، جانان؟!

دعا بهرت کند نعمت، فراوان

اگر باشد ز تو باشد بقرآن

سوالی گسر ز نعمت، روز محشر

اما سوم؛ شکر نعمت مایه فزونی آن است:

قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: «وَ إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ»^(۶):

و بیاد آرید که پروردگارتان اعلام کرد اگر شکر گذارید شما را می افزایم و اگر کفران ورزید هر آینه عذابم شدید است.

۲- ابراهیم، ۷.

۱- بقره، ۱۵۲.

۴- نحل، ۱۱۴.

۳- بقره، ۱۷۲.

۶- ابراهیم، ۷.

۵- عنکبوت، ۱۷.

روایات بسیار و متواتری نیز بر این معنی دلالت می‌کنند:

(۱) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله «مَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَى عَبْدٍ بَابَ شُكْرِ فَخَزَنَ عَنْهُ بَابَ الزِّيَادَةِ»^(۱):

رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمودند: خداوند بر هیچ بنده‌ای دری از شکر نگشوده که درب فزونی از او بسته گردد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَكْتُوبٌ فِي التَّوْرَةِ أُشْكِرُ مَنْ أَنْعَمَ عَلَيْكَ، وَ أَنْعِمَ مَنْ شَكَرَكَ فَإِنَّهُ لَا زَوَالَ لِلنُّعْمَاءِ إِذَا شَكَرْتَ، وَ لَا بَقَاءَ لَهَا إِذَا كَفَرْتَ، الشُّكْرُ زِيَادَةٌ فِي النُّعْمِ وَ أَمَانٌ مِنَ الْغَيْرِ^(۲):

امام صادق عليه السلام فرمودند: در تورات نوشته شده است: سپاس گذار، آن را که به تو نعمتی داد و انعام کن بر هر که تو را سپاس گفت، که اگر نعمت‌ها شکر گذاری شوند از بین نمی‌روند و اگر ناسپاس گردند پایدار نمی‌مانند، شکر مایه فزونی نعمت‌ها و ایمنی از دگرگونی‌ها است.

(۳) عَنْ معاوية بن وهب عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ أُعْطِيَ الشُّكْرَ أُعْطِيَ الزِّيَادَةَ، يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ»^(۳):

از معاویه بن وهب روایت شده که امام صادق عليه السلام فرمودند: به هر کس شکر داده شود فزونی به او عطا گردیده است، خداوند می‌فرماید: «اگر شکر گذارید شمارا می‌افزایم...»

اما چهارم؛ معنی شکر:

شکر احسان نمودن در مقابل احسان است و کفر، بدی کردن در مقابل احسان می‌باشد (صاحب مکیال) و بعضی گفته‌اند: شکر صرف کردن و به کاربردن نعمتهای الهی است در آنچه به خاطرش آفریده شده است.

اما پنجم؛ اقسام شکر و این که دعا کردن از اقسام شکر است:

(۱) شکر قلبی

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۹۴.

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۹۴.

۳- اصول کافی، ج ۲، ص ۹۵.

(۲) شکر زبانی

(۳) شکر با اعضاء بدن

شکر قلبی با شناختن نعمت و دانستن این که از سوی خداوند است؛ تحقق می پذیرد.

عَنْ الصَّادِقِ عليه السلام قَالَ: «مَنْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِنِعْمَةٍ فَعَرَفَهَا بِقَلْبِهِ فَقَدْ أَدَّى شُكْرَهَا». (۱)

امام صادق علیه السلام فرمودند: هر که خداوند نعمتی به او داد پس به قلب خودش آن را شناخت، شکرش را اداء کرده است.

مرحوم مجلسی می فرماید: شناختن به قلب یعنی قدر آن نعمت را بداند و متوجه باشد که نعمت دهنده خداوند است.

از آثار شکر زبان حمد و ثنا گفتن و بازگو نمودن نعمت و دعا کردن برای بقاء آن است.

از آثار شکر بدنی؛ جدیت و اهتمام به اطاعت و عبادت می باشد مثل سجده کردن و کارنیک انجام دادن.

نتیجه کلام:

پس از بررسی شکر و موضوعات پیرامون آن گوئیم: چون وجود مولای ما حضرت حجت صلوات الله علیه از مهم ترین نعمت های الهی بر ما است، و معرفت داشتن ما نسبت به این نعمت، خود نعمت بزرگی است، پس شکر کردن این نعمت ها سبب فزونی این نعم خواهد شد طبق وعده الهی که خلفی در آن راه ندارد. البته اعتراف می کنیم که اداء کردن تمام حقوق این بزرگ نعمت الهی به حکم عقل سلیم غیرممکن است.

کز عهده شکرش به درآید

که مصباح وجودی را تو مشکات

افاضه می شود هستی به ذرات

از دست و زبان که برآید

الا ای چشمه نور السماوات

دمادم از طفیل هستی تو

«المكرمة الثالثة: اظهار المحبة الباطنية»

فايده سوم: اظهار محبت باطنی

البته محبت امری است پوشیده و مخفی و فعلی است باطنی و قلبی، ولی آثار و دلایل آشکار و شاخه‌های بسیار دارد، محبت به سان درختی پربرگ و بار است که بر شاخه‌هایش گل‌های رنگارنگ نشسته، بعضی از آثار آن در زبان و بعضی در اعضاء و جوارح انسان آشکار می‌گردد.

گویند که در سینه غم عشق نهان ساز در پنبه چه سان آتش سوزنده بپوشم و صد البته همان‌طور که نمی‌توان درخت را از بروز دادن گل‌هایش منع کرد، نشاید که صاحب محبت را از اظهار آثار آن جلو گرفت.

إذا هَمَمْتُ بِكَيْتْمَانِ الْهَوَى نَطَقْتُ
فَإِنْ أْبَحَ أَفْتَضِخَ مِنْ غَيْرِ مَنَفَعَةٍ
لَكِنْ إِلَى اللَّهِ أَشْكُو مَا أَكْبَدُهُ
مَدَائِمِي بِالَّذِي أَخْفَى مِنَ الْأَلَمِ
وَإِنْ كَتَمْتُ قَدَنْعِي غَيْرُ مُنْكَتِمٍ
مِنْ طَوْلٍ وَجِدٍ وَدَمْعٍ غَيْرُ مُنْصَرِمٍ

اگر تلاش کنم که عشقم را مخفی بدارم، اشک‌هایم از آنچه از دردها پوشیده‌ام سخن می‌گوید، هرگاه آن را برملا کنم بدون این که سودی برده باشم رسوا می‌شوم و چون کتمان نمایم اشک‌هایم پنهان نمی‌ماند، ولی به درگاه خدا شکوه می‌برم آنچه می‌کشم از طولانی بودن اندوه و سرشک بی‌پایان.

(۱) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ لِهَشَامِ بْنِ سَالِمٍ: إِذَا أَحْبَبْتَ رَجُلًا فَأَخْبِرْهُ بِذَلِكَ، فَإِنَّهُ أَثْبَتَ لِلْمَوَدَّةِ بَيْنَكُمَا (۱).

امام صادق عليه السلام به هشام بن سالم فرمودند: اگر کسی را دوست داشتی او را از این امر مطلع ساز که دوستی بین شما را محکم‌تر می‌کند.

فدای صورت زیبای مهدی
به قربان قد رعنائی مهدی
سر و جان و تمام هستی من
فدای خاک زیر پای مهدی

و آنهم با دعا، بهر تو آقا
نماید در دعا، امروز و فردا

محبت را کنم اظهار مولا
نباشد عاشق تو آنکسی که

● یا صاحب الزمان ●

نباشد غیر او، در این جهان، خوب
و گرنه می شوی گمراه و محجوب

دلیل الحبّ بود ایثار محبوب
اگر کردی دعایش، عاشقستی

«المكرمة الرابعة: علامة الانتظار»

فایده چهارم: نشانه انتظار است

در روایات فراوان اشاره شده که دعاء نمودن برای فرج امام زمان -عجل الله تعالی فرجه الشریف- نشانه انتظار است که به چند مورد از باب تيمَن و تبرک اشاره می شود:

اولاً: بدانیم که خدای متعال و چهارده معصوم علیهم السلام نیز جزء منتظرین می باشند، در آنجایی که می فرماید:

(۱) «فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ»^(۱)

بندگان من منتظر باشید که من نیز با شما منتظر می باشم.

که از هجران تو جان بر لب آمد
بسیای وارث آل محمد علیهم السلام
دعا گویت همیشه بی قرار است
هر آنکه یاد تو کردم، بهار است
که گردانم فقط یک لحظه شادت
تجلی کرده کاو باشد مرادت
بود این بهترین رمز سعادت
دعا گوی تو هستم تا شهادت

کجایی ای گل گلزار سرمد
تمام اصفیاء در انتظارند
دعا بهرت، نشان انتظار است
فضای سینه پائیزی من
بین مولا کنم هر لحظه یادت
دلیل انتظارم در دعایم
یقین دارم دعا بهر ظهورت
گواه انتظارم هست ایسن که

(۲) سُئِلَ زَيْدُ بْنُ صُوحَانَ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام أَيُّ الْأَعْمَالِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؟ قَالَ: إِنْ تَنَظَّرَ الْفَرَجَ. (۱)

زید بن صوحان از امیرالمؤمنین علیه السلام پرسید: چه کاری پیش خدای عزوجل محبوب تر است؟ ایشان فرمودند: به انتظار فرج و گشایش بودن.

(۳) قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليهما السلام: إِنْ تَنَظَّرَ الْفَرَجَ مِنْ أَعْظَمِ الْفَرَجِ. امام سجاد علیه السلام فرمودند انتظار فرج را کشیدن خود بهترین فرج و گشایش است. کمال الدین ج ۱ ص ۳۲۰.

ای منتظران منتظر یار بمانید
از عشق نگار فاطمه جان بفشاید
یک عمر بماندید و ببردید، غم یار
گر عمر دگر بود، بیایید و بمانید

«المكرمة الخامسة: انه احياء أمر الأئمة عليهم السلام»

«فایده پنجم: احیا امر امامان علیهم السلام است»

دعا نمودن زنده کردن امر امامان علیهم السلام است و همین مکرمت برای اهل یقین کافی است که به این دعا اهتمام ورزند، از جمله روایاتی که بر این معنی دلالت می کند: «عَنْ خُثَيْمَةَ قَالَتْ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام أَوْدَعُهُ فَقَالَ: يَا خُثَيْمَةُ أْبَلِغِ مَنْ تَرَى مِنْ مَوَالِينَا السَّلَامَ، وَ أَوْصِيهِمْ بِتَقْوَى اللَّهِ الْعَظِيمِ، وَ أَنْ يَعُودَ غَنِيَّتَهُمْ عَلَى فُقَرِهِمْ وَ قَوِيَّتَهُمْ عَلَى ضَعْفِهِمْ وَ أَنْ يَشْهَدَ حَيْثُ جَنَازَةٌ مَيْتِهِمْ وَ أَنْ يَتَلَقَّوْا فِي بُيُوتِهِمْ فَإِنْ لَقِينَا بَعْضُهُمْ بَعْضًا حَيَوَةً لِأَمْرِنَا، رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمْرَنَا يَا خُثَيْمَةُ أْبَلِغِ مَوَالِينَا: إِنَّا لَأَنْغِي عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِلَّا بِعَمَلٍ، وَ إِنَّهُمْ لَنْ يَنْأَلُوا وَلَا يَتَنَا إِلَّا بِالْوَرَعِ وَ إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ حَسْرَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَنْ وَصَفَ عَدْلًا ثُمَّ خَالَفَهُ إِلَى غَيْرِهِ. (۲)»

خُثَيْمَةَ می گوید: برای خدا حافظی به خدمت امام باقر علیه السلام شرفیاب شدم آن حضرت فرمودند: ای خثیمه هر کسی از دوستان ما را دیدی سلام برسان و آنان را به تقوی و خدا ترسی سفارش کن و این که اغنیاء از فقراء و قدرتمندان از ضعفا تفقد

کنند و زنده‌ها در تشیع جنازه مردگان شرکت کنند و در خانه‌هایشان یکدیگر را ملاقات و دیدار کنند، که همین دیدار یکدیگر زنده کردن امر ماست، خداوند رحمت کند بنده‌ای را که امر ما را احیاء نماید، ای خیمه! به دوستان ما ابلاغ کن که ما از (عذاب) خداوند چیزی از آنها دور نمی‌کنیم جز با عمل و آنها به ولایت ما نمی‌رسند مگر با پرهیز از گناه، و حسرتناک‌ترین مردمان روز قیامت کسی است که عدل و داد را بستاید اما مخالف آن عمل کند.

(۲) عَنْ مَجَالِسِ الصَّدُوقِ، عَنِ الرَّضَاءِ علیه السلام قَالَ: «مَنْ جَلَسَ مَجْلِسًا يُخَيِّئُ فِيهِ أَمْرَنَا، لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ» (۱):

شیخ صدوق (ره) از امام هشتم علیه السلام روایت کرده که فرمودند: هر کس در مجلسی که امر ما احیا می‌شود بنشیند، دلش نمی‌میرد روزی که دل‌ها می‌میرد.

(۳) عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: تَلَاثُوا وَ تَحَادَّثُوا الْعِلْمَ فَإِنَّ بِالْحَدِيثِ تُجَلَّى الْقُلُوبُ الرَّائِيَّةُ، وَ بِالْحَدِيثِ أَحْيَاءُ أَمْرِنَا، فَرَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَحْيَا أَمْرَنَا (۲):

امام صادق علیه السلام فرمودند: یکدیگر را ملاقات کنید و علم را برای یکدیگر بازگو نمایید که با حدیث دل‌های زنگار گرفته جلاء می‌یابد و به حدیث امر ما احیا می‌شود و هر که امر ما را احیا کند، خداش بیامرزد.

اسیر طره سوی تو بودند	ائمه عاشق روی تو بودند
زجان و دل دعاگوی تو بودند	در آن سوز و گدا نیمه شب‌ها

● بامصلب الزمان ●

دعا بهر تو، احیاء می‌کند دین	برد از روی زهرا مادرت، چین
دعا، احیاگر امر امامان	بود، گر بعد آن گویی تو، آمین

● بامصلب الزمان ●

بود احیای امر هر امامی	گر از مهدی، بری هر لحظه نامی
کند زنده دعایت امر معصوم	رسی از وصل مولایت به کامی

«المكرمة السادسة: سبب فزع الشيطان اللعين»

«فايده ششم: رنجش و وحشت شيطان»

دعا کردن برای تعجیل فرج مایه فزع و ناراحتی شیطان لعین و دوری او از دعا کننده می شود و معلوم است که هر چه آدمی به خدای متعال نزدیک تر شود و در عبادات کوشا باشد، این امر باعث دوری شیطان لعین از او و سبب عصبانی شدن او و در نهایت جزع و فزع کردن او می شود.

این امر به دلیل عقل و نقل مسلم است. پس از واضح شدن این مهم، باید دانست که دعا نمودن برای امر فرج امام زمان علیه السلام یکی از این عبادات بلکه مهم ترین آنها می باشد.

جمله ذراتی که در ارض و سماء است جنس خود را همچو گاه و کهریاست و هر بدبختی بر سر آدمی در می آید به خاطر شیطان و تسلطش بر دل آدمی می باشد که اگر بتوانیم به اعمالی که معصومین علیهم السلام امر کرده اند مقید باشیم و تن در دهیم یقیناً کاری کرده ایم که هم موجب رنجش شیطان و هم موجب دوری او از خود شده ایم.

(۱) وَرَدَ فِي الْحَدِيثِ: «لَوْلَا أَنَّ الشَّيَاطِينَ يَحُومُونَ عَلَى قُلُوبِ بَنِي آدَمَ لَنَظَرُوا إِلَى مَمْلُكُوتِ (۱)»

فرمودند: اگر شیاطین اطراف دل های بنی آدم نمی گشتند، آنها ملکوت آسمان را می نگریستند.

قَالَ عَلِيُّ عليه السلام: مَنْ جَمَعَ سِتَّ خِصَالٍ لَمْ يَدْعُ لِلْجَنَّةِ مَطْلَبًا وَ لَاعَنِ النَّارَ مَهْرَبًا: وَ لَهَا مَنْ عَرَفَ اللَّهَ فَاطَاعَهُ وَ عَرَفَ الشَّيْطَانَ فَعَصَاهُ وَ عَرَفَ الْحَقَّ فَاتَّبَعَهُ وَ عَرَفَ لِبَاطِلٍ فَاتَّقَاهُ وَ عَرَفَ الدُّنْيَا فَرَفَضَهَا وَ عَرَفَ الْآخِرَةَ فَطَلَبَهَا (۲).

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند هر کس شش خصلت را جمع آورد دیگر برای بهشت یاز و طلبی و از ترس آتش فراری باقی نگذاشته است: نخست آن که هر که خدا را

شناخت و اطاعتش کرد و شیطان را شناخت و نافرمانی او نمود و حق را شناخت و از آن پیروی کرد و باطل را شناخت و از آن پرهیز نمود و دنیا را شناخت و ترکش کرد و آخرت را شناخت و آن را طلب نمود.

یک تذکر:

برادران و خواهران گرامی طبق این فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام اطاعت خدای متعال و اطاعت نکردن شیطان دارای این اثر می باشد. آیا خدای متعال خودش دستور نداده که اطاعت او و رسولش و اولوالامر را بنمایید؟ آیا عمل نمودن به فرمایشات اهل البیت علیهم السلام اطاعت نیست. آیا آن بزرگواران دستور نداده اند که برای امر فرج دعا نمایید؟ پس با این مقدمات به دست می آوریم که دعا برای تعجیل در فرج امام زمان علیه السلام اطاعت الهی است و اطاعت الهی اثرش همان شد که خواندیم. علاوه آیا شیطان دوست ندارد که برای فرج امام زمان علیه السلام دعا نشود و آیا تمام هم و غم خود را نگذاشته که همگان را غافل نماید از این مهم پس؟ طبق فرمایش امیرالمؤمنین هر کس طالب سعادت اخروی می باشد باید مخالفت کند با چیزی که شیطان آن را دوست دارد، که همین امر سبب رنجش شیطان می شود. و به دلیل عقل هر کس دشمن خدا را بیآزارد و غم در دلش فرو کند، یقیناً خدای متعال را خشنود ساخته است.

(۲) عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: عَلَى كُلِّ قَلْبٍ جَائِمٌ مِنَ الشَّيْطَانِ فَإِذَا ذَكَرَ اسْمَ اللَّهِ خَنَسَ وَ ذَابَ وَإِذَا تَرَكَ ذِكْرَ اللَّهِ انْتَقَمَهُ الشَّيْطَانُ فَجَذَبَهُ وَ اغْوَاهُ وَ اسْتَرْزَلَهُ وَ اطْغَاهُ (۱).

از پیغمبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است که: همانا شیطان بر هر دلی جای می گیرد، چون آدمی یاد خدا کند شیطان دور و گداخته گردد و چون یاد خدا را رها کند شیطان آن دل را لقمه خود قرار دهد و به خود مجذوب سازد و اسباب گمراهی و لغزش و طغیان وی را فراهم آورد.

که ناگه از تو آمد، آه و سوزی

دلم لب‌ریز شیطان بود، روزی

که یادش رفت هر رمز و رموزی

چنان شیطان به رنج و وحشت افتاد

که ناگه یاد تو آمد به پندار
 به جان فاطمه، بسما پدیدار
 دعا کردم فقط از بهرت، ای یار
 به چشم من دعایت رفته چون خار
 که گشتم در غم و وحشت، گرفتار

شبی شیطان مرا می کرد، آزار
 دعا کردم، خدایا مهدیت را
 دلم بشکست و اشکم گشت جاری
 شنیدم ناله شیطان که می گفت
 مکن دیگر دعا بهر ظهورش

«المكرمة السابعة: النجاة من فتن آخر الزمان والسلامة عن الورود في شبكة الشيطان»
 «فایده هفتم: نجات از فتنه های آخر الزمان و سالم ماندن از دام های شیطان»

برای روشن شدن این مطلب اشاره به یک حدیث شریف می شود:

(۱) عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْوَرَّاقِ عَلَيْهِ الرَّحْمَةُ قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ بْنِ سَعْدِ الْأَشْعَرِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام وَ أَنَا أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَهُ عَنِ الْخَلْفِ مِنْ بَعْدِهِ فَقَالَ عليه السلام لِي مُبْتَدِئًا: يَا أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ، إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمْ يَخْلُقِ الْأَرْضَ مُنْذُ خَلَقَ آدَمَ عليه السلام وَ لَا يُخْلِطُهَا إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ مِنْ حُجَّةِ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، بِهِ يُدْفَعُ الْبَلَاءُ عَنْ أَهْلِ الْأَرْضِ، وَ بِهِ يُنَزَّلُ الْغَيْثُ وَ بِهِ يُخْرَجُ بَرَكَاتُ الْأَرْضِ. قَالَ: فَقُلْتُ لَهُ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فَمَنِ الْإِمَامُ وَ الْخَلِيفَةُ بَعْدَكَ؟ فَهَضَّ عليه السلام مُسْرِعًا فَدَخَلَ الْبَيْتَ، ثُمَّ خَرَجَ وَ عَلِيٌّ غَائِبٌ غَلَامٌ كَأَنَّ وَجْهَهُ الْقَمَرُ لَيْلَةَ الْبَدْرِ مِنْ أَبْنَاءِ الثَّلَاثِ سِنِينَ فَقَالَ يَا أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ، لَوْلَا كَرَامَتُكَ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ عَلِيٌّ حُجَّجِهِ مَا عَرَضْتُ عَلَيْكَ ابْنِي هَذَا، إِنَّهُ سَمِي رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَ كُنِيئُهُ الَّذِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلِثَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا. يَا أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ، مَثَلُهُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ مَثَلُ الْخِضِرِّ عليه السلام وَ مَثَلُهُ مَثَلُ ذِي الْقَرْنَيْنِ وَ اللَّهُ لَيَغِيبَنَّ غَيْبَةً لَا يَنْجُو مِنَ الْهَلَكَةِ فِيهَا إِلَّا مَنْ بَتَّهَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ وَ وَفَّقَهُ فِيهَا لِلدُّعَاءِ بِتَعْجِيلِ فَرَجِهِ... (۱)

از علی بن عبدالله وراق که سعد بن عبدالله از احمد بن اسحاق بن سعد اشعری نقل کرد که گفت:

«بر حضرت ابو محمد حسن بن علی، امام عسکری علیه السلام وارد شدم، می خواستم از جانشین بعدی آن حضرت سئوال کنم، آن جناب خود آغاز سخن کرد و فرمود: ای احمد بن اسحاق خداوند تبارک و تعالی از هنگامی که آدم علیه السلام را آفریده زمین را از حجت الهی بر خلق خالی نگذاشته و تا قیام قیامت هم آن را خالی نخواهد گذاشت، به سبب او خداوند بلا را از اهل زمین برطرف می کند و به او باران می بارد و به خاطر او برکت های زمین را بیرون می آورد، احمد بن اسحاق می گوید: عرض کردم ای فرزند پیغمبر پس امام و خلیفه بعد از تو کیست؟ به سرعت امام برخاستند و به اندرون خانه رفت، پس بیرون آمد در حالی که کودکی که صورتش مانند ماه شب چهارده می درخشید و سه ساله بود، بر شانه داشت، فرمود: ای احمد بن اسحاق اگر نزد خداوند عزوجل و حجت های او گرامی نبودی، این فرزندم را به تو نشان نمی دادم، این همانم و هم کنیه رسول الله صلی الله علیه و آله است که زمین را پر از قسط و عدل نماید، چنان که پر شده باشد از ظلم و جور. ای احمد بن اسحاق او در این امت به سان خضر و بسان ذوالقرنین است به خدا قسم غایب می شود غایب شدنی که در آن زمان از هلاکت نجات نمی یابد، مگر کسیکه خداوند عزوجل او را بر اعتقاد به امامتش ثابت بدارد و در دعا کردن برای تعجیل فرجش توفیق دهد».

ندیدم هیچ سالاری به جز تو	نسبتم دل به دلاری به جز تو
نجستم من چه در شادی چه در غم	برای خویشان یاری به جز تو

● یا صاحب الزمان ●

من بیچاره را دریاب ای دوست	به امداد دمی بشتاب ای دوست
نجاتم ده که در گرداب غمها	مرا از سرگذشته آب ای دوست

● یا صاحب الزمان ●

به راه عشق هر کس ترک سر کرد	به رخسار دلآرایت نظر کرد
تو کشتی نجاتی، هر که با توست	زدریای فتن سالم گذر کرد

● یا صاحب الزمان ●

نجات از فتنه ها و دام شیطان	فقط راهش دعا باشد به قرآن
دعایت بهر آن آقای مظلوم	تو را با عافیت گرداند آسان

● یا صاحب الزمان ●

ظهورش را بخواهید از ته دل	الا، ای مردم عاصی و جاهل
دل پاکش شود آن لحظه، مایل	دعا کردید اگر بهر ظهورش
به جز یادش نخواهد گشت حاصل	نجات از فتنه‌ها در غیبت او
دلی در سینه‌هاتان نیست جز گل	اگر در دام شیطان‌ها اسیرید
معاصی بسینتان گردیده حائل	دلیلش غفلت از یاد حبیب است

«المكرمة الثامنة: أنه أداء لبعض حقوقه»

فایده هشتم: ادا کردن بعضی از حقوق آن حضرت

به حکم عقل و نقل اداء حقوق کسانی که حق برگردن انسان دارند، از مهم‌ترین امور است و در روایات فراوان نیز به این مهم اشاره شده است:

(۱) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ عليه السلام قَالَ: «مَا عَبْدَ اللَّهِ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ آدَاءِ حَقِّ الْمُؤْمِنِ»^(۱):

امام صادق عليه السلام فرمودند: خداوند به چیزی بهتر از اداء حق مؤمن عبادت نشده است.

(۲) عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: أَنَّهُ قَالَ: «قَضَاءُ حُقُوقِ الْأَخْوَانِ أَشْرَفُ أَعْمَالِ الْمُتَّقِينَ»^(۲):

امیرالمؤمنین عليه السلام فرمودند: اداء حقوق برادران دینی بهترین اعمال متقین است. در بعضی از روایات مثل روایت عبدالعزیز بن مسلم از حضرت رضا عليه السلام آمده که از امام عليه السلام به برادر مهربان تعبیر شده است و دعای در حق او اطاعت امر و کمک کردن او به زبان است.

پس اگر برای آن حضرت دعا کنیم حق و حقوق برادر مؤمن را رعایت کرده‌ایم.

ادای بعضی از حق حبیب است دعا بهر ظهور آن غریب است

چه مؤمن هست بالاتر از آن یار؟! چه حق، بالاتر از حق مجیب است؟!

● یا صاحب الزمان ●

دعا گویم برایت من، همیشه
دلَم از دوری تو ریش ریشه
آدای بعضی از حَقَّت دعا هست
گنه اما به قلبت مثل نیشه

«المكرمة التاسعة: أَنَّهُ تَعْظِيمُ اللَّهِ وَتَعْظِيمُ لَدِينِ اللَّهِ وَتَعْظِيمُ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ»
«فایده نهم: تعظیم خدا و دین خدا و رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است»

در این که دعا نمودن برای آن حضرت تعظیم خداوند و رسولش باشد کاملاً واضح و روشن است:

(۱) قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَتَّبِعُونَ وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعاً وَ كَرْهاً وَ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ (۱):

آیا آنها غیر از آیین خدا می طلبند (آیین او همین اسلام است) و تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند، از روی اختیار یا از روی اجبار در برابر (فرمان) او تسلیمند و همه به سوی او بازگردانده می شوند.

(۲) قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: وَ مَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِيناً فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ (۲):

و هر کس جز اسلام آیینی برای خود انتخاب کند، از او پذیرفته نخواهد شد و او در آخرت از زیانکاران است.

(۳) قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: وَ مَنْ أَحْسَنُ دِيناً مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَ هُوَ مُحْسِنٌ وَ اتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفاً وَ اتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيفَةً (۳):

دین و آیین چه کسی بهتر است از آن کس که اسلام آورده (خود را تسلیم خدا و فرمان او کند) و نیکوکار باشد و پیرو آیین خالص و پاک ابراهیم گردد و خدا ابراهیم را به دوستی خود انتخاب کرد.

(۴) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: الدِّينُ النَّصِيحَةُ (۴):

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: دین خیر خواهی و نصیحت است.

۲- آل عمران / ۸۵.

۱- آل عمران / ۸۳.

۴- آثار الصادقین، ج ۶، ص ۲۱۹.

۳- نساء / ۱۲۵.

(۵) قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام : ثَلَاثَةٌ تُورِثُ الْمَحَبَّةَ الدِّينِ وَ التَّوَاضُّعَ وَ الْبَذْلَ. (۱)

امام صادق عليه السلام فرمود: سه چیز محبت می آورد: دین داری و فروتنی و بذل و بخشش.

(۶) قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام : حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ نِظَامُ الدِّينِ (۲)

امیرالمؤمنین عليه السلام فرمودند: دوستی ما خاندان نبوت نظام دین است.

توجه:

آیا قبول نمودن دینی را که خدای متعال امر فرموده به آن، واجب نمی باشد؟
 آیا سرسپردن به اوامر و نواهی الهی لازم الاجراء نیست؟
 آیا قبول اوامر و نواهی خلفاء الهی بر ما فرض نمی باشد؟
 آیا اطاعت محض دستورات الهی و خلفاء الهی جزء دین محسوب نمی شود؟
 آیا دعا کردن برای امر فرج جزء مواردی که امر به آن شده ایم نمی باشد؟
 آیا پس از دعا کردن آثار اطاعت بر دعا کننده بار نمی شود؟
 آیا یکی از آثار تعظیم الهی و دین الهی و رسول الهی نیست؟
 آیا پس از این هفت مقدمه می توان گفت که دعا کردن برای امام زمان -عجل الله
 تعالی فرجه الشریف- دارای این آثار نمی باشد؟

(۷) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ إِزْتَضَى لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا فَأَخْسِنُوا
 صُخْبَتَهُ بِالسَّخَاءِ وَ حَسَنِ الْخُلُقِ (۳).

از امام صادق عليه السلام منقول است که فرمود: همانا خدای عزوجل برای شما دین
 اسلام را پسندید پس آن را با سخاوت و خوشخویی همراه کنید.

دعا تعظیم الله و رسولت

عملهايت به اين خاطر قبولست

دعا بهر فرج ذکر خدا هست

لذا شیطان از این کارت ملولست

نشانت می‌دهد در فتنه‌ها، راه

دعا دین را کند یاری به والله

نمی‌افتی تو باین ذکر در چاه

دعا بهر فرج، تعظیم دین است

«المكرمة العاشرة: دعاء مولانا صاحب الزمان علیه السلام في حق الداعي له بالفرج والنصر»

«فايده دهم: دعای حضرت صاحب الزمان علیه السلام در حق دعا کننده برای تعجیل فرج»

(۱) قوله علیه السلام في حجابہ المروى في مهج الدعوات بعد الدعاء لتعجيل فرجه ما لفظه: «وَاجْعَلْ مَنْ يَتَّبِعُنِي لِنُصْرَةِ دِينِكَ مُؤَيَّدِينَ وَفِي سَبِيلِكَ مُجَاهِدِينَ، وَ عَلِيٌّ مَنْ أَرَادَنِي وَ أَرَادَهُمْ بِسُوءٍ مَنصُورِينَ (۱)».

فرمایش امام زمان علیه السلام که فرمودند: «... و کسانی که برای یاری دین تو از من پیروی می‌کنند، نیرومند کن و آنها را در راه خودت مجاهد قرار بده و بر هر که برای من و آنها بدی می‌خواهد، پیروز گردان».

و یقیناً دعا کردن برای آن حضرت و برای تعجیل آن جناب تبعیت و نصرت او است، چون یکی از اقسام نصرت و یاری ایمان و حضرت صاحب الزمان علیه السلام یاری کردن به زبان است.

(۲) النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله: وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ لِحُبِّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ أَعَزُّ مِنْ الْجَوْهَرِ وَ مِنْ الْيَاقُوتِ الْأَخْمَرِ وَ مِنَ الزُّمُرِ (۲).

نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: قسم به خدایی که مرا برستی برانگیخته است، دوستی ما خاندان نبوت عزیزتر از گوهر و یاقوت سرخ و زمرد است.

عَنِ الرَّضَاءِ علیه السلام عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ علیه السلام قَالَ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله: أَوَّلُ مَا يُسْأَلُ عَنْهُ الْعَبْدُ حُبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ (۳).

به روایت حضرت امام رضا علیه السلام از پدرانش از علی علیه السلام فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: نخستین چیزی که در (روز قیامت) از بنده خدا پرسیده شود محبت و دوستی ما اهل بیت نبوت است.

۲- آثار الصادقین، ج ۳، ص ۳۹.

۱- مهج الدعوات، ص ۳۰۲.

۳- آثار الصادقین، ج ۳، ص ۳۹.

توجه:

اگر ما اعمالی را انجام بدهیم که آن بزرگواران به آن اعمال امر نموده باشند، آیا سبب خشنودی ایشان نخواهد شد؟

اگر ما اعمالی را انجام بدهیم که آن بزرگواران به آن اعمال امر نموده باشند، آیا نشانه دوستی ما نمی باشد؟

آیا طبق فرمایشات خود آن بزرگواران اگر ما برای فرج او دعا کنیم، به او امر آنان عمل نکرده ایم؟

آیا این دعا کردن ما سبب نمی شود که آن بزرگواران نیز برای ما دعا کنند؟

دعاهایم نکرده هیچ تأثیر	مگر نبود مرا وصل تو تقدیر
نظیر محرمان خلوت انس	عنایت کن مرا ای دوست بپذیر

❁ یا صاحب الزمان ❁

دعا کن تا کند او هم دعایت	دعا کن تا که گرداند گدایت
دعا کن بهر اصلاح ظهورش	دعا هم می کند او هم برایت

❁ یا صاحب الزمان ❁

دعا گویم تو را با قلب خسته	گنه بال و پرم را سخت، بسته
یقین دارم تو هم گویی دعایم	آلا ای مرهم پهلو شکسته

«المكرمة الحادية عشرة: الفوز بشفاعته عليه السلام في يوم القيامة»

«فایده یازدهم: رستگار شدن به شفاعت آن حضرت در قیامت»

روایاتی در باب این که ائمه علیهم السلام جزء شفیعان روز قیامت هستند:

(۱) قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ وَ لَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ»^(۱).

کافران گویند: «پس برای ما نه شفیعانی هست و نه دوستان صمیمی».

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى «فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ وَ لَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ»

قَالَ: الشَّافِعُونَ: الْأَيُّمَةُ وَ الصَّدِيقُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ^(۲).

امام صادق علیه السلام در ذیل آیه فوق فرمودند: «شفیعان ائمه هستند و دوستان از مؤمنین».

(۲) قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: «مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ» (۱).

چه کسی است که شفاعت می کند در پیشگاه خداوند مگر باذن او.
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى «مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ» قَالَ: «نَحْنُ أَوْلِيَاكَ الشَّافِعُونَ» (۲).

امام صادق علیه السلام در ذیل آیه فوق فرمودند که: ما آن شفاعت کنندگان هستیم و در این که اگر برای آن بزرگوار دعا کنیم پس به شفاعت ایشان در روز قیامت می رسیم، اشاره به یک حدیث از طریق اهل سنت می شود:

خوشا آن کس که باشی دلبر او	همیشه همچو سایه بر سر او
چه غم دارد پریشان روزگاری	که باشی تو شفیع محشر او
خوشا آن دل که شد منزلگه یار	برون افکند از خود مهر اغیار
برای رستگاری روز محشر	بود میزان ولای آل اطهار

(۱) ... عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: «أَنَا وَإِرْدُكُمْ عَلَى الْحَوْضِ وَأَنْتَ يَا عَلِيُّ السَّاقِي وَالْحَسَنُ الذَّائِدُ، وَالْحُسَيْنُ الْأَمِيرُ وَعَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ الْفَارِضُ، وَمُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ النَّاشِرُ، وَجَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ السَّائِقُ وَ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ مُخْصِي الْمُحِبِّينَ وَ الْمُبْغِضِينَ وَ قَامِعُ الْمُنَافِقِينَ، وَ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى مُزَيِّنُ الْمُؤْمِنِينَ وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مُنَزَّلُ أَهْلِ الْجَنَّةِ فِي دَرَجَاتِهِمْ وَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ خَطِيبُ شِيعَتِهِ وَ مُرَوِّجُهُمُ الْخُورَ الْعَيْنِ، وَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ سِرَاجُ أَهْلِ الْجَنَّةِ يَسْتَضِيئُونَ بِهِ، وَ الْمَهْدِيُّ شَفِيعُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَيْثُ لَا يَأْذَنُ اللَّهُ إِلَّا لِمَنْ يَشَاءُ وَ يَرْضَى» (۳).

از امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام روایت شده که فرمودند: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: من وارد کننده شما بر حوض (کوثر) هستم و توای علی! ساقی هستی و

۲- بحار، ج ۸، ص ۴۱.

۱- بقره، ۲۲۵.

۳- غایة المرام، ص ۶۹۲.

حسن حمایت کننده، و حسین فرمان دهنده، و علی بن الحسین تقسیم کننده، و محمد بن علی نشر دهنده، و جعفر بن محمد بسیج کننده، و موسی بن جعفر شمارش کننده محبان و مبغضان و بازدارنده منافقان، و علی بن موسی زینت دهنده مؤمنین، و محمد بن علی فرود آورنده اهل بهشت به منزل گاههایشان و درجاتشان و علی بن محمد خطیب و سخنور شیعیان و تزویج کننده آنها با حورالعین و حسن بن علی چراغ اهل بهشت که از آن روشنی می گیرند و مهدی شفاعت کننده آنها است روز قیامت، روزی که خداوند اجازه نمی دهد شفاعت را جز به کسی که بخواهد و راضی باشد به شفاعت او.

یک تذکر:

عزیزان می دانید که قیامت پنجاه هزار سال طول می کشد که هر روز آن، برابر با هزار سال دنیایی می باشد و صراط سه هزار سال می باشد که هزار سال سراشیبی و هزار سال دردشت، پس از پستی و بلندی و خار و خاشاک و سنگ و انواع موانع و اذیتها و هزار سال سربالایی، آیا این مواقف وحشتناک که معصومین علیهم السلام از ترس آنها گریه می کردند، آیا سبب نمی شود که با اعمالمان و پیروی نمودن از دستورات افرادی که حق شفاعت کردن را دارند رضایت آن بزرگواران را به همراه داشته باشیم، تا آنان نیز در آن لحظات بفریاد ما برسند در لحظاتی که به نص قرآن کریم مردم بکدیگر را فراموش می کنند و هر کس مشغول اعمال و گرفتاریهای خودشان می باشند.

قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ يَوْمَ تَرَوُنَّهَا تُذْهِلُ كُلَّ مَرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَ تَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمَلٍ حَمْلَهَا وَ تَرَى النَّاسَ سُكَارَى وَ مَا هُمْ بِسُكَارَى وَ لَكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ (۱)».

(ای مردم! از (عذاب) پروردگارتان بترسید، که زلزله رستاخیز امر عظیمی است! روزی که آن را می بینید، (آنچنان وحشت سراپای همه را فرا می گیرد که) هر مادر

شیردهی، کودک شیرخوارش را فراموش می‌کند و هر بارداری جنین خود را بر زمین می‌نهد، و مردم را مست می‌بینی در حالتی که آنها مست نیستند، ولی عذاب خدا شدید است».

تو را آن کس که دارد غم ندارد
 نباشی گر کسی را همدل
 به حق حق که چیزی کم ندارد
 شفیع هم در آن عالم ندارد

● با صاحب الزمان ●

دعاگوی فرج را ای دل آرا
 چه فخری هست بالاتراز این که
 شفاعت می‌کند، مهدی کسی را
 تو در دنیا اگر باشی به یادش
 شفاعت می‌کنی او را توفردا
 دعا گویت کند پیش تو ما و او؟!
 که کرده یاری او با دعاها
 ز تو غافل نخواهد بود، فردا

● با صاحب الزمان ●

شفاعت می‌کند آن یار و دلبر
 دعاگویان چه غم دارند آن روز
 دعاگوی ظهورش را به محشر
 که مولا شافی آنهاست، یکسر
 «دعاگویان! چه غم دارید آن روز
 شفاعت می‌کند مولا سراسر»

«المکرمه الثانية عشرة: الفوزُ بِشَفَاعَةِ خَيْرِ الْبَشَرِ وَصَاحِبِ الشَّفَاعَةِ الْكُبْرَى فِي الْمَحْشَرِ»

«فایده دوازدهم: رستگاری به شفاعت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و نایل شدن به شفاعت کبری»

(۱) عَنْ الرَّضَاءِ رضی الله عنه قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ آبَائِهِ عَنِ عَلِيِّ رضی الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: «أَرْبَعَةٌ أَنَا الشَّفِيعُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَوْ أَنَّنِي بِذُنُوبِ أَهْلِ الْأَرْضِ: مُعِينُ أَهْلِ بَيْتِي، وَالْقَاضِي لَهُمْ حَوَائِجَهُمْ عِنْدَ مَا اضْطَرُّوا عَلَيْهِ وَالْمُجِيبُ لَهُمْ بِقَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ وَ الدَّافِعُ عَنْهُمْ بِيَدِهِ» (۱).

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چهار طایفه‌اند که روز قیامت من شفیع آنها هستم هر چند که باگناهان اهل زمین بر من وارد شوند، کمک کننده به خاندانم و برآورنده حوایج آنها هنگامی که نیاز پیدا کنند و دوست دارنده آنها به دل و زبانش و مدافع آنها با دست خود.

و صد البته می دانیم که دعا برای امام زمان علیه السلام همان یاری کردن و دوست داشتن و قضاء حاجت را شامل می شود.

اگر کردی دعایش تو دمام	شفاعت می کند پیغمبرت هم
شفاعت را کند شامل، برد غم	دعا بهر فرج، آن روز سختی
دعا باشد سرور آل احمد	دعا از دل کند ابلیس را رد
شفاعت می کند از تو محمد <small>صلی الله علیه و آله</small>	لذا پس رودگارت می شود شاد

«المکرمۃ الثالثة عشرة: أنه وسيلة إلى الله عزوجل»

«فایده سیزدهم: وسیله داشتن نزد خدای متعال»

خدای متعال فرمان داده که به سوی او وسیله گرفته شود در آنجایی که فرموده:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ

تُقَلِّحُونَ» (۱)

ای کسانی که ایمان آورده اید! از (مخالفت فرمان) خدا پرهیزید، و وسیله ای برای تقرب به او بجوید و در راه او جهاد کنید، باشد که رستگار شوید.

در این آیه شریفه سه چیز سبب رستگاری و نجات معرفی شده که هر سه در دعا برای حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف - جمع است:

(۱) تقوی و ایمان را سبب رستگاری قلمداد نموده اند و بدون شک و تردید دعا برای آن بزرگوار نشانه ایمان و سبب کمال آن است.

(۲) در آیه جهاد را سبب رستگاری شمرده اند و یقیناً دعا برای آن حضرت از اقسام جهاد با زبان است.

(۳) یکی از اسباب نجات داشتن وسیله است، که دعا نمودن برای آن بزرگوار، تمسک و چنگ زدن به ایشان می باشد.

حالا باید دید این وسیله چه کسی یا چه کسانی هستند تا سراغ آن بزرگواران

برویم:

(۱) عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» أَنَا وَوَسِيلَتُهُ (۱).

امیرالمؤمنین در مورد آیه فوق فرمودند: من وسیله او هستم.

(۲) قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام فِي حَدِيثٍ لَهُ: «إِنَّ الْأَيْمَةَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام الْوَسِيلَةُ إِلَى اللَّهِ وَالْوَضْعَةَ إِلَى عَفْوِهِ» (۲).
یک تذکر:

همگان می دانید که در صحرای مخوف محشر همه فقیر محض هستیم و نیازمند به فضل و رحمت الهی و دست گدایی سوی افرادی دراز داریم که آنان واسطه فیض الهی بین خالق و مخلوق هستند و طبق نصوص بالا این بزرگواران محمد و آل محمد علیهم السلام هستند، پس فرض است که با دعا نمودن برای تنها جانشین باقی مانده الهی خود را از این موهبت الهی بهره مند سازیم.

آلای رابط مخلوق و معبود که نبود غیر مهرت حبل ممدود
تویی آن چشمه فیاض سرمد که سوی توست دست هر چه موجود

● یا ما صاحب الزمان ●

بود از هر وسیله، بهتر آن یار برای پرکشیدن سوی دلدار
اگر خواهی رسی روزی بالله بخواه از حق ظهورش را، گنهکار

● یا ما صاحب الزمان ●

تو گر خواهی شوی عبیدی خدائی دعا بنما برای آشنایی
بود او باعث فیض الهی دعا کن تا شوی آندم فدایی
اگر (این السبب) گویی، فقط اوست دعایش کن، مکن از او جدایی
اگر قلب عزیزش را کنی شاد برایت می کند مشکل گشایی
دعا بهرش بود افضل ز هر کار نبینی بهتر از این کار جایی
(تَفَعَّلَتْ فِيهِ مِنْ رُوحِي) همین است دلت با یاد او گیرد صفایی
نباشد غیر او چیزی (وسيله) دعا بنما برایش، کن گدایی

«المكرمة الرابعة عشرة: استجابة الدعاء»

«فایده چهاردهم: مستجاب شدن دعاء»

در احادیث مختلف وارد شده است که هرگاه می خواهید دعا کنید در ابتدا برای خود دعا نکنید، بلکه برای دیگران دعا کنید یا این که برای جمیع مؤمنان دعا کنید تا دعای شما بیشتر مقرون به اجابت باشد.

مانند دعا نمودن حضرت زهرا علیها السلام برای دیگران، وقتی امام حسن علیه السلام مشاهده نمودند که مادر بزرگوارشان از شب تا صبح برای دیگران دعا می کنند، سؤال نمودند: مادر جان شما برای خود دعا نکردید، ایشان در جواب فرمودند:

«يَا بَنِي الْجَارِ ثُمَّ الدَّارِ»

(۱) عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: أَسْرَعُ الدُّعَاءِ نُجْحًا لِلْإِجَابَةِ دُعَاءُ الْأَخِ لِأَخِيهِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ يَتَدَأُ بِالدُّعَاءِ لِأَخِيهِ فَيَقُولُ لَهُ مَلِكٌ مُوَكَّلٌ بِهِ: آمِينَ وَ لَكَ مِثْلَاهُ. (۱)

امام باقر علیه السلام فرمودند: «نزدیک ترین دعایی که زود به اجابت می رسد دعای برادر دینی برای برادر خویش در غیاب او است، این که دعا برای برادرش آغاز کند، پس فرشته ای که موکل بر او است بگوید: آمین و برای تو دو چندان آن باشد.»

(۲) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: إِذَا دَعَا أَحَدُكُمْ فَلْيَعْمُ فَإِنَّهُ أَوْجَبُ لِلدُّعَاءِ. (۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرگاه یکی از شما دعا کند، عمومیت دهد که دعا را لازم تر و ثابت تر می نماید.»

تذکر:

وقتی برای مؤمنین معمولی دعا کردن این خاصیت را داشته باشد، پس اگر برای رئیس مؤمنان که امام زمان -عجل الله تعالی فرجه الشریف- باشد دعا کنیم چه خواهد شد.

دعا کن بهر یار باوفایت	اجابت می‌کند آن‌دم خدایت
دعا کن تا فرج را راه آید	دعاهایت دهد بوی ولایت
دعا بسهر غریب آل یس	نشاند بر دل مولا رضایت
دعا بهرش دعاهای دگر را	اجابت می‌کند هر دم برایت
دعا کن تا فرج تسریع گردد	اگر خواهی اجابت در دعایت

«المکرمة الخامسة عشرة: أنه أداء أجر نبوة النبي صلى الله عليه وآله»

«فایده پانزدهم: اداء اجر رسالت پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله»

قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى». (۱)

«بگو (ای پیامبر) که از شما چیزی سئوال نمی‌کنم به خاطر اجر رسالت، مگر مودت و دوستی خاندانم.»

(۱) عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْمُجْتَبِيِّ رضي الله عنه فِي خُطْبَةٍ لَهُ قَالَ: وَ أَنَا مِنْ أَهْلِ بَيْتِ افْتَرَضَ اللَّهُ مَوَدَّتَهُمْ عَلَيَّ كُلِّ مُسْلِمٍ، حَيْثُ يَقُولُ: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (۲).

امام حسن مجتبی رضي الله عنه فرمودند: و ما خاندانی هستیم که خداوند مودتشان را بر هر مسلمانی واجب کرده آنجا که فرموده «قل لا اسئلكم...».

(۲) عَنْ الْحَمَوِيِّ بِإِسْنَادِهِ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: لَمَّا نَزَلَتْ «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ هُوَ لِأَنَّ الَّذِينَ يَأْمُرُنَا اللَّهُ بِمَوَدَّتِهِمْ؟ قَالَ: عَلِيُّ وَ فَاطِمَةُ وَ وُلْدُهُمَا (۳).

ابن عباس گفت: وقتی آیه «قل لا اسئلكم...» نازل شد گفتند: ای رسول خدا! اینها کیستند که خداوند مودتشان را به ما امر می‌کند؟ حضرت فرمودند: علی و فاطمه و فرزندانشان.

۱- شوری، ۲۳.

۲- غایة المرام، ص ۳۰۹ و تفسیر البرهان، ج ۴، ص ۱۲۴.

۳- فرائد السمطين، ج ۱۳۲.

پس نتیجه می‌گیریم که:

الف: اداء اجر رسالت بر همگان واجب است.

ب: مهم‌ترین اجر رسالت همان مودت و اطاعت آن بزرگواران می‌باشد.

ج: در این زمان مهم‌ترین خاندان و نزدیک‌ترین ایشان امام زمان علیه السلام می‌باشد.

د: دعا نمودن برای آن بزرگواران از اقسام مودت است.

ه: با دعا نمودن می‌توان اندکی از اجر رسالت را اداء نمود.

مبادا قلب تو افسرده باشد گل رخسار تو پژمرده باشد

دو صد نفرین هر صاحب نفس باد به هر کس کو تو را آزرده باشد

● یا صاحب الزمان ●

مصیبت‌های آدم تا به خاتم نهاده بر رخ آن ماه شبنم

خدایا با قیام و انتقامش ببر از قلب پر اندوه او غم

● یا صاحب الزمان ●

رسالت، اجر آن، تنها بود این دعا بهر غریب آل یاسین

نباشد جز دعا (الآ المودّة) مودت در دعا گردیده تمکین

دلیل الحبّ دعا بهر ظهور است بؤد این، بین دو معشوق، آئین

کسی که، یاد او را برده از یاد ندارد ذره‌ای آن بی خبر، دین

دعا بهرش بود اجر رسالت دعا گو را کند آن یار، گلچین

«المکرمة السادسة عشرة: دفع البلاء»

«فایده شانزدهم: دور شدن بلاء»

در روایات زیادی اشاره به این موضوع شده است:

(۱) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: دُعَاءُ الْمَرْءِ لِأَخِيهِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ يَدْرُّ الرِّزْقَ، وَ يَدْفَعُ

الْمَكْرُوهَ (۱).

امام صادق علیه السلام فرمودند: «دعاء مرد برای برادرش در غیاب او روزی را فراوان و ناگواری‌ها را دور می‌سازد».

(۲) عَنْ مَعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: الدُّعَاءُ لِأَخِيكَ بِظَهْرِ الْغَيْبِ يَسُوقُ إِلَى الدَّاعِي الرِّزْقَ وَ يَضْرُفُ عَنْهُ الْبَلَاءَ وَيَقُولُ (لَهُ) الْمَلَكُ وَ لَكَ مِثْلُ ذَلِكَ (۱).

امام صادق علیه السلام فرمودند: دعا برای برادرت در غیاب او روزی را به سوی دعاکننده سوق می‌دهد و بلاء را از او برمی‌گرداند و فرشته به او می‌گوید: مثل همین برای تو است.

پس می‌گوییم: هرگاه شما پشت سر مؤمنی دعا نمایید، از شما دفع بلاء می‌شود، حال اگر برای همه کاره عالم و مؤمن محض دعا نمایید، حتماً خاصیتش بیشتر خواهد بود.

یک نکته جالب:

در حدیث شریف داریم که صدقه دادن هفتاد بلاء را برطرف می‌کند و در حدیث دیگری است که «كُلُّ مَعْرُوفٍ صَدَقَةٌ» (۲) هر کار معروفی صدقه می‌باشد، پس از اثبات عقلی و نقلی ایندو مطلب عرض می‌کنیم، آیا دعا برای تعجیل فرج فرزند فاطمه علیها السلام جزء معروف است یا نه؟ قطعاً جواب مثبت است، بلکه از اهم معروفین است، پس چه نیکو است عوض معطل شدن در مطب دکترها و داروخانه و صندوقهای وام و... وقت بگذاریم برای دعا کردن.

تو تنها می‌کنی حاجت روایم	تویی درمان درد بی دوایم
که یک عمری به درگاہت گدایم	مران هرگز مرا از درگه خویش

● یا صاحب الزمان ●

گدایی، دردمندی، مبتلایی	ستاده در برتو بی نوایی
طیبیا از تو می‌خواهد دواپی	مریض ناامید از هر طبیبی

● یا صاحب الزمان ●

به دامان تو دست هر گرفتار
تو هر افتاده را هم یار و غم خوار
به غیر از پنجه مشکل گشایت
کجا دستی گره بگشاید از کار

● یا صاحب الزمان ●

دعا بهر فرج، دفع بلا، هست
کند دل را در آن میخانه، پا بست
دعا کن تا رسی بر وسع روزی
تو را گرداند از پیمانهاش، مست

«المکرمة السابعة عشرة: سعة الرزق»

«فایده هفدهم: وسعت روزی»

عَنْ حَمْرَانَ بْنِ أَعِينٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فِي حَدِيثٍ قَالَ: «عَلَيْكَ بِالدُّعَاءِ لِإِخْوَانِكَ بِظَهْرِ الْغَيْبِ، فَإِنَّهُ يَهَيِّلُ الرِّزْقَ، يَقُولُهَا ثَلَاثًا» (۱).

امام باقر عليه السلام فرمودند: بر تو باد که در غیاب برادران دینی خود برایشان دعا کنی، که روزی را بر تو سرازیر می کند، سه بار این را فرمودند.

(۲) عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: «إِنَّ دُعَاءَ الْأَخِ الْمُؤْمِنِ لِأَخِيهِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ مُسْتَجَابٌ وَ يَدْرُ الرِّزْقَ وَ يَدْفَعُ الْمَكْرُوهَ» (۲).

مسعده بن صدقه از امام صادق عليه السلام نقل می کند که ایشان فرمودند: به درستی که دعای مؤمن برای برادرش در غیاب او مستجاب است و روزی را سرازیر می کند، و ناگواری ها را دفع می کند.

نتیجه:

وقتی دعاء برای یک مؤمن معمولی این قدر خاصیت داشته باشد، خوب دعا برای مؤمن کامل یعنی حضرت حجة بن الحسن عليه السلام چه خواهد بود؟

زروی صدق هر کس شد گدایت
امورش را تو خود کردی کفایت
به هر کس با تو شد بیگانه هرگز
نسداد اعتنایی، آشنایت

چه کسی است در این عالم که از وسعت رزق بدش بیاید، در اصل پول و دارایی، مقام و زیبایی، بیان و قلم و... که بد نیست، آنچه مهم است دل نبستن به اینها می باشد و هر چه که داریم باید از خدای متعال بدانیم و برای خداوند مهربان خرج کنیم، پس از تدوین این بحث و باور این مطلب، اگر کاری کنیم که به این موارد برسیم، کاری پسندیده و عقلایی می باشد، که برای رسیدن به آن نیز دستوراتی از حضرات معصومین علیهم السلام داریم، مثل تلاوت نمودن دعاهای مأثوره، نخوابیدن بین الطلوعین و مسواک زدن و دعا نمودن برای امام زمان علیه السلام می باشد.

پس هر کس خواهان وسعت رزق می باشد، برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام بسیار دعا کند.

دعا کن تا بلا از تو شود دور	دعایت چشم دشمن را کند کور
دعا بهر ظهورش روزیت را	دهد وسعت، دلت گردد پر از نور

● یا صاحب الزمان ●

دعا بهر فرج، دفع بلا هست	کند دل را در آن میخانه پا بست
دعا کن تا زسی بر وسیع روزی	تو را گرداند از پیمانهاش مست

«المکرمة الثامنة عشرة: غفران الذنوب»

«فایده هجدهم: آمرزش گناهان»

یکی از فواید مهم برای دعاکننده فرج امام زمان علیه السلام این است که تمام گناهانش آمرزیده می شود، که بر این فایده روایات فراوانی دلالت دارند از جمله، احادیث شفاعت که مقتضای شفاعت غفران ذنوب است و احادیث باب محبت داشتن به اهل بیت علیهم السلام و...

(۱) عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا إِنْ رَجُلًا مِنْ شِيعَتِنَا يَكُونُ لَهُ ذُنُوبٌ وَخَطَايَا أَكْثَرُ مِنْ جِبَالِ أَحَدٍ، وَ مِنْ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ كُلِّهَا بِأَضْعَافٍ كَثِيرَةٍ، فَمَا هُوَ إِلَّا أَنْ يَتُوبَ وَيَجِدَّ عَلَى نَفْسِهِ وَلَا يَتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ إِلَّا كَانَ قَدْ ضَرَبَ بِذُنُوبِهِ

الْأَرْضِ أَشَدُّ مِنْ ضَرْبَةِ عَمَارٍ هَذِهِ الصَّخْرَةُ بِالْأَرْضِ... (۱)

رسول خدا ﷺ فرمودند: «سوگند به آن که مرا به حق به پیامبری برانگیخت، مردی از پیروان ما گناهان و خطاهایی دارد که از کوههای احد و از زمین و آسمان چندین برابر بزرگتر است، به مجرد این که توبه می‌کند و بر خودش ولایت ما را تجدید می‌کند، گناهانش به زمین زده می‌شود شدیدتر از کوبیدن بنا این صخره را بر زمین...».

زده گر معصیت بر جانم آفات	خداوندا مرا منما مکافات
عمل نبود مرا اما نمایم	به عشق مهدیت جبران مافات

❁ یا صاحب الزمان ❁

مرا شوق لقایت در بدر کرد	نصیب من همه خون جگر کرد
اگر کردم ضرر از کرده خویش	تولای تو جبران ضرر کرد

❁ یا صاحب الزمان ❁

آلای از تو جاری فیض دائم	که عرش حق به شخص توست قائم
من آن عبد خطاکارم که از تو	تساقضا می‌کنم عفو جرائم

❁ یا صاحب الزمان ❁

به غفلت عمر را طی می‌کنم من	بهار عمر را دی می‌کنم من
اگر یک جلوه بر قلبم نمایی	خیال معصیت کی می‌کنم من

بزرگ‌ترین سدّ راه بشریت کم استعدادی، دیرفهمی، ضعف جسمانی، مشکلات ادی، نداشتن والدین شایسته، زندگی نکردن در شهرهای پیشرفته و... نیست، لکه آنچه آدمی را در نزد خدای متعال و چهارده معصوم علیهم‌السلام بیچاره می‌کند و توفیق از او سلب می‌کند گناه می‌باشد، پس از باور این مطلب باید بکوشیم که گناهان را آب توبه بشویم که بهترین توبه دعا برای امام زمان علیه‌السلام می‌باشد.

اگر خواهی گناهان محو گردد	دعا کن بر غریب آل احمد
گناهان تو می‌ریزند چون برگ	اگر کردی دعاء، او را توبی حدّ

❁ یا صاحب الزمان ❁

دعا نابود گرداند گنه را شود از کار تو مسرور، زهرا
دعا بهرش همان (محو الذنوب) است اگر هم آن گنه باشد چو دریا

«المكرمة التاسعة عشرة: الفوز بشرف لقائه في اليقظة أو المنام»

«فایده نوزدهم: رستگار شدن به دیدار آن حضرت در بیداری یا خواب»

یقیناً برای هر محبتی دیدن محبوب، و برای هر عاشقی وصل معشوق از برترین خواسته‌های او می‌باشد و اگر کسی ادعای عشق بازی داشته باشد ولی در این راه مقدمات آن را جامه عمل نپوشاند مورد توبیخ و سرزنش عقلاً واقع می‌شود.

پس از بیان این مطلب به عرض می‌رسد اگر کسی مشتاق لقای امام زمان - ارواحنا فداه - می‌باشد پس باید به دستورات وارده عمل کند.

(۱) عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: مَنْ قَرَأَ بَعْدَ كُلِّ فَرِيضَةٍ هَذَا الدُّعَاءَ فَإِنَّهُ يَرَى الْإِمَامَ مُحَمَّدَ بْنَ الْحَسَنِ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ السَّلَامُ فِي الْيَقِظَةِ أَوْ فِي الْمَنَامِ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، اللَّهُمَّ بَلِّغْ إِلَيَّ آخِرَ الدُّعَاءِ...»^(۱).

امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کس بعد از هر نماز واجب این دعا را بخواند، امام محمد بن الحسن علیه السلام را در خواب یا بیداری خواهد دید: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ بَلِّغْ...».

(۲) عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: مَنْ قَالَ بَعْدَ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَ بَعْدَ صَلَاةِ الظُّهْرِ: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجَّلْ فَرَجَهُمْ، لَمْ يَمُتْ حَتَّى يُدْرِكَ الْقَائِمَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ علیه السلام،^(۲).

امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کس بعد از نماز صبح و بعد از نماز ظهر بگوید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجَّلْ فَرَجَهُمْ، نَمِي مَبْرَدًا تَأْتِي فِيهِ الْقَائِمَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ علیه السلام» را درک کند.

(۳) عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ قَالَ: دَخَلَ رَجُلٌ عَلَيَّ الصَّادِقِ علیه السلام فَقَالَ لَهُ: يَا سَيِّدِي عَلَتْ

سِنِّي وَ مَاتَ أَقَارِبِي وَ أَنَا خَائِفٌ أَنْ يُدْرِكَنِي الْمَوْتُ وَ لَيْسَ لِي مَنْ أَنْسَ بِهِ وَ أَرْجِعُ إِلَيْهِ. فَقَالَ لَهُ: إِنَّ مِنْ إِخْوَانِكَ الْمُؤْمِنِينَ مَنْ هُوَ أَقْرَبُ نَسَباً أَوْ سَبَباً وَ أَنْسَكَ بِهِ خَيْرٌ مِنْ أَنْسِكَ بِقَرِيبٍ وَ إِذَا أَرَدْتَ أَنْ يَطُولَ عُمْرُكَ وَ عُمْرُ أَقَارِبِكَ، فَعَلَيْكَ بِأَنْ تَقُولَ عَقَبَ كُلِّ صَلَاةٍ:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ إِنَّ رَسُولَكَ الصَّادِقَ الْمُصَدَّقَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ قَالَ إِنَّكَ قُلْتَ مَا تَرَدَّدْتُ فِي شَيْءٍ أَنَا فَاعِلُهُ كَتَرَدَّدِي فِي قَبْضِ رُوحِ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ، يَكْرَهُ الْمَوْتَ وَ أَكْرَهُ مَسَاءَتَهُ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ لِيَوْلِيكَ الْفَرَجَ وَ الْعَافِيَةَ وَ النَّصْرَ وَ لَا تُسَوِّنِي فِي نَفْسِي وَ لَا فِي أَحَدٍ مِنْ أَحِبَّتِي.» (وَإِنْ شِئْتَ فَسَمِّ أَحِبَّتَكَ وَاحِداً وَاحِداً، فَقُلْ وَ لَا فِي فُلَانٍ وَ لَا فِي فُلَانٍ قَالَ الرَّجُلُ: وَ اللَّهُ لَقَدْ عِشْتُ حَتَّى سِئْتُ الْحَيَاةَ) (۱).

جمیل بن درّاج روایت کرده که مردی به خدمت امام صادق علیه السلام آمد و گفت: ای مولای من ستم بالا رفته است و خویشان من مرده‌اند و مونس‌ی ندارم و می‌ترسم که مرا نیز مرگ دریابد. حضرت فرمود که برادران صالح برای انس گرفتن بهترانند از اقارب و اگر درازی عمر خود و خویشان و دوستان را خواهی این دعا را بعد از هر نماز بخوان: «اللهم صلی علی محمد و آل محمد...» و اگر خواهی یک یک از دوستان خود را نام ببر و بگو «لا فی فلان و لا فی فلان» راوی گفت: چون بر این دعا مداومت کردم چندان عمر یافتم که از زندگانی ملول شدم.

هر کس این دعا را بخواند بعد از هر نماز واجب و به آن مواظبت کند، آن قدر زنده بماند که از زندگی ملول گردد و به دیدار صاحب الزمان علیه السلام مشرف شود.

ببر غم، از دل این دل غمینت

تو با آن خنده‌های دل نشینت

فسدای آن جمال نازنینت

ملاقات تو کی گردد نصیبم

● یا صاحب الزمان ●

چه خواهد شد دمی با تو نشینم
نخسبیدم شبی الا در آن شب
زگلزار وصال گل بچینم
که بود امید رخسار تو ببینم

❁ یا صاحب الزمان ❁

شده کارم دگر لحظه شماری
چه خواهد شد اگر یک شب بیایی
عجب دردی بود چشم انتظاری
قدم بر دیدگان من گذاری

❁ یا صاحب الزمان ❁

نصیب ما نشد دیدار رویت
هر آن کس چشم از غیر تو پوشد
نشانی ده که تا ایم به کویت
به هر جا رو کند آید به سویت

❁ یا صاحب الزمان ❁

اگر بینم جمال دلربایش
نگردد ناامید از درگه او
کنم جان را نثار خاک پایش
گدای دردمند و بی نوایش

❁ یا صاحب الزمان ❁

دعاهایت کنند آن قدر تأثیر
چه در خواب و چه بیداری چه خوب است
که شاید بینی آن مصداق تطهیر
بینی یار را، لکن نه دلگیر

❁ یا صاحب الزمان ❁

دعا کن تا ببینی روی ماهش
اگر خواهی ببینی روی آن گل
شوی دیوانه و مست از نگاهش
دعایش کن، مگردان رو، ز راهش

«المکرمة العشرین: الرجعة الی الدنیا فی زمان ظهوره علیه السلام»

«فایده بیستم: برگشت به دنیا در زمان ظهور»

یکی از بزرگترین آرزوهای مؤمنان این است که زمان ظهور حضرت را درک نمایند و اگر خدای نکرده این زمان را به خاطر طولانی شدن امر غیبت درک نکردند، پس درصدد کار و عملی هستند که مجدداً در زمان ظهور به دنیا برگردند و در خدمت آن حضرت باشند. برای نایل شدن به این امر مهم دستوراتی داریم از جمله خواندن دعای عهد چهل صباح که این دعا مشتمل بر دعای امام زمان علیه السلام می باشد.

(۱) عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: مَنْ دَعَا بِهَذَا الدُّعَاءِ أَرْبَعِينَ صَبَاحاً كَانَ مِنْ أَنْصَارِ الْقَائِمِ عليه السلام وَإِنْ مَاتَ قَبْلَ ظُهُورِهِ عليه السلام أَحْيَاهُ اللَّهُ تَعَالَى حَتَّى يُجَاهِدَ مَعَهُ يُكْتَبُ لَهُ بِعَدِيدِ كُلِّ كَلِمَةٍ مِنْهُ أَلْفٌ حَسَنَةٌ وَ يُمَحَى عَنْهُ أَلْفٌ سَيِّئَةٌ وَ هُوَ هَذَا: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، اللَّهُمَّ رَبِّ النُّورِ الْعَظِيمِ، وَ الْكَرْسِيِّ الرَّفِيعِ...» (۱)

امام صادق عليه السلام فرمودند: هر کس تا چهل صباح این دعا را بخواند از یاران قائم عليه السلام خواهد شد و اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد خداوند متعال او را زنده می‌کند تا در خدمت آن حضرت جهاد کند و به شماره هر کلمه از این دعا هزار حسنه برایش نوشته می‌شود و هزار سیئه از وی محو می‌گردد و آن دعا این است: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، اللَّهُمَّ رَبِّ النُّورِ الْعَظِيمِ...»

امام این دعا در بخش زیارت مخصوصه امام زمان عليه السلام آمده است که طالبین درک حضور نباید از آن غفلت نمایند.

خدایا مُردَم از هجران مهدی	ندیدم چهره تابان مهدی
خداوندا ز لطف خویش، بشمار	سرا در زمرة یاران مهدی

● یا ملقب الزمان ●

جهان پر می‌شود روزی ز نورت	دلَم خواهد بینم، آن سرورت
دعا گوی تو مولا، گر بمیرد	به پا خیزد به هنگام ظهورت
اگر مُردَم، بیایم در ظهورت	دلَم را می‌کنی روشن ز نورت
برای این که من هستم دعا گو	برای لحظه‌ای حتی سرورت

«المكرمة العادية والعشرون: «أَنْ الداعي يصير من اخوان النبي عليه السلام»

«فایده بیست و یکم: برادری پیغمبر عليه السلام»

اگر کسی برای امام زمان عليه السلام سرمایه گذاری کند و به حدیث «اکثروا الدعاء بتعجیل فرج» عمل کند جزء برادران رسول خدا عليه السلام خواهد بود، زیرا منافق و کافر

نمی تواند برادر ایشان باشد، پس برادرانشان حتماً کسانی هستند که دارای ایمان کامل باشند و قبلاً گفته شد که دعا برای وجود مقدس امام زمان علیه السلام نشانه کمال ایمان است، «فعلیکم بالدعاء للفرج ایها الاخوان حتی تصیرون الاخوة للرسول صلی الله علیه و آله».

برای وضوح مطلب اشاره به دو حدیث می شود:

(۱) عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله ذَاتَ يَوْمٍ وَ عِنْدَهُ جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِهِ: «اللَّهُمَّ لَقِّنِي إِخْوَانِي مَرَّتَيْنِ فَقَالَ مَنْ حَوْلَهُ مِنْ أَصْحَابِهِ: أَمَا نَحْنُ إِخْوَانُكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَقَالَ: لِأَنَّكُمْ أَصْحَابِي وَ إِخْوَانِي قَوْمٌ فِي آخِرِ الزَّمَانِ، آمَنُوا بِي وَ لَمْ يَرَوْنِي لَقَدْ عَرَفْتَهُمُ اللَّهُ بِأَسْمَائِهِمْ وَ أَسْمَاءِ آبَائِهِمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُخْرِجَهُمْ مِنْ أَضْلَابِ آبَائِهِمْ وَ أَرْحَامِ أُمَّهَاتِهِمْ، لِأَحَدِهِمْ أَشَدُّ بَقِيَّةً عَلَيَّ مِنْ خَرْطِ الْقَتَادِ فِي اللَّيْلَةِ الظُّلْمَاءِ أَوْ كَالْقَابِضِ عَلَى جَمْرِ الْعَصَاءِ أَوْلَيْكَ مَصَابِيحُ الدُّجَى، يُنَجِّيَهُمُ اللَّهُ مِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ غَبْرَاءٍ مُظْلِمَةٍ» (۱).

امام باقر علیه السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله روزی در حالی که جمعی از اصحابش در خدمتش بودند دوبار فرمود: خدایا برادرانم را به من بنمایان، اصحابی که اطرافش بودند عرض کردند: ما برادران تو نیستیم یا رسول الله؟ ایشان فرمودند: خیر، شما اصحاب من هستید و برادرانم قومی در آخر الزمان می باشند که به من ایمان آورند در حالی که مرا ندیده باشند، خداوند نام های آنان و نامهای پدرانشان را به من شناساند پیش از آن که آنان را از پشت پدران و رحم مادرانشان بیرون آورده باشند، هر یک از آنان نگهدارنده از دین خود بیشتر و شدیدتر است از دست کشیدن بر بوته خار در شب تاریک و یا به دست گرفتن آتش فروزان، آنان چراغهایی در تاریکی هستند، خداوند آنان را از هر فتنه و آشوب نیره ظلمانی نجات می دهد.

(۲) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله ذَاتَ يَوْمٍ: يَا لَيْتَنِي قَدْ لَقِيتُ إِخْوَانِي. فَقَالَ لَهُ أَبُو بَكْرٍ وَ عُمَرُ: أَوْلَسْنَا إِخْوَانُكَ آمَنَّا بِكَ وَ هَاجَرْنَا مَعَكَ؟ قَالَ: قَدْ آمَنْتُمْ وَ هَاجَرْتُمْ وَ يَا لَيْتَنِي

قَدْ لَقِيتُ إِخْوَانِي، فَأَعَادَا الْقَوْلَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَنْتُمْ أَصْحَابِي وَلَكِنْ إِخْوَانِي
الَّذِينَ يَأْتُونَ بَعْدَكُمْ يُؤْمِنُونَ بِي وَ يُحِبُّونِي، وَ يَنْصُرُونِي وَ يُصَدِّقُونِي وَ مَا رَأُونِي،
فِيَا لَيْتَنِي قَدْ لَقِيتُ إِخْوَانِي» (۱).

رسول خدا ﷺ روزی فرمودند: ای کاش برادرانم را ملاقات می کردم، ابوبکر و
عمر عرضه داشتند: مگر ما برادرانت نیستیم به تو ایمان آوردیم و با تو هجرت
کردیم؟ فرمود: ایمان آوردید و هجرت کردید و ای کاش برادرانم را می دیدم، بار
دیگر حرفشان را تکرار کردند، پس رسول خدا ﷺ فرمود: شما اصحاب من هستید،
ولی برادرانم کسانی هستید که پس از شما می آیند به من ایمان می آورند و مرا
دوست دارند و یاریم می کنند و تصدیقم می کنند در حالی که مرا ندیده باشند، پس
ای کاش برادرانم را ملاقات می کردم.

در جوامع کنونی بشری برای هر شخصی افتخار است که بگوید: فرزند یا برادر یا
پدر یا مادر یا خواهر یا همسر شهید یا جانباز یا آزاده است و حق هم همین است، یا
این که بگوید فلان مرجع تقلید و عالم ربانی پدرم، برادرم یا... می باشد.

پس از باور این مطلب عرض می کنیم کدام مسلمان است که به برادری عقل کل
عالم اشرف کائنات، خاتم الأنبياء ﷺ افتخار نکند و آرزوی داشتن چنین برادری را
نداشته باشد.

پس هر کس طالب این فیض عظیم است باید که برای فرزند دلبندهش حجة بن
الحسن علیه السلام دعا نماید.

دعا خشنودی قلب بتول است

بینی قلب مولایت ملول است

شود پیغمبرش را چون برادر

نه آن دو قاتل ملعون مادر

دعا گویش برادر با رسول است

دعا کن تا مبادا لحظه ای هم

دعا گو با دعا گردد معطر

دعا گویت فقط باشد برادر

«المكرمة الثانية والعشرون: «استباق وقوع الفرج لمولانا صاحب الزمان علیه السلام»

«فايده بيست و دوم: تعجيل در امر فرج صاحب الزمان علیه السلام»

اهتمام و دعا برای تعجيل فرج مولای ما صاحب الزمان - عجل الله تعالى فرجه الشريف - با شرایط آن به قدر امکان، سبب می شود که این امر زودتر واقع گردد و ظهور زودتر محقق شود.

(۱) عَنْ الْفَضْلِ بْنِ أَبِي قَرَةَ قَالَ: «سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ: أَوْحَى اللَّهُ إِلَيَّ إِبْرَاهِيمَ: أَنَّهُ سَيُولَدُ لَكَ فَقَالَ لِسَارَةَ فَقَالَتْ: «ءَأَلِدُ وَأَنَا عَجُوزٌ، فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ: إِنَّهَا سَتَلِدُ وَ يُعَذِّبُ أَوْلَادَهَا أَرْبَعِمِائَةَ سَنَةٍ، بِرَدِّهَا الْكَلَامَ عَلَيَّ قَالَ علیه السلام: فَلَمَّا طَالَ عَلَيَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ الْعَذَابَ، صَجُّوا وَ بَكَوا إِلَى اللَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيَّ مُوسَى وَ هَارُونَ أَنْ يُخَلِّصَهُمْ مِنْ فِرْعَوْنَ فَحَطَّ عَنْهُمْ سَبْعِينَ وَ مِائَةَ سَنَةٍ، قَالَ: وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: هَكَذَا أَنْتُمْ لَوْ فَعَلْتُمْ لَفَرَّجَ اللَّهُ عَنَّا فَأَمَّا إِذَا لَمْ تَكُونُوا فَإِنَّ الْأَمْرَ يَنْتَهِي إِلَى مُنْتَهَاهُ». (۱)

از فضل بن ابی قره نقل شده که گفت: شنیدم از حضرت ابی عبدالله صادق علیه السلام که فرمود: خداوند به ابراهیم علیه السلام وحی نمود که برای او فرزندی متولد خواهد شد، پس آن حضرت این موضوع را با ساره در میان گذاشت ولی ساره گفت: آیا من خواهم زایید در حالی که پیرزن هستم؟ پس خداوند به آن حضرت وحی کرد که ساره خواهد زایید و اولاد او چهار صد سال به زحمت و رنج می افتند به خاطر این که سخن مرا جواب گفت، امام صادق علیه السلام فرمود: پس هنگامی که فشارها و شکنجه ها بر بنی اسرائیل طول کشید، چهل صبح به درگاه خداوند ضجه و گریه کردند، خداوند به موسی و هارون وحی فرمود که آنها را از فرعون خلاص نمایید، پس صد و هفتاد سال را از آنها برداشت، راوی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: همچنین شما اگر انجام دهید هر آینه خداوند بر ما فرج خواهد داد ولی اگر چنین نباشید البته این امر تا آخرین مرحله را طی خواهد کرد.

چه جانفرسات دیگر زندگانی
دعا کن تا به فرمان خداوند
چسرا از تو نمی آید نشانی
به گوش آید صدای آسمانی

● یا صاحب الزمان ●

مقدر کن خدایا انس و جان را
رسان دیگر به داد خلق عالم
ظهور مهدی صاحب زمان را
یگانه منجی خلق جهان را

● یا صاحب الزمان ●

دعا تعجیل امر آن حبیب است
اگر کردی دعا بهر ظهورش
گنهکار از دعایش بی نصیب است
نخواهی دید دیگر او غریب است

● یا صاحب الزمان ●

دعا تسریع گرداند فرج را
چه چیزی بهتر از تعجیل امرش؟!
شود خوشحال قلب خون مولا
چه چیزی بهتر از لبخند آقا؟!

«المکرمة الثالثة والعشرون: اسوة بالنبي و الائمة عليه السلام»

«فایده بیست و سوم: پیروی از پیامبر و ائمه عليهم السلام»

اولاً باید دانست که تنها ما منتظر نیستیم، بلکه خدای متعال، انبیا، ائمه و همه
مقربین نیز جزء منتظرین هستند، پس از دانستن این مطلب باید دانست اگر ما نیز
جزء منتظران باشیم و برای غریب فاطمه علیها السلام دعا کنیم یقیناً جزء پیروان آن
بزرگواران خواهیم بود.

(۱) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِذَا كَانَ لَيْلَةُ الْجُمُعَةِ، أَهْبَطَ الرَّبُّ تَعَالَى مَلَكًا إِلَى
السَّمَاءِ الدُّنْيَا فَإِذَا طَلَعَ الْفَجْرُ، جَلَسَ ذَلِكَ الْمَلَكُ عَلَى الْعَرْشِ، فَوْقَ بَيْتِ الْمَعْمُورِ
و نُصِبَ لِمُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عليهم السلام مَنَابِرٌ مِنْ نُورٍ، فَيَضَعُونَ عَلَيْهَا وَ
تُجْمَعُ لَهُمُ الْمَلَائِكَةُ وَ النَّبِيُّونَ وَ الْمُؤْمِنُونَ، وَ تُفْتَحُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ، فَإِذَا زَالَتِ
الشَّمْسُ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: يَا رَبِّ مِعَادُكَ الَّذِي وَعَدْتَ بِهِ فِي كِتَابِكَ وَ هُوَ هَذِهِ
الآيَةُ «وَعَدَالِلَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا
اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ
خَوْفِهِمْ أَمْنًا» ثُمَّ يَقُولُ الْمَلَائِكَةُ وَ النَّبِيُّونَ مِثْلَ ذَلِكَ ثُمَّ يَخْرُجُ مُحَمَّدٌ وَ عَلِيُّ وَ الْحَسَنُ

وَالْحُسَيْنِ سُجْدًا، ثُمَّ يَقُولُونَ: يَا رَبِّ اغْضِبْ، فَإِنَّهُ قَدْ هَتَكَ حَرِيمَكَ، وَ قَتَلَ
أَصْفِيَاؤَكَ وَ أَدَّلَ عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ، فَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَ ذَلِكَ يَوْمٌ مَعْلُومٌ. (۱)

امام صادق علیه السلام فرمودند: چون شب جمعه شود پروردگار متعال فرشته‌ای را به آسمان دنیا می‌فرستد، پس هنگامی که فجر طالع می‌گردد آن فرشته روی عرش بر فراز بیت المعمور می‌نشیند و برای محمد و علی و حسن و حسین علیهم السلام منبرهایی از نور نصب می‌شود، پس بر آنها بالا می‌روند و فرشتگان و پیامبران و مؤمنین برای آنها جمع می‌گردند و درهای آسمان گشوده می‌شود، پس هنگامی که خورشید به وقت زوال می‌رسد رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: پروردگارا وعده‌ات را که در کتابت آورده‌ای وفا کن، و آن آیه این است: «خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده باشند وعده کرده که در زمین خلافت دهد چنان که به کسانی که پیش از شما بوده‌اند خلافت بخشید و دینشان را که پسندیده تمکین و تسلط خواهد داد، و ترسشان را به امنیت مبدل خواهد ساخت» فرشتگان و پیامبران هم همین را می‌گویند. پس محمد و علی و حسن و حسین علیهم السلام به سجده می‌افتند و می‌گویند: پروردگارا غضب کن، به تحقیق حرمت هتک شده، و برگزیدگانت کشته شده، و بندگان صالحت خوار گردیده‌اند، پس خداوند آنچه بخواهد می‌کند و آن روز معلوم است.

امسیر طره سوی تو بودند	ائمه هاشق روی تو بودند
زجان و دل دعا گوی تو بودند	در آن سوز و گداز نیمه شب‌ها

● پاماهب الزمان ●

تمام دوستان در انتظارند	که تا برمقدم تو سر گذارند
تویی تنها قرار قلب آنها	که از درد فراق بی قرارند

● پاماهب الزمان ●

نمایی پیروی با هر دهایت	زراه چارده نور خدایت
-------------------------	----------------------

خدا، باشد دعا بر مقتدایت

اگر فرموده (ان کنتم تحبون)

● یا صاحب الزمان ●

دعا بسهر خریب آل یاسین

بود معنای شیعه، جان من، این

اگر کردی دعا با حال خمگین

تو کردی پیروی از چارده نور

● یا صاحب الزمان ●

بود رمزی که گرداند گدایت

دهایت بهر یار باوفایت

اگر بهر فرج باشد دعایت

ز معصومین نمودی پیروی تو

«المکرمة الرابعة والعشرون: أنه وفاء بعهد الله و میثاقه»

«فایده بیست و چهارم: وفای بعهد الهی است»

خدای متعال از اهل ایمان عهد و پیمان گرفته و با دعا کردن برای یوسف

مراد علیه السلام به آن عهد وفا نموده ایم.

(۱) قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: «أَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ»^(۱):

«بعهد من وفا کنید تا به عهد شما وفا نمایم».

(۲) قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: «وَ أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولاً»^(۲).

«وفای به عهد کنید که از عهد پرسیده می شود».

(۳) عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «وَ أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولاً» قَالَ:

نَهَدُ مَا أَخَذَهُ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله عَلَى النَّاسِ فِي مَوَدَّتِنَا وَ طَاعَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام الْخَيْرِ. (۳)

«امام صادق علیه السلام در ذیل آیه فوق فرمودند: «عهد آن است که پیامبر صلی الله علیه و آله بر مودت

و اطاعت امیرالمؤمنین علیه السلام از مردم گرفته است».

این وفای به عهد یادشده با شش امر حاصل می گردد:

(۱) یقین قلبی به امامت و ولایت آنها و تسلیم به آنچه که از ایشان وارد شده

(۲) مودت قلبی به ایشان.

(۳) بغض دشمنان آنها و کسانی که بر آنها پیشی گرفته‌اند.

(۴) اطاعت و پیروی از آنان در تمام اوامر و نواهی ایشان.

(۵) اظهار اعتقاد قلبی به آنها به وسیله زبان و اعضای بدن.

(۶) یاری کردن ایشان در هر حال به مقتضای آن.

باید بدانیم که این عناوین شش‌گانه در حال حاضر به وسیله دعا کردن برای مولایمان صاحب الزمان علیه السلام و درخواست تعجیل فرج آن حضرت تحقق می‌یابد.

نباشد هر که از خصم تو بی زار	به تیر غیب او گرد گرفتار
تواصل دینی و از بندگانش	خدا در حق تو بگرفت اقرار

● باصاحب الزمان ●

نه یک چندی بود دل بر تو بستیم	که پا بست تو از روز آستیم
خلایق مست صهبای غرورند	ولی ما از می‌عشق تو مستیم

یکی از مواردی که بعنوان عهد و پیمان از ما گرفته شده است اطاعت از ائمه علیهم السلام می‌باشد به دلیل آیه ۵۹ سوره نساء: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ».

پس از این مطلب باید بدانیم یکی از فرمایشات آن بزرگواران که به صورت امر وارد شده است، دستور به دعا نمودن برای امر فرج می‌باشد در آنجایی که فرمودند: «أَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ».

ز یمن تو خلیق یافت تکوین	به شان تو صحایف گشت تدوین
برای امر تو حق از خلیق	گرفت اقرار در روز نخستین

سخن این است که از ما چه چیزهایی پیمان گرفته شده و در کجا؟

برای پاسخ به این سؤال می‌بایست به آیات و احادیث عالم دُرّ مراجعه کرد و آنها را بررسی نمود، وقتی به سراغ روایات معصومین علیهم السلام می‌رویم مشاهده می‌کنیم که این پیمان:

اولاً: پیرامون ربوبیت رب العزّة بوده است که آیه ۱۷۲ سوره اعراف به آن اشعار دارد:

«وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ...»

هنگامی که پروردگارت از پشت آدمی زادگان فرزندانشان را برآورد و ایشان را بر خودشان شاهد قرار داد، آیا من پروردگار شما نیستم؟ گفتند: چرا، شهادت دادیم. ثانیاً: عهد و پیمان پیرامون نبوت و امامت و... تا این که می‌رسد بعهده و پیمانی که در مورد امام زمان علیه السلام بوده است، و این که او عدل و قسط را برپا می‌کند و ریشه ظلم و جور را می‌سوزاند و به دست او دین الهی بر سراسر عالم گسترش پیدا می‌کند که بر این عهد و پیمان پنج پیامبر اولوالعزم سر تسلیم فرود آوردند پس اولوالعزم شدند.

دعا، دل را کند از جام او، مست
جهانی در نگاهش هست پابست

دعا کردن وفای عهد رب است
ببود او عهد و میثاق الهی

● یا صاحب الزمان ●

کاز او غافل شوی خواهی نخواهی
به عهد وی شوی سویس تو راهی

مبادا بشکنی عهد الهی
اگر کردی دعا هستی وفا دار

«المکرمة الخامسة والعشرون: ما یترتب علی برّ الوالدین من الفوائد و المکارم»
«فایده بیست و پنجم: آثار نیکی به والدین»

در ابتدا باید چند مطلب را متذکر شویم:

اولاً احترام پدر و مادر از دیدگاه عقل و نقل لازم و واجب است:
امّا عقل: با توجه به این که وجود ما رهین آن دو بزرگوار می‌باشد و همه خیراتی که به آن موفق می‌شویم، منشأش وجود ایشان است؛ لذا عقل حکم به احترام آنها می‌کند.

و امّا نقل: آیات و روایات زیادی دال بر این مطلب هستند:

«وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَنْبَغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٌ» (۱).

قال علي بن موسى الرضا عليه السلام: «بر الوالدين واجب وإن كانا مشركين ولا طاعة لهما في معصية الخالق» (۲).

ثانياً: عن النبي صلى الله عليه وآله أنه قال: «حق علي بن أبي طالب على المسلمين كحق الوالد على ولده» (۳).

پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله فرمودند: «حق علی بن ابیطالب علیه السلام بر مسلمین همچون حق پدر بر فرزندان می باشد».

در روایات زیادی وارد شده که هر وقت فضیلتی برای یکی از ائمه علیهم السلام ثابت شود، آن فضیلت برای همه ایشان ثابت است، پس زمانی که برای یکی از ایشان حقی برای ما ثابت شد آن حق برای جمیعشان ثابت می شود.

پس از این بیان طبق احادیث متعدده ثابت می شود که ائمه علیهم السلام حکم پدر را دارند، بلکه مهم تر از پدر نیز می باشند.

ثالثاً: (۱) عن الرضا عليه السلام: «الإمام الأنيس الرفيق والوالد الشفيق» (۴).

امام رضا علیه السلام می فرمایند: «امام همدم و رفیق و پدر مهربان است».

(۲) عن النبي صلى الله عليه وآله: «أنا و علي أبوا هذه الأمة» (۵).

پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله فرمودند: «من و علی دو پدر این امت هستیم».

و در دلیل عقل گفته بودیم که ابوبن مایه اصلی وجود ما هستند، برای تأیید این دلیل برای امامان علیهم السلام فقط به چند مورد اشاره می شود:

(۱) وَرَدَ فِي التَّوْقِيعِ: «نَحْنُ صَنَائِعُ رَبِّنَا وَالْخَلْقُ بَعْدَ صَنَائِعِنَا» (۶).

(۲) و این بزرگواران واسطه فیض بین خالق و مخلوقند: «أَيْنَ السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ

۱-سوره اسراء، آیه ۲۳.

۲-بحار، ج ۷۴، ص ۷۲.

۳-جامع الاخبار، ص ۱۶.

۴-اصول کافی، ج ۱، ص ۲۰۰.

۵-بحار ج ۲۳ ص ۲۵۹، علل الشرایع ج ۱ ص ۱۲۷.

۶-صحیفه المهدی شیخ جواد قیومی ص ۳۳۰.

الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ» (۱).

پس با توجه به این که امام علیه السلام به منزله پدر است، دعا نمودن برای آن بزرگوار به منزله پُر و نیکی است و ثواب احترام والدین را دارد.

پدر، مادر اگر گردند یاری	خدا هم می‌کند بهر تو کاری
اگر کردی دعا آن منتظر را	همه آثار نیکی هست جاری
بود او، والدی مشفق برایت	تو هم از دوریش کن بی قراری
دعا کن روز و شب بر والد خود	که تا یک عقده از قلبش بر آری
دعا کن تا پدر روزی بیاید	شود پایان دگر چشم انتظاری
بود آثار نیکی در دعایت	زیهر والدین تو برایت
کدامین والد از او هست بهتر؟!	از آن آقای خوب و باوفایت

«المكرمة السادسة والعشرون: ما يترتب على رعاية الامانة»

«فایده بیست و ششم: فضیلت رعایت و اداء امانت»

چندین مطلب باید در اینجا روشن شود:

اول: حسن امانت داری از دیدگاه عقل و نقل؛

دوم: رعایت امانت، نسبت به دشمن؛

سوم: یکی از مصادیق امانت، ولایت می‌باشد.

اما اول:

الف) عقل: عقل هر انسانی اذعان دارد که رعایت امانت و امانت داری یک امر

مطلوب و حسن و مورد قبول همه می‌باشد.

ب) نقل: (۱) قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا». (۲)

(خداوند شما را امر می‌کند که امانت‌ها را به اهل آنها اداء نمایید).

(۲) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «لَا تُنظَرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَصَوْمِهِمْ وَكَثْرَةِ الْحَجِّ، وَ الْمَعْرُوفِ وَ طَنْطَنَتِهِمْ بِاللَّيْلِ، وَ لَكِنْ أَنْظَرُوا إِلَى صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ». (۱)
 پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «ملاک برای تشخیص افراد خوب از بد، نگاه نکنید به فراوانی نماز خواندن و روزه گرفتن و حج رفتن و کار نیک انجام دادن و نماز شب خواندن بلکه نگاه کنید به راستگویی و اداء امانت.
 اما دوم:

(۱) إِنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ لِأَصْحَابِهِ: «عَلَيْكُمْ بِآدَاءِ الْأَمَانَةِ فَلَوْ أَنَّ قَاتِلَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِتَمَّنَى عَلَى السَّيْفِ الَّذِي قَتَلَهُ بِهِ لَأَدَيْتُهُ إِلَيْهِ». (۲)

امام سجاد علیه السلام به اصحابشان فرمودند: «بر شما باد به ادای امانت، اگر قاتل حسین بن علی علیه السلام شمشیری را که ایشان را با آن به شهادت رسانده به من امانت بسپارد، هر آینه آن را به سوی من رد می‌کنم».
 اما سوم:

در احادیث متعدده «امانت» را که در آیه آمده است تفسیر به امام علیه السلام کرده‌اند:
 (۱) عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عُمَرَ قَالَ: سَأَلْتُ الرَّضَاءَ علیه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا» قَالَ: هُمُ الْأَئِمَّةُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله، أَنْ يُؤَدَّى الْإِمَامُ الْأَمَانَةَ إِلَىٰ مَنْ بَعْدَهُ وَ لَا يَخْصُ بِهَا غَيْرَهُ وَ لَا يَزُوبُهَا عَنْهُ (۳).

احمد بن عمر می‌گوید که از امام رضا علیه السلام سؤال کردم درباره قول خدای متعال: «إِنَّ اللَّهَ...». حضرت فرمودند: آنها امامان از آل محمد صلی الله علیه و آله می‌باشند، که هر امامی امر امانت را به امام بعد از خود تحویل می‌دهد و کس دیگری را مخصوص آن امانت نکند و آن امانت را از او مخفی نکند.

پس از بیان این سه مطلب و دانستن اهمیت رعایت امانت و این که یکی از مصادیق امانت امام علیه السلام می‌باشد، پس مراعات شئون امام علیه السلام بر ما لازم است، تا رعایت امانت الهی را کرده باشیم.

۲- تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۴۹۵.

۱- بحار، ۱۱۴/۷۵.

۳- تفسیر البرهان، ج ۱، ص ۳۷۹.

و از مصادیق رعایت امانت الهی اظهار محبت قلبی است با جوارح، چه زبان چه دست و... و دعاء کردن برای حضرت، نوعی از یاری کردن امام است با زبان.

بُود پیغمبر و آتش، امانت	مبادا سرزند از تو حیانت
مراعات امانت در دعا هست	دعا کن تا که باشد در سلامت
اگر غافل شدی از این امانت	ندارد سود در فرد اندامت
دعایش کن اگر خواهی امانت	بماند تا ظهورش در سلامت
نگاهی کن به کلب آستانت	که جا بگرفته در حصن امانت
سگ درگاه تو ترسد مبادا	بسماند دورتر از همراهت

«المکرمه السابعة والعشرون: زیادة اشراق نورالامام فی القلب»

«فایده بیست و هفتم: اشراق نور امام علیه السلام در دل دعاکننده»

اول: بدون تردید حالتها و تغییراتی به سبب اعمال انسان دردل او حاصل می‌گردد و این معنی را با وجدانمان درک می‌کنیم. علاوه بر این آیات و روایاتی هم این مطلب دلالت دارند:

(۱) «قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: «الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَ جِلَّتْ قُلُوبُهُمْ» (۱)».

خدای متعال در وصف اهل ایمان می‌فرماید: آنان که چون خداوند یاد شود، هایشان را ترس فرا می‌گیرد.

(۲) «عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «تَلَاثُوا، وَ تَذَاكَرُوا، وَ تُحَدِّثُوا، فَإِنَّ الْحَدِيثَ جَلَاءٌ تُلُوبٍ، إِنَّ الْقُلُوبَ تَرِينٌ كَمَا تَرِينُ السَّيْفُ» (۲)، و الاخبار فی هذا الباب لا تحصى. رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «یکدیگر را دیدار کنید و مذاکره و گفتگو نمایید که حدیث کردن مایه جلای دل است و به تحقیق که دلها سیاه می‌شود همچنان که مشیر سیاه می‌گردد».

دوم: هر چه عمل صالح در نزد خدای متعال بزرگتر باشد، اثر آن عمل در رانیت قلب بیشتر و چون هیچ عملی بعد از معرفت خدای متعال بزرگتر از محبت

ائمه علیهم السلام نیست، بنابراین معرفت و محبت ایشان بیشترین نورانیت را برای قلب دارد.

(۱) قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام لِأَبِي خَالِدِ الْكَابَلِيِّ: «وَاللَّهِ يَا أَبَا خَالِدٍ، لَنُورِ الْإِمَامِ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ أَنْوَرُ مِنَ الشَّمْسِ الْمُضِيئَةِ بِالنَّهَارِ، وَهُمْ وَاللَّهِ يُنَوِّرُونَ قُلُوبَ الْمُؤْمِنِينَ، وَ يَخْجُبُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ نُورَهُمْ عَمَّنْ يَشَاءُ، فَتَظَلَمُ قُلُوبُهُمْ، وَاللَّهِ يَا أَبَا خَالِدٍ، لَا يُجِبُّنَا عَبْدٌ وَ يَتَوَلَّانَا حَتَّى يُطَهِّرَ اللَّهُ قَلْبَهُ وَ لَا يُطَهِّرُ اللَّهُ قَلْبَ عَبْدٍ حَتَّى يُسَلِّمَ لَنَا وَ يَكُونَ سَلَامًا لَنَا فَإِذَا كَانَ سَلَامًا لَنَا سَلَّمَ اللَّهُ مِنْ شَدِيدِ الْحِسَابِ، وَ آمَنَهُ مِنْ فَرَجِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ الْأَكْبَرِ». (۱)

امام باقر علیه السلام به ابو خالد کابلی فرمودند: به خدا قسم ای ابو خالد، نور امام در دل های مؤمنین از آفتاب درخشنده در روز روشن تر است و آنها (امامان) به خدا قسم دل های مؤمنین را نورانی می کنند، خداوند عز و جل نورشان را از هر که بخواهد باز می دارد، پس دل های آنها تاریک می گردد، و الله ای ابو خالد هیچ بنده ای ما را دوست ندارد و به ما تولی نجوید تا آن که خداوند دلش را پاک سازد و خداوند دل هیچ بنده ای را پاک نمی نماید تا این که تسلیم ما شود، و با ما سازگاری کند، پس هرگاه چنین شد که با ما سازگاری نمود، خداوند او را از سختی حساب نگاه می دارد و از هراس بزرگ روز قیامت ایمنی می بخشد.

(۲) عَنْ أَبِي بصير قَالَ: «وَدَخَلْتُ الْمَسْجِدَ مَعَ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام وَ النَّاسُ يَدْخُلُونَ وَ يَخْرُجُونَ فَقَالَ لِي: سَلِ النَّاسَ، هَلْ يَرُونَنِي؟ فَكُلُّ مَنْ لَقِيْتَهُ قُلْتُ لَهُ: أَرَأَيْتَ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام قِيُولٌ: لَا وَ هُوَ وَاقِفٌ حَتَّى دَخَلَ أَبُو هَارُونَ الْمَكْتُوفُ قَالَ: سَلْ هَذَا فَقُلْتُ: هَلْ رَأَيْتَ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام فَقَالَ: أَلَيْسَ هُوَ بِقَائِمٍ قُلْتُ: وَ مَا عَلِمْتُكَ؟ قَالَ: وَ كَيْفَ لَا أَعْلَمُ وَ هُوَ نُورٌ سَاطِعٌ». (۲)

ابو بصیر گفت که با حضرت امام باقر علیه السلام داخل مسجد شدم در حالی که مردم وارد و خارج می شدند، پس آن حضرت به من فرمود: از مردم بپرس آیا مرا می بینند؟ پس هر که را دیدم گفتم: آیا ابو جعفر علیه السلام را دیدی؟ می گفت: نه، در حالی

که حضرت در کناری ایستاده بود، تا این که ابوهارون مکفوف (نابینا) وارد شد، حضرت فرمود: از این پیرس، به او گفتم: ابو جعفر را دیدی؟ گفت مگر این نیست که ایستاده؟ گفتم از کجا دانستی؟ گفت: چگونه ندانم و حال آن که او نور درخشنده است.»

دعا بهرش، کند دل را جلایی	کند اشراق بر دل، با وفایی
دعا بهر ظهورش پاک سازد	دلت را از گناه و هر خطایی
نظر بر قلب تو اندازد آن یار	اگر کردی دعایش با دلی زار
دعا بهر فرج کن تا دل تو	شود پر نور، از اشراق دلدار

«المکرمۃ الثامنة العشرون: طول العمر»

«فایده بیست و هشتم: مایه طول عمر»

اهتمام و مداومت در دعا برای حضرت قائم -عجل الله تعالی فرجه الشریف- و تعجیل فرج و ظهور شریفش مایه طول عمر است که برای خصوص طول عمر حدیث شریفی است که در مکارم الاخلاق و حاشیه مفاتیح الجنان آخرین دعای تعقیبات مشترکه آمده است، که امام صادق علیه السلام فرمودند: برای طول عمر می خوانی بعد از هر نماز: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، اللَّهُمَّ إِنَّ رَسُولَكَ الصَّادِقَ الْمُصَدَّقَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ قَالَ: إِنَّكَ قُلْتَ مَا تَرَدَّدْتُ فِي شَيْءٍ أَنَا فَأَعْلَهُ كَتَرَدُّدِي فِي قَبْضِ رُوحِ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ يَكْرَهُ الْمَوْتَ وَ أَكْرَهُ مَسَائِلَتَهُ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ لِي وَلِيِّكَ الْفَرَجَ وَ الْعَاقِبَةَ وَ النَّصْرَ وَ لَا تُسَوِّنِي فِي نَفْسِي وَ لَا فِي أَحَدٍ مِنْ أَجْبَتِي» و اگر می خواهی برای دیگران بخوانی می گویی «وَ لَا فِي قُلَانٍ وَ لَا فِي قُلَانٍ»^(۱).

برای توضیح بیشتر نسبت به این فایده بیست و هشتم می گوییم: سه مطلب باید مورد بررسی قرار گیرد:

اول: این که صله رحم مایه طول عمر است.

دوم: این که صله رحم پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله مؤکدتر و بهتر است.

سوم: این که دعا کردن خود صله و احسان است.

اما اول: احادیث فراوان بر این مطلب وجود دارد:

(۱) قَالَ أَبُو الْحَسَنِ الرُّضَائِيُّ علیه السلام: «يَكُونُ الرَّجُلُ يَصِلُ رَحِمَهُ فَيَكُونُ قَدْ بَقِيَ مِنْ عُمُرِهِ ثَلَاثَ سِنِينَ، فَيَصِيرُهَا اللَّهُ ثَلَاثِينَ سَنَةً، وَ يَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ»^(۱)

امام رضا علیه السلام فرمودند: «چه بسا مردی که سه سال از عمرش باقی مانده رحمتش را صله می کند، پس خداوند عمرش را سی سال قرار می دهد و خدا هر چه که خواهد می کند».

(۲) عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: «صِلَةُ الْأَرْحَامِ تُزَكِّي الْأَعْمَالَ، وَ تُنْمِي الْأَمْوَالَ، وَ تَدْفَعُ الْبَلْوَى، وَ تُيسِّرُ الْحِسَابَ وَ تُنْسِيءُ فِي الْأَجَلِ»^(۲).

امام باقر علیه السلام فرمود: «صله رحم اعمال را پاک و اموال را افزون و بلا را دور می کند و حساب را آسان نموده و اجل را به تاخیر می اندازد».

اما دوم: صله رحم پیغمبر صلی الله علیه و آله موکدتر و بهتر است:

(۱) عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: «الَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوَصَّلَ» قَالَ: نُزِلَتْ فِي رَحِمِ آلِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله وَ قَدْ تَكُونُ فِي قِرَابَتِكَ ثُمَّ قَالَ: فَلَا تَكُونَنَّ مِمَّنْ يَقُولُ لِلشَّيْءِ إِنَّهُ فِي شَيْءٍ وَاجِدٍ»^(۳).

عمر بن یزید می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم از «الَّذِينَ يَصِلُونَ...» ایشان فرمودند: در رحم آل محمد صلی الله علیه و آله می باشد و درباره رحم و نزدیکان تو نیز هست، پس فرمودند: از آنها مباش که به چیزی می گویند در یک مورد است.

اما سوم: این که دعا برای حجة بن الحسن علیه السلام صله و احسان است:

باید دانست که صله و احسان به دو چیز حاصل می شود:

یکی: منفعت رساندن به دیگری.

دیگری: دفع زیان از غیر.

و هر دو با دعا کردن برای شخص حاصل می گردد.

پس مشتاقان و ارادتمندان آن بزرگوار برای این که ثواب صله رحم را درک کنند از عای برای آن وجود مقدس آنی غفلت نورزند.

اگر داری به سر عمر بلند را	بیا در بسر بگیر این راد مرد را
دها کن در همه حالی تو جانا	عزیز مصطفی مهدی ما را «این شیر مرد را»
دعایت بهر یار بهتر از جان	کند عمر تو را افزون به قرآن
دعا کن بهر آن مظلوم عالم	که گردد عمر، با یمن و فراوان
فراوان می شود عسر از دعایت	دعا بهر حسیب با وفایت
بسود محکمترین پیوند ارحام	فقط اندر دعا بر مقتدایت

«المکرمۃ التاسعة و العشرون: التعاون علی البرّ و التقوی»

«فایده بیست و نهم: همکاری در امور نیک و تقوی»

یقیناً دعا کردن برای تعجیل فرج حضرت حجة بن الحسن - سلام الله علیهما - مک و تعاون و همیاری بر نیکی و تقوی است که خداوند متعال به آن امر فرموده است؛

(۱) «تَعَاوَنُوا عَلَی الْبِرِّ وَ التَّقْوَى»^(۱) یعنی در نیکی و تقوی همدیگر را یاری کنید.

(۲) قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا»^(۲)

خدای تبارک و تعالی فرمود: هر کسی کار نیکو کند او را ده برابر آن پاداش خواهد بود.

وجه:

آیا دعا نمودن برای امر فرج جزء کارهای نیک به حساب می آید یا خیر و اگر می باشد پس قطعاً ثواب و پاداش نیکوکاران برای او نیز می باشد، پس به رحمت می دعاگویان مهدی علیه السلام بسیار نزدیک می باشد که فرمود:

(۳) قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: «إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ»^(۳)

خدای تعالی فرموده است: البته رحمت او به نیکوکاران نزدیک است.

(۴) قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: مِنْ أَفْضَلِ الْإِحْسَانِ الْإِحْسَانُ إِلَى الْأَبْرَارِ. (۱)

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: برترین احسان، احسان به نیکان است.

(۵) قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: قِيَمَةُ كُلِّ امْرِئٍ مَا يُحْسِنُهُ. (۲)

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: ارزش و بهاء هر مردی به مقدار نیکی کردن اوست.

(۶) قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: مَنْ كَثُرَ إِحْسَانُهُ أَحَبَّهُ إِخْوَانُهُ. (۳)

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: نیکی و احسان هر کس بیشتر شود برادرانش او را بیشتر

دوست می دارند.

شود حاصل زیاد و ذکر مولا

تعاون در امور نیک و تقوی

دعایش کن، مکن امروز و فردا

اگر خواهی که یاری کرده باشی

● پاماسب الزمان ●

سفارش کرده بریاری، مسلمان

اگر آن بز و تقوائی که قرآن

برای آن عزیز و جان جانان

بود مصداق کامل در دعایت

«المكرمة الثلاثون: الْقُوْرُ بِنَصْرِ اللَّهِ وَ الْفَلَيْةُ عَلَى الْأَعْدَاءِ بِعَوْنِ اللَّهِ»

«فایده سی ام: رستگار شدن به یاری خداوند و غلبه بر دشمنان با کمک او»

این دعا موجب نصرت و یاری خداوند متعال برای دعا کننده و پیروزی او بر

دشمنانش می شود، به دلیل آن که خدای متعال فرموده است: «وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ

يَنْصُرُهُ» (۴)؛ به تحقیق هر که خدا را یاری کند خداوند او را کمک خواهد کرد، و نیز

می فرماید:

«إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ» (۵)؛ اگر خدای متعال را یاری کنید او هم شما را یاری

خواهد کرد.

۲- آثار الصادقین، ج ۳، ص ۳۶۰.

۱- آثار الصادقین، ج ۳، ص ۳۵۸.

۳- غررالحکم حدیث ۸۴۷۳، میزان الحکمة ج ۱ ص ۶۴۱.

۵- محمد / ۷.

۴- حج / ۴۰.

توضیح:

بی تردید خداوند تبارک و تعالی نیازی به یاری احدی از خلائق ندارد، پس مراد یاری و نصرتی که امر فرموده آن است که اولیاء او را یاری کنند و چون دعا برای تعجیل ظهور صاحب الزمان علیه السلام از اقسام نصرت و یاری به زبان است، از مصادیق این عنوان است و از اخباری که شاهد بر این است که یاری به زبان از اقسام نصرت و کمک حساب می شود، عبارتند از:

(۱) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِيِّ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ فِي لَيْلَةِ عَاشُورَاءَ: فَقَدْ أَخْبَرَنِي جَدِّي أَنَّ وَلَدِي الْحُسَيْنَ علیه السلام يُقْتَلُ بِطُفٍّ كَرِيبًا غَرِيبًا وَحِيدًا عَطْشَانًا، فَمَنْ نَصَرَهُ فَقَدْ نَصَرَنِي وَنَصَرَ وَلَدَهُ الْقَائِمَ علیه السلام وَ مَنْ نَصَرَنَا بِلسَانِهِ فَإِنَّهُ فِي حِزْبِنَا فِي يَوْمِ الْقِيَامَةِ، (۱).

در شب عاشوراء امام حسین علیه السلام فرمودند: جدم به من خبر داد که فرزندم حسین علیه السلام در طف کربلا، غریب و تنها و تشنه کشته می شود، پس هر که او را یاری کند مرا یاری کرده و فرزندش قائم علیه السلام را نیز یاری کرده است و هر کس با زبان ما را یاری کند روز قیامت در حزب ما خواهد بود.

(۲) قَوْلُ الرَّضَا علیه السلام لِذُعَيْبٍ: «مَرْحَبًا بِنَاصِرِنَا بِيَدِهِ وَ لِسَانِهِ» (۲).

امام رضا علیه السلام به ذعیب فرمودند: آفرین به یاری کننده ما با دست و زبانش.

کجایی ای شفابخش روان ها

کجایی ای چراغ بزم جان ها

کجایی ای امید نا امیدان

کجایی ای نشان بی نشان ها

آیا طبق فرمایش امام رضا علیه السلام انشاد و انشاء شعر جزء مصادیق یاری نمودن به وسیله زبان نیست؟

به قرآن داده ذات حق بشارت

که خواهی کرد بر عالم اسارت

بلی آزاد گردد با ظهورت

بشر از پنجه ظلم و اسارت

● باطلب الزمان ●

عدو چون نقشه اش را شوم تر کرد
و یا تهدید، ما را بر خطر کرد
فقط یک صاحب الامری که گفتیم
تمام نقشه ها را بی اثر کرد

● **یا صاحب الزمان** ●

خوشا آن کس که مهدی یار او شد
رفیق مشفق و غمخوار او شد
اگر صدها گره افتد به کارش
به دست او فرج در کار او شد

● **یا صاحب الزمان** ●

خدا یاری کند آن بنده‌ای را
که یاری می‌کند جنبنده‌ای را
دعا بهر ظهورش یاری اوست
نشاند بر لب او خنده‌ای را

● **یا صاحب الزمان** ●

دعایت مثل یاری کردن اوست
و یاری کردن مولا چه نیکوست
یقین دان یار او، یار خدا هست
لذا یار خدا، حتماً دعا گوست

«المکرمۃ الحادیة و الثلاثون: الإهداء بنور کتاب الله»

«فایده سی و یکم: هدایت به نور قرآن مجید»

چنان که گفتیم: دعا برای حضرت قائم علیه السلام موجب فزونی اشراق انوار الهی در دل می‌گردد و چون زمین دل به نور پروردگارش روشن و درخشان شود، انسان به نور کلام مجید خداوند هدایت و راهنمایی می‌گردد، به طوری که به راه دیگری نرود، و از قرآن چیزهایی خواهید فهمید که دیگران نمی‌فهمند و قرآن بر دردهای دلش، شفاء و رحمت خواهد بود.

و نیز شکی نیست که هر اندازه ایمان کامل تر و تمام تر باشد، استفاده شخص از قرآن و بهره‌وریش از آثار آن بیشتر و بهتر است، همان طور که اگر کسی مزاجش سالم باشد از غذاهای لذیذ و خوشمزه، بهره‌مند می‌شود و لذت می‌برد، ولی اگر مزاجش فاسد باشد نه تنها از آنها لذت نمی‌برد، بلکه برای بدنش زیانبار و اذیت کننده نیز هست، تا وقتی که خود را معالجه نماید و آن را مداوا کند و ریشه بیماری را از بدنش به در برد.

پس اهتمام در دعا برای بقیة الله الاعظم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - مایة کمال ایمان است و با کمال ایمان درک کلام الهی بیشتر خواهد شد و هر چه به حقایق و بواطن قرآن مجید راه پیدا کنیم، هدایت یافتن از آن بیشتر خواهد شد، بلکه هدایت به تصریح قرآن مخصوص متفین خواهد بود.

(۱) قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِلْمُتَّقِينَ» (۱)

خداوند متعال فرمود: قرآن که شکی در آن نیست متقین را هدایت می کند.

(۲) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: عَلَيْكُمْ بِالشَّفَاءِ مِنَ الْعَسَلِ وَالْقُرْآنِ. (۲)

رسول خدا ﷺ فرمودند: از عسل و قرآن کریم درمان بجویید.

(۳) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: خَيْرُ الدَّوَاءِ الْقُرْآنُ. (۳)

رسول خدا ﷺ فرمودند: بهترین دارو قرآن کریم است.

(۴) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَيْسَ الْقُرْآنُ بِالتَّلَاوَةِ وَ لَا الْعِلْمَ بِالرُّوَايَةِ وَ لَكِنَّ الْقُرْآنَ

بِالْهُدَايَةِ وَ الْعِلْمَ بِالدَّرَايَةِ (۴)

رسول اکرم ﷺ فرمودند: قرآن به خواندن و علم و دانش به روایت کردن نیست،

بلکه قرآن بهدایت و راهنمایی و علم به درایت و فهم می باشد.

(۵) قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: أَفْضَلُ الذِّكْرِ الْقُرْآنُ بِهِ تُشْرَحُ الصُّدُورُ وَ تَسْتَنِيرُ

السَّرَائِرُ. (۵)

امیرالمؤمنین ﷺ فرمود: برترین ذکر قرآن شریف است، که سینه ها بدان گشاده

گردد و از آن کسب نور کند.

(۶) قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: اِتَّبِعُوا النُّورَ الَّذِي لَا يُطْفَأُ وَ الْوَجْهَ الَّذِي لَا يُبْتَلَى وَ

اسْتَسْلِمُوا وَ سَلِّمُوا لِأَمْرِهِ فَإِنَّكُمْ لَنْ تَضِلُّوا مَعَ التَّسْلِيمِ. (۶)

امیرالمؤمنین ﷺ فرمودند: پیروی از نوری کنید که هرگز خاموش نگردد، و

متابعت از وجهی کنید که کهنه نشود، و تسلیم فرمانش شوید که شما با تسلیم به

قرآن هرگز گمراه نمی شوید.

(۷) قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: عَلَيْكُمْ بِكِتَابِ اللَّهِ فَإِنَّهُ الْحَبْلُ الْمَتِينُ وَ النُّورُ

الْمُبِينُ. (۷)

۲- آثار الصادقین، ج ۶، ص ۱۹۲.

۴- همان.

۶- همان.

۱- بقره، ۲.

۳- همان.

۵- همان.

۷- آثار الصادقین، ج ۱۷، ص ۳۱۵.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند بر شما باد کتاب خدا «یعنی به آن چنگ بزنید و تلاوت کنید و به آن عمل کنید» زیرا او ریسمان محم و قوی و نور آشکار است.

هدایت گردد از انوار قرآن
دعا گوی ظهور جان جانان
اگر غافل زاو قرآن بخواند
شود گمراه و خاسرتر زیزدان

❁ یا صاحب الزمان ❁

هدایت گر بود قرآن به نورش
هر آنکس را که می خواهد سرورش
هر آنکس را که گوید در دعایش:
خداوندا رسان دیگر ظهورش

❁ یا صاحب الزمان ❁

انمه در قیامت می شناسند
تو را آندم که مردم در هراسند
فقط شرطش دعا بهر ظهور است
ولکن غافلانش آس و پاسند

«المکرمة الثانية و الثلاثون: صیورته معروفاً عند اصحاب الاعراف»

«فایده سی و دوم: شناخته شدن نزد اصحاب اعراف»

چون با دعا کردن برای مولایمان صاحب الزمان علیه السلام اصحاب اعراف را یاری کرده، پس در حق او شفاعت کنند و به شفاعت آنها وارد بهشت گردد.

(۱) قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: «وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ»^(۱):

«و بر اعراف مردانی هستند که همگان را به چهره هایشان می شناسند».

سخن در اینجا پیرامون سه امر می باشد:

اول: معنای اعراف: که طبق حدیث شریف معنا شده است.

دوم: رجال اعراف چه کسانی هستند؟

(۲) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: الْأَعْرَافُ: كَثْبَانِ بَيْنَ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ، وَ الرَّجَالُ: الْأَائِمَّةُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ^(۲).

امام صادق علیه السلام فرمودند: «اعراف بلندی است بین بهشت و جهنم و رجال امامان علیهم السلام می باشند».

سوم: دعا برای صاحب الزمان علیه السلام موجب شفاعت اصحاب اعراف است.
 (۳) عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ: كُنْتُ جَالِسًا عِنْدَ عَلِيِّ عليه السلام: فَأَتَاهُ ابْنُ الْكَوَّاءِ، فَسَأَلَهُ
 نَنْ هَذِهِ الْآيَةِ (وَ عَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كَلًّا بِسِيمَاهُمْ) فَقَالَ عليه السلام: (وَيَحْكُ يَا
 نَ الْكَوَّاءِ، نَحْنُ نَقِفُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بَيْنَ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ، فَمَنْ نَصَرْنَا عَرَفْنَا بِسِيمَاهُ،
 أَدْخَلْنَاهُ الْجَنَّةَ، وَ مَنْ أَبْغَضْنَا عَرَفْنَا بِسِيمَاهُ فَأَدْخَلْنَاهُ النَّارَ ^(۱)».

اصبغ بن نباته می گوید: در حضور حضرت علی علیه السلام نشسته بودم که ابن کوا، به
 عدمتش آمد و درباره ابن آبه: «و علی الاعراف...» از آن حضرت سؤال کرد فرمود:
 ای بر تو ای ابن الكوا، ما در روز قیامت بین بهشت و جهنم می ایستیم، پس هر که
 ا را یاری کرده از چهره اش می شناسیم و به بهشت روانه اش می کنیم و هر کس با ما
 شمنی ورزیده از چهره اش شناخته و روانه جهنم میکنیم او را.

اگر اصحاب اعراف شناسند	به یمن آن دعایش در تماسند
دعایش می کند آن قدر تاثیر	که شیطان ها از آن اندر هراسند

«المكرمة الثالثة و الثلاثون: ما يترتب على طلب العلم من المثوبات»

«فایده سی و سوم: ثواب تحصیل علم»

برای رسیدن به عظمت این فایده لازم است انسان به ثواب های عجیب طلب
 لم، پی ببرد تا آنگاه با جدیت کامل برای رسیدن به این ثواب ها برای فرج حضرت
 عا کند که برای نمونه به چند روایت اشاره می شود:

(۱) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: «مَنْ تَعَلَّمَ مَسْأَلَةً وَاحِدَةً فَلَدَّهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلْفَ قَلْبَدٍ
 مِنَ التُّورِ، وَ غَفَرَ لَهُ أَلْفَ ذَنْبٍ وَ بَنَى لَهُ مَدِينَةً مِنْ ذَهَبٍ وَ كَتَبَ لَهُ بِكُلِّ شَعْرَةٍ عَلَى
 سِدْرِهِ حِجَّةً ^(۲)».

رسول اکرم صلى الله عليه وآله فرمودند: هر کس یک مسئله فراگیرد خدای متعال در روز قیامت
 از او هزار گناهش بخشیده می شود و یک شهر از
 لا برایش بنا می شود و به مقدار موهای بدنش حج برایش می نویسند.

(۲) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ خَرَجَ يَطْلُبُ بَاباً مِنْ عِلْمٍ لِيُرَدَّ بِهِ بَاطِلًا إِلَى حَقِّ أَوْ ضَلَالَةٍ إِلَى هُدًى كَانَ عَمَلُهُ ذَلِكَ كَعِبَادَةِ مُتَعَبِّدٍ، أُرْبَعِينَ عَامًا^(۱).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: کسیکه به جهت طلب علم از منزل خارج شود تا باطلی را به وسیله آن رد کند، یا گمراهی را به سوی هدایت رهنمون سازد، پس این عملش مانند عبادت چهل سال یک عابد است.

(۳) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «إِذَا جَاءَ الْمَوْتُ لِطَالِبِ الْعِلْمِ وَهُوَ عَلَى هَذِهِ الْحَالِ مَاتَ شَهِيداً»^(۲).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرگاه طالب علم به دنبال علم باشد و مرگش فرارسد، پس شهید خواهد بود».

با توجه به این که علوم حق و حقیقی فقط با ظهور حضرت صاحب الزمان علیه السلام آشکار و روشن می شود، هرگاه کسی برای تعجیل ظهور ایشان دعا کند، ثواب طالب علم را دارا می گردد.

مبادا، رفته بینی یادش از دست

ثواب طالب علم آن دعا هست

دعاهای دگر خورده به بن بست

اگر کردی دعایش را فراموش

● یا صاحب الزمان ●

زدست کارهایت ای مسلمان

مبادا قلب او گردد پریشان

برای هر دعا گوی فرج، دان

ثواب طالب علم حقیقی

«المكرمة الرابعة و الثلاثون: الأمن من العقوبات الآخروية»

«فایده سی و چهارم: امنیت از عقوبت‌های اخروی»

از آثار دعا برای تعجیل فرج حضرت، در امان بودن از عقوبت‌های اخروی و احوال و سختی‌های روز قیامت است. شاهد بر این معنی عبارت است از آیات و روایات ذیل:

(۱) قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ الَّذِينَ هَادُوا وَ النَّصَارَى وَ

الصَّابِقِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ^(۱)».

به تحقیق آنان که ایمان آورده‌اند و کسانی که یهودی شدند و نصاری و صابئین هر کس به خداوند و روز قیامت ایمان آورده و عمل صالح انجام دهد، پاداش آنها نزد پروردگارشان محفوظ است و نه ترسی بر آنان هست و نه اندوهی.

با توجه به این که یقیناً دعا برای امام زمان علیه السلام جزء اعمال صالحه است، لذا هر کس برای حضرت دعا کند، مشمول این فرمایش الهی، خواهد بود.

(۲) قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَأَخَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ^(۲)».

آگاه باشید که اولیای خدا نه ترسی بر ایشان هست و نه محزون می‌شوند.

(۳) عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: «طُوبَى لِسَبْعَةِ قَائِمِنَا، الْمُتَنْتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ فِي غَيْبَتِهِ، وَ لِمُطِيعِينَ لَهُ فِي ظُهُورِهِ، أَوْلِيَاكَ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ الَّذِينَ لَأَخَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ^(۳)».

امام صادق علیه السلام فرمودند: خوشا به حال شیعیان قائم ما که در زمان غیبتش منتظر ظهورش باشند و در زمان ظهور فرمانبردار و مطیع او، آنان هستند اولیاء خدا که نه ترسی بر ایشان هست و نه محزون می‌شوند.

با توجه به این که دعا کردن برای حضرت از نشانه‌های انتظار است، لذا شخص دعاکننده مشمول این روایت می‌شود.

(۴) قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «وَأَنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ^(۴)».

به تحقیق آنان که گفتند: پروردگار ما الله است پس استقامت ورزیدند، پس هیچ رس و اندوهی بر آنها نیست.

۲- بونس / ۶۲.

۱- بقره، ۶۲.

۴- احقاف / ۱۳.

۳- کمال الدین، ج ۲، ص ۳۵۷.

(۵) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا» فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: اسْتَقَامُوا عَلَى الْأَيْمَةِ وَاجِدًا بَعْدَ وَاجِدٍ (۱).

محمد بن مسلم می گوید: «از امام صادق علیه السلام پیرامون آیه «الذین قالوا...» سؤال کردم فرمودند: بر اعتقاد به امامان یکی پس از دیگری استقامت کنند.»

دعا گویت ندارد خوف محشر	تو هستی ایمنش از خشم داور
چو هستی ایمن او در قیامت	ندارد ذره ای اندوه، در سر
ولی غافل زیادت روز عقبی	زند از وحشتش بر سینه و سر
هر آنکس از دعایت هست غافل	ننوشد قطره ای از حوض کوثر
نباشد غافلت ایمن در آن روز	الا ای مرهم پهلوی مادر

«المكرمة الخامسة و الثلاثون: البشارة و الرق عند الموت»

«فایده سی و پنجم: بشارت و مدارا هنگام مرگ»

مؤمن اگر بخواهد به مقامات والایی برسد تا در نتیجه هنگام مرگ با او مدارا کنند و بشارت دهند، می بایست چهار صفت در او باشد:

(۱) موالات و پیروی از پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام.

(۲) محبت به ایشان.

(۳) خدمت به ایشان.

(۴) مقدم داشتن آنها بر دیگران.

و تردیدی نیست کسی که برای آن بزرگوار دعا کند، این چهار صفت در او جمع است.

(۱) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ أَدْخَلَ عَلَى مُؤْمِنٍ سُورًا خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ ذَلِكَ السُّورِ خَلْقًا فَيَلْقَاهُ عِنْدَ مَوْتِهِ فَيَقُولُ لَهُ: أَبَشِرْ يَا وَلِيَّ اللَّهِ بِكَرَامَةٍ مِنَ اللَّهِ وَ

رِضْوَانٍ ثُمَّ لَا يَزَالُ مَعَهُ حَتَّى يَدْخُلَهُ قَبْرُهُ فَيَقُولُ لَهُ مِثْلَ ذَلِكَ، فَإِذَا بَعَثَ يَلْقَاهُ فَيَقُولُ لَهُ مِثْلَ ذَلِكَ، ثُمَّ لَا يَزَالُ مَعَهُ عِنْدَ كُلِّ هَوَلٍ يُسْرَرُهُ وَيَقُولُ لَهُ مِثْلَ ذَلِكَ فَيَقُولُ لَهُ: مَنْ أَنْتَ رَحِمَكَ اللَّهُ فَيَقُولُ: أَنَا السُّرُورُ الَّذِي أَدْخَلْتَهُ عَلَيَّ فَلَانٍ (۱)».

امام صادق علیه السلام فرمودند: «هر کس به مؤمنی سروری رساند خداوند عزوجل از آن سرور مخلوقی می آفریند که به هنگام مرگ دیدارش کند و به او گوید: مژده باد تو را ای دوست خدا به کرامت و رضوان او، همچنان با او خواهد بود تا این که داخل قبرش شود، باز همان سخن را گوید، و چون از قبر برخیزد باز آن سخن را تکرار نماید، پس همواره با او بماند و در مواقع هراس و وحشت او را مژده دهد و همان سخن را بگوید، مؤمن از او پرسد: تو کیستی خدایت رحمت کند؟ می گوید: من آن سرور و شادمانی هستم که بر فلانی وارد ساختم».

و چون دعا برای امام زمان ارواحنا فداء یقیناً موجب سرور و شادی ایشان و اجداد طاهربینشان خواهد شد، لذا شخص دعا کننده مشمول این روایت شریف می گردد.

در اینجا حدیثی را ذکر می کنیم که گرچه طولانی است ولی چون مضامینی در آن است که موجب امید دل ها می گردد، از آن رو ذکر می کنیم و امید است این حدیث شریف را با جان و دل بنگاریم و بخوانیم و حفظ کنیم و عمل نماییم، تا در آینده شرمنده رسول خدا و ائمه علیهم السلام نشویم:

(۲) قَالَ الْإِمَامُ الْحَسَنُ الْعَسْكَرِيُّ علیه السلام: إِنَّ الْمُؤْمِنَ الْمَوَالِيَّ لِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ، الْمُتَّخِذَ لِعَلِيِّ بَعْدَ مُحَمَّدٍ إِمَامِهِ الَّذِي يَخْتَدِي مِثَالَهُ وَ سَيِّدِهِ الَّذِي يُصَدِّقُ أَقْوَالَهُ وَ يُصَوِّبُ أَفْعَالَهُ وَ يُطِيعُهُ بِطَاعَةِ مَنْ يَنْدُبُهُ مِنْ أَطَائِبِ ذُرِّيَّتِهِ لِأُمُورِ الدِّينِ وَ سِيَاسَتِهِ، إِذَا حَضَرَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ مَا لَا يُرَدُّ وَ نَزَلَ بِهِ مِنْ قَضَائِهِ مَا لَا يُصَدُّ وَ حَضَرَ مَلَكُ الْمَوْتِ وَ أَعْوَانُهُ وَ جَدَّ عِنْدَ رَأْسِهِ مُحَمَّدًا رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ مِنْ جَانِبِ آخَرِ عَلِيًّا سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ وَ عِنْدَ رِجْلَيْهِ مِنْ جَانِبِ الْحَسَنِ سِنِّطَ سَيِّدِ النَّبِيِّينَ، وَ مِنْ جَانِبِ آخَرِ الْحُسَيْنِ سَيِّدَ

الشُّهَدَاءِ، أَجْمَعِينَ، وَ حَوَالِيهِ بَعْدَهُمْ خِيَارَ خَوَاصِهِمْ وَ مُجِيبِهِمُ الَّذِينَ هُمْ سَادَةٌ هَذِهِ
الْأُمَّةِ بَعْدَ سَادَاتِهِمْ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ، يَنْظُرُ الْعَلِيلُ الْمُؤْمِنُ إِلَيْهِمْ، فَيُخَاطِبُهُمْ بِحَيْثُ
يَخُجُبُ اللَّهُ صَوْتَهُ عَنِ آذَانِ حَاضِرِيهِ كَمَا يَخُجُبُ رُؤْيَتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ رُؤْيَةَ خَوَاصِنَا
مِنْ أَعْيُنِهِمْ لِيَكُونَ إِيْمَانُهُمْ بِذَلِكَ أَعْظَمَ ثَوَاباً لِشِدَّةِ الْمِخْنَةِ عَلَيْهِمْ.

فَيَقُولُ الْمُؤْمِنُ: يَا أَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ رَبَّ الْعِزَّةِ، يَا أَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي يَا
وَصِيَّ رَسُولِ الرَّحْمَةِ، يَا أَبِي أَنْتُمَا وَ أُمِّي يَا سِبْلِي مُحَمَّدٌ عليه السلام وَ صِرْغَامِي، يَا وَلَدِيهِ وَ
سَبْطِيهِ يَا سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ الْمُقَرَّبِينَ مِنَ الرَّحْمَةِ وَ الرِّضْوَانِ مَرْحَباً بِكُمْ
مَعَاشِرَ خِيَارِ أَصْحَابِ مُحَمَّدٍ عليه السلام وَ عَلِيٍّ وَ وَلَدِيهِ، مَا كَانَ أَعْظَمَ شَوْقِي إِلَيْكُمْ، وَ مَا
أَشَدَّ سُرُورِي الْآنَ بِلِقَائِكُمْ، يَا رَسُولَ اللَّهِ هَذَا مَلَكُ الْمَوْتِ قَدْ حَضَرَ نِي، وَ لَا أَشْكُ
فِي جَلَالَتِي فِي صَدْرِهِ، لِمَكَانِكَ وَ مَكَانَ أَخِيكَ، فَيَقُولُ رَسُولُ اللَّهِ عليه السلام كَذَلِكَ هُوَ.
فَيَقْبَلُ رَسُولُ اللَّهِ عليه السلام عَلَى مَلَكِ الْمَوْتِ فَيَقُولُ: يَا مَلَكُ الْمَوْتِ، اسْتَوْصِ بِوَصِيَّةِ اللَّهِ
فِي الْإِحْسَانِ إِلَى مَوْلَانَا (مَوْلَانَا) وَ خَادِمِنَا وَ مُجِبِّنَا وَ مُؤَثِّرِنَا، فَيَقُولُ لَهُ مَلَكُ الْمَوْتِ
يَا رَسُولَ اللَّهِ عليه السلام مُرَّةٌ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى مَا أَعَدَّ اللَّهُ لَهُ فِي الْجَنَانِ فَيَقُولُ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ عليه السلام:
أَنْظُرْ إِلَى الْعُلُوِّ فَيَنْظُرُ إِلَى مَا لَا يُحِيطُ بِهِ الْأَلْبَابُ، وَ لَا يَأْتِي عَلَيْهِ الْعَدَدُ وَ الْحِسَابُ
فَيَقُولُ مَلَكُ الْمَوْتِ: كَيْفَ لَا أَزْفُقُ بِمَنْ ذَلِكَ ثَوَابُهُ وَ هَذَا مُحَمَّدٌ وَ (عِزَّتُهُ) رُؤَاؤُهُ،
يَا رَسُولَ اللَّهِ عليه السلام لَوْ لَا أَنَّ اللَّهَ جَعَلَ الْمَوْتَ عَقَبَةً، لَا يَصِلُ إِلَى تِلْكَ الْجَنَانِ إِلَّا مَنْ
قَطَعَهَا لِمَا تَنَاوَلَتْ رُوحُهُ وَ لَكِنِ لِخَادِمِكَ وَ مُجِيبِكَ هَذَا أُسْوَةٌ بِكَ، وَ بِسَائِرِ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ
وَ رُسُلِهِ وَ أَوْلِيَائِهِ الَّذِينَ أُذِيقُوا الْمَوْتَ لِحُكْمِ اللَّهِ تَعَالَى.

ثُمَّ يَقُولُ مُحَمَّدٌ عليه السلام: يَا مَلَكُ الْمَوْتِ هَاكَ أَخَانَا قَدْ سَلَّمْنَا إِلَيْكَ فَاسْتَوْصِ بِهِ خَيْراً.
ثُمَّ يَرْتَفِعُ هُوَ وَ مَنْ مَعَهُ إِلَى رَوْضِ الْجَنَانِ، وَ قَدْ كَشَفَ عَنِ الْغِطَاءِ وَ الْجِجَابِ،
لِعَيْنِ ذَلِكَ الْمُؤْمِنِ الْعَلِيلِ، فَيَرَاهُمْ الْمُؤْمِنُ هُنَاكَ بَعْدَ مَا كَانُوا حَوْلَ فِرَاشِهِ فَيَقُولُ: يَا
مَلَكُ الْمَوْتِ الْوَحَا الْوَحَا، تَنَاوَلْ رُوحِي وَ لَا تُلْبِسْنِي هِيْهُنَا، فَلَا صَبْرَ لِي عَنْ مُحَمَّدٍ وَ
عِزَّتِهِ وَ الْحِقْنِي بِهِمْ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَتَنَاوَلُ مَلَكُ الْمَوْتِ رُوحَهُ، فَيَسْأَلُهَا كَمَا يَسْأَلُ الشَّعْرَةَ
مِنَ الدَّقِيقِ وَ إِنْ كُنْتُمْ تَرَوْنَ أَنَّهُ فِي شِدَّةٍ، فَلَيْسَ هُوَ فِي شِدَّةٍ، بَلْ هُوَ فِي رَخَاءٍ وَ لَذَّةٍ،

فَإِذَا أُدْخِلَ قَبْرَهُ وَجَدَ جَمَاعَتَنَا هُنَاكَ وَإِذَا جَاءَهُ مُنْكَرٌ وَنَكِيرٌ قَالَ أَحَدُهُمَا لِلْآخَرِ: هَذَا مُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَخِيَارُ صِحَابَتِهِمْ بِحَضْرَةِ ضَاحِبِنَا، فَلتَضَعُ لهُمَا قِيَاتِيَانِ فَيَسْلَمَانِ عَلَى مُحَمَّدٍ ﷺ سَلَامًا فَرَدَا، ثُمَّ يَسْلَمَانِ عَلَى عَلِيٍّ ﷺ سَلَامًا فَرَدَا، ثُمَّ يَسْلَمَانِ عَلَى الْحَسَنِ ﷺ سَلَامًا يَجْمَعَانِهِمَا فِيهِ، ثُمَّ يَسْلَمَانِ عَلَى سَائِرِ مَنْ مَعَنَا مِنْ أَصْحَابِنَا ثُمَّ يَقُولَانِ: قَدْ عَلِمْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ زِيَارَتَكَ فِي خَاصَّتِكَ لِخَادِمِكَ وَمَوْلَاكَ وَتَوَلَاكَ أَنْ اللَّهَ يُرِيدُ إِظْهَارَ فَضْلِهِ لِمَنْ بِهِدِهِ الْحَضْرَةَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَمَنْ يَسْمَعُنَا مِنْ مَلَائِكَتِهِ بَعْدَهُمْ، لَمَّا سَأَلْنَا، وَلَكِنْ أَمَرَ اللَّهُ لَأَبَدٌ مِنْ إِمْتِنَانِهِ.

ثُمَّ يَسْأَلَانِهِ فَيَقُولَانِ: مَنْ رَبُّكَ؟ وَمَادِيبُكَ؟ وَمَنْ نَبِيُّكَ؟ وَمَنْ إِمَامُكَ؟ وَمَا قِبْلَتُكَ؟ وَمَنْ إِخْوَانُكَ؟ فَيَقُولُ: اللَّهُ رَبِّي وَمُحَمَّدٌ نَبِيِّي وَعَلِيٌّ وَصِيِّ مُحَمَّدٍ ﷺ إِمَامِي، وَالكَعْبَةُ قِبْلَتِي وَالْمُؤْمِنُونَ الْمَوَالُونَ لِمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَآلِهِمَا وَأَوْلِيَايَهُمَا الْمُعَادُونَ لِأَعْدَائِهِمَا إِخْوَانِي وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَأَنَّ أَخَاهُ عَلِيًّا وَوَلِيَّ اللَّهِ وَأَنَّ مَنْ نَصَبْتَهُمُ لِلْإِمَامَةِ مِنْ أَطَائِبِ عِثْرَتِهِ وَخِيَارِ ذُرِّيَّتِهِ خُلَفَاءَ الْأُمَّةِ وَوَلَاةَ الْحَقِّ، وَالْقَوَامُونَ بِالْعَدْلِ، فَيَقُولَانِ: عَلَى هَذَا حَيِّثُ، وَعَلَى هَذَا مِثُّ وَعَلَى هَذَا تَبَعْتُ انْشَاءَ اللَّهِ وَتَكُونُ مَعَ مَنْ تَوَلَّاهُ فِي دَارِ كَرَامَةِ اللَّهِ وَتُسْتَقَرُّ رَحْمَتِهِ... الخبر، (۱).

امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: مؤمن دوست دار محمد و آل محمد علیهم السلام که علی را پس از محمد صلی الله علیه و آله امام خویش دانسته که الگوی او باشد و آقای خود که سخنانش را تصدیق و افعالش را صحیح دانسته و او را اطاعت کند به اطاعت آن کس که به طاعتش دعوت نموده است برای امور دین و سیاست، هر گاه (چنین مؤمنی را) اجل حتمی که بازگردانده نشود و قضای الهی که مانعی جلوی او می ایستد فرا رسد و ملک الموت و اعوانش نزد او حاضر شوند، محمد رسول الله صلی الله علیه و آله را از یک سوی و علی سید الوصیین علیه السلام را از سوی دیگر بالای سرش

می بیند، و در کنار پاهایش از یک طرف حسن نواده سید الانبیاء علیه السلام و از سوی دیگر حسین سید الشهداء علیه السلام را مشاهده می کند و در پیرامونش و پشت سرشان خواص و دوستانش که سادات این امت هستند، در مرتبه بعد از آقایانشان آل محمد علیهم السلام قرار دارند، پس بیمار مؤمن به آنان نظر می کند و به آنان خطاب می نماید به طوری که خداوند متعال صدای او را از گوش های حاضران محجوب می دارد، هم چنان که دیدن ما اهل البیت را از آنها مخفی می نماید، تا ایمانشان به آن ثواب بیشتری داشته باشد.

به خاطر محنت شدیدی که بر آنها وارد می شود، مؤمن می گوید: پدر و مادرم فدای تو ای رسول خداوند رب العزّة، پدر و مادرم فدای تو ای وصی پیغمبر رحمت، پدر و مادرم فدای شما دو شیر بچه گان محمد علیه السلام و ای نوادگان و فرزندان او، ای دو سید جوانان اهل بهشت که به رحمت و رضوان خداوند نزدیک هستید و خوش آمدید، شماها خوبان اصحاب محمد علیه السلام و علی و فرزندان ایشان علیهم السلام، چقدر اشتیاق دیدارتان را داشتم و اکنون به شدت از دیدارتان خوشحالم، ای رسول خدا اینک ملک الموت به بالینم حاضر است و تردید ندارم که در دل او بزرگ هستم به خاطر موقعیت شما و موقعیت برادرتان، پس رسول الله صلی الله علیه و آله می فرماید: همینطور است.

پس رسول خدا صلی الله علیه و آله به سوی ملک الموت متوجه می شود و می فرماید: ای ملک الموت سفارش خداوندی را در احسان به پیرو ما و خادم ما و محب ما رعایت کن، ملک الموت می گوید: ای رسول خدا به او امر فرما تا به آنچه خداوند برایش در بهشت مهیا کرده نظر افکند، رسول اکرم صلی الله علیه و آله به او فرماید: به بلندی نگاه کن. پس نظری می افکند بر آنچه اندیشه ها آن را در نیابند و به حدّ و حساب نیابند، آنگاه ملک الموت می گوید: چگونه آسان بگیرم بر کسی که آن ثواب او است و این محمد صلی الله علیه و آله و عترت او دیدار کنندگان او، ای رسول خدا صلی الله علیه و آله اگر خداوند مرگ را گردنه ای قرار نداده بود که به بهشت نرسد کسی مگر از آن بگذرد، روح او را

نمی‌گرفتم. ولی خادم و دوست تاسی جوید به تو و به سایر پیغمبران و رسولان و اولیاء خدا که به حکم الهی مرگ را چشیدند.

پس محمد ﷺ می‌فرماید: ای ملک الموت بگیر برادرمان را که به تو تسلیم کردیم و سفارش خیر را درباره‌اش بپذیر، آنگاه آن حضرت و همراهانش به سوی باغهای بهشت بالا می‌روند در صورتیکه حجاب و پرده از چشم آن مؤمن بیمار کنار رفته باشد، پس آنها را در جایگاه خودشان می‌بیند پس از آن که در پیرامون رختخوابش بودند، پس می‌گوید: ای ملک الموت بشتاب بشتاب، روح مرا بگیر و اینجا مرا مگذار که از دوری محمد و عترت او ﷺ صبر ندارم، مرا به آنها ملحق ساز، در این هنگام ملک الموت روح او را می‌گیرد و همچون مویی که از آرد برکشند جان او را از کالبد بر آورد و اگر شما او را در شدت می‌بینید در حقیقت او در سختی نیست، بلکه در راحتی و لذت است و چون او را در قبر گذارند، ما را در آنجا می‌یابد. و هنگامی که منکر و نکیر به سراغش بیایند به یکدیگر گویند: این محمد و علی و حسن و حسین و نیکان اصحابش نزد این شخص حاضرند، باید برای آنها کوچکی کنیم، پس می‌آیند بر محمد ﷺ جداگانه یک سلام می‌کنند و بر علی ﷺ می‌آیند جداگانه یک سلام می‌کنند، پس بر حسین ﷺ با هم یک سلام می‌کنند و آنگاه سلامی بر تمام یارانی که همراه ما می‌باشند سلام می‌نمایند. پس می‌گویند: دانستیم ای رسول خدا که از خادم و پیرو خودت دیدن کردی و اگر چنین نبود که خداوند می‌خواهد فضیلت او را برای فرشتگانی که حضور دارند و فرشتگانی که بعداً جریان را خواهند شنید آشکار سازد، از او سؤال نمی‌کردیم، ولی امر الهی را باید امتثال کرد.

آنگاه از او می‌پرسند: خدای تو کیست؟ دین تو چیست؟ و پیغمبر تو کیست؟ و امام تو کیست؟ و قبله ات کدام است؟ و برادرانت کیانند؟ می‌گوید: الله پروردگار من است و محمد ﷺ پیغمبر من است و علی ﷺ جانشین محمد ﷺ امام من و کعبه قبله‌ام و مؤمنان پیروان محمد و علی و آل آنها و دشمنان معاندان ایشان، برادران

منند، و شهادت می‌دهم که جز خدای یکتا معبودی نیست و خدا شریکی ندارد و گواهی می‌دهم که محمد بنده و فرستاده او است و این که برادرش علی ولی خدا است و آنها که از پاکیزگان عترتش برای امامت نصب کرد خلفاء امت و والیان برحق و قیام کنندگان به عدل می‌باشند. پس (نکیر و منکر) گویند: بر این باور زندگی کردی و بر همین مُردی و بر همین عقیده ان شاء الله برانگیخته خواهی شد و با آنکس که ولایتش را داشته‌ای در منزلگاه کرامت و قرارگاه رحمت خواهی بود.

مرانم از در خود گرچه پستم
زیا افتاده‌ام برگیردمتم
تو باید دست این افتاده گیری
چرا که من فقط دل بر تو بستم

❁ یا صاحب الزمان ❁

صفات را گواه آورده‌ام من
به فضل تو پناه آورده‌ام من
برای روز فقر و فاقه‌ای دوست
ولایت، زاد راه آورده‌ام من

❁ یا صاحب الزمان ❁

اگر میرد دعاگوی تو آقا
بشارت می‌شود، جنات اعلی
مدارا می‌شود با او به نر می
به دیدارش بیایی ای دل آرا

❁ یا صاحب الزمان ❁

دعا گویت به هنگام سماتش
ز اجداد تو می‌گیرد براتش
کند با او مدارا قابض روح
دعایش بوده اسباب نجاتش

«المکرمه السادسة والثلاثون: اجابة دعوة الله و دعوة رسوله صلی الله علیه و آله»

«فایده می و ششم: اجابت دعوت خدا و رسولش صلی الله علیه و آله»

(۱) قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُخَيِّطُكُمْ (۱)».

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید اجابت کنید خدا و رسولش را، هرگاه شما را فرا خواند به آنچه شما را زنده می‌کند».

بدون شک منظور از زندگی در این آیه زندگی ابد و معیشت خوش و خرم است که با پیروی کردن از پیامبر ﷺ حاصل می‌گردد و قبلاً بیان کرده‌ایم که تمام آنچه جانشینان معصوم پیامبر ﷺ امر فرموده‌اند، یا انجام داده‌اند امر و فرمان خدا و رسول است و یقیناً یکی از اوامر آنها بلکه مهم‌ترین امرشان، دعا کردن برای امام زمان ﷺ می‌باشد.

(۲) قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنكُمْ» (۱).

ای کسانی که ایمان آورده‌اید اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید رسول و اولی الامر از خودتان را.

در این آیه نیز مؤمنون امر به اطاعت از خدای متعال و رسول اکرم و جانشینان او شده‌اند.

سؤال این است که:

الف: در چه چیزی باید اطاعت کنیم، آیا در اوامر آن بزرگواران نیست؟

ب: آیا دعا برای تعجیل فرج یکی از اوامر آنها نمی‌باشد؟

ج: آیا با دعا کردن جز مطیعین نخواهیم بود؟

بنابراین با دعا کردن برای امام زمان ﷺ یقیناً جزء مطیعین و اجابت‌کنندگان امر الهی و رسول مکرمش ﷺ خواهیم بود.

قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ الْحُسْنَى وَ الَّذِينَ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُ لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً وَ مِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ أُولَئِكَ لَهُمْ سُوءُ الْحِسَابِ وَ مَا أُولَئِكَ بِمُعْتَدِينَ لِلْجَهَنَّمَ وَ يَشَسُّ الْمِيَاهُ» (۲)

برای آنها که دعوت پروردگارشان را اجابت کردند پاداش نیکو است و کسانی که دعوت او را اجابت نکردند (آن چنان در وحشت عذاب الهی فرو می‌روند که) اگر

تمام آنچه روی زمین است و همانندش از آن آنها باشند، همه را برای رهایی از عذاب می دهند (ولی از آنها پذیرفته نخواهد شد)، برای آنها حساب بدی است و جایگاهشان جهنم و چه بد جایگاهی است.

(۴) قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: مَنِ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ عَزَّ مَطْلَبُهُ (۱).

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: هر کس به خدا پناه برد مطلب و منظورش عزیز گردد.

(۵) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَعْصِمُ مَنْ أَطَاعَهُ وَ لَا يَعْصِمُ مَنْ عَصَاهُ (۲).

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: همانا خدای عزوجل کسی که اطاعت او کند، نگهداریش نماید و هر که نافرمانیش کند نگهداریش نفرماید.

خداوندا رسان از ما سلامش	به گوش ما رسان یا رب کلامش
به سوز سینه مجروح زهرا	نما تسجیل در امر قیامش

● یا ما هب الزمان ●

تو فرمودی برای من دعا کن	ظهورم را تقاضا از خدا کن
رواگر حاجت ما را نکردی	خدایا حاجت او را روا کن

● یا ما هب الزمان ●

(اطیعوا الله...)	دعا مصداق کامل هست بر آن
اگر فرموده قرآن	دعا بهر فرج باشد مسلمان
جواب دعوت حق و رسولش	

● یا ما هب الزمان ●

اجابت کن تو دعوتهای حق را	دعا کن بهر آن مولای تنها
اگر پیغمبرت هم کرده دعوت	بسود آن، در دعای بهر مولا

المکرمۃ السابعة و الثلاثون: کونه مع امیرالمؤمنین علیه السلام فی درجته»

«فایده سی و هفتم: قرار گرفتن در درجه امیرالمؤمنین علیه السلام»

برای بیان این فایده اشاره می شود به یک حدیث شریف:

(۱) عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ: لِلْقَائِمِ مِنَّا غَيْبَةٌ أَمَدُهَا طَوِيلٌ، كَأَنِّي بِالشَّيْءِ وَلَوْ أَنَّ جَوْلَانَ النَّعَمِ فِي غَيْبَتِهِ، يَطْلُبُونَ الْمَرْعَى فَلَا يَجِدُونَهُ، أَلَا فَمَنْ ثَبَتَ مِنْهُمْ فِي دِينِهِ، وَلَمْ يَمَسْ قَلْبُهُ لَطُولِ أَمَدِ غَيْبَةِ إِمَامِهِ، فَهُوَ مَعِيَ فِي دَرَجَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ. ثُمَّ: إِنَّ الْقَائِمَ مِنَّا إِذَا قَامَ لَمْ يَكُنْ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ فَلِذَلِكَ تُخْفَى وِلَادَتُهُ وَ يَغِيبُ فَضَّهُ (۱) .

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: قائم ما را غیبتی است که مدتش طول می کشد، گویا ما را می بینم که در دوران غیبت او بسان گوسفندی که دنبال چراگاه می گردد، اما چراگاهند، اما آن را نمی یابند، توجه کنید که هر کس از آنها بر دین خود ثابت نماند و دلش بر اثر طول غیبت امامش قساوت بگیرد، روز قیامت با من خواهد بود درجه ام. سپس فرمودند: به درستی که چون قائم ما علیه السلام به پا خیزد برای احدی در بیعتی نخواهد بود، به همین جهت ولادتش مخفیانه انجام می گیرد و دلش از انظار غایب می شود.

تذکره همیشگی اینجا نیز می آید که دعا نمودن برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام نه پایدار ماندن و ثبات ایمان و دین است و هرگاه چنین شد پس در درجه امیرالمؤمنین علیه السلام قرار خواهد گرفت.

الا ای چون علی مولى الموالى
به سویت می کنم پرواز ای دوست
بود جای تو در این بزم، خالی
گر اعطایم نمایی پر و بالی

❁ یا صاحب الزمان ❁

دعا گویت بود اندر سلامت
مقامی حیدری دارد دعا گو
کنار جد مظلومت، قیامت
نباشد لحظه ای اندر ندامت

❁ یا صاحب الزمان ❁

دعا گویت مقامش هست، عالی
امیرالمؤمنین بنموده جایش
کنار جد تو، مولى الموالى
قیامت در کنار خویش، خالی

«المكرمة الثامنة والعشرون: يصير أحب الخلق إلى الله تعالى»

«فایده سی و هشتم: محبوب ترین خلائق نزد خداوند»

دعا کننده برای بقیة الله الاعظم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - محبوب ترین افراد نزد خداوند متعال است. زیرا که با این دعا کردن به عموم مؤمنین نفع رسانیده و نیز شادمانی و سرور را برائمه اطهار و خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله وارد ساخته است. برای شاهد براین مطلب دو حدیث شریف ذکر می شود:

(۱) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: «الْخَلْقُ عِيَالُ اللَّهِ، فَأَحَبُّ الْخَلْقِ إِلَى اللَّهِ مَنْ نَفَعَ عِيَالَ اللَّهِ، وَ أَدْخَلَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ سُورٍ عليه السلام» (۱).

امام صادق عليه السلام فرمودند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند: «خلائق عیال خداوند هستند، پس محبوب ترین افراد نزد خداوند کسی است که به عیال خداوند نفع رساند و خاندانی را مسرور نماید».

(۲) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: «سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مَنْ أَحَبُّ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ؟ قَالَ صلی الله علیه و آله: أَنْفَعُ النَّاسِ لِلنَّاسِ» (۲).

امام صادق عليه السلام فرمودند که: از رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال شد: محبوب ترین مردم نزد خداوند چه کسی است؟ حضرت فرمودند: سودمندترین افراد به حال مردم.

دلم خواهد که محبوب تو باشم	از آن عشاق مطلوب تو باشم
چو یارانت مرا توفیق می ده	که من هم یاور خوب تو باشم

● یا صاحب الزمان ●

زند هر کس به تو دست توئی	بساید سر به عرش حق تعالی
به خلق اول و آخر کنم فخر	که هستم بنده همچون تو مولی

● یا صاحب الزمان ●

دعاگویان احب الخلق هستند	زیاد روی تو هر لحظه مستند
کسانی هم که غافل از تو هستند	چه عاقل یا چه جاهل بت پرستند

● با صاحب الزمان ●

ببود محبوبتر از خلق دنیا
دعا گوی عزیز آل زهرا
چه کس محبوبتر باشد از آنکس
که هر لحظه نموده یاد مولا!

«المكرمة التاسعة والثلاثون: اكرم الخلق عند النبي ﷺ»

«فایده سی و نهم: گرامی ترین خلائق نزد رسول خدا ﷺ»

برای روشن شدن این فایده عرض می‌کنیم که در فایده بیست و یکم گفته شد که دعا کننده برای فرج از برادران رسول خدا ﷺ قلمداد می‌شود، حالا می‌گوییم به طور یقین کسی که برادر حضرت قرار گیرد، قطعاً گرامی ترین خلق نزد ایشان نیز خواهد بود، علاوه بر این در احادیث مختلفی نیز اشاره به این فایده شده است.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَ هُوَ مُقْتَدٍ بِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ، يَتَوَلَّى وَلِيَّهُ، وَ يَتَبَرَّأُ مِنْ عَدُوِّهِ وَ يَتَوَلَّى الْأَيْمَةَ الْهَادِيَةَ مِنْ قَبْلِهِ أَوْلِيكَ رُفَقَائِي وَ ذُووِ وُدِّي وَ مَوَدَّتِي وَ أَكْرَمُ أُمَّتِي عَلَيَّ ^(۱)».

از امام صادق عليه السلام روایت شده که حضرت رسول اکرم ﷺ فرمودند: «خوشا به حال کسی که قائم اهل بیتم را درک نماید در حالی که پیش از قیامش به او اقتدا کرده باشد، دوست او را دوست بدارد و از دشمنش بیزاری جوید و ولایت امامان هدایت کننده پیش از او را داشته باشد، آنها رفقای من و اهل دوستی و مودت من و گرامی ترین افراد امتم بر من هستند».

قطعاً یکی از موارد اقتداء کردن به امام عليه السلام دعا نمودن برای تعجیل فرج ایشان می‌باشد، زیرا که خود آن بزرگوار نیز لحظه پس از ولادتشان دعا نمودند برای همین امر در آنجایی که فرمودند:

«اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي وَعْدِي وَ أْتِمِّمْ لِي أَمْرِي وَ تَبِّثْ وَ طَأْتِي وَ اَمْلَأِ الْأَرْضَ بِبِي عَدْلًا وَ قِسْطًا ^(۲)».

پروردگارا وعده مرا تنفیذ کن و امر مرا به اتمام برسان و گام‌هایم را استوار گردان
و زمین را به واسطه من پراز عدل و قسط گردان.

بود یاد تو ما را قوت دل
منور شد زیادت مساحت دل
به هر اندازه دل مهر تو دارد
همان اندازه باشد قیمت دل

❁ یا صاحب الزمان ❁

بود اشرف‌ترین خلق خداوند
دعاگوی ظهور مهدی او
به پیش مصطفی با قلب خرسند
همان مهدی که در غیبت شده بند

❁ یا صاحب الزمان ❁

بود پیغمبر از آن فرد، خوشحال
لذا باشد گرامیتر زهر کس
که می‌کرده دعا با سوز و با حال
دعا گو پیش پیغمبر، و هم آل

«المکرمة الاربعون: دخول الجنة بضمانه النبي صلى الله عليه وآله»

«فایده چهلیم: داخل شدن به بهشت به ضمانت پیامبر صلى الله عليه وآله»

دلیل این مطلب روایتی است که مرحوم صدوق در کتاب خصال ذکر کرده است:

(۱) عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله قَالَ: مَنْ يَضْمِنُ لِي خَمْسًا أَضْمَنُ لَهُ الْجَنَّةَ، قِيلَ: وَمَا هِيَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ صلى الله عليه وآله: النَّصِيحَةُ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَالنَّصِيحَةُ لِرَسُولِهِ صلى الله عليه وآله، وَالنَّصِيحَةُ لِكِتَابِ اللَّهِ وَالنَّصِيحَةُ لِدِينِ اللَّهِ وَالنَّصِيحَةُ لِجَمَاعَةِ الْمُسْلِمِينَ. (۱)

رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمودند: «هر کس پنج چیز را برای من تضمین کند، بهشت را برای او ضمانت می‌کنم، گفته شد یا رسول الله آنها چیست؟ فرمودند: نصیحت برای خداوند عزوجل، نصیحت برای رسول او، و نصیحت برای کتاب خداوند و نصیحت برای دین خدا و نصیحت برای جامعه مسلمین.»

البته مشخص است که نصیحت طلب خیر است و تردیدی نیست که تمام اقسام

پنج‌گانه فوق با دعا کردن برای تعجیل فرج غریب فاطمه علیها السلام حاصل می‌شود، زیرا که با ظهور آن حضرت غم و غصه از اولیای خدا برطرف شده و رسول خدا صلی الله علیه و آله مسرور گشته و احکام کتاب خدا آشکار شده و دین خدای متعال بر جهان غالب و فرج برای جامعه مسلمین حاصل می‌شود.

دعاکن تا کنی حفظ این امانت
که پیغمبر کند بهرت ضمانت
بهشت جاودان و نعمت وصل
می‌آید بسنگرد از تو خیانت

● با صاحب الزمان ●

ضمانت می‌کند جنت پیمبر
دعا گوین مهدی را سراسر
دعایت گر بود با سوز و اخلاص
بدان بهر تو زهرا هست مادر

«المکرمة الحادية و الاربعون: يشمله دعاء رسول الله صلی الله علیه و آله»

«فایده چهل و یکم: مشمول دعای رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌شود»

برای بیان این مطلب هم اشاره به یک حدیث شریف می‌شود:

(۱) «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله بَعْدَ ذِكْرِ الْأَئِمَّةِ الْمَغْضُومِينَ علیهم السلام رَفَعَ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ وَقَالَ: «اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالِي خُلَفَائِي وَأَئِمَّةَ أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُمْ، وَانصُرْ مَنْ نَصَرَهُمْ، وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُمْ» (۱).

«رسول اکرم صلی الله علیه و آله پس از یاد کردن از ائمه اطهار علیهم السلام دستهای خود را به دعا برداشت و گفت: خدایا دوست بدار هر که خلفای مرا دوست بدارد و ولای امامان امتم را پس از من داشته باشد و دشمن بدار هر کس را که با آنها دشمنی کند و هر که آنها را یاری کند یاری کن، و هر که خواریشان را بخواد، خواریش گردان.»

بدون شک دعا برای صاحب الزمان علیه السلام موالات و یاری آن حضرت و تمام امامان علیهم السلام است.

دعای مصطفی هم شامل اوست دعا گویی که با جان و رگ و پوست
دعا گوید تو را هر روز و هر شب چه چیزی بهتر از این یاری دوست؟!

❁ یا ماص الزمان ❁

کند بر تو دعا پیغمبرت هم گمرازه های مهدی می خوری غم
اگر کردی دعا بهر ظهور اباصالح، همان منجی عالم

«المکرمة الثانية و الاربعون: غفران الذنوب و تبدیل السيئات بالحسنات»
«فایده چهل و دوم: آمرزش گناهان و مبدل شدن سیئات به حسنات»

چندین حدیث دلالت بر این مطلب می کنند:

(۱) عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: مَا جَلَسَ قَوْمٌ يَذْكُرُونَ اللَّهَ (عَزَّ وَجَلَّ) إِلَّا نَادَاهُمْ مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ: قَوْمُوا، فَقَدْ بَدَّلْتُ سَيِّئَاتِكُمْ حَسَنَاتٍ، وَ غُفِرَتْ لَكُمْ جَمِيعاً^(۱).

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «هیچ قومی به ذکر خدای عزوجل ننشینند مگر این که فرشته ای از آسمان آنها را آواز دهد که: برخیزید، به تحقیق که سیئات شما مبدل به حسنات شد و همگی شما آمرزیده شدید.»

دعا برای مولا یمان بقیة الله الاعظم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - از اقسام ذکر خداوند است. پس در هر جلسه ای که مؤمن برای مولایش دعا کند به این مکرمت و فایده نایل گردیده است.

دلیل بر این که یاد آن حضرت از اقسام ذکر خدا است، روایتی است که ذکر می شود:

(۲) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: مَا اجْتَمَعَ قَوْمٌ فِي مَجْلِسٍ لَمْ يَذْكُرُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَ لَمْ يَذْكُرُونَا إِلَّا كَانَ ذَلِكَ الْمَجْلِسُ حَسْرَةً عَلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. ثُمَّ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ﷺ: إِنَّ ذِكْرَنَا مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ ذِكْرَ عَدُوِّنَا مِنْ ذِكْرِ الشَّيْطَانِ. (۲)

۱- عدة الداعي، ص ۲۳۸.

۲- کافی، ج ۲، ص ۴۹۶، وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۱۱۸.

امام صادق علیه السلام فرمودند: «هیچ قومی در مجلسی جمع نمی‌شوند که ذکر خدا نکنند و از ما یاد نکنند، مگر این که آن مجلس روز قیامت مایه حسرت آنها خواهد بود، پس فرمود: امام باقر علیه السلام فرمودند: ذکر ما از ذکر خداست و یاد دشمنان ما از یاد شیطان است.»

ملائک ریزه خواران نوالت

تمام اولیاء محو جمالت

ولی تنها منم وزر و و بالت

تمام عاشقانت زینت تو

❁ یا صاحب الزمان ❁

امیرا همنشین این گدا شو

شبی با من بیا و هم نوا شو

به جان مادرت از من رضا شو

اگر دلگیری از اعمال زشتم

❁ یا صاحب الزمان ❁

گنهکارم تو غفار الذنوبی

پر از عییم، تو ستار العیوبی

چه خونگرمی، چه محبوبی چه خوبی

بدم من بدتر از هر بد ولی تو

❁ یا صاحب الزمان ❁

خطاکارم نظیر بشر حافی

اگر سر می‌زند از من خلاقی

عنایت کن به من یک قلب صافی

به یک جلوه به یک پیغام جان بخش

❁ یا صاحب الزمان ❁

دعا کردی تو با اخلاص بی حد

اگر بهر غریب آل احمد

شوی در (جنت المأوی) سرآمد

گناهات بدل گردد به خوبی

اگر عاصی ست، آمرزیده گردد

یقین دارم دعا گوی ظهورش

که منزل دارد او پیش محمد

دعا گوی فرج آن قدر بالاست

اگر بهر دعا گردی مرده

شوی گمراه ای جان برادر

«المکرمة الثالثة والاربعون: يؤیّدہ اللّٰہ تعالیٰ فی العبادۃ»

«فایده چهل و سوم: وسیله تأیید خداوند در عبادت»

هرگاه مؤمن مداومت بر دعا کردن جهت تعجیل فرج بقیّة اللّٰہ الاعظم عجل اللّٰہ

تعالی فرجه الشریف - داشته باشد، همین مداومت سبب می‌شود که خدای متعال

انسان را در عبادت تأیید نماید.

دلیل بر این مطلب حدیثی است که ذکر می شود:

(۱) عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: قَالَ سُبْحَانَهُ: وَإِذَا عَلِمْتَ أَنَّ الْغَالِبَ عَلَيَّ عَبْدِي الْأَشْتِغَالُ بِي، نَقَلْتُ شَهْوَتَهُ فِي مَسْأَلَتِي وَ مُنَاجَاتِي، فَإِذَا كَانَ عَبْدِي كَذَلِكَ، فَأَرَادَ أَنْ يَسْهَوْ حُلَّتْ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ أَنْ يَسْهَوْ، أَوْلَيْتَكَ أَوْلِيَانِي حَقًّا، أَوْلَيْتَكَ الْأَبْطَالَ حَقًّا، (۱).

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: خدای سبحان فرمودند: «هرگاه بدانم که اشتغال به من بر بنده ام غالب است، شهوتش را در سؤال و مناجات خودم فرار می دهم، و هرگاه بنده ام چنین شد، پس اگر خواست اشتباه کند بین او و اشتباه کردن حائل می شوم، حقا که آنان اولیاء من هستند، حقا که آنان قهرمانان هستند.»
بیان دلالت روایت بر مطلب:

دعا از مهم ترین اقسام عبادت ها می باشد و شکی نیست که ارزنده ترین و عظیم ترین انواع دعا آن است که برای کسی باشد که خداوند حقش را بر تمام خلائق واجب ساخته و به برکت وجود او فیض به همه موجودات می رسد.

و شکی نیست که مراد از اشتغال به خداوند مشغول بودن به عبادت اوست.

مناسب است اینجا خوابی که آقای میرزا محمد باقر اصفهانی مؤلف کتاب «الفوز

الاکبر فیما يتعلق به امام العصر علیه السلام» دیده است، نقل کنیم که می فرماید:

شبی از شب ها در خواب یا بین خواب و بیداری مولایم امام حسن مجتبی علیه السلام را

دیدم که نزدیک به این تعبیر فرمودند: در منبرها به مردم بگوئید و آنها را امر کنید که

توبه کنند و برای فرج و تعجیل ظهور حضرت حجت علیه السلام دعا نمایند، و این دعا مثل

نماز میت نیست که واجب کفایی باشد و با انجام آن از سوی بعضی مکلفین از

سایرین ساقط گردد، بلکه مانند نمازهای یومیّه است که بر تمام مکلفین واجب

است آن را انجام دهند.»

کریمی چون تو نبود هیچ موجود

تو مشهوری به لطف و رحمت وجود

زدرگاه خدا هم هست مردود

بسیفتد گر کسی از دیده تو

● یا صاحب الزمان ●

الا ای قسبله راز و نیازم
تویی راه خدا، هر روز ده بار
که با مهر و ولایت سرفرازم
زحق می خواهم آن را در نمازم

● یا صاحب الزمان ●

من آشفته دل را گاه و بیگاه
مکن دست مرا از دامن او
به بزم خاص قرب خود بده
خدایا کمتر از یک لحظه کوتاه

● یا صاحب الزمان ●

ندارد هر که با تو اتصالی
اگر حال حضوری هست ما را
کجا پیماید او راه تعالی
دهد یاد تو ما را شور و حالی

● یا صاحب الزمان ●

شود شامل به تأیید خدا را
عبادت می شود آنگاه مقبول
دعا گوی غریب آل طاهرا
که کردی وقف مولایت، دعا را

● یا صاحب الزمان ●

اگر خواهی تو تأیید خداوند
دعا کن تا که از زندان غیبت
دعا کن بهر آن مظلوم دریند
بیاید، تا همه گردند خرمند

«المکرمة الرابعة و الاربعون: يدفع به العقوبة عن اهل الارض»

«فایده چهل و چهارم: دفع عقوبت از اهل زمین»

هرگاه مؤمنی برای تعجیل در فرج امام زمان علیه السلام دعا کند همین امر سبب می شود تا بلا و عقوبت از اهل زمین دفع شود و شاهد بر این مطلب احادیث متعددی است که به یک مورد اشاره می شود:

(۱) عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَغِيبُ عَنْهُمْ إِمَامُهُمْ، فَيَأْتِيهِمْ طُوبَى لِّلثَّابِتِينَ عَلَى أَمْرِنَا فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ إِنْ أَذْنَى مَا يَكُونُ لَهُمْ مِنَ الثَّوَابِ أَنْ يُنَادِيَهُمُ الْبَارِيُّ جَلَّ جَلَالُهُ فَيَقُولُ: عِبَادِي وَإِمَانِي، آمَنْتُمْ بِسِرِّي وَصَدَّقْتُمْ بِغَيْبِي فَابْشِرُوا بِحُسْنِ الثَّوَابِ مِنِّي، فَأَنْتُمْ عِبَادِي وَإِمَانِي حَقًّا، مِنْكُمْ أَتَقْبَلُ وَ عَنْكُمْ أَعْفُو، وَ لَكُمْ أَعْفَرُ، وَ بِكُمْ أَسْقَى عِبَادِي الْغَيْثَ، وَ أَدْلَعُ عَنْهُمْ الْبَلَاءَ وَ لَوْلَاكُمْ لَأَنْزَلْتُ عَلَيْهِمْ

عذابیه (۱).

امام باقر علیه السلام فرمودند: «زمانی بر مردم خواهد رسید که امام آنها از ایشان غایب شود، ای خوشا بحال آنان که بر امر ما پایدار بمانند در آن زمان کمترین چیزی از ثواب که به آنها رسد این است که خدای متعال به آنها ندا کند، بندگان من و کنیزان من به سر من ایمان آوردید و غیب مرا تصدیق کردید، پس بشارت باد شما را به ثواب نیک از من، ای بندگان و کنیزان من حقا که از شما قبول می‌کنم و از شما عفو می‌نمایم و شما را می‌آمزم و به شما بندگانم را از باران سیراب می‌گردانم و بلا را از آنها دفع می‌نمایم، اگر شما نبودید عذابم را بر آنها نازل می‌کردم».

اگر رفع عقوبت گردد از ما	بود واللّه، از یمن دعاها
بلاها را کند دور این دعایت	دعا بهر ظهور پور زهرا

❁ یا صاحب الزمان ❁

اگر روزی نباشد یک دعا گو	کند بر ما عقوبات خدا، رو
بلا آنگه شود دور از خلائق	که باشی با دعایت حامی او

❁ یا صاحب الزمان ❁

نهاده بنده‌ای از بندگان	سرخود را بخاک آستانت
کریم از تو می‌خواهم بیک چشم	نظر بنما بخوبان و بدانت

❁ یا صاحب الزمان ❁

نگار دلربای ما کریم است	چو جدش صاحب خلق عظیم است
گنه‌کاران عالم را خبیره	که آن سرور عفو است و رحیم است

«المکرمة الخامسة و الاربعون: الفوز بثواب اعانه المظلوم و نصره»

«فایده چهل و پنجم: ثواب کمک و یاری مظلوم»

برای بهتر نایل شدن به این ثواب، لازم است که در ابتدا ثواب یاری مظلوم را دانست، آنگاه از جان مایه گذاریم برای دعا کردن جهت تعجیل فرج مولای مظلوم و غریبمان حجة بن الحسن علیه السلام.

لذا عرض می‌کنیم که برای این امر احادیث فراوانی است که به چند مورد اشاره می‌کنیم:

(۱) عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام قَالَ: وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِي عَوْنِ الْمُؤْمِنِ مَا كَانَ الْمُؤْمِنُ فِي عَوْنِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ (۱).

امام صادق عليه السلام فرمودند: «خداوند عزوجل یار مؤمن است مادامیکه مؤمن در یاری برادر مؤمنش باشد».

(۲) عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام قَالَ: مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يُعِينُ مُؤْمِنًا مَظْلُومًا إِلَّا كَانَ أَفْضَلَ مِنْ صِيَامِ شَهْرٍ وَاعْتِكَافِهِ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ، وَ مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَنْصُرُ أَخَاهُ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَى نُصْرَتِهِ إِلَّا نَصَرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ (۲).

امام صادق عليه السلام فرمودند: هیچ مؤمنی، مؤمن مظلومی را یاری نکند مگر این که بهتر است از روزه یک ماه و اعتکاف آن در مسجد الحرام و هر مؤمنی برادرش را یاری کند در حالی که قدرت بریارش داشته باشد خداوند او را در دنیا و آخرت یاری نماید.

(۳) عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام قَالَ: مَنْ أَعَاثَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ اللَّهْفَانَ عِنْدَ جُحْدِهِ فَنَفَسَ كُرْبَتَهُ، وَأَعَانَهُ عَلَى نَجَاحِ حَاجَتِهِ كَانَتْ لَهُ بِذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ إِثْنَانِ وَ سَبْعُونَ رَحْمَةً مِنَ اللَّهِ، يُعَجَّلُ اللَّهُ لَهُ مِنْهَا وَاحِدَةً يُصْلِحُ بِهَا مَعِيشَتَهُ، وَ يَدَّخِرُ لَهُ إِحْدَى وَ سَبْعِينَ رَحْمَةً لِأَفْرَاحِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ أَهْوَالِهِ (۳).

امام صادق عليه السلام فرمودند: «هر کس به فریاد برادر مؤمن ستمدیده خود برسد و به قدر توانش - غم او را برطرف سازد و او را در برآورده شدن حاجتش یاری نماید، بدین کار نزد خداوند هفتاد و دو رحمت برای او خواهد بود، یکی از آنها را به زودی به او می‌رساند که زندگیش سامان یابد و هفتاد و یک رحمت را ذخیره نماید برای احوال و صحنه‌های ترسناک قیامت».

جای هیچ تردیدی نیست که خود آن بزرگوار نیز مظلوم می باشد و حق واقعی ایشان و اجداد طاهرینش غصب شده است.

تو باید ظلم را ملتی نمایی
بنای عدل را بر پا نمایی
بگیری داد زهرا و علی را
عدوی آن دو را رسوا نمایی

● با صاحب الزمان ●

ثواب یاری مظلوم دارد
دعایت، گمراهی خدا آن را برآرد
از او مظلومتر در این جهان کیست؟!
کسی که اشک او چون ابر بارد

● با صاحب الزمان ●

بیا یاری نما اندر دعایت
تو فرزند علی مرتضایت
خدا شاهد بود مظلومتر نیست
از آن یار خریب با وفایت
لذا حتماً ثواب هر دعایت
بود یاری یار باصفایت
بود او آشنا و شاهد تو
مکن پیش کسی از او شکایت
هزار و چند سالی هست آقا
اگر زندانی غیب خدایت
بود از معصیت‌های زیادت
که مولا را نمود از تو جدایت
بیا مظلوم زهرا را کمک کن
تو با سوز دل و اشک و دعایت

«المكرمة السادسة و الاربعون: فیه ثواب اجلال الكبر و التواضع له»

«فایده چهل و ششم: آثار تواضع و تجلیل بزرگتر را دارد»

آنچه که از آیات و روایات به دست می آید این است که تواضع نمودن برای بزرگتر و تجلیل نمودن از آنان، آثار فراوانی دارد که برای نمونه به چندین مورد آن اشاره می کنیم:

مورد اول: تواضع برای بزرگتر در حقیقت تجلیل خدای متعال است:

(۱) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: «مِنْ إِجْلَالِ اللَّهِ إِجْلَالُ ذِي الشَّيْبَةِ الْمُسْلِمِ» (۱).

امام صادق علیه السلام فرمودند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «از تجلیل خدای متعال، احترام به مسلمان سفید موی می باشد».

(۲) عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام: «مِنْ إِجْلَالِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ الْمُؤْمِنِ ذِي الشَّيْبَةِ، وَ مَنْ أَكْرَمَ مُؤْمِنًا فَبِكْرَامَةِ اللَّهِ بَدَأَ، وَ مَنْ اسْتَحْفَ بِمُؤْمِنٍ ذِي شَيْبَةٍ أَرْسَلَ اللَّهُ إِلَيْهِ مَنْ يَسْتَحْفُ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ» (۱).

امام صادق علیه السلام فرمودند: «از اقسام تجلیل خداوند عزوجل احترام مؤمن محاسن سفید است و هر کس مؤمنی را گرامی بدارد، به کرامت خداوند آغاز کرده است و هر آن که مؤمن موسفیدی را سبک کند خداوند به سوی او فرستد کسی را که بیش از مرگش او را سبک شمارد».

مورد دوم: باعث ایمنی از ترس روز قیامت می شود.

(۳) عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: «مَنْ عَرَفَ فَضْلَ كَبِيرٍ لِسِنِّهِ فَوَقَّرَهُ آمَنَهُ اللَّهُ مِنْ فَرْعٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (۲).

امام صادق علیه السلام فرمودند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر کس فضل بزرگی را به خاطر سنش بشناسد و او را احترام کند، خداوند او را از ترس روز قیامت ایمن نماید».

(۴) عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: مَنْ وَقَّرَ ذَا شَيْبَةٍ فِي الْإِسْلَامِ آمَنَهُ اللَّهُ مِنْ فَرْعٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (۳).

امام صادق علیه السلام فرمودند: «هر کس فرد موسفیدی را در اسلام احترام و توقیر کند، خداوند او را از فزع و ترس روز قیامت ایمن نماید».

مورد سوم: موجب تقرب به درگاه الهی می شود.

(۵) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: «فِيمَا أَوْحَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَى دَاوُدَ: يَا دَاوُدُ، كَمَا أَنَّ أَقْرَبَ النَّاسِ مِنَ اللَّهِ الْمُتَوَاضِعُونَ، كَذَلِكَ أَبْعَدُ النَّاسِ مِنَ اللَّهِ الْمُتَكَبِّرُونَ» (۴).

۱- وسائل الشیعة، ج ۸، ص ۴۶۷.

۲- وسائل الشیعة، ج ۸، ص ۴۶۷.

۳- وسائل الشیعة، ج ۸، ص ۴۶۸.

۴- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۲۳.

امام صادق علیه السلام فرمودند: «از جمله چیزهایی که خداوند به داود وحی فرمود این بود که: ای داود همان طور که نزدیک ترین مردم نزد خداوند متواضعان هستند، همچنین دورترین مردم از خداوند متکبران می باشند.»

مورد چهارم: ادای بعضی از حقوق انسان بزرگتر است.

(۶) عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: لِلْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ سَبْعَةٌ حُقُوقٍ وَاجِبَةٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ الْإِجْلَالُ لَهُ فِي غَيْبَتِهِ... (۱)

رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «مؤمن را بر مؤمن دیگر هفت حق واجب است از خداوند عز و جل: تجلیل او در هنگام غایب بودنش و...»

مورد پنجم: دوستی شخص بزرگتر با دعا کردن برای او حاصل می شود.

دعاکننده با این کارش نزد مولایش مورد مهر و محبت قرار می گیرد، زیرا که این عمل احسان و اظهار محبت است و هر دو موجب محبت می باشند، اضافه بر تعظیم و تکریمی که در آن هست و آن نیز بذر محبت را در دل کسی که برایش تواضع کرده می افشاند، بلکه اصولاً صفت تواضع در میان مردم ایجاد محبت می کند و این امری است محسوس و در روایات متعددی نیز آمده من جمله:

(۷) عَنْ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ الْأَبْرَارِ، أَنَّهُ قَالَ: ثَلَاثٌ يُوجِبُنَّ الْمَحَبَّةَ: حُسْنُ الْخُلُقِ وَ حُسْنُ الرَّفْقِ وَ التَّوَاضُّعِ (۲).

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: سه چیز موجب محبت می شود: حسن خلق، خوب مدارا کردن، تواضع

(۸) عَنِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «ثَلَاثَةٌ تُورَثُ الْمَحَبَّةَ: الدَّيْنُ، وَ التَّوَاضُّعُ وَ الْبَذَلُ» (۳).

امام باقر علیه السلام فرمودند: سه چیز مایه محبت است: قرض دادن، تواضع و بخشش.

مورد ششم: موجب رفعت و بزرگی در پیشگاه خداوند می شود.

(۹) عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِنَّ فِي السَّمَاءِ مَلَائِكِينَ مُوَكَّلِينَ بِالْعِبَادِ، فَمَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ رَفَعَاهُ، وَ مَنْ تَكَبَّرَ وَضَعَاهُ» (۴).

۱- من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۹۸. ۲- دارالسلام، ج ۳، ص ۳۹۷.

۳- دارالسلام، ج ۳، ص ۳۹۷. ۴- کافی، ج ۲، ص ۱۲۲.

امام صادق علیه السلام فرمودند: «دو فرشته در آسمان بر بندگان گماشته شده‌اند، پس هر کس برای خدا تواضع کند او را بالا برند و هر آن کس که تکبر کند او را به پستی کشانند.»

(۱۰) عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي وَصَايَاهُ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ: «يَا عَلِيُّ، وَاللَّهِ لَوْ أَنَّ الْوَضِيعَ فِي قَعْرِ بَيْتِ رَبِّكَ لَبَعَثَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَيْهِ رِيحاً تُرْفَعُهُ فَوْقَ الْأَخْيَارِ فِي دَوْلَةِ الْأَشْرَارِ»^(۱)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در وصایایش به علی علیه السلام فرمودند: «یا علی به خدا اگر فروتنی در نه چاهی باشد، خداوند عزوجل بادی برانگیزد که او را در دولت اشراار بالاتر از اختیار قرار دهد.»

یک کلام مناسب:

عزیزان خواننده وقتی تجلیل نمودن یک مؤمن موسفید این همه آثار مفید داشته باشد، خوب اگر فردی را که از همه مردم ایمانش کامل تر، از همگان اصل و نسبش برتر و نسبت به همه سنش بیشتر می باشد، احترام و تجلیل کنیم، چه آثار عجیبی برای ما به دنبال خواهد داشت، العاقل بکفیه الإشارة.

همه آثار تجلیل بزرگان	بود اندر دعای او به قرآن
اگر خواهی بدانی چیست آثار	کنی پیدا تو از (مکیال) آسان

● یا صاحب الزمان ●

تواضع کن بزرگان از تو با این	دعایت، بهر آن مولای غمگین
اگر از غصه اش بودی خیردار	نمی کردی تو راحت، خواب سنگین

«المکرمۃ السابعة والاربعون: فیه ثواب طلب ثار مولانا الحسین علیه السلام»

«فایده چهل و هفتم: ثواب خون خواهی امام حسین علیه السلام را دارد.»

از جمله اموری که با دعا کردن برای تعجیل فرج مولایمان صاحب الزمان علیه السلام

حاصل می شود: ثواب خون خواهی مولای مظلوم و غریب و شهیدمان حسین بن علی علیه السلام است و این امری است که احدی جز خدای متعال نمی تواند ثواب آن را احصاء کند.

«وَأَنْ يَزُرُّنِي طَلَبَ ثَارِي مَعَ إِمَامٍ مَهْدِيٍّ ظَاهِرٍ نَاطِقٍ بِالْحَقِّ مِنْكُمْ».

«و از خداوند خواهانم که به من روزی نماید خون خواهی خودم را با امام هدایت شده آشکار حقیقی از شما».

و همگان می دانند که خون خواهی آن حضرت و وظیفه هر مؤمن است، زیرا که آن جناب پدر حقیقی آنان می باشد.

(۱) قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: لَنْ تَنْقَطِعَ سِلْسِلَةُ الْهَدْيَانِ حَتَّى يُدْرِكَ الشَّارُ مِنَ الزَّمَانِ (۱)

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: رشته هدیان (و سخنان پاوه و دروغ) قطع نمیشود تا این که از روزگار خون خواهی پیدا گردد (تا ظهور حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشريف) که: خون خواهی خون های شهدا خواهد کرد.

به سوی کربلا ای پور زهرا

شب جمعه اگر گشتی مهیا

سلامی هم بده از جانب ما

به جد تشنه کام سرجدایت

❁ یا مصلح الزمان ❁

ثوابش، طالب خون حسین است

دعا گویی که اندر شور و شین است

که بهر یار، همچون نور عین است

دعا گویش رود آن قدر بالا

❁ یا مصلح الزمان ❁

دها کن بادل و جان و رگ و پوست

طلب کن خون ثارالله ای دوست

طلب کردن از آن خون ها چه نیکوست!

بسین، باشد دعایت چون ثواب

«المكرمة الثامنة و الاربعون: تحمّل أحاديث الائمة الطاهرين عليهم السلام»

«فايده چهل و هشتم: تحمّل احاديث مشكل اهل البيت عليهم السلام»

برای بیان این مطلب محتاج به چند شاهد هستیم از زبان معصومین تا:

اول: بدانیم احادیث مشکل وجود دارد.

دوم: قابلیت تحمّل آن احادیث را به بعضی داده‌اند.

(۱) عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام عَنْ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عليه السلام قَالَ: «إِنَّ عِلْمَ الْعُلَمَاءِ صَعْبٌ مُسْتَصْعَبٌ لَا يَخْتَمِلُهُ إِلَّا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ، أَوْ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ أَوْ عَبْدٌ مُؤْمِنٌ اِمْتَحَنَ اللَّهَ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ». (۱)
امام سجاده عليه السلام فرمودند: «به تحقیق که علم علماء صعب مستصعب است که آن را تحمل نکند مگر پیغمبر مرسل یا فرشته مقرب و یا بنده مؤمنی که خداوند دلش را برای ایمان آزموده باشد».

(۲) عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: «حَدِيثُنَا صَعْبٌ مُسْتَصْعَبٌ لَا يُؤْمِنُ بِهِ إِلَّا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ أَوْ نَبِيٌّ مُرْسَلٌ، أَوْ عَبْدٌ اِمْتَحَنَ اللَّهَ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ فَمَا عَرَفَتْ قُلُوبُكُمْ فَخُذُوهُ، وَ مَا اَنْكَرَتْ فَرُدُّوهُ إِلَيْنَا» (۲).

امام باقر عليه السلام فرمودند: «حدیث ما صعب مستصعب است که به آن ایمان نیاورد مگر فرشته مقرب یا پیامبر مرسل یا بنده‌ای که خداوند قلبش را برای ایمان آزموده است، پس هر چه را دل‌هایتان شناخت بگیرید و هر آنچه برایتان نا آشنا بود به ما رد کنید».

دل از هر هاشق شیدا گرفتی

به خلوتگاه دل سُکنی گرفتی

تو در جای خدا ماوی گرفتی

بود دل جای مخصوص خداوند

● باطله الزمان ●

شود آسان و راحت بادعایت

حدیث صعب آل مصطفایت

کند با حرف معصوم آشنایت

دها نیرو دهد بهر تحمّل

● یا صاحب الزمان ●

دعا گو می شود محرم به اسرار
دعا گوی فرج را قدرتی است
کند راحت تحمل حرف دلدار
که فهمد حرف صعب آل اطهار

«المکرمة التاسعة و الاربعون: اضاءة نوره لغيره فی مشهد القيامة»

«فايده چهل و نهم: درخشندگی نور او در قیامت»

آیات و روایات زیادی دلالت دارند که مؤمن در روز قیامت نورش درخشان است:

(۱) قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: «يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَ الْمُنَافِقَاتُ لَلَّذِينَ آمَنُوا انظُرُونَا نَقْتِسِ مِنْ نُورِكُمْ» (۱).

«روزی که مردان و زنان منافق به کسانی که ایمان آورده اند گویند: مهلت دهید تا از نورتان برگیریم».

(۲) عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ النَّاسَ يُقَسِّمُ بَيْنَهُمُ النُّورَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى قَدْرِ إِيمَانِهِمْ وَ يُقَسِّمُ لِلْمُنَافِقِ فَيَكُونُ نُورُهُ عَلَى إِبْهَامِ رِجْلِهِ الْيُسْرَى، فَيُطْفَأُ نُورُهُ، فَيَقُولُ: مَكَانَكُمْ حَتَّى أَقْتَسِ مِنْ نُورِكُمْ «قَبْلَ أَنْ يَجْعُوا وَرَائِكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا» يَعْنِي حَيْثُ قَسَّمَ النُّورَ، قَالَ: فَيَزْجَعُونَ فَيَضْرِبُ بَيْنَهُمُ النُّورَ (۲).

امام صادق عليه السلام فرمودند: برای مردم به مقدار ایمانشان در قیامت نور تقسیم می گردد و به منافق هم تقسیم می شود، پس نور او بر ابهام پای چپش خواهد بود، نورش خاموش می شود و به مؤمنین می گوید: به جای خود باشید تا از نورتان بهره گیرم (گفته شود بازگردید پشت سرو نوری درخواست کنید) یعنی از همانجا که نور تقسیم شده، پس وقتی برمی گردند بین آنان حجابی قرار داده می شود.

(۳) عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: يَا عَلِيُّ تَخْرُجُ أَنْتَ وَ شِيعَتُكَ مِنْ قُبُورِكُمْ وَ وُجُوهُكُمْ كَالْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ، وَ قَدْ فَرَّجَتْ عَنْكُمْ

الشَّدَائِدُ، وَ ذَهَبَ عَنْكُمْ الْأَحْزَانُ تَسْتَظِلُّونَ تَحْتَ الْعَرْشِ، يَخَافُ النَّاسُ وَ لَا تَخَافُونَ وَ يَخْزُونَ النَّاسُ وَ لَا تَخْزُونَ وَ تُوضَعُ لَكُمْ مَائِدَةٌ، وَ النَّاسُ فِي الْمُحَاسَبَةِ» (۱).

امام صادق علیه السلام از آباء مطهر خود از جد اطهرش رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل نمودند: «یا علی تو و شیعیانت از قبرهایتان بیرون می آید در حالی که صورت هایتان همچون ماه شب چهارده می درخشد و سختی ها از شما دور شده و محنت ها برطرف گردیده، زیر عرش سایه فرا می گیرید، مردم می ترسند ولی شما ترسی ندارید، مردم اندوهگین هستند ولی شما اندوهی ندارید و در حالی که مردم پای حساب هستند، برایتان مائده ای گسترده می شود».

فراوان در تمام قد و قامت
زنورش بهره ها اندر سلامت

بود نور دعا گویت قیامت
چنان نوری که انسانها بگیرند

● با صاحب الزمان ●

فرا گیرد تو را از پای تا سر
کسانی بهره آنجا همچو گوهر

دعا، چون نور گردد روز محشر
از آن نور درخشانت بگیرند

«المكرمة الخمسون: شفاعته لسبعين ألفاً من المذنبين»

«فایده پنجاهم: شفاعت او در باره هفتاد هزار تن از گنهکاران»

روایتی بر این امر دلالت دارد که ذکر می شود:

(۱) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيِّ عليه السلام قَالَ: وَإِنَّ لِلْجَنَّةِ ثَمَانِيَةَ أَبْوَابٍ، بَابٌ يَدْخُلُ مِنْهُ النَّبِيُّونَ وَ الصِّدِّيقُونَ، وَ بَابٌ يَدْخُلُ مِنْهُ الشُّهَدَاءُ وَ الصَّالِحُونَ، وَ خَمْسَةَ أَبْوَابٍ يَدْخُلُ مِنْهَا شِيعَتُنَا وَ مُحِبُّونَا، فَلَا أَرَأَى وَاقِفًا عَلَى الصَّرَاطِ، أَدْعُو وَ أَقُولُ: رَبِّ سَلِّمْ شِيعَتِي، وَ مُحِبِّي وَ أَنْصَارِي وَ مَنْ تَوَلَّانِي فِي دَارِ الدُّنْيَا، فَإِذَا أَلْتَدَاءُ مِنْ بَطْنَانِ الْعَرْشِ قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكَ، وَ شُفِّعَتْ فِي شِيعَتِكَ، وَ يَشْفَعُ كُلُّ رَجُلٍ مِنْ شِيعَتِي وَ مَنْ تَوَلَّانِي، وَ نَصَرَنِي وَ حَارَبَ مَنْ حَارَبَنِي بِفِعْلٍ أَوْ

قَوْلٍ فِي سَبْعِينَ أَلْفًا مِنْ جِبْرَانِهِ وَ أَقْرِبَاتِهِ وَ بَابٌ يَدْخُلُ مِنْهُ سَائِرُ الْمُسْلِمِينَ، مِمَّنْ يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ لَمْ يَكُنْ فِي قَلْبِهِ مِقْدَارُ ذَرَّةٍ مِنْ بُغْضِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ (۱)؛

امام صادق علیه السلام از پدرش از جدش از امیر مؤمنان علیه السلام نقل فرمودند که: «بهشت را هشت در است از یک در پیامبران و صدیقین داخل می شوند، و از در دیگر شهداء و صالحین و از پنج در دیگر داخل می شوند شیعیان و دوستان ما، پیوسته بر صراط خواهم ایستاد، دعا می کنم و می گویم: پروردگارا شیعیان و دوستان و باران مرا و کسانی که در دنیا از من پیروی کردند به سلامت بدار، پس از باطن عرش ندا می رسد: دعایت را مستجاب کردم و درباره شیعیانت شفاعت دادم، پس هر مرد از شیعیانم و کسانی که از من پیروی کرده اند و مرا یاری نموده و با آنها که با من سر جنگ داشته اند - به عمل یا قول - جنگ کرده، در حق هفتاد هزار تن از همسایگان و نزدیکان خود شفاعت می کند، و از در دیگر سایر مسلمانان کسانی که شهادت لا اله الا الله را می گفته اند و در دلشان ذره ای بغض ما اهل البیت نبوده داخل می شوند.»

وجه دلالت:

به طور کامل واضح است که دعا کردن برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام از اقسام یاری امیرالمؤمنین علیه السلام با زبان است.

کند بر مردم عاصی عنایت

دعا گوی ظهورت در قیامت

هزار، آنجا نماید او، شفاعت

دعا گو، از گنهکاران، ز هفتاد

«المكرمة الحادية والخسون: دعاء امير المؤمنين علیه السلام في حقه يوم القيامة»

«فایده پنجاه و یکم: دعای امیر مؤمنان علیه السلام در حق او در روز قیامت»

برای اثبات این فایده نیز به همان حدیث فایده پنجاهم کفایت می کنیم در آنجایی که حضرت فرمودند:

«رَبِّ سَلِّمْ شِيعَتِي وَ مُجِبِّي وَ أَنْصَارِي وَ مَنْ تَوَلَّانِي فِي دَارِ الدُّنْيَا».

«پروردگارا شیعیان و دوستان و یاران مرا و کسانی که در دنیا از من پیروی کردند به سلامت بدار».

(۱) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ: يَا عَلِيُّ هَذَا حَبِيبِي جَبْرِئِيلُ يُخْبِرُنِي عَنِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ أَنَّهُ قَدْ أَعْطَى مُجِبِّكَ وَ شِيعَتَكَ سَبْعَ خِصَالٍ الرَّفْقُ عِنْدَ الْمَوْتِ وَ الْإِنْسُ عِنْدَ الْوَحْشَةِ وَ النُّورُ عِنْدَ الظُّلْمَةِ وَ الْأَمْنُ عِنْدَ الْفَرَقِ وَ الْقِسْطُ عِنْدَ الْمِيزَانِ وَ الْجَوَازُ عَلَى الصَّرَاطِ وَ دُخُولُ الْجَنَّةِ قَبْلَ سَائِرِ النَّاسِ مِنَ الْأُمَّمِ بِشَمَانِينَ عَامًا (۱).

رسول خدا ﷺ به امیرالمؤمنین ﷺ فرمود: یا علی اینک دوست من جبرئیل از سوی خدا جل جلاله بمن خبر می دهد که به دوست و شیعه تو هفت خصلت عطا فرموده است: ملائمت و نرمی در موقع قبض روح، مؤانست به هنگام وحشت (قبر) و نور در تاریکی (قبر) و ایمنی از ترس «در روز قیامت» و عدالت در کنار میزان و گذشتن از صراط و داخل شدن در بهشت هشتاد سال پیش از مردم امت های دیگر.

(۲) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ: يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ قَدْ غَفَرَ لَكَ وَ لِدُرَّتِكَ وَ لَوْلَدِكَ وَ لِأَهْلِكَ وَ لِشِيعَتِكَ وَ لِجِبِّي شِيعَتِكَ (۲).

رسول اکرم ﷺ به امیرالمؤمنین ﷺ فرمود یا علی همانا خداوند ترا و فرزندان و کسان و شیعیان و دوستان شیعیانت را آمرزیده است.

من و از تو جدایی وای بر من	تو و بی اعتنایی وای بر من
به وقت مرگ و در قبر و قیامت	سراغم گر نیایی وای بر من

● یا صاحب الزمان ●

دعای جدّ مظلوم تو شامل	شود، بهر کسی که از ته دل
دعاگوی فرج باشد همیشه	ندارد جز دعا بهر تو، حاصل

● یا صاحب الزمان ●

امیرالمؤمنین باشد دعاگو	هر آنکس هست یاد مهدی او
هر آنکس را که کرده وقف مهدی	دعاهایش به هر جا و به هر سو

«المكرمة الثانية و الخمسون: دخول الجنة بغير حساب»

«فایده پنجاه و دوم: بی حساب داخل بهشت شدن»

بر این معنی دلالت دارد روایتی که در ذیل ذکر می شود:

(۱) عَنْ الصَّادِقِ علیه السلام فِي آخِرِ وَصَايَا لِعَبْدِ اللَّهِ بْنِ جُنْدَبٍ، قَالَ: «فَلَا يَتَّقِي أَحَدٌ مِمَّنْ أَعَانَ مُؤْمِنًا مِنْ أَوْلِيَانَا بِكَلِمَةٍ إِلَّا أَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ»^(۱).

امام صادق علیه السلام در آخر وصایای خود به عبدالله بن جندب فرمودند: «پس باقی نمی ماند احدی از کسانی که مؤمنی از دوستان ما را با یک کلمه کمک کرده باشد، مگر این که خداوند او را بدون حساب داخل بهشت گرداند.»

وجه دلالت:

واضح است که دعا کردن برای امام زمان علیه السلام از جمله اقسام یاری کردن به زبان می باشد.

سرم شد ز آتش سودای تو گرم	دلم را کرده این آتش بسی نرم
ولی از بس که عصیان تو کردم	مرا از صورت ماهت بود شرم

❁ یا صاحب الزمان ❁

مسرا دریافتی اندر شدائد	چه الطافی مرا شد از تو عائد
اثر بخش موثرها تویی تو	سخن این است و باقی هست زائد

❁ یا صاحب الزمان ❁

حسابی بر دعا گویت نباشد	کتابی بهر دلجویت نباشد
اگر باشد حسابی و کتابی	برای عاشق رویت نباشد

❁ یا صاحب الزمان ❁

دعا گویت، حسابی بهر او نیست که بسوده نمره اش در عاشقی بیست
چرا باشد حسابی بهر آنکس که مهدی از دعایش، شاد و راضی است؟!
(۲) قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: كُلُّ أُمَّةٍ يُحَاسِبُ إِمَامًا زَمَانِهَا وَ يَعْرِفُ الْأَيْمَةَ أَوْلِيَانَهُمْ وَ

أَعْدَائِهِمْ بِسَيِّمَاتِهِمْ وَ هُوَ قَوْلُهُ وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَفْرِقُونَ كُلًّا بِسَيِّمَاتِهِمْ
الْحَدِيثُ (۱).

امام صادق علیه السلام فرمودند: از هر ملتی امام زمانش حساب گیرد و ائمه علیهم السلام دوستان و دشمنانشان را به رخساره و سیمایشان می شناسند، و این است معنای سخن خداوند (اعراف / ۴۶) و بر اعراف (جایگاهی میان دوزخ و بهشت) مردانی هستند که اشراف دارند و همه را بر رخساره شان می شناسند.

توجه:

در بعضی از فواید می آید که دعا کننده برای امام زمان علیه السلام به شفاعت آن بزرگوار می رسد و در برخی از فواید دارد که دعا کردن برای حضرت مانند احسان نمودن به آن جناب می باشد.

خوب به دلیل عقل و نقل جواب هر احسانی چیست؟

آیا جز احسان کردن می باشد و احسان نمودن به شخص گرفتار آن هم در محلی غریب و بی کس، آیا این نیست که رفیق او شد و کمکش کرد و به او صله داد و...
آیا همه این موارد در صحرای قیامت با آسان حساب کشیدن یا بی حساب وارد باغ ابدی نمودن نمی باشد، قطعاً جواب مثبت است.
پس مزده، باد بر دعاگویان آن حضرت از این تحفه و هدیه.

«المکرمة الثالثة والخمسون: السلامة من عطش يوم القيامة»

«فائده پنجاه و سوم: در امان بودن از تشنگی روز قیامت»

بهترین دلیلی که دلالت بر این مطالب می کند روایتی است که ذکر می شود:

(۱) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: ... ثُمَّ تَرُدُّ عَلَيَّ زَايَةً تَلْمَعُ وَجُوهَهُمْ نُورًا، فَأَقُولُ لَهُمْ: مَنْ أَنْتُمْ؟ فَيَقُولُونَ: نَحْنُ أَهْلُ كَلِمَةِ التَّوْحِيدِ وَ التَّقْوَى مِنْ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى ﷺ وَ نَحْنُ بَقِيَّةُ أَهْلِ الْحَقِّ وَ حَمَلْنَا كِتَابَ رَبِّنَا، وَ أَحْلَلْنَا حَلَالَهُ وَ حَرَّمْنَا حَرَامَهُ، وَ أَحْبَبْنَا

ذَرِيَّةَ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ نَصَرْنَا هُمْ مِنْ كُلِّ مَا نَصَرْنَا بِهِ أَنْفُسَنَا، وَ قَاتَلْنَا مَعَهُمْ مَنْ نَاوَاهُمْ فَأَقُولُ لَهُمْ: أَبَشِّرُوا فَإِنَّا نَبِيُّكُمْ مُحَمَّدٌ وَقَدْ كُنْتُمْ فِي الدُّنْيَا كَمَا قُلْتُمْ، ثُمَّ أَسْقِيهِمْ مِنْ حَوْضِي، فَيَصْدُرُونَ مَسْرُورِينَ مُسْتَبَشِرِينَ ثُمَّ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدَ الْأَبَدِينَ، (۱).

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «... پس پرچمی بر من وارد می شود که (افراد آن) رخسارشان از نور برق می زند، پس به آنها می گویم شما کیستید؟ می گویند: ما اهل کلمه توحید و تقوی از امت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هستیم و از بازماندگان اهل حق هستیم، کتاب پروردگاران را برگرفتیم، و حلال آن را حلال و حرام آن را تحریم نمودیم و ذریه پیغمبرمان صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را دوست داشتیم و آنان را با همه وسایل که برای یاری خودمان بکار می بردیم یاری کردیم و در خدمت آنان با دشمنانشان جنگ نمودیم، پس به آنها خواهیم گفت: بشارت باد شمارا منم پیامبر شما محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و به تحقیق که در دنیا همین طور بودید که گفتید، سپس از حوض خودم به آنان آب می دهم آنگاه سیراب می روند و به یکدیگر اظهار سرور و بشارت می کنند، پس آنان داخل بهشت می شوند و در آن تا ابد جاودان خواهند ماند».

همان طور که قبلاً ذکر شد یکی از اقسام یاری کردن و نصرت ذریه پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دعا کردن برای امام زمان عجله الله فرجه است.

اگر چه از گل وصلت نجیدیم	ترا تنها در عالم برگزیدیم
چه باک از گرمی صحرای محشر	که در ظل ولایت، آرمیدیم

● یا صاحب الزمان ●

چه باک از گرمی آن روز محشر	اگر باشد پناه در روز محشر
دعا گویان مهدی را بگوئید	که آن سرور بیاید روز محشر

● یا صاحب الزمان ●

عطش، معنا ندارد روز محشر
چرا باشد عطش، وقتی دعا گو
برای آن دعا گویان دلبر
خورد، پیمانہ پیمانہ، زکوٰثر

● بامصباح الزمان ●

عطش بهر دعا گویت نباشد
یقین دارم دل شیطان ملعون
به جایش، نور از رویش بیاشد
اگر کردم دعایت، می خراشد

«المكرمة الرابعة والخمسون: الخلود في الجنة»

«فائدة پنجاه و چهارم: جاودانگی در بهشت»

بی تردید دعا نمودن برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام سبب کمال ایمان خواهد بود و از لوازم کمال ایمان دخول و خلود در بهشت می باشد که در احادیث متعددی تا به حال به این موضوع اشاره شد من جمله حدیث قبل که در فایده پنجاه و سوم ذکر شد.

«... ثُمَّ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَا يَدْرُونَ»

(۲) قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «وَأَمَّا الَّذِينَ سَعِدُوا فَيُفِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرَ مَجْدُودٍ». (۱)

خدای تبارک و تعالی فرمود: «اما آنها که خوشبخت و سعادت مند شدند جاودانه در بهشت خواهند ماند تا آسمان ها و زمین برپاست؛ مگر آنچه پروردگارت بخواهد بخششی است قطع نشدنی».

(۳) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: «وَأَنَّ السَّعِيدَ حَقَّ السَّعِيدِ مَنْ أَطَاعَكَ وَتَوَلَّىكَ مِنْ بَعْدِي». (۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: همانا سعادت مند حقیقی کسی است که اطاعت از تو کند و تو را دوست بدارد.

(۴) قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: إِنَّ حَقِيقَةَ السَّعَادَةِ أَنْ يَخْتِمَ لِلْمَرْءِ عَمَلُهُ بِالسَّعَادَةِ وَإِنَّ حَقِيقَةَ الشَّقَاءِ أَنْ يَخْتِمَ لِلْمَرْءِ عَمَلُهُ بِالشَّقَاءِ (۱).

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند همانا حقیقت سعادت و نیک بختی آن است که کار آدمی به سعادت پایان پذیرد همانا حقیقت شقاوت و بدفرجامی آن است که عمل مرد به شقاوت ختم شود.

نه هر روزی زیورج	نه هر رهرو رسد آخر به مقصد
بود در روضه رضوان مخلد	در این دنیا هر آنکس با تو باشد

● یا صاحب الزمان ●

نباشد لحظه‌ای آنجا مردد	دعا گویت بود جنت، مخلد
شده مسرور از کارش، محمد <small>صلی الله علیه و آله</small>	دعا گویت خدا را، کرده خشنود
بود از هر کسی آنجا سرآمد	نه تنها او همیشه، در بهشت است
بود او هم نشین آل احمد	مقام او بود والا و بالا

● یا صاحب الزمان ●

اگر با یاد مولا، مستی ای دوست	تو در جنت مخلد هستی ای دوست
بدان از هر جهت هم دستی ای دوست	اگر بر شادیش دلبستی ای دوست

وجه دلالت:

آیا دوست داشتن فرزند علی علیه السلام یعنی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دوست داشتن امیرالمؤمنین علیه السلام نمی باشد. آیا اگر ما برای امام زمان علیه السلام دعا کنیم امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برای ما دعا نمی کند، آیا کسیکه امام زمان علیه السلام برای او دعا کند عاقبت بخیر نمی شود.

پس با دعا نمودن برای آن بزرگوار سعادت ابدی را برای خود رقم بزنیم.

«المكرمة الخامسة والخمسون: يوجب خمش وجه ابليس و قرح قلبه»

«فائده پنجاه و پنجم: موجب خراش صورت شیطان و مجروح شدن قلبش می شود»

برای شاهد بر این مطلب می توان به این روایت اشاره کرد:

(۱) قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: «أَحْسِنْ يَا إِسْحَاقُ إِلَى أَوْلِيَائِي مَا اسْتَطَعْتَ فَمَا أَحْسَنَ

مُؤْمِنٍ، إِلَى مُؤْمِنٍ وَلَا أَعَانَةَ إِلَّا خَمَشَ وَجْهَ إِبْلِيسَ وَ قَرَحَ قَلْبَهُ (۱)».

امام صادق عليه السلام فرمودند: ای اسحاق تا می توانی به دوستانم نیکی کن که هیچ

مؤمنی به مؤمن دیگر احسان یا کمک نکند، مگر آن که صورت ابليس را خراشیده و

به دلش زخم زده است.

وجه دلالت:

این حدیث دلالت دارد بر این که کمک به مؤمن سبب خراشیده شدن صورت

ابليس و سبب زخم شدن دل آن ملعون می گردد و یقیناً دعا برای تعجیل فرج

بهترین کمک به مؤمن بلکه رئیس مؤمنان می باشد.

(۲) عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله: الصُّومُ يُسَوِّدُ وَجْهَ الشَّيْطَانِ وَ الصَّدَقَةُ تُكْسِرُ ظَهْرَهُ وَ الْحُبُّ فِي

اللَّهِ وَ الْمُؤَاذِرَةُ عَلَى الْعَمَلِ الصَّالِحِ يَقْطَعَانِ دَابِرَةَ وَ الْإِسْتِغْفَارُ يَقْطَعُ وَ تِبْنَهُ (۲).

از رسول خدا صلى الله عليه وآله روایت شده که: روزه صورت شیطان را سیاه می کند و صدقه

کمرش را می شکند و دوستی در راه خدا و کمک برای انجام کار شایسته دنبالش را

قطع می سازد و طلب آمرزش رگ گردنش را می برد.

(۳) قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: أَطِيلُوا السُّجُودَ فَمَا مِنْ عَمَلٍ أَشَدُّ عَلَى إِبْلِيسَ مِنْ أَنْ

يَرَى ابْنَ آدَمَ سَاجِدًا لِأَنَّهُ أَمِيرٌ بِالسُّجُودِ فَعَصَى وَ هَذَا أَمْرٌ بِالسُّجُودِ قَاطِعٌ وَ نَجَا (۳).

امیرالمؤمنین عليه السلام فرمودند: سجده را طولانی کنید، زیرا هیچ عملی بر ابليس

۲- آثار الصادقین، ج ۹، ص ۴۱۱.

۱- کافی، ج ۲، ص ۲۰۷.

۳- آثار الصادقین، ج ۸، ص ۳۰۷.

سخت تر از آن نیست که آدمیزاد، را، در حال سجده ببیند چون که خود از سوی خدا مأمور به سجده کردن بود و نافرمانی کرد و این بنده ما دور سجده گشت چون اطاعت کرد و فرمان برد نجات یافت.

توجه:

تمام مواردی که در این دو حدیث شریف ملاحظه می شود عبادت است. سوآلی که مطرح می شود این است که آیا دعا نمودن برای امام زمان علیه السلام عبادت نمی باشد؟ قطعاً از اقسام عبادات می باشد پس به دلیل عقل تمام آثاری که برای عبادات می باشد، برای دعا کردن جهت تعجیل در فرج مولایمان حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف - نیز می باشد.

تجلی می دهد وجه خدا را	چو آید آن نگار عالم آرا
بسوزاند تن آن بی حیاء را	کشد از خاک بیرون دومی را

● یا صاحب الزمان ●

برای انهدام هستی من	نشسته در کمین من دو دشمن
مدد کن آندو را از پا بیفکن	یکی نفس و یکی شیطان ملعون

● یا صاحب الزمان ●

دلش از شدت غصه نشرده	اگر ابلیس، رویش زخم خورده
که شیطان را دگر بیچاره کرده	دلیل آن، دعا بهر ظهور است
ز ترسش لرزه افتادم به قامت	شبی در خواب، شیطان سویم آمد
مرا می کرد دنبالش، شتابان	چو خفّاش بزرگی بود، شیطان
مما تم بسود، بهرش آرزویی	چنان می کرد دنبالم که گویی
فرار از هر کجا ممکن نمی بود	به هر جایی که رفتم در پی ام بود
که شیطان از تو گردد دور و در بند	به خود گفتم: بگو ذکر خداوند
ولی بازم، مرا می کرد دنبال	کمی ذکر خدا گفتم در آن حال
نسخورد ابلیس از آن ذره ای غم	درودی بر محمد <small>صلی الله علیه و آله</small> گفتم آن دم

دعا بهر غریب آل اطهار
چنان خورد آن خبیث از این دعاغم
کشید و برد و دورش کرد از آنجا
رهاگرداند از شیطان، گدایش
شود رویش خراش و چشم او کور

ولی ناگاه یادم آمد آن یار
دعا کردم چو مهدی را ز قلبم
که دیدم باد تندی آمد او را
از آنجا خوب فهمیدم، دعایش
دعا، شیطان ملعون را کند دور

● یا صاحب الزمان ●

دعا بهر فرج باشد در این راه
تو را شیطان نخواهد کرد، گمراه
برای چیدن آن گل بچینید
نجات خود فقط در آن ببینید
شفا را از دعا در آن ببینید
به هنگام دعا برگل، ببینید

خراش صورت ابلیس والله
اگر باشی به یادش با دعایت
عزیزان دام ابلیس را ببینید
همان امری که مبعوض است او را
دعا بهر فرج درمان درد است
خراش صورت ابلیس ملعون

«المكرمة السادسة والخمسون: انه يتحف يوم القيامة بتحفه مخصوصة»

«فائده پنجاه و ششم: تحفه و هدیه ویژه در قیامت»

برای اثبات این فایده به حدیث زیر اشاره می شود.

(۱) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَتَّحَفُ أَخَاهُ التُّحَفَةَ، قُلْتُ: وَ أَيُّ شَيْءٍ نَحْفَةٌ؟ قَالَ عليه السلام: مِنْ مَجْلِسٍ، وَ مُتَّكَاةٍ وَ طَعَامٍ وَ كَسْوَةٍ، وَ سَلَامٍ، فَتَطَاوَلَ الْجَنَّةَ كَافَاةً لَهُ وَ يُوحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهَا: إِنِّي قَدْ حَرَمْتُ طَعَامَكَ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا إِلَّا لِي نَبِيٍّ، أَوْ وَصِيِّ نَبِيٍّ، فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، أُوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهَا: أَنْ كُافِي لِيَائِي بِتُحَفِهِمْ فَتُخْرَجُ مِنْهَا وَصَفَاءً وَصَائِفٌ مَعَهُمْ أَطْبَاقٌ مُمَطَّاءَةٌ بِمَنَادِيلٍ مِنْ لُؤْلُؤٍ، ذَا نَظَرُوا إِلَى جَهَنَّمَ وَ هَوَّلِيهَا، وَ إِلَى الْجَنَّةِ وَ مَا فِيهَا، طَارَتْ عُقُولُهُمْ، وَ امْتَنَعُوا أَنْ كُلُّوا، فَيُنَادِي مُنَادٍ مِنْ تَحْتِ الْعَرْشِ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ حَرَّمَ جَهَنَّمَ عَلَى مَنْ أَكَلَ

مِنْ طَعَامِ جَنَّتِهِ، قِيمَةُ الْقَوْمِ أَيْدِيهِمْ فَيَأْكُلُونَ» (۱)

امام صادق علیه السلام فرمودند: «همانا مؤمن به برادرش تحفه می دهد، عرض کردم: تحفه چیست؟ فرمودند: از قبیل جای نشستن و متکا و غذا و پوشاک و سلام، پس بهشت برای پاداش او گردن کشد و خدای عزوجل به بهشت وحی فرماید: من خوراک تو را بر اهل دنیا حرام کردم مگر بر پیغمبر و وصی پیغمبر (علیه السلام) و چون روز قیامت شود خداوند به بهشت وحی فرماید که: دوستانم را در برابر تحفه هایشان پاداش ده، آن گاه حوریه ها و غلمانی از آن بیرون آیند در حالی که طبق هایی که از مروارید سرپوش دارد با خود دارند، پس چون جهنم و صحنه هولناکش را بنگرند و به بهشت و آنچه در آن است نگاه کنند، عقلشان بپرد و از خوردن آن طبقها امتناع کنند. سپس منادی از زیر عرش بانگ می زند: همانا خداوند عزوجل جهنم را بر کسی که از غذای بهشت خورده باشد تحریم فرموده است. آنگاه دست دراز کنند و بخورند».

منظور از تحفه و هدیه دادن به مؤمن، احسان و نیکی به او است به هر نحوی که میسر باشد و لو به زبان و دعا نمودن، و دعا برای امام زمان علیه السلام از مصادیق آن می باشد.

نشانی هم زالطاف خدا نیست

به بزم غیر عشاق صفا نیست

عمل را بی تولایت بها نیست

خدا فرموده: فردای قیامت

● یا ماصب الزمان ●

تو و بی اعتنایی وای بر من

من و از تو جدایی وای بر من

سراغم گر نیایی وای بر من

به وقت مرگ و در قبر و قیامت

● یا ماصب الزمان ●

هدایا بر سر و رویش بیبارد

دعا گو، تحفه ای مخصوص دارد

دعا گو، سایه دلدار دارد

در آن روزی که هر کس می گریزد

● یا صاحب الزمان ●

اگر در روز محشر تحفه خواهی
دعا کن تا اباصالح بیاید
نباشد جز دعا بهر تو راهی
مبادا سرزند از تو گناهی

«المکرمة السابعة و الخمسون: انّ الله عزوجلّ یخدمه من خدم الجنة»

«فائده پنجاه و هفتم: خدمت گزاران بهشتی»

برای تایید این مورد اشاره به یک حدیث شریف می شود:

(۱) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَا فِي أُمَّتِي عَبْدٌ أَلْفَ أَخَاهُ فِي اللَّهِ بِشَىءٍ مِنْ لُطْفٍ إِلَّا أُخْدِمَهُ اللَّهُ مِنْ خَدَمِ الْجَنَّةِ (۱).

رسول خدا ﷺ فرمودند: «هر بنده‌ای در امت من نسبت به برادرش در راه خدا مهربانی و لطفی انجام دهد خداوند از خدمت گزاران بهشتی به خدمتش خواهد گمارد».

و واضح است که منظور از لطف، نیکی و احسان است و لو این نیکی به زبان و به صورت دعا کردن باشد.

نه هر رهرو رسد آخر به مقصد
نه هر سنگی شود روزی زبرجد
در این دنیا هر آن کس با تو باشد
بود در روضه رضوان مخلّد

● یا صاحب الزمان ●

بهشت و حوریانش بی قرارند
دعا گوی تو را چشم انتظارند
از آن خدمتگذاران بهشتی
دعا گوی تو را خدمتگذارند

● یا صاحب الزمان ●

دعا گوی تو دارد خادمانی
تمام الوقت خدمتها نمایند
که در جنت زلف و مهربانی
برایش با سرور و شادمانی

«المكرمة الثامنة و الخمسون: ان يكون في ظلّ الله الممدود»

«فائده پنجاه و هشتم: در سایه گسترده خداوند قرار می گیرد»

دعا کننده برای فرج مولی صاحب الزمان علیه السلام زیر سایه گسترده خداوند قرار گرفته و تا مادامی که بر این امر مشغول باشد، رحمت بر او نازل می گردد.

بر این معنی روایتی است که به آن اشاره می کنیم:

(۱) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: «مَنْ أَكْرَمَ أَخَاهُ الْمُسْلِمِ بِكَلِمَةٍ يَلْتَفِقُ بِهَا وَ فَرَّجَ عَنْهُ كُرْبَتَهُ لَمْ يَزَلْ فِي ظِلِّ اللَّهِ الْمَمْدُودِ عَلَيْهِ الرَّحْمَةُ مَا كَانَ فِي ذَلِكَ» (۱).

رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمودند: هر کس برادر مسلمانش را با کلمه ای گرامی بدارد که به وسیله آن کلمه به او لطف کند و غصه اش را بر طرف سازد، پیوسته در سایه گسترده خداوند خواهد بود و تا وقتی که در آن حال باشد رحمت بر او فرود می آید.
وجه دلالت:

یکی از مواردی که یقیناً باعث خشنودی امام زمان علیه السلام و بر طرف شدن غم و غصه های آن بزرگوار می شود، دعا برای تعجیل فرج آن بزرگوار می باشد، پس چه بهتر که مؤمنین از این امر غافل نگردند و اهتمام بیشتری برای آن داشته باشند.

الا ای چشمه نور السموات	که مصباح وجودی را تو مشکات
دمادم از طفیل هستی تو	افاضه می شود هستی به ذرات

● با مصعب الزمان ●

اگر از حق ظهورش را بخواهی	روی در سایه لطف الهی
دعا کن، تا که رحمتهای الله	فرا گیرد تو را خواهی نخواهی

● با مصعب الزمان ●

دعایت بهر آن مصداق تطهیر	بود چون سایه رحمت فراگیر
و آن هم سایه لطف الهی است	مبادا غافلش گردی، شود دیر

«المكرمة التاسعة والخمسون: ثواب نصيحة المؤمن»

«فائده پنجاه و نهم: ثواب خیرخواهی مؤمن»

شواهد زیادی را برای این فائده می توان ذکر کرد از آن جمله:

(۱) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: «يَجِبُ لِلْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ النَّصِيحَةُ لَهُ فِي الْمَشْهَدِ وَالْمَغِيبِ (۱)».

امام صادق عليه السلام فرمودند: «بر مؤمن واجب است که در حضور و غیاب خیرخواه مؤمن باشد».

(۲) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: «إِنَّ أَعْظَمَ النَّاسِ مَنَزِلَةً عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنْشَأَهُمْ فِي أَرْضِهِ بِالنَّصِيحَةِ لِخَلْقِهِ (۲)».

امام صادق عليه السلام فرمودند که رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمودند: «عظیم ترین مردم از لحاظ منزلت نزد خداوند در روز قیامت کسی است که برای نصیحت و خیرخواهی خلق در زمین بیشتر تلاش کند».

(۳) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: «عَلَيْكُمْ بِالنُّصْحِ لِلَّهِ فِي خَلْقِهِ فَلَنْ تَلْقَاهُ بِعَمَلٍ أَفْضَلَ مِنْهُ (۳)».

امام صادق عليه السلام فرمودند: «بر شما باد که برای رضای خدا به خیرخواهی در خلق او بپردازید که به عملی بهتر از آن او را ملاقات نکنی».

با توجه به این که امام عليه السلام افضل مؤمنین است، دعا در حق ایشان خیرخواهی و نصیحت است برای ایشان؛ زیرا دعا کلامی است که از آن اراده خیر رساندن به حضرت می کنیم و همچنین با دعا کردن برای ایشان به همه مؤمنین خیرخواهی می کنیم؛ زیرا با حصول فرج، عامه مردم از گرفتاری نجات پیدا کرده و هم و غم های آنها برطرف می شود.

۲- کافی، ج ۲، ص ۲۰۸.

۱- کافی، ج ۲، ص ۲۰۸.

۳- کافی، ج ۲، ص ۲۰۸.

دعا بهرت ثواب خیرخواهی است	کسی مؤمن تر از تو در جهان نیست
چو ابری از غمت می بارم آقا	نگه کن سرخی این چشم حاکی است
دعا گویت ثوابش اینچنین است	ثواب ناصحین اهل دین است
بود این گوشه‌ای از فضل این کار	و گرنه عند ختم المرسلین است

«المکرمۃ الستون: انّ مجلس الدعاء له علیه السلام یكون محضراً للملائکة المکرمین»
 «فایده شصتم: حضور فرشتگان در مجلس دعا»

طبق شواهد فراوان از احادیث، مجالسی که در آن دعا شود فرشتگان حضور پیدا می کنند برای باری نمودن دعا کننده، حال اگر چنین عظمتی برای دعا‌های معمولی برای مؤمنین معمولی می باشد، اگر در چنین مجلسی برای غریب فاطمه -سلام الله علیها- و مؤمن کامل یعنی حجة بن الحسن (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دعا شود، قطعاً حضور فرشتگان و باری آنان بسیار چشمگیر خواهد بود.

(۱) عَنِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله قَالَ: «إِذَا مَرَزْتُمْ فِي رِيَاضِ الْجَنَّةِ فَارْتَعُوا قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا رِيَاضُ الْجَنَّةِ؟ قَالَ: حَلَقُ الذُّكْرِ، فَإِنَّ لِلَّهِ سَيَّارَاتٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ يَطْلُبُونَ حَلَقَ الذُّكْرِ، فَإِذَا أَتَوْا عَلَيْهِمْ حُفُّوا بِهِمْ» (۱)

نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «اگر در بوستان‌های بهشت گذارتان افتاد در آنها به گردش و تنعم بپردازید، عرض کردند: یا رسول الله بوستان‌های بهشت چیست؟ فرمود: حلقه‌های ذکر که خداوند را کاروانهایی از فرشتگان است که در پی حلقه‌های ذکر می گردند، پس هنگامی که به آنها برسند، پیرامونشان را می گیرند.»

(۲) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: «مَا اجْتَمَعَ ثَلَاثَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ قَضَاعِدًا إِلَّا حَضَرَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مِثْلَهُمْ، فَإِنْ دَعَوْا بِخَيْرٍ آمَنُوا، وَإِنْ اسْتَعَاذُوا مِنْ شَرٍّ دَعَا اللَّهُ لِيَضْرِبَهُ عَنْهُمْ، وَإِنْ سَأَلُوا حَاجَةً تَشَفَّعُوا إِلَى اللَّهِ وَ سَأَلُوهُ قَضَاهَا...» (۲)

امام صادق علیه السلام فرمودند: «هیچ سه نفر به بالا از مؤمنین جمع نشوند مگر این که مثل آنها از فرشتگان حاضر گردند، پس اگر دعای خیر کنند آمین گویند، و اگر از نری به خدا پناه برند، فرشتگان از خداوند می خواهند که آن شر را از آنان دور مابد، و اگر حاجتی بخواهند، به درگاه الهی شفاعت کنند و قضای آن را تقاضا مایند.»

خوشا پروانه‌های شمع رویت	خوشا پرپر زنان گرد کویت
خوشا دیوانه عشق تو ای دوست	خوشا دلدادۀ روی نکویت

● یا صاحب الزمان ●

حضور کاروان‌هایست جانم	ملائک‌ها در آن ای مهربانم
برای هر دعا گو گشته میسور	دعا گوی همان صاحب زمانم

● یا صاحب الزمان ●

دعا بنما بر آن آقای مضطر	ظهورش را طلب بنما زداور
حضور دسته‌هایی از ملائک	کنارت، با دعا گردد میسر

«المکرمۃ الحادیة و السّتون: انّ الداعی منّ یباهی به الإله الجلیل»

«فایده شصت و یکم: مباحات خدای متعال»

خدای متعال به جهت این دعا کردن برای امام زمان علیه السلام به فرشتگان مباحات می‌کند و از اینجا استفاده می‌شود که این امر یک عبادت عظیم است که موجب باهات خداوند می‌گردد.

در روایتی که در فایده شصت و دوم ذکر می‌شود، دلالتی بر این مطلب می‌باشد:
 (۱) قَالَ الصّادِقُ علیه السلام: «... وَ مَا اجْتَمَعَ اِثْنَانِ عَلٰی ذِکْرِنَا اِلَّا بَاهٰی اللّٰهُ تَعَالٰی بِهَمَا مَلٰئِکَةً...» (۱)

«هیچ گاه دو نفری بر یاد ما جمع نمی‌شوند، مگر این که خدای تعالی به جهت آنها به فرشتگان مباحات می‌کند.»

و خواهد آمد که از مصادیق ذکر اهل البیت علیهم السلام، دعا کردن برای صاحب الزمان علیه السلام می باشد.

(۲) قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: إِنَّ الرَّبَّ لَيُعْجَبُ مَلَائِكَتَهُ مِنَ الْعَبْدِ مِنْ عِبَادِهِ يَرَاهُ يَقْضِي النَّافِلَةَ فَيَقُولُ: انظُرُوا إِلَى عَبْدِ يَقْضِي مَا لَمْ أَفْتَرِضْ عَلَيْهِ (۱).

امام صادق علیه السلام فرمودند: همانا پروردگار فرشتگان را به عجب می افکند از بنده ای که قضای نماز نافله اش را به جای می آورد و فرماید: نظر کنید به بنده من که قضای نمازی را که بر او واجب نساختم به جای می آورد.

(۳) عَنِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله: إِذَا قَامَ الْعَبْدُ مِنْ لَدَيْهِ مَضْجَعِهِ وَ النَّعَاشُ فِي عَيْنَيْهِ لِيَرْضَى رَبَّهُ جَلَّ وَ عَزَّ بِصَلَاةٍ لَيْلِيَةٍ بِهَا مَلَائِكَتُهُ فَقَالَ أَمَا تَرَوْنَ عَبْدِي هَذَا قَدْ قَامَ مِنْ لَدَيْهِ مَضْجَعِهِ إِلَى صَلَاةٍ لَمْ أَفْرُضْهَا عَلَيْهِ إِشْهَدُوا أَنِّي قَدْ غَفَرْتُ لَهُ (۲).

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چون بنده از خواب شیرین خود بر خیزد و هنوز آثار خواب در چشمانش موجود باشد و این برخاستن برای خشنود ساختن پروردگار و به جای آوردن نماز شب انجام گردد، خدای تعالی به وسیله آن بنده به فرشتگانش مباحثات کند و فرماید: نمی بینید بنده ام را که از خواب گوارا برخاسته و به نمازی که بر وی واجب نساختم ایستاده، گواه باشید که او را آمرزیدم.

دعا بهر ظهورش، هست والا	که در پیش ملائک، رب یکتا
کند فخر و مباحثات از دعای	فرج، بهر غریب آل طاها

❁ یا صاحب الزمان ❁

خدایت فخر کرده با دعایت	دعا بهر حبیب یا صفایت
به پیش آن ملائکها که هستند	دعا گوی تو از بهر خدایت

❁ یا صاحب الزمان ❁

مباحثات می کند فردا خدایت	اگر کردی دعا چون مقتدایت
شوی برتر بوالله از ملائک	همه گرد تو می آیند یک یک

❁ یا صاحب الزمان ❁

به درگاه الهی جانمائی
شده پیغام ز جانان بر ملائک

ملائک دیده بر ره تابیائی
شوی فخر و مباهات بر ملائک

توجه:

هرگاه عمل مسنحبی دارای این مقام باشد که سبب مباهات الهی بر فرشتگان باشد، پس دعا کردن برای رکنی که جزء مهم ترین ارکان پنجگانه اسلام، یعنی ولایت می باشد از چه اهمیتی عندالله برخوردار است.

آیا دعا کردن برای امام زمان علیه السلام که منتظر خلق و خالق است، سبب مباهات نمی شود.

«المکرمۃ الثانیة و السّتون: انه ممّن یتستغفر لهم الملائکة»

«فایده شصت و دوم: استغفار فرشتگان برای دعا کننده»

احادیثی از فرمایشات معصومین علیهم السلام بر این فایده مهم دلالت دارد که به آن اشاره می شود:

(۱) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ لِداوُدَ بْنِ سَرْحَانَ: «يَا داوُدُ، أُنْبِغِ مَوَالِيَّ عَنِّي السَّلَامَ، وَ أَنِّي أَقُولُ: رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا اجْتَمَعَ مَعَ آخِرِ قَتْدَاكِرَا أَمَرْنَا، فَإِنَّ ثَالِثَهُمَا مَلَكٌ يَسْتَغْفِرُ لَهُمَا، وَ مَا اجْتَمَعَ اثْنَانِ عَلَيَّ ذِكْرِنَا إِلَّا بَاهِيَ اللَّهُ تَعَالَى بِهِمَا الْمَلَائِكَةَ، فَإِذَا اجْتَمَعْتُمْ فَاسْتَغْلُوا بِالذِّكْرِ، فَإِنَّ فِي اجْتِمَاعِكُمْ وَ مُذَاكِرَتِكُمْ إِخْيَاءُنَا، وَ خَيْرُ النَّاسِ مِنْ بَعْدِنَا مَنْ ذَاكَرَ بِأَمْرِنَا، وَ دَعَا إِلَيَّ ذِكْرِنَا»^(۱).

امام صادق علیه السلام به داود بن سرحان فرمودند: «ای داود سلام مرا به پیروانم برسان و این که می گویم: خداوند رحمت کند بنده ای را که با دیگری جمع شود، پس امر ما را مذاکره نمایند که سومی آنان فرشته ای خواهد بود که برای آن دو طلب مغفرت کند و هیچگاه دو نفر بر یاد ما جمع نشوند مگر این که خدای تعالی به جهت آنان به فرشتگان مباهات می نماید، پس هرگاه اجتماع کردید به مذاکره امر ما بپردازید که

در جمع شدن و مذاکره شما احیاء امر ماست و بهترین مردم بعد از ما کسی است که امر ما را مذاکره کند و به یاد ما دعوت نماید.

به طور قطع دعا کردن برای حضرت حجة بن الحسن علیه السلام از بارزترین مصادیق ذکر و یاد اهل البیت علیهم السلام می باشد.

ملائک می کنند (استغفرالله)
 برای هر کسی کماواز ته دل
 زبهر هر دعا گوئی در این راه
 دعا بهر فرج می کرده با آه

❁ با صاحب الزمان ❁

ملائک با دعایت بهر آقا
 خدا بخشد زاستغفار آنها
 دعایت می کنند ای مست مولا
 دعا کردی اگر بر پور زهرا

❁ با صاحب الزمان ❁

ملائک بهر آمرزش برایت
 دعا کن بهر تعجیل ظهورش
 دعا گویند هر دم با دعایت
 که از غیبت در آید آشنایت

«المكرمة الثالثة و الستون: يكون من خيار الناس بعد الائمة عليهم السلام»

«فایده شصت و سوم: از بهترین مردم بعد از ائمه علیهم السلام خواهد بود»

حدیث شریفی که در فایده سابق ذکر شد به طور واضح بیان نمود که بهترین مردم بعد از ائمه علیهم السلام افرادی هستند که مذاکره امر امامان معصوم علیهم السلام را پیشه کار خود می کنند.

«... وَ خَيْرُ النَّاسِ مِنْ بَعْدِنَا مَنْ ذَاكَرَ بِأَمْرِنَا وَ دَعَا إِلَى ذِكْرِنَا...»

و همان طور که بیان شد دعا برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام از مصادیق بارز مذاکره می باشد، کما این که از بهترین و آشکارترین انواع ذکر امامان علیهم السلام یاد آوری صفات و ویژگی های امام زمان علیه السلام و بیان علائم و آثار آن بزرگوار است که مایه بینش اهل نظر می باشد.

(۱) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: أَفْضَلُ النَّاسِ بَعْدَ النَّبِيِّينَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ الْمُحِبُّونَ لِلَّهِ الْمُتَحَابُّونَ فِيهِ وَ كُلُّ حُبٍّ مَغْلُولٍ يُورِثُ بُغْداً فِيهِ عداوةٌ إِلَّا هَذَيْنِ وَ هُمَا مِنْ عَيْنِ

وَاحِدَةً يَزِيدَانِ أَبَدًا وَ لَا يَنْقُضَانِ، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: الْأَخْلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ
عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ (۱).

رسول خدا ﷺ فرمود: در دنیا و آخرت بعد از پیامبران برترین مردم کسانی هستند که برای خدا دوستی می‌کنند و برای خدا یکدیگر را دوست می‌دارند و هر محبت و دوستی بیمارگونه‌ای مورث و موجب بُعد و دوری از خدای شود در آن عداوت و دشمنی باشد (زیرا اساس محبت دوری از غیر محبوب است) جز این دو نوع دوستی، که آنها از یک منبع و سرچشمه‌اند و پیوسته زیاد گردند و کم نشوند که خدای عزوجل فرماید (۲) (در آن روز همه دوستان به جز متقیان و پرهیزکاران با یکدیگر دشمن اند).

دل ما پاک کن از هر ردیله
نظیر شمع و نیرنگ و حیله
مقرب کن به بزم حق که ما را
تویی در پیشگاه حق وسیله

❁ یا صاحب الزمان ❁

من از حق بهر دیدار نگارم
همیشه قابلیت خواستارم
بایم سر به کیوان از شرافت
اگر بینم قبولم کرده یارم

❁ یا صاحب الزمان ❁

تو می‌دانی که من از آن اوائل
نبودم جز به اهل البیت مائل
بده اذنم به حق آل عصمت
که تا گردم به دیدار تو نایل

❁ یا صاحب الزمان ❁

سروش غیب برگوشم زند زنگ
که‌ای از درد هجر دوست دلتنگ
مزن در هیچ حالی تا توانی
برای غیر او، بر سینه‌ات، سنگ

❁ یا صاحب الزمان ❁

بود بعد از امامان تَلُوْا آنان
دعا بهر ظهورش برده بالا
دعا گوی عزیز بهتر از جان
چنان او را که گشته تَلُوْا جانان

❁ یا صاحب الزمان ❁

زهر کس هست در دنیا، سراسر
ولی بعد از رسول و آل اطهر

دعا گویش پس از معصوم، برتر
دعا گو بهترین خلق زمین است

توجه:

هر گاه دوستی مؤمنی چنین آثاری داشته باشد، پس دوست داشتن رئیس مؤمنان یعنی حجة ابن الحسن علیه السلام چه اثری خواهد داشت؟ آیا واقعاً اثرش از اثر دوست داشتن مؤمنین کمتر است؟

«المكرمة الرابعة والستون: أنه اطاعة لأولى الامر»

«فایده شصت و چهارم: دعا کردن، اطاعت اولی الامر است»

هر گاه شخص مؤمن برای تعجیل فرج مولای غریبان حجة ابن الحسن علیه السلام دعا نماید، در حقیقت اطاعت اولوالامری را نموده که به تصریح قرآن، اطاعتشان واجب می باشد در آنجا که می فرماید:

(۱) «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (۱).

«ای کسانی که ایمان آورده اید اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر را و اطاعت کنید اولوالامر از خودتان را».

(۲) عَنْ أَبِي بصير، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» قَالَ علیه السلام: «الْأئِمَّةُ مِنْ وَدِدِ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ» (۲).

از ابوبصیر، از امام باقر علیه السلام در باره فرموده خدای متعال «یا ایها الذین...» روایت شده است که فرمودند: مراد از اولوالامر امامان از فرزندان علی و فاطمه علیهم السلام تا روز قیامت می باشد.

(۳) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ فَضِيلٍ، قَالَ: «سَأَلْتُهُ عَنْ أَفْضَلِ مَا يَتَقَرَّبُ بِهِ الْعِبَادُ إِلَى اللَّهِ

عَزَّوَجَلَّ؟ قَالَ ﷺ: أَفْضَلُ مَا يَتَقَرَّبُ بِهِ الْعِبَادُ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ طَاعَةُ اللَّهِ وَ طَاعَةُ رَسُولِهِ وَ طَاعَةُ أُولَى الْأَمْرِ... (۱).

محمد بن فضیل می گوید از امام علیه السلام درباره بهترین چیزی که به وسیله آن، بندگان به خداوند عزوجل تقرب می جویند پرسیدم، فرمودند: بهترین چیزی که بندگان به وسیله آن به خدا تقرب می جویند، اطاعت خداوند و اطاعت پیامبر و اطاعت اولوالامر می باشد.

وجه دلالت:

تمام روایاتی که از امامان علیهم السلام در امر به دعا برای حضرت صاحب الزمان علیه السلام رسیده، بخصوص فرمایش خود آن بزرگوار در توفیق شریف که فرمودند: «أَكْثَرُوا الدُّعَاءَ بِتَفْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ» دلالت دارند بر این که مشغول شدن به دعا یعنی اطاعت کردن از آن بزرگواران.

تویی رابط میان خلق و باری	تو آخر حجت پروردگاری
نخواهد دید روی رستگاری	هر آن کس بی تو راهی را بیوید

● یا صاحب الزمان ●

به ما کان و یکون تنها امیری	خداوند تعالی را سفیری
که غیر از تو نباشد دستگیری	به تو رو کرده این افتاده از پا

● یا صاحب الزمان ●

کند تکلیف بهر اهل ایمان	اطاعت از اولی الامر که قرآن
که حاصل می شود آن نیز آسان	دعا بهر ظهور آن عزیز است

● یا صاحب الزمان ●

دعا کن تا طاعت کرده باشی	ز معصومین خود غافل نباشی
به اهل آسمان ها، نور پاشی	دعا کن تا که همچون یک ستاره

«المكرمة الخامسة و الستون: يوجب سرور الله عزوجل»

«فایده شصت و پنجم: باعث خرسندی و رضایت خداوند متعال می شود»

برای اثبات این فایده هم شواهد فراوانی از فرمایشات معصومین علیهم السلام وجود دارد که به بعضی از آنها اشاره می کنیم:

(۱) عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الشُّمَالِيِّ قَالَ: (سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام) يَقُولُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: مَنْ سَرَّ مُؤْمِنًا فَقَدْ سَرَّنِي وَ مَنْ سَرَّنِي فَقَدْ سَرَّ اللَّهَ عز وجل (۱).

رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمودند: «هر کس مؤمنی را مسرور کند مرا مسرور کرده و هر که مرا مسرور کند خدا را مسرور نموده است».

با توجه به این که دعا کردن برای فرج امام زمان علیه السلام موجب شادی ایشان می شود و چون ایشان مؤمن بلکه افضل المؤمنین هستند، لذا با دعا کردن برای ایشان، خدای متعال خشنود می شوند.

(۲) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: مَنْ أَدْخَلَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ سُورًا لَمْ يَرْضَ اللَّهُ لَهُ سُورًا دُونَ الْجَنَّةِ (۲).

رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: هر که بر خاندان مسلمانی خوشحالی وارد کند، خدا به جز بهشت سروری برای او نپسندد.

(۳) عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: تَبَسُّمُ الرَّجُلِ فِي وَجْهِ أَخِيهِ حَسَنَةٌ وَ صَرْفُهُ الْقَدَى عَنْهُ حَسَنَةٌ وَ مَا عِبَدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ إِدْخَالِ السُّرُورِ عَلَى الْمُؤْمِنِ (۳).

از امام باقر عليه السلام منقول است که فرمود: لبخند زدن به روی برادر مؤمن حسنه و ثواب است و برگرداندن آسیب از وی نیز ثواب است، محبوب ترین عبادت در پیشگاه خدا شاد کردن مؤمن است.

۲- آثار الصادقین، ج ۸، ص ۴۰۹.

۱- کافی، ج ۲، ص ۱۸۸.

۳- آثار الصادقین، ج ۸، ص ۳۹۹.

دعا گو، شاد گرداند خدا را	نبی و مصطفی و مرتضی را
دعا بهر فرج مسرور سازد	دل غم‌دیده را پر نور سازد
هدایت با دعا هم سو باشد	ضلالت بی ولن هم بو باشد
خدا فرموده در قرآن هدی را	اگر کردی دعا آن مقتدی را
شود مسرور، ایزد در نهایت	اگر کردی دعا آن مقتدایت

توجه:

عزیزان این اجر و پاداشی که در این فایده و چند فایده آینده می خوانیم، جملگی مربوط به خوشحال نمودن مؤمن است که حقیقهٔ اجر و پاداشی عجیب است که غفلت از آن یقیناً حسرت به بار می آورد.

و لکن روی سخن ما با شما عزیزان این است: هرگاه ثواب سرور مؤمن این باشد، ثواب خوشحال نمودن یکه تاز مؤمنین مهدی آل محمد علیهم السلام چه خواهد بود.

آیا می توان گفت دعا کردن برای ایشان آن بزرگوار را خوشحال نمی سازد؟

آیا می توان گفت خوشحال کردن ایشان اجر و پاداشی ندارد؟

آیا می توان گفت خوشحال کردن ایشان اجر و پاداشش از خوشحال کردن مؤمن

کمتر است؟

و هزاران سؤال دیگر العاقل یکفیه الاشارة.

«المكرمة السادسة و الستون: انه يوجب سرور رسول الله صلى الله عليه وآله»

«فایده شصت و ششم: مایه شادی و خرسندی رسول اکرم صلى الله عليه وآله است»

برای اثبات این مکرمت به احادیثی اشاره می شود:

(۱) قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام فِي رِوَايَةِ أَبِي بَصِيرٍ: «وَاللَّهِ لَرَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله أَسْرُ بِقَضَائِهِ حَاجَةِ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا وَصَلَتْ إِلَيْهِ مِنْ صَاحِبِ الْحَاجَةِ (۱)».

امام صادق عليه السلام به ابوبصیر فرمودند: «به خدا قسم، هر آینه رسول خدا صلى الله عليه وآله از روا

شدن حاجت مؤمن از خود مؤمن خوشحال تر می شود».

(۲) قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام فِي رِوَايَةٍ مُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ: «لَا يَرَى أَحَدُكُمْ إِذَا أَدْخَلَ عَلَيَّ مُؤْمِنٍ سُرُورًا أَنَّهُ عَلَيْهِ أَدْخَلَهُ فَقَطُّ بَلْ وَاللَّهِ عَلَيْنَا، بَلْ وَاللَّهِ عَلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ صلوات الله عليه» (۱).
 امام صادق علیه السلام به مفضل بن عمر فرمودند: چنین نداند کسی از شما اگر بر مؤمنی سروری داخل کرد، که تنها او را مسرور نموده، بلکه به خدا قسم بر ما سرور وارد کرده است، بلکه به خدا قسم بر رسول خدا صلوات الله عليه وارد کرده است.

الا ای میوه قلب پیمبر
 تو گر آیی شود خوشحال و مسرور
 فروغ دیده ساقی کوثر
 دل غم‌دیده زهرای اطهر

● بامصلب الزمان ●

دعا بهر فرج مسرور سازد	خدا و حیدر و زهرا و احمد
یقین دارم شود شامل تو را هم	دعای حیدر و زهرا، محمد <small>صلوات الله عليه</small>
نباشی دردعا کردن مردد	برای منجی آل محمد <small>صلوات الله عليه</small>
یقین دان با دعایت بهر مهدی	خداوند و رسولش، شادگردد

«المكرمة السابعة و الستون: انه احب الاعمال الى الله تعالى»

«فایده شصت و هفتم: محبوب‌ترین اعمال است»

به دو روایت که دال بر این فایده هستند، اشاره می‌شود:

(۱) عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: «مَا عُبِدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ اللَّهُ مِنْ إِدْخَالِ السُّرُورِ عَلَى الْمُؤْمِنِ» (۲).

امام باقر علیه السلام فرمودند: «خداوند به هیچ چیزی عبادت نشده که نزد او خوشایندتر باشد از خوشحال کردن مؤمن».

(۲) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ علیه السلام قَالَ: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلوات الله عليه: إِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِدْخَالُ السُّرُورِ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ» (۳).

۲- کافی، ج ۲، ص ۱۸۸.

۱- کافی، ج ۲، ص ۱۸۸.

۳- کافی، ج ۲، ص ۱۸۹.

امام سجاده علیه السلام فرمودند که: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: همانا بهترین کارها نزد خداوند عزوجل خوشی رساندن به مؤمنین می باشد.

زده گر معصیت بر جانم آفات
خداوندا مرا منما مکافات
عمل نبود مرا، اما نمایم
به عشق مهدیت جبران مافات

❁ یا صاحب الزمان ❁

اگر مسرور کردی مؤمنی را
بدان از بهترین اعمال، آن را
بود مولای مؤمنها فقط او
دعایت می کند مسرور او را

❁ یا صاحب الزمان ❁

نباشد کاری از کار تو بهتر
برای این که کردی شاد، دلبر
دعا بهر فرج محبوبتر هست
زکَل کارهای خوب دیگر

«المکرمة الثامنة والستون: انّ الداعی من ینحکمهم الله فی الجنان»
«فایده شصت و هشتم: دعا کننده از حکومت کنندگان در بهشت است»

برای روشن شدن این مکرمت و فایده به دو حدیث اشاره می شود:

(۱) عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: إِنَّ فِيمَا نَاجَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِ عَبْدَهُ مُوسَى (عَلَى نَبِينَا وَآلِهِ وَ عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ: إِنَّ عِبَادًا لِي أُبِيحُهُمْ جَنَّتِي وَ أُحَكِّمُهُمْ فِيهَا، قَالَ: يَا رَبِّ وَ مَنْ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ تُبِيحُهُمْ جَنَّتِكَ وَ تُحَكِّمُهُمْ فِيهَا؟ قَالَ: مَنْ أَدْخَلَ عَلَيَّ مُؤْمِنٍ شُرُورًا... (۱).

امام باقر علیه السلام فرمودند: از جمله چیزهایی که خداوند عزوجل به بنده اش موسی (علی نبینا و آله و علیه السلام) در مناجات فرمود این بود که فرمود: «همانا بندگان را برای من هستند که بهشت خود را بر آنها مباح نموده و در آن به آنها حکومت دهم، موسی گفت: پروردگارا اینها چه کسانی هستند که بهشت را بر آنها مباح نموده و آنها را در آن حکومت می دهی؟ فرمود: هر کس که مؤمنی را خوشحال کند...».

(۲) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: أَوْحَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَى دَاوُدَ عليه السلام: إِنَّ الْعَبْدَ مِنْ عِبَادِي لَيَأْتِيَنِي بِالْحَسَنَةِ فَأَيُّحُهُ جَنَّتِي، فَقَالَ دَاوُدُ عليه السلام: يَا رَبِّ وَمَا تِلْكَ الْحَسَنَةُ؟ قَالَ: يَدْخُلُ عَلَى عَبْدِي الْمُؤْمِنِ سُرُوراً وَلَوْ بِتَمْرَةٍ، قَالَ دَاوُدُ: يَا رَبِّ حَقَّ لِعَنِّ عَرَفَكَ أَنْ لَا يَقْطَعَ رَجَاءَهُ مِنْكَ (۱).

امام صادق علیه السلام فرمودند: خدای عزوجل به داود فرمود: «همانا بنده‌ای از بندگانم حسنه‌ای انجام دهد که بهشت خود را بر وی مباح سازم، داود علیه السلام عرضه داشت: پروردگارا آن حسنه کدام است؟ فرمود: برینده مؤمنم سرور و خوشحالی وارد نماید، هر چند به وسیله یک دانه خرما داود عرضه داشت: پروردگارا شایسته است آن که تو را شناسد امیدش را از تو تبرد».

از بحث‌های گذشته کاملاً روشن شد که دعا نمودن برای فرج آن بزرگوار سبب سرور و خوشحالی ایشان می‌شود.

صفای دیده و قلب سلیمی
به خلوتگاه «آواذنی» مقیمی

تو در واقع صراط مستقیمی
مقام تو در این دنیای دون نیست

● یا صاحب الزمان ●

دعا بنما تو یار مهربان را
صفا گیرد زمین و آسمان را

اگر خواهی حکومت در جنان را
دعا کن تا ظهورش زود گردد

● یا صاحب الزمان ●

که گردد با دعا بر دلبرش، مست
دل پر خون زدست مردم پست

حکومت در بهشت از آن کسی هست
دعا بهر فرج مسرور سازد

«المكرمة التاسعة و الستون: انه يحاسب حساباً يسيراً»

«فایده شصت و نهم: به آسانی به حساب او رسیدگی می‌شود»

برای اثبات این فایده به حدیثی که در فایده بعدی ذکر می‌شود مراجعه شود و

قسمتی از آن را اینجا ذکر می‌کنیم:

«... قَالَ لَهُ الْمِيثَالُ: لَا تَفْرَغْ وَ لَا تَحْزَنْ وَ أَبْسِرْ بِالسُّرُورِ وَ الْكِرَامَةِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، حَتَّى يَقِفَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَيُحَاسِبُهُ حِسَاباً يُسْبِرُ، وَ يَأْمُرُ بِهِ إِلَى الْجَنَّةِ...»
 (۱) قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَاباً يُسْبِرُ وَ يَنْقَلِبُ إِلَى أَهْلِهِ مَسْرُوراً^(۱).

خدای تبارک و تعالی فرمود: پس کسی که نامه اعمالش به دست راستش داده شود، به زودی حساب آسانی برای او می شود و خوشحال به اهل و خانواده اش باز می گردد.

(۲) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنْ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِذَا أَرَادَ أَنْ يُحَاسِبَ الْمُؤْمِنَ أَعْطَاهُ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ وَ حَاسَبَهُ لِمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَهُ فَيَقُولُ: عَبْدِي فَعَلْتَ كَذَا وَ كَذَا وَ عَمِلْتَ كَذَا وَ كَذَا؟ فَيَقُولُ: نَعَمْ يَا رَبِّ قَدْ فَعَلْتُ ذَلِكَ فَيَقُولُ: قَدْ غَفَرْتُهَا لَكَ وَ أَبَدَلْتُهَا حَسَنَاتٍ فَيَقُولُ النَّاسُ: سُبْحَانَ اللَّهِ مَا كَانَ لِهَذَا الْعَبْدِ سَيِّئَةٌ وَاحِدَةٌ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَاباً يُسْبِرُ وَ يَنْقَلِبُ إِلَى أَهْلِهِ مَسْرُوراً، قُلْتُ: أَيُّ أَهْلِ قَالَ: أَهْلُهُ فِي الدُّنْيَا، هُمْ أَهْلُهُ فِي الْجَنَّةِ إِنْ كَانُوا مُؤْمِنِينَ قَالَ: وَ إِذَا أَرَادَ بِعَبْدٍ شِئْرًا حَاسَبَهُ عَلَى رُؤْسِ النَّاسِ وَ بَكَّتُهُ وَ أَعْطَاهُ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «وَ أَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ فَسَوْفَ يَدْعُوا ثُبُوراً وَ يَضِلُّ سَعيراً إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُوراً، قُلْتُ: أَيُّ أَهْلِ؟ قَالَ أَهْلُهُ فِي الدُّنْيَا.»^(۲)

از ابو عبدالله امام صادق عليه السلام روایت است که: خدای تبارک و تعالی چون خواهد حساب بنده مؤمن کند، نامه اعمالش را به دست راستش نهد و حسابش را بین خود و او بنماید و فرماید: بنده من چنین و چنان انجام داده ای و این و آن به جای آورده ای عرض کند: آری ای خدای من اینها بکرده ام خدا فرماید: همه را به تو بخشیدم و تمام آن را به حسنات مبدل نمودم که مردم گویند سبحان الله این بنده را یک گناه هم نبوده و این است معنای گفتار خدا عزوجل «أَمَّا هُرْكَسُ رَا دَرِ أَنْ رُوْزِ

نامه اعمال به دست راست دهند، آن کس (خوشا باحوالش که) بسیار حسابش آسان کنند و او به سوی کسان و خویشانش (در بهشت) مسرور و شادمان خواهد رفت، راوی گوید: گفتم: کدام اهل؟ فرمود: کسانی که در دنیا همانها کسانش در بهشت باشند اگر اهل ایمان باشند فرمود: و چون خدای از برای بنده‌ای، بد خواهد، از او در حضور مردم حساب گیرد، و سرزنش و ملامتش کند، و نامه کردارش به دست چپش دهد و این است معنای گفتار خدای عزوجل «و اما آن کسی که نامه اعمالش از پشت سر (به دست چپ) دهند، او برهلاک خود آه و فریاد و حسرت بسیار کند و به آتش سوزان دوزخ در افتد که او در میان کسانش بسیار مسرور بود». راوی گوید: عرض کردم کدام اهل؟ فرمود: همان کسانش در دنیا.

نهفته گنج شایانی به سینه

اگر دل شد ولایت را دقینه

ندارد سرنشین این سفینه

تو کشتی نجاتی وحشت و خوف

❁ یا صاحب الزمان ❁

دعا زخم گنه را کرده درمان

دعا گویت حسابش هست آسان

حسابش سخت تر از هر مسلمان

یقین دارم که غافل از تو باشد

❁ یا صاحب الزمان ❁

دعا گویت در آنجا هست سرحال

اگر جدت بود میزان اعمال

نیاشد در حسابش رنج و جنجال

دعا گوی فرج باید بداند

❁ یا صاحب الزمان ❁

اگر بودی به یاد غربت او

حسابت هست آسان ای دعا گو

نه بهر خط و خال و چشم و ابرو

اگر کردی دعایش عاشقانه

نگردانده ز مولای خودت، رو

اگر با هر بلاه و هر مصیبت

به روز و شب، به هر جا و به هر سو

حسابت گردد آسان، پس دعا کن

«المكرمة السبعون: الأنيس و الشفيق له فى البرزخ و القيامة»

«فايده هفتادم: مونس مهربانى در عالم برزخ و قيامت»

دلالت مى كند بر اين مطلب، حديث شريفى كه ذكر مى شود:

(۱) قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ: «إِذَا بَعَثَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ قَبْرِهِ خَرَجَ مَعَهُ مِثَالُ يُقَدِّمُهُ أَمَامَهُ، كُلَّمَا رَأَى هَوَلاً مِنْ أَهْوَالِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ، قَالَ لَهُ الْمِثَالُ: لَا تَفْرَعْ وَ لَا تَخْزَنْ، وَ أَبْشِرْ بِالسُّرُورِ وَ الْكِرَامَةِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، حَتَّى يَقِفَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، فَيُحَاسِبُهُ حِسَاباً يَسِيراً، وَ يَأْمُرُ بِهِ إِلَى الْجَنَّةِ، وَ الْمِثَالُ أَمَامَهُ فَيَقُولُ لَهُ الْمُؤْمِنُ: يَرْحَمُكَ اللَّهُ نِعَمَ الْخَارِجِ خَرَجْتَ مَعِيَ مِنْ قَبْرِي، وَ مَا زِلْتَ تُبَشِّرُنِي بِالسُّرُورِ وَ الْكِرَامَةِ مِنَ اللَّهِ حَتَّى رَأَيْتُ ذَلِكَ فَيَقُولُ مَنْ أَنْتَ؟ فَيَقُولُ: أَنَا السُّرُورُ الَّذِي كُنْتَ أَدْخَلْتَ عَلَيَّ أَخِيكَ الْمُؤْمِنَ فِي الدُّنْيَا، خَلَقَنِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنِّي لِأُبَشِّرَكَ (۱)».

امام صادق عليه السلام ضمن حديثى طولانى فرمودند: «هنگامى كه خداوند مؤمن را از قبرش برانگيزد صورتى با او خارج شود كه پيشاپيش وى راه رود كه هرگاه مؤمن يكى از احوال قيامت را بنگرد آن مثال به او مى گويد: نهراس و غمگين مباش، مژده باد تو را به خوشى و كرامت خداى عزوجل، تا اين كه در پيشگاه خداى عزوجل بايستند، پس به آسانى او را محاسبه كند و به سوى بهشت فرمانش دهد، در حالى كه آن صورت پيش روى اوست. مؤمن به آن گويد: خدايت رحمت كند، چه خوب كسى بودى كه از قبر همراهم در آمدى و همواره مرا به شادمانى و كرامت الهى مژدهام دادى تا آن را ديدم، پس از آن گويد: تو كيستى؟ مى گويد: من همان شادمانى و سرورى هستم كه در دنيا بر برادر مؤمنم وارد كردى، خداى عزوجل مرا از آن سرور آفريد تا تو را مژده دهى».

وجه دلالت:

از فوايد گذشته روشن شد كه دعا براى تعجيل در فرج صاحب الزمان عليه السلام

موجب سرور آن حضرت و اجداد طاهرینش می شود، لذا تمام آثار و برکات سرور مؤمنین، برای دعا کردن خواهد بود بلکه بیشتر و بهتر.

ولای تو که ما را خیر زاد است یگانه توشه روز معاد است
سؤال از عشق کردم عند رب کیست به گفتا ساکن کویش مراد است

● یا صاحب الزمان ●

الا ای بهترین دلدار و غمخوار که از تو سهل گردد هر چه دشوار
پس از مردن که وحشت زاست قبرم مرا تنها در آن بحبوحه، مگذار

● یا صاحب الزمان ●

سر قبرم بیا بعد از وفاتم که تا آید به تن روح الحیاتم
اگر دیدی معذب بودم آنجا بده از سختی برزخ نجاتم

● یا صاحب الزمان ●

من و از تو جدایی وای بر من تو و بی اعتنایی وای بر من
به وقت مرگ و در قبر و قیامت سراغم گر نیایی وای بر من

● یا صاحب الزمان ●

دعایت چون که خوشحالی رساند به قلب مهدی آل محمد علیهم السلام
بود چون مونس مشفق، برایت همیشه با تو، تا گردی سرآمد

● یا صاحب الزمان ●

انیس و مونس گردد دعایت میان قبر و محشر هست، جایت
اگر خواهی انیس مهربانی دعا کن بهر یار باوفایت

«المکرمة الواحدة والسبعون: انه افضل الاعمال»

«فایده هفتاد و یکم: بهترین اعمال است»

احادیث فراوانی دلالت بر این فایده می کنند که از بین همه آنها اشاره می کنیم به حدیث بسیار مهمی که از ابا عبد الله الحسین علیه السلام نقل شده است:

(۱) رَوَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: صَحَّ عِنْدِي قَوْلُ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله: «أَفْضَلُ

الْأَعْمَالِ بَعْدَ الصَّلَاةِ إِذْ خَالَ السُّرُورِ فِي قَلْبِ الْمُؤْمِنِينَ بِمَا لِأَيْمٍ فِيهِ، فَأَنِّي رَأَيْتُ غُلَاماً يُوَاكِلُ كَلْباً، فَقُلْتُ لَهُ فِي ذَلِكَ فَقَالَ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، إِنِّي مَغْمُومٌ، أَطْلُبُ سُرُوراً بِسُرُورِهِ، لِأَنَّ صَاحِبِي يَهُودِيٌّ أُرِيدُ أَفَارِقَهُ، فَأَتَى الْحُسَيْنَ عليه السلام إِلَى صَاحِبِهِ بِمَا تَنَى دِينَارٍ ثَمَنَالَهُ، فَقَالَ الْيَهُودِيُّ: الْغُلَامُ فِدَاءٌ لِحُطَّاكَ، وَهَذَا الْبَسْتَانُ لَهُ، وَرَدَدْتُ عَلَيْكَ الْمَالَ، فَقَالَ عليه السلام: وَ أَنَا قَدْ وَهَبْتُ لَكَ الْمَالَ قَالَ: قَبِلْتُ الْمَالَ، وَ وَهَبْتُهُ لِلْغُلَامِ، فَقَالَ الْحُسَيْنُ عليه السلام: أَغْتَفْتُ الْغُلَامَ، وَ وَهَبْتُ لَهُ جَمِيعاً، فَقَالَتْ امْرَأَتُهُ: قَدْ أَسْلَمْتُ، وَ وَهَبْتُ زَوْجِي مَهْرِي، فَقَالَ الْيَهُودِيُّ: وَ أَنَا أَيْضاً أَسْلَمْتُ وَ أَعْطَيْتُهَا هَذِهِ الدَّارَ. (۱)

امام حسین عليه السلام فرمودند: نزد من درست است که جدم پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده:

بهترین اعمال بعد از نماز ادخال سرور در دل مؤمن است به چیزی که در آن گناه نباشد که من غلامی را دیدم که با سگی هم غذایی می‌کند، درباره این کار از او پرسیدم، گفت: ای فرزند رسول خدا، من غمناک هستم و با خوشحال کردن این سگ، خوشحالی می‌کنم، زیرا که صاحبم یهودی است، می‌خواهم از او جدا شوم، پس حسین عليه السلام به نزد صاحب او رفت و دو بیست دینار قیمت غلام را نزد او برد، یهودی عرضه داشت: غلام فدای قدمت و این باغ برای او باشد و پول را به شما پس دادم، امام عليه السلام فرمود: من هم پول را به تو بخشیدم، عرض کرد: پول را قبول کرده و آن را به غلام بخشیدم، حسین عليه السلام فرمود: غلام را آزاد کردم و تمام اینها را به او بخشیدم، آنگاه همسرش گفت: من مسلمان شدم و مهریه‌ام را به شوهرم بخشیدم، یهودی گفت: من نیز مسلمان شدم و این خانه را به همسرم بخشیدم.

دعا بهر حیب داغدارت

بود او لحظه لحظه در کنارت

تو را کرده مریض و بی قرارت

دهد پایان به طول انتظارت

خصوصاً گر بود بهر نگارت

بود از بهترین اعمال، کارت

همان مولا که آگاهست از دل

همان مولا که طول غیبت او

دعا کن، خالصانه، تا بیاید

دعا از بهترین اعمال باشد

● با صاحب الزمان ●

اگر سرور کردی انس و جان را
بود مولای انس و جان فقط او
بدان از بهترین اعمال آن را
کند شادان دعا، صاحب زمان را

«المكرمة الثانية والسبعون: يوجب زوال الغم»

«فایده هفتاد و دوم: موجب برطرف شدن غم می شود»

حدیث بسیار مهمی که در فایده قبل از ابا عبدالله الحسین علیه السلام ذکر شد، برای اثبات این فایده نیز کفایت می کند؛ زیرا در آنجا ذکر شد که غلام گفت من غمناکم و چون سگی را خوشحال کرد، خداوند غمها و غصه های او را مبدل به شادی و سرور ساخت.

(۱) قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمِلَ صَالِحاً فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۱).

خدای تعالی فرمود هر کس که به خدا و روز قیامت ایمان آورد و نیکوکار شود، هرگز او را ترسی و اندوهی نخواهد بود.

(۲) قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: سَوْشُوا إِيمَانَكُمْ بِالصَّدَقَةِ وَ حَصِّنُوا أَمْوَالَكُمْ بِالزَّكَاةِ وَ اذْفَعُوا أَمْوَاجَ الْبَلَاءِ بِالدُّعَاءِ (۲).

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: ایمان خود را با صدقه حفظ کنید، و مالهای خویش را با اداء زکوة بیمه نمایید و امواج بلاء و گرفتاریها را به وسیله دعاء دفع سازید.

(۳) قَالَ أَبُو بَصِيرٍ لِلصَّادِقِ علیه السلام: جُعِلْتُ فِدَاكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِنِّي لَأَغْتَمُّ وَ أَحْزَنُ مِنْ غَيْرِ أَنْ أَعْرِفَ لِدَلِكِ سَبَباً فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: إِنَّ ذَلِكَ الْحُزْنَ وَ الْفَرَحَ يَصِلُ إِلَيْكُمْ مِنْ أُمَّتِي ذَكَرَ علیه السلام إِنَّ ذَلِكَ مِنْ أَجْلِ الطَّيْنَةِ (۳).

ابوبصیر گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله قربانت

۲- آثار الصادقین، ج ۷، ص ۲۶۹.

۱- مائده / ۶۹.

۳- آثار الصادقین ج ۳ ص ۳۱۳

گردم من گاهی غمگین و اندوهگین می شوم بدون این که برای این غم و اندوهم علتی بشناسم؟ امام علیه السلام فرمود: همانا آن اندوه، و شادی، از ما به شما می رسد. آنگاه فرمود: و آن به خاطر سرشت و طینت است (که طینت و سرشت شیعیان ما، از ما است).

(۴) قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: ذَكَرْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ شِفَاءً مِنَ الْوَعَكِ وَالْأَسْقَامِ وَوَسْوَائِسِ الرَّيْبِ (۱).

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: ذکر و یاد کردن از ما اهل بیت علیهم السلام شفاء و درمان تب و بیماری‌ها و وسوسه شک است.

بزن بر تارک کیوان علم را	یکن از ریشه، بنیان ستم را
غشاء محکمی غم بسته دورم	بیا بردار این دیوار غم را

❁ یا صاحب الزمان ❁

تولای تو باشد حاصل ما	فراق توست تنها مشکل ما
تویی تا در نقاب غیب پنهان	نگردد ریشه کن غم، از دل ما

❁ یا صاحب الزمان ❁

نجاتم ده، تو از گرداب غم‌ها	چه غم‌ها حمله ور بر جان ستم‌ها
مکن با هر بلایی امتحانم	که نبود تاب بسیاری الم‌ها

❁ یا صاحب الزمان ❁

بود از طینت تو روح عشاق	تویی در بحر غم‌ها نوح عشاق
تویی داروی درد دردمندان	تو پاسخگوی «یا سُبوح» عشاق

❁ یا صاحب الزمان ❁

سرایا از غم هجر تو دردم	بیا ای نازنین دورت بگردم
غم مهجوری و اندوه دل را	ببین در اشک گرم و آه سردم

❁ یا صاحب الزمان ❁

غم از دل می‌بری با یک تکلم
به تن جان می‌دهی با یک تبسم
مرا تنها سروکار است با تو
چه حاجت با وجود تو به مردم

● یا صاحب الزمان ●

تو دل را با نگاهی می‌ربایی
غم آن را به کئی می‌زدایی
در لطف تو را هر کس بگوید
تو آن در را به رویش می‌گشایی

● یا صاحب الزمان ●

دعا بهر تو زائل کرد غم را
به کوهی می‌خری آقا تو، کم را
یقین دارم تو هم گویی دعایم
لذا بهر چه غم گیرد دلم را؟

● یا صاحب الزمان ●

دعا غم را کند نابود، جانم
فرج را می‌نماید زود، جانم
بدان قدر کلاس انتظارش
نگردی با دعا مردود، جانم

● یا صاحب الزمان ●

دعا غم را کند نابود ای دوست
دعا بالاتر از هر سحر و جادوست
اگر پرسی دعا بهتر کدام است
بدان بهر فرج والله نیکوست

«المکرمة الثالثة والسبعون: انه افضل من الدعا للإمام علیه السلام زمان ظهوره»

«فایده هفتاد و سوم: دعا در عصر غیبت بهتر از زمان ظهور امام علیه السلام است»

دلیل بر این معنی روایتی است بسیار مهم که دارای نکات با ارزشی است و از جهت اهمیت آن، همه این روایت طولانی را متذکر می‌شویم، تا مورد توجه همگان قرار گیرد:

(۱) عَنْ عَمَّارِ السَّابِاطِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: أَيُّمَا أَفْضَلُ، الْعِبَادَةُ فِي السَّرِّ مَعَ الْإِمَامِ مِنْكُمْ الْمُسْتَشْرَى فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ أَوْ الْعِبَادَةُ فِي ظَهْرِ الْحَقِّ وَدَوْلَتِهِ مَعَ الْإِمَامِ مِنْكُمْ الظَّاهِرِ؟ فَقَالَ: يَا عَمَّارُ الصَّدَقَةُ فِي السَّرِّ وَاللَّهُ أَفْضَلُ مِنَ الصَّدَقَةِ فِي الْعَلَانِيَةِ وَكَذَلِكَ وَاللَّهُ عِبَادَتُكُمْ فِي السَّرِّ مَعَ إِمَامِكُمُ الْمُسْتَشْرَى فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ وَتُخَوُّنُكُمْ مِنْ

عَدُوِّكُمْ فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ وَ حَالِ الْهُدْنَةِ، أَفْضَلُ مِمَّنْ يَعْبُدُ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ فِي ظُهُورِ الْحَقِّ مَعَ إِمَامِ الْحَقِّ الظَّاهِرِ فِي دَوْلَةِ الْحَقِّ وَ لَيْسَتْ الْعِبَادَةُ مَعَ الْخَوْفِ فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ مِثْلَ الْعِبَادَةِ وَ الْأَمْنِ فِي دَوْلَةِ الْحَقِّ، وَ اعْلَمُوا أَنَّ مَنْ صَلَّى مِنْكُمْ الْيَوْمَ صَلَاةَ فَرِيضَةٍ فِي جَمَاعَةٍ، مُسْتَتِرًا بِهَا مِنْ عَدُوِّهِ، فِي وَقْتِهَا فَأَتَمَّهَا كَتَبَ اللَّهُ (عَزَّ وَجَلَّ) لَهُ خَمْسِينَ صَلَاةً فَرِيضَةً فِي جَمَاعَةٍ، وَ مَنْ صَلَّى مِنْكُمْ صَلَاةً فَرِيضَةً وَحَدَهُ، مُسْتَتِرًا بِهَا مِنْ عَدُوِّهِ، فِي وَقْتِهَا فَأَتَمَّهَا كَتَبَ اللَّهُ بِهَا لَهُ خَمْسًا وَ عِشْرِينَ صَلَاةً فَرِيضَةً وَحَدَانِيَّةً، وَ مَنْ صَلَّى مِنْكُمْ صَلَاةً نَافِلَةً لَوْ قَتَلَهَا فَأَتَمَّهَا، كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِهَا عَشْرَ صَلَوَاتٍ تَوَافِلَ، وَ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ حَسَنَةً كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِهَا عِشْرِينَ حَسَنَةً وَ يُضَاعِفُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ حَسَنَاتِ الْمُؤْمِنِ مِنْكُمْ إِذَا أَحْسَنَ أَعْمَالَهُ، وَ دَانَ بِالتَّقِيَّةِ عَلَى دِينِهِ وَ إِمَامِيهِ وَ نَفْسِهِ وَ أَمْسَكَ مِنْ لِسَانِهِ أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ كَرِيمٌ، قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ، قَدْ وَاللَّهِ رَغَّبْتَنِي فِي الْعَمَلِ وَ حَشَّشَنِي عَلَيْهِ، وَ لَكِنِ أَحِبُّ أَنْ أَعْلَمَ كَيْفَ صِرْنَا نَحْنُ الْيَوْمَ أَفْضَلُ أَعْمَالًا مِنْ أَصْحَابِ الْإِمَامِ الظَّاهِرِ مِنْكُمْ فِي دَوْلَةِ الْحَقِّ وَ نَحْنُ عَلَى دِينِ وَاحِدٍ؟ فَقَالَ ﷺ: إِنَّكُمْ سَبَقْتُمُوهُمْ إِلَى الدُّخُولِ فِي دِينِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَ إِلَى الصَّلَاةِ وَ الصَّوْمِ وَ الْحَجِّ، وَ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ وَفَّقَهُ وَ إِلَى عِبَادَةِ اللَّهِ عَزَّ ذِكْرُهُ سِرًّا مِنْ عَدُوِّكُمْ، مَعَ إِمَامِكُمُ الْمُسْتَتِرِ، مُطِيعِينَ لَهُ، صَابِرِينَ مَعَهُ، مُنْتَظِرِينَ لِدَوْلَةِ الْحَقِّ، خَائِفِينَ عَلَى إِمَامِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ مِنَ الْمُلُوكِ الظَّالِمَةِ، تَنْظُرُونَ إِلَى حَقِّ إِمَامِكُمْ، وَ حُقُوقِكُمْ فِي أَيْدِي الظَّالِمَةِ، قَدْ مَنَعُوكُمْ ذَلِكَ وَ اضْطَرُّوكُمْ إِلَى حَرْثِ الدُّنْيَا، وَ طَلَبِ الْمَعَاشِ، مَعَ الصَّبْرِ عَلَى دِينِكُمْ وَ عِبَادَتِكُمْ وَ طَاعَةِ إِمَامِكُمْ، وَ الْخَوْفِ مَعَ عَدُوِّكُمْ فَبِذَلِكَ ضَاعَفَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَكُمْ الْأَعْمَالَ فَهَنِيئًا لَكُمْ.

قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، فَمَا تَرَى إِذَا أَنْ نَكُونُ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ، وَ يُظْهِرُ الْحَقُّ وَ نَحْنُ الْيَوْمَ فِي إِمَامَتِكَ، وَ طَاعَتِكَ، أَفْضَلُ أَعْمَالًا مِنْ أَصْحَابِ دَوْلَةِ الْحَقِّ وَ الْعَدْلِ، فَقَالَ ﷺ: سُبْحَانَ اللَّهِ أَمَا تُحِبُّونَ أَنْ يُظْهِرَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى الْحَقُّ وَ الْعَدْلُ فِي الْبِلَادِ وَ يَجْمَعَ اللَّهُ الْكَلِمَةَ، وَ يُؤَلِّفَ اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبٍ مُخْتَلِفَةٍ، وَ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِي

أَرْضِهِ وَتُقَامُ حُدُودُهُ فِي خَلْقِهِ، وَ يَرِدُ اللَّهُ الْحَقَّ إِلَى أَهْلِهِ، فَيُظْهِرُ حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ أَمَا وَاللَّهِ يَا عَمَّارُ، لَا يَمُوتُ مِنْكُمْ مَيِّتٌ عَلَى الْحَالِ الَّتِي أَنْتُمْ عَلَيْهَا إِلَّا كَانَ أَفْضَلَ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ كَثِيرٍ مِنْ شُهَدَاءِ بَدْرٍ وَأَحَدٍ، فَابْشِرُوا، (۱)

عمار سباباطی می‌گوید: به حضرت صادق علیه السلام عرضه داشتیم: کدامیک بهتر است، عبادت پنهانی با امام پنهان شده شما در دولت باطل، یا عبادت در دوران ظهور حق و دولت آن با امام آشکار از شما؟

فرمودند: یا عمار به خدا که صدقه در سر از صدقه آشکارا بهتر است، همین طور به خدا قسم عبادت شما در پنهانی با امام پنهانتان در زمان دولت باطل و با ترس از دشمنانتان و یا صلح با او بهتر است از کسی که خدای عزوجل را در زمان ظهور حق با امام حق بر ظاهر در دولت حق عبادت کند، و عبادت توأم با ترس در دولت باطل همچون عبادت و امنیت در دولت حق نیست و بدانید که هر کس از شما در این زمان نماز واجب خود را در وقتش به جماعت و به طور کامل به جای آورد و از دشمنش کتمان نماید، خداوند ثواب پنجاه نماز واجب به جماعت گزارده شده را برای او بنویسد، و هر کس از شما که در این زمان نماز واجبش را فردی و در وقت خود به طور کامل و درست اداء کند، خداوند عزوجل ثواب بیست و پنج نماز فردی برای وی بنویسد، و هر کدام از شما که یک نماز نافله را در وقتش به طور کامل به جای آورد، خداوند برایش ثواب ده نماز نافله بنویسد و هر کس از شما کاریکی انجام دهد خداوند عزوجل به جای آن برایش بیست حسنه بنویسد و حسنات مؤمن از شما را خداوند عزوجل چند برابر خواهد ساخت، به شرط این که حسن عمل داشته باشد و نسبت به دین و امام و جان خود تقیه را بکار بندد و

زبانش را حفظ کند همانا خدای عزوجل کریم است.

عرضه داشتم: فدایت شوم به خدا قسم مرا بر عمل تشویق فرمودی و برانگیختی، ولی دوست دارم بدانم چگونه است که ما اعمالمان از اعمال اصحاب امامی که ظاهر باشد در دولت حق بهتر است و حال آن که همه یک دین داریم؟

فرمودند: شما در گرویدن به دین خدای عزوجل و به نماز و حج و روزه و به هر کار نیکی و دانشی و به عبادت خدای عزوجل پنهانی از ترس دشمنان از آنان پیشی گرفته اید با امام پنهان شده خود و مطیع او هستید و مانند او صبر می کنید و به انتظار دولت حق به سر می برید در حالی که بر امامتان و برجانتان از زمامداران ستمگر می ترسید، حق امامتان و حقوق خودتان را در دست ستمگران می بینید که از دست شما گرفته و به گشت در دنیا و کسب معاش واردتان نموده اند، با وجود صبر شما نسبت به دین و عبادتتان را طاعت امامتان و ترس با دشمنان، پس برای این جهات است که خداوند عزوجل ثواب اعمالتان را چند برابر قرار داده است که گوارایتان باد، عرض کردم: قربانت گردم بنابراین آرزو نکنیم این که از اصحاب قائم علیهم السلام باشیم و حق آشکار گردد، با این حال که ما امروز در زمان امامت و با اطاعت شما ثواب اعمالتان بهتر از اصحاب حق و عدل می باشد؟

فرمودند: سبحان الله آیا دوست نمی دارید که خداوند تبارک و تعالی حق و عدل را در بلاد ظاهر کند و خداوند وحدت کلمه پدید آورد و خداوند بین دل های مختلف و پراکنده الفت دهد و خدای عزوجل در زمینش معصیت نشود و حدودش در خلقش اجراء گردد و خداوند حق را به اهلش بازگرداند، پس حق آشکار شود تا هیچ قسمتی از حق از ترس احدی از خلق مخفی نماند، به خدا قسم ای عمّار، هیچکس از شما در اینحال که شما دارید نمیرد مگر این که نزد خداوند از بسیاری از شهدای بدر احد بهتر باشد پس شما را مژده باد.

وجه دلالت:

همان فرمایش امام صادق علیه السلام که فرمودند: «و کذلک و اللّٰه عبادتکم فی السّر...» دلالت داشت که این نوع عبادت با ارزش تر است و با توجه به این که دعا از افضل عبادات است، خصوصاً دعایی که برای حضرت صاحب الزمان علیه السلام باشد، لذا این فایده به اثبات می رسد.

دعا کن طی شود دوران غیبت	تو ای زندانی زندان غیبت
چه قرنی بگذرد هر آن غیبت	به آن هایی که مشتاق ظهورند

❁ یا صاحب الزمان ❁

ظهوری کاندر آن فیض حضور است	دوای درد ما تنها ظهور است
در چشم باطنش واللّٰه کور است	هر آن کس کو بود غافل زیادش

❁ یا صاحب الزمان ❁

زیس غم های او باشد فراوان	شنیدم برده او سر در گریبان
زهر اندوه و غم آسوده گردان	خدایا قلب او را با ظهورش

❁ یا صاحب الزمان ❁

قلوب عاشقانت شد پر از خون	شده اوضاع این عالم دگرگون
که تا آبی زگشتم غیب بیرون	جهان در انتظار مقدم توست

❁ یا صاحب الزمان ❁

زهنگام ظهور یار و دلبر	دعا در غیبت او هست بهتر
بود از آشکارش خوب و برتر	همان طوری که پنهانی تصدق

❁ یا صاحب الزمان ❁

ز حاضر بودن آن یار نیکو	بود بهتر، دعا در غیبت او
نباشد فکر خط و خال و ابرو	هر آنکس عاشق مولاست، دانم

❁ یا صاحب الزمان ❁

ز حاضر بودن آن دلربایت	بود در غیبتش بهتر دعایت
ظهورش را تو هر دم از خدایت؟!	چه کس بهتر از آن مولا، که خواهی

«المكرمة الرابعة والسبعون: دعاء الملائكة في حقّه»

«فایده هفتاد و چهارم: دعای فرشتگان در حق او»

روایاتی بر این مطلب دلالت دارند که به چند نمونه از آنها اشاره می‌شود:

(۱) عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: «أَسْرَعُ الدُّعَاءِ نُجْحًا لِلْإِجَابَةِ دُعَاءُ الْأَخِ لِأَخِيهِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ، يَتَدَا بِالدُّعَاءِ لِأَخِيهِ فَيَقُولُ لَهُ مَلَكٌ مُوَكَّلٌ بِهِ: آمِينَ مَالِكٌ مِثْلَهُ»^(۱).

امام باقر عليه السلام فرمودند: «نزدیک‌ترین دعایی که زود به اجابت برسد دعای برادر دینی برای برادر خویش در غیاب اوست، این که دعا را برای برادرش شروع کند پس فرشته‌ای که موکل بر اوست، بگوید: آمین برای تو دوچندان آن باشد».

(۲) عَنْ سَيِّدِ السَّاجِدِينَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهما السلام قَالَ: «إِنَّ الْمَلَائِكَةَ إِذَا سَمِعُوا الْمُؤْمِنَ يَدْعُو لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ أَوْ يَذْكُرُهُ بِخَيْرٍ، قَالُوا نِعْمَ الْأَخُ أَنْتَ لِأَخِيكَ تَدْعُو لَهُ بِالْخَيْرِ وَهُوَ غَائِبٌ عَنْكَ، وَ تَذْكُرُهُ بِخَيْرٍ، قَدْ أَعْطَاكَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مِثْلِي مَا سَأَلْتَ لَهُ، وَ أَتْنِي عَلَيْكَ مِثْلِي مَا أَتَيْتَ عَلَيْهِ...»^(۲).

امام سجاده عليه السلام فرمودند: «همانا فرشتگان اگر بشنوند که مؤمن برای برادر مؤمنش در غیاب او دعا می‌کند، یا به خوبی یادش می‌نماید، گویند: خوب برادری هستی برای برادرت، برایش به نیکی دعا می‌کنی در حالی که از تو غایب است و از او به خوبی یاد می‌آوری، خدای عزوجل دو برابر آنچه برایش خواستی به تو عنایت فرموده و دوچندان که او را به نیکی یاد کردی بر تو ثنا گفت»

وجه دلالت:

وقتی دعا برای برادر دینی این‌گونه اثر و فایده داشته باشد، معلوم است که دعا برای قلب عالم امکان حضرت بقیة الله الاعظم ارواحنا فداه چه اثر و فایده‌ای دارد.

که تا گیرد دلت شور و صفایی

نما هر لحظه نزد او گدایی

اگر بهر فرج کردی دعایی

ملائک هم دعا گوی تو هستند

❁ یا صاحب الزمان ❁

دعا در حق تو گویند والله
 اگر کردی دعا بهر ظهورش
 ملائکها، اگر باشی در این راه
 تو با سوز دل و اشک و غم و آه

«المکرمۃ الخماسۃ و السبعون: یشمله دعاء سید الساجدین علیه السلام»

«فایده هفتاد و پنجم: دعای حضرت سجاد علیه السلام شامل حالش می شود»

دلیل بر این مدعی، دعای امام سجاد علیه السلام است، که در روز عرفه ایشان پس از دعا کردن برای امام زمان علیه السلام چنین فرمودند:

«اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى أَوْلِيَانِهِمْ، الْمُعْتَرِفِينَ بِمَقَامِهِمْ، الْمُتَّبِعِينَ مَنْهَجَهُمْ، الْمُتَّقِينَ
 آثَارَهُمْ، الْمُسْتَمْسِكِينَ بِعُرْوَتِهِمْ، الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَتِهِمْ الْمُؤْتَمِّينَ بِإِمَامَتِهِمْ،
 الْمُسْلِمِينَ لِأَمْرِهِمْ، الْمُجْتَهِدِينَ فِي طَاعَتِهِمْ، الْمُتَنْظِرِينَ أَيَّامَهُمْ، الْهَادِينَ إِلَيْهِمْ
 أَعْيُنَهُمْ، الصَّلَوَاتِ الْمُبَارَكَاتِ الزَّكَايَاتِ النَّامِيَاتِ الْعَادِيَاتِ الرَّايِحَاتِ وَ سَلِّمْ عَلَيْهِمْ
 وَ عَلَى أَرْوَاجِهِمْ وَ اجْمَعْ عَلَى الثَّقْوَى أَمْرَهُمْ وَ أَصْلِحْ لَهُمْ شَأْنَهُمْ وَ ثَبِّ عَلَيْهِمْ إِنَّكَ
 أَنْتَ الثَّوَابُ الرَّحِيمُ وَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ وَ اجْعَلْنَا مَعَهُمْ فِي دَارِ السَّلَامِ بِرَحْمَتِكَ يَا
 أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ (۱)»

امام سجاد علیه السلام فرمودند: «بارالها و صلوات فرست بر دوستان، آنان که مقامشان را
 اعتراف دارند و از روش ایشان تبعیت می کنند و از آثارشان پیروی کنند و به آنان
 دست بازند و به ولایتشان تمسک جویند و به امامتشان اقتداء کنند و تسلیم امرشان
 باشند و در طاعتشان کوشش نمایند و منتظر روزگار حکومتشان باشند و دیده ها به
 سوی ایشان خیره کنند، صلواتهای مبارک پاکیزه نمودار در هر صبح و شام و بر
 آنان و ارواح ایشان سلام فرست و امرشان را بر تقوی جمع گردان و وصفشان را به
 سامان رسان و توبه ایشان را بپذیر که تویی توبه پذیر مهربان و بهترین آمرزندگان و ما
 را در دارالسلام با آنان قرار ده به رحمت خودت ای مهربان ترین مهربانان».

می بینیم که در این دعای شریف و پرمعنی، نکات فوق العاده‌ای چند وجود
آرد:

- (۱) دعا و طلب صلوات بر آنان از سوی خدای عزوجل در هر صبح و شام؛
- (۲) سلام بر آنان از سوی خدای تعالی؛
- (۳) جمع شدن امر آنان بر تقوی؛
- (۴) اصلاح و سامان دادن به امور و شئون آنان؛
- (۵) پذیرفتن توبه آنان و آمرزش گناهان ایشان؛
- (۶) اسکان دادن به آنان در بهشت در مجاورت امامان علیهم السلام.

دعایش می‌کند سجاد مولا کسی که وقف مهدی کرده تنها
دعاها و نیایشهای خود را چه کس بهتر بود از پور زهرا؟!

● با صاحب الزمان ●

اگر تو، واقعاً هستی گدایش بزن هر لحظه با قلبت صدایش
دعای حضرت سجاد گردد تو را شامل اگر کردی دعایش

«المکرمۃ السادسة و السبعون: انه تمسک بالثقلین»

«فایده هفتاد و ششم: تمسک به ثقلین است»

چه دلیلی داریم بر لزوم تمسک به ثقلین؟

در جواب این سؤال لازم است مراجعه کنیم به احادیث شریف، که بحمدالله در
تابع شیعه و سنی، حدیث ثقلین آمده است و مورد اتفاق فریقین می باشد.

(۱) إِنَّهُ سُئِلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام عَنْ مَعْنَى قَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: «وَأَنِّي مُخَلَّفٌ فِيكُمْ
لثَقَلَيْنِ، كِتَابِ اللَّهِ وَ عِترَتِي: مِنَ الْعِترَةِ؟ قَالَ صلى الله عليه وآله أَنَا وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ الْأَئِمَّةُ
بَعْدَهُ مِنْ وَلِدِ الْحُسَيْنِ تَابِعُهُمْ مَهْدِيَّهُمْ قَائِمُهُمْ، لَا يُفَارِقُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَ لَا يُفَارِقُهُمْ
شَيْ يَرُدُّوهُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله حَوْضُهُ (۱)».

از امیرالمؤمنین علیه السلام درباره معنی فرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله: «آنی مخلف فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی (من در میان شما ثقلین را ترک می‌گویم، کتاب خدا و عترتم را) سئوال شد که عترت پیامبر صلی الله علیه و آله چه کسانی هستند؟ امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: من و حسن و حسین و امامان نه گانه از فرزندان حسین، نهمین آنها مهدی و قائم ایشان است، از کتاب خدا جدا نشوند و آن نیز از ایشان جدا نشود تا این که بر کنار حوض (کوثر) بر رسول خدا صلی الله علیه و آله بازگردند.»

وجه استشهاد:

«تمسک به عترت با متابعت از ایشان حاصل می‌شود و چون دعا برای تعجیل فرج مولایمان صاحب الزمان علیه السلام متابعت با زبان، از ایشان است، پس در حقیقت از مصادیق تمسک به ثقلین خواهد بود.»

(۲) قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ: حُبُّنَا إِيْمَانٌ وَبُغْضُنَا كُفْرٌ. (۱)

امام باقر علیه السلام فرمودند: دوستی ما خاندان نبوت ایمان و دشمنی ما کفر است.

(۳) رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ الْقُضَيْلِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: كُلُّ مَنْ تَقَدَّمَ إِلَيْنَا وَلَا يُتَنَا تَأَخَّرَ عَنْ سَقَرٍ وَكُلُّ مَنْ تَأَخَّرَ عَنَّا وَلَا يُتَنَا تَقَدَّمَ إِلَى سَقَرٍ. (۲)

به روایت محمد بن فضیل امام کاظم علیه السلام فرمودند: هر کس به ولایت و دوستی ما نزدیک شود از دوزخ دور گردد و هر کس از دوستی و ولایت ما دور شود به دوزخ نزدیک خواهد شد.

از آن روزی که پیمان با تو دل بست	دل من با غم عشق تو پیوست
بلی از بدو دل بستن به عشقت	ز عسالم رشته امید بگست

● یا صاحب الزمان ●

الا ای قـبـلـه راز و نیازم	که با مهر و ولایت سرفرازم
تویی راه خدا، هر روز ده بار	ز حق می‌خواهم آن را در نمازم

● یا صاحب الزمان ●

تو با ذکر و دعایت بهر ماهی

تمسک کن به ثقلین الهی

تو را بیرون کشد از قعر چاهی

دعایت بهر او چون ریسمانی

● یا صاحب الزمان ●

دعا، از هر دوی آنها کند، یاد

دو ثقلی را که پیغمبر نشان داد

که گردد یار، وزذات، همچو فرهاد

تمسک با دعا، امکان پذیر است

«المکرمة السابعة و السبعون: انه اعتصام بحبل الله عزوجل»

«فایده هفتاد و هفتم: چنگ زدن به ریسمان الهی است»

به فرمان و دستور خداوند متعال چنگ زدن و اعتصام به ریسمان الهی لازم

ست؛ زیرا خدای متعال می فرماید:

(۱) «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَلا تَفَرَّقُوا»^(۱).

پس از آن لازم است بدانیم که منظور از ریسمان الهی که اعتصام و تمسک به آن

اجب است، چه می باشد؟ برای روشن شدن این سؤال به یک روایت اشاره

می شود:

(۲) عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام قَالَ: نَحْنُ حَبْلُ اللَّهِ الَّذِي قَالَ اللَّهُ تَعَالَى «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ

لِلَّهِ جَمِيعاً وَلا تَفَرَّقُوا»^(۲).

امام صادق عليه السلام فرمودند: «ماییم ریسمان خداوند که خدای متعال فرموده: چنگ

زنید به ریسمان الهی و متفرق نشوید».

(۳) قَالَ عَلِيُّ عليه السلام: عَلَيْكَ بِالْإِعْتِصَامِ بِاللَّهِ فِي كُلِّ أَمْرِكَ فَإِنَّهُ عِصْمَةٌ مِنْ كُلِّ

شَيْءٍ^(۳).

امیرالمؤمنین عليه السلام فرمودند: بر تو باد که: در تمام امور و کارهایت به دامان خدای

۲- غایة المرام، ص ۲۴۲، باب ۳۶، ح ۱.

آل عمران، ۱۰۳.

۱- آثار الصادقین، ج ۱۳، ص ۲۳۲.

چنگ بزنی؛ زیرا که او در هر حال و از هر چیزی ترا نگه داری می‌کند و نگاهبان است.

(۴) قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: عَلَيْكُمْ بِكِتَابِ اللَّهِ فَإِنَّهُ الْحَبْلُ الْمَتِينُ وَالنُّورُ الْمُبِينُ (۱).

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: مواظبت و ملازمت قرآن کریم نماید که آن ریسمان محکم و نوری آشکار است.

(۵) قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: عَلَيْكُمْ بِالتَّمَسُّكِ بِحَبْلِ اللَّهِ وَ عَزْوَتِهِ وَ كَوْنُوا مِنْ حِزْبِ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ الزَّمُوا عَهْدَ اللَّهِ وَ مِيثَاقَهُ عَلَيْكُمْ، فَإِنَّ الْإِسْلَامَ بَدَأَ غَرِيباً وَ سَيَعُودُ غَرِيباً (۲).

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: به ریسمان محکم الهی و دست آویز مستحکم خداوندی تمسک جوید و از افراد حزب خدا و رسولش باشید، و عهد و پیمان خدای را بر شما لازم شمارید، زیرا اسلام غریبانه آغاز شده و در آینده غریب خواهد بود.

بود محرابم ابروی تو ای دوست	دلم را قبله هم روی تو ای دوست
بلی حبل المتین عاشقانت	نباشد غیر گیسوی تو ای دوست

❁ یا صاحب الزمان ❁

تویی ماء معین تشنگانت	تویی حبل متین عاشقانت
طفیل محرمان بارگاهت	مراهم راه ده در آستانت

❁ یا صاحب الزمان ❁

الا ای رابط مخلوق و معبود	که نبود غیر مهرت حبل ممدود
تویی آن چشمه فیاض سرمد	که سوی توست دست هرچه موجود

❁ یا صاحب الزمان ❁

بحبل الله، اگر خواهی زنی چنگ
دعا کن بهر آن یار غربیت
مکن این زندگی را برخودت تنگ
مبادا با گنه، با او کنی جنگ

❁ یاماحب الزمان ❁

بود او ریسمان و حبل الله
اگر کردی دعایش را فراموش
بگیرش با دعا و گریه و آه
شود دستت رها، گردی تو گمراه

❁ یاماحب الزمان ❁

اگر بهر فرج باشد دعایت
دعا کن بر ظهورش ای خطا کار
زدی چنگی تو بر حبل خدایت
که او هم باشد از تو در رضایت

«المکرمة الثامنة و السبعون: یوجب کمال ایمان»

«فایده هفتاد و هشتم: موجب کمال ایمان می شود»

اگر شخصی بخواهد ایمانش به کمال برسد، می بایست امام زمان علیه السلام را دوست
بدارد و ولایتش را قبول کند و برای فرج آن حضرت دعا نماید.
برای اثبات این مطلب اشاره می کنیم به حدیث بسیار با محتوا که در این جهت
آمده است:

(۱) عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا علیه السلام عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ علیه السلام قَالَ: قَالَ لِي أَخِي رَسُولُ
اللَّهِ صلی الله علیه و آله: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَ هُوَ مُقْبِلٌ عَلَيْهِ، غَيْرٌ مُعْرِضٍ عَنْهُ فَلْيَتَوَلَّ
عَلِيًّا، وَ مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ وَ هُوَ عَنْهُ رَاضٍ فَلْيَتَوَلَّ ابْنَكَ الْحَسَنَ وَ مَنْ أَحَبَّ أَنْ
يَلْقَى اللَّهَ وَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِ فَلْيَتَوَلَّ ابْنَكَ الْحُسَيْنَ، وَ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ وَ قَدْ
مُحِصَ عَنْهُ ذُنُوبُهُ فَلْيَتَوَلَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ السُّجَّادَ، وَ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ تَعَالَى
قَرِيبَ الْعَيْنِ، فَلْيَتَوَلَّ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيِّ الْبَاقِرِ علیه السلام وَ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ وَ كِتَابُهُ يَمِينِهِ
فَلْيَتَوَلَّ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ علیه السلام وَ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ تَعَالَى طَاهِرًا مُطَهَّرًا
فَلْيَتَوَلَّ مُوسَى الْكَاطِمَ، وَ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ ضَاحِكًا مُسْتَبْشِرًا فَلْيَتَوَلَّ عَلِيَّ بْنَ
مُوسَى الرُّضَا، وَ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ وَ قَدْ رُفِعَتْ دَرَجَاتُهُ، وَ بَدَلَتْ سَيِّئَاتُهُ
حَسَنَاتٍ فَلْيَتَوَلَّ مُحَمَّدَ الْجَوَادَ، وَ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ وَ يُحَاسِبُهُ حِسَابًا يَسِيرًا

فَلْيَتَوَلَّ عَلِيًّا الْهَادِي، وَ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ وَ هُوَ مِنَ الْفَائِزِينَ فَلْيَتَوَلَّ الْحَسَنَ
الْعَسْكَرِي، وَ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ وَ قَدْ كَمَلَ إِيمَانُهُ وَ حَسَنَ إِسْلَامُهُ فَلْيَتَوَلَّ الْحُجَّةَ
صَاحِبَ الزَّمَانِ الْمُنْتَظَرَ، فَهَؤُلَاءِ مَصَابِيحُ الدُّجَى، وَ أَيْمَةُ الْهُدَى وَ أَعْلَامُ التَّقَى، مَنْ
أَحَبَّهُمْ وَ تَوَلَّاهُمْ كُنْتُ ضَامِنًا لَهُ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى بِالْجَنَّةِ. (۱)

امام رضا علیه السلام از پدرانش نقل می فرماید که علی علیه السلام فرمودند که برادرم رسول
خدا صلی الله علیه و آله به من فرمودند:

هر کس دوست دارد خدای عزوجل را ملاقات کند در حالی که به او روی نموده
و از او اعراض نکرده باشد، باید که ولایت علی را دارا شود. هر کس دوست دارد
خداوند را ملاقات نماید در حالی که از او راضی باشد باید ولایت فرزندان حسن را
داشته باشد، هر کس دوست دارد خداوند را ملاقات نماید در حالی که بر او ترسی
نباشد باید ولایت فرزندان حسین را داشته باشد، هر کس دوست دارد خداوند را
ملاقات نماید در حالی که گناهانش آمرزیده شده باشد باید ولایت علی بن الحسین
سجاد را داشته باشد، هر کس دوست دارد خداوند را ملاقات نماید در حالی که
چشمش روشن باشد باید ولایت محمد بن علی باقر را داشته باشد، هر کس
دوست دارد خداوند را ملاقات نماید در حالی که پرونده او به دست راستش داده
شود باید ولایت جعفر بن محمد صادق را داشته باشد، هر کس دوست دارد
خداوند را ملاقات نماید در حالی که پاک و پاکیزه باشد باید ولایت موسی کاظم را
داشته باشد، هر کس دوست دارد خداوند را ملاقات نماید در حالی که شاد و
خندان باشد باید ولایت علی بن موسی الرضا را داشته باشد، هر کس دوست دارد
خداوند را ملاقات نماید در حالی که درجاتش بالا رفته و سیئاتش مبدل به حسنات
گردیده باشد باید ولایت محمد جواد را داشته باشد، هر کس دوست دارد خداوند را
ملاقات نماید در حالی که از او به آسانی حساب کشیده شود ولایت علی هادی را

داشته باشد، هر کس دوست دارد خداوند را ملاقات نماید در حالی که از رستگاران باشد باید ولایت حسن عسکری را داشته باشد، هر کس دوست دارد خداوند را ملاقات نماید در حالی که ایمانش کامل و اسلامش نیکو باشد باید ولایت حجت حق صاحب الزمان را داشته باشد، اینان چراغهای تاریکی، و امامان هدایت و نشانه های تقوی می باشند، هر آن که آنان را دوست بدارد و ولایتشان را دارا باشد برای او از خدای تعالی ضمانت بهشت را می کنم.

وجه دلالت:

«ظاهر و آشکاراست که مراد از تولی هر یک از امامان علیهم السلام، تبعیت از آنان و محبت قلبی و اظهار آن محبت با اعضاء بدن و کارهای پسندیده می باشد. و واضح است که دعا برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام از بهترین مصادیق تولی می باشد».

تو مشهوری به لطف و رحمت وجود	کریمی چون تو نبود هیچ موجود
بیفتد گر کسی از دیده تو	ز درگاه خدا هم هست مردود

❁ یا صاحب الزمان ❁

به آسانی توان از جان گذشتن	ولی نتوان ز تو جانان گذشتن
تو ایمان منی و فاش گویم	محال است از سر ایمان گذشتن

❁ یا صاحب الزمان ❁

نگردد ناقصی و الله کامل	مگر او را شود لطف تو شامل
چه عاملها دلیل بعدم از توست	به دست توست رفع آن عوامل

❁ یا صاحب الزمان ❁

امیری جز تو در عالم ندارم	کسی را مثل تو همدم ندارم
بود چون، عشق تو زاد ره من	ز طول راه هرگز غم ندارم

❁ یا صاحب الزمان ❁

همه جزئند در واقع تویی کل	به تو هر سالکی یابد تکامل
به مقصد می رسد هر کس که بر حق	نماید در همه کاری توکل

● با صاحب الزمان ●

دعایت بهر او، اکمال دین است
بدان اصل ولایت، اینچنین است
چه ایمانی بود از بهر فردی
که مردم غافل از آن نازنین است؟!

● با صاحب الزمان ●

دعا کن تا که کامل گردد ایمان
برای منجی عالم، مسلمان
بود اکمال دین اتمام نعمت
در آن یاد تو از مولای مستان

● با صاحب الزمان ●

ولایت جز دعا بهرت نباشد
کمال دین دعا بهر تو باشد
بگو قلبی که گشته غافل از تو
همین الآن زغم از هم بپاشد

«المکرمة التاسعة والسبعون: درک مثل ثواب جميع العباد»

«فایده هفتاد و نهم: درک ثواب تمام عبادت کنندگان»

دلیل بر این که هر کس برای تعجیل فرج حضرت صاحب الامر علیه السلام دعا کند؛ همچون ثواب عبادت تمام عبادت کنندگان را درک می کند، روایاتی است که به یکی از آنها اشاره می شود:

(۴) عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: «إِنَّمَا مَثَلُكَ مَثَلُ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، فَإِنَّ مَنْ قَرَأَهَا مَرَّةً فَكَأَنَّمَا قَرَأَ ثُلُثَ الْقُرْآنِ، وَ مَنْ قَرَأَهَا مَرَّتَيْنِ فَكَأَنَّمَا قَرَأَ ثُلُثَي الْقُرْآنِ، وَ مَنْ قَرَأَهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَكَأَنَّمَا قَرَأَ الْقُرْآنَ كُلَّهُ، وَ كَذَلِكَ أَنْتَ، مَنْ أَحَبَّكَ بِقَلْبِهِ كَانَ لَهُ ثُلُثُ ثَوَابِ الْعِبَادِ، وَ مَنْ أَحَبَّكَ بِقَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ كَانَ لَهُ ثُلُثَا ثَوَابِ الْعِبَادِ، وَ مَنْ أَحَبَّكَ بِقَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ وَ يَدَيْهِ، كَانَ لَهُ ثَوَابُ جَمِيعِ الْعِبَادِ (۱)».

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به علی بن ابیطالب رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فرمودند: «همانا مثل تو همچون «قل هو الله احد» است که هر کس آن را یک بار بخواند مانند آن است که یک سوم قرآن را خوانده باشد و هر کس آن را دو بار بخواند مثل این که دو سوم قرآن را خوانده

است و هر که آن را سه بار بخواند مانند کسی است که تمام قرآن را خوانده باشد. و همچنین تو، هر کسی در دل دوستت بدارد یک سوم ثواب بندگان را خواهد داشت و هر کس به دل و زبانش دوستت بدارد، دو سوم ثواب بندگان را خواهد داشت و کسی که به دل و زبان و دستش دوستت بدارد ثواب تمام بندگان برای او خواهد بود.

وجه دلالت:

اگر کسی امام زمان علیه السلام را در دل دوست بدارد و با زبان برای حضرت دعا کند و مطالبی را بنویسد که مردم را به یاد و یاری آن بزرگوار تشویق کند، یقیناً جزء افرادی است که به این حدیث شریف عمل می‌کنند.

زیرا طبق احادیث معتبره بین ائمه معصومین علیهم السلام فرقی نیست، آنجایی که می‌فرمایند: «أَوْلَانَا مُحَمَّدٌ وَ أَوْسَطُنَا مُحَمَّدٌ وَ آخِرُنَا مُحَمَّدٌ وَ كُنُنَا مُحَمَّدٌ» (بحار الانوار ج ۲۶ ص ۱۶).

از آن عشاق مطلوب تو باشم	دلخواه که محبوب تو باشم
که من هم یاور خوب تو باشم	چو یارانت مرا توفیق می‌ده

● یا صاحب الزمان ●

کسی که در دعایش می‌شود مست	ثواب هر چه عابد شاملش هست
برای آن به ظاهر رفته از دست	کسی که، جان و روحش را کند وقف

● یا صاحب الزمان ●

نخواهد خورد مولایت دگر غم	اگر کردی دعا با سوز و ماتم
شود شامل، ثواب عابدین، هم	دعایت، هم کند خوشحال قلبش

«المكرمة الثمانون: انه تعظیم شعائر الله عزوجل»

«فایده هشتادم: دعا کردن تعظیم شعائر الهی است»

به نص قرآن کریم، تعظیم شعائر الهی لازم است و همه مردم مکلف به انجام آن می‌باشند و هیچ کس از این امر استثناء نشده است، مگر کسانی که نخواهند جزء متقین باشند:

۱) قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: «وَمَنْ يُعَظِّمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ»^(۱):

«و هر کس شعائر خداوند را تعظیم کند پس آن از تقوای دل هاست.»

۲) قَالَ الطَّبْرَسِيُّ عَلَيْهِ الرَّحْمَةُ فِي مَجْمَعِ الْبَيَانِ: «وَمَنْ يُعَظِّمْ شَعَائِرَ اللَّهِ أَيَّ مَعَالِمِ دِينِ اللَّهِ وَ الْأَعْلَامِ الَّتِي نَصَبَهَا لِطَاعَتِهِ»^(۲).

مرحوم طبرسی در تفسیر مجمع البیان می فرماید: و هر کس شعائر خداوند را تعظیم کند، یعنی معالم دین خدا و علامت های که برای اطاعت خویش قرار داده است را تعظیم و تکریم کند.

وجه دلالت:

یقیناً وجود مقدس امام علیه السلام از مهم ترین نشانه ها و علامت های دین است و بدون تردید تعظیم آن حضرت از بهترین اقسام تعظیم می باشد و قطعاً یکی از اقسام تعظیم آن حضرت، دعا کردن برای آن حضرت است.

دعاهایی که می گویی کماکان	شعائر را نما تعظیم با آن
ندارد غافلش تقوی، به قرآن	که آن باشد نشان، تقوی دل را
کسی هم هست جز آن جان جانان؟!	مگر بالاترین، مَعْلَم، علامت
کثیف و باطل و خاموش و نادان؟!	چرا اینقدر غافل مانده ام من
شعائر را نکردم یاد، از جان	چرا من با دعا بهر ظهورش
و آن هم با دعایش دارد امکان	بود تقوی ز تعظیم شعائر
به پادارید علامت های معشوق	به گفتا ایزد منان به مخلوق

که تعظیم شعائر گشته واجب

«المکرمه الواحده و الثمانون: ثواب من استشهد مع رسول الله صلی الله علیه و آله»

«فایده هشتاد و یکم: ثواب کسیکه در رکاب رسول خدا صلی الله علیه و آله شهید شود»

دلیلی که برای اثبات این مدعی می توان آورد، دو روایتی است که در فایده بعدی ذکر می شود که به قسمتهایی از هر یک اشاره می شود:

(۱) كُنَّا عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ ع فَقَالَ: «الْعَارِفُ مِنْكُمْ هَذَا الْأَمْرَ، الْمُنْتَظَرُ لَهُ... وَاللَّهِ كَمَنْ جَاهَدَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ بِسَيْفِهِ... بَلْ وَاللَّهِ كَمَنْ اسْتَشْهَدَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ فِي فُسْطَاطِهِ ^(۱)».

امام باقر ع فرمودند: هر کس از شما که این امر را بشناسد و منتظر آن باشد به خدا قسم مثل کسی است که همراه رسول خدا ص با شمشیر جهاد کرده، بلکه مثل کسی است که در خیمه رسول خدا ص شهید شده باشد.

(۲) فَقَالَ (أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع): «... مَنْ آمَنَ بِنَا وَصَدَّقَ حَدِيثَنَا وَانْتَظَرَ أَمْرَنَا، كَمَنْ قُتِلَ تَحْتَ رَايَةِ الْقَائِمِ بَلْ وَاللَّهِ تَحْتَ رَايَةِ رَسُولِ اللَّهِ ص ^(۲)».

امام صادق ع فرمودند: «... هر کس به ما ایمان بیاورد و گفتار ما را تصدیق کند و منتظر امر ما باشد، مثل کسی است که در زیر پرچم امام زمان ع شهید شده باشد، بلکه به خدا قسم در زیر پرچم رسول الله ص».

گرفته انس، هر کس با دعایش	دهد او را جزاهایی خدایش
که از آن، چون شهید در رکاب	رسول الله می باشد برایش
و دیگر آن که زیر پرچم یار	نموده جان شیرین را فدایش
چه چیزی بهتر از این گونه مردن	به پیش یار و در زیر لوایش؟!
اگر هستی تو ای جانم گدایش	دعایش کن، دعایش کن، دعایش
دعا بهرش بود، اکسیر اعظم	دعا کن تا که جان داری برایش
دعایش کن که آن دارد ثواب	شهید در رکاب مصطفایش
ثواب گشته گردیدن و آن هم	کنار مهدی و زیر لوایش

«المكرمة الثانية والثمانون: ثواب من استشهد تحت راية القائم ع»

«فایده هشتاد و دوم: ثواب شهادت زیر پرچم امام زمان ع»

برای اثبات این فایده از بین روایات به دو حدیث شریف اشاره می کنیم:

(۱) «عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَةِ قَالَ: كُنَّا عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ ع فَقَالَ: الْعَارِفُ مِنْكُمْ هَذَا

الْأَمْرَ، الْمُنْتَظَرُ لَهُ، الْمُخْتَسِبُ فِيهِ الْخَيْرَ، كَمَنْ جَاهَدَ وَ اللَّهُ مَعَ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام ثُمَّ قَالَ: بَلَّ وَ اللَّهُ كَمَنْ جَاهَدَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله بِسَيْفِهِ ثُمَّ قَالَ الثَّلَاثَةُ: بَلَّ وَ اللَّهُ كَمَنْ اسْتَشْهَدَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فِي نُسْطَاطِهِ (۱).

حارث بن مغیره گفت در محضر امام باقر علیه السلام بودیم که فرمودند: «آن کس از شما که این امر را شناخته و منتظر آن باشد و خوبی را در آن ببیند مانند کسی است به خدا قسم که در رکاب قائم آل محمد علیه السلام با شمشیر خود جهاد کرده باشد، پس فرمود: بلکه والله مثل کسی است که در خدمت رسول خدا صلى الله عليه وآله با شمشیر جهاد کرده باشد و بار سوم فرمودند: بلکه به خدا قسم همچون کسی است که در خیمه رسول خدا صلى الله عليه وآله شهید شده باشد.

(۲) عَنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: جُعِلْتُ فِدَاكَ، قَدْ كَبَّرَ سِنِّي، وَ دَقَّ عَظْمِي وَ اقْتَرَبَ أَجَلِي، وَ قَدْ خِفْتُ أَنْ يُدْرِكَنِي قَبْلَ هَذَا الْأَمْرِ الْمَوْتُ، قَالَ: فَقَالَ لِي: يَا أَبَا حَمْزَةَ [إِنَّ] مَنْ آمَنَ بِنَا، وَ صَدَّقَ حَدِيثَنَا، وَ انْتَظَرَ أَمْرَنَا، كَانَ كَمَنْ قَاتَلَ تَحْتَ رَايَةِ الْقَائِمِ عليه السلام بَلَّ وَ اللَّهُ تَحْتَ رَايَةِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله (۲).

از حسن بن ابی حمزه از پدرش ابو حمزه نقل شده است که گفت به حضرت ابی عبدالله صادق علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم ستم بالا رفته و استخوانم سست گشته و مرگم نزدیک شده و می ترسم پیش از آن که این امر (حکومت) شما را دریابم مرگم فرا رسد، فرمودند: ای ابو حمزه هر که به ما ایمان آورد و حدیث ما را تصدیق کرده و به انتظار دوران ما نشست، مانند کسی است که زیر پرچم قائم علیه السلام کشته شود، بلکه به خدا قسم زیر پرچم رسول خدا صلى الله عليه وآله.

وجه دلالت:

بر کسی مخفی نیست که هر کس برای تعجیل ظهور امام زمان علیه السلام دعا کند، مصداق کسی است که به ائمه علیهم السلام ایمان آورده و منتظر دولت و حکومت آنها می باشد، لذا به این فایده عظیم دست می یابد.

دعاگو، بهر آن مولای تنها	اگر کرده دعا تنهای تنها
به فیض حق رسیده جان آقا	نصیب او شده لطفی در این راه
رسیده این کلام از سوی جانان	نصیب او شده فیض دو چندان
که هم فیض شهادت، هم دعا را	شده حاصل برای او بوالله
شهادت در لوای یار مظلوم	همان یاری که بوده سخت مغموم
غم و غصه نهان از آن بیان است	دل پرغصه مولی عیان است
شهادت در بر مولی چه نیکوست	دعا بر یوسف زهرا چه نیکوست
اگر طالب باین فیض عظیمی	شود حاصل برایت چون نسیمی
نقط شرطش دعا بهر غریب است	دعائی که در آن یاد حبیب است

«المکرمۃ الثالثه و الثمانون: فیه ثواب الاحسان الی مولانا صاحب الزمان علیه السلام»

«فایده هشتاد و سوم: ثواب احسان به مولایمان صاحب الزمان علیه السلام»

این مطلب به چند جهت بیان می‌گردد:

اول: دعا تعظیم و گرامی داشتن آن بزرگوار است و آن از اقسام احسان و نیکی است که پرواضح است.

دوم: دعا نمودن برای آن بزرگوار در تعجیل فرج و ظهور، تاثیر و مدخلیت دارد و یقیناً آن بزرگواری که خودش دستور داده تا برای فرج دعا نماییم، پس هرگاه ما چنین دستوری را از صمیم جان بپذیریم و با جدیت تمام برای این امر سرمایه گذاری نماییم، یقیناً موجبات رضایت و خشنودی آن بزرگوار را فراهم کرده‌ایم و امر فرج معجل خواهد شد. و همین امر خود از مصادیق احسان، محسوب می‌شود.

سوم: دعا کردن از اقسام اطاعت می‌باشد، زیرا آن مولای عزیز امر به دعا کردن نموده است و ما نیز به آن امر گردن نهاده‌ایم و اطاعت امر چنین پدر مهربانی یقیناً از مصادیق احسان به آن بزرگوار قلمداد می‌شود.

(۱) قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا (۱).

خدای تبارک و تعالی فرمودند: مسلماً کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند ما پاداش نیکوکاران را ضایع نخواهیم کرد.

(۲) قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: إِنَّ أَحْسَنَكُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا (۲).

خدای تبارک و تعالی فرمودند: اگر نیکی و احسان کردید به خود کرده‌اید و اگر بدی کردید باز هم به خود کردید.

(۳) قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: مِنْ أَفْضَلِ الْإِحْسَانِ، الْإِحْسَانُ إِلَى الْأَبْرَارِ (۳).

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: برترین احسان و نیکوکاری، احسان به نیکان است.

(۴) قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: مَنْ كَثُرَ إِحْسَانُهُ أَحَبَّهُ إِخْوَانُهُ (۴).

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: نیکی و احسان هر کس بیشتر شود برادرانش او را بیشتر دوست می‌دارند.

(۵) قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: سَبَبُ الْمَحَبَّةِ الْإِحْسَانُ (۵).

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: احسان و نیکی سبب محبت است.

و آن هم با دعایت بهر دلدار؟! بدان او هم شود بهر تو غمخوار بود در غیبت او، بهترین کار چه احسانی از این بهتر، گنهکار؟! دعا بهرش نما با قلب بیدار لذا او هم شود بهر تو غمخوار تو قلب پاک و پراندوه دلدار	چه چیزی بهتر از احسان به آن یار اگر خوشنود کردی قلب او را ثوابش اعظم از هر کار خوب است دعایت، شاد گرداند دلش را اگر خواهی که احسان کرده باشی دعایت مثل احسانست بر یار مبادا بشکنی با کار زشتت
-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

۲- اسراء / ۷.

۱- کهف / ۳۰.

۴- آثار الصادقین، ج ۳، ص ۳۶۰.

۳- آثار الصادقین، ج ۳، ص ۳۵۸.

۵- آثار الصادقین، ج ۸، ص ۱۹۳.

توجه:

آنچه از آیات و احادیث به دست آوردیم:

الف: خدای متعال اجر و پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کند.

ب: اگر آدمی نیکی کند سودش را هم می‌بیند و بالعکس.

ج: اگر آدمی می‌خواهد محبتش در دل دیگران جای بگیرد نیکی کند.

د: مقدار دوست داشتن به مقدار نیکی کردن است.

ه: به همه نیکی کنیم اما به خوبها بیشتر.

عزیزان آیا فرد شایسته‌ای شایسته‌تر از یوسف فاطمه علیها السلام پیدا می‌کنیم؟ پس طبق این ادله محکم و عقل و خدا پسند، اگر شما برای آن بزرگوار دعا کنید یقیناً مشمول احسان او خواهید شد.

و در یک کلام اگر آن پدر مهربان پس از سالها دعا کردن فقط یک لبخند رضایت بر لب جاری کنند، خدا می‌داند همان یک لبخند کافی است برای اصلاح دنیا و آخرت‌مان که خودشان فرمودند.

(۶) عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: حُبِّي وَ حُبِّ أَهْلِ بَيْتِي نَافِعٌ فِي سَبْعَةِ مَوَاطِنَ أَهْوَالُهُنَّ عِظِيمَةٌ عِنْدَ الْوَفَاةِ وَ فِي الْقَبْرِ وَ عِنْدَ النَّشُورِ وَ عِنْدَ الْكِتَابِ وَ عِنْدَ الْحِسَابِ وَ عِنْدَ الْمِيزَانِ وَ عِنْدَ الصَّرَاطِ (۱)....

از امام باقر عليه السلام از پدران بزرگوارش عليهم السلام منقول است که رسول اکرم صلى الله عليه وآله فرمودند: دوستی من و دوستی خاندان من در هفت جا که ترس و بیم در آنجا بسیار و بزرگ است سود می‌دهد: به هنگام مردن و در قبر، و به هنگام برانگیخته شدن، و موقع پخش نامه‌های اعمال، و در وقت حساب، و در کنار میزان، و هنگام عبور کردن از صراط.

«المکرمه الرابعة و الثمانون: فيه ثواب اكرام العالم و أداء حقّه»

«فایده هشتاد و چهارم: ثواب گرامی داشتن و اداء حق عالم»

برای اثبات این فایده روایات فراوانی وجود دارد که برای نمونه به چند حدیث اشاره می‌کنیم:

(۱) عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: «مَنْ أَكْرَمَ فَقِيهَا مُسْلِمًا لَقِيَ اللَّهَ (تَعَالَى) يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ هُوَ عَنْهُ رَاضٍ (۱)».

امام صادق علیه السلام فرمودند: «هر کس فقیه مسلمانی را گرامی بدارد روز قیامت در حالی خدای متعال را ملاقات خواهد کرد که از او راضی باشد».

(۲) عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام فِي بَيَانِ حَقِّ الْعَالِمِ، قَالَ: «وَلْيُحْفَظْ شَاهِدًا وَ غَائِبًا، وَ لِيُعْرَفَ لَهُ حَقُّهُ، فَإِنَّ الْعَالِمَ أَعْظَمُ أَجْرًا مِنَ الصَّائِمِ الْقَائِمِ الْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ (۲)».

امیرالمؤمنین علیه السلام در بیان حق عالم فرمودند: «باید که در حضور و غیاب احترام او حفظ شود و حق او شناخته گردد، که عالم از روزه داری که شب‌ها را به عبادت بسر برد، و در راه خدا جهاد کند اجرش بیشتر است».

وجه دلالت:

بر کسی پوشیده نیست که حضرت بقیة الله الاعظم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - کامل‌ترین مصادیق این عنوان، بلکه عالم حقیقی است چنان که در خصال از حضرت ابی عبدالله صادق علیه السلام آمده است که فرمودند:

(۳) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: «النَّاسُ يَغْدُونَ عَلَيَّ ثَلَاثَةً: عَالِمٍ وَ مُتَعَلِّمٍ وَ غُثَاءٍ، فَتَحْنُ الْعُلَمَاءُ وَ شِبَعَتْنَا الْمُتَعَلِّمُونَ، وَ سَائِرُ النَّاسِ غُثَاءٌ (۳)».

مردم به سه گونه‌اند: عالم و متعلم و خاشاک، پس ما علمائیم و شیعیانمان متعلمند و سایر مردم خاشاک می‌باشند.

۲- بحار، ج ۲، ص ۴۷.

۱- بحار، ج ۲، ص ۴۴.

۳- خصال، ج ۱، ص ۱۲۳.

پس از درک این مطلب می‌گوییم:

چون دعا کردن حفظ حرمت آن حضرت است، در حضور و غیاب بر مؤمن لازم است که به آن اهتمام ورزد، زیرا که آن جناب از دیدگان غایب و نزد اهل بینش حاضر است.

(۴) قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: مَنْ وَقَرَ عَالِمًا فَقَدْ وَقَرَ رَبَّهُ (۱).

امیرالمؤمنین عليه السلام فرمودند هرکس عالمی را احترام کند بتحقیق خدای متعال را احترام کرده است.

بود کاملترین عالم، آن ماه	أدا کن حق او را اندرین راه
دعا بهر ظهور او، ثواب	گرامی داشتن دارد، به واللّه
اگر کردی دعایش با دل و جان	نمی‌افتی تو در این راه، در چاه
بواللّه و بی‌غمبر، بزهرا	نباشد غافل از او، غیر گمراه
دعا کوه معاصی را کند خرد	اگر چه قدر آن باشد چو یک کاه

❁ یا صاحب الزمان ❁

گرامی دار دلدار و حیبت	دعا کن بهر آن یار غریبت
دعایش کن که بینی آن ثواب	اداء حق عالم، شد نصیبت

«المكرمة الخامسة والثمانون: فيه ثواب اكرام الكريم»

«فایده هشتاد و پنجم: ثواب گرامی داشتن شخص کریم»

(۱) قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: أَوْلَى النَّاسِ بِالْكَرَمِ مَنْ عُرِفَتْ بِهِ الْكِرَامُ (۲).

امیرالمؤمنین عليه السلام فرمودند: شایسته‌ترین مردم به کرم و بزرگواری، کسی است که بزرگواران بواسطه او شناخته شوند.

(۲) قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: أَفْضَلُ الْكَرَمِ إِتْمَامُ النِّعَمِ (۳).

۲- آثار الصادقین، ج ۱۹، ص ۵۱.

۱- آثار الصادقین، ج ۲۶، ص ۴۳۵.

۲- آثار الصادقین، ج ۱۹، ص ۵۲.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: برترین کرم کامل کردن نعمت هاست.

(۳) قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: أَوْلَى النَّاسِ بِالكَرَمِ مَنْ عَرَفَتْ فِيهِ الْكِرَامُ (۱).

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: اولی و سزاوارترین مردم به کرم کسی است که بزرگواری در ذات او ریشه دوانده باشد.

(۴) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مَنْ أَكْرَمَ مُؤْمِنًا فَإِنَّمَا يُكْرِمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ (۲).

امام صادق علیه السلام فرمود: رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که مؤمنی را گرامی دارد، همانا خدای عزوجل را گرامی داشته است.

(۵) عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: مَنْ أَكْرَمَ لَنَا وَلِيًّا فَبِاللَّهِ بَدَأَ وَ بِرَسُولِهِ تَنَّى وَ عَلَيْنَا أَدْخَلَ السُّرُورَ (۳).

امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کس دوستی از ما را اکران کند، ابتدا به خدا کرده و رسول خدا صلی الله علیه و آله را در مرتبه دوم گرامی داشته است و خوشحالی ما را فراهم نموده است.

(۶) قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ: أَكْرِمُوا كَرِيمَ كُلِّ قَوْمٍ فَقَالَ عُمَرُ قَدْ سَمِعْتُهُ يَقُولُ: إِذَا آتَاكُمْ كَرِيمٌ قَوْمٍ فَأَكْرِمُوهُ وَإِنْ خَالَفَكُمْ (۴).

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: همانا رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: جوانمردان هر گروهی را گرامی دارید، عمر گوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم می فرمود: چون جوانمرد هر گروهی بنزد شما آید، اگر چه مخالف عقیده شما باشد اکرانش کنید.

کریمی را اگر داری گرامی	تو حتی با دعایت، یا سلامی
بود اجرش چنان بالا که والله	نفهمد چیزی از آن فرد عامی
بگو آیا کریمی هست برتر	از آن مولا که بهرت هست حامی؟!
گرامی دار او را با دعایت	مبادا طی شود عمرت به خامی
اگر کردی دعایش، می رساند	تو را هم در وصالش، او به کامی

۱- آثار الصادقین، ج ۱۹، ص ۵۲.

۲- آثار الصادقین، ج ۱۶، ص ۵۷.

۳- آثار الصادقین، ج ۱۶، ص ۵۷.

۴- آثار الصادقین، ج ۱۹، ص ۶۷.

❁ یا صاحب الزمان ❁

تو دادی درغم و وحشت نویدم
 کریمی از تو بالا تر ندیدم
 اگر باشد دعایم، احترامت
 من آن را با دل و جانم خریدم

توجه:

از این احادیث این نتایج به دست می آید:

- ۱) کریم به شخصی اطلاق می شود که او معرف بزرگواران باشد.
- ۲) کریم به شخصی اطلاق می شود که او الگوی بزرگواران باشد.
- ۳) کریم به شخصی اطلاق می شود که هرگاه به کسی نعمتی می دهد آن را کامل نماید.

- ۴) احترام شخص کریم همان احترام خدای متعال است.
 - ۵) احترام شخص کریم همان احترام رسول خدا ﷺ است.
 - ۶) احترام شخص کریم همان احترام ائمه معصومین علیهم السلام است.
 - ۷) احترام شخص کریم از دستورات رسول اکرم ﷺ می باشد.
 - ۸) احترام شخص کریم اطاعت رسول خدا ﷺ و اولوالامر می باشد.
- پس از این نتایج نه گانه عرض می کنیم آیا این مواردی که ذکر شد در وجود حجت ثانی عشره علیه السلام وجود دارد یا خیر؟
- آیا ایشان صاحب نعمت نیستند؟
- آیا ایشان واسطه فیض نیستند؟
- آیا ایشان الگویی نیستند که اگر قرار باشد به آدم و ابراهیم و نوح و موسی و عیسی و خاتم الانبیاء و علی مرتضی و فاطمه زهرا و ائمه علیهم السلام نگاه کنیم، او آئینه تمام نمای آن بزرگواران می باشد؟
- پس خوشا به حال کسانی که با دعا کردن برای آن بزرگواران این فیض عظمی را درک نمایند.

«المکرمة السادسة والثمانون: الحشر فی زمرة الأئمة الطاهرين علیهم السلام»

«فایده هشتاد و ششم: محشور شدن در زمره امامان علیهم السلام»

برای بیان این فایده اشاره به حدیثی که از امام حسین علیه السلام نقل شده می‌کنیم:
 (۱) وَرَدَ فِي الْحَدِيثِ النَّبَوِيِّ الَّذِي رَوَاهُ سَيِّدُ الشُّهَدَاءِ لِأَصْحَابِهِ لَيْلَةَ عَاشُورَاءَ،
 قَالَ: «فَقَدْ أَخْبَرَنِي جَدِّي، أَنَّ وَلَدِي الْحُسَيْنَ يُقْتَلُ بِطُفٍّ كَرِبَلَاءَ غَرِيباً وَحِيداً
 عَطْشَاناً، فَمَنْ نَصَرَهُ فَقَدْ نَصَرَنِي، وَ نَصَرَ وَلَدَهُ الْقَائِمَ، وَ مَنْ نَصَرَنَا بِلِسَانِهِ فَإِنَّهُ فِي
 حِزْبِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ (۱)».

امام حسین علیه السلام در شب عاشورا برای اصحاب خود فرمودند: «به تحقیق که جدم
 خبرم داد که فرزندم حسین در طُفِّ کربلا غریب و تنها و تشنه کشته خواهد شد، پس
 هر که او را یاری کند مرا یاری کرده و فرزندش قائم علیه السلام را یاری کرده و هر کس به
 زبانش ما را یاری کند روز قیامت در حزب ما خواهد بود».

تو را آن کس که دارد غم ندارد	به حق حق که چیزی کم ندارد
نباشی گر کسی را همدل	شفیعی هم در آن عالم ندارد

❁ یا صاحب الزمان ❁

اگر یاری نمودی با دعایت	ابا صالح، حبیب با وفایت
روی پیش امامان روز محشر	مقام و زمره آنهاست، جایت

❁ یا صاحب الزمان ❁

اگر خواهی که جایت در قیامت	بود در پیش معصومین، سلامت
دعا کن بهر آن یار غریبت	که باشد واجب و حق امامت

❁ یا صاحب الزمان ❁

اگر حشر امامان را بخواهی	اگر انوار قرآن را بخواهی
سروجان را فدای راه مهدی	نما، گر عشق جانان را بخواهی

❁ یا صاحب الزمان ❁

در آن روزی که معصومین گواهند	در آن روزی که مردم غرق آهند
پناه بی کسان حشر ائمه است	در آن روزی که مردم بی پناهند

❁ یا صاحب الزمان ❁

در آن روزی که مردم مست مستند
برای حشر با آن آل عصمت
نه مست از باده و آن می پرستند
دعا بهر فرج بر دل بیستند

❁ یا صاحب الزمان ❁

در آن محشر که مردم بی قرارند
دعا گویان مهدی را بگویند
همه گرد امامی پایدارند
همه برگرد مهدی استوارند

«المکرمة السابعة و الثمانون: ارتفاع الدرجات فی روضات الجنات»

«فایده هشتاد و هفتم: بالا رفتن درجات در بهشت»

دلیل بر این فایده روایتی است در تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام که ذکر می شود:
(۱) عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «ثُمَّ إِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ يُعْظَمَ مُحَمَّدٌ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى مَنَازِلَكُمْ، فَأَحْبِبُوا شِيعَةَ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَجِدُوا فِي قَضَاءِ حَوَائِجِ إِخْوَانِكُمُ الْمُؤْمِنِينَ، فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِذَا أَدْخَلَكُمْ الْجَنَّةَ مَعَاشِرَ شِيعَتِنَا وَ مُجِبِّينَا نَادَى مُنَادِيَهُ فِي تِلْكَ الْجَنَّةِ: قَدْ دَخَلْتُمْ يَا عِبَادِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِي فَتَقَاسَمُوهَا عَلَيَّ قَدَرِ حُبِّكُمْ لِشِيعَةِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَ قَضَائِكُمْ لِحُقُوقِ إِخْوَانِكُمُ الْمُؤْمِنِينَ فَأَيُّهُمْ كَانَ لِلشَّيْعَةِ أَشَدَّ حُبًّا لِلَّهِ، وَ لِحُقُوقِ إِخْوَانِهِمُ الْمُؤْمِنِينَ أَحْسَنُ قَضَاءً، كَانَتْ دَرَجَاتُهُ فِي الْجَنَّةِ أَغْلَى، حَتَّى أَنْ فِيهِمْ مَنْ يَكُونُ أَرْفَعُ مِنَ الْآخِرِ بِمَسِيرَةِ مِائَةِ أَلْفِ سَنَةٍ، تَرَابِيعَ وَ قُصُورَ وَ جَنَّاتٍ»^(۱).

از پیغمبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده که فرمودند: «اگر می خواهید که محمد نزد خداوند منزلهایتان را بزرگ کند، پس شیعیان محمد و علی را دوست بدارید و در برآوردن حوائج مؤمنین جدیت کنید که هرگاه خدای تعالی شما گروههای شیعیان و دوستان ما را داخل بهشت گرداند، منادی او در بهشت بانگ زند: ای بندگان من به رحمت من داخل بهشت شده اید، پس آن را به مقدار محبت خود نسبت به شیعیان محمد و علی و برآوردن حقوق برادران ایمانی خویش بین خود تقسیم نمایید، سپس هر کدام محبتش نسبت به شیعه بیشتر و در اداء حقوق برادران مؤمن پیش قدم تر بوده درجاتش در بهشت بالاتر خواهد بود، تا آنجا که در بین آنها کسی باشد که از دیگران به مقدار صد هزار سال راه در کاخها و بهشتهای بالاتری باشد».

وجه دلالت:

یقیناً دعا نمودن برای تعجیل فرج بعضی از حقوق آن بزرگوار است و اجابت قضاء حاجت ایشان، زیرا که خود ایشان در توفیق شریف امر فرمودند که بسیار برای فرج دعا کنید.

علاوه بر این که هر گاه شخصی به کسی علاقه داشته باشد به او محبت می کند و سعی در خوشحال نمودن او می نماید، پس از اثبات این مطلب عرض می کنیم که کاملاً واضح و آشکار است که دعا کردن برای فرج امام زمان علیه السلام موجب خوشحالی و سرور ایشان می شود و بدین صورت ما نیز می توانیم ابراز کنیم محبت ظاهری و باطنی خود را به آن وجود مقدس.

تو در جنت روی آن قدر بالا
مقدم کن دعایش را به هر چیز
به مقدار دعایت بهر آقا
که این باشد نشان حب مولا

❁ یا صاحب الزمان ❁

رود بالا، دعا گو با دعایش
مقامش را کند در جنت خلد
به جنت، سوی یار دلربایش
بسی بالاتر و برتر، خدایش

❁ یا صاحب الزمان ❁

روی بالا تو با ذکرت دعا گو
مقام هر بهشتی با دعایش
به جنت پیش آن دلدار نیکو
شود بالاتر و والا و نیکو

❁ یا صاحب الزمان ❁

بهشت بر عاشقان بادا مبارک
دعا گویان بر مهدی بدانید
بنخیل رهروان بادا مبارک
تمام کاروان بادا مبارک

❁ یا صاحب الزمان ❁

مقامات بهشت را گر بخواهی
دعا بهر فرج رمز معاست
کرامات بهشت را گر بخوانی
عنایات بهشت را گر بخواهی

❁ یا صاحب الزمان ❁

دعا بر یوسف زهرا چه خوب است
مشو غافل ز مولی و امامت
دعا بر مهدی دلها چه خوب است
بهشت با مهدی زهرا چه خوب است

● یا صاحب الزمان ●

اگر خواهی علو و رفعت و جاه
اگر خواهی تو عزت در بر شاه
بسر بسر مهدی دوران دعا کن
که یا بی از سر صدق مکنت و جاه

● یا صاحب الزمان ●

برای ارتفاع در دولت دوست
برای ارتقاء در رجنت دوست
سبب ساز همه اسباب باشد
دعا بهر فرج در خلوت دوست

● یا صاحب الزمان ●

ببهشت جان برادر پله دارد
نه یک پله که او صد پله دارد
دعا بهر فرج آن پله باشد
دعا هم در بهشت چند پله دارد

«المکرمة الثامنة و الثمانون: الأمان من سوء الحساب فی يوم الحساب»

«فایده هشتاد و هشتم: در امان بودن از بدی حساب در قیامت»

برای اثبات این مطلب احتیاج به یک مقدمه می باشد و آن این که دعا نمودن برای امر فرج، خود صله رحم آل محمد علیهم السلام می باشد.

پس از تبیین این مطلب، می رویم سراغ پاداش الهی که برای صله رحم در نظر گرفته شده است:

(۱) قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: «وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَ يَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ»^(۱)

«و آنان که پیوندی که خداوند امر به آن فرموده می پیوندند و از عذاب پروردگارشان و سختی حساب می ترسند».

برای تبیین و وضوح این که مراد از «یصلون ما امر الله» چه کسانی می باشند؟ می بایست به احادیث اهل البیت علیهم السلام رجوع کرد:

(۲) عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: «الَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ

يُؤْصَلُ، قَالَ (علیه السلام) نَزَلَتْ فِي رَحِمِ آلِ مُحَمَّدٍ علیهم السلام وَ قَدْ تَكُونُ فِي قِرَابَتِكَ، ثُمَّ قَالَ (علیه السلام) فَلَا تَكُونَنَّ مِمَّنْ يَقُولُ لِلشَّيْءِ إِنَّهُ فِي شَيْءٍ وَاحِدٍ (۱).

عمر بن یزید می گوید: به حضرت ابی عبد الله صادق علیه السلام عرض کردم از آیه «و الذین یصلون...» ایشان فرمودند: آیه در مورد رحم آل محمد علیهم السلام نازل شده، و در خویشاوندان تو می باشد. پس آن حضرت فرمودند: از کسانی مباش که نسبت به چیزی گویند: درباره یک مورد است.

(۳) عَنْ أَبِي الْحَسَنِ علیه السلام قَالَ: «إِنَّ رَحِمَ آلِ مُحَمَّدٍ علیهم السلام مُعَلَّقَةٌ بِالْعَرْشِ، يَقُولُ: اللَّهُمَّ صَلِّ مَنْ وَصَلَنِي وَ اقْطَعْ مَنْ قَطَعَنِي وَ هِيَ تَجْرِي فِي كُلِّ رَحِمٍ، وَ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ فِي آلِ مُحَمَّدٍ وَ مَا غَاوَدَهُمْ عَلَيْهِ» (۲).

امام کاظم علیه السلام فرمودند: «همانا خویشاوندی آل محمد علیهم السلام به عرش آویخته شده، می گوید: خداوند! پیوند ده آن که مرا پیوسته دارد و قطع کن آن را که از من بریده است و این در هر خویشاوندی جاری است و این آیه در مورد آل محمد علیهم السلام و هر کسی که با آنان بر این امر هم پیمان شود، نازل شده است.»

(۴) عَنْ إِسْحَاقِ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: «سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ: إِنَّ صَلَاةَ الرَّحِمِ وَ الْبِرِّ لِيَهْوَنَانِ الْحِسَابِ، وَ يَغْصِمَانِ مِنَ الذُّنُوبِ، فَصَلُّوا أَرْحَامَكُمْ، وَ بَرُّوا بِإِخْوَانِكُمْ وَ لَوْ بِحُسْنِ السَّلَامِ وَ رَدِّ الْجَوَابِ» (۳).

اسحاق بن عمار گفت: شنیدم حضرت صادق علیه السلام می فرمودند: «همانا صله رحم و نیکی، حساب را آسان نموده و از گناهان محفوظ می دارند، پس ارحامتان را به پیوندید و به برادران خود نیکی کنید هر چند که با سلام گرم و جواب سلام خوب باشد.»

زهر سوهی که آنجا در میان است

که از سوز دل و از روح و جان است

حسابت در قیامت در امان است

فقط شرطش دعا بهر ظهور است.

● یا صاحب الزمان ●

دعا کن بهر آن دلدار محبوب که در محشر حسابت می شود خوب
دعا کن تا بیاید آن دلاور کند گردنکشان را خوار و سرکوب

● یا صاحب الزمان ●

اگر سوء حساب را دیده باشی و یا از انبیاء بشنیده باشی
امان از سوء و از احوال محشر فقط اندر دعا بشنیده باشی

● یا صاحب الزمان ●

در آن روزی که ایامش چه سخت است در آن روزی که هجرانش چه سخت است
اگر بهر دعا کوشا نباشی حساب و روز هجرانش چه سخت است

«المکرمه التاسعة و الثمانون: الفوز بأفضل درجات الشهداء يوم القيامة»

«فایده هشتاد و نهم: رستگاری به عالی ترین درجات شهداء»

برای تأیید این فایده اشاره به روایتی می شود:

(۱) عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عليه السلام فِي حَدِيثٍ قَالَ: «مِنْ أَفْضَلِ الشُّهَدَاءِ دَرَجَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَنْ نَصَرَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ بِظَهْرِ الْغَيْبِ وَرَدَّ عَنِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ (۱)».

امام کاظم عليه السلام در ضمن حدیثی فرمودند: «...از برترین درجات شهداء روز قیامت برای کسی است که خدا و رسول او را در غیاب یاری نموده و از خدا و رسول او دفاع کرده باشد».

تا به حال بر همگان روشن شد که دعا برای تعجیل فرج امام زمان عليه السلام یاری کردن آن بزرگوار می باشد، پس از اثبات این موضوع جای شک نیست که یاری آن حضرت، یاری رسول خدا صلی الله علیه و آله و یاری ایشان، یاری خدای متعال می باشد.

هر آنکس، می کند یاری مولا و آن هم با دعایش بهر آقا
مقام او بُود عالیترین مقام هر شهید راه مولا

● با مصاب الزمان ●

شهیدان را مقاماتی فراوان
مقام بهترین‌های شهیدان
بُود آن علتش، اخلاص و ایمان
برای هر دعا گوی فرج، دان

(۲) قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ علیه السلام: مَنْ ثَبَّتَ عَلَيَّ مَوَالِدَنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا علیه السلام أَعْطَاهُ اللَّهُ
أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِثْلَ شَهِدَاءِ بَدْرٍ (۱) و در کمال الدین ج ۱ ص ۳۲۳ آمده مِنْ شَهِدَاءِ
بَدْرٍ وَ أَحَدٍ.

امام سجاد علیه السلام فرمود: هر که در زمان غیبت قائم ما بر ولایت و دوستی ما ثابت و پایدار باشد، خدا پاداش هزار شهید چون شهدا، بدر به وی عطا فرماید.

«المكرمة التسعون: الفوز بالشفاعة الفاطمية سلام الله عليها»

«فایده نودم: رستگاری به شفاعت فاطمه سلام الله عليها»

حدیث شریفی بر این فایده بسیار مهم دلالت می‌کند که به آن اشاره می‌کنیم:

(۱) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: «... ثُمَّ يَقُولُ جَبْرَائِيلُ: يَا فَاطِمَةُ سَلِي حَاجَتِكَ فَتَقُولِينَ يَا رَبِّ، شِيعَتِي، فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: قَدْ غَفَرْتُ لَهُمْ، فَتَقُولِينَ يَا رَبِّ شِيعَةُ وُلْدِي، فَيَقُولُ اللَّهُ، قَدْ غَفَرْتُ لَهُمْ، فَتَقُولِينَ يَا رَبِّ شِيعَةُ شِيعَتِي، فَيَقُولُ اللَّهُ: اِنْطَلِقِي، فَمَنْ اغْتَضَمَ بِكَ فَهُوَ مَعَكَ فِي الْجَنَّةِ، فَعِنْدَ ذَلِكَ تَوَدُّ الْخَلَائِقُ أَنَّهُمْ كَانُوا فَاطِمِيَّيْنَ...» (۲).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ضمن حدیث طولانی فرمودند: «پس جبرئیل می‌گوید: ای فاطمه حاجت خود را بخواه، پس می‌گویی: خدایا شیعیانم، خدای تعالی خواهد فرمود: آنان را آمرزیدم، پس می‌گویی: پروردگارا شیعیان فرزندانم، خداوند می‌فرماید: البته آنها را آمرزیدم، پس خواهی گفت: پروردگارا پیروان شیعیانم! آن‌گاه خداوند خواهد فرمود: هر کس به تو پناه جُسته با تو در بهشت باشد، در آن هنگام است که خلائق آرزو می‌کنند که همه فاطمی می‌بودند.»

وجه دلالت:

از واضح‌ترین اقسام پناه جستن به سیده زنان عالم، دعا کردن برای یوسف ایشان

می باشد، علاوه بر این که از علائم شیعیان و محبتان آن بزرگوار تسلیم بودن در برابر فرامین معصومین علیهم السلام می باشد.

از آن روزی که سیلی خورد زهرا
بگفتا عارفی حکم فرج را
سیه شد روزگار اهل معنی
کند زهرای سیلی خورده امضا

● یا صاحب الزمان ●

دعا گوی ظهورش را سراسر
دعا گوی ظهور مهدی او
شفاعت می کند زهرای اطهر
نباشد روز محشر زار و مضطر
شفاعت می کند جان برادر
ظهور مهدی آل پیمبر
فقط شرطش دعا بهر ظهور است

● یا صاحب الزمان ●

قیامت می کند زهرا، قیامت
چو یک مرغی که چیند دانه هر دم
کسند آنجا باذن رب، کرامت
شفاعت می کند از خلق آدم
که بوده، در فراق مهدی او
شفاعت می کند زهرای اطهر
جلوگیرش شده یک مرد دل سنگ
گل شکفته اش با شعله پژمرد
ز ضرب دست و شلاق و لگد، مرد
همان دم کز عدویش خورد، سیلی
به خون سینه اش بنمود، امضاء
نشان داده به مردم راه از چاه
خدا خنقت نموده ماسوارا
شده از برکت زهرا فراهم
شفاعت می کند والّٰه، فردا
همان زهرا که در یک کوچه تنگ
همان زهرا که با صورت زمین خورد
همان زهرا که در کوچه کتک خورد
همان زهرا که رویش گشت نیلی
همان زهرا که راه مرتضی را
همان زهرا که باشد حجّة الله
همان زهرا که از یمنش به دنیا
وجود حسیدر و پیغمبر هم
بشارت برد دعا گویان که زهرا

اگر خواهی شفاعت روز محشر
بجویی تو سعادت روز محشر
دل امام امام را کن تو مسرور
اگر خواهی هدایت روز محشر

● یا صاحب الزمان ●

در آن روزی که وانفاس است آن روز
در آن روزی که خلاق الله گدایند
در آن روزی که وایلاست آن روز
فقط دخت نبی آقاست آن روز

● یا صاحب الزمان ●

در آن روز قیامت این خلائق
در آنجا مادر مهدی بیاید
شوند تنهای تنها با علائق
زداید غصه و غم از خلائق

● یا صاحب الزمان ●

تو می دانی که مهر ام مهدی
دعا گویان مهدی را بگوئید
شفیع یوم کبری ام مهدی
رفیق یوم عقبی ام مهدی

● یا صاحب الزمان ●

بیا دخت نبی ای جان حیدر
شفاعت را دعا گویان بخواهند
که هم ام ابی، هم روح حیدر
شفاعت می کنی ای روح اطهر

● یا صاحب الزمان ●

دعا کن طی شود هجران مهدی
چو آید یوسف زهرا ز زندان
غم دلها شود فقدان مهدی
شود گلشن زرویش امام مهدی

«المکرمة الواحدة والتسعون: فيه ثواب حج بيت الله الحرام»

«فایده نود و یکم: ثواب حج بیت الله الحرام را دارد»

احادیث فراوانی بر این امر دلالت دارند که دو مورد آن را ذکر می کنیم.

(۱) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: «مَنْ سَعَى فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ فَأَجْتَهَدَ فِيهَا فَأَجْرِي اللَّهُ عَلَى يَدَيْهِ قَضَاءَهَا، كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ حِجَّةً وَ عُمْرَةً، وَ اغْتِكَافَ شَهْرَيْنِ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ صِيَامَهُمَا، وَ إِنْ اجْتَهَدَ فِيهَا وَ لَمْ يَجِرِ اللَّهُ قَضَاءَهَا عَلَى

يَدِيهِ، كَتَبَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ حِجَّةً وَ عُمْرَةً (۱).

امام صادق علیه السلام فرمودند: «هر کس در برآوردن حاجت برادر مسلمان خود گام برداشته و در آن جدیت کند، پس خداوند برآورده شدن آن حاجت را به دست او قرار دهد، خدای عزوجل برایش یک حج و یک عمره، اعتکاف دو ماه در مسجد الحرام و روزه آنها را می نویسد، و اگر در آن تلاش کند ولی خداوند برآورده شدن آن حاجت را به دست او قرار ندهد، خدای عزوجل یک حج و یک عمره برایش بنویسد.»

(۲) عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: «لَقَضَاءِ حَاجَةِ امْرِئٍ مُؤْمِنٍ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنْ عِشْرِينَ حِجَّةً، كُلُّ حِجَّةٍ يُنْفِقُ فِيهَا صَاحِبُهَا مِائَةَ أَلْفٍ» (۲).

امام صادق علیه السلام فرمودند: «راستی که برآوردن حاجت یک مؤمن نزد خدای متعال محبوب تر است از بیست حج، که در راه هر حج، صاحب آن صد هزار دینار درهم خرج کرده باشد.»

(۳) قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: «مَنْ أَنْفَقَ دِرْهَمًا فِي الْحَجِّ كَانَ خَيْرًا لَهُ مِنْ مِائَةِ أَلْفٍ دِرْهَمٍ يُنْفِقُهَا فِي حَقِّ» (۳).

امام صادق علیه السلام فرمودند: هر که یک درهم در راه حج انفاق کند برای او از صد هزار درهم که بحق انفاق کند بهتر است.

(۴) قَالَ الْبَاقِرُ علیه السلام: «الْحَجُّ تَسْكِينُ الْقُلُوبِ» (۴).

امام باقر علیه السلام فرمودند: انجام مناسک حج موجب آرامش دل هاست.

گمان کردم که دین صوم و صلوة است	جهاد و خمس و حج است و زکات است
ولی بشنیدم از روشن ضمیری	که عشق دوست اسباب نجات است

● باصلب الزمان ●

به کوه و دشت و دریا می زنم گام

به شوق فیض وصل آن دلارام

به امید وصالش بستم احرام

به عزم کعبه کوی نگارم

۱- کافی، ج ۲، ص ۱۹۸.

۲- کافی، ج ۲، ص ۱۹۳.

۳- آثار الصادقین، ج ۳، ص ۸۹.

۴- آثار الصادقین، ج ۳، ص ۸۷.

❁ یا صاحب الزمان ❁

تویی جاننا فروغ محفل من
 نباشد کعبه غیر از قبله من
 سر گویت بود سر منزل من
 تو هستی قبله جان و دل من

❁ یا صاحب الزمان ❁

ثواب عمره گر خواهی برادر
 دو ماه روزه هم در حج و عمره
 ثواب اعتکاف را هم دو ماهش
 ثواب حج بیت الله را هم
 کدامین مؤمنی را می شناسی
 بسوالله و بی پیغمبر، بزهرها
 دعا کن بهر آن مولای مضطر
 ثواب دیگری هم هست دیگر
 که می بوده در آن مسجد برادر
 تو بینی در دعاهایت سراسر
 که از مولای ما او هست برتر؟!
 بود از بهترین دلدار و سرور

❁ یا صاحب الزمان ❁

ثواب حج بیت الله، جانم
 همان آهی که هر دم با دعایت
 نصیبت می شود با آه، جانم
 که می کردی تو در این راه، جانم

توجه:

عزیزان همان طور که ملاحظه شد در این حدیث حج را موجب آرامش دلها می شمارند و در حدیث دیگر می فرمایند: **أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمِئِنُّ الْقُلُوبُ** که ذکر را موجب آرامش دلها می شمارند و در حدیث دیگر می فرمایند: **تَحَنُّنٌ ذِكْرُ اللَّهِ: مَا أَهْلُ بَيْتِ هَمَانَ ذَكَرُوا خَدَاوَنَدُ هَسْتِیْم.**

پس نتیجه می گیریم که یاد امام زمان علیه السلام علاوه بر ذکر الله بودن، دارای ثواب های متعددی من جمله ثواب حج می باشد.

پس بقول شاعر که می فرماید چون که صد آمد نود هم پیش ماست، ما به دنبال صد باشیم که همان امام زمان علیه السلام است.

«المكرمة الثانية والتسعون: فيه ثواب العمرة»

«فایده نود و دوم: ثواب عمره دارد»

حدیثی که در فایده نود و یکم ذکر شد، دلالت بر این فایده نیز دارد.

(۱) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: الْحَجُّ وَالْعُمْرَةُ سُوقَانِ مِنْ أَسْوَاقِ الْآخِرَةِ الْعَامِلُ بِهِمَا فِي جَوَارِ اللَّهِ إِنْ أَدْرَكَ مَا يَأْمُلُ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَإِنْ قَصَرَ بِهِ أَجَلُهُ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (۱).

امام صادق عليه السلام فرمودند: حج و عمره دو بازار از بازارهای آخرت است، کسیکه آنها را بجا می آورد در جوار خداوند است، اگر حج و عمره را به پایان برد خدایش بیامرزد، و اگر زندگیش قبل از اتمام حج و عمره به سر آید، پاداش او بر عهده خدای عزوجل است.

(۲) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليهما السلام يَقُولُ: حُجُّوا وَاعْتَمِرُوا تَصِحَّ أَجْسَامُكُمْ وَتَسِيحَ أَرْزَاقُكُمْ وَيُصْلِحَ إِيْمَانُكُمْ وَتَكْفُوا مَوْوَنَةَ النَّاسِ وَ مَوْوَنَةَ عِيَالِكُمْ (۲).

امام صادق عليه السلام فرمودند: علی بن الحسین علیهما السلام می فرمودند: حج و عمره به جای آورید تا بدنهای شما سالم، و روزی شما وسیع، و ایمانتان شایسته و نیکو، و مخارج زندگانی خود و هزینه مردم و مخارج خانواده خود را نیز تامین نمایید.

مشو نومید از لطف خدایت	ثواب عمره دارد این دعایت
دعا کن تا بیاید آن دل آرام	زند چون نوکران خود، هدایت

● یا صاحب الزمان ●

دعا کن بهر آن مولی که نیکوست	ثواب حج و عمره دارد ای دوست
دعایش کن همه اوقات عمرت	اگر هم دشمنت از تو کند پوست

● یا صاحب الزمان ●

بیا بشنو برادر این کلام	بین صدق و صفا را از مرامم
اگر خواهی ثواب حج و عمره	بیا بنما قبول از من بیانم

● یا صاحب الزمان ●

زجان و دل دعا کن از برایش	دو دست خود بلند کن از برایش
شب و روز و تمام لحظه هایت	تو درخواست دعا کن از برایش

❁ یا صاحب‌الایمان ❁

دعا بهر عزیز مصطفایت
بوالله می‌کند هر دم صدایت

بُود عمره ثواب هر دعایت
اگر کردی دعا از بهر مولی

توجه:

تمام این پاداش‌هایی که برای حج و عمره نوید داده شده به مراتب بیشتر از آن برای ادخال سرور مؤمنین می‌باشد که در برخی از روایات اشاره شد تا بیست حج و در برخی بیشتر از آن شمرده شده است.

و این پاداش‌ها برای ادخال سرور مؤمن است، حالا ثواب ادخال سرور رئیس مؤمنین، یعنی امام زمان علیه السلام چه مقدار می‌باشد والله اعلم از این عظمت و پاداش.

«المکرمۃ الثالثه والتسعون: فیه ثواب الاعتکاف شهرین فی المسجد الحرام»

«فایده نود و سوم: ثواب اعتکاف در مسجد الحرام را دارد.»

روایتی که در فایده نود و یکم ذکر شد را می‌توان شاهی برای این فایده نیز، آورد.

(۱) عَنْ اِبْرَاهِيمَ الْخَارِقِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ اَبَا عَبْدِ اللهِ علیه السلام يَقُولُ مَنْ مَشَى فِي حَاجَةِ اَخِيهِ الْمُؤْمِنِ يَطْلُبُ بِذَلِكَ مَا عِنْدَ اللهِ حَتَّى يَقْضِيَ لَهُ كَتَبَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ بِذَلِكَ مِثْلَ اَجْرِ حِجَّةٍ وَ عُمْرَةٍ مَبْرُورَتَيْنِ وَ صَوْمِ شَهْرَيْنِ مِنْ اَشْهُرِ الْحُرْمِ وَ اِعْتِكَافِهِمَا فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الْحَدِيثُ (۱).

از ابراهیم خارق‌ی گفت شنیدم امام صادق علیه السلام می‌فرمود: هر کس در طلب حاجت برادر مؤمنش حرکت کند تا آن را روا سازد، خدای عزوجل برای او باین سبب می‌نویسد ثواب حج و عمره قبول شده را و ثواب دو ماه روزه از ماههای حرام را (که اعمال در ماههای حرام دو برابر است) و ثواب اعتکاف دو ماه در مسجد الحرام را حدیث ادامه دارد.

دو ماه اعتکاف را ای برادر
 که در اطراف مگه کرده‌ای، سر
 ثوابش هست بهرت گردهایت
 بُود بهر عزیز آلِ اطهر

❁ یا صاحب الزمان ❁

دوماه روزه هم در حج و عمره
 یقین دارم دعا گو را همیشه
 لذا گر آن دعا دارد ثواب
 ثواب دیگری بهر دعا گوست
 اباصالح برایش یار و دلجوست
 دو ماه اعتکافش هم از این روست

❁ یا صاحب الزمان ❁

ثواب اعتکاف خیلی عظیم است
 چرا که اعتکاف یک ناز باشد
 یکی رازی که مهمان خدایی
 دگر رازش که آنجا با خدایی
 بگویم راز دیگر را چه دانی
 بخوانی در درون سینه خود
 درون خانه معشوق چه دیدی
 در آنوقتی که سوز و ساز داشتی
 در آنچه گفتم و گفتند یاران
 ثواب اعتکاف را من ندانم
 اگر ضعف بدن شد چیره بر تو
 مشو نومید، از این باب رحمت
 اگر کردی دعا از بهر تعجیل
 اگر چه فیض تو بسیار باشد
 تو می دانی که این فیض کریم است
 مراسر در زبانش راز باشد
 زغیر حق در آن محفل جدایی
 درون خانه آن با صفایی
 هر آنچه غیر او باشد نخوانی
 الهی تو نرانی بنده خود
 بچشم دل در آن محفل چه دیدی
 در آن جای که صدها راز داشتی
 بُود یک قطره‌ای از آن هزاران
 حدیث قیل و قال از چه برانم
 بشد فیض عظیمه تیره بر تو
 که بگشوده برایت باب رحمت
 شوی تو از ثواب اعتکاف سیر
 نصیب و روزیت دلدار باشد

«المکرمة الرابعة والتسعون: فیه ثواب صیام شهرین»

«فایده نود و چهارم: ثواب دو ماه روزه گرفتن»

براین فایده هم، حدیثی که در فایده نود و یکم ذکر شد دلالت می کند.

(۱) عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ علیه السلام قَالَ: وَاللَّهِ لَقَضَاءِ حَاجَتِهِ يَغْنِي الْآخِ الْمُؤْمِنَ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ صِيَامِ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ وَاعْتِكَافِيهِمَا فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ (۱).
از امام سجاد علیه السلام فرمودند: به خدا قسم هر آینه بر آوردن حاجت برادر مؤمن محبوبتر است به سوی خدای عزوجل از دوماه روزه پشت سرهم و دوماه اعتکاف در مسجد الحرام.

برایت هست، ای مست نگاهش
که گردی آشنا با سوز و آتش

ثواب روزهات در حج، دوماهش
فقط باید دعایش کرده باشی

❁ یا صاحب الزمان ❁

ثواب صوم یک ماه را نظر کن
شود مقبول ایزد در نهایت
کند مقبول در گاه او دو چندان
تو مشغول دعا شو آن کریم را
به مهدی آن غریب آل اطهر
دعا در حق آل مصطفی کن

تو ای جان برادر نیک نظر کن
اگر صومت در این شهر ضیافت
نه یک ماهی که او از راه احسان
اگر خواهی چنین فیض عظیم را
دعا بهر فرج بسما برادر
همان مهدی که فرموده دعا کن

«المكرمة الخامسة و التسعون: قبول شفاعته يوم القيامة»

«فایده نود و پنجم: قبول شدن شفاعتش در قیامت»

روایاتی دلالت بر این فایده می کنند که به یکی از آنها از باب نمونه، اشاره می شود:

(۱) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: قَالَ لِي: «يَا مُفَضَّلُ، إِسْمَعْ مَا أَقُولُ لَكَ وَاعْلَمْ أَنَّهُ الْحَقُّ، وَافْعَلْهُ، وَأَخْبِرْ بِهِ عَلَيْهِ إِخْوَانِكَ، قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ وَ مَا عَلَيْهِ إِخْوَانِي؟ قَالَ: الرَّاعِبُونَ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِ إِخْوَانِهِمْ، قَالَ ثُمَّ قَالَ: وَ مَنْ قَضَى لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ حَاجَةً قَضَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِائَةَ أَلْفِ حَاجَةٍ مِنْ ذَلِكَ أَوْلَاهَا الْجَنَّةُ، وَ مِنْ ذَلِكَ أَنْ يَدْخَلَ قِرَابَتَهُ وَ مَعَارِفَهُ وَ إِخْوَانَهُ الْجَنَّةَ، بَعْدَ أَنْ لَا يَكُونُوا نُصَابًا...» (۲).

مفضل از امام صادق علیه السلام نقل می‌کنند که ایشان فرمودند: «ای مفضل بشنو چه می‌گویم و بدان که حق است و آن را انجام ده و برادران بزرگوارت را از آن خبر کن، عرض کردم: فدایت شوم برادران بزرگوارم چه کسانی هستند؟ فرمودند: آنان که در روا ساختن حوایج برادران خود راغب هستند، پس فرمودند: و هر کس برای برادر مؤمن خود حاجتی روا سازد خدای عزوجل برای او در قیامت صد هزار حاجت را برآورده سازد، از جمله اولین آنها بهشت است، و از جمله این که خویشاوندان و آشنایان و برادرانش را - به شرط این که ناصبی نباشند - داخل بهشت گرداند.»

شفاعت می‌کند او، با شهادت

دعا گوی فرج، روز قیامت

بُود با دوستانش در سلامت

شفاعت‌های او باشند مقبول

● با صاحب‌الزمان ●

به یاد غیر او دیگر نباشی

اگر خواهی شفاعت کرده باشی

مشو غافل، مکن علت تراشی

بُود راهش، دعا بهر ظهورش

● با صاحب‌الزمان ●

در آن روزی که واویلاست آن روز

در آن روزی که وانفساست آن روز

زجان و دل حریم بشکسته باشد

در آن روزی که اعمال بسته باشد

هر آن کس سوی راهی می‌دویند

در آن روزی که از هم می‌بریند

در آن جایی که باطل‌ها کنار رفت

در آن روزی که امیدها کنار رفت

سر خود تسوی اعمال زمینی

در آن روزی که هر کس را ببینی

شفاعت را بسجونی از سبویش

در آن روزی که بن بست گشته رویش

امید عفو می‌دارند از یار

در آن روزی که مردان گنه کار

رسند بهر شفاعت گاه گاهی

در آن روزی که مردان الهی

که مشغول دعا گشتند به مولی

همان شیران روز و مرد شب‌ها

برای امر مولی جان فدایند

همان یاران که حق را مقتدایند

دعا بهر فرج برجان خریدند

به هر حالی هدایت را گزیدند

قبول حق شده هر جا و هر سو

شفاعت بهر آن مردان حق جو

قبولش بهر یاران وه چه زیباست

شفاعت بهر یاران وه چه زیباست

«المکرمة السادسة والتسعون: مائة الف حاجة له يوم القيامة»

«فایده نود و ششم: روا شدن صد هزار حاجت او در قیامت»

حدیثی که در فایده قبل ذکر شد، دلالت بر این فایده هم دارد.

روا کرده اگر باشد دعا گو	قیامت، صد هزار از حاجت او
دعایش بر دل مولاست، دارو	دعا گوی فرج باید بداند

● با صاحب الزمان ●

از آن صحرا و از خوف و ندامت	خبر داری ز صحرای قیامت
از آن جایی که شد خالی ز نصرت	از آن جایی که باشد یوم حسرت

● با صاحب الزمان ●

همه در فکر اعمال خودستند	همه جمله خلایق جمیع هستند
بسحق حق که چیزی کم ندارد	دعا گو بر فرج هیچ غم ندارد
دها گسو را دهد، آنجا نویدی	عنایت کرده ذات حق امیددی
پسی حاجت در این مأوا نشسته	کهای عید ذلیل و زار و خسته
نه هر قدرت برون از حد من نیست	نه یک حاجت تو را در شأن من نیست
چو بسیم در قیامت، قامت تو	دهم یک صد هزار از حاجت تو
به آن چیزی که باشی در سلامت	مسها می کنم اندر قیامت
زهر پیچ و خمی آسوده باشی	تو ای عبدم اگر محزون نباشی
دعا بر یوسف زهرا نمودی	تو که همت در این دنیا نمودی
ولی لطف الهی بس کثیر است	ببین اجر دهایت گر حقیر است
فزون شد منزلت از آنچه بودی	تو گر اندک دعایی را نمودی

«المکرمة السابعة والتسعون: أنه افضل من عشر طوافات بالبیت الحرام»

«فایده نود و هفتم: ثواب آن بیشتر از ده طواف است.»

حدیث صحیح السنندی دلالت بر این مکرمت دارد که آن را ذکر میکنیم:

(۱) عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلَبَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: «مَنْ طَافَ بِالْبَيْتِ أَسْبُوعًا كَتَبَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ سِتَّةَ آلَافِ حَسَنَةٍ، وَ مَحَى عَنْهُ سِتَّةَ آلَافِ سَيِّئَةٍ، وَ رَفَعَ لَهُ سِتَّةَ آلَافِ دَرَجَةٍ، قَالَ: وَ زَادَ فِيهِ إِسْحَاقُ بْنُ عَمَّارٍ، وَ قَضَى لَهُ سِتَّةَ آلَافِ حَاجَةٍ، قَالَ: ثُمَّ قَالَ عليه السلام، وَ قِضَاءُ حَاجَةِ الْمُؤْمِنِ أَفْضَلُ مِنْ طَوَافٍ وَ طَوَافٍ حَتَّى عَشْرًا (۱)».

ابان بن تغلب می گوید که از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود: «هر کس هفت شوط خانه کعبه را طواف کند، خداوند عزوجل برایش شش هزار حسنه می نویسد، و شش هزار سیئه را از او محو می سازد، اسحاق بن عمار افزوده: و شش هزار حاجت او را بر آورده می کند. گفت: سپس امام عليه السلام فرمودند: بر آوردن حاجت مؤمن بهتر است از طوافی و طواف دیگری تا ده طواف را حضرت شمردند».

چو مشغول طواف بیت بودم
و یا بر تلبیه لب می گشودم
به وقت گفتن الله لبیک
تو را می خواند هر عضو وجودم

❁ یا صاحب الزمان ❁

برای هر دعا گوی ظهورش
ثواب کعبه و هفتاد دورش
اگر دانی که مولایت غریب است
نخواهی از خدا غیر از سرورش

❁ یا صاحب الزمان ❁

دهد بر تو ثواب دور خانه
و آن هفتاد بارش، بی بهانه
دعا کن تا بینی اجر آن را
مکن اندر دعا، امروز و فردا
برو سرور گردان مؤمنی را
ز غمها دور گردان مؤمنی را
نصیب تو بگرداند از این راه
طواف خانه خود را، الله
اگر اجر سرور مؤمن این است
رئیس مؤمنین اجرش چنین است
غلط گفتم که اجر او فزون است
شمار آن، زدست غیر برون است
اگر اجر عظیم را مایل هستی
زجانت کن دعایش هر چه هستی
بوالله چون دعا کردی برایش
ترا اجرت دهد ایزد برایش

❁ یا صاحب الزمان ❁

درون خانه دلها چه زیباست
دعا بر یوسف زهرا چه زیباست

طواف خانه گلها چه زیباست
دعا بهر فرج این اجر دارد

«المکرمه الثامنة و التسعون: فيه ثواب العتق»

«فایده نود و هشتم: در آن ثواب بنده آزاد کردن است»

روایات زیادی دال بر این مطلبند که به دو روایت اشاره می شود:

(۱) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: «لَئِنْ أَمَشِي فِي حَاجَةٍ أَوْ لِي مُسْلِمٍ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَعْتَقَ أَلْفَ نَسَمَةٍ، وَأَحْمَلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَلَى أَلْفِ فَرَسٍ مُسَرَّجَةٍ مُلْجَمَةٍ»^(۱).

امام صادق عليه السلام فرمودند: «برای من گام برداشتن در راه حاجت برادر مسلمانم خوشتر از این است که هزار بنده آزاد کنم، و در راه خدا هزار اسب زین و لجام کرده بفرستم».

(۲) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: «مَشَى الرَّجُلُ فِي حَاجَةٍ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ يُكْتَبُ لَهُ عَشْرُ حَسَنَاتٍ، وَيُمنَحَى عَنْهُ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ، وَيُرْفَعُ لَهُ عَشْرُ دَرَجَاتٍ، قَالَ: «وَلَا أَعْلَمُهُ إِلَّا قَالَ: «وَيَغْدِلُ عَشْرَ رِقَابٍ، وَأَفْضَلُ مِنْ إِعْتِكَافٍ شَهْرٍ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ»^(۲).

امام صادق عليه السلام فرمودند: «برای گام برداشتن مرد در راه روا ساختن حاجت برادر مؤمنش ده حسنه نوشته می شود و ده سیئه محو می گردد، و ده درجه بالا می رود، و جز این نمی دانم که فرمود: و این کار برابر آزاد کردن ده برده و بهتر از اعتکاف یک ماه در مسجد الحرام می باشد».

(۳) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: «مَنْ أَعَاثَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ حَتَّى يُخْرِجَهُ مِنْ هَمٍّ وَ كُرْبَةٍ وَ رُظْطَةٍ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عَشْرَ حَسَنَاتٍ، وَ رَفَعَ لَهُ عَشْرَ دَرَجَاتٍ وَ أَعْطَاهُ ثَوَابَ عِتْقِ عَشْرِ نَسَمَاتٍ، وَ دَفَعَ عَنْهُ عَشْرَ نَقِمَاتٍ، وَ أَعَدَّ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَشْرَ شَفَاعَاتٍ»^(۳).

۲- کافی، ج ۲، ص ۱۹۶.

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۹۷.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۵۸۸.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر کس به فریاد و کمک برادر مسلمانش برود تا این که او را خارج کند از غم و غصه و درد، خدای متعال می نویسد برای او ده حسنه، و بالا می برد او را ده درجه، و عطا می کند او را ثواب آزاد کردن ده بنده (از فرزندان حضرت اسماعیل) و دفع می کند از او ده بلاء و نعمت، و آماده می سازد برای او در روز قیامت ده شفاعت».

دعایت قلب او را می کند شاد
چه چیزی بهتر از خوشنودی او؟!
چنانچه کرده ای تو برده آزاد
ز قلبت هر زمان از او نما، یاد

● یا صاحب الإیمان ●

دهایش کن تو در هر کوی و برزن
ثواب بنده ای آزاد کردن
دها باید کند هر مرد و هر زن
ثواب بنده ای آزاد، نمودن
بُود بهر تو ای جان دل من
اگر عیدی شود آزاد چه حاصل
بود اجرش فزون از هر چه بودن
بیا جان برادر با وفا باش
که اجر تو فزون است چند مقابل
دعا گوی فرج شو از سر صدق
بیا پیوسته در حال دعا باش
چنین ادعیه ای در نزد یزدان
که یابی هر چه خواهی از ره صدق
برابر گشته است با عتق رقان

«المکرمۃ التاسعه والتسعون: فیه ثواب أن یعمل فی سبیل اللّٰه علی الف فرس مسرجه ملجمه»
«فایده نودونهم: در آن ثواب روانه ساختن هزار اسب زین و لجام کرده در راه خدای متعال است»
(۱) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَضَاءُ حَاجَةِ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عِتْقِ أَلْفِ رَقَبَةٍ وَ خَيْرٌ مِنْ حَمْلَانِ أَلْفِ فَرَسٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ (۱).

امام صادق عليه السلام فرمودند: روا ساختن حاجت مؤمن بهتر است از آزاد نمودن هزار بنده و بهتر است از هزار اسبی که در راه خدا برای جهاد فرستاده شود.

(۲) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: لَإِنْ أَمْسَى فِي حَاجَةٍ أَخِي لِي مُسْلِمٍ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَعْتَقَ أَلْفَ نَسَمَةٍ وَأُحْمَلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَلَى أَلْفِ فَرَسٍ مُسَرَّجَةٍ مُلَجَّمَةٍ. (۱)

امام صادق علیه السلام فرمودند: برای من گام برداشتن در راه حاجت برادر مسلمانم خوشتر از این است که هزار بنده را آزاد کنم و در راه خدا هزار اسب زین و لجام کرده را بفرستم.

عَنْ أَبِي الْأَعْرَزِ النَّخَّاسِ قَالَ: سَمِعْتُ الصَّادِقَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عليه السلام يَقُولُ: قَضَاءُ حَاجَةِ الْمُؤْمِنِ أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ حِجَّةٍ مُتَقَبَّلَةٍ بِمَنَاسِكِهَا وَعِتْقِ أَلْفِ رَقَبَةٍ لِيُوجِهَ اللَّهُ وَحَمْلَانِ أَلْفِ فَرَسٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِسَرَجِهَا وَلَجَمِهَا. (۲)

ابی اعز النخاس می گوید شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمودند: روا ساختن حاجت مؤمن برتر است از هزار حج قبول شده، و از هزار عبدی که برای رضای خدای متعال آزاد شده باشند و بهتر است از فرستادن هزار اسب زین و لجام شده برای جهاد.

دعایش کن سحر روز و شبانه

که در راه خدا کردی روانه

دلت را بهر او کن آشیانه

ثوابش چون هزار اسب مجهز

● با صاحب الزمان ●

به سر داری تو راه انبیا را
بسراه وصل دلداران بمیری
ز تن بی خانمان شو در ره عشق
هزار اسب لجام کرده بیک عشق
از این مال و منال یا هر چه هستی
شود حل مشکلت در محفل ما
بسیابی نزد مولی تو ره دل

اگر داری لسان انبیا را
تو باید راه آن جانان بگیری
مهای جهاد شو در ره عشق
دهی در راه معشوق از سر عشق
و لیکن تو اگر محروم هستی
بگویم رمز و راز این معما
دعاگوی فرج شو از ته دل

شفا بر یوسف زهراست ای دوست
به صبح و شام ثنا بهم نماید

دعا حلال مشکل‌هاست ای دوست
که فرموده دعا بهم نماید

«المکرمۃ المائۃ: اظللہ اللہ بخمسة و سبعین ألف ملک»

«فایده صدم: حمایت هفتاد و پنج هزار فرشته»

بیانگر این فایده، حدیث شریف و مبارکی است که آن را در ذیل ذکر می‌کنیم.
(۱) عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: «مَنْ مَشَى فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ أَظَلَّهُ اللَّهُ بِخَمْسَةِ وَ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ، وَلَمْ يَزِفْ قَدَمًا إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حَسَنَةً، وَ حَطَّ عَنْهُ بِهَا سَيِّئَةٌ، وَ يَزِفُّ لَهُ بِهَا دَرَجَةً، فَإِذَا فَرَعَ مِنْ حَاجَتِهِ كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ بِهَا أَجْرَ حَاجٍ وَ مُعْتَمِرٍ» (۱).
امام باقر ع فرمودند: «هر کس در راه روا ساختن حاجت برادر مسلمانش قدم بردارد، خداوند او را با هفتاد و پنج هزار فرشته سایه می‌دهد، و هیچ گامی بر می‌دارد، مگر این که به خاطر آن حسنه‌ای برایش نوشته می‌شود و گناهی از او دور می‌گردد و درجه‌ای بالا می‌رود، پس هرگاه از انجام حاجت او فراغت یافت خدای عزوجل برای او به خاطر آن پاداش یک حج و یک عمره می‌نویسد».

(۲) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: «مَنْ قَضَى لِمُسْلِمٍ حَاجَةً كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عَشْرَ حَسَنَاتٍ وَ نَحَى عَنْهُ عَشْرَ سَيِّئَاتٍ وَ رَفَعَ لَهُ عَشْرَ دَرَجَاتٍ وَ أَظَلَّهُ اللَّهُ فِي ظِلِّهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا لِلَّهِ» (۲).

امام صادق ع فرمودند: هر کس حاجت برادر مؤمنش را روا سازد، خدای تعالی برای او می‌نویسد، ده حسنه، و پاک می‌کند از (نامه اعمال او) ده گناه، و بالا می‌برد او را ده درجه، و سایه می‌افکند بر سر او از سایه خودش در آن روزی که به جز سایه او هیچ سایه‌ای وجود ندارد.

دعایت بهر آن تالی قرآن
یکی از آن اثرهایی که دارد
برای این که چون سایه، حمایت
بُود تعداد آن هفتاد و پنج و
اگر خواهی که در صحرای محشر
در آنجایی که گرمایش فزون است
بسیفکند از لطائف سایه بر تو
ببین هفتاد و پنج را از ملائک
هزار افزون شده بر تو ملائک
دعا بهر عزیز مصطفی کن
دعا بر غربت مولی چه نیکوست
اگر خواهی ملائک را ببینی
دعا بهر فرج آن راز باشد

اثرهای عجیبی هست در آن
ملائکها رساند جان جانان
کنند از هر دعاگوی فرج، مان
هزار از بسعد آن باشد، مسلمان
شوی آزاد از هر نار و اخگر
در آن صحرا که سوزش هم، فزون است
کشانده از ملائک سایه بر تو
حمایت می نمایند از تو، یک یک
رسد لطف تمامی بر تو، یک یک
دعا بر نازنین مرتضی کن
دعا بر مهدی زهرا چه نیکوست
گلی از خرمین یک یک بچینی
دعا بر غربت او باز باشد

«المکرمه الواحدة و المائة: فيه ثواب خدمة الله عزوجل ألف سنة»

«فایده صد و یکم: ثواب هزار سال خدمت به پروردگار»

روایت شریفی دال بر این فایده است که به آن اشاره می کنیم:

(۱) عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ: «مَنْ سَعَى فِي حَاجَةِ أَخِيهِ
الْمُؤْمِنِ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِيهَا رِضًا وَ لَهُ فِيهَا صَلاَحٌ، فَكَأَنَّمَا خَدَمَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ أَلْفَ سَنَةٍ،
لَمْ يَقَعْ فِي مَعْصِيَتِهِ طَرْفَةَ عَيْنٍ.» (۱)

امیرالمؤمنین علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل فرمودند: که ایشان فرمودند: «هر کس در

جهت روا ساختن حاجت برادر مؤمن خویش که رضایت خداوند عزوجل در آن باشد و برای برادر مؤمن نیز مصلحت داشته باشد، مثل آن است که خدای عزوجل را هزار سال خدمت کرده که یک چشم بر هم زدن در معصیت او نیفتاده باشد.

(۲) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يَقُولُ: مَنْ قَضَى لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ حَاجَةً كَانَ كَمَنْ عَبَدَ اللَّهَ دَهْرَهُ (۱).

امام صادق عليه السلام از پدرش از جدش امیر مؤمنان عليه السلام روایت نمود که ایشان فرمودند شنیدم رسول خدا صلى الله عليه وآله می فرمودند: هر کس حاجت برادر مؤمنش را روا سازد مانند کسی است که خدای متعال را عبادت نموده به مقدار عمر روزگار.

خدایت را و او را می ستودی

هزارت سال اگر خدمت نمودی

اگر یار ظهور یار بودی

ثوابش را شود شامل دعایت

● یا صاحب الزمان ●

اگر هستی در این عالم تو دلداری
انیس ماتم و غم شو برادر
دل از هر چه به غیر اوست بری دار
به عمر دهر عبادت کرده ای رب جلیل را
جواب خدمت مولی عقاب است؟
عیان بسا شد ترا امر ظهورش
همی خدمت بود در نزد الله
نویسد از کرم احسان بر خود
نگارد بهر تو، باشی در این حال

بگفتا عقل کل آن نازنین یار
برو غمخوار مردم شو برادر
تلاش و سعی و کوشش را قوی دار
چو خدمت کرده ای فرد خلیل را
اگر خدمت به مردم پر ثواب است
اگر کردی دعا بهر ظهورش
ثواب ادعیه از بهر مولی
نه خدمت بر خلائق بلکه بر خود
نه یک سال و دو سال بلکه هزار سال

«المکرمۃ الثانیة والمائة: فیه ثواب عبادة تسعة آلاف سنة صائماً وقائماً»

«فایده صد و دوم: ثواب نه هزار سال نماز و روزه را دارد»

همان طور که در فواید گذشته تمسک به روایات ائمه معصومین و آیات قرآن کریم داشته‌ایم در این فایده نیز که آخرین فایده است، نمونه‌ای از فرمایشات آن بزرگواران را ذکر می‌کنیم:

عَنْ مِیْمُونِ بْنِ مَهْرَانَ قَالَ: «كُنْتُ جَالِساً عِنْدَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ علیه السلام: فَأَتَاهُ رَجُلٌ، فَقَالَ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنَّ فُلَاناً لَهٗ عَلَيَّ مَالٌ، وَ يُرِيدُ أَنْ يَخِيسَنِي فَقَالَ علیه السلام: وَاللَّهِ مَا عِنْدِي مَالٌ فَأَقْضِي عَنْكَ قَالَ: فَكَلَّمَهُ فَلَيْسَ علیه السلام نَعْلَهُ فَقُلْتُ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ علیه السلام أَنْسَيْتَ اعْتِكَافَكَ فَقَالَ علیه السلام لِي: لَمْ أَنْسِهِ، وَ لَكِنِّي سَمِعْتُ أَبِي يُحَدِّثُ عَنْ جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ: مَنْ سَعَى فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ الْمُسْلِمِ، فَكَأَنَّمَا عَبَدَ اللَّهَ تِسْعَةَ آلَافِ سَنَةٍ صَائِماً نَهَارَةً قَائِماً لَيْلَةً» (۱).

میمون بن مهران می‌گوید: در محضر مولایم حضرت حسن بن علی علیه السلام بودم که مردی آمد و عرضه داشت: ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله فلانی از من پولی طلبکار است و می‌خواهد مرا زندانی کند. فرمود: به خدا سوگند مالی ندارم که از سوی تو بپردازم. عرضه داشت: پس با او سخن بگویند؛ پس حضرت کفششان را به پایشان کردند. آن گاه به ایشان عرض کردم: آیا اعتکافاتان را فراموش کردید؟ حضرت فرمود: نه فراموش نکردم، لکن از پدرم شنیدم که از جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل فرمودند که آن جناب فرمود: هر کس در روا ساختن حاجت برادر مؤمن خود سعی کند، چنان است که نه هزار سال خداوند را عبادت کرده که روزها را روزه داشته و شب‌ها را به نماز مشغول بوده است.

ثوابش در دعایت هست با حال

دعا دارد جزا بسیار دنبال

نماز و روزه آنهم نه هزار سال

بود این چیز ناچیزی و گرنه

❁ یا صاحب الزمان ❁

عبادت از سر شوق و شفقت

بسرای طول غیبت طول راهش

بدوش خود کشید او بار مادر

زهر چه ناکس است او جان ستاند

به زعم تو خریدار دعا کیست؟

همو که جان دهد بر هر چه بی جان

زهر صوم و صلوات بهتر به یاران

بود برتر ز صد بل نه هزار سال

اگر خواهی کنی رب را عبادت

بیا جانا دعا کن از برایش

اگر از ره رسید آن یار مادر

دماغ سرکشان بر خاک نشاند

تو دانی اجر این ذره دعا چیست؟

خبریدار دعایت رب یزدان

دعا بهر نجرش اجرش فراوان

نه یک صوم و صلوات ده سال که صد سال

❁ یا صاحب الزمان ❁

فصل چهارم:

زیارات و دعاهای مخصوص امام زمان علیه السلام

صلوات ابوالحسن ضراب اصفهانی

صلوات منسوبه به ابوالحسن ضراب اصفهانی را که شیخ و سید در اعمال عصر روز جمعه آنرا ذکر نموده‌اند و سید فرموده که این صلوات مزوی از مولای ما حضرت مهدی صلوات الله علیه است و اگر ترک کردی تعقیب عصر روز جمعه را بجهت عذری، پس ترک مکن این صلوات را هرگز بجهت امری که مطلع کرده ما را خداوند جل جلاله به آن، پس سند آنرا با نسخه صلوات نقل کرده، لکن شیخ در مصباح فرموده که این صلوات مروی از حضرت صاحب الزمان علیه السلام است که بیرون آمده بسوی ابوالحسن ضراب اصفهانی به نقل بحارج ۵۲ ص ۱۹ - ۱۷ ابوالحسن ضراب اصفهانی می‌گوید در سال ۲۸۱ هجری قمری برای حج مشرف شدم و اطاقی را در منزل خانمی به نام خدیجه که خانمی باکرامت بود کرایه کردم و (سخنانی بین آندورد و بدل شده که جهت اختصار حذف می‌کنیم سپس اشاره می‌کنیم به مطلب مهمی که ایشان برای ابوالحسن ضراب اصفهانی پیرامون صلوات مخصوصه فرموده) ثم قالت: يقول لك: اذا صليت كيف تصلي؟ فقلت اقول اللهم صل على محمد و آل محمد و بارك على محمد و آل محمد كفضل ما صليت و باركت و ترحمت على ابراهيم و آل ابراهيم انك حميد مجيد. فقالت: لا اذا صليت عليهم فصل عليهم كلهم و سمهم فقلت: نعم فلما كانت من الغد نزلت و معها دفتر صغير فقالت: يقول لك: اذا صليت على النبي فصل عليه و على اوصيائه على هذه النسخة ایشان فرمودند وقتی صلوات می‌فرستی چگونه می‌باشد گنتم اللهم صل على... فرمودند خیر بلکه به طریقی که می‌گویم صلوات

بفرست و بر تک تک آن بزرگواران درود فرست و نام آنها را ببر برادران و خواهران گرامی ملاحظه می‌فرمائید که این صلوات اختصاص به روز جمعه ندارد بلکه طبق مدرک نقل شده عمومیت دارد و در هر مکان و هر زمانی می‌شود تلاوت نمود و لکن مرحوم حاج شیخ عباس قمی که در اعمال روز جمعه بیان کرده‌اند از باب اهمیت روز جمعه بوده نه اینکه اختصاص این صلوات به روز جمعه باشد نظر به اینکه این صلوات گنجی است پر محتوی امید است همگان خاصه دوستداران آن شریف فاطمه علیها السلام سرمایه گذاری فراوانی برای پخش و نشر آن نمایند برای وضوح مطلب به نکاتی اشاره می‌کنیم:

- ۱- از سطر اول تا سطر هفتم درود و بیان عظمت رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌باشد.
- ۲- از ص ۳۶۷ سطر ۷ درود بر دوازده امام علیهم السلام آغاز می‌شود.
- ۳- از ص ۳۶۸ سطر ۱۲ امام‌شناسی از زبان امام زمان علیه السلام آغاز می‌شود که بسیار فشرده و جالب و پر محتوا بیان می‌فرمایند.
- ۴- از ص ۳۶۹ سطر ۸ درود بر امام زمان علیه السلام و عظمت ایشان بیان می‌شود.
- ۵- از ص ۳۶۹ سطر ۱۰ دعا برای امام زمان علیه السلام و اهداف ایشان بیان می‌شود.
- ۶- از ص ۳۶۹ سطر ۱۳ بیان می‌فرمایند آیا ایشان دارای زن و فرزند می‌باشند یا خیر؟
- ۷- از ص ۳۷۰ سطر ۳ بیان می‌کند که او محی دین و احکام و بدست او ظاهر می‌شود اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله.
- ۸- از ص ۳۷۰ سطر ۶ دعاهای جامع بیان می‌شود.
- ۹- از ص ۳۷۰ سطر ۹ لعن و نفرین بر دشمنان خدا و اهل بیت علیهم السلام بیان می‌شود.
- ۱۰- از ص ۳۷۰ سطر ۱۲ درود بر فاطمه زهرا علیها السلام بیان می‌شود.
- ۱۱- در سطرهای پایانی دعا، عظمت محمد و آل محمد علیهم السلام را دوباره بیان می‌کند.
- ۱۲- و در پایان برادران و خواهران گرامی در مقدمه دعا آمده بود که امری در این صلوات نهفته شده که هرگز نباید تلاوت این صلوات ترک شود سؤال می‌کنیم آن امر مهم چیست که نباید ترک شود آیا اسم اعظم است یا...؟ و چگونه می‌توان به آن رسید؟
یقیناً با مداومت و تدبیر در آن.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
به نام خدای بخشاینده مهربان

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ، وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ

الْعَالَمِينَ، الْمُتَّجِبِ فِي الْمِثَاقِ، الْمُصْطَفَى فِي الظَّلَالِ، الْمُطَهَّرِ مِنْ

كُلِّ آفَةٍ، الْبَرِّيِّ مِنْ كُلِّ عَيْبٍ، الْمُؤَمَّلِ لِلنَّجَاةِ، الْمُرْتَجَى لِلشَّفَاعَةِ،

الْمُقَرَّضِ إِلَيْهِ دِينُ اللَّهِ، اللَّهُمَّ شَرِّفْ بُنْيَانَهُ، وَعَظِّمْ بُرْهَانَهُ، وَأَفْلِحْ

حُجَّتَهُ، وَارْزُقْ دَرَجَتَهُ، وَأَضِيءْ نُورَهُ، وَبَيِّضْ وَجْهَهُ، وَأَعْطِهِ الْفَضْلَ وَ

الْفَضِيلَةَ، وَالْمَنْزِلَةَ وَالْوَسِيلَةَ، وَالدَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ، وَابْعَثْهُ مَقَاماً

مَخْمُوداً، يَنْبِطُهُ بِهِ الْأَوْلَادُ وَالْأَخِرُونَ، وَصَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ،

وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَقَائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ، وَسَيِّدِ الرَّوْحِيِّينَ، وَحُجَّةِ

رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ

الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلِّ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ، إِمَامِ

الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلِّ عَلَى

عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ

الْعَالَمِينَ، وَ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ وَاثِرِ
جهانیان و درود فرست بر محمد بن علی امام مؤمنان و وارث (عسلم)

الْمُرْسَلِينَ، وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ صَلَّى عَلَيَّ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، إِمَامِ
بسیمران و حجت پروردگار جهانیان و درود فرست بر جعفر بن محمد امام

الْمُؤْمِنِينَ، وَ وَاثِرِ الْمُرْسَلِينَ، وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ صَلَّى عَلَيَّ
مؤمنان و وارث (عسلم) بسیمران و حجت پروردگار جهانیان و درود فرست بر

مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ وَاثِرِ الْمُرْسَلِينَ، وَ حُجَّةِ رَبِّ
موسس بن جعفر امام مؤمنان و وارث (عسلم) بسیمران و حجت پروردگار

الْعَالَمِينَ، وَ صَلَّى عَلَيَّ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ وَاثِرِ
جهانیان و درود فرست بر علی بن موسی امام مؤمنان و وارث (عسلم)

الْمُرْسَلِينَ، وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ، إِمَامِ
بسیمران و حجت پروردگار جهانیان و درود فرست بر محمد بن علی امام

الْمُؤْمِنِينَ، وَ وَاثِرِ الْمُرْسَلِينَ، وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ صَلَّى عَلَيَّ
مؤمنان و وارث (عسلم) بسیمران و حجت پروردگار جهانیان و درود فرست بر

عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ وَاثِرِ الْمُرْسَلِينَ، وَ حُجَّةِ رَبِّ
علی بن محمد امام مؤمنان و وارث (عسلم) بسیمران و حجت پروردگار

الْعَالَمِينَ، وَ صَلَّى عَلَيَّ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ وَاثِرِ
جهانیان و درود فرست بر حسن بن علی امام مؤمنان و وارث (عسلم)

الْمُرْسَلِينَ، وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ صَلَّى عَلَيَّ الْخَلْفِ الْهَادِي
بسیمران و حجت پروردگار جهانیان و درود فرست بر ان یساذگار صاحب راهما

الْمَهْدِيِّ، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ وَاثِرِ الْمُرْسَلِينَ، وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ،
حضرت مهدی امام مؤمنان و وارث (عسلم) بسیمران و حجت پروردگار جهانیان

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، الْأَيْمَّةِ الْهَادِينَ، الْعُلَمَاءِ
خدا ایسا درود فرست بر محمد و خاندانش یسینوا یسان راهما و دستمندان

الصَّادِقِينَ، الْأَبْرَارِ الْمُتَّقِينَ، دَعَائِمِ دِينِكَ، وَ أَرْكَانِ تَوْحِيدِكَ، وَ
و راستگویمان و برهیزکاران کسه سستونهای دین تو و پایه های محکم توحید و

تَزَاجِمَةَ وَحَيْكَ، وَ حُجَجِكَ عَلَى خَلْقِكَ، وَ خُلَفَائِكَ فِي أَرْضِكَ، الَّذِينَ

مفسران و حسی تو و حججهای تو بر تمام مخلوقات و جانشینان که در روی زمین هستند آنان که

اخْتَرْتَهُمْ لِنَفْسِكَ، وَأَضْطَفَيْتَهُمْ عَلَى عِبَادِكَ، وَ ارْتَضَيْتَهُمْ لِدِينِكَ، وَ

ایشان را برای خویش برگزیدی و برای بسندگان انتخاب کردی و برای دینت پسندیدی و

خَصَّصْتَهُمْ بِمَعْرِفَتِكَ، وَ جَلَّلْتَهُمْ بِكَرَامَتِكَ، وَ غَشَّيْتَهُمْ بِرَحْمَتِكَ، وَ

به معرفت خویش مخصوصشان کردادی و به کرامتت جلالت و سرعستگیشان دادی و به رحمتت آنها را پوشانیدی،

رَبَّيْتَهُمْ بِنِعْمَتِكَ، وَ غَدَّيْتَهُمْ بِحِكْمَتِكَ، وَ أَلْبَسْتَهُمْ نُورَكَ، وَ رَفَعْتَهُمْ

که سمعتت آنان را پروریدی و سه حکمتت بخدایشان دادی و نورت را در سرشان کردی و

فِي مَلَكُوتِكَ، وَ حَفَفْتَهُمْ بِمَلَائِكَتِكَ، وَ شَرَّفْتَهُمْ بِبَنِيَّتِكَ، صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ

در ملکوت خویش آنها را بالا بردی و به فرشتگات گرداگردشان را پوشانیدی و به پیامبر ایشان را شرف بخشیدی - درود تو

وَ آلِهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَيْهِمْ، صَلَوةً زَاكِيَةً، نَامِيَةً كَثِيرَةً،

بر او و آتش ساد - خدایا درود فرست بر محمد و بر ایشان درود پاک و رویننده بسیار

دَائِمَةً طَيِّبَةً، لَا يُحِيطُ بِهَا إِلَّا أَنْتَ، وَ لَا يَسَعُهَا إِلَّا عِلْمُكَ، وَ لَا

و همیشه و پاکیزه‌ای که کسی جز تو بدان احاطه ندارد و حیر در علم تو نرسد و

يُخَصِّبُهَا أَحَدٌ غَيْرُكَ، اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ الْمُخَيِّ سُنَّتِكَ، الْقَائِمِ

هیچکس جز تو شمارش نتواند خدایا و درود فرست بر ولی خود و زنده کننده طریقت (انگش که)

بِأَمْرِكَ، الدَّاعِي إِلَيْكَ، الدَّلِيلِ عَلَيْكَ، حُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ، وَ خَلِيفَتِكَ

که امرت پیام کند و بسویت بخواند و به راه تو دلالت کند حجج تو بر خلق و جانشین

فِي أَرْضِكَ، وَ شَاهِدِكَ عَلَى عِبَادِكَ، اللَّهُمَّ أَعِزَّ نَصْرَهُ، وَ مَدِّ فِي عُمُرِهِ،

در زمین و گواहत بر بسندگان خدایا یاریش را بیروند و با شوکت کن و بر عمرش بسزوا

وَ زَيِّنِ الْأَرْضَ بِطَوْلِ بَقَائِهِ، اللَّهُمَّ اكْفِهِ بِنَفَى الْخَائِدِينَ، وَ أَعِذْهُ مِنْ

و زمین را به طول بقایش زیور بخش خدایا او را از ستم حسودان کفایت کن و از

شَرِّ الْكَاثِبِينَ، وَ أَرْجُرْ عَنْهُ إِزَادَةَ الظَّالِمِينَ، وَ خَلِّصْهُ مِنْ أَيْدِي

شر مکاران محافظتش کن و ازاد مکاران را از او بگردان و از دست

السَّجَّارِينَ، اللَّهُمَّ أَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ، وَ شَيْعَتِهِ وَ رَعِيَّتِهِ، وَ

گردنکشان خلاصش کن خدایا به او عطا کن در ساره خودش و فرزندان و شیعیان و رعایای او و

خَاصَّتِهِ وَ غَامَّتِهِ، وَ عَدُوَّهُ وَ جَمِيعَ أَهْلِ الدُّنْيَا، مَا تُقِرُّ بِهِ عَيْنُهُ، وَ تَسْرُّ

نزدیکانش و عموم پیرانش و نیز درباره دشمنان او و تمام مردم دنیا آنچه را که چشمش بدان روشن شود و دلش بدان

بِهِ نَفْسُهُ، وَ بَلَّغَهُ أَفْضَلَ مَا أَقْلَهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلُّشِيِّ

نهاد گسرد و او را به بهترین چیزی که در دنیا و آخرت آرزو دارد برسان که همانا تو بر هر چیزی

قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ جَدِّدْ بِهِ مَا امْتَحَى مِنْ دِينِكَ، وَ أَخِي بِهِ مَا بَدَّلَ مِنْ كِتَابِكَ،

توانایی خدایا تازه کن وسیله او آنچه را که از دینت سحر شده و زنده کن مدست او آنچه را که از کتابت تبدیل یافته

وَ أَظْهِرْ بِهِ مَا غَيَّرَ مِنْ حُكْمِكَ، حَتَّى يَعُودَ دِينُكَ بِهِ، وَ عَلَيَّ يَدِيهِ

و آشکار ساز بوسیله او آنچه را که از حکم تو تغییر یافته تا آنجا که برگردد دین تو بوسیله او و به دست او

غَضًا جَدِيدًا، خَالِصًا مُخْلِصًا، لَا شَكَّ فِيهِ، وَ لَا شُبُهَةَ مَعَهُ، وَ لَا بَاطِلَ

تسر و ترازه و بساک و پسر الاپش که شکسی در آن نیباشد و شبیهی ای بجای ندارد و باطلی در آن

عِنْدَهُ، وَ لَا يَدْعُهُ لَدَيْهِ، اللَّهُمَّ نَوِّرْ بِنُورِهِ كُلَّ ظُلْمَةٍ، وَ هُدِّ بِرُكْنِهِ كُلَّ

نیباشد و بدعتی بجای ندارد خدایا روشن کن به نور او هر تاریکی را و درهم شکن به قدرتش هر

يَدْعَةٍ، وَ اهْدِمْ بِعِزِّهِ كُلَّ ضَلَالَةٍ، وَ اقْصِمْ بِهِ كُلَّ جَبَّارٍ، وَ أَخْمِدْ بِسَيْفِهِ

بدعتی را و ویران کن بوسیله عزتش هر گمراهی را و بشکن به دست او (پشت) هر گردنگش را و خاموش کن به بسنیرش

كُلَّ نَارٍ، وَ أَهْلِكَ بِعَدْلِهِ جَوْرَ كُلِّ جَائِرٍ، وَ آخِرَ حُكْمَهُ عَلَيَّ كُلَّ حُكْمٍ، وَ

آتش هر فتنه را و نابود ساز با عدالت تو ستم هر ستمگری را و حکمش را بسوق تمام حکمها بگردان و

أَذِلَّ بِسُلْطَانِهِ كُلَّ سُلْطَانٍ، اللَّهُمَّ أَذِلَّ كُلَّ مَنْ نَاوَاهُ، وَ أَهْلِكَ كُلَّ مَنْ

بوسیله سلطنتش هر سلطان را و بون کن خدایا خوار کن هر که را بعد سوتی نسبت به او کند و نابود ساز هر که

غَادَاهُ، وَ امْكُرْ بِمَنْ كَادَهُ، وَ اسْتَأْصِلْ مَنْ جَعَلَهُ حَقَّةً، وَ اسْتَهَانَ بِأَمْرِهِ، وَ

نار دشمنی کند و مکر خویش دچار کن آنکه درباره اش کیدی کند و ریشه کن ساز هر که را مکر حقش گردد و کارش را سبک

سَعَى فِي إِطْفَاءِ نُورِهِ، وَ آزَادَ إِخْمَادَ ذِكْرِهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

شمارد و در خاموش کردن سورش کوشا باشد و بسخواهد او را از بساد ببرد خدایا درود فرست بر محمد

الْمُصْطَفَى، وَ عَلَيَّ الْمُزْتَضَى، وَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، وَ الْحَسَنَ الرَّضَا، وَ الْحُسَيْنَ

مصطفی و عیسی مرتضی و فاطمه زهرا و حسن (دارای مقام تسلیم) و رضا و حسین

المُصَفَّى، وَ جَمِيعِ الْأَوْصِيَاءِ، مَصَابِيحِ الدُّجَى، وَ أَعْلَامِ الْهُدَى، وَ مَنَارِ

التَّقَى، وَ الْعُرْوَةِ الْوُثْقَى، وَ الْحَبْلِ الْمَتِينِ، وَ الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ، وَ صَلَّى عَلَيَّ

وَلَيْكَ، وَ وِلَاةِ عَهْدِكَ، وَ الْأَيْمَةِ مِنْ وُلْدِهِ، وَ مَدَّ فِي أَعْمَارِهِمْ، وَ زِدْ فِي أَجَالِهِمْ،

وَ بَلِّغْهُمْ أَقْصَى آمَالِهِمْ، دِيناً وَ دُنْيَا وَ آخِرَةً، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

زیارت امام عصر علیه السلام در هر روز بعد از نماز صبح

زیارتی است که هر روز بعد از نماز صبح مولای ما صاحب الزمان علیه السلام به آن زیارت کرده می شود و آن این است:

اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَايَ صَاحِبَ الزَّمَانِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ، عَنْ جَمِيعِ

الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا وَ

سَهْلِهَا وَجَبَلِهَا، حَيْثُمْ وَ مَتَيْتَهُمْ، وَعَنْ وَالِدَيْ وَوَلَدِي، وَعَنْيَ

مِنَ الصَّلَوَاتِ وَالتَّحِيَّاتِ زِنَةَ عَرْشِ اللَّهِ، وَمِذَاكَ كَلِمَاتِهِ، وَمُنْتَهَى

رِضَاهُ، وَ عَدَدَ مَا أَحْصَاهُ كِتَابُهُ، وَ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُّ لَكَ

فِي هَذَا الْيَوْمِ وَفِي كُلِّ يَوْمٍ عَهْداً وَعَقْداً وَبَيْعَةً فِي رَقَبَتِي، اللَّهُمَّ

كَمَا شَرَّفْتَنِي بِهَذَا التَّشْرِيفِ، وَقَضَّيْتَنِي بِهَذِهِ الْفَضِيلَةِ، وَخَصَّصْتَنِي

چنانچه صراحتاً مفتخر ساختی بندگان مستخار و برتریم دادی به این فضیلت و مخصوصم داشتی

بِهَذِهِ النِّعْمَةِ، فَصَلِّ عَلَيَّ مَوْلَايَ وَسَيِّدِي صَاحِبِ الزَّمَانِ، وَاجْعَلْنِي

بندگان نعمت پس درود فرست بر مولا و سایم حضرت صاحب الزمان و فرارم ده

مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَشْيَاعِهِ، وَالذَّآبِئِينَ عَنْهُ، وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُسْتَشْهِدِينَ

از یاران و پیروان و اشیا و کشتگان آن حضرت و بگردانم از شهیدان

بَيْنَ يَدَيْهِ، طَائِعاً غَيْرَ مُكْرَهٍ فِي الصَّفِّ الَّذِي نَعَتَ أَهْلَهُ فِي كِتَابِكَ،

در پیش روی من میل و رغبت بدون اجبار و ناراضی در آن صفی که اهل آن را در کتاب خود (قرآن) توصیف کرده

فَقُلْتُ صَفًّا كَانَتْهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ عَلَيَّ طَاعَتِكَ، وَطَاعَةِ رَسُولِكَ

و فرمودی: ای صفا که گویا بنیادی استوارند در راه فرمانبرداری تو و فرمانبرداری رسول تو

وآلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، اَللّٰهُمَّ هَذِهِ بَيْعَةٌ لَّهُ فِي عُنُقِي اِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ.

و آل و رسولت - که بر تمامی آنها سلام باد - خدایا این بیعتی است از آن جناب در گردن من تا روز قیامت.

علامة مجلسی در بحار فرموده که من در بعضی کتب قدیمه دیده‌ام که بعد از این زیارت

دست راست را بدست چپ بزنند مثل زدن در بیعت.

دعای عهد

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که چهل صباح این عهد را بخواند از باوران

قائم ما باشد و اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد خدا او را از قبر بیرون آورد که در

خدمت آن حضرت باشد و حق تعالی به هر کلمه هزار حسنه او را کرامت فرماید و هزار

گناه از او محو کند و آن عهد اینست:

اَللّٰهُمَّ رَبَّ السُّورِ الْعَظِيمِ، وَ رَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ، وَ رَبَّ الْبَحْرِ

خسبند ای پسروردگار سوره بزرگ و پسروردگار کرسی بلند و پسروردگار دریای

الْمَسْجُورِ، وَ مُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَالْاِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ، وَ رَبَّ الظِّلِّ وَالْحَرُورِ،

جسورشان و فرستنده تورات و انجیل و زبور و پسروردگار سایه و آفتاب داغ

وَمُنْزِلَ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ، وَرَبِّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ، وَالْأَنْبِيَاءِ

و فرستنده قرآن بزرگ و پروردگار فرشتگان مقرب و پیغمبران

وَالْمُرْسَلِينَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَبِنُورِ وَجْهِكَ

و فرستادگان خدا را از سوی خودت به نام نور تو و به نور چهره

الْمُنِيرِ، وَمُلْكِكَ الْقَدِيمِ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ

نور آن و فرمانروایی دیرینهات ای زنده ای پاینده از سو خواهم بدان نام که روشن شد

بِهِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُونَ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي يَصْلُحُ بِهِ الْأَوْلَادُونَ

بندان آسمانها و زمینها و بدان نام که صلاح و نیکبختی بخشد بدان پسران

وَالْآخِرُونَ، يَا حَيًّا قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ، وَيَا حَيًّا بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ، وَيَا حَيًّا حِينَ لَا

و پسران ای زنده پیش از هر موجودی و ای زنده پس از هر موجودی زنده و ای زنده در آن هنگام که

حَيٌّ، يَا مُخَيِّئِ الْمَوْتَى، وَمُحْيِي الْأَحْيَاءِ، يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، اللَّهُمَّ

زنده ای وجود ندانم ای زنده کسی مردگان و ای میرساننده زندگان ای زنده ای که معبودی جز تو نیست خدا

بَلِّغْ مَوْلَانَا الْإِمَامَ الْهَادِيَ الْمَهْدِيَّ الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ

برسان به مولای ما آن امام راهم ای راه یافته و قیام کننده به فرمان تو - که دروهای خدا بر او و

عَلَى آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ، عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، فِي مَشَارِقِ

پدران پاکش بسا - از مشرق همه مردان و زنان با ایمان در مشرقهای

الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، سَهْلِهَا وَجَبَلِهَا، وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا، وَعَنِّي وَعَنْ

زمین و غروبهای آن هموار آن و کوهش، خشکی آن و دریاهاش، و از طرف من و

وَالِدِي مِنَ الصَّلَوَاتِ زِنَةَ عَرْشِ اللَّهِ، وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ، وَمَا أَحْضَادُ

پدر و مادرم درودهایی هموزن عرش خدا و شماره کلمات و سخنان او و آنچه را دانش احباء

عِلْمُهُ، وَأَخَاطُ بِهِ كِتَابَهُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُّ لَكَ فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا،

کرده و کتاب و دستش بدان احباطه دارد خدا را من تازه می کنم در سآمدن این روز

وَمَا عِشْتُ، مِنْ آيَامِي، عَهْدًا وَعَقْدًا وَبَيْعَةً لَكَ فِي عُنُقِي، لَا أَحُولُ

و هر چه زندگی کنم از روزهای دیگر عهد و پیمان و بیعتی برای آن حضرت در گردنم که هرگز از آن سر نه بیجم

عَنْهَا وَلَا أَزُولُ أَبَدًا، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ، وَالذَّابِقِينَ

و دست نکشیم هرگز، خدا را فرارده مرا از یاران و کمک کسانش و دفاع کنندگان

عَنهُ، وَالْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ، وَالْمُنْتَثِلِينَ لِأوامِرِهِ،

وَالْمُخَامِرِينَ عَنهُ، وَالشَّاقِبِينَ إِلَى إِزَادَتِهِ، وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ،

اللَّهُمَّ إِنَّ خَالَ بَيْتِي وَبَيْتَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَي عِبَادِكَ حَتْمًا

مَقْضِيًّا، فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي، مُؤْتِرًا كَفْنِي، شَاهِرًا سَيْفِي، مُجَرِّدًا

قِنَاتِي، مُلَبِّيًا دَعْوَةَ الدَّاعِي، فِي الْخَاضِرِ وَالْبَادِي، اللَّهُمَّ ارْنِي

الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ، وَالْفُرَّةَ الْحَمِيدَةَ، وَاكْحَلْ نَاطِرِي بِنَظْرَةِ مَنِي إِلَيْهِ،

وَعَجِّلْ فَرَجَهُ، وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ، وَأَوْسِعْ مَنَهْجَهُ، وَأَسْلُكْ بِي مَحَجَّتَهُ،

وَأَنْفِذْ أَمْرَهُ، وَأَشْدُدْ أَرْزَهُ، وَأَعْمِرِ اللَّهُمَّ بِهِ بِلَادَكَ، وَأَخِي بِهِ عِبَادَكَ،

فَإِنَّكَ قُلْتَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ، ظَهَرَ الْقَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ

أَيْدِي النَّاسِ، فَأَظْهِرِ اللَّهُمَّ لَنَا وَلِيَّكَ، وَابْنَ بِنْتِ نَبِيِّكَ، الْمُسَمَّى بِاسْمِ

رَسُولِكَ، حَتَّى لَا يَظْفَرَ بِشَيْءٍ مِنَ الْبَاطِلِ إِلَّا مَرَّقَهُ، وَيُحِقِّ الْحَقَّ

وَيُحَقِّقَهُ، وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مَفْرَعًا لِمَظْلُومِ عِبَادِكَ، وَنَاصِرًا لِمَنْ لَا يَجِدُ

لَهُ نَاصِرًا غَيْرَكَ، وَمُجَدِّدًا لِمَا عَطَلَ مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ، وَمُشِيدًا لِمَا

وَرَدَ مِنْ أَعْلَامِ دِينِكَ، وَسُنَنِ نَبِيِّكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَاجْعَلْهُ

وَرَدَ مِنْ أَعْلَامِ دِينِكَ: از نشانه‌های دین تو، و سُنَنِ نَبِيِّكَ: از سنت‌های پیغمبر تو، و آوَالِهِ: از آل او، و اجْعَلْهُ: گردان...

اللَّهُمَّ مِمَّنْ حَصَّنْتَهُ مِنْ بَأْسِ الْمُعْتَدِينَ، اللَّهُمَّ وَسِّرْ نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا

اللَّهُمَّ مِمَّنْ حَصَّنْتَهُ مِنْ بَأْسِ الْمُعْتَدِينَ: ای خداوند منم که او را از آزار و خطرات دشمنان محفوظ نگاه داشتی، و وَسِّرْ نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا: از آشنایان خود نزد من پنهان گردان...

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِرُؤْيَيْهِ، وَمَنْ تَبِعَهُ عَلَي دَعْوَتِهِ، وَارْحَم

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِرُؤْيَيْهِ: از آنهایی که او را از راه رؤیت خود دیدند، و مَنْ تَبِعَهُ عَلَي دَعْوَتِهِ: از آنهایی که او را از راه دعوت خود پیروی کردند، و اَرْحَم: مهربان...

اسْتِكَانَتْنَا بَعْدَهُ، اللَّهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ النُّمَّةَ عَنِ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِحُضُورِهِ،

اسْتِكَانَتْنَا بَعْدَهُ: از پناه گرفتن ما پس از او، و اكْشِفْ هَذِهِ النُّمَّةَ عَنِ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِحُضُورِهِ: از برداشتن این آفت از این امت با حضور او، و النُّمَّةَ: آفت، و الْأُمَّةَ: امت، و بِحُضُورِهِ: با حضور او.

وَعَجِّلْ لَنَا ظُهُورَهُ، إِنَّهُمْ بِرَوْتُهُ بَعِيدًا، وَتَرِيَهُ قَرِيبًا، بِرَحْمَتِكَ يَا

وَعَجِّلْ لَنَا ظُهُورَهُ: از عجل کردن ما در ظهور او، و إِنَّهُمْ بِرَوْتُهُ بَعِيدًا: اینها در رویت او دورند، و تَرِيَهُ قَرِيبًا: او را نزدیک می‌بینی، و بِرَحْمَتِكَ يَا: با رحمت تو ای خداوند.

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. پس سه مرتبه دست بر ران راست خود می‌زنی و در

پس سه مرتبه دست بر ران راست خود می‌زنی و در...

هر مرتبه می‌گویی: «الْعَجَلُ الْعَجَلُ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ».

زیارت حضرت صاحب الامر علیه السلام

شیخ جلیل احمد بن ایطالب طبرسی؛ در کتاب شریف احتجاج روایت کرده که از

ناحیه مقدسه بیرون آمد بسوی محمّد حمیری بعد از جواب از مسائلی که از آن حضرت

سؤال کرده بود: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا لِأَمْرِهِ تَعْقِلُونَ وَلَا مِنْ أَوْلِيَانِهِ

تَقْبَلُونَ حِكْمَةً بَالِغَةً فَمَا تُغْنِي النُّذُرُ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ

هرگاه خواستید توجه کنید به وسیله ما به سوی خداوند تبارک و تعالی و به سوی ما پس

بگوئید، چنانکه خدای تعالی فرموده:

سَلَامٌ عَلَي آلِ يَسَّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ذَاعِيَ اللَّهِ رِثَانِي آيَاتِهِ،

سَلَامٌ عَلَي آلِ يَسَّ: سلام بر آل یس، و السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ذَاعِيَ اللَّهِ رِثَانِي آيَاتِهِ: سلام بر تو ای ذاعی خداوند، و رِثَانِي آيَاتِهِ: میراث آیات او.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ وَدِيَانَ دِينِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ وَدِيَانَ دِينِهِ: سلام بر تو ای دروازه خداوند و دین او، و السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ: سلام بر تو ای خلیفه خداوند.

وَنَاصِرَ حَقِّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَدَلِيلَ إِزَادَتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

و ناصر حق او سلام بر تو ای حجت خدا و راهش ای اراده اش سلام بر تو

يَا تَالِيَّ كِتَابِ اللَّهِ وَتَرْجُمَانَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي آثَاءِ لَيْلِكَ وَأَطْرَافِ

ای تلاوت کننده کتاب خدا و تفسیر کننده آیات او سلام بر تو در تمام اوقات و اطراف شب و سرتاسر

نَهَارِكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِيهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِثْقَالَ

روز سلام بر تو ای سنجان مسافت از طرف خدا در زمین سلام بر تو ای میزان محکم

اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَوَكَّدَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمِنَهُ،

خدا که از سرودم گرفت و سنگین ساختش کرد سلام بر تو ای وعده خدا که تضمینش کرده

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ، وَالْعِلْمُ الْمَتَّضِبُوثُ، وَالْفَوْثُ

سلام بر تو ای علم برانگیخته و دانش ریزان و سربادار من خستین

وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ، وَغَدَاً غَيْرَ مَكْدُوبٍ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقُومُ،

در رحمت وسیع حسی و آن وعده ای که دروغ نشود سلام بر تو هنگامی که بیا می ایستی

السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْعُدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْرَأُ وَتُبَيِّنُ، السَّلَامُ

سلام بر تو هنگامی که می نشینی سلام بر تو هنگامی که (قرائت) می خوانی و تفسیر می کنی سلام

عَلَيْكَ حِينَ تُصَلِّي وَتَقُتُّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَرْكَعُ وَتَسْجُدُ،

بر تو هنگامی که نماز می خوانی و قنوت کنی سلام بر تو هنگامی که رکوع و سجده بجای آوری

السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُهَلِّلُ وَتُكَبِّرُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَعْمَدُ

سلام بر تو هنگامی که «لا اله الا الله» و «الله اكبر» گویی سلام بر تو هنگامی که خدا را ستایش کنی

وَتَسْتَغْفِرُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصْبِحُ وَتُمْسِي، السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي

و از او استغفار خواهی سلام بر تو هنگامی که صبح کنی و شام کنی سلام بر تو در

اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى، وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ

شب هنگامی که تاریکیش سراگسیرد و در روز هنگامی که پرده سوگیرد سلام بر تو ای امام

الْمَأْمُونُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُقَدَّمُ الْمَأْمُولُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ بِجَوَامِعِ

امین سلام بر تو ای مقدم ای سر همه خلق (و مورد ارزوی) انسان سلام بر تو به همه

السَّلَامِ، أَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ أَنِّي أَشْهَدُ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَخَدَهُ لَا

سلامها گواه گیرم تو را ای مولا و سرور من که من گواهی دهم به اینکه معبودی نیست جز خدای یگان

سَلَامًا، أَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ أَنِّي أَشْهَدُ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَخَدَهُ لَا

سلامها گواه گیرم تو را ای مولا و سرور من که من گواهی دهم به اینکه معبودی نیست جز خدای یگان

سَلَامًا، أَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ أَنِّي أَشْهَدُ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَخَدَهُ لَا

سلامها گواه گیرم تو را ای مولا و سرور من که من گواهی دهم به اینکه معبودی نیست جز خدای یگان

سَلَامًا، أَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ أَنِّي أَشْهَدُ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَخَدَهُ لَا

سلامها گواه گیرم تو را ای مولا و سرور من که من گواهی دهم به اینکه معبودی نیست جز خدای یگان

شَرِيكَ لَهٗ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، لِأَحَبِّبَ إِلَاهُ وَآهْلَهُ،

که شریک ندارد و نیز (گواهی دهم که) محمد بنده و رسول او است و محبوبی نیست جز او و خاندانش

وَأَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ أَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتَهُ، وَالْحَسَنَ حُجَّتَهُ،

و گواه گسیرم تو را ای مولای من که علی امیر مؤمنان حجت خدا است و حسن حجت او است

وَالْحُسَيْنَ حُجَّتَهُ، وَعَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ حُجَّتَهُ، وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ،

و حسین حجت او است و علی بن الحسین حجت او است و محمد بن علی حجت او است

وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتَهُ، وَمُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ حُجَّتَهُ، وَعَلِيَّ بْنَ مُوسَى

و جعفر بن محمد حجت او است و موسی بن جعفر حجت او است و علی بن موسی

حُجَّتَهُ، وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ، وَالْحَسَنَ بْنَ

حجت او است و محمد بن علی حجت او است و حسن بن

عَلِيٍّ حُجَّتَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ، أَنْتُمْ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ، وَأَنَّ رَجَعْتَكُمْ

علی حجت او است و گواهی دهم که تو حجت خدائی، شماست اول و آخر و مسلماً بازگشت شما

حَقٌّ لَّا رَيْبَ فِيهَا، يَوْمَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا، لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِن قَبْلُ

حق است که شکنی در آن نیست، روزی که سود ندهد کسی را ایمانش که پیش از آن ایمان نیاورده یا در (مدت)

أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا، وَأَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ، وَأَنَّ نَاكِرًا وَنَكِيرًا حَقٌّ،

ایمان خسویش کسار خیری انجام نداده و همانا مرگ حق است و ناکر و نکیر (دو فرشته سؤال قبر) حق است

وَأَشْهَدُ أَنَّ النَّشْرَ حَقٌّ، وَالْبَعْثَ حَقٌّ، وَأَنَّ الصِّرَاطَ حَقٌّ، وَالْمِرْضَادَ حَقٌّ،

و گواهی دهم که زنده شدن پس از مرگ حق است و برانگیخته نشدن حق است و صراط حق است و میرصاد (گنجهگاه) حق است

وَالْمِيزَانَ حَقٌّ، وَالْحَشْرَ حَقٌّ، وَالْحِسَابَ حَقٌّ، وَالْجَنَّةَ وَالنَّارَ حَقٌّ،

و میزان حق است و حشر (در کیامت) حق است و حساب حق است و بهشت و دوزخ حق است

وَالْوَعْدَ وَالْوَعْدَ بِهِنَّ حَقٌّ، يَا مَوْلَايَ شَقِيٌّ مَنْ خَالَفَكُمْ، وَسَعِيدٌ مَنْ

و وعده و تسهید در ساری آن دو حق است ای مولای من بدبخت است کسی که مخالفت شما را کردم سعادت مند است کسی که

أَطَاعَكُمْ، فَاشْهَدُ عَلَى مَا أَشْهَدُكَ عَلَيْهِ، وَأَنَا وَلِيُّ لَكَ، بَرِيٌّ مِنْ

پسیریتان کردم پس گواهی ده بر آنچه تو را بر آن گواه گرفتم و من دوستا توام و پیوارم از

عَدُوِّكَ، فَالْحَقُّ مَا رَضِيتُمُوهُ، وَالْبَاطِلُ مَا أَسْخَطْتُمُوهُ، وَالْمَعْرُوفُ مَا

دشمنت حق است که شما پسند کردید و باطل همانست که شما بدتان خشم کردید و معروف (و کار نیک) همان بوده شما

أَمَرْتُمْ بِهِ، وَالْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ، فَتَنَفَّسِي مُؤْمِنَةً بِاللهِ وَخَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ

بسمان دستور دادید و منکر آن بود و آنچه نهی کردید از آن بگریزید و ای پروردگارا از آن خدای که شریک ندارد

لَهُ، وَيَرْسُولِهِ وَيَأْمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَيَكُفُّم يَا مَوْلَايَ، أَوْلَكُمْ وَأَخِيرَكُمْ،

و پیغمبر و فرستاده او و امیر مؤمنان و کسی که از شما را از اول و آخر شما را از اول و آخر شما را

وَنُصْرَتِي مُعَدَّةً لَكُمْ، وَمَوَدَّتِي خَاصَّةً لَكُمْ، آمِينَ آمِينَ.

و یاری من را برای شما آماده است و دوستی من را برای شما خاص است آمین آمین

وبعد از آن این دعا خوانده شود: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ رَحْمَتِكَ،

پس از آن من از تو می‌خواهم که بر محمد و آل او صلوات کنی ای خداوند بخشنده و مهربان

وَكَكَلِمَةِ نُورِكَ، وَأَنْ تَمَلَأَ قَلْبِي نُورَ الْبَقِيَّةِ، وَصُدْرِي نُورَ الْإِيمَانِ،

و کلمه نور تو را و آن را که قلبم را با نور باقی ماندگی پر کنی و صدرم را با نور ایمان

وَفِكْرِي نُورَ النَّيِّاتِ، وَعَزْمِي نُورَ الْعِلْمِ، وَقُوَّتِي نُورَ الْعَمَلِ، وَلِسَانِي

و فکر مرا با نور نیت و عزم مرا با نور علم و قوت مرا با نور عمل و لسانم را

نُورَ الصِّدْقِ، وَدِينِي نُورَ الْبَصَائِرِ مِنْ عِنْدِكَ، وَبَصَرِي نُورَ الضِّيَاءِ،

با نور راستی و دین مرا با نور بصیرت از نزد تو و بینش مرا با نور روشنایی

وَتَسْمِعِي نُورَ الْحِكْمَةِ، وَمَوَدَّتِي نُورَ الْمُرَاةِ لِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ

و شنیدن مرا با نور حکمت و دوستی مرا با نور آینه‌ها را برای محمد و آل او که بر آنها صلوات است

السَّلَامِ، حَتَّى أَلْقَاكَ، وَقَدْ وَفَيْتُ بِعَهْدِكَ وَمِثْلِكَ، فَتُغْفِرْ لِي رَحْمَتِكَ

تا سلام من به تو برسد تا آنکه تو مرا ببینی و من تو را ببینم و وفا کرده باشم به عهد تو و مثل آن عهد و تو مرا بخشد

يَا وَليُّ يَا حَمِيْدُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ حُجَّتِكَ فِي أَرْضِكَ،

ای سرور و ای عزیز خداوند صلوات کن بر محمد و آل او ای خداوند که در زمین خود

وَخَلِيفَتِكَ فِي بِلَادِكَ، وَالذَّاعِي إِلَى سَبِيلِكَ، وَالْقَائِمِ بِقِسْطِكَ، وَالتَّائِبِ

و خلیفه تو را در سرزمین خود و داعی را به سوی راه تو و ایستاده را بر عدالت تو و تائب را

بِأَمْرِكَ، وَليُّ الْمُؤْمِنِينَ، وَبَوَارِ الْكَافِرِينَ، وَمُجَلِّي الظُّلْمَةِ، وَمُنِيرِ الْحَقِّ

با امر تو ای سرور مؤمنان و باری کفار و نماینده حق و روشن کننده راستی

وَالنَّاطِقِ بِالْحِكْمَةِ وَالصِّدْقِ، وَكَلِمَتِكَ التَّامَّةِ فِي أَرْضِكَ، الْمُرْتَقِبِ

و سخن گوینده را با حکمت و راستی و کلمه را که تمام است در زمین خود را که منتظر است

الْخَائِفِ، وَالْوَلِيِّ النَّاصِحِ، سَفِينَةِ النُّجَاةِ، وَعَلَمِ الْهُدَى، وَنُورِ ابْصَارِ

الْوَرَى، وَخَيْرِ مَنْ تَقَمَّصَ وَازْتَدَى، وَمُجَلَّى الْعَمَى، الَّذِي يَمْلَأُ

الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا، كَمَا مُلِثَ ظُلْمًا وَجَوْرًا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

قَدِيرٌ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَابْنِ اَوْلِيَاكَ، الَّذِيْنَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ،

وَاَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ، وَاَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ، وَطَهَّرْتَ تَهُمْ تَطْهِيرًا، اَللّٰهُمَّ

انصُرْهُ وَاَنْتَصِرْ بِهٖ لِدِينِكَ، وَاَنْصُرْ بِهٖ اَوْلِيَاكَ، وَاَوْلِيَاةُ، وَشِيعَتَهُ

وَاَنْصَارَهُ، وَاَجْعَلْنَا مِنْهُمْ، اَللّٰهُمَّ اَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَطَاغٍ، وَمِنْ شَرِّ

جَمِيعِ خَلْقِكَ، وَاَحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ، وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ

شِمَالِهِ، وَاخْرُسْهُ وَاَمْتِنْهُ مِنْ اَنْ يُّوْصَلَ اِلَيْهِ بِسُوْءٍ، وَاَحْفَظْ فِيْهِ

رَسُوْلَكَ وَاٰلَ رَسُوْلِكَ، وَاظْهِرْ بِهٖ الْعَدْلَ، وَاَيِّدْهُ بِالنُّصْرِ، وَاَنْصُرْ

نَاصِرِيْهِ، وَاَخْذُلْ خَاذِلِيْهِ، وَاَقْصِمِ قَاصِمِيْهِ، وَاَقْصِمِ بِهٖ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ،

وَأَقْتُلْ بِهٖ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِيْنَ، وَجَمِيعَ الْمُلْحِدِيْنَ، حَيْثُ كَانُوا مِنْ

مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، بَرِّهَا وَبَحْرِهَا، وَأَمْلَأْ بِهٖ الْأَرْضَ عَدْلًا،

وَأَظْهِرْ بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ مِنْ

واشکار (یا پیروز) کن سوسپله اش دین پیامبرت - صلی الله علیه و آله - را و فرار ده خدایا مرا نیز از

أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ، وَأَتْبَاعِهِ وَشِيعَتِهِ، وَأَرِنِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ

یاران و کمک کاران و پیروان و شیبانش و به من به نما در مورد آل محمد علیه

السَّلَامُ مَا يَأْمُلُونَ، وَفِي عَدُوِّهِمْ مَا يَحْذَرُونَ، إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ، يَا

السلام آنچه را آرزو داشتند و در مورد دشمنشان آنچه را آن می ترسند مستجاب گردان ای معبود حق

ذَالْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

ای صاحب جلالت و اکرام ای مهربان ترین مهربانان

زیارت ناحیه مقدسه

السَّلَامُ عَلَى أَدَمَ صِفْوَةِ اللَّهِ مِنْ خَلْقَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى شَيْثِ وَلِيِّ اللَّهِ

سلام بر حضرت آدم برگزیده خدا از میان خلایق سلام بر شیث بر نسیب اول خدا

وَخَيْرَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى إِدْرِيسَ الْقَائِمِ لِلَّهِ بِحُجَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَى نُوحِ الْمُجَابِ

و بهترین از خلایق او سلام بر ادیس قائم برای خدا بر حق سلام بر نوح مستجاب الدعوه

فِي دَعْوَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى هُودِ الْمَمْدُودِ مِنَ اللَّهِ بِمَعُونَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى صَالِحِ

سلام بر هود که از جانب حق کمکهای دامنه داری بر شمس سلام بر صالح که

الَّذِي تَوَجَّهَ اللَّهُ بِكَرَامَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ الَّذِي حَبَاهُ اللَّهُ بِخُلَّتِهِ،

مورد تسویه حق بود سلام بر ابراهیم که به دوستی حق برگزیده شد

السَّلَامُ عَلَى إِسْمَاعِيلَ الَّذِي قَدَّاهُ اللَّهُ بِذَبْحِ عَظِيمٍ مِنْ جَنَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَى

سلام بر اسماعیل که خداوند به جای او قربانی بزرگی از بهشت مرستاد سلام بر

إِسْحَاقَ الَّذِي جَعَلَ اللَّهُ النُّبُوَّةَ فِي ذُرِّيَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَى يَعْقُوبَ الَّذِي رَدَّ

اسحاق که نبوت را در ذریعه او فرار داد سلام بر یعقوب که خداوند دیدگان او را

اللَّهُ عَلَيْهِ بَصَرَهُ بِرَحْمَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى يُوسُفَ الَّذِي نَجَّاهُ اللَّهُ مِنَ الْجُبِّ بِعَظَمَتِهِ،

خداوند بر او بصره را در رحمتش سلام بر یوسف که خداوند دیدگان او را

السَّلَامُ عَلَى مُوسَى الَّذِي فَلَقَ اللَّهُ الْبَحْرَ لَهُ بِقُدْرَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى هَارُونَ

سلام بر موسی که خداوند با قدرتش با او سخن گفت سلام بر هارون

الَّذِي خَصَّهُ اللَّهُ بِبُؤْيَيْهِ، السَّلَامُ عَلَى شُعَيْبٍ الَّذِي نَصَرَهُ اللَّهُ عَلَى أُمَّتِهِ،

که برای همکاری به نبوت برادرش بر توید سلام بر شعیب که خداوند او را بر امتش محبوب داد

السَّلَامُ عَلَى دَاوُدَ الَّذِي تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ مِنْ خَطِيئَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى سُلَيْمَانَ

سلام بر داود کسکه نسیب او را فسول کسرد سلام بر سلیمان که

الَّذِي ذَلَّتْ لَهُ الْجِنُّ بِعِزَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَى أَيُّوبَ الَّذِي شَفَاهُ اللَّهُ مِنْ عِلَّتِهِ،

جین را کسه فرمان او آورد سلام بر ایوب که او را از بیماریها شفا داد

السَّلَامُ عَلَى يُونُسَ الَّذِي أَنْجَزَ اللَّهُ لَهُ مَقْضُونَ عِدَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَى عُزَيْرِ

سلام بر یونس که به وعده داده شده که او وفا نمود او را از دل ماهی نجات بخشید سلام بر عزیر

الَّذِي أَحْيَاهُ اللَّهُ بَعْدَ مِيتَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى زَكْرِيَّا الصَّابِرِ فِي مِخْنَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى

که پس از مرگ او را زنده نمود سلام بر زکریا که بسردبار در مسجبت بود سلام بر

يَحْيَى الَّذِي آزَلَفَهُ اللَّهُ بِشَهَادَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى عِيسَى رُوحِ اللَّهِ وَكَلِمَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى

یحیی که با حلفت شهادت او را ریسا داد سلام بر عیسی روح الله و کلمت الله سلام بر

مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ وَصِفْوَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ

محمد دوست و برگزیده حق سلام بر امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب

الْمَخْصُوصِ بِأُخْوَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ ابْنَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ

که به برادری با رسول خدا اختصاص یافت سلام بر فاطمه زهرا دختر پیغمبر سلام بر ابو محمد

الْحَسَنِ وَصِيِّ أَبِيهِ وَخَلِيفَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ الَّذِي سَمَحَتْ نَفْسُهُ بِمُهْجَتِهِ،

امام حسن مجتبی علیه السلام وصی و جانشین امیرالمؤمنین سلام بر حسین که با جوانمردی در راه خدا جانباری نمود

السَّلَامُ عَلَى مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ فِي سِرِّهِ وَعَلَانِيَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ جَعَلَ اللَّهَ

سلام بر او که در پنهانی و آشکار اطاعت حق کسرد سلام بر او که خداوند شکر را

الشِّفَاءَ فِي تَرْبِيَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ إِجَابَهُ تَحْتَ قُبَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ مِنَ الْأَئِمَّةِ

در تربیت او فرار داد سلام بر او که اجابت دعا را در حرم مطهر او فرار داد و سلام بر او که انعمه

مِنْ ذُرِّيَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَى ابْنِ خَاتَمِ الْأَنْبِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَى ابْنِ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ،

از ذریبته او بودند سلام بر فرزند خاتم الانبیاء سلام بر فرزند سید اوصیاء

السَّلَامُ عَلَى ابْنِ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، السَّلَامُ عَلَى ابْنِ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى، السَّلَامُ

سلام بر فرزند فاطمه زهرا سلام بر فرزند خدیجه کبری سلام بر

عَلَى ابْنِ سِدْرَةِ الْمُنتَهَى، السَّلَامُ عَلَى ابْنِ جَنَّةِ الْمَأْوَى، السَّلَامُ عَلَى ابْنِ

زَمْرَمٍ وَالصَّفَاءِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُرْمَلِ بِالدَّمَاءِ، السَّلَامُ عَلَى الْمَهْشُوكِ الْخَبَاءِ،

السَّلَامُ عَلَى خَامِسِ أَصْحَابِ أَهْلِ الْكِسَاءِ، السَّلَامُ عَلَى غَرِيبِ الْغُرَبَاءِ،

السَّلَامُ عَلَى شَهِيدِ الشُّهَدَاءِ، السَّلَامُ عَلَى قَتِيلِ الْأُدْعِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَى

سَاكِنِ كَرْبَلَاءِ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ بَكَتَهُ مَلَائِكَةُ السَّمَاءِ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ ذُرِّيَّتُهُ

الْأَزْكَيَاءُ، السَّلَامُ عَلَى يَعْتُوبِ الدِّينِ، السَّلَامُ عَلَى مَنَازِلِ الْبَرَاهِينِ، السَّلَامُ

عَلَى الْأَيْمَةِ الشَّادَاتِ، السَّلَامُ عَلَى الْجُيُوبِ الْمُضَرَّجَاتِ، السَّلَامُ عَلَى الشِّفَاهِ

الذَّابِلَاتِ، السَّلَامُ عَلَى النَّفُوسِ الْمُضْطَلَمَاتِ، السَّلَامُ عَلَى الْأَزْوَاجِ الْمُخْتَلَسَاتِ،

السَّلَامُ عَلَى الْأَجْسَادِ الْغَارِيَّاتِ، السَّلَامُ عَلَى الْجُسُومِ الشَّاحِبَاتِ، السَّلَامُ

عَلَى الدَّمَاءِ السَّائِلَاتِ، السَّلَامُ عَلَى الْأَعْضَاءِ الْمُقَطَّعَاتِ، السَّلَامُ عَلَى الرُّؤُوسِ

الْمُشَالَاتِ، السَّلَامُ عَلَى النَّسْوَةِ الْبَارِزَاتِ، السَّلَامُ عَلَى حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ،

السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى أَبْنَائِكَ الطَّاهِرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى أَبْنَائِكَ

الْمُسْتَشْهِدِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى ذُرِّيَّتِكَ الشَّاصِرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ الْمُضَاجِعِينَ، السَّلَامُ عَلَى الْقَتِيلِ الْمَظْلُومِ، السَّلَامُ عَلَى

أَخِيهِ الْمَسْمُومِ، السَّلَامُ عَلَى عَلِيِّ الْكَبِيرِ، السَّلَامُ عَلَى الرَّضِيعِ الصَّغِيرِ، السَّلَامُ عَلَى

الْأَبْدَانِ السَّلْبِيَّةِ، السَّلَامُ عَلَى الْعِثْرَةِ الْقَرِيبَةِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُجَدِّلِينَ

فِي الْقَلَوَاتِ، السَّلَامُ عَلَى الثَّارِحِينَ عَنِ الْأَوْطَانِ، السَّلَامُ عَلَى

الْمَذْفُونِينَ بِلَا أَكْفَانِ، السَّلَامُ عَلَى الرُّؤُوسِ الْمُفْرَقَةِ عَنِ الْأَبْدَانِ، السَّلَامُ

عَلَى الْمُخْتَسِبِ الصَّابِرِ، السَّلَامُ عَلَى الْمَظْلُومِ بِلَا نَاصِرٍ، السَّلَامُ عَلَى

سَاكِنِ الثَّرِيَّةِ الزَّائِكِيَّةِ، السَّلَامُ عَلَى صَاحِبِ الْقَبِيَّةِ الشَّامِيَّةِ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ

طَهَّرَهُ الْجَلِيلُ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ افْتَحَرَ بِهِ جَبْرَائِيلُ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ نَاغَاهُ

فِي الْمَهْدِ مِيكَائِيلُ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ نَكِثَتْ ذِمَّتُهُ، السَّلَامُ عَلَى

مَنْ هَتَكَتْ خُرْمَتُهُ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ أُرِيقَ بِالظُّلْمِ دَمُهُ، السَّلَامُ

عَلَى الْمُغْتَلِّ بِدَمِ الْجِرَاحِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُجَرَّعِ بِكَأْسَاتِ الرِّفَاحِ، السَّلَامُ

عَلَى الْمُضَامِ الْمُسْتَبَاحِ، السَّلَامُ عَلَى الْمَنْحُورِ فِي الْوَرَى، السَّلَامُ عَلَى

مَنْ دَفَنَهُ أَهْلُ الْقَرْيِ، السَّلَامُ عَلَى الْمَقْطُوعِ الْوَتِينِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُخَامِي

بِأَمْعِينِ، السَّلَامُ عَلَى الشَّيْبِ الْخَضِيبِ، السَّلَامُ عَلَى الْخَدِّ التَّرِيبِ، السَّلَامُ

بدون نیار سلام بر محاسن اغشته به خون سلام بر رخسار خاک و خوس بود سلام

عَلَى الْبَدَنِ السَّلِيبِ، السَّلَامُ عَلَى الثَّرَى الْمَقْرُوعِ بِالْقَضِيبِ، السَّلَامُ عَلَى الرَّأْسِ

سردسادهای شکسته بنا چوب خسیران سلام بر سرهای بالای

الْمَقْرُوعِ، السَّلَامُ عَلَى الْأَجْسَامِ الْعَارِيَةِ فِي الْفَلَوَاتِ، تَنْهَشُهَا الذُّنَابُ الْعَادِيَاتُ،

سینه رکنه سلام بر جسمهای عریان و سرهه اسیر کسوکهای درنده

وَتَخْتَلِفُ إِلَيْهَا السِّبَاعُ الضَّارِبَاتُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ، وَ عَلَى الْمَلَائِكَةِ

سرامبه در صحرائ کسرلا سلام بر تو ای مولای من و بر ملائکه ای

الْمَرْفُوفِينَ حَوْلَ قَبْتِكَ، الْخَافِينَ بِتُرَيْتِكَ، الطَّائِفِينَ بِعَرْصَتِكَ، الْوَارِدِينَ

که اطراف بارگاه تو سال گسوده اند و بر گرد تو با حلقه زده اند و بر سر برج تو طواف می کنند و به زیارت تو

لِزِيَارَتِكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ، فَإِنِّي قَصَدْتُ إِلَيْكَ، وَ رَجَعْتُ الْقَوْزَ لَدَيْكَ،

سائل گشته اند سلام بر تو که من به قصد زیارت تو آمده ام و امید رستگاری از تو دارم

السَّلَامُ عَلَيْكَ سَلَامَ الْغَارِفِ بِحُرْمَتِكَ، الْمُخْلِصِ فِي وَلَايَتِكَ، الْمُتَّقِرِبِ إِلَى اللَّهِ

سلام بر تو همانند کسی که به مفاوضت عارف و در ولایت تو محلس بوده و بوسیله محبت تو به سوی حق تقرب

بِمَحَبَّتِكَ، الْبَرِيِّ مِنْ أَعْدَائِكَ، سَلَامٌ مَنْ قَلْبُهُ بِمُضَابِكَ مَفْرُوحٌ، وَ دَفَعَهُ

منی جوید و از دشمنان تو بیدار است همانند سلام کسی که قلبش از محبت تو جریحه دار و اشکش

عِنْدَ ذِكْرِكَ مَسْفُوحٌ، سَلَامَ الْمَفْجُوعِ الْحَزِينِ، الْوَالِيهِ الْمُسْتَكِينِ، سَلَامٌ مَنْ

بیماری است همانند سلام کسی که از وصالش در محبت تو سوزیده است

لَوْ كَانَ مَعَكَ بِالطُّفُوفِ لَوْ فَآكَ بِنَفْسِهِ حَدَّ السُّيُوفِ، وَ بَدَلَ حُشَاشَتِهِ دُونَكَ

و اگر بنا نبود در کسرلا نبود شمشیر منی کشید و جان شیرین خود را فدای تو می کرد

لِلْحُتُوفِ، وَ جَاهِدَ بَيْنَ يَدَيْكَ، وَ نَصَرَكَ عَلَى مَنْ بَغَى عَلَيْكَ، وَ قَدَاكَ بِرُوحِهِ

و در رکاب تو جهاد می نمود و با جان و جسم و مال و اولادش سرور بازی می کرد

وَ جَسَدِهِ وَ مَالِهِ وَ وَلَدِهِ وَ رُوحِهِ لِرُوحِكَ فِدَاءً، وَ أَهْلُهُ لِأَهْلِكَ وَقَاءً،

ورن و سرزندانش را فدای زن و سرزندش می کرد امسا چه جسم که

فَلَيْنُ أَخْرَجْتَنِي الدُّهُورُ، وَ عَاقَنِي عَنْ نَصْرِكَ الْمُتَقَدَّرُ، وَلَمْ أَكُنْ لِمَنْ خَارَبَكَ

دسی مرا تا آخر اسداحت و از بساری تو محروم نبود و نبودم تا با دشمنان تو جنگ کنم

مُخَارِبًا، وَ لِمَنْ نَصَبَ لَكَ الْعَدَاوَةَ مُنَاصِبًا، فَلَا تُدْبِتْكَ صَبَا - أَوْ مَسَاءً، وَ لِأَبِكَيْنِ

و ساند خواهان تو بیکار نماید اسبک در مصیبت تو هر صبح و هر آسمان ناله سر می‌دهم و سه خدای

لَكَ بَدَلَ الدَّمُوعِ دَمًا، حَسْرَةً عَلَيْكَ، وَ تَأْسَفًا عَلَيَّ مَا ذَهَبَكَ، وَ تَلَهْفًا حَتَّى

اسبک خسته‌ای از دین‌سازده منی بارم و در فسادمه حسالتکذابت اسبک و غمگین هستم تا

أَمُوتَ بِلَوْعَةِ الْمُضَابِ، وَ غُصَّةِ الْإِكْتِيَابِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ،

در انیسر سبقراری و غممه حسان افسیم تسهلات می‌دهم کسه نسو ساعت اقسامه نسما

وَ أَتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ الْعُدْوَانِ، وَ أَطَعْتَ اللَّهَ

و بر داحت رکسات نسدی و سه معروف امر کردی و از منکر و عداوت نهی فرمودی از فرمان خدا اطاعت کردی

وَ مَا عَصَيْتَهُ، وَ تَمَسَّكَتَ بِهِ وَ يَحْبِلُهُ فَارْضَيْتَهُ، وَ خَشَيْتَهُ، وَ رَاقَبْتَهُ، وَ اسْتَجَبْتَهُ،

و عصیان نورزیدی و به بر سمان حق نمسک حسنی و او از خود اضر نمودی و از عفت الهی نرسیدی و مواظب نمودی و فرمان او را

وَ سَنَنْتَ السُّنَنَ، وَ أَطَقْتَ الْفِتْنَ، وَ دَعَوْتَ إِلَى الرَّشَادِ، وَ أَوْضَحْتَ سُبُلَ

اجبات کردی و سنن او را رسنده داشتی و فتنه‌ها را خاموش و موده را سه راه راست هدایت فرمودی و راه

السَّدَادِ، وَ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ الْجِهَادِ، وَ كُنْتَ لِلَّهِ طَائِعًا، وَ لِحَدِّكَ مُحَمَّدَ

درست را نشان دادی و در راه خدا انگونه که شایسته بود جهاد کردی و از خدا اطاعت و حد سرگوزارت

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ تَابِعًا، وَ لِقَوْلِ أَبِيكَ سَامِعًا، وَ إِلَى وَصِيَّةِ أَخِيكَ مُسَارِعًا،

را تسبیح نمودی و فرمانباشان بسدر گسراستیت را نکرار هستی سه وصیت برادرت عمل فرمودی

وَ لِعِمَادِ الدِّينِ رَافِعًا، وَ لِلطُّغْيَانِ قَامِعًا، وَ لِلطُّغَاةِ مُقَارِعًا، وَ لِلْأُمَّةِ نَاصِحًا، وَ فِي

و ارکان دین را سلند نمودی و سبداد را مغلوب و خوار کردی و به امت اسلام تسبیح فرمودی و در

عَمْرَاتِ الْمَوْتِ سَابِحًا، وَ لِلْفُشَاقِ مُكَافِحًا، وَ بِحُجَجِ اللَّهِ قَائِمًا، وَ لِإِسْلَامِ وَ

سکرات مرگ تسبیح حق گفتی و ما دشمنان حق جنگیدی و با حجت و برهان حق قیام کردی و به اسلام و مسلمین

الْمُسْلِمِينَ رَاحِمًا، وَ لِلْحَقِّ نَاصِرًا، وَ عِنْدَ الْبَلَاءِ صَابِرًا، وَ لِلدِّينِ كَالِنَا، وَ عَنِ

رحم نمودی و حق را یاری کردی و در مصیبتها بردباری نمودی و دین را پسنیانی کردی و از محدوده شریعت

حَوْزَتِهِ مُزَامِيًا، تَحُوطُ الْهُدَى وَ تَنْصُرُهُ، وَ تَبْسُطُ الْعَدْلَ وَ تَنْشُرُهُ، وَ تَنْصُرُ الدِّينَ وَ

دفاع کردی و عدالت را گسترده و مستنشر ساختی و سناوه بر ایسان را سناکت نمودی

تُظْهِرُهُ، وَ تَكْفُ الْعَايِبَ وَ تَزْجُرُهُ، وَ تَأْخُذُ لِلدِّينِ مِنَ الشَّرِيفِ، وَ تُسَاوِي فِي

و حقیق زبردستان را از اشرف گسرفتی و در حکومت نسوی و ضعیف را براسر داشتی

الْحُكْمِ بَيْنَ الْقَوِيِّ وَالضَّعِيفِ، كُنْتَ رَبِيعَ الْإِيثَامِ، وَعِصْمَةَ الْأَنَامِ، وَعِزَّ الْإِسْلَامِ،

وَمَعْدِنَ الْأَحْكَامِ، وَخَلِيفَةَ الْإِنْعَامِ، سَالِكاً طَرَائِقَ جَدِّكَ وَآبِيكَ،

مُشِبِّهاً فِي الْوَصِيَّةِ لِأَخِيكَ، وَفِي الدَّمِ، رَضِيَّتَ الشِّيمِ، ظَاهِرَ الْكَرَمِ، مُتَهَجِّداً

فِي الظُّلَمِ، قَوِيماً الطَّرَائِقِ، كَرِيماً الْخَلَائِقِ، عَظِيماً السَّوَابِقِ، شَرِيفَ النَّسَبِ، مُنِيفَ

الْحَسَبِ، رَفِيعَ الرُّتَبِ، كَثِيرَ الْمَنَاقِبِ، مَحْمُودَ الضَّرَائِبِ، جَزِيلَ الْعَوَاهِبِ، حَلِيمَ

رَشِيدَ مُنِيبِ جَوَادٍ عَلِيمٍ شَدِيدٍ إِمَامٍ شَهِيدٍ آوَاهٍ مُنِيبٍ حَبِيبٍ مُهَيَّبٍ، كُنْتَ

لِلرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلِدَا، وَلِلْقُرْآنِ سَنَدًا، وَلِلْأُمَّةِ عَضُدًا، وَفِي الطَّاعَةِ

مُجْتَهِدًا، خَافِظًا لِلْعَهْدِ وَالْمِيثَاقِ، نَاكِبًا عَنِ سُبُلِ الْفُسَاقِ، نَازِلًا لِلْمَجْهُودِ، طَوِيلَ

الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ، زَاهِدًا فِي الدُّنْيَا زُهْدَ الرَّاحِلِ عَنْهَا، نَاطِرًا إِلَيْهَا بِعَيْنِ

الْمُسْتَوْحِشِينَ مِنْهَا، آمَالِكَ عَنْهَا مَكْفُوفَةٌ، وَهَيْبَتِكَ عَنْ زَيْبَتِهَا مَصْرُوفَةٌ،

وَالْحَاطِلِكَ عَنْ تَهْجَتِهَا مَطْرُوفَةٌ، وَرَغْبَتِكَ فِي الْآخِرَةِ مَعْرُوفَةٌ، حَتَّى إِذَا

الْجَوْرُ مَدَّ بَاعَهُ، وَأَسْفَرَ الظُّلْمُ قِنَاعَهُ، وَدَعَى الْفَى اتِّبَاعَهُ، وَأَنْتَ فِي حَرَمِ

جَدِّكَ قَاطِنٌ، وَ لِلظَّالِمِينَ مُبَايِنٌ، جَلِيسُ الْبَيْتِ وَالْمِحْرَابِ، مُعْتَزِلٌ عَنِ اللَّذَاتِ

بیت امام کریمی و نور در حرم حرم امام کریمی و باستانه امان فغان راجعه کریدی و مائده سبیل و عبادت و اسباب کریدی و از لذتها

و الشَّهَوَاتِ، تُنَكِّرُ الْمُنْكَرَ بِقَلْبِكَ وَلِسَانِكَ عَلَى حَسَبِ طَاقَتِكَ وَإِمْكَانِكَ،

ثُمَّ اقْتَضَاكَ الْعِلْمُ لِلْإِنْكَارِ، وَلَزِمَكَ أَنْ تُجَاهِدَ الْفُجَّارَ، فَمِيزْتَ فِي أَوْلَادِكَ

وَأَهْلِيكَ وَشَيْعَتِكَ وَمَوَالِيكَ، وَصَدَعْتَ بِالْحَقِّ وَالْبَيِّنَةِ، وَدَعَوْتَ إِلَى اللَّهِ

بِالْحِكْمَةِ وَالْمُرُوعَةِ الْحَسَنَةِ، وَأَمَرْتَ بِإِقَامَةِ الْحُدُودِ، وَالطَّاعَةِ لِلْمَعْبُودِ، وَنَهَيْتَ

عَنِ الْغِبَائِثِ وَالطُّغْيَانِ، وَوَأَجْهَرَكَ بِالظُّلْمِ وَالْعُدْوَانِ، فَجَاهَدْتَهُمْ بَعْدَ الْإِبْغَارِ

لَهُمْ، وَتَأَكِيدُ الْحُجَّةَ عَلَيْهِمْ، فَتَكْتُمُوا ذِمَامَكَ وَتَيْمَنَتَكَ، وَأَسْخَطُوا رَبَّكَ وَجَدَّكَ

وَبَدَّووكَ بِالْحَرْبِ، فَثَبَّتَ لِلطُّغْيَانِ وَالضُّرْبِ، وَطَحَنْتَ جُنُودَ الْفُجَّارِ، وَاقْتَحَمْتَ

قَسَطَ الْغُبَارِ، مُجَالِدًا يَدِي الْفَقَارِ، كَأَنَّكَ عَلَى الْمُخْتَارِ، فَلَمَّا رَأَوْكَ ثَابِتَ الْجَاشِ،

غَيْرَ خَائِفٍ وَلَا خَاشٍ، نَصَبُوا لَكَ غَوَائِلَ مَكْرِهِمْ، وَفَاتَلُوكَ بِكَيْدِهِمْ

وَشَرَّهِمْ، وَأَمَرَ اللَّعِينُ جُنُودَهُ، فَمَنَعُوكَ الْمَاءَ وَوَرُودَهُ، وَنَاجَزُوكَ الْقِتَالَ،

وَغَاجَلُوكَ النَّزَالَ، وَرَشَقُوكَ بِالسَّهَامِ وَالنَّبَالِ، وَبَسَطُوا إِلَيْكَ الْإِصْطِلَامَ،

وَلَمْ يَزَعُوكَ ذِمَامًا، وَلَا رَاقَبُوا فِيكَ أَثَامًا فِي قَتْلِهِمْ أَوْلِيَانِكَ، وَنَهَبِهِمْ

رِخَالِكَ، وَأَنْتَ مُقَدَّمٌ فِي الْهَبْرَاتِ، وَمُخْتَمِلٌ لِلْإِذْيَاتِ، قَدْ عَجِبْتَ مِنْ صَبْرِكَ

مَلَائِكَةُ السَّمَوَاتِ، فَأَخَذَ قِوَابِكَ مِنْ كُلِّ الْجِهَاتِ، وَأَثَخْتُكَ بِالْجِرَاحِ، وَخَالُوا

دشمنان از چهار طرف سو را محاصره کرده و جراحت زیادی بر سو وارد کردند و بسیر سو و خاندانیت

بَيْتِكَ وَبَيْنَ الرِّوَاكِ، وَلَمْ يَبْقَ لَكَ نَاصِرٌ، وَأَنْتَ مُخْتَسِبٌ صَابِرٌ، تَذُبُّ عَنْ نِسْوَتِكَ

حایل شدند باووی سرای سو باقی نگذاشتند سو بر همه محبتها سر نمودی و از اهل بیت خود دفاع نمودی

وَأَوْلَادِكَ، حَتَّى نَكَّسُوكَ عَنْ جَوَادِكَ، فَهَوَيْتَ إِلَى الْأَرْضِ جَرِيحاً، تَطَّوُّكَ الْخِيُولُ

تا اسبها گسه سو را از اسب به زمین افکندند و تا بدن محجوج به خاک افتادی بنا سم اسبها

يَخْرَافِرُهَا، وَتَعْلُوكَ الطُّغَاةُ بِبَوَائِرِهَا، قَدَّرَشَحَّ لِيَمُوتَ جَبِينُكَ، وَاخْتَلَفَتْ

بدن محجوج را لگدمال کردند و با شمشیرهای بران بدن سو قطعه قطعه کردند عمیق شهادت از پیشانی سو سرار بر بود

بِالْإِقْبَاضِ وَالْإِنْسَابِ شِمَالُكَ وَيَمِينُكَ، تُدِيرُ طَرْفَا خَفِيًّا إِلَى رَحْلِكَ وَبَيْتِكَ،

و سو از شدت درد سه طرف راست و چپ می غلظیدی و با گوشه های چشم با سه طرف اهل بیت خود نظر

وَقَدْ شَغِلْتَ بِتَفْسِكَ عَنْ وُلْدِكَ وَأَهْلِكَ، وَأَسْرَعَ فَرَسُكَ شَارِداً إِلَى خِيَامِكَ،

سو نمودی و فکرت و غمگینی تو را از یاد خود برده بود و اسب سو صاحب با سرعت از معرکه گریخت و به طرف خیمه ها سو دوید

فَاصِداً مُحَمَّجاً بَاكِيًّا، فَلَمَّا رَأَى النِّشَاءَ جَوَادِكَ مَخْرِيئاً، وَنَظَرَ سَرَجَكَ عَلَيْهِ

در حالی که شیهه می کشید و گریه می کرد زان و سر برداشت او را پویشان و سو زان و از کون دیدند از خیمه بیرون دویدند

مَلُوتِيًّا، بَرَزْنَ مِنَ الْخُدُورِ، نَاشِرَاتِ الشُّعُورِ، عَلَى الْخُدُودِ لِأَطِمَاتِ، الْوُجُوهِ

در حالی گسه مسوهایشان پراکنده و مسوهایشان گشوده و بسیر مسو و مسورت مسوزند

سَافِرَاتِ، وَيَالَعُوبِلِ ذَاعِيَاتِ، وَبَعْدَ الْعِزْمِ مَذَلَّلَاتِ، وَإِلَى مَضْرَعِكَ مُبَادِرَاتِ،

و ناله هایشان بلند بود و روزهای عزت اسان به دلت تبدیل شد و نشانان سه سوی قتلگاه سو آمدند و دیدند

وَالشُّمْرُ جَالِسٌ عَلَى صَدْرِكَ، وَمَوْلِعٌ سَيْفُهُ عَلَى نَحْرِكَ، قَابِضٌ عَلَى شَبَابِكَ بِيَدِهِ،

که شمر بر روی سینه سو بنیسه و خنجر بر حلقوم پاک سو نهاده و با دست باهاکش از محاسن نازنینا گرفت

ذَابِحٌ لَكَ بِمُهَنْدِهِ، قَدْ سَكَنْتَ حَوَاسُكَ، وَخَفِيَّتْ أَنْفَاسُكَ، وَرَفَعَ عَلَى الْقَنَاةِ رَأْسُكَ،

و با شمشیر آهنی تو را دبح کرد و رشته حیات بریده شد و نجسهایت قطع گردید و سر نازنینت بر بالای نی رفت

و سَبَى أَهْلُكَ كَالْعَبِيدِ، وَصَفَّوْا فِي الْحَدِيدِ فَوْقَ أَقْتَابِ التَّطِيَّاتِ، تَلْفُحُ

و اهل بیت همانند بردگان اسیر شدند و آنان را سه زنجیر بستند و سر نستران برهنه سوار کردند

وَجُوهَهُمْ حَرَ الْهَاجِرَاتِ، يُسَاقُونَ فِي الْبَرَارِي وَالْفَلَوَاتِ، أَيَدِيهِمْ مَغْلُولَةٌ

و شهادت گرمای افستاب مسورت اسان را مسوزانند انسان را بسا دستهای سو گردن بسته

إِلَى الْأَعْنَاقِ، يُطَافُ بِهِمْ فِي الْأَسْوَاقِ، فَالْوَيْلُ لِلْعُضَاةِ الْفُشَاقِ، لَقَدْ قَتَلُوا بِقَتْلِكَ

در بیابانها و صحراها و بازارها کبودانند و ای سر این عیبانگران و گسهاگان که ساکنین تو است

الْإِسْلَامِ، وَعَطَّلُوا الصَّلَاةَ وَالصِّيَامَ، وَنَقَضُوا السُّنَنَ وَالْأَحْكَامَ، وَهَدَمُوا

راکشند و نماز و روزه را به تعطیل کشانند نفس و احکام دین را از سر سود و بنیادهای

قَوَاعِدَ الْإِيمَانِ، وَحَرَّفُوا آيَاتِ الْقُرْآنِ، وَهَمَلَجُوا فِي الْبَنَى وَالْعُدْوَانِ،

ایمان را نابود کردند و آیات قرآن را تحریف کردند و حساب و سیم را به خدا اعلا رساندند

لَقَدْ أَصْبَحَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَوْثُورًا، وَعَادَ كِتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ

با شهادت تو رسول خدا صلی الله علیه و آله محصور شد و کتاب خدا مهجور گردید

مَهْجُورًا، وَغَوَدَ الْحَقُّ إِذْ قَهَرْتَ مَقْهُورًا، وَفَقِدَ بِفَقْدِكَ التَّكْبِيرُ وَالتَّهْلِيلُ

و پیمان حق شکست خورد و سائر حقین تو تکبیر و تهلیل الهی حرام و حلال دین و قرآن

والتَّحْرِيمُ وَالتَّحْلِيلُ وَالتَّنْزِيلُ وَالتَّأْوِيلُ، وَظَهَرَ بِعَدِّكَ التَّغْيِيرُ وَالتَّبْدِيلُ وَ

و حذف این نامها شد و ستم از آن در دین الهی تغییر و تبدیل رخ داد و سیر دین

الْإِلْحَادُ وَالتَّغْطِيلُ وَالْأَهْوَاءُ وَالأَضَالِيلُ وَالفِتْنُ وَالأَبَاطِيلُ، فَقَامَ نَاعِيكَ عِنْدَ

و تسلیم احکام الهی، هواها، گمراهیها، فتنهها و سی آرزوئیها صورت گرفت سوگواران تو سرد

قَبْرِ جَدِّكَ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَتَعَاكَ إِلَيْهِ بِالدَّمْعِ الْهَطُولِ، فَأَيْلًا

قبر جدت رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالی که اشک از چشمانشان جاری بود عرصه داشتند

يَا رَسُولَ اللَّهِ قُتِلَ سِبْطُكَ وَفَتَاكَ، وَاسْتَبِيحَ أَهْلُكَ وَحِمَاكَ، وَسُبِيَتْ بِعَدِّكَ

ای رسول خدا فرزند و جوانان تو را کشتند و اهل بیت و حمایتگران تو را بجا برد و در به تو

ذَرَارِيكَ، وَوَقَعَ الْمُخْذُورُ بِعَثْرَتِكَ وَذَوْبِكَ، فَأَنْزَعَجَ الرَّسُولُ، وَبَكَى قَلْبُهُ

را به اسارت برد و عزیزان تو را به وحشت انداختند انگاه رسول خدا در مصیبت تو بیقرار شد و از دل گریه سرداد

الْمَهْوُولُ، وَعَزَاهُ بِكَ الْمَلَائِكَةُ وَالْأَنْبِيَاءُ، وَفُجِعَتْ بِكَ أُمَّكَ الزَّهْرَاءُ، وَاخْتَلَفَتْ

و ملانکه و پیامبران به او تسلیت گفتند و قلب سائین مادرت رهوا علیها السلام در مصیبت تو به درد آمد سیاه

جُنُودُ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ، تُعْزِي أَبَاكَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَأَقِيمَتْ لَكَ الْمَنَامُ

ملانکه مقرب به قدرت علی تسلیت گفتند و در اسمانها برای تو مجالس عزرا اقامه نمودند

فِي آغْلَاعِيَيْنَ، وَلَطَمَتْ عَلَيْكَ الْخُورُ الْعَيْنُ، وَبَكَتِ السَّمَاءُ وَسُكَّاتُهَا، وَ الْجِنَانُ

و خسوریان بهشتی در عسزای تو بسر بسر و صورت زدند و اسمانها و ساکنانش بهشت

وَخُرَاتُهَا، وَالْهَضَابُ وَأَقْطَارُهَا، وَالْبِخَارُ وَحِبَتَانُهَا، وَمَكَّةَ وَبُنْيَانُهَا، وَالْجِنَانَ

وَأَزْوَاجَ الْجَنَّةِ، وَبَيْتَ الْمَقَامِ، وَالْمَشْعَرَةَ الْحَرَامَةَ، وَالْحِجْلَ وَالْإِحْرَامَ، اللَّهُمَّ فَبِحُرْمَةِ

هَذَا الْمَكَانِ الْمُتَّيَّفِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاحْشُرْنِي فِي زُفْرَتِهِمْ،

وَادْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِشَفَاعَتِهِمْ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ، يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ، وَ

يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ، وَيَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ، بِمُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، رَسُولِكَ إِلَى

الْعَالَمِينَ أَجْمَعِينَ، وَيَا أَخِيهَ وَابْنَ عَمِّهِ الْأَنْزَعَ الْبَطِينِ، الْعَالِمِ الْمَكِينِ، عَلِيِّ

أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَبِفَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، وَبِالْحَسَنِ الزَّكِيِّ عِصْمَةَ

الْمُتَّقِينَ، وَيَا أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ، أَكْرَمَ الْمُشْتَهَدِينَ، وَبِأَوْلَادِهِ الْمَقْتُولِينَ،

وَبِعَثْرَتِهِ الْمُظْلُومِينَ، وَبِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ، وَبِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ قَبْلَةَ

الْأَوَّابِينَ، وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ أَصْدَقِ الصَّادِقِينَ، وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ مُظْهِرِ الْبُرَاهِينَ،

وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَى نَاصِرِ الدِّينِ، وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ قُدْوَةَ الْمُهْتَدِينَ، وَ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ

أَزْهَدِ الزَّاهِدِينَ، وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَارِثِ الْمُسْتَخْلَفِينَ، وَالْحُجَّةَ عَلَى الْخَلْقِ

أَجْمَعِينَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِينَ الْأَبْرَارِ، آلِ طَهٍ وَنَسَبِ

كِسْفَةِ سَجْدَةِ بَيْتِ الْمَقَامِ الْحَرَامِ، بِسَمْعِ دُرُودِ بَيْتِ الْمَقَامِ، وَ مَا رَأَى فِيهَا

وَأَنْتَ يَا مَنْ لَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ، يَا مَنْ لَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ، يَا مَنْ لَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ،

يَا مَنْ لَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ، يَا مَنْ لَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ، يَا مَنْ لَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ،

يَا مَنْ لَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ، يَا مَنْ لَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ، يَا مَنْ لَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ،

يَا مَنْ لَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ، يَا مَنْ لَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ، يَا مَنْ لَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ،

يَا مَنْ لَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ، يَا مَنْ لَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ، يَا مَنْ لَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ،

يَا مَنْ لَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ، يَا مَنْ لَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ، يَا مَنْ لَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ،

يَا مَنْ لَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ، يَا مَنْ لَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ، يَا مَنْ لَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ،

يَا مَنْ لَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ، يَا مَنْ لَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ، يَا مَنْ لَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ،

يَا مَنْ لَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ، يَا مَنْ لَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ، يَا مَنْ لَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ،

يَا مَنْ لَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ، يَا مَنْ لَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ، يَا مَنْ لَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ،

يَا مَنْ لَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ، يَا مَنْ لَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ، يَا مَنْ لَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ،

يَا مَنْ لَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ، يَا مَنْ لَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ، يَا مَنْ لَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ،

يَا مَنْ لَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ، يَا مَنْ لَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ، يَا مَنْ لَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ،

وَ أَنْ تَجْعَلَنِي فِي الْقِيَامَةِ مِنَ الْأَمِينِ الْمُطْمَئِنِّينَ الْفَائِزِينَ الْفَرِحِينَ الْمُسْتَبْشِرِينَ،

اللَّهُمَّ اكْتُبْنِي فِي الْمُسْلِمِينَ، وَالْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ، وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ

فِي الْآخِرِينَ، وَأَنْصُرْنِي عَلَى الْبَاغِينَ، وَاكْفِنِي كَيْدَ الْخَائِدِينَ، وَأَصْرِفْ عَنِّي

مَكْرَ الْمَاكِرِينَ، وَأَقْبِضْ عَنِّي أَيْدِيَ الظَّالِمِينَ، وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ الشَّادَةِ

الْمَيَامِينَ فِي آغْلَا عِلِّيِّينَ، مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ، مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ

وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَقْسِمُ عَلَيْكَ

بِنَبِيِّكَ الْمَعْصُومِ، وَبِحُكْمِكَ الْمَحْتُومِ، وَتَهْنِئِكَ الْمَكْتُومِ، وَبِهَذَا الْقَبْرِ الْمَلْتُومِ،

الْمُرْسَدِ فِي كَنَفِهِ الْإِمَامِ الْمَعْصُومِ، الْمَقْتُولِ الْمَظْلُومِ، أَنْ تَكْشِفَ مِنِّي مِنَ

الْعُمُومِ، وَتَصْرِفَ عَنِّي شَرَّ الْقَدْرِ الْمَحْتُومِ، وَتُجِبَّرنِي مِنَ النَّارِ ذَاتِ السَّمُومِ،

اللَّهُمَّ جَلِّنِي بِنِعْمَتِكَ، وَرَضِّنِي بِقَسْمِكَ، وَتَعَمَّدَنِي بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ، وَبَاعِدْنِي

مِنْ مَكْرِكَ وَتَقَمَّتِكَ، اللَّهُمَّ اغْصِنِي مِنَ الزَّلَلِ، وَتَدَدْنِي فِي الْقَوْلِ وَالْعَمَلِ،

وَأَفْسَحْ لِي فِي مُدَّةِ الْأَجَلِ، وَأَعْفِنِي مِنَ الْأَوْجَاعِ وَالْعِلَلِ، وَبَلِّغْنِي بِمَوَالِي

وَبِفَضْلِكَ أَفْضَلَ الْأَمَلِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَقْبَلْ تَوْبَتِي،

وَأَرْحَمَ عِبْرَتِي، وَأَقْلَنِي عَثْرَتِي، وَنَفْسَ كُرْبَتِي وَأَغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي، وَأَصْلِحْ لِي

و نه نشکهای رسوا من رحمت کن و لغزشهایم را گنجه کن و مشکلاتم را با طرف سببار و خطاهایم را سحر و حال درسام

فِي ذُرِّيَّتِي، اللَّهُمَّ لَا تَدْعُ لِي فِي هَذَا الْمَشْهَدِ الْمُعْظَمِ، وَالْمَحَلِّ الْمُكْرَمِ، ذَنْباً

را اصلاح کن بارالهی در این محله بزرگوار و محل گرامی گناهام را

إِلَّا غَفَرْتَهُ، وَلَا عَيْباً إِلَّا سَتَرْتَهُ، وَلَا عَمَلاً إِلَّا كَشَفْتَهُ، وَلَا رِزْقاً إِلَّا بَسَطْتَهُ، وَلَا جَاهاً

مستحق فسوما و عیبهایم را پنهان کن و اسدوهم را سرطرف سببار و سر روزی من و سهم ده و غیره

إِلَّا أَعْمَرْتَهُ، وَلَا فُسَاداً إِلَّا أَصْلَحْتَهُ، وَلَا أَمَلًا إِلَّا بَلَّغْتَهُ، وَلَا دُعَاءً إِلَّا أَجَبْتَهُ، وَلَا مُضِيقاً

را طمولای کردن و سرگونه فساد را اصلاح فرما و سه از رویهایم سرمان و دعایم را اجابت نما و گرفتاریهایم

إِلَّا فَرَّجْتَهُ، وَلَا شَنْلاً إِلَّا جَمَعْتَهُ، وَلَا أَمْرًا إِلَّا أَتَمَمْتَهُ، وَلَا مَالاً إِلَّا كَثَرْتَهُ، وَلَا خُلُقاً

را سرطرف سببار سرالذکیهایم را کمود آور، کارهایم را به تمام رسان و سرورتم را زیاد کن و اخلاقم

إِلَّا أَحْسَنْتَهُ، وَلَا إِنْفَاقاً إِلَّا أَخْلَفْتَهُ، وَلَا خِلاًلًا إِلَّا أَعْمَرْتَهُ، وَلَا أَحْسُوْداً إِلَّا قَمَعْتَهُ، وَلَا

را اسبکم سببار و اسباقم را سببگذار فسوما و حال سبیل، را طمولای و حسودانم را ساود کردن

عَدُوًّا إِلَّا أَرَدَيْتَهُ، وَلَا أَشْرَاءً إِلَّا كَفَيْتَهُ، وَلَا مَرَضاً إِلَّا شَفَيْتَهُ، وَلَا أَبْعِيداً إِلَّا أَدْنَيْتَهُ،

و سه دشمنانم شکست ده و از نساها حفظ کن و سرعیهایم را سفابخش و کارهای دور را نزدیک کردن

و لِأَشْعَثاً إِلَّا لَمَمْتَهُ، وَلَا سُؤْلًا إِلَّا أَعْطَيْتَهُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الْعَاجِلَةِ، وَ ثَوَابَ

و سرالذکیهای مرا سامان سحر و خواستههایم را عطا فرما بارالها از سوئیکیهای دنیا و پاداش

الْأَجَلَةِ، اللَّهُمَّ أَعْنِنِي بِحَلَالِكَ عَنِ الْحَرَامِ، وَبِفَضْلِكَ عَنِ جَمِيعِ الْأَنَامِ، اللَّهُمَّ إِنِّي

احرف را مستلک من تمام بارالهی نه دوری حلال از حرام بی نیاز و نه فعتت از همه مردم مستغنی کردن بارالهی

أَسْأَلُكَ عِلْماً نَافِعاً، وَقَلْباً خَاشِعاً، وَيَقِيناً شَافِئاً، وَعَمَلاً زَاكِياً، وَصَبْراً جَمِيلاً،

سه من عسلم سووآمد، قلب خاشع، یقین شافبخش، عمل پاکیزه، صبر زیبا

وَ أَجْراً جَزِيلاً، اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي شُكْرَ نِعْمَتِكَ عَلَيَّ، وَزِدْ فِي إِحْسَانِكَ وَكَرَمِكَ

پاداش فراوان عطا فرما بارالهی شکر نعمتت را بر من نصیب نما و احسان و کرمت را افزون کن

إِلَيَّ، وَاجْعَلْ قَوْلِي فِي النَّاسِ مَقْمُوعاً، وَعَمَلِي عِنْدَكَ مَرْفُوعاً، وَأَثْرِي فِي

و گفتارم را در میان مردم مقبول کردن و اعمالم را به نزد خود بالا بر و مردم را پیرو انبار

الْخَيْرَاتِ مَقْبُوعاً، وَعَدْوِي مَقْمُوعاً، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْآخِيَارِ،

خسیر من بگردان و دشمنانم را ساود سببار بارالها سر محمد و آل محمد سبیک او

فِي أَنَاءِ اللَّيْلِ وَ أَطْرَافِ النَّهَارِ، وَ أَكْفِينِي شَرَّ الْأَشْرَارِ، وَ طَهِّرْنِي مِنَ الذُّنُوبِ

در تمام شبانه روز درود فرست و مسر از شر اشرا در حفظ نما و از گناهان و معاصی

وَ الْأَوْزَارِ، وَ أَجِرْنِي مِنَ النَّارِ، وَ أَحِلَّنِي ذَارَ الْقَرَارِ، وَ اغْفِرْ لِي وَ لِجَمِيعِ

سایک گنودان و از آتش پناهم ده و مراد از امکنا بهمنس فرود آور و گناهان من

إِخْوَانِي فِيكَ وَ أَخَوَاتِي الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و تمام برادران و خواهران ایمانی ام را سببش به رحمتت ای مهربان ترین مهربانان

دعا برای امام زمان علیه السلام

سید بن طاوس فرموده که چون خواستی مرخص شوی از حرم شریف آن حضرت، برگرد بسوی سرداب منیف و نماز کن در آن هرچه خواهی، پس بایست رو به قبله و بگو **اللَّهُمَّ اذْفَعْ عَنِّي وَ لِيكَ** و این دعا را تا به آخر ذکر نموده، آنگاه فرموده، پس بخوان خدا را بسیار و برگرد با سعادت انشاء الله تعالی. صاحب مفاتیح الجنان فرموده: که شیخ در مصباح این دعا را در اعمال روز جمعه از حضرت امام رضا علیه السلام نقل کرده و ما نیز این دعا را به نحوی که شیخ از آن حضرت نقل کرده نقل می نمایم. فرمود روایت کرده یونس بن عبدالرحمن که حضرت امام رضا علیه السلام امر می فرمودند به دعا کردن از برای حضرت صاحب الأمر علیه السلام به این دعا:

اللَّهُمَّ اذْفَعْ عَنِّي وَ لِيكَ وَ خَلِيفَتِكَ، وَ حُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ، وَ لِسَانِكَ الْمُعْبِرَ عَنكَ، النَّاطِقِ

خدایا دور کن (هر بلایی را) از نماینده و خلیفهات و حججت تو بر امیردگالت و زبان گویایت و سخن گوینده به حکمتت

بِحُكْمَتِكَ، وَ عَيْنِكَ النَّاطِرَةَ بِإِذْنِكَ، وَ شَاهِدِكَ عَلَى عِبَادِكَ، الْجَحْجَاحِ الْمُجَاهِدِ،

و دیده بینی تو به اذن خودت و گویاه تو بر بندگالت آن سزوی کرد مجاهد

الْعَائِدِ بِكَ، الْغَائِدِ عِنْدَكَ، وَ أَعِذُهُ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ مَا خَلَقْتَ، وَ بَرَأْتَ

و پناهنده به تو و پسریتش گشنده در نزد تو، پناهنش ده از شر تمام آنچه آفریده و خلق کردی و پدید آوردی

وَ أَنْشَأْتَ وَ صَوَّرْتَ، وَ أَحْفَظُهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ، وَ عَن يَمِينِهِ

و صورت بخشیدی و نگهداریش کنن از پیش رویش و از پشت سرش و از طرف راستش

وَعَنْ شِمَالِهِ، وَمِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ، بِحِفْظِكَ الَّذِي لَا يَضِيعُ مَنْ

حَفِظْتَهُ بِهِ، وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَآيَاتَهُ آيَمَّتِكَ، وَدَعَائِمَ دِينِكَ،

وَاجْعَلْهُ فِي وَدِيعَتِكَ الَّتِي لَا تَضِيعُ، وَفِي جِوَارِحِ الَّذِي لَا يُخْفَرُ،

وَفِي مَنَعِكَ وَعِزِّكَ الَّذِي لَا يُقْهَرُ، وَآمِنَهُ بِأَمَانِكَ الرَّوِّقِيِّ الَّذِي لَا

يُخَذَلُ مِنْ أَمْنَتِهِ بِهِ، وَاجْعَلْهُ فِي كَنَفِكَ الَّذِي لَا يُزَامُ مَنْ كَانَ فِيهِ،

وَأَنْصُرُهُ بِتَضَرُّكِ الْعَزِيزِ، وَأَيَّدْهُ بِجُنْدِكَ الْغَالِبِ، وَقَرِّهِ بِقُوَّتِكَ، وَأَرْدِفْهُ

بِمَلَأَتِكَ، وَوَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَغَادِ مَنْ غَادَاهُ، وَأَلْبِسْهُ دِرْعَكَ

الْحَصِينَةَ، وَحَفَّهُ بِمَلَأَتِكَ حَفًّا، أَلْسَهُمْ أَشْعَبَ بِهِ الصَّدْعَ، وَأَزْتَقْ بِهِ

الْفَتْقَ، وَأَمِثْ بِهِ الْجَوْرَ، وَأَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ، وَزَيِّنْ بِطَوْلِ بَقَائِهِ الْأَرْضَ،

وَأَيَّدْهُ بِالنُّصْرِ، وَأَنْصُرْهُ بِالرُّغْبِ، وَقَرِّ نَاصِرِيهِ، وَاخْذُلْ خَاذِلِيهِ،

وَدَمِّدْ مَنْ نَصَبَ لَهُ، وَدَمِّرْ مَنْ غَشَّهُ، وَأَقْتُلْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ، وَعُمَّدَهُ

وَدَعَائِمَهُ، وَأَقْصِمْ بِهِ رُؤْسَ الضَّلَالَةِ، وَشَارِعَةَ الْبِدْعِ، وَمُحِبَّةَ الشُّنَّةِ،

وَمُقَوِّتَةَ الْبَاطِلِ، وَذَلِّلْ بِهِ الْجَبَّارِينَ، وَأَيِّزْ بِهِ الْكَافِرِينَ، وَجَمِيعَ

السُّلْحِدِينَ، فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا، وَسَهْلِهَا

بسی دینان را در مشرقهای زمین و مغربهای آن و خشکی و دریاهای آن و سرزمینهای هموار

وَجَبَلِهَا، حَتَّى لَا تَدَعَ مِنْهُمْ ذَيْتَارًا، وَلَا تُبْقِيَ لَهُمْ آثَارًا، اَللّٰهُمَّ طَهِّرْ

و کوه آن تا آنجا که فردی از آنها باقی نگذاری و اثری از ایشان بجای نگذاری خدا یا پاک کن

مِنْهُمْ بِأَدَاكَ، وَاشْفِ مِنْهُمْ عِبَادَكَ، وَأَعِزِّ بِهِ الْمُؤْمِنِينَ، وَأَخِي بِهِ سُنَّ

از وجود آنها شهرها و بلاد را و شفا ده به لایق دینان دل مشکلات را و عزت بخش بدان وسیله مؤمنان را و زنده کن بوسیله

الْمُرْسَلِينَ، وَذَارِسِ حُكْمِ النَّبِيِّينَ، وَجَدِّدْ بِهِ مَا افْتَحَى مِنْ دِينِكَ،

آن جناب انبیا پیغمبران مرسل و احکام کهنه پیغمبران را و تازه کن بوسیله آنها آنچه محو گشته از دینت

وَبَدِّلْ مِنْ حُكْمِكَ، حَتَّى تُعِيدَ دِينَكَ بِهِ، وَعَلَى يَدَيْهِ جَدِيدًا غَضًّا

و تغییر یافته از فرمات تا اینکه بازگردد دین تو بوسیله او و بدست آن جناب تاز و تازه

مَغْضًا صَاحِبًا لَا عِوَجَ فِيهِ، وَلَا بِدْعَةَ مَعَهُ، وَحَتَّى تُنِيرَ بِعَدْلِهِ ظُلْمَ

و غلام و صاحب که اعوجاجی در آن نباشد و بدعت همراهش نباشد و تا اینکه روشن گردد بوسیله عدالتش تاریکیهای

الْجَوْرِ، وَتُطْفِئَ بِهِ نِيرَانَ الْكُفْرِ، وَتُرْضِحَ بِهِ مَقَايِدَ الْحَقِّ، وَمَجْهُولَ

بیدادگری و خاموش گردد بوسیله اش آتشی کفر و آشکار گردد بدان جناب مشکلات و گمراهیهای حق و موارد مجهول

الْعَدْلِ، فَإِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ، وَاصْطَفَيْتَهُ عَلَى غَيْبِكَ،

عدل و داد زیرا که او آن بنده بزرگوار تو است که انتخابش کردی برای خودت و برگزیدیش برای جریانات غیب

وَعَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ، وَبَرَّاتَهُ مِنَ الْعُيُوبِ، وَطَهَّرْتَهُ مِنَ الرَّجْسِ،

(او پس پسرده) خود و نگاهش داشتی از گناهان و میرایش گردانیدی از عیوب و پاکش کردی از پلیدی

وَسَلَّمْتَهُ مِنَ الدَّنَسِ، اَللّٰهُمَّ فَإِنَّا نَشْهَدُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَيَوْمَ خُلُولِ

و سالمش داشتی از چسبکی خدا یا ما برای او گواهی دهیم در روز قیامت و روز ولوج آن حادثه

الطَّامَةِ، أَنَّهُ لَمْ يُذَيَّبْ ذَنْبًا، وَلَا أَتَى حُوبًا، وَلَمْ يَزْتَكِبْ مَعْصِيَةً، وَلَمْ

بزرگی که برآسبی او گناهی مرتکب نشده و دست به کار زشتی نزده و مرتکب معصیتی نشده و هیچ

يُضَيِّعَ لَكَ طَاعَةً، وَلَمْ يَهِنِكَ لَكَ حُرْمَةٌ، وَلَمْ يُبَدِّلْ لَكَ فَرِيضَةً، وَلَمْ

فرمانبرداری تو را وانگذازده و حسرتی را از تو هتک نکسوده و واجبی را تغییر نداده و

يُغَيِّرَ لَكَ شَرْيْعَةً، وَأَنَّكَ الْهَادِي الْمُهْتَدِي، الطَّاهِرُ النَّقِيُّ الرَّضِيُّ

انگیزی را بجهت هم نزده و او است راهنمای راه یافته پاک برهیزگار پاکیزه پسندیده

الزَّكِيِّ، اَللّٰهُمَّ اَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَاهْلِيهِ وَوَلَدِهِ، وَذُرِّيَّتِهِ وَاُمَّتِهِ، وَجَمِيعِ

و رسیده خداوند به او عطا کن در ساری خودش و در ساری خاندان و فرزندان و سزاد و ملت و تمام

رَعِيَّتِهِ مَا تُفَرِّقُهُ عَيْنَهُ، وَتَسْرِ بِه نَفْسَهُ، وَتَجْمَعُ لَهُ مَلِكِ الْمَمْلَكَاتِ

مملکت (او فرودانم دارش) آنچه دیده‌اش را بدین روشن کنی و دلت را بدین خوشحال گردانی و گردآوری برای او فرموده‌اش

كُلِّهَا قَرِيْبًا وَبَعِيْدًا، وَعَزِيْزًا وَذَلِيْلًا، حَتَّى تُجْرِيَ حُكْمَهُ عَلٰى كُلِّ

همه ممالک را نزدیک و دورش را و نیرومند و خوارش را تا اینکه حکم و فرمانش را فوق همه حکمها جاری کنی

حُكْمٍ، وَتَغْلِبَ بِحَقِّهِ كُلِّ بَاطِلٍ، اَللّٰهُمَّ اسْئَلُكَ بِمَا عَلٰى يَدَيْهِ مِنْهَاجِ

و بسوسله اینی حق او هر باطلی را مغلوب گردانی خداوند ما را وادار بدست آن بزرگوار به راه روشن

الْهُدٰى، وَالْمَحَجَّةَ الْعُظْمٰى، وَالطَّرِيْقَةَ الْوَسْطٰى الَّتِي يَرْجِعُ اِلَيْهَا

هدایت و مساده برتری (دیانت) و طریقه میانی که بازگردد بدان راه

الْغَالِي، وَيَلْحَقُ بِهَا التَّالِي، وَقَوْنَا عَلٰى طَاعَتِهِ، وَتَبَتْنَا عَلٰى مُسَابِقَتِهِ،

بیش افتاده نندرو و خود را برساند بدان عقب مانده، و نیرویمان ده برای فرمانبرداریش و پیابانمان دار بر پیرویش

وَاَمْنُنْ عَلَيْنَا بِمُتَابَعَتِهِ، وَاجْعَلْنَا فِي حِزْبِهِ، الْقَوَامِيْنَ بِاَمْرِهِ، الضَّالِّينَ

و مسگدار بر ما به متابعت از آن حضور و در حزب و گروه او قرارمان ده آنکه بدستورش قیام کنند و ما او سیر کنند

مَعَهُ، الطَّالِبِيْنَ رِضَاكَ بِمُنَاصَحَتِهِ، حَتَّى تُحْشِرْنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي

و در حیر خواهی کردن نسبت به آن جناب طالب رضا و خوشنودی تو می‌باشند تا اینکه در روز قیامت ما را

اَنْصَارِهِ وَاَعْوَانِهِ، وَمُقَوِّتِيْ سُلْطَانِيْهِ، اَللّٰهُمَّ وَاجْعَلْ ذٰلِكَ لَنَا خَالِصًا

مسره یاران و اعوان او و هم جزو تقویت‌کنندگان حکومتش معشورمان داری و ایس کار را برای ما

مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَشُبُهَةٍ، وَرِيَاءٍ وَسُمْعَةٍ، حَتَّى لَا نَعْتَمِدَ بِه غَيْرَكَ، وَلَا

از هر شک و شبهه و خودنمانی و شهوت‌طلبی خالص و بدور گردان تا در این کار به غیر تو اعتماد نداشته

نَطْلُبَ بِه اِلَّا وَجْهَكَ، وَحَتَّى تُجْعَلَنَا مَحَلَّةً، وَتَجْعَلْنَا فِي الْجَنَّةِ مَعَهُ،

و چهره‌اش و خوشنودی تو چیزی نخواهیم و تا اینکه ما را به جایگاه آن حضرت وارد کنی و جاهان را در بهشت با آن بزرگوار

وَاعِزَّنَا مِنَ السَّامَةِ وَالْكَسَلِ وَالْفَقْرَةِ، وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ نَنْتَصِرُ بِه

سوار دهی و نگاهمان داری از خصمی و کسالت و سستی و ما را از جمله کسانی قرار ده که بدست آنها

لِدِينِكَ، وَتُعِزُّ بِه نَصْرَ وَلِيِّكَ، وَلَا تَسْتَبِدِلْ بِمَا غَيْرَنَا، فَاِنَّ اسْتِبْدَالَكَ بِمَا

دینت را برای کسی و شوکتمند گردانی بدانها پیروزی ولی و نماسده خود را و ایس افتخار را نصیب دیگری

غَيْرَنَا عَلَيْكَ يَسِيرٌ، وَهُوَ عَلَيْنَا كَثِيرٌ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى وُلَاةِ عَهْدِهِ،
 وَالْاَئِمَّةِ مِنْ بَعْدِهِ، وَبَلِّغْهُمْ اَمَالَهٖمُ، وَزِدْ فِيْ اَجَالِهِمْ، وَاعِزَّ نَصْرَهُمْ،
 وَتَمِّمْ لَهُمْ مَا اسْتَدْتِ اِلَيْهِمْ مِنْ اَمْرِكَ لَهُمْ، وَثَبِّتْ دَعَايِمَهُمْ، وَاجْعَلْنَا
 لَهُمْ اَعْوَانًا، وَعَلٰى دِيْنِكَ اَنْصَارًا، فَاِنَّهُمْ مَعَادِنُ كَلِمَاتِكَ، وَخُرَّانُ
 عِلْمِكَ، وَاَرْكَانُ تَوْحِيْدِكَ، وَدَعَايِمُ دِيْنِكَ، وَوُلَاةُ اَمْرِكَ، وَخَالِصَتُكَ
 مِنْ عِبَادِكَ، وَصَفْوَتُكَ مِنْ خَلْقِكَ وَاَوْلِيَاؤُكَ، وَسَلَاةُ اَوْلِيَائِكَ،
 وَصَفْوَةُ اَوْلَادِ نَبِيِّكَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ، وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ.

استغاثه به حضرت مهدی عليه السلام

سید علیخان درکلم طیب فرموده این استغاثه ایست به حضرت صاحب الزمان
 صلوات الله علیه، هر جا که باشی دو رکعت نماز بحمد و هر سوره که خواهی بگذار، پس
 رو بقبله زیر آسمان به ایست و بگو:

سَلَامُ اللّٰهِ الْكَامِلُ الشَّامِلُ الْعَامُّ، وَصَلَوَاتُهُ الدَّائِمَةُ، وَبَرَكَاتُهُ الْقَائِمَةُ النَّامَةُ

عَلٰى حُجَّةِ اللّٰهِ، وَوَلِيِّهِ فِيْ اَرْضِهِ وَبِلَادِهِ، وَخَلِيفَتِهِ عَلٰى خَلْقِهِ وَعِبَادِهِ وَسُلَاةِ

النُّبُوَّةِ، وَبَقِيَّةِ الْعِثْرَةِ وَالصَّفْوَةِ صَاحِبِ الزَّمَانِ، وَ مُظْهِرِ الْاِيْمَانِ،

وَمُلَقِّنِ أَحْكَامِ الْقُرْآنِ، وَمُطَهِّرِ الْأَرْضِ، وَنَاشِرِ الْعَدْلِ فِي الطُّولِ

وَمُلَقِّنِ أَحْكَامِ الْقُرْآنِ، وَمُطَهِّرِ الْأَرْضِ، وَنَاشِرِ الْعَدْلِ فِي الطُّولِ

وَالْمَرْضِيِّ، وَالْحُجَّةِ الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ الْإِمَامِ الْمُنتَظَرِ الْمَرْضِيِّ، وَابْنِ

وَالْمَرْضِيِّ، وَالْحُجَّةِ الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ الْإِمَامِ الْمُنتَظَرِ الْمَرْضِيِّ، وَابْنِ

الْأَيِّمَةِ الطَّاهِرِينَ، الْوَصِيِّ بْنِ الْأَوْصِيَاءِ، الْمَرْضِيِّينَ الْهَادِي

الْأَيِّمَةِ الطَّاهِرِينَ، الْوَصِيِّ بْنِ الْأَوْصِيَاءِ، الْمَرْضِيِّينَ الْهَادِي

الْمَعْصُومِ، ابْنِ الْأَيِّمَةِ الْهُدَاةِ الْمَعْصُومِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُعِزَّ

الْمَعْصُومِ، ابْنِ الْأَيِّمَةِ الْهُدَاةِ الْمَعْصُومِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُعِزَّ

الْمُؤْمِنِينَ الْمُسْتَضْعَفِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُدِلَّ الْكَافِرِينَ

الْمُؤْمِنِينَ الْمُسْتَضْعَفِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُدِلَّ الْكَافِرِينَ

الْمُتَكَبِّرِينَ الظَّالِمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ،

الْمُتَكَبِّرِينَ الظَّالِمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ

عَلَيْكَ يَا بَنَ الْأَيِّمَةِ الْحُجَّجِ الْمَعْصُومِينَ، وَالْإِمَامِ عَلَى الْخَلْقِ

عَلَيْكَ يَا بَنَ الْأَيِّمَةِ الْحُجَّجِ الْمَعْصُومِينَ، وَالْإِمَامِ عَلَى الْخَلْقِ

أَجْمَعِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ سَلَامٌ مُخْلِصٌ لَكَ فِي الْوِلَايَةِ،

أَجْمَعِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ سَلَامٌ مُخْلِصٌ لَكَ فِي الْوِلَايَةِ،

أَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْمَهْدِيُّ قَوْلًا وَفِعْلًا، وَأَنْتَ الَّذِي تَمَلَأُ الْأَرْضَ

أَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْمَهْدِيُّ قَوْلًا وَفِعْلًا، وَأَنْتَ الَّذِي تَمَلَأُ الْأَرْضَ

قِسْطًا وَعَدْلًا، بَعْدَ مَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا، فَتَجَلَّ اللَّهُ فَرَجَكَ، وَسَهَّلَ

قِسْطًا وَعَدْلًا، بَعْدَ مَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا، فَتَجَلَّ اللَّهُ فَرَجَكَ، وَسَهَّلَ

مَخْرَجَكَ، وَقَرَّبَ زَمَانَكَ، وَكَثَّرَ أَنْصَارَكَ وَأَعْوَانَكَ وَأَنْجَزَ لَكَ مَا

مَخْرَجَكَ، وَقَرَّبَ زَمَانَكَ، وَكَثَّرَ أَنْصَارَكَ وَأَعْوَانَكَ وَأَنْجَزَ لَكَ مَا

وَعَرَّفْتَنَا بِذَلِكَ مَنَزَلَتَهُمْ، فَفَرَّجْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ فَرَجًا عَاجِلًا قَرِيبًا كَلَمَحٍ

و منزهتشان را به ما آسانسادی به حق ایشان به ما گشایشی ده فوری و نزدیک ما

الْبَصَرِ، أَوْ هُوَ أَقْرَبُ، يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ، يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ، اِكْفِيَانِي

چشمم بر همه زمین یا نزدیکتر ای محمد ای علی ای علی ای محمد مرا کفایت کنید

فَإِنَّا كَافِيَانِ، وَأَنْصُرَانِي فَإِنَّا نَاصِرَانِ، يَا مَوْلَانَا يَا صَاحِبَ

که شما کفایت کننده‌ام و مرا یاری کنید که شما یار من ای سرور ما ای صاحب

الزَّمَانِ، الْغَوْتُ الْغَوْتُ الْغَوْتُ، أَذْرِكُنِي أَذْرِكُنِي أَذْرِكُنِي، الشَّاعَةَ

الزمان فریاد، فریاد، فریاد، در سبب مرا در سبب مرا در سبب مرا همین ساعت

الشَّاعَةَ الشَّاعَةَ، الْعَجَلُ الْعَجَلُ الْعَجَلُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، بِحَقِّ

همین ساعت هم اکنون زود زود زود ای خدا ای مهربانترین مهربانان به حق

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.

محمد و آل پاکش.

صلوات بر ولی امر منتظر علیه السلام

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ وَلِيِّكَ وَابْنِ أَوْلِيَايَاكَ، الَّذِينَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ،

خدایا صلوات بر من و ولی تو و فرزند پسران تو را که اطاعت کرده‌اند فرمانبرداریشان را

وَأَوْجِبْتَ حَقَّهُمْ، وَأَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ، وَطَهَّرْتَ تَهُمْ تَطْهِيرًا، اللَّهُمَّ

و واجب گردانیدی حقیقتشان را و دور کردی از ایشان رجس را و بخوبی پاکیزه‌شان کردی خدایا

أَنْصُرُهُ وَأَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ، وَأَنْصُرُ بِهِ أَوْلِيَايَاكَ وَأَوْلِيَايَاكَ، وَشِيعَتَهُ

یارش کن و بدست او دینت را یاری کن و یاری کن بر سبب او دوستان خودت و دوستان او و شیعیان

وَأَنْصَارَهُ، وَاجْعَلْنَا مِنْهُمْ، اللَّهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَطَاغٍ، وَمِنْ شَرِّ

و یاورانش را و ما را نیز از آن خدایا نگاهش دار از شر همه متجاوز و سرکش و از شر

جَمِيعِ خَلْقِكَ، وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ، وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ

همه مخلوق خودت و محافظش کن از پیش رویش و از پشت سرش و از سمت راستش و از طرف

شِمَالِهِ، وَاخْرُسْهُ وَأَمْنَعَهُ مِنْ أَنْ يُوْصَلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ، وَاحْفَظْ فِيهِ

چپش و بیسنداریش کن و نگاهش دار از اینکه گزند و آسیبی بدو رسد و (شوکت و عزت) رسول

رَسُولِكَ وَآلِ رَسُولِكَ، وَأَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ، وَأَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ، وَأَنْصُرْ

و آل رسالت را در (وجود) او حفظ هر ما و آشکار (یا پیروز) گردان بدست او عدل و داد را و یاریت

نَاصِرِيهِ، وَآخِذُنْ خَاذِلِيهِ، وَأَقْصِمْ قَاصِمِيهِ، وَأَقْصِمْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ،
 کشتن کن و پلوروش را نیز پکاری کن و هر که دست از پاریش بر طرفه خوار گردان و در هم شکن شکستدش را و بشکن بدست او قدرت و
 وَأَقْتُلْ بِهِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ، وَجَمِيعَ الْمُتَلَحِّدِينَ، حَيْثُ كَانُوا مِنْ
 شکست کلان را و اسان را بدست آن حضرت به خاک هلاک افکن و هم چنین منافقان و همه بی دینان ستیزه جو را در هر جا هستند
 مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، بَرِّهَا وَبَحْرِهَا، وَأَمْسِلْ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا،
 از غایبهای زمین و باخترهای آن چه در خشکی و چه در دریا و هر کجایی که زمین را از عدل و داد
 وَأَظْهِرْ بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ مِنْ
 و آشکارا بسایرینا کن بوسیله اش دین پیامبرت - صل الله علیه و آله - را و سرورده خدایا مرا نیز از
 أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ، وَأَتْبَاعِهِ وَشِيعَتِهِ، وَأَرِنِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ
 پیاران و کمک کاران و پیروان و شعیبانش و بندگان من به نام در مورد آل محمد علیهم
 السَّلَامُ مَا يَأْمُرُونَ، وَفِي عَدُوِّهِمْ مَا يَحْذَرُونَ، إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ.
 السلام آنچه را از تو داشتند و در مورد دشمنان آنچه از آن می ترسند مستجاب گردان ای مسعود حق آمین.

ذکر صلوات بر امام زمان علیه السلام

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، وَصَلِّ عَلَى وَلِيِّ الْحَسَنِ،
 خدایا درود فرست بر محمد و خاندانش و درود فرست بر نماینده امام حسن
 وَوَصِيِّهِ وَوَارِثِهِ، الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ، وَالْغَائِبِ فِي خَلْقِكَ، وَالْمُنْتَظَرِ لِأُذُنِكَ،
 و وصی او و وارثش آنکه قیام کند بدستورت و آن پنهان در خلق تو و چشم پیراه اذن تو
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ، وَقَرِّبْ بُعْدَهُ، وَأَنْجِزْ وَعْدَهُ، وَأَوْفِ عَهْدَهُ، وَاكْشِفْ
 خدایا درود فرست بر او و نزدیک کن دوریش را و انجام ده وعدهش را و وفا کن به عهد و پیمانش و بر طرف کن
 عَنْ بَاسِهِ حِجَابَ الْغَيْبَةِ، وَأَظْهِرْ بِظُهُورِهِ صَحَائِفَ الْمَحْتَنَةِ، وَقَدِّمْ
 از نرسویش برده غیبت را و بخت سر الساز بسا ظهور آن حضرت لورق محنت و اندوه را و بفرست در پیش
 أَمَامَةَ الرَّغْبِ، وَثَبَّتْ بِهِ الْقَلْبَ، وَأَقِمْ بِهِ الْحَرْبَ، وَأَيِّدْهُ بِجُنْدٍ مِنْ
 رویش رهبر و سرور را و از غمش ده بگه لودل را و بسزیا کن بدستش جنگ را و کشتن کن به لشکری از
 الْمَلَائِكَةِ الْمُتَوَمِّينَ، وَسَلِّطْهُ عَلَى أَعْدَائِ دِينِكَ أَجْمَعِينَ، وَالْهَمَّهُ أَنْ
 فرشتگان نشاندار و مسلطش کن بر دشمنان دینت همگی و به او الهام کن

لَا يَدْعَ مِنْهُمْ رُكْنًا إِلَّا هَدَاهُ، وَلَا هَامًا إِلَّا قَدَّه، وَلَا كَيْدًا إِلَّا رَدَّه، وَلَا

که پناه‌های از آنها نگیرد جز آنکه سرور برود و نه سوری از آنها جز آنکه دودیده کند و نه نفاقه نسوس جز آنکه بلاش گرداند

فَاسِقًا إِلَّا حَدَّه، وَلَا فِرْعَوْنَ إِلَّا أَهْلَكَهُ، وَلَا سَيْئَرًا إِلَّا هَتَكَه، وَلَا عِلْمًا إِلَّا

و نه فاسق شدگری جز آنکه حدش زاند و نه فرعون (که فتنگی) جز آنکه هلاکش کند و نه پندگی جز آنکه پندگی بدد و نه پندگی جز آنکه

نَكَّسَهُ، وَلَا سُلْطَانًا إِلَّا كَسَبَهُ، وَلَا رُمْحًا إِلَّا قَصَفَهُ، وَلَا مِطْرَدًا إِلَّا خَرَقَهُ،

سرنگونش سازد و نه سلطانا و قدرتی جز آنکه بنسرد کرد و نه سپهری جز آنکه درهم شکند و نه زویینی جز آنکه بشکند

وَلَا جُنْدًا إِلَّا فَرَّقَهُ، وَلَا مِثْبَرًا إِلَّا أَخْرَقَهُ، وَلَا سَيْفًا إِلَّا كَسَرَهُ، وَلَا صَنْمًا

و نه لشکری جز آنکه برآکنده سازد و نه منبری جز آنکه بسوزاند و نه شمشیری جز آنکه بشکند و نه بتی

إِلَّا رَضَّه، وَلَا دَمًا إِلَّا آزَاقَهُ، وَلَا جُورًا إِلَّا أَبَادَهُ، وَلَا حِصْنًَا إِلَّا هَدَقَهُ،

جز آنکه خرد کند و نه خون جز آنکه بسوزد و نه ستم و بیگانه‌گری جز آنکه از میان بردارد و نه قلعه و دیو جز آنکه ویران کند

وَلَا بَابًا إِلَّا رَدَمَهُ، وَلَا قَصْرًا إِلَّا خَرَّبَهُ، وَلَا مَسْكَنًا إِلَّا فَتَشَهُ، وَلَا سَهْلًا

و نه دری جز آنکه ببندد و نه کاخ و قصری جز آنکه ویران کند و نه مسکنی جز آنکه بازرسی کند و نه زمین همواری

إِلَّا أَوْطَنَهُ، وَلَا جَبَلًا إِلَّا صَعَدَهُ، وَلَا كَنْزًا إِلَّا أَخْرَجَهُ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

جز آنکه زیر پا گذارد و نه کوهی جز آنکه بالا رود و نه گنجی جز آنکه بیرون آورد و رحمتت ای مهربانترین مهربانان.

حرز امام زمان علیه السلام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، يَا مَالِكَ الرَّقَابِ، وَيَا هَازِمَ الْأَخْرَابِ، يَا

بسم خدای بخشننده مهربان ای بندگان دارنده جانها ای برآکننده کننده دستجات ای

مُفْتَحَ الْأَبْوَابِ، يَا مُسَبِّبَ الْأَسْبَابِ، سَبَّبْنَا سَبًّا لَا نَسْتَطِيعُ لَهُ طَلْبًا،

گشاینده درها ای مسبب سببها اسباب اسبابه کسب سبای ما سببی را که پیدا کندهش نتوانیم

بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ أَجْمَعِينَ.

بسم حق لا اله الا الله محمد رسول الله که درود خدا بر او و آتش همگی

دعای حضرت مهدی علیه السلام

اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ، وَبُغْدَ الْمَغْفِيَةِ، وَصِدْقَ

خدایا روزی ما کسب توفیق اطاعت و دوری از گناه و صدق و سادگی

النَّيِّبَةِ، وَعِزِّفَانَ الْحُرْمَةِ، وَآكْرِمْنَا بِالْهُدَى وَالْإِسْتِقَامَةِ، وَسَدِّدْ

در بیست و نساخن آنچه حرمش لازم است و گرامسردار ما را سوخته هدایت شدن و استقامت و استوار کن

السِّنِّتِنَا بِالصَّوَابِ وَالْحِكْمَةِ، وَأَمْلَأْ قُلُوبَنَا بِالْعِلْمِ وَالْمَعْرِفَةِ، وَطَهِّرْ

زبانهای ما را به درستگویی و حکمت و لبریز کن دلهای ما را از دانش و معرفت و پاک کن

بُطُونَنَا مِنَ الْحَرَامِ وَالشُّبْهَةِ، وَاكْفُفْ أَيْدِيَنَا عَنِ الظُّلْمِ وَالسَّرِقَةِ،

استرون ما را از غذاهای حرام و تشبیهناک و بازدار دستهای ما را از ستم و دردی

وَاعْضُضْ أَبْصَارَنَا عَنِ الْفُجُورِ وَالخِيَانَةِ، وَاسدِّدْ أَسْمَاعَنَا عَنِ اللَّغْوِ

و بیویمان چشممان ما را از فسق و غیبت و پند گوسنهای ما را از نسیب سخنان سهوده

وَالغَيْبَةِ، وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ عُلَمَائِنَا بِالزُّهْدِ وَالتَّصْبِحَةِ، وَعَلَى الْمُتَعَلِّمِينَ

و غیبت و تفضل بر ما بر علمای ما به پارسایی و خیرخواهی کردن و بر دانش آموزان

بِالْجُهْدِ وَالرَّغْبَةِ، وَعَلَى الْمُسْتَمِعِينَ بِالْإِتِّبَاعِ وَالْمَوْعِظَةِ، وَعَلَى

به کوشش دانش و تمسق و بر شنوندگان به پیروی کردن و پند گرفتن و بر

مَرْضَى الْمُسْلِمِينَ بِالشِّفَاءِ وَالرَّاحَةِ، وَعَلَى مَرْتَاهِمُ بِالرَّافَةِ

بیماران مسلمان به بهبودی یافتن و استودگی و بر مردگان آنها به عطوفت

وَالرَّخْمَةِ، وَعَلَى مَشَائِعِنَا بِالْوَقَارِ وَالتَّكْوِينِ، وَعَلَى الشُّبَّانِ

و مشایع ما را به بزرگواری و پندگویی و به پسران و پندگویی و بر جوانان

بِالْإِنَابَةِ وَالتَّوْبَةِ، وَعَلَى النِّسَاءِ بِالْحَيَاءِ وَالعِفَّةِ، وَعَلَى الْأَغْنِيَاءِ

ببه بازگشت و توبه و بر زنان به شرم و عفت و بر توانگران

بِالتَّوَّاضِعِ وَالتَّعَةِ، وَعَلَى الْفُقَرَاءِ بِالصَّبْرِ وَالمَنَاعَةِ، وَعَلَى الْعُزَاةِ

به فروتنی و سخاوت کردن و بر مستمندان به شکیبایی و قناعت و بر بیچارگان

بِالنَّصْرِ وَالعَقْلِيَّةِ، وَعَلَى الْأَسْرَاءِ بِالعَلَاصِ وَالرَّاحَةِ، وَعَلَى الْأَمْرَاءِ

ببه نصرت و پیروزی و بر اسیران به رهایی یافتن و استودگی و بر زمامداران

بِالعَدْلِ وَالشَّفَقَةِ، وَعَلَى الرَّعِيَّةِ بِالْإِنصَافِ وَحُسْنِ السَّيْرِ، وَبِارِكْ

ببه عدالت داشتن و دلسوزی و بر رعیت به انصاف و خوش رفتاری و برکت ده

لِلْحُجَّاجِ وَالزُّوَّارِ فِي الزَّادِ وَالنَّفَقَةِ، وَأَقْضِ مَا أَوْجَبْتَ عَلَيْهِمْ مِنْ

برای حجاجان و زائران در تسویه و خرجی و به انجام رسان آنچه را بر ایشان واجب گردی از

السَّحَجِ وَالعُمْرَةِ، بِفَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

اعمال حج و عمره سوخته فضل و رحمت خود ای مهربانترین مهربانان

زیارت امام زمان علیه السلام در روز جمعه

روز جمعه روز حضرت صاحب الزمان علیه السلام و بنام آن جناب است و همان روزی است که در آن روز ظهور خواهد فرمود، بگو در زیارت آن حضرت:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای حجت خدا در روی زمین سلام بر تو ای

يَا عَيْنَ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي

دیده بان (بنا دیده) خدا در میان خلق سلام بر تو ای نور خدا که

يَهْتَدِي بِهِ الْمُهْتَدُونَ، وَيُفَرِّجُ بِهِ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا

راه‌سویان بدان راه‌نمای شوند و به وسیله او از کار مؤمنان گناهیان شود سلام بر تو ای

الْمُهَذَّبُ الْخَائِفُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَلِيُّ النَّاصِحُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

بناک پروریده مؤمن (از دشمن) سلام بر تو ای سرپرست خیرخواه سلام بر تو

يَا سَفِينَةَ النَّجَاةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ الْحَيَوَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

ای کشتی نجات سلام بر تو ای چشمه حیات سلام بر تو ای

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى آلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

درود خدا بر تو و بر خاندان بناک و بناک‌سیزه ات سلام بر تو

عَجَّلَ اللَّهُ لَكَ مَا وَعَدَكَ مِنَ النَّصْرِ، وَظَهَرَ الْأَمْرَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

خدا شتاب کند در وعده نصرت تو و پیروزی کسرت سلام بر تو ای

مَوْلَايَ أَنَا مَوْلَاكَ، عَارِفٌ بِأَوْلِيكَ وَأُخْرِيكَ، أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى

سرور من و من دوست تو و بینیای به آغاز و انجام کسرت هستم و به سوی خدای تعالی

بِكَ وَبِآلِ بَيْتِكَ، وَأَنْتَظِرُ ظُهُورَكَ، وَظُهُورَ الْحَقِّ عَلَى يَدَيْكَ، وَأَسْأَلُ

بوسیله تو و خاندانت تلمذ جویم و منتظر ظهور تو و ظهور حق هستم و از خدا می‌خواهم

اللَّهُ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ يَجْعَلَنِي مِنَ الْمُنتَظِرِينَ

کنند درود بر من بر محمد و آل محمد و مرا در زمره منتظران

لَكَ، وَالتَّابِعِينَ وَالتَّاصِرِينَ لَكَ عَلَى أَعْدَائِكَ، وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ

و پیروان تو قرار دهد و در زمره پیروان تو در برابر دشمنان و کسانی که در پیش رویت در میان

يَدَيْكَ، فِي جُمَّلَةِ أَوْلِيَايَكَ، يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ صَلَّوَاتُ اللَّهِ

عَلَيْكَ وَعَلَى آلِ بَيْتِكَ، هَذَا يَوْمُ الْجُمُعَةِ، وَهُوَ يَوْمُكَ الْمَتَوَقَّعُ فِيهِ

ظُهُورُكَ، وَالْفَرَجُ فِيهِ لِلْمُؤْمِنِينَ عَلَى يَدَيْكَ، وَقَتْلُ الْكَافِرِينَ بِسَيْفِكَ،

وَأَنَا يَا مَوْلَايَ فِيهِ ضَيْفُكَ وَجَارُكَ، وَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ كَرِيمٌ مِنْ أَوْلَادِ

الْكَرَامِ، وَمَأْمُورٌ بِالضِّيَافَةِ وَالْإِجَارَةِ، فَاصْفِنِي وَاجْزِنِي صَلَّوَاتُ اللَّهِ

عَلَيْكَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّاهِرِينَ.

سید بن طاووس گفته که من بعد از این زیارت مُتَمَثِّل می شوم به این شعر و اشاره می کنم به آن حضرت و می گویم:

نَزَيْلُكَ حَيْثُ مَا اتَّجَهْتُ رِكَابِي وَضَيْفُكَ حَيْثُ كُنْتُ مِنَ الْبِلَادِ

من بر تو نازل می شوم هر کجا که راحله ام روی آورد و مرا وارد نماید و میهمان تو هستم در هر کجا که باشم از شهرها.

زیارت حضرت صاحب الامر علیه السلام

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ، وَخَلِيفَةَ آبَائِهِ الْمَهْدِيِّينَ،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَصِيَّ الْأَوْصِيَاءِ الْمَاضِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَافِظَ

أَسْرَارِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَاقِيَةَ اللَّهِ مِنْ

الصَّفْوَةَ الْمُتَّجِبِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ الْأَنْوَارِ الزَّاهِرَةِ، السَّلَامُ

عَلَيْكَ يَا بْنَ الْأَعْلَامِ الْبَاهِرَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ الْعِثْرَةِ الطَّاهِرَةِ،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَعْدِنَ الْعُلُومِ النَّبَوِيَّةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ

الَّذِي لَا يُؤْتِي إِلَّا مِنْهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَبِيلَ اللَّهِ الَّذِي مَنْ سَلَكَ

غَيْرَهُ هَلَكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَاطِرَ شَجَرَةِ طُوبَى، وَسِدْرَةَ الْمُتَّقِينَ،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي لَا يُطْفِئُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ

الَّتِي لَا تُخْفَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى مَنْ فِي الْأَرْضِ

وَالسَّمَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ سَلَامَ مَنْ عَرَفَكَ بِمَا عَرَفَكَ بِهِ اللَّهُ، وَتَعَتَكَ

بِبَعْضِ نِعْمَتِكَ الَّتِي أَنْتَ أَهْلُهَا وَفَرَّقَهَا، أَشْهَدُ أَنَّكَ الْحُجَّةُ عَلَى مَنْ

مَضَى وَمَنْ بَقِيَ، وَأَنَّ حِزْبَكَ هُمُ الْغَالِبُونَ، وَأَوْلِيَاكَ هُمُ الْفَائِزُونَ،

وَأَعْدَاكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ، وَأَنَّكَ خَازِنُ كُلِّ عِلْمٍ، وَفَاتِقُ كُلِّ رَتْقٍ،

وَمُحَقِّقُ كُلِّ حَقٍّ، وَمُبْطِلُ كُلِّ بَاطِلٍ، رَضِيكَ يَا مَوْلَايَ إِمَامًا وَهَادِيًا،

وَوَلِيًّا وَمُرْتَدًّا، لَا أَبْتَغِي بِكَ بَدَلًا، وَلَا آتِيخُ مِنْ دُونِكَ وَلِيًّا، أَشْهَدُ

زَلِّي، فَكُنْ لِي وَلِيًّا يَا مَوْلَايَ عِنْدَ تَحْقِيقِ أَمَلِي، وَاسْتَلِ اللَّهَ غُفْرَانَ

پس تو هم ای مولای من کمک چاکرت کن تا آرزویش تحقق یابد و از خدا بخواه که لغوشش را ببامورد

زَلِّيهِ، فَقَدْ تَعَلَّقَ بِحَبْلِكَ، وَتَمَسَّكَ بِوِلَايَتِكَ، وَتَبَرَّءَ مِنْ أَعْدَائِكَ،

بسرا که به رشته محبت تو چنگ زده و به ولایت و دوستی تو تمسک بسته و از دشمنان بیبراری جوید

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْجِزْ لِي وَلِيَّتِكَ مَا وَعَدْتَهُ، اللَّهُمَّ أَظْهِرْ

خدایا درود فرست بر محمد و آلش و وفا کن بدان وعده‌ای که به بنده مفرط داده‌ای، خدایا آشکار کن

كَلِمَتَهُ، وَأَعْلِ دَعْوَتَهُ، وَأَنْصُرْهُ عَلَى عَدُوِّهِ وَعَدُوِّكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ،

سخن و آئینش را و بلند کن دعوتش را و ساریش ده بر دشمنش و بر دشمن تو ای پروردگار جهانیان

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَظْهِرْ كَلِمَتَكَ التَّامَّةَ، وَمُغَيَّبِكَ

خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و آشکار کن آن کلمه تامه (و حجت بالله) خود را و آن پنهان شده

فِي أَرْضِكَ، الْخَائِفِ الْمُتَرَقِّبِ، اللَّهُمَّ أَنْصُرْهُ نَصْرًا عَزِيزًا، وَافْتَحْ لَهُ

در روی زمین و آن هراسان نگران را خدایا بساریش ده بساری بیروندی و بگشا بسرایش

فَتْحًا يَسِيرًا، اللَّهُمَّ وَأَعِزِّ بِهِ الدِّينَ بَعْدَ الْخُمُولِ، وَأَطْلِعْ بِهِ الْحَقَّ بَعْدَ

کشایش آسان خدایا نیرومند گردان بدین تو دین را پس از کمناهی و طالع کن بسو آشورتهای حق (و حقیقت) را پس

الْأُفُولِ، وَأَجَلِ بِهِ الظُّلْمَةَ، وَاكْثِفْ بِهِ الغُمَّةَ، اللَّهُمَّ وَآمِنْ بِهِ الْبِلَادَ،

از غروب آن و سرطرف کسی بسو تاریکی را و بگشا بسو غم و اندوه را خدایا آیین گردان بسوسله‌های شهرها را

وَاهْدِ بِهِ الْعِبَادَ، اللَّهُمَّ امْلَأْ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا، كَمَا مُلِئْتَ ظُلْمًا

و راهمائی کن بسو سادگان را خدایا بر کن زمین را بسو از عدل و داد خنابچه بسرنشده از ستم

وَجَوْرًا، إِنَّكَ سَمِيعٌ مُجِيبٌ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، ائِذَنْ لِي وَلِيَّتِكَ فِي

و سبب‌گیری که سراسنی تو شنوا و پاسخ دهنده‌ای سلام بر تو ای ولی خدا اجازه ده بسرای دوستی که

الدُّخُولِ إِلَى حَرَمِكَ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَعَلَى آبَائِكَ الطَّاهِرِينَ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

در حرمت داخل بسود درودهای خدا بر تو و بر پدران پاکت و رحمت خدا و برکاتش بر شما باد

پس برو به نزد سرداب غیبت آنحضرت و میان دو در بایست و درها را به دست

خود بگیر و تَنخُخْ کن مانند کسیکه رخصت داخل شدن طلبد و بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ

الرَّحِيمِ بگو و پایین رو بتانی و حضور قلب و دو رکعت نماز در عرصه سرداب بکن

پس بگو:

اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَبِاللَّهِ الْحَمْدُ،

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَبِاللَّهِ الْحَمْدُ،

أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا، وَعَرَّفَنَا أَوْلِيَاءَهُ وَأَعْدَاءَهُ، وَوَفَّقَنَا

لِزِيَارَةِ أَوْلِيَاءِهِ، وَوَفَّقَنَا لِمَنْزِلَةِ هَذِهِ، وَوَفَّقَنَا لِمَنْزِلَةِ هَذِهِ، وَوَفَّقَنَا لِمَنْزِلَةِ هَذِهِ، وَوَفَّقَنَا لِمَنْزِلَةِ هَذِهِ،

لِزِيَارَةِ أَوْلِيَاءِهِ، وَوَفَّقَنَا لِمَنْزِلَةِ هَذِهِ، وَوَفَّقَنَا لِمَنْزِلَةِ هَذِهِ، وَوَفَّقَنَا لِمَنْزِلَةِ هَذِهِ،

وَوَفَّقَنَا لِمَنْزِلَةِ هَذِهِ، وَوَفَّقَنَا لِمَنْزِلَةِ هَذِهِ، وَوَفَّقَنَا لِمَنْزِلَةِ هَذِهِ، وَوَفَّقَنَا لِمَنْزِلَةِ هَذِهِ،

الْمُقَوِّضِينَ، وَلَا مِنْ الْمُرْتَابِينَ الْمُقْصِرِينَ، أَلْسَلَامٌ عَلَيَّ وَلِيَّ اللَّهِ

وَأَبْنِ أَوْلِيَاءِهِ، أَلْسَلَامٌ عَلَيَّ وَلِيَّ اللَّهِ، وَوَفَّقَنَا لِمَنْزِلَةِ هَذِهِ، وَوَفَّقَنَا لِمَنْزِلَةِ هَذِهِ،

وَأَبْنِ أَوْلِيَاءِهِ، أَلْسَلَامٌ عَلَيَّ وَلِيَّ اللَّهِ، وَوَفَّقَنَا لِمَنْزِلَةِ هَذِهِ، وَوَفَّقَنَا لِمَنْزِلَةِ هَذِهِ،

وَوَفَّقَنَا لِمَنْزِلَةِ هَذِهِ، وَوَفَّقَنَا لِمَنْزِلَةِ هَذِهِ، وَوَفَّقَنَا لِمَنْزِلَةِ هَذِهِ، وَوَفَّقَنَا لِمَنْزِلَةِ هَذِهِ،

أَلْسَلَامٌ عَلَيَّ وَلِيَّ اللَّهِ، وَوَفَّقَنَا لِمَنْزِلَةِ هَذِهِ، وَوَفَّقَنَا لِمَنْزِلَةِ هَذِهِ،

وَوَفَّقَنَا لِمَنْزِلَةِ هَذِهِ، وَوَفَّقَنَا لِمَنْزِلَةِ هَذِهِ، وَوَفَّقَنَا لِمَنْزِلَةِ هَذِهِ، وَوَفَّقَنَا لِمَنْزِلَةِ هَذِهِ،

نُورَهُ بِكُرْهِهِمْ، وَأَيَّدَهُ بِالْحَيَاةِ، حَتَّى يُظْهَرَ عَلَيَّ يَدِهِ الْعَقْبُ بِرَغْبِهِمْ،

وَأَيَّدَهُ بِالْحَيَاةِ، حَتَّى يُظْهَرَ عَلَيَّ يَدِهِ الْعَقْبُ بِرَغْبِهِمْ، وَوَفَّقَنَا لِمَنْزِلَةِ هَذِهِ،

أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ اصْطَفَيْكَ صَغِيرًا، وَأَكْمَلَ لَكَ عُلوْمَهُ كَبِيرًا، وَأَنَّكَ حَتَّى لَا

تَمُوتُ، حَتَّى تُبْطِلَ الْحَيَاةَ وَالطَّاعُونَ، أَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ وَعَلَى

خُدَائِهِ وَأَعْوَانِهِ، عَلَيَّ غَيْبِيهِ وَنَائِيهِ، وَأَشْرَهُ مَشْرًا عَزِيْزًا، وَاجْعَلْ لَهُ

مَقِيلًا حَرِيْزًا، وَأَشْدِدِ اللَّيْلَ وَطَائِكَ عَلَيَّ مُعَانِدِيهِ، وَأَخْرِسْ مَوَالِيَهُ

وَزَائِرِيهِ، أَللَّهُمَّ كَمَا جَعَلْتَ قَلْبِي بِذِكْرِهِ مَعْتُورًا، فَاجْعَلْ بِسِلَاحِي

بِئْضَرَّتِهِ مَشْهُورًا، وَإِنْ خَالَ بَيْنِي وَبَيْنَ لِقَائِهِ الْمَوْتُ، الَّذِي جَعَلْتَهُ

مَقِيلًا حَرِيْزًا، وَأَشْدِدِ اللَّيْلَ وَطَائِكَ عَلَيَّ مُعَانِدِيهِ، وَأَخْرِسْ مَوَالِيَهُ

وَزَائِرِيهِ، أَللَّهُمَّ كَمَا جَعَلْتَ قَلْبِي بِذِكْرِهِ مَعْتُورًا، فَاجْعَلْ بِسِلَاحِي

بِئْضَرَّتِهِ مَشْهُورًا، وَإِنْ خَالَ بَيْنِي وَبَيْنَ لِقَائِهِ الْمَوْتُ، الَّذِي جَعَلْتَهُ

مَقِيلًا حَرِيْزًا، وَأَشْدِدِ اللَّيْلَ وَطَائِكَ عَلَيَّ مُعَانِدِيهِ، وَأَخْرِسْ مَوَالِيَهُ

وَزَائِرِيهِ، أَللَّهُمَّ كَمَا جَعَلْتَ قَلْبِي بِذِكْرِهِ مَعْتُورًا، فَاجْعَلْ بِسِلَاحِي

بِئْضَرَّتِهِ مَشْهُورًا، وَإِنْ خَالَ بَيْنِي وَبَيْنَ لِقَائِهِ الْمَوْتُ، الَّذِي جَعَلْتَهُ

عَلَى عِبَادِكَ حَتْمًا، وَأَقْدَرْتَ بِهِ عَلَى خَلْقَتِكَ رَغْمًا، فَأَبْعَثْنِي عِنْدَ

خُرُوجِهِ ظَاهِرًا مِنْ حُفْرَتِي، مُؤْتِرًا كَفْنِي، حَتَّى أُجَاهِدَ بَيْنَ يَدَيْهِ،

فِي الصَّفِّ الَّذِي أَثْنَيْتَ عَلَى أَهْلِيهِ فِي كِتَابِكَ، فَقُلْتَ كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ

مَرْصُوصٌ، اللَّهُمَّ طَالَ الْإِنْتِظَارُ، وَشِمِتَ مِنَّا الْفُجَارُ، وَصَعَبَ عَلَيْنَا

الْإِنْتِصَارُ، اللَّهُمَّ أَرِنَا وَجْهَ وَلِيِّكَ الْمَيْمُونِ فِي حَيَاتِنَا، وَبَعْدَ الْمَمُونِ،

اللَّهُمَّ إِنِّي آدِينُ لَكَ بِالرَّجْعَةِ، بَيْنَ يَدَيِ صَاحِبِ هَذِهِ الْبُقْعَةِ، الْقَوْتِ

الْقَوْتِ الْقَوْتِ، يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، قَطَعْتَ فِي وُضْعِكَ الْخُلَانَ،

وَهَجَرْتَ لِمِيزَانِكَ الْأَوْطَانَ، وَأَخْفَيْتُ أَمْرِي عَنْ أَهْلِ الْبُلْدَانِ،

لِتَكُونَ شَفِيعًا عِنْدَ رَبِّكَ وَرَبِّي، وَإِلَى آبَائِكَ وَمَوَالِيٍّ فِي حُسْنِ

التَّوْفِيقِ لِي، وَإِسْبَاغِ النِّعْمَةِ عَلَيَّ، وَسَوْقِي الْأَحْسَانِ إِلَيَّ، اللَّهُمَّ صَلِّ

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، أَصْحَابِ الْحَقِّ، وَقَادَةِ الْخَلْقِ، وَأَسْتَجِبْ مِنِّي

مَا دَعَوْتُكَ، وَأَعْطِنِي مَا لَمْ أَنْطِقْ بِهِ فِي دُعَائِي، مِنْ صَلَاحِ دِينِي

وَدُنْيَايَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

پس داخل صفه شو و دو رکعت نماز کن و بگو **اللَّهُمَّ عَبْدُكَ الزَّائِرُ، فِي فِتْنَةٍ وَلِيَّتِكَ**

خدایا بنده را نیز تو در امتحان بنده مقرب شو

الْمَرْجُورِ، الَّذِي فَرضَتْ طَاعَتَهُ عَلَى الْعَبِيدِ وَالْأَخْرَارِ، وَأَنْقَذْتَ بِهِ

نفسه بنده را از عذاب آید ایستادگی و اطاعت کرده و فرمانم را در پیش از سرافکندگی و اراده و تسخات دادی بواسطه اش

أَوْلِيَاءَكَ مِنْ عَذَابِ النَّارِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا زِيَارَةً مَقْبُولَةً، ذَاتَ دُعَاءٍ

دوستی خود را از عذاب دوزخ خدایا این زیارت را زیارتی بگردان که مقبوله و رسالتی که در این دعای

مُسْتَجَابٍ، مِنْ مُصَدِّقِ بَوْلِيَّتِكَ غَيْرِ مُرْتَابٍ، اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ

سختی مانند آن هر کسی که صدق کرده ولی و نمایند تو را بدون هیچگونه شک و تردیدی خدایا فرارش بنده آخرین بار آمدنم

بِهِ وَلَا بِزِيَارَتِهِ، وَلَا تَقْطَعْ أَثْرِي مِنْ مَشْهَدِهِ، وَزِيَارَةَ أَبِيهِ وَجَدِّهِ،

بند است آن این سوره تبارک و تعالی را بیای مسواک بر زبان نگاه او و زیارت پدر و جدش میرد

اللَّهُمَّ أَخْلِفْ عَلَيَّ نَفْقَتِي، وَأَنْقِضْ بِي مَا رَزَقْتَنِي فِي دُنْيَايَ وَآخِرَتِي

خدایا آنچه در این راه خرج کردم عوض آن را به من بنده و مسود بعضی کن و آنچه را روزی من کرده ای در دنیا و آخرت

لِي وَلَا أَخْوَانِي، وَأَبَوَيَّ وَجَمِيعَ عَشْرَتِي، أَسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ أَيُّهَا الْأَمَامُ

و برای برادران خود و پدر و مادرم و همه عیال خود تو را به خدا می سپارم ای امام سرور مجاری

الَّذِي، يَفُوزُ بِهِ الْمُؤْمِنُونَ، وَيَهْلِكُ عَلَى يَدَيْهِ الْكَافِرُونَ الْمُكْذِبُونَ،

که بر ستمگر شکست بخورد بواسطه او مؤمنان و نابود گردند بدست او مردمان کافر و تکذیب کننده

يَا مَوْلَايَ يَا بَنَ الْعَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، جِثَّتْكَ زَائِرًا لَكَ، وَلِأَبِيكَ وَجَدِّكَ،

ای مولای من ای پسر حسن بن علی که در زیارت آمده ام برای زیارت تو و پدر و جدت

مُتَيْقِنًا الْقُورَ بِكُمْ، مُعْتَقِدًا إِمَامَتَكُمْ، اللَّهُمَّ اكْتُبْ لِي فِيهِ الشَّهَادَةَ

و در حق بنده بر ستمگاری متوسل بوسیله شما دارم و معتقد به امامت شما هستم خدایا بنده را در این گواهی

وَالزِّيَارَةَ لِي عِنْدَكَ فِي عِلِّيِّينَ، وَبَلِّغْنِي بِلَاغِ الصَّالِحِينَ، وَأَنْقِضْ

و زیارت من را نزد خودت در عیال من و رسانه بنده را رسیده بدان مؤمنان صالحین و از دوستی

بِحَبِّهِمْ، يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.

با محبت آن از پروردگار جهان

زیارت دیگر زیارتی است که سید بن طاوس نقل کرده و آن چنان است که می گوئی:

وَيَمْلَأُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا، وَيُسَمِّكُنَّ لَهُ، وَيُنَجِّزُ بِهِ وَعْدَهُ

الْمُؤْمِنِينَ، أَشْهَدُ يَا مَوْلَايَ أَنَّكَ وَالْأَئِمَّةُ مِنْ آبَائِكَ، أَيْمَتِي وَمَوْلَايَ

فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا، وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ، أَسْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ أَنْ تَسْأَلَ

اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِي صَلَاحِ شَأْنِي، وَقَضَاءِ حَوَائِجِي، وَغُفْرَانِ

ذُنُوبِي، وَالْأَخْذِ بِيَدِي فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي، لِي وَلِأَخْوَانِي

وَأَخَوَاتِي الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ كَافَّةً، إِنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

پس بجا آور نماز زیارت را به نحوی که پیش از این ذکر نمودیم یعنی دوازده رکعت
بعد از هر دو رکعت سلام دهد و تسبیح زهرا علیها السلام بگوید و هدیه کند بسوی آن حضرت
و چون از نماز زیارت فارغ شدی بگو:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي حُجَّتِكَ فِي أَرْضِكَ، وَخَلِيفَتِكَ فِي بِلَادِكَ،

الدَّاعِي إِلَى سَبِيلِكَ، وَالْقَائِمِ بِقِسْطِكَ، وَالْفَائِزِ بِأَمْرِكَ، وَلِيِّ الْمُؤْمِنِينَ،

وَمُبِيرِ الْكَاْفِرِينَ، وَمُجَلِّي الظُّلْمَةِ، وَمُنِيرِ الْحَقِّ، وَالضَّادِعِ بِالْحِكْمَةِ،

وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَالصَّادِقِ، وَكَلِمَتِكَ وَعَيْنِكَ فِي أَرْضِكَ،

الْمُتَرْقِبِ الْخَائِفِ، الْوَلِيِّ النَّاصِحِ، سَفِينَةِ النَّجَاةِ، وَعَلَمِ الْهُدَى، وَنُورِ

أَبْصَارِ الْوَرَى، وَخَيْرِ مَنْ تَقَمَّصَ وَارْتَدَى، وَالرَّوْثِ الْمَوْتُورِ، وَمُفْرَجِ

الْكَرْبِ، وَمُزِيلِ الْهَمِّ، وَكَاشِفِ الْبَلْوَى صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ،
 الْأَيْمَةِ الْهَادِينَ، وَالْقَادَةَ الْمَيَامِينَ، مَا طَلَعَتْ كَوَاكِبُ الْأَشْحَارِ،
 وَأَوْرَقَتِ الْأَشْجَارُ، وَأَيَّنَعَتِ الْأُثْمَارُ، وَاخْتَلَفَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ،
 وَغَرَّدَتِ الْأَطْيَارُ، اللَّهُمَّ انْفَعْنَا بِحُبِّهِ، وَاحْشُرْنَا فِي زُفْرَتِهِ، وَتَحْتَ
 لِوَاتِهِ، إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

برخیز از سود به حق امین از پروردگار جهانیان

دعا در زمان غیبت امام زمان علیه السلام

سید بن طاوس در جمال الاسبوع بعد از ذکر دعاهای وارده بعد از نماز عصر جمعه و صلوات کبیره این دعا را ذکر کرده و فرموده که اگر برای تو عذری باشد از جمیع آنچه ذکر کردیم، پس حذر کن از آنکه مهمل گذاری خواندن این دعا را، پس به درستی که ما شناختیم این را از فضل خداوند جل جلاله که مخصوص فرموده ما را به آن، پس اعتماد کن به آن و آن دعا این است:

اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ،
 لَمْ أَعْرِفْ رَسُولَكَ، اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ
 تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ، لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ، اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي
 حُجَّتَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ، ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي، اللَّهُمَّ لَا
 تُمِثْنِي مِثَّةَ جَاهِلِيَّةٍ، وَلَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي، اللَّهُمَّ فَكَمَا

هَدَيْتَنِي لِوِلَايَةِ مَنْ قَرَضْتَ عَلَيَّ طَاعَتَهُ مِنْ وِلَايَةِ وُلَاةِ أَمْرِكَ بَعْدَ

و هدایت کردی مرا به ولایت آن کسی که از من وام گرفتی طاعت او را از ولایت آن کسان که پس از تو

رَسُولِكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، حَتَّى وَالَيْتُ وُلَاةَ أَمْرِكَ أَمِيرَ

رسولت را که درودهای تو بر او و آل او و وصی او است. من عهد کردم به هر کسی که بعد از تو امر را بر عهده

الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَعَلِيًّا وَمُحَمَّدًا

مؤمنان را علی بن ابیطالب، حسن و حسین و علی و محمد

وَجَعْفَرًا وَمُوسَى وَعَلِيًّا وَمُحَمَّدًا وَالْحَسَنَ وَالْحُجَّةَ الْقَائِمَ

و جعفر و موسی و علی و محمد و حسن و حجت قائم

الْمَهْدِيَّ، صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، اللَّهُمَّ فَتَبِّئْنِي عَنِ دِينِكَ،

مهدی را. صلوات تو بر همه آنها باد. ای خداوند منم! مرا پیروی کن از دین خودت

وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ، وَلَيِّنْ قَلْبِي لِوَلِيِّ أَمْرِكَ، وَعَافِنِي مِمَّا امْتَحَنْتَ

و مرا با اطاعتت در کارهای من و دل مرا نرم کن برای ولی امرت و مرا عاف کن از آنچه امتحان کردی

بِهِ خَلْقَكَ، وَتَبِّئْنِي عَنِ طَاعَةِ وَلِيِّ أَمْرِكَ، الَّذِي سَتَرْتَهُ عَن خَلْقِكَ،

در خلق تو را و مرا پیروی کن از اطاعت آن کسی که پنهان کردی او را از خلق خود را و پیروی کن

وَبِإِذْنِكَ غَابَ عَن بَرِيَّتِكَ، وَأَمْرِكَ يَنْتَظِرُ، وَأَنْتَ الْعَالِمُ غَيْرُ الْمُعَلَّمِ

و با اذن تو که پنهان شدی از بریت و امرت را منتظر است و تو عالمی هستی که کسی را

بِالْوَقْتِ الَّذِي، فِيهِ صَلَاحُ أَمْرِ وَلِيِّكَ، فِي الْأُذُنِ لَهُ بِإِظْهَارِ أَمْرِهِ،

در آن وقت که در آن اصلاح امر ولی تو است که در گوش او با اظهار امر او

وَكَشَفَ سِتْرَهُ، فَصَبِّرْني عَلَيِّ ذَلِكَ، حَتَّى لَا أَحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ،

و پرده او را برداشتی، پس صبر کن برای من در آن، تا من دوست نداشته باشم تسریع آنچه را که

وَلَا تَأَخِّرَ مَا عَجَّلْتَ، وَلَا كَشَفَ مَا سَتَرْتَ، وَلَا الْبَحْثَ عَمَّا كَتَمْتَ،

و آنچه را که تسریع کردی و آنچه را که پنهان کردی و آنچه را که پنهان کردی

وَلَا أَنَاذِعَكَ فِي تَذْيِيرِكَ، وَلَا أَقُولُ لِمَ وَكَيْفَ، وَمَا بَاكَ وَلِيِّ الْأَمْرِ لَا

و من تو را در تذییرت آزار نمی دهم و نمی گویم که چرا و چگونه و آنچه را که از ولی امر

يَظْهَرُ قَدِ امْتَلَأَتِ الْأَرْضُ مِنَ الْجُورِ، وَأَفْوُضُ أُمُورِي كُلَّهَا إِلَيْكَ،

ظاهر شده است زمین را از جور و من همه کارهای خود را به تو می سپارم

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُرِينِي وَلِيَّ أَمْرِكَ ظَاهِرًا نَافِذَ الْأَمْرِ، مَعَ عِلْمِي

خداوند منم ای منم خواهی که من را اهل امر و اهل امرت را و اهل امرت را و اهل امرت را و اهل امرت را

بِأَنَّ لَكَ السُّلْطَانَ وَالْقُدْرَةَ، وَالْبُرْهَانَ وَالسُّحْبَةَ، وَالْمَشِيئَةَ وَالْحَوْلَ

چونکه در دست تو است سلطنت و قدرت و برهان و سحر و اختیار و توانایی

وَالْقُوَّةَ، فَافْعَلْ ذَلِكَ بِي وَبِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ، حَتَّى نَنْظُرَ إِلَى وَلِيِّ أَمْرِكَ

و قدرت و قوت و توانایی و اهل امرت را و اهل امرت را و اهل امرت را و اهل امرت را

صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ، ظَاهِرَ الْمَقَالَةِ، وَاضِحَ الدَّلَالَةِ، هَادِيًا مِنَ الضَّلَالَةِ،

و صلوات تو بر او باد ظاهر مقاله و واضح دلالت و هادی از گمراهی

شَافِيًا مِنَ الْجَهَالَةِ، أَبْرَزِيَا رَبِّ مُشَاهِدَتَهُ، وَتَبَّتْ قَرَاعِدُهُ، وَاجْعَلْنَا

و شافی از نادانی و برتری از پروردگارت را و مشاهده او را و تبت قرآید او را و اجعلنا

مِمَّنْ تَقَرُّ عَيْنُهُ بِرُؤْيَيْتِهِ، وَأَقِمْنَا بِخِدْمَتِهِ، وَتَوَقَّفْنَا عَلَى مِلَّتِهِ، وَاحْشُرْنَا

و ما را از کسانی که روشن گردد دیده شان به دیدن او را و بگماردند برای خدمت او را و توقفند بر مکتب او را و احشرونا

فِي زُفْرَتِهِ، اللَّهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ مَا خَلَقْتَ وَذَرَأْتَ، وَبَرَأْتَ

در کف او را و اهل امرت را و اهل امرت را و اهل امرت را و اهل امرت را

وَأَنْشَأْتَ وَصَوَّرْتَ، وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ، وَعَنْ يَمِينِهِ

و آنچه آفریدی و صورت دادی و محافظت کن از پیش رویش و از پشت سرش و از راست

وَعَنْ شِمَالِهِ، [وَ] مِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ، بِحِفْظِكَ الَّذِي لَا يَضِيعُ مَنْ

و چپش و از شمالی او را و از سر پنداش به نگهداری خودت که نگاه نشود هر که را نگاه

حَفِظْتَهُ بِهِ، وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَوَصِيَّ رَسُولِكَ، عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ،

نگهداری او را و نگهداری او را و وصی رسولت را و اهل امرت را و اهل امرت را و اهل امرت را

اللَّهُمَّ وَمُدِّ فِي عُمُرِهِ، وَزِدْ فِي أَجَلِهِ، وَأَعِنهْ عَلَى مَا وَلَّيْتَهُ

خداوند ای منم و دراز کن در عمر او را و بگمارد در احوال او را و بارش ده در آنچه بدستش سپردی

وَاسْتَرْعَيْتَهُ، وَزِدْ فِي كِرَامَتِكَ لَهُ، فَإِنَّهُ الْهَادِي الْمَهْدِيُّ، وَالْقَائِمُ

و رعایت کن او را و بگمارد در کرامت تو را و اهل امرت را و اهل امرت را و اهل امرت را

الْمُهْتَدِي، وَالطَّاهِرُ النَّقِيُّ، الزَّكِيُّ النَّقِيُّ، الرَّضِيُّ الْمَرْضِيُّ، الصَّابِرُ

راهنمای است و پاک و ساینده و ساینده و ساینده و ساینده و ساینده و ساینده

جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ، وَأَقْصِمَ بِهِ رُؤْسَ الضَّلَالَةِ، وَذَلَّلَ بِهِ الْجَبَّارِينَ

وَالْكَافِرِينَ، وَأَبْرَزَ بِهِ الْمُنَافِقِينَ وَالشَّاكِثِينَ، وَجَمَعَ الْمُخَالِفِينَ

وَالْمُلْحِدِينَ، فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، وَبَرَّهَا وَبَعْرَهَا، وَسَهْلَهَا

وَجَبَلَهَا، حَتَّى لَا تَدَعَ مِنْهُمْ ذَيْبَارًا، وَلَا تُبْقِيَ لَهُمْ آثَارًا، طَهَّرَ مِنْهُمْ

بِلَادَكَ، وَاشْفَى مِنْهُمْ صُدُورَ عِبَادِكَ، وَجَدَّدَ بِهِ مَا امْتَحَنَ مِنْ دِينِكَ،

وَأَصْلَحَ بِهِ مَا بَدَّلَ مِنْ حُكْمِكَ، وَغَيَّرَ مِنْ سُنَّتِكَ، حَتَّى يَعُودَ دِينُكَ بِهِ،

وَعَلَى يَدَيْهِ غَضًّا جَدِيدًا صَحِيحًا لَا عِرْجَ فِيهِ، وَلَا بِدْعَةَ مَعَهُ، حَتَّى

تُطْفِئَ بِعَذْلِهِ نِيرَانَ الْكَافِرِينَ، فَإِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ،

وَأَرْتَضَيْتَهُ لِنَصْرِ دِينِكَ، وَأَضْطَقَيْتَهُ بِعَلِيكَ، وَعَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ،

وَبَرَّأْتَهُ مِنَ الْعُيُوبِ، وَأَطْلَعْتَهُ عَلَى الْغُيُوبِ، وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ، وَطَهَّرْتَهُ

مِنَ الرَّجَسِ، وَنَقَيْتَهُ مِنَ الدَّنَسِ، اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ

الْأَيْمَةَ الطَّاهِرِينَ، وَعَلَى شَيْعَتِهِ الْمُتَتَجِبِينَ، وَبَلِّغْهُمْ مِنْ أَمَانِهِمْ مَا

يَأْمَلُونَ، وَاجْعَلْ ذَلِكَ مِنَّا خَالِصًا مِنْ كُلِّ شَكِّ وَشُبْهَةٍ، وَرِيَاءٍ وَسُمْعَةٍ،

حَتَّى لَا تُرِيدَ بِهِ غَيْرَكَ، وَلَا تَطْلُبَ بِهِ إِلَّا وَجْهَكَ، اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو

تا آنجا که نخواهیم چیزی را جز تو را بخوانیم و نخواهیم چیزی را جز تو را طلبیم و آنچه را که شکوایمان است

إِلَيْكَ فَقَدْ نَبَّيْنَا، وَغَيْبَةَ إِمَامِنَا، وَشِدَّةَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا، وَوُقُوعَ الْفِتَنِ بِنَا،

و آنچه را که پنهان کردی از ما و غیبت امام ما را و سختی زمان را بر ما را و وقوع فتنه را بر ما را

وَتَظَاهِرَ الْأَعْدَاءِ عَلَيْنَا، وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا، وَقِلَّةَ عَدِدِنَا، اللَّهُمَّ فَافْرُجْ

و آنچه را که دشمنان ما را بر ما ظاهر کردند و کثرت دشمنان ما را و کمبود تعداد ما را، خداوند ما را خلاص کن

ذَلِكَ عَنَّا بِفَتْحِ مِثْلِكَ تُعَجِّلُهُ، وَنَصْرِ مِثْلِكَ تُعِزُّهُ، وَإِمَامٍ عَدْلٍ تُظَهِّرُهُ، إِنَّهُ

آن را از ما را با فتحی که تو را عجل کند، و نصرتی که تو را عزیز کند، و امامی که عدل است تو را آشکارا کند، این است

الْحَقُّ آمِينَ، اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ أَنْ تَأْذَنَ لِوَلِيِّكَ، فِي إِظْهَارِ عَدْلِكَ فِي

حقیقت است آمین، خداوند ما را می‌خواهیم از تو بخواهیم که اجازه دهی برای ولی تو را در آشکار کردن عدالت تو را

عِبَادِكَ، وَقَتْلِ أَعْدَائِكَ فِي بِلَادِكَ، حَتَّى لَا تَدَعَ لِنَجْوَى يَا رَبِّ دِعَامَةً

بر عباد تو را و کشتن دشمنان تو را در سرزمین تو را تا آنجا که سرزمین تو را نگذاری به دشمنان تو را و حاکم تو را

إِلَّا قَصَمْتَهَا، وَلَا بَقِيَّةَ إِلَّا أَفْنَيْتَهَا، وَلَا قُوَّةَ إِلَّا أَوْهَنْتَهَا، وَلَا رُكْنًا إِلَّا

جز آنکه درهم شکنی و آنکه بی‌مانده‌ای جز آنکه نابودش کنی و آنکه نیروی جز آنکه سستش کنی و آنکه پایه‌ای جز آنکه

هَدَمْتَهُ، وَلَا خَدًّا إِلَّا فَالَلْتَهُ، وَلَا سِلَاحًا إِلَّا أَكَلَلْتَهُ، وَلَا زَايَةً إِلَّا نَكَّسْتَهَا،

برویم تو را و چیزی را که تکیه است بر آن جز آنکه سستش کنی و آنکه سلاحی جز آنکه کمزورش کنی و آنکه زیاده‌ای جز آنکه بگردانی

وَلَا شُجَاعًا إِلَّا قَتَلْتَهُ، وَلَا جَيْشًا إِلَّا خَدَلْتَهُ، وَارْزُقْهُمْ يَا رَبِّ بِحَبْرِكَ

و آنکه شجاعانی جز آنکه بکشی و آنکه سپاهیان جز آنکه خوارش کنی و برزق کن برای آنکه بی‌نیازند از تو

الدَّمَاعِ، وَاضْرِبْهُمْ بِسَيْفِكَ الْقَاطِعِ، وَبِأَسْبِكَ الَّذِي لَا تَرُدُّهُ عَنِ الْقَوْمِ

کسی را که دروغ گوید و با شمشیر بریده‌ای و گدازنده‌ای و اسب تو را که باز نمی‌گردانی از مردم

الْمُجْرِمِينَ، وَعَذِّبْ أَعْدَاءَكَ، وَأَعْدَاءَ وَلِيِّكَ، وَأَعْدَاءَ رَسُولِكَ،

مجرمان را و عذاب کن دشمنان خود را و دشمنان ولی تو را و دشمنان رسول تو را

صَلِّوْا تَكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِيَدِ وَلِيِّكَ، وَآيِدِي عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ، اللَّهُمَّ

باید دعا کنید بر او و آل او را با دست دوست تو را و دست پادشاهان و بندگان تو را که ایمان دارند، خداوند ما را

اَكْفِ وَلِيِّكَ وَحُجَّتَكَ فِي أَرْضِكَ هَوْلَ عَدُوِّهِ، وَكَيْدَ مَنْ أَرَادَهُ، وَامْكُرْ

تو را از دشمنان تو را و حق تو را در سرزمین تو را از وحشت دشمنان تو را و فریبدهی کسی که او را خواهد کرد و مکر تو را

يَمُنْ مَكْرَبِهِ، وَاجْعَلْ ذَايِرَةَ السَّوِّ عَلَى مَنْ آزَادَ بِهِ سُوءًا، وَقَطِّعْ عَنْهُ

بها هر کس که سه او مکر کند و چو سگ بد کند یا بدای هر کس که سوء قصد کند از او سه کردار را.

مَادَّتْهُمْ، وَأَزْعِبْ لَهُ قُلُوبَهُمْ، وَزَلْزِلْ أَقْدَامَهُمْ، وَخُذْهُمْ جَهْرَةً وَبَغْتَةً،

و شد آنها را از میان بر کوار بگردان و در دلهای آنها عذاب را بفرست و پاهاشان را بزلزله و بصر ایشان را بکوار بگردان.

وَشَدِّدْ عَلَيْهِمْ عَذَابَكَ، وَأَخْرِجْهُمْ فِي عِبَادِكَ، وَالْعَنَّهُمْ فِي بِلَادِكَ،

و عذابت را بر ایشان بشدت بگردان و بسوایستادگی بگردان در عبادت تو و لعنتشان کن در سرزمین تو.

وَأَسْكِنْتَهُمْ أَسْفَلَ نَارِكَ، وَأَحِطْ بِهِمْ أَشَدَّ عَذَابِكَ، وَأَضْلِهِمْ نَارًا، وَاحْشُ

و در آتش دوزخ حسابشان ده و محیط گردان بسوایستادگی بگردان عذابت را و در آتش حسابان بگردان.

قُبُورَ مَوْتَاهُمْ نَارًا، وَأَضْلِهِمْ حَرَّ نَارِكَ، فَإِنَّهُمْ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ،

گسور بگردان از آتش و در قبور آنها آتش و آتششان کن بسوایستادگی بگردان صلوات بگردان.

وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ، وَأَضَلُّوا عِبَادَكَ، وَأَخْرَبُوا بِبِلَادِكَ، اللَّهُمَّ وَأَخِي

و از شهوات پیروی کنند و بسوایستادگی بگردان عبادت تو و بگردان بگردان عبادت تو و بگردان عبادت تو.

بِوَلِيِّكَ الْقُرْآنَ، وَآرِنَا نُورَهُ سَرْمَدًا لِأَلَيْلٍ فِيهِ، وَأَخِي بِبِلَادِكَ، وَأَخِي

بندگش و نیک بگردان از بسوایستادگی بگردان قرآن را همیشه که شبها نور آید از آن آید و نیک بگردان عبادت تو.

الْمَيِّتَةَ، وَأَشْفِ بِهِ الصُّدُورَ الْوَعِغْرَةَ، وَاجْمَعْ بِهِ الْأَهْوَاءَ الْمُخْتَلِفَةَ عَلَى

میسرد و او بسوایستادگی بگردان بسوایستادگی بگردان و بگردان بسوایستادگی بگردان بسوایستادگی بگردان.

الْحَقِّ، وَاقِمِ بِهِ الْحُدُودَ الْمُعْطَلَةَ، وَالْأَحْكَامَ الْمُهْمَلَةَ، حَتَّى لَا يَبْقَى

حسب و بسوایستادگی بگردان بسوایستادگی بگردان و احکام و احکام بسوایستادگی بگردان بسوایستادگی بگردان.

حَقٌّ إِلَّا ظَهَرَ، وَلَا عَدْلٌ إِلَّا زَهَرَ، وَاجْعَلْنَا يَا رَبِّ مِنْ أَعْوَانِهِ، وَمُقَوِّبَةِ

نماند جز آنکه آشکار شود و نه عدل و دادی هر آنکه شکفته گسرد و بسوایستادگی بگردان بسوایستادگی بگردان بسوایستادگی بگردان.

سُلْطَانِيهِ، وَالْمُؤْتَمِرِينَ لِأَمْرِهِ، وَالرَّاضِينَ بِفِعْلِهِ، وَالْمُسْلِمِينَ لِأَحْكَامِهِ،

سلطنتش و بسوایستادگی بگردان بسوایستادگی بگردان و بسوایستادگی بگردان بسوایستادگی بگردان بسوایستادگی بگردان.

وَمِمَّنْ لَا حَاجَةَ بِهِ إِلَى التَّقِيَّةِ مِنْ خَلْقِكَ، وَأَنْتَ يَا رَبِّ الَّذِي تَكْشِفُ

و از کسانی که احتیاج به تقیه (و محافظه کاری و اظهار خلاف عقیده) از ترس مردم ندانسته باشند و بونی بسوایستادگی بگردان بسوایستادگی بگردان.

الضَّرَّ، وَتُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاكَ، وَتُنْجِي مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ،

گسرفزاری را و احسان کنی از درمسانده چگون بسوایستادگی بگردان بسوایستادگی بگردان بسوایستادگی بگردان.

فَاكْشِفِ الضَّرَّ عَنِّي وَلِيَّكَ، وَاجْعَلْهُ خَلِيفَةً فِي أَرْضِكَ، كَمَا ضَمَّنْتَ لَهُ،

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْنِي مِنْ خُصَمَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَلَا

تَجْعَلْنِي مِنْ أَعْدَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ

الْحَقِّ وَالْقَيْظِ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، فَإِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ

ذَلِكَ فَأَعِزَّنِي، وَاسْتَجِبْ بِكَ فَأَجِرْنِي، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

وَاجْعَلْنِي بِهِمْ فَائِزاً عِنْدَكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَمِنَ الْمُفْرِّقِينَ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

دعای ندبه

این دعا را مستحب است که در چهار عید یعنی عید فطر و نربان و غدیر و روز جمعه بخوانند و آن دعا این است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ

عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا، اللَّهُمَّ لَكَ

الْحَمْدُ عَلَى مَا جَرَى بِهِ قَضَائِكَ فِي أَوْلِيَاءِكَ، الَّذِينَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ

لِنَفْسِكَ وَدِينِكَ، إِذْ اخْتَرْتَ لَهُمْ جَزِيلَ مَا عِنْدَكَ مِنَ النِّعَمِ الْحَقِيمِ

الَّذِي لَا زَوَالَ لَهُ وَلَا اضْمِحْلَالَ، بَعْدَ أَنْ شَرَطْتَ عَلَيْهِمُ الزُّهْدَ فِي

دَرَجَاتِ هَذِهِ الدُّنْيَا الدِّنِيَّةِ، وَزُخْرُفِهَا وَزِينَتِهَا، فَسَرَطُوا لَكَ ذَلِكَ،

وَعَلِمْتَ مِنْهُمْ الوَفَاءَ بِهِ، فَقَبِلْتَهُمْ وَقَرَّبْتَهُمْ، وَقَدَّمْتَ لَهُمُ الذِّكْرَ العَلِيَّ،

وَالشُّنَاءَ العَلِيَّ، وَأَهْبَطْتَ عَلَيْهِم مَلَائِكَتَكَ، وَكَرَّمْتَهُم بِوَحْيِكَ،

وَرَفَدْتَهُم بِعِلْمِكَ، وَجَعَلْتَهُم الذَّرِيعَةَ إِلَيْكَ، وَالْوَسِيلَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ،

فَبَعْضُ أَسْكَتَهُ جَنَّتَكَ إِلَى أَنْ أَخْرَجْتَهُ مِنْهَا، وَبَعْضُ حَمَلْتَهُ فِي

فُؤَادِكَ وَنَجَّيْتَهُ، وَمَنْ آمَنَ مَعَهُ مِنَ الهَلَكَةِ بِرَحْمَتِكَ، وَبَعْضُ اتَّخَذْتَهُ

لِنَفْسِكَ خَلِيلاً، وَسَتَلْتَ لِسَانَ صِدْقِي فِي الأَخْرَافِ، فَأَجَبْتَهُ وَجَعَلْتَ

ذَلِكَ عَلِيّاً، وَبَعْضُ كَلَّمْتَهُ مِنْ شَجَرَةٍ تَكَلِّمًا، وَجَعَلْتَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ

رِذْءاً وَوَزِيراً، وَبَعْضُ أَوْلَدْتَهُ مِنْ غَيْرِ أبٍ، وَأَتَيْتَهُ البَيِّنَاتِ، وَأَيَّدْتَهُ

بِرُوحِ القُدُسِ، وَكُلُّ شَرَعْتَ لَهُ شَرِيعَةً، وَنَهَجْتَ لَهُ مِنْهَاجاً، وَتَخَيَّرْتَ

لَهُ أَوْصِيَاءَ، مُسْتَحْفِظاً بَعْدَ مُسْتَحْفِظٍ، مِنْ مُدَّةٍ إِلَى مُدَّةٍ، إِقَامَةً لِدِينِكَ،

وَخُجَّةً عَلَى عِبَادِكَ، وَلِتَلَّا يَزُولَ العَقُّ عَن مَقَرِّهِ، وَيَغْلِبَ البَاطِلُ

عَلَى أَهْلِهِ، وَلَا يَقُولَ أَحَدٌ لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولاً مُنذِراً، وَأَقَمْتَ لَنَا

عَلِمَا هَادِيًا، فَتَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَنَخْزَى، إِلَيَّ أَنْ تَهْتَيْتَ
 پس چسبی راهنما تا پیروی کنیم از آیات تو... از آنکه خوار و رسوا گردیم تا اینکه رساندی

بِالْأَمْرِ إِلَيَّ حَبِيبِكَ وَنَجِيْبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَكَانَ كَمَا
 تبار را دوست حبیبت خود و سرگزیده ات (حضرت) محمد صلی الله علیه و آله و او چنان بود که او را

اتَّجَبْتَهُ سَيِّدًا مِنْ خَلْقَتِهِ، وَصَفْوَةً مِنْ اصْطَفَيْتَهُ، وَأَفْضَلَ مَنْ اجْتَبَيْتَهُ،
 سرگزیدی سزوی افروزیدگان و سرگزیده سرگزیدگان و برترین استخواب شدگان

وَأَكْرَمَ مَنْ اعْتَمَدْتَهُ، قَدَمَتُهُ عَلَى أَنْبِيَائِكَ، وَبَعَثْتَهُ إِلَى الثَّقَلَيْنِ مِنْ
 و گرامی ترین مستعین تو بود و او را بر پیامبران مقدم داشتی و بسوی جن و انس از

عِبَادِكَ، وَأَوْطَأْتَهُ مَشَارِقَكَ وَمَغَارِبَكَ، وَسَخَّرْتَ لَهُ الْبُرَاقَ، وَعَرَّجْتَ
 بندگانت مبعوث فرمودی و مشرقها و مغربهای عالم را زیر پایش گذاردی و بوراق را سحر او گردانیدی

بِرُوحِهِ [بِهِ] إِلَى سَمَاوَاتِكَ، وَأَوْدَعْتَهُ عِلْمَ مَا كَانَ وَمَا يَكُونُ إِلَى انْقِضَاءِ
 و روحش آسمان خسود او را بسا بردی و علمم گذشته و آینده را با هنگام پایان

خَلْقِكَ، ثُمَّ نَصَرْتَهُ بِالرُّعْبِ، وَخَفَقْتَهُ بِجَبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَالْمُسَوِّمِينَ
 افرینش به اوسپران نگاه او را بوسپله نرس و رعب (در دل دشمنش) آباری کردی و کردار کردنش جبرئیل و میکائیل و فرشتگان

مِنْ مَلَائِكَتِكَ، وَوَعَدْتَهُ أَنْ تُظْهَرَ دِينَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ، وَلَوْ كَرِهَ
 لشکر او را واداشتی و به او وعده دادی که دینش را بر همه دینها پیروز گردانی اگر چه مشرکان

الْمُشْرِكُونَ، وَذَلِكَ بَعْدَ أَنْ بَرَأْتَهُ مُبَوَّءَ صِدْقٍ مِنْ أَهْلِهِ، وَجَعَلْتَ لَهُ
 خوش نداننده باشند. و این جریان پس از آنی بود که با بگیریش کردی در جایگاه راستی از خاندانش (یعنی آنان را برای حفظ دینش

وَأَلَّهُمْ أَوْلَ بَيْتٍ وَضَعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بَيْتَكَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ،
 معنی گردانی و قرار دادی برای او و آنگاه بهترین جایگاه ای را که برای مردم بنا شد که مکه است و مایه برکت و موجب راهنمایی

فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَقَامُ إِبْرَاهِيمَ، وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا، وَقُلْتَ إِنَّمَا يُرِيدُ
 حقایق است و در آن نشانه های آشکاری است قبل مقام ابراهیم و هر که در آن دراید آمین است. و فرمودی: و جز این نیست

اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا، ثُمَّ جَعَلْتَ
 که خدا اراده فرمود تا پاک دور کند از شما خاندان پلیدی را و بخوبی شما را پاک گردانده آنگاه

أَخْرَجَ مُحَمَّدًا رَأً كَلْبٍ فَرَدَّهَا عَلَى سَوْبِهَا وَأَلْبَسَ بَنَاتُكَ كُرْتَمًا حَمْرًا حَمْرًا وَجَعَلَ لَهَا لِحْزَانًا طَرْدًا دَائِمًا وَفَرَمُودِي وَبِكْرًا مِنْ
 خرد محمد را - کلب فرودمانی سوپور او و آلبس بنات - کورتها حمرا حمرا و چون او را لِحزان طرد دایمی و فرمودی: و بکر من

أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ، وَقُلْتُ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرِ

از شما برای رسالت مردی نخواهم چر دوستی خویشانم» و فرمودی: «آنچه مزد از شما خواستم

فَهُوَ لَكُمْ، وَقُلْتُ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرِ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ

آن هم بسود شما است» و فرمودی: «من از شما برای رسالت مزدی نخواهم مگر کسی که بخواهد بسوی پروردگار خویش

رَبِّهِ سَبِيلًا، فَكَانُوا هُمُ السَّبِيلَ إِلَيْكَ، وَالْمَسَلَكَ إِلَىٰ رِضْوَانِكَ، فَلَمَّا

راهی بسوی گسیده و اینها بودند آن راه بسوی تو و طریقه سلوک بسوی خوشنودیت و چون

انْقَضَتْ أَيَّامُهُ أَقَامَ وَلِيُّهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمَا

روزگار آن حضرت سیری شد برگماشت علی بن ابیطالب را - که دروذهای تو بر هر دوی آنها

وَآلِهِمَا هَادِيًا، إِذْ كَانَ هُوَ الْمُنْدِرَ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ، فَقَالَ وَالْمَلَأُ أَمَامَهُ

و بر ایشان باد - برای راهنمای زبوا که آن جناب بهم رفته و راهنمای مگر مکتبی بود و تو من باره تو پیوسته مگردی

مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَغَادٍ مَنْ غَادَاهُ،

که نزدش حاضر بودند فرمود: هر که من مولا و سرپرست اویم علی مولا و سرپرست او است خدایا دوست دار هر که دوستش دارد و

وَأَنْصُرُ مَنْ نَصَرَهُ، وَآخِذُ مَنْ خَذَلَهُ، وَقَالَ مَنْ كُنْتُ أَنَا نَبِيَّهُ فَعَلِيٌّ

دشمن دار هر که دشمنش باشد و یاری کن هر که یاریش کند و خوار کن هر که دست از یاریش بردارد، و فرمود: هر که من پیامبر او

أَمِيرُهُ، وَقَالَ أَنَا وَعَلِيٌّ مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ وَسَائِرُ النَّاسِ مِنْ شَجَرٍ

هستم علی امیر و فرمانروای او است، و فرمود: من و علی هر دو از یک درخت هستیم و سایر مردم از درختهای

شَتَّىٰ، وَأَحَلَّهُ مَحَلَّ هَارُونَ مِنْ مُوسَىٰ، فَقَالَ لَهُ أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ

متفرقی هستید، و رتبه او را نسبت به خود چون رتبه هارون نسبت به موسی قرار داد و بدو فرمود: مقام تو

هَارُونَ مِنْ مُوسَىٰ إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي، وَرَوَّجَهُ ابْنَتَهُ سَيِّدَةَ نِسَاءِ

تو بیش من مانند مقام هارون است از موسی جز اینکه پس از من نبی نیست و تزویج کرد به او دخترش بیای زان

الْعَالَمِينَ، وَأَحَلَّ لَهُ مِنْ مَسْجِدِهِ مَا حَلَّ لَهُ، وَسَدَّ الْأَبْوَابَ إِلَّا بَابَهُ، ثُمَّ

جهانان را رحلال کرد برای او از مسجدش آنچه برای خود او حلال بوده و بهمت درهای مسجد را جز در خانه علی را سپس

أَوْدَعَهُ عِلْمَهُ وَحِكْمَتَهُ، فَقَالَ أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا، فَمَنْ أَرَادَ

علم و حکمت خود را به او سپرد و فرمود: من شهر علمم و علی در آن شهر است پس هر که خواهد بدین

الْمَدِينَةَ وَالْحِكْمَةَ فَلْيَأْتِهَا مِنْ بَابِهَا، ثُمَّ قَالَ أَنْتَ أَخِي وَوَصِيِّي،

شهر درآیید و حکمت خواهی باید از در آن درآید، سپس فرمود: تویی برادر من و وصی من

وَوَارِثِي لَحْمِكَ مِنْ لَحْمِي، وَدَمِّكَ مِنْ دَمِي، وَسِلْمِكَ سِلْمِي،

و وارث من گوشتت از گوشت من و خبونت از خبون من است مسلح تو مسلح من

وَخَرِبُكَ خَرِبِي، وَالْأَيْمَانُ مُخَالِطُ لَحْمِكَ وَدَمِّكَ كَمَا خَالَطَ لَحْمِي

و جنگ تو جنگ من است و ایمان با گوشتت و خون تو آمیخته شده چنانچه با گوشت

وَدَمِي، وَأَنْتَ غَدَاً عَلَى الْحَوْضِ خَلِيفَتِي، وَأَنْتَ تَقْضِي دِينِي، وَتُنَجِّزُ

و خون من است و تو در هر دو محشر بر سر عرش (کعبه) جانشین منی و تو من بر دینی سرافراز و وفا می کنی

عِدَاتِي، وَشَيْعَتُكَ عَلَيَّ مَنَابِرٌ مِنْ نُورٍ مُبِيضَةٍ وَجُوهُهُمْ حَوْلِي

به وعده های من و شیعیانت بر منبرهایی از نور با روهای (سورانی و) سفید در بهشت اطراف

فِي الْجَنَّةِ وَهُمْ جِيرَانِي، وَلَوْلَا أَنْتَ يَا عَلِيُّ لَمْ يُعْرِفِ الْمُؤْمِنُونَ

منند و آنها همسایگان منند و اگر تو نبودی - ای علی - مؤمنان پس از من شناخته نمی شدند،

بَعْدِي، وَكَانَ بَعْدَهُ هُدًى مِنَ الضَّلَالِ، وَنُوراً مِنَ الْقَمَى، وَحَبْلَ اللَّهِ

و آن جناب پس از رسول خدا راهنمای گمراهی و روشنائی از کسوری جهالت و رشته محکم خدا

الْمَتِينِ، وَصِرَاطَهُ الْمُسْتَقِيمِ، لَا يُسْبَقُ بِقَرَابَةٍ فِي رَحِمٍ، وَلَا بِسَابِقَةٍ فِي

راه راست او بود، کسی پیشی نگرفت بر او در نزدیکی خویشاوندی به رسول خدا و نه از نظر سابقه در

دِينٍ، وَلَا يُلْحَقُ فِي مَنْقَبَةٍ مِنْ مَنْاقِبِهِ يَحْذُو حَذْوَ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ

دین و نه کسی توانست در یکی از منقبتها به او برسد، همانند رسول خدا بود - که درود خدا

عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا، وَيُقَاتِلُ عَلَى التَّأْوِيلِ، وَلَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ،

بر هر دو ایشان باد - و او بود که بر طبق تائویل و باطن قرآن می جنگد و توبیخ خدا با کسی از سرزنش ملامتکنندگان

قَدْ وَتَرَ فِيهِ صَنَادِيدَ الْعَرَبِ، وَقَتَلَ أَبْطَالَهُمْ، وَنَاوَشَ ذُؤَبَانَهُمْ، فَأَوْدَعَ

سزاشت در راه خدا خون بزرگان عرب را به خاک ریخت و دلاوران ایشان را بکشت و با گمراهان در امتداد همین سبب شد

قُلُوبَهُمْ، أَخْقَاداً بَدْرِيَّةً، وَخَيْبَرِيَّةً وَحُنَيْنِيَّةً وَغَيْرَهُنَّ، فَأَضَبَتْ عَلَى

در دلهای ایشان کینه ها بگذارد کینه های جنگ بدر و خیبر و حنین و غیر آنها پس دشمنی او را

عَدَاوَتِهِ، وَكَتَبَتْ عَلَى مُنَابِدَتِهِ، حَتَّى قَتَلَ التَّاكِيثِينَ وَالْقَاسِطِينَ

به دل گرفتند و به جنگ و مخالفت با او برخاستند تا کشتار کرد با ایمان شکنان (طالع و زبور و همراهان) و زورگویان

وَالْمَارِقِينَ، وَلَمَّا قَضَى نَحْبَهُ، وَقَتَلَهُ أَشَقَى الْأَخْرِبِينَ يَتَّبِعُ أَشَقَى

(اسماویه و همسرش) و از دین بپروان رفتگان (صحاب نپروان) و چون درگذشت و شرفترین مردم پسران که پیروی

الأولین، لم یُمثَلْ أَمْرُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْهَادِينَ

کردن او نسبیترین پیشینیان او را گشت استمال نمودن دستور رسول خدا صلی الله علیه و آله که در باره راهنمایان دین

بَعْدَ الْهَادِينَ، وَالْأُمَّةُ مُصِرَّةٌ عَلَى مَقْتِهِ، مُجْتَمِعَةٌ عَلَى قَطِيعَةِ رَحِيمِهِ،

بکسی پس از دیگرانی فرموده شود و است پشافتاری بر دشمنی آن حضرت کردند و گرد آمدند برای قطع رحم او

وَأَقْضَاءِ وُلْدِهِ إِلَّا الْقَلِيلَ مِمَّنْ وَفِي لِرِغَايَةِ الْحَقِّ فِيهِمْ، فَقُتِلَ مَنْ قُتِلَ،

و تبعید کردن (و او را ساختن) فرزندانش جز اندکی از کسانی که وفا کردند در رعایت کردن حق در ایشان و در نتیجه جمع گشت

وَسُبِّيَ مَنْ سُبِّيَ، وَأَقْصِي مَنْ أَقْصِي، وَجَرَى الْقَضَاءُ لَهُمْ بِمَا يُرْجَى

و گروهی اسیر و دستهای از وطن او را گشتند و قلم نغذیر و نما طوری بر ایشان جاری شد که امید پاداش

لَهُ حُسْنُ الْمَثُوبَةِ، إِذْ كَانَتْ الْأَرْضُ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ،

نیک در آن می رود زیبا (کسره) زمین از خدا است و به هر که از بندگانش که بخواهد آن را ارث دهد

وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ، وَسُبْحَانَ رَبَّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا، وَلَنْ

و بعدو پاکانند و سزاواران آن پس هرگز کار آن است و منزه است پروردگار ما که حتما وعده پروردگارمان انجام شدنی است

يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ، فَعَلَى الْأَطْنَابِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ

و خدا خلف وعده نمی کند و او است نیرومند فرزانه پس سر پاکسیرگان از خاندان

مُحَمَّدٍ وَعَلَى صَلَى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا، فَلَيْتَبِكَ الْبَاكُونَ، وَإِيَاهُمْ

محمد و علی - هر دو خدا بر هر دو ایشان و ایشان باد - باید گریه کنندگان بگیرند و بر آنها

فَلَيْتَنْدُبِ النَّادِبُونَ، وَلَيْمِثْلِهِمْ فَلْتَذْرِفِ الدُّمُوعُ، وَلَيْصُرُخِ الصَّارِخُونَ،

باید زاری کنندگان زاری کنند و برای استمال آنها باید اشکها روان گردد و فریاد زتندگان فریاد رسد

وَيَضِجُ الضَّاجُونَ وَيَعِجُ الْعَاجُونَ، آئِنَ الْحَسَنِ آئِنَ الْحُسَيْنِ، آئِنَ

و شیون کنندگان شیون کنند و غروش کنندگان غروش سر دهند کجاست حسن؟ و کجاست حسین؟ و کجا بند

أَبْنَاءَ الْحُسَيْنِ، ضَالِحٌ بَعْدَ ضَالِحٍ، وَضَادِقٌ بَعْدَ ضَادِقٍ، آئِنَ السَّبِيلِ

فرزندان حسین؟ ضایسته ای پس از ضایسته دیگر و راستگونی پس از راستگوی دیگر کجاست آن راه حق

بَعْدَ السَّبِيلِ، آئِنَ الْخَيْرَةِ بَعْدَ الْخَيْرَةِ، آئِنَ الشُّمُوسِ الطَّالِعَةِ، آئِنَ

پس از راه دیگر؟ کجا بند برگزیدگان (خدانسی) هر یک پس از دیگری؟ کجا بند خورشیدهای تابان؟ کجا بند

الْأَقْمَارِ الْمُنِيرَةِ، آئِنَ الْأَنْجُمِ الزَّاهِرَةِ، آئِنَ أَعْلَامِ الدِّينِ وَقَوَاعِدِ الْعِلْمِ،

سماهای نور افشان؟ کجا بند اختران فرروزان؟ کجا بند بزرگان دین و پایه های دانش؟

أَيْنَ بَقِيَّةِ اللَّهِ الَّتِي لَا تَخْلُو مِنَ الْعِثْرَةِ الْهَادِيَّةِ، أَيَّنَ التَّمَعَّدُ لِقَطْعِ

کجا است بجا ماندن خدا که بیرون از خاندان عترت راهنمای رسول خدا نیست؟ کجا است انکه ماندن خدا برای ریشه کن

ذَابِرِ الظَّلَمَةِ، أَيَّنَ الْمُنتَظَرُ لِإِقَامَةِ الْأَمْتِ وَالْعِوَجِ، أَيَّنَ الْمُزْتَجِي

ساختن سنگران؟ کجا است انکه چشم پراهن هستند برای راست کردن نادرستیها و کجیها؟ کجا است

لِإِزَالَةِ الْجَوْرِ وَالْعُدْوَانِ، أَيَّنَ الْمُدَّخِرُ لِتَجْدِيدِ الْقَرَائِضِ وَالسُّنَنِ،

ان سایه امید برای از بین بردن منم و تجاوز؟ کجا است انکه ذخیره شده برای نو کردن فریفتها و مستهای دین؟

أَيْنَ الْمُتَخَيَّرُ لِأَعَادَةِ الْمِلَّةِ وَالشَّرِيعَةِ، أَيَّنَ الْمُؤَمَّلُ لِأَخْيَاءِ الْكِتَابِ

کجا است ان کس که انتخاب گشته برای برگرداندن کیش و آئین؟ کجا است انکه از پیش طریقه برای زنده کردن قرول

وَحُدُودِهِ، أَيَّنَ مُخَيِّ مَعَالِمِ الدِّينِ وَأَهْلِيهِ، أَيَّنَ قَاصِمٌ شَوْكَةَ الْمُعْتَدِينَ،

و حدود ان؟ کجا است زنده کننده آثار دین و اهل دین؟ کجا است درهم شکننده شوکت زورگویان؟

أَيْنَ هَادِمٌ أَبْنِيَةِ الشِّرْكِ وَالنَّفَاقِ، أَيَّنَ مُبِيدٌ أَهْلَ الْفُسُوقِ وَالْعِصْيَانِ

کجا است ویران کننده بناهای نسری و دورویی؟ کجا است نابود کننده اهل فسق و گناه

وَالطُّغْيَانِ، أَيَّنَ خَاصِدٌ فُرُوعَ الْغَىِّ وَالشَّفَاقِ، أَيَّنَ طَامِسٌ آثَارَ الزَّيْغِ

و طغیان؟ کجا است انکه شاخه های گمراهی و اختلاف را ببرد؟ کجا است محو کننده آثار کجروی

وَالأَهْوَاءِ، أَيَّنَ قَاطِعٌ حَبَائِلِ الْكِذْبِ وَالْأَفْتِرَاءِ، أَيَّنَ مُبِيدٌ الْعَثَاةَ

و هوا و هوسها؟ کجا است بباره کننده دامهای دروغ و بیعتان؟ کجا است نابود کننده سرکشان

وَالسَّمَرَدَةِ، أَيَّنَ مُسْتَأْصِلٌ أَهْلَ الْعِنَادِ وَالتَّضَلُّبِ وَالْإِلْحَادِ، أَيَّنَ مُعِزُّ

و سمردان؟ کجا است ریشه کن کننده ستمخواهان و گمراهان و بی دینان؟ کجا است عزت بخش

الْأَوْلِيَاءِ وَمَذِلُّ الْأَعْدَاءِ، أَيَّنَ جَامِعُ الْكَلِمَةِ عَلَى التَّقْوَى، أَيَّنَ بَابُ اللَّهِ

دوستان و غوار کننده دشمنان؟ کجا است گردآورنده سخنان بر برهیزکاری؟ کجا است ان درگاه خداوند

الَّذِي مِنْهُ يُوتَى، أَيَّنَ وَجْهُ اللَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ يَتَوَجَّهُ الْأَوْلِيَاءُ، أَيَّنَ السَّبَبُ

که از اجا بسوی خدا روند؟ کجا است ان انبیه خدائس که بسویش توجه کند اولیاء؟ کجا است ان سبب خدائس

الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ، أَيَّنَ صَاحِبُ يَوْمِ الْفَتْحِ وَنَاشِرُ رَايَةِ

که پیوست است میان زمین و آسمان؟ کجا است ان فرمانروای روز فتح و پیروزی و برآورنده پرچم

الهُدَى، أَيَّنَ مُؤَلَّفٌ شَمْلِ الصَّلَاحِ وَالرِّضَا، أَيَّنَ الطَّالِبُ بِدُحُولِ

هدایت و راهنمایی؟ کجا است گردآورنده شمایستگی و خوشنودی (حق)؟ کجا است خواهنده خون

الْأَنْبِيَاءِ وَأَبْنَاءِ الْأَنْبِيَاءِ، أَيُّنَ الطَّالِبِ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَاءَ، أَيُّنَ

پیامبران و فرزندان پیامبران؟ کجاست خواهنده خون کشته کربلا؟ کجاست آن

الْمَنْصُورُ عَلَيَّ مَنِ اعْتَدَى عَلَيْهِ وَافْتَرَى، أَيُّنَ الْمُضْطَرِّ الَّذِي يُجَابُ

یاری شده و پیروز شد بر کسانی که بر او ستم کردند و دروغ بستند؟ کجاست آن درمادهای که چون دعا کند

إِذَا دَعَى، أَيُّنَ صَدْرِ الْخَلَائِقِ ذُو الْبِرِّ وَالتَّقْوَى، أَيُّنَ ابْنِ النَّبِيِّ

به اجابت رسد کجاست صدر مخلوقات عالم آن نیکوکار با تقوی؟ کجاست فرزند پیامبر

الْمُصْطَفَى، وَابْنِ عَلِيِّ الْمُرْتَضَى، وَابْنِ خَدِيجَةَ الْغُرَاءِ، وَابْنِ فَاطِمَةَ

برگزیده و فرزند علی مرتضی و فرزند خدیجه روشن سیم و فرزند فاطمه

الْكُبْرَى، يَا بِي أَنْتَ وَأُمِّي وَتَفْسِي لَكَ الْوِقَاءُ وَالْحِمَى، يَا بِنَ الشَّادَةِ

کبری؟ پدر و مادرم به هدایت و خودم بسلاگردان و سپهر پیش روی تو باشم ای فرزند بزرگان

الْمُقَرَّبِينَ، يَا بِنَ النَّجْبَاءِ الْأَكْرَمِينَ، يَا بِنَ الْهُدَاةِ الْمَهْدِيَّينَ، يَا بِنَ

مقرب درگاه حق ای فرزند نجیبان گرامی ای فرزند راهنمایان راه یافته ای فرزند

الْخَيْرَةِ الْمُهْدِيَّينَ، يَا بِنَ الْفَطْرِ الْآنَجِبِينَ، يَا بِنَ الْأَطَائِبِ

بسیار پاکیزه ای فرزند گرامیان برگزیده ای فرزند پاکان

الْمُطَهَّرِينَ، يَا بِنَ الْخَضَارِمَةِ الْمُنتَجِبِينَ، يَا بِنَ الْقِمَاقِمَةِ الْأَكْرَمِينَ، يَا

پاکیزه ای فرزند جوانمردان برگزیده ای فرزند دریاهای بخشش و عطای گرامی ای

بْنَ الْبُدُورِ الْمُنِيرَةِ، يَا بِنَ السُّرُجِ الْمُضِيئَةِ، يَا بِنَ الشُّهْبِ الشَّاقِبَةِ، يَا

فرزند ماههای نور افشان ای فرزند چراغهای تابان ای فرزند ستارگان سرروزان ای

بْنَ الْأَنْجُمِ الزَّاهِرَةِ، يَا بِنَ السُّبُلِ الْوَاضِحَةِ، يَا بِنَ الْأَعْلَامِ اللَّائِحَةِ، يَا

فرزند آفتابان درخشان ای فرزند راههای روشن ای فرزند نشانههای آشکار ای

بْنَ الْعُلُومِ الْكَامِلَةِ، يَا بِنَ الشُّنَنِ الْمَشْهُورَةِ، يَا بِنَ الْمَعَالِمِ الْمَأْثُورَةِ،

فرزند دانشهای کامل ای فرزند آئینهای معروف و مشهور ای فرزند آثار و معالم رسیده (از خدا و انبیاء)

يَا بِنَ الْمُعْجَزَاتِ الْمَوْجُودَةِ، يَا بِنَ الدَّلَائِلِ الْمَشْهُودَةِ، يَا بِنَ

ای فرزند معجزات موجود ای فرزند دلایل آشکار ای فرزند

الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ، يَا بِنَ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ، يَا بِنَ مَنْ هُوَ فِي أُمَّ الْكِتَابِ

راه مستقیم ای فرزند آن غیر بسیار بزرگ ای فرزند کسی که در دفتر اصلی

لَدَى اللَّهِ عَلِيُّ حَكِيمٌ، يَا بْنَ الْأَيَّاتِ وَالْبَيِّنَاتِ، يَا بْنَ الدَّلَائِلِ

سزد خدا «علی» (اولا) و سرزاسه است ای سرزند آیات و نشانه‌های آشکار ای سرزند دلیلهای

الظَّاهِرَاتِ، يَا بْنَ الْبَرَاهِمِ الْوَاضِحَاتِ الْبَاهِرَاتِ، يَا بْنَ الْحُجَجِ

مهوردا ای سرزند بسرهانهای مسلمان روشن ای سرزند حجههای

الْبَالِغَاتِ، يَا بْنَ النَّعْمِ الشَّايِغَاتِ، يَا بْنَ طَهٍ وَالْمُحْكَمَاتِ، يَا بْنَ يَسِّ

رسا ای سرزند نعمتهای شایان و فراوان ای سرزند طه و آیات محکم قرآن ای سرزند سوره یس

وَالذَّارِيَّاتِ، يَا بْنَ الطُّورِ وَالْعَادِيَّاتِ، يَا بْنَ مَنْ دَنَى فِتْدَلَى فَكَانَ

و داریات ای سرزند سوره طور و العادیات ای سرزند کسی که (در شب معراج) نزدیک شد و نزدیکتر شد

قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى دُنُوًّا وَاقْتِرَابًا مِنَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى، لَيْتَ شِغْرِي

به فاصله دو کمان یا نزدیکتر، در نزدیکی و قرب نسبت به خدای والای اعلی، ای کاش می دانستم

أَيْبَنَ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوَى، بَلْ أَىْ أَرْضٍ تُقِيلُكَ أَوْ تُرَى، أَبْرَضُوئِ أَوْ

در چه جانی منزل گرفته‌ای و چه سرزمین و مکانی تو را بر خود نگهداشته ایسا در کوه رضوانی یا

غَيْرِهَا أَمْ ذِي طُورِي، عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَرَى الْخَلْقَ وَلَا تُرَى، وَلَا أَسْمَعُ

غیر آن ایسا در دی طوری، گران ایسا بر من که مردم را ببینم ولی تو دیده بشوی و بشنوم

لَكَ حَسِيبًا وَلَا نَجْوَى، عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ تُحِيطَ بِكَ دُونِي الْبَلْوَى، وَلَا

از تو صدا و نه رازی، گران ایسا بر من کسه بی من بر تو نسلها بلا اصاحه کند، و

تِنَالِكَ مِنِّي ضَجِيجٌ وَلَا شَكْوَى، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُقَيَّبٍ لَمْ يَخُلْ مِنَّا،

سداى زاری و شکوه من به تو نرسد، جام به قربانت ای پنهانی که از میان ما بیرون نیستی

بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَارِحٍ مَا نَزَحَ عَنَّا، بِنَفْسِي أَنْتَ أَمْنِيَّةٌ شَائِقٌ يَتَمَتَّنِي

جام به قربانت ای دور از نظری گسه از ما دور نیست جام به قربانت ای ارامان هر مشتاقی که ازویت کند

مِنْ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ ذَكَرًا فَحَنَّا، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ عَقِيدٍ عَزَّ لَا يُسَامَى،

از مردان و زنان با ایمانی که به یاد تو ناله از دل کشند جام به قربانت ای بسته به عزتی که کسی بر تو برنوی

بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ أَثِيلٍ مَجْدِلًا يُجَارَى، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ تِلَادٍ نِعَمٌ لَا

نگیرد جام به قربانت ای مسجد و سوکت ریشه‌داری که همواره سدارد و جام به قربانت ای نعمت دیربومی

تُضَاهَى، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَصِيفٍ شَرَفٍ لَا يُسَاوَى، إِلَيَّ مَتَى أَخَارُ

که نسبه سدارد جام به قربانت ای فرین شرف و سوزگوری که برابرس سدارد، تا کسی سرگردان

فَيْكَ يَا مَوْلَايَ، وَالِي مَتَى وَأَيَّ خِطَابٍ أَصِفُ فَيْكَ وَأَيَّ نَجْوَى،

تو باشم ای مولای من؟ و تا کی و به چه زبانی وصف تو گویم و راز دل کنم

عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَجَابَ دُونَكَ وَأَنَاغِي، عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَبْكِيكَ وَيَخْذُلَكَ

گران و ناگوار است بر من که پاسخ از دیگری جز تو بشنوم و گفتگو کنم، گران است بر من که بر تو بگرییم ولی مردم تو را

الْوَرَى، عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ يَجْرِيَّ عَلَيْكَ دُونَهُمْ مَا جَرَى، هَلْ مِنْ مُعِينٍ

واگذارند، گران است بر من که بر تو بگذرد آنچه می گذرد نه بر دیگری، ایسا کمک کاری هست

فَأُطِيلَ مَعَهُ الْعَوِيلَ وَالْبُكَاءَ، هَلْ مِنْ جَزُوعٍ فَمَا سَاعِدَ جَزَعَهُ إِذَا خَلَا،

که با او بسراید و گریه را طولانی کنم ایسا بر من (چون من) هست که چون به خلوت رود در زاری و جزع کمکنم

هَلْ قَدِيتَ عَيْنٌ فَمَا سَاعِدَتْهَا عَيْنِي عَلَى الْقَدَى، هَلْ إِلَيْكَ يَا بَنَ أَحْمَدَ

ای چشمی هست که خار فراق در آن خلیده و گریان باشد تا چشم پر خوار من نیز بباریش دهد، ایای پسر احمد

سَبِيلٌ فَتَلْقَى، هَلْ يَتَّصِلُ يَوْمَنَا مِنْكَ بِعِدَةٍ فَتَنْحِطِي، مَتَى تَرِدُ مِنَّا هَيْلَكَ

بسویت راهی هست تا دیدارت کنم آیا روز جدائی ما به وعده تو پیوسته می شود تا بهره مند گردیم؟ کی می شود که به سرچشمه های

الرَّوِيَّةِ فَتَرَوِي، مَتَى نَنْتَقِعُ مِنْ عَذَابِ مَاثِكَ فَقَدْ طَالَ الصَّدَى، مَتَى

بسرایت توانیم و بسرآب شویم، کی می شود که بسرآب گردیم از آب وصل تو که تشنگی ما بدراز کشد کی می شود

نُعَادِيكَ وَتُرَاوِيحُكَ فَتَقِرَّ عَيْنَانَا، مَتَى تَرَانَا وَتَرِيكَ، وَقَدْ تَشَرَّتْ لِي وَاآءُ

که صبح و شام را با تو بسر ببریم و دیده روشن کنیم، کی می شود که تو ما را ببینی و ما تو را ببینیم و هرچم

النَّصْرِ تُرَى، أَتَرَانَا نَحْفُ بِكَ وَأَنْتَ تَأْمُ الْمَلَأَ، وَقَدْ مَلَأَتِ الْأَرْضَ

بصرت را برافراشته باشی و مردم آن را مشاهده کنند، آیا می شود که ما ببینیم آن روزی که ما کردار کردت را گرفته و تو رهبر مردم

عَدْلًا، وَأَذَقْتَ أَعْدَائِكَ هَوَانًا وَعِيقَابًا، وَأَبْرَتِ الْعَثَاةَ وَجَحْدَةَ الْحَقِّ،

باشی و زمین را برار عدل و داد کنی و نجشانی به دشمنان خواری و کیفر را و نابود کنی سرکشان و سگران حق را

وَقَطَعْتَ ذَابِرَ الْمُتَكَبِّرِينَ، وَاجْتَنَنْتِ أَصُولَ الظَّالِمِينَ، وَنَحْنُ نَقُولُ

و بسزنی ریشخند گسردنگشان را و بسزنی اساس سستکاران را و ما بگوئیم:

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، أَللَّهُمَّ أَنْتَ كَشَّافُ الْكُرْبِ وَالْبَلْوَى، وَالإِيكَ

ستایش خاص خدا پروردگار جهانیان است خدایا نونی برطرف کننده گرفتاریها و بلا و از تو دادرسی

أَسْتَعْدِي فَعِنْدَكَ الْعُدْوَى، وَأَنْتَ رَبُّ الْأَخِرَةِ وَالْأُولَى، فَأَعِثْ يَا غِيَاثَ

و بسیاری جسمی که در بسزد تو است دادخواهش و بیماری و نونی پروردگار آخرت و دنیا پس سرپناه رسمی کن ای سرپناهنده

المُسْتَغِيثِينَ، عُيَيْدَكَ الْمُبْتَلَى وَأَرِهِ سَيِّدَهُ يَا سَدِيدَ الْقَوَى، وَأَزِلْ عَنْهُ

درمسانگان از بسنده خسره گرفتارم، و بسنایان بسه او اقمایش را ای سسخت نسرو و زائل کن

بِهِ الْأَسَى وَالْجَوَى، وَبَرِّذْ غَلِيْلَهُ يَا مَنْ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَرَى، وَمَنْ

به دیدار آن حموت از او آندوه و سور دلش را و فرو نشان سوز عطشش را ای که بر عرش استواری و ای که

إِلَيْهِ الرُّجْعَى وَالْمُنْتَهَى، أَللَّهُمَّ وَتَحْنُ عَيْدِكَ الشَّاكِرُونَ إِلَىٰ وَلِيَّكَ،

بسوی او است بازگشت و سر منزل هر چیز خدایا و مانیم بندگان تو که شیفته دیدار نمایندات هستیم انکه مردم

الْمُذَكَّرِ بِكَ وَبِنَبِيِّكَ، خَلَقْتَهُ لَنَا عِصْمَةً وَمَقْلَظًا، وَأَقَمْتَهُ لَنَا قِوَامًا

را به یاد تو و به یاد پیامبرت اندازد و تو او را فریدی که نگهدار و پشتیبان ما باشد و برپایش دانستی

وَمَقْلَظًا، وَجَعَلْتَهُ لِمُؤْمِنِينَ مِنَّا إِهَامًا، فَبَلِّغْهُ مِنَّا تَحِيَّةً وَسَلَامًا،

تا قوام و پناهگاه ما باشد و او را پیشوای مؤمنین از ما گردانی پس برسان به آن جناب از طرف ما تحیت و سلامی

وَرِذْنًا بِذَلِكَ يَا رَبَّ اكْرَامًا، وَاجْعَلْ مُسْتَقَرَّهُ لَنَا مُسْتَقَرًّا وَمَقَامًا،

و بسیزا بسدینوسیه ای پروردگار ما بر کرامت و مقام ما و جایگاه او را جایگاه و امانگاه ما قرار ده

وَأَتِمِّمْ نِعْمَتَكَ بِتَقْدِيمِكَ إِثْيَاهُ آمَانًا، حَتَّىٰ تُورِدَنَا جَنَّاتِكَ، وَمُرَافَقَةَ

و کامل کن نعمتت را بر ما به مقدم دانستن آن بزرگوار را در پیش روی ما تا ما را به بهشتهای تو درآورد و به رفقت

الشُّهَدَاءِ مِنْ خُلَصَائِكَ، أَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَصَلِّ

او هم بشینی) شهیدان از بندگان خلصت برساند خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و درود فرست

عَلَىٰ مُحَمَّدٍ جَدِّهِ وَرَسُولِكَ السَّيِّدِ الْأَكْبَرِ، وَعَلَىٰ [عَلِيٍّ] أَبِيهِ السَّيِّدِ الْأَصْغَرِ،

بر محمد جد بزرگوار او و رسول تو آن امای بزرگ و بر علی پدر بزرگوارش آن امای کوچکتر

وَجَدَّتَيْهِ الصَّدِيقَةِ الْكُبْرَىٰ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ، وَعَلَىٰ مَنْ اصْطَفَيْتَ

و بر جددهاش صدیقه کبری فاطمه دختر محمد و بر برگزیدگان نیک رفتار

مِنْ آبَائِهِ الْبَرَّةِ، وَعَلَيْهِ أَفْضَلُ وَأَكْمَلُ، وَأَتَمُّ وَأَدْوَمُ، وَأَحْسَرُ وَأَوْفَرُ مَا

از پدران آن حضرت و بر خود آن جناب عزیزترین و کاملترین و تمامترین و مداومترین و بیشترین و فراوانترین

صَلَّيْتَ عَلَىٰ أَحَدٍ مِنْ أَصْفِيَائِكَ، وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَصَلِّ عَلَيْهِ

درودی که بر سنی سر یکی از برگزیدگان و نیکان از خلق خود و درود فرست بر آن جناب

صَلْوَةً لِأَعْيَانِهَا، لِأَنْهَايَةِ لِمَدَدِهَا، وَلَا تَفَادَ لِأَمْدِهَا، أَللَّهُمَّ

درودی که شماردهاش بسی حد و مدتش بسی نهایت و تمام نشدنی باشد خدایا

وَأَقِم بِهِ الْحَقَّ، وَأَذِخْضْ بِهِ الْبَاطِلَ، وَأَدِلْ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ، وَأَذِلِّلْ بِهِ

حق را بسویله ان حضرت برپا دار و باطل را بسو نابود گردان و دوستانت را بسویله اش به دولت رسان و

أَعْدَاءَكَ، وَصِلِ اللَّهُمَّ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ وَصَلَةٌ تُؤَدِّي إِلَى مُرَافَقَةِ سَلَفِهِ،

دشمنانت را بدست او خوار گردان و بیوند کن خدا با میان ما و او را به پیوندی که رساند ما ز به رفاهت پدران گذشته او

وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَأْخُذُ بِحُجْرَتِهِمْ، وَيَمْكُثُ فِي ظِلِّهِمْ، وَأَعِنَّا عَلَى تَأْدِيَةِ

و بگردان ما را از کسانی که دامن آنها را بگیرند و در سایه لطف آنها تابستند و کمکمان کن بر ادای

حُقُوقِهِ إِلَيْهِ، وَالْأَجْتِهَادِ فِي طَاعَتِهِ، وَاجْتِنَابِ مَعْصِيَتِهِ، وَامْنُنْ عَلَيْنَا

حقون ان حضرت و سعی و کوشش در فرمانبرداریش و دوری از نافرمانیش و منتت نه بر ما

بِرِضَاهُ، وَهَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ وَرَحْمَتَهُ وَدُعَاءَهُ وَخَيْرَهُ فَأَنَّا لِبِهِ سَعَةٌ مِنْ

به خوشنودیش و ببخش بر ما رأفت و مهربانی و دعا و خیر ان حضرت را بدان حد که برسیم بدانوسیله

رَحْمَتِكَ، وَفَوْزاً عِنْدَكَ، وَاجْعَلْ صَلَاتِنَا بِهِ مَقْبُولَةً، وَذُنُوبَنَا بِهِ

به رحمت وسیع تو و به کامیابی از نزد تو و بگردان نمازهای ما را بسویله او پذیرفته و گناهانمان را

مَغْفُورَةً، وَدُعَائِنَا بِهِ مُسْتَجَاباً، وَاجْعَلْ أَرْزَاقَنَا بِهِ مَبْسُوطَةً، وَهُمُومَنَا

امرزیده و دعاهايمان را مستجاب شده و قرار ده روزیهای ما را بدان حضرت گسترده و اندوھهای ما را بسویله اش

بِهِ مَكْفِيَةً، وَخَوَائِجِنَا بِهِ مَقْضِيَةً، وَأَقْبِلْ إِلَيْنَا بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَأَقْبِلْ

بسرطرف شده و حاجتهايمان را روا نموده و رو کن بسوی ما (سرور دکارا) بدان روی بسز کوارت و بسیدیر

تَقَرُّبَنَا إِلَيْكَ، وَأَنْظِرْ إِلَيْنَا نَظْرَةَ رَحِيمَةٍ نَسْتَكْمِلُ بِهَا الْكِرَامَةَ عِنْدَكَ،

تقرب جونی ما را بدرکاهت و بنگر بسوی ما به نگاهی مهربانانه تا بدانوسیله بتوالیم مقام خود را در پیش تو به کمال

ثُمَّ لَا تَضْرِفْهَا عَنَّا بِجُودِكَ، وَأَسْقِنَا مِنْ حَوْضِ جَدِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

رسانیم، و دیگر آن مقام را از ما باز نگردان به جود خودت و سیرابمان کن از حوض جنش - که درود خدا بر او

وآلِهِ بِكَأْسِهِ وَيَبِيدِهِ، رَبِّ يَا رَوِيًّا هَنِيئًا سَائِغًا لَا ظَمًا بَعْدَهُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

والتس باد - از جام او و بدست ان جناب و سیر و سیراب و گوارا و خوش که تشنگی پس از ان نباشد ای مهربانترین مهربانان.

فهرست مطالب

۵۲	اطلاعاتی پیرامون سفیانی	۵	سخن ناشر
۵۳	حوادثی که بیشتر علامت نزدیکی است	۱۰	مقدمه
۵۴	وقایع مخصوصه		
۵۵	علائم قریبه قبل از ظهور		فصل اول: امام زمان <small>علیه السلام</small> را بهتر بشناسیم:
۵۶	علائمی که یکسال یا دو سال قبل از ظهور بوقوع می پیوندد	۲۳	اطلاعات عمومی
۵۷	علائم سال ظهور	۲۵	اسامی مبارک حضرت
۵۸	فترت‌های سال ظهور	۲۹	اسامی آباء و اجداد حضرت
۶۰	علائم تشریفی خاصه آن حضرت در هنگام قیام	۳۰	مشخصات ظاهری آن بزرگوار
۶۱	تصریح علمای شیعہ پیرامون امام زمان <small>علیه السلام</small>	۳۲	صفات یاران حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۶۴	تصریح علمای اهل سنت مسئله ظهور امام زمان <small>علیه السلام</small>	۳۳	یاران آن بزرگوار
۶۵	تصریح علمای اهل سنت بر اینکه جانشینان...	۳۴	علائم امامت
۶۶	نظریات علمای اهل سنت پیرامون امام زمان <small>علیه السلام</small>	۳۶	آثار و موارث انبیاء نزد امام زمان <small>علیه السلام</small>
۶۸	مدعیان مهدویت	۳۷	نشانه‌ها و آثاری که آن بزرگوار از رسول خدا و...
۶۸	مدعیان نیابت خاصه	۳۸	اهدافی که بر دیدارهای حضرت مهدی مترتب است
۶۹	گروههای اسلامی که دچار اشتباه شدند	۳۹	اموری که مخصوص امام زمان <small>علیه السلام</small> می باشد
۷۰	شمارش احادیث پیرامون امام زمان <small>علیه السلام</small>	۴۲	مشخصات معنوی حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۷۷	مهدی از دیدگاه احادیث و روایات	۴۴	جرم‌ها و اماکنی که باید محبت آن بزرگوار...
۷۹	یاران حضرت از چه کشورهایی می باشند	۴۵	زمانیکه عاشقان به یاد آن غریب فاطمه خواهند بود
۸۰	یاران حضرت از شهرهای جمهوری اسلامی ایران	۴۷	نداهای آسمانی
۸۲	یاران حضرت از شهرهای سایر بلاد	۴۷	محتوای نداها
۸۴	هسته مرکزی عالم	۴۸	اطلاعاتی پیرامون ندای جبرئیل و ابلیس
۸۵	اسامی و کلام حضرت و اینکه از چه شهرهایی بوده‌اند	۴۸	علائم آسمانی و زمینی
۸۶	شباهت امام زمان <small>علیه السلام</small> به گل‌های عالم	۴۹	اطلاعاتی پیرامون دجال
۹۰	وجه شباهت بین دو گل عالم	۵۱	علائم حتمی

۱۲۶ وضع غنا و موسیقی و رقص	۹۱ معمرین دنیا
۱۲۶ شراب و قمار و لهو و لعب	۹۴ مردگانی که برای یاری امام زمان <small>علیه السلام</small> می آیند
۱۲۷ شکم پرستی و تجملات و وضع ساختمانها	۹۵ وظایف شیمه در عصر غیبت نسبت به امام زمان <small>علیه السلام</small>
۱۲۸ وضع معیشت و کسب	۹۹ شرایط و دستورات در حالات دعا کننده
۱۲۹ وضع فقیر و غنی	۱۰۱ فواید دعا برای امام زمان <small>علیه السلام</small>
۱۳۰ رأی و بدعت و تغییر حلال و حرام	۱۰۵ وضع آخر الزمان و بعضی از صفات اهل آن
۱۳۰ وضع حق و باطل	۱۰۶ رفتار با والدین و اقوام
۱۳۱ اختلافات و خرابیها و قتل و غارت	۱۰۷ وضع دروغ و تهمت و غیبت
۱۳۲ پیشگوئیهای مختلف در چند مورد	۱۰۸ بدزبانی و کینه ورزی و اخلاق ناپسند
۱۳۴ فلسفه غیبت	۱۰۹ وضع علم
۱۳۴ آیات و روایات در ستایش ایرانیان	۱۰۹ جور و فساد
۱۳۵ حالات منتظران	۱۱۰ وضع علماء و فقهاء و اهل منبر
	۱۱۱ وضع امرآء و عمال و وزراء
فصل دوم: احادیثی در بیان فضیلت دعا:	۱۱۲ وضع قضات و شهود
۱۳۹ در این که دعا سلاح مؤمن است	۱۱۳ وضع عباد و قرآء
۱۴۰ در این که دعا بلا و قضا را رد می کند	۱۱۳ دوگانگی ظاهر و باطن و دورویی
۱۴۱ در این که دعا درمان هر دردی است	۱۱۴ وضع مساجد و افراد در آن
۱۴۲ هر که دعا کند برای او اجابت شود	۱۱۵ وضع قرآن و قاریان آن
۱۴۳ باب الهام دعا	۱۱۶ امر به معروف و نهی از منکر
۱۴۴ باب پیشدستی کردن به دعا	۱۱۷ وضع فساق و فجّار و منافقین و جهال
۱۴۵ یقین داشتن و اعتماد به دعا	۱۱۸ جری شدن در معاصی
۱۴۶ باب روی کردن در دعاء	۱۱۹ وضع زنا و عملهای زشت
۱۴۷ باب اصرار در دعا و انتظار اجابت	۱۲۰ وضع بعضی زنان در آخر الزمان
۱۴۹ باب نام بردن حاجت در دعا	۱۲۱ وضع بعضی مردان در آخر الزمان
۱۵۰ باب نهان داشتن دعا	۱۲۲ فرائض و تکلیف شرعیه
۱۵۰ در اوقاتی که امید اجابت دعا در آن است	۱۲۳ وضع مردم در طاعت خدای متعال و خوف و وحشت
۱۵۳ باب گریه	۱۲۴ وضع دین و معنویت مردم
۱۵۶ باب ستایش و ثنا پیش از دعاء	۱۲۵ حال مؤمن و منافق و کافر

- فایده ۱۲: رستگاری به شفاعت رسول... ۲۱۲
- فایده ۱۳: وسیله داشتن نزد خدای متعال... ۲۱۳
- فایده ۱۴: مستجاب شدن دعاء... ۲۱۵
- فایده ۱۵: اداء اجر رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله... ۲۱۶
- فایده ۱۶: دور شدن بلا... ۲۱۷
- یک نکته جالب: ۲۱۸
- فایده ۱۷: وسعت روزی... ۲۱۹
- فایده ۱۸: آمرزش گناهان... ۲۲۰
- فایده ۱۹: رستگار شدن به دیدار آن حضرت در... ۲۲۲
- فایده ۲۰: برگشت به دنیا در زمان ظهور... ۲۲۴
- فایده ۲۱: برادری پیغمبر صلی الله علیه و آله... ۲۲۵
- فایده ۲۲: تعجیل در امر فرج صاحب الزمان علیه السلام... ۲۲۸
- فایده ۲۳: پیروز از پیامبر و ائمه علیهم السلام... ۲۲۹
- فایده ۲۴: وفای بعهده الهی است... ۲۳۱
- فایده ۲۵: آثار نیکی به والدین... ۲۳۳
- فایده ۲۶: فضیلت رعایت و اداء امانت... ۲۳۵
- فایده ۲۷: اشراق نور امام علیه السلام در دل دعا کننده... ۲۳۷
- فایده ۲۸: مایه طول عمر... ۲۳۹
- فایده ۲۹: همکاری در امور نیک و تقوی... ۲۴۱
- فایده ۳۰: رستگار شدن به یاری خداوند و غلبه... ۲۴۲
- فایده ۳۱: هدایت به نور قرآن مجید... ۲۴۴
- فایده ۳۲: شناخته شدن نزد اصحاب اعراف... ۲۴۶
- فایده ۳۳: ثواب تحصیل علم... ۲۴۷
- فایده ۳۴: امنیت از عقوبتهای اخروی... ۲۴۸
- فایده ۳۵: بشارت و مدارا هنگام مرگ... ۲۵۰
- فایده ۳۶: اجابت دعوت خدا و رسولش صلی الله علیه و آله... ۲۵۶
- فایده ۳۷: قرار گرفتن در درجه امیرالمؤمنین علیه السلام... ۲۵۸
- فایده ۳۸: محبوبترین خلائق نزد خداوند... ۲۶۰
- باب اجتماع برای دعا کردن... ۱۵۹
- باب دعا برای همه... ۱۶۰
- باب کسی که اجابت دعایش به تأخیر افتاده... ۱۶۱
- باب صلوات برای پیغمبر و خاندانش علیهم السلام... ۱۶۵
- آنچه واجب است از ذکر خدای عزوجل در هر مجلس... ۱۶۷
- باب ذکر خداوند عزوجل فراوان و بسیار... ۱۷۱
- در این که صاعقه ذاکر را نگیرد... ۱۷۴
- مشغول شدن به ذکر خدای عزوجل... ۱۷۵
- باب ذکر خدای عزوجل در نهان... ۱۷۶
- باب ذکر خدای عزوجل در میان غافلان از حق... ۱۷۷
- باب استغفار و آمرزش جویی... ۱۷۸
- باب دعا برای برادران در پشت سر آنان... ۱۷۹
- باب کسی که دعایش اجابت می شود... ۱۸۲
- باب کسیکه دعایش مستجاب نیست... ۱۸۵
- باب نفرین بر دشمن... ۱۸۷
- فصل سوم: در بیان فواید دعا برای امام زمان علیه السلام:**
- فایده ۱: بسیار دعا کنید برای تعجیل فرج که... ۱۹۱
- فایده ۲: زیاد شدن نعمت است... ۱۹۲
- فایده ۳: اظهار محبت باطنی... ۱۹۷
- فایده ۴: نشانه انتظار است... ۱۹۸
- فایده ۵: احیا امر امامان علیهم السلام است... ۱۹۹
- فایده ۶: رنجش و وحشت شیطان... ۲۰۱
- فایده ۷: نجات از فتنه های آخر الزمان و... ۲۰۳
- فایده ۸: ادا کردن بعضی از حقوق آن حضرت... ۲۰۵
- فایده ۹: تعظیم خدا و دین خدا و رسول... ۲۰۶
- فایده ۱۰: دعای حضرت صاحب الزمان علیه السلام در... ۲۰۸
- فایده ۱۱: رستگار شدن به شفاعت آن حضرت... ۲۰۹

- فایده ۲۹: گرامی‌ترین خلائق نزد رسول... ۲۶۱
- فایده ۳۰: داخل شدن به بهشت به... ۲۶۲
- فایده ۳۱: مشمول دعای رسول... ۲۶۳
- فایده ۳۲: آمرزش گناهان و مبدل شدن... ۲۶۴
- فایده ۳۳: وسیله تأیید خداوند در عبادت... ۲۶۵
- فایده ۳۴: دفع عقوبت از اهل زمین... ۲۶۷
- فایده ۳۵: ثواب کمک و یاری مظلوم... ۲۶۸
- فایده ۳۶: آثار تواضع و تجلیل بزرگتر را دارد... ۲۷۰
- فایده ۳۷: ثواب خون خواهی امام حسین علیه السلام... ۲۷۳
- فایده ۳۸: تحلل احادیث مشکل اهل بیت علیهم السلام... ۲۷۵
- فایده ۳۹: درخشندگی نور او در قیامت... ۲۷۶
- فایده ۴۰: شفاعت او درباره هفتاد هزار تن... ۲۷۷
- فایده ۴۱: دعای امیرمؤمنان علیه السلام در حق او... ۲۷۸
- فایده ۴۲: بی حساب داخل بهشت شدن... ۲۸۰
- فایده ۴۳: در امان بودن از تشنگی روز قیامت... ۲۸۱
- فایده ۴۴: جاودانگی در بهشت... ۲۸۲
- فایده ۴۵: موجب خراش صورت شیطان... ۲۸۵
- فایده ۴۶: تحفه و هدیه ویژه در قیامت... ۲۸۷
- فایده ۴۷: خدمت گزاران بهشتی... ۲۸۹
- فایده ۴۸: در سایه گستردۀ خداوند قرار می‌گیرد... ۲۹۰
- فایده ۴۹: ثواب خیرخواهی مؤمن... ۲۹۱
- فایده ۵۰: حضور فرشتگان در مجلس دعا... ۲۹۲
- فایده ۵۱: مباحات خدای متعال... ۲۹۳
- فایده ۵۲: استغفار فرشتگان برای دعا کننده... ۲۹۵
- فایده ۵۳: از بهترین مردم بعد از ائمه علیهم السلام... ۲۹۶
- فایده ۵۴: دعا کردن، اطاعت اولی الامر است... ۲۹۸
- فایده ۵۵: باعث خرسندی و رضایت خداوند... ۳۰۰
- فایده ۵۶: مایه شادی و خرسندی... ۳۰۱
- فایده ۶۷: محبوب‌ترین اعمال است... ۳۰۲
- فایده ۶۸: دعا کننده از حکومت... ۳۰۳
- فایده ۶۹: به آسانی به حساب او... ۳۰۴
- فایده ۷۰: مونس مهربانی در عالم برزخ و قیامت... ۳۰۷
- فایده ۷۱: بهترین اعمال است... ۳۰۸
- فایده ۷۲: موجب برطرف شدن غم می‌شود... ۳۱۰
- فایده ۷۳: دعا در عصر غیبت بهتر از... ۳۱۲
- فایده ۷۴: دعای فرشتگان در حق او... ۳۱۷
- فایده ۷۵: دعای حضرت سجاده علیه السلام شامل... ۳۱۸
- فایده ۷۶: تمسک به ثقلین است... ۳۱۹
- فایده ۷۷: چنگ زدن به ربسمان الهی است... ۳۲۱
- فایده ۷۸: موجب کمال ایمان می‌شود... ۳۲۳
- فایده ۷۹: درک ثواب تمام عبادت کنندگان... ۳۲۶
- فایده ۸۰: دعا کردن تعظیم شعائر الهی است... ۳۲۷
- فایده ۸۱: ثواب کسیکه در رکاب... ۳۲۸
- فایده ۸۲: ثواب شهادت زیر پرچم امام... ۳۲۹
- فایده ۸۳: ثواب احسان به مولایمان... ۳۳۱
- فایده ۸۴: ثواب گرامی داشتن و... ۳۳۴
- فایده ۸۵: ثواب گرامی داشتن شخص کریم... ۳۳۵
- فایده ۸۶: محشور شدن در... ۳۳۷
- فایده ۸۷: بالا رفتن درجات در بهشت... ۳۳۹
- فایده ۸۸: در امان بودن از بدی حساب... ۳۴۱
- فایده ۸۹: رستگاری به عالی‌ترین درجات... ۳۴۳
- فایده ۹۰: رستگاری به شفاعت فاطمه علیها السلام... ۳۴۴
- فایده ۹۱: ثواب حج بیت الله الحرام را دارد... ۳۴۶
- فایده ۹۲: ثواب عمره دارد... ۳۴۸
- فایده ۹۳: ثواب اعتکاف در مسجد الحرام... ۳۵۰

- فایده ۹۲: ثواب دو ماه روزه گرفتن ۳۵۱
 فایده ۹۵: قبول شدن شفاعتش در قیامت .. ۳۵۲
 فایده ۹۶: روا شدن صد هزار حاجت او..... ۳۵۴
 فایده ۹۷: ثواب آن بیشتر از ده طواف است .. ۳۵۴
 فایده ۹۸: در آن ثواب بنده آزاد کردن است .. ۳۵۶
 فایده ۹۹: در آن ثواب روانه ساختن ۳۵۷
 فایده ۱۰۰: حمایت هفتاد و پنج هزار فرشته .. ۳۵۹
 فایده ۱۰۱: ثواب هزار سال خدمت به پروردگار .. ۳۶۰
 فایده ۱۰۲: ثواب نه هزار سال نماز ۳۶۱

فصل چهارم: زیارات و دعاهای امام زمان علیه السلام:

- صلوات ابوالحسن صَرَّاب اصفهانی ۳۶۵
 زیارت امام عصر علیه السلام در هر روز جمعه .. ۳۷۱
 دعای عهد ۳۷۲
 زیارت حضرت صاحب الامر علیه السلام ۳۷۵
 زیارت ناحیه مقدسه ۳۸۰
 دعا برای امام زمان علیه السلام ۳۹۳
 استغاثه به حضرت مهدی علیه السلام ۳۹۷
 دعای امام زمان علیه السلام برای گشایش کار ... ۳۹۹
 صلوات بر ولی امر منتظر علیه السلام ۴۰۰
 ذکر صلوات بر امام زمان علیه السلام ۴۰۱
 حرز امام زمان علیه السلام ۴۰۲
 دعای حضرت مهدی علیه السلام ۴۰۲
 زیارت امام زمان علیه السلام در روز جمعه ... ۴۰۴
 زیارت حضرت صاحب الامر علیه السلام ۴۰۵
 دعا در زمان غیبت امام زمان علیه السلام ۴۱۵
 دعای ندبه ۴۲۲

فصل پنجم: زیارات معصومین علیهم السلام:

- آداب عمومی زیارات معصومین ۴۲۴
 زیارت امین الله ۴۲۶
 زیارت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام ۴۲۸
 زیارت حضرت زینب علیها السلام ۴۴۲
 زیارت عاشورا ۴۴۵
 دعای بعد از زیارت عاشورا ۴۵۰
 زیارت امام رضا علیه السلام ۴۵۸
 زیارت جامعه کبیره ۴۶۵
 زیارت رجبیه ۴۷۶
 زیارت حضرت معصومه علیها السلام در قم ۴۷۷
 زیارت حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام .. ۴۸۱
 زیارت امامزادگان ۴۸۴

فصل ششم: دعاهای وارده از معصومین علیهم السلام:

- دُعای سیمات ۴۸۶
 دعای توسل ۴۹۴
 دعای کمیل بن زیاد رضی الله عنه ۴۹۸
 دُعای جوشن کبیر ۵۰۸
 حدیث شریف کساء ۵۲۴
 دعای صنم قریش ۵۲۹
 دعای معروف به یستشیر ۵۴۱
 دُعای مشلول ۵۴۵
 دُعای مُجیر ۵۵۳
 دعای مکارم الأخلاق ۵۵۹
 چند دعا از اصول کافی ۵۶۷
 دعای دیگر ۵۶۹

۶۷۴ دعا برای شفای مریض	۵۷۲ دعای دیگر
۶۷۴ دعا برای امور مهمه	۵۷۶ دعای دیگر
۶۷۵ دعا برای ایمنی از سلطان و بلاء و ظهور	۵۷۸ دعای دیگر
۶۷۷ دعای سریع الاجابة	۵۸۰ دعای دیگر
۶۷۸ عمل ام داود	۵۸۴ دعای شب آخر ماه شعبان و اول ماه رمضان
۶۸۶ اعتکاف و اثرات روح بخش آن	۵۸۶ دعای روز اول ماه رمضان
۶۸۸ اعتکاف	۵۹۵ دعا های روز های ماه مبارک رمضان
۶۸۹ اعتکاف در قرآن	۶۰۱ اعمال مشترکه ماه مبارک رمضان
۶۸۹ وقت اعتکاف	۶۰۳ دعای افتتاح
۶۹۰ محل اعتکاف	۶۱۰ دعای ابو حمزه ثمالی
۶۹۰ شرط انعقاد اعتکاف	۶۳۴ اعمال شب عرفه
۶۹۱ حد اعتکاف	۶۴۳ زیارت امام حسین <small>علیه السلام</small> در روز عرفه
۶۹۱ نیت اعتکاف و وقت آن	۶۶۸ دعا برای ایمان کامل و ثابت
۶۹۲ موجبات فحری قطع اعتکاف	۶۶۹ دعاء برای پدر و مادر
۶۹۳ آداب اعتکاف	۶۶۹ دعا برای ادای حقوق مردم «حق الناس»
۶۹۴ تروک اعتکاف	۶۷۰ دعای بیرون آمدن از منزل
۶۹۶ مواردی که بیرون شدن از مسجد ترخیص شده	۶۷۰ دعا برای ادای دین و قرض
۶۹۶ سخن پایان	۶۷۰ دعا برای کامل شدن توحید انسان
۶۹۸ گفتار در شروط و احکام اعتکاف و	۶۷۱ دعا برای طول عمر
۷۰۴ گفتار در احکام اعتکاف	۶۷۱ دعا برای عقل کامل
۷۰۷ هلال زینب <small>علیها السلام</small>	۶۷۲ دعاء برای علم نافع
	۶۷۲ دعاء برای روزی واسع و حلال و طیب
	۶۷۲ دعای غریق برای حفظ ایمان
	۶۷۳ دعا برای حفظ دین و جان اهل و مال و اولاد
	۶۷۳ دعا برای طهارت ظاهر و باطن
	۶۷۳ دعا برای خیر دنیا و آخرت
	۶۷۳ دعا برای غایت دنیا و آخرت از امام هشتم <small>علیه السلام</small>

فصل هفتم: چند مناجات از معصومین علیهم السلام:

۷۱۷ مناجات حضرت امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small>
۷۲۰ مناجات شعبانیه
۷۲۶ مناجات خمس عشر